اطلاعات

چهارشنبه ۲ شهریور ۱۳۹۰ ـ ۲۳ رمضان ۱۴۳۲ـ ۲۴ آگوست ۲۰۱۱ـ شماره ۲۵۱۱۱ ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

وام ۱۵۰ میلیون تومانی برای واحدهای صنعتی کوچک

*تولیدکنندگانی که در برنامه باز تقسیط جدید دچار معوقه شوند، باید جرائم را بپردازند

*وزیرصنعت، معدن و تجارت:این وام برای بازسازی و نوسازی واحدها اعطا می‌شود

صفحه ٤

رأی شورای حقوق بشر سازمان ملل به تشکیل کمیته تحقیق درباره سوریه

*شورای حقوق بشر با ۳۳ رأی موافق در مقابل ۴ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع، به تشکیل کمیته مستقل تحقیقات درباره وضع حقوق بشر سوریه رأی داد

*جوانان سوریه در حمایت از بشار اسد تظاهرات کردند

صفحه١٦

همبستگی جهانی با انقلابیون لیبی

وزارت خارجه ایران در بیانیه‌ای خیزش مردم لیبی را نشانه انکار ناپذیر بودن ضرورت تمکین به مطالبات بحق مردم دانست

*دبیر کل سازمان ملل، اتحادیه عرب، سازمان همکاری کشورهای اسلامی، حزب الله و دولت لبنان، کویت، امارات، کانادا، بحرین، مغرب و اسپانیا با انقلابیون لیبی اعلام همبستگی کردند

* پرچم انقلابیون لیبی در ترکیه، بلاروس، اوکراین، برزیل و جمهوری چک به اهتزاز درآمد

*وزیرخارجه ترکیه وارد بنغازی شد

*سیف الاسلام و محمد دو پسر قذافی از چنگ انقلابیون گریختند

*قذافی شایعه تسلیم شدنش و ترک طرابلس را تکذیب کرد

*سفیران لیبی در کویت و سوریه به انقلابیون پیوستند

*خانواده امام موسی صدر با صدور بیانیه‌ای، نسبت به روشن شدن زوایای ربودن وی ابراز امیدواری کرد

سرویس خارجی: بان‌کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل از نیروهای وابسته به معمر قذافی خواست به درگیری‌ها پایان داده و اجازه دهند روند انتقال قدرت در این کشور آغاز شود.

وی افزود: مردم لیبی باید وحدت ملی خود را حفظ کنند و سازمان ملل آماده است کمک‌های خود را برای مرحله بعد از پایان درگیری‌ها ارائه دهد.

به گزارش ایسنا، بان‌کی‌مون همچنین بر ضرورت پایبندی لیبی به احکام و مصوبات دادگاه جنایی بین‌المللی در خصوص دستگیری قذافی، سیف‌الاسلام پسرش و عبدالله السنوسی، رئیس سرویس اطلاعات لیبی تأکید کرد.

وی افزود: قرار است نشست ویژه‌ای در مقر سازمان ملل برای بررسی آینده لیبی بعد از پایان دوره قذافی با حضور اتحادیه آفریقا و اتحادیه عرب برگزار شود.

اتحادیه عرب نیز ضمن خرسندی از پایان رژیم چهل ساله قذافی، همبستگی کامل خود را با انقلابیون این کشور اعلام کرد.

نبیل العربی دبیرکل اتحادیه عرب ابراز امیدواری کرد شورای ملی انتقالی لیبی عصر جدیدی را در لیبی رقم بزند و تمامیت منطقه‌ای این کشور و همچنین حاکمیت و استقلال آن را حفظ کند.

بقیه در صفحه١٦

رونمایی از ۳ دستاورد مهم دفاعی در بخش دریا

صفحه ۲

دکتر ندافی رئیس مرکز سلامت و محیط کار وزارت بهداشت خبر داد

مرگ ۳۶۰۰ نفر در اثر آلودگی هوا

* وزارت بهداشت از میزان و منبع پارازیت ماهواره‌ها بی اطلاع است

* به مردم توصیه می‌کنیم که حتی الامکان کمتر در مجاورت اشعه قرار گیرند

* تاثیر آزبست و بنزن بر سرطان‌های ریه و خون قطعی است

* میزان بنزن در پمپ‌های بنزین و مناطق پر ترافیک چند برابر استاندارد است

* ۸۵درصد از مراکز درمانی کشور دچار آلودگی صوتی هستند

سرویس سیاسی -اجتماعی: وزارت بهداشت هیچ اطلاعی از میزان و منبع اشعه‌ای که برای پارازیت ماهواره‌ها ارسال می‌شود ندارد.

دکتر کاظم ندافی رئیس مرکز سلامت و محیط کار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دیروز در گفتگو با خبرنگاران با اعلام این خبر و در پاسخ به این پرسش که براساس برخی از تحقیقات در باره تاثیر پارازیت‌های ماهواره‌ای بر افزایش سرطان کودکان گفت: از نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هر نوع پرتویی باید در شرایط کنترل شده و میزان مشخص ارسال شود.

وی افزود: ما حتی در بحث آنتن‌های بی تی اس تلفن همراه که مقدار تابش آن از حد استاندارد کمتر است به مردم توصیه می‌کنیم تا حد مقدور کمتر در مجاورت این اشعه‌ها قرار بگیرند.

ندافی با تاکید بر این مطلب که هیچ مطالعه موثقی درباره تاثیر اشعه‌ها بر افزایش سرطان در کودکان انجام نشده است، افزود: وزارت بهداشت از این که امواج پارازیت‌ها در چه اندازه‌ای است یا چه نوع امواجی هستند، هیچ گونه اطلاعی ندارد.

رئیس مرکز سلامت و محیط کار وزارت بهداشت درباره تاثیر آزبست‌های موجود در کشور بر افزایش انواع سرطان ریه گفت: در کشور دو نوع آزبست وجود دارد که نوع سفید آن هیچ مشکلی ندارد، اما نوع آبی آن تاثیر جدی بر روی انواع سرطان ریه دارد.

بقیه در صفحه ٤

برگزاری جلسه محاکمه عامل ترور شهید علی محمدی

* علی جمالی فشی: نمی‌دانستم شخصی را که ترور می‌کنم دانشمند هسته‌ای ایران است

* قرار بود پنج نفر دیگر هم ترور شوند

* جمعاً ۱۲۰ هزار دلار برای ترور شهید علی محمدی دریافت کردم

صفحه۱۳

سکه ۵۷۵ هزار تومان شد

*بهای طلا در بازارهای جهانی از ۱۹۱۳ دلار در هر اونس فراتر رفت

* هر گرم طلای ۱۸ عیار(خام) برای نخستین بار ۵۴ هزار و ۷۵۰ تومان فروخته شد

صفحه ٤

توصیه‌های اخلاقی رهبر معظم انقلاب

فضائل امیرمؤمنان - سی روز، سی گفتار - ۲۲

صفحه ۲

آیین مسلمانی

بیست و یکمین حق

یرشدضالّته

حق همراهی در یافتن گم شده

حکمت گم شده مومن

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی

صفحه ۳

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم‌زاده

لیبی بسوی آینده

صفحه ۲

یادداشت

بررسی و ارزیابی عملیات رمضان ۱

دکتر حسین علایی

صفحه ۲

یادداشت

لیبی پایان یک کابوس

پرویز علمایی

صفحه١٦

گزارش

به یاری زندانیان بدهکار بشتابیم

صفحه۵

ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز



توصیه‌های اخلاقی رهبر معظم انقلاب

امیرالمؤمنین علیه‌السلام جزو چهره‌های جذّاب تاریخ است. انسان شاید کمتر شخصیت تاریخی را بتواند پیدا کند که به‌قدر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام در میان همه آحاد بشر -نه فقط ملت اسلام- دلباخته داشته باشد. چه بسیار غیر مسلمانانی که اسلام و حتّی پیامبر اسلام را قبول ندارند اما به علی علیه‌السلام عشق می‌ورزند؛ به او احترام می کنند و او را ستایش می کنند. مسلمانان و به‌خصوص شیعیان هم که نسبت به آن بزرگوار، چه تکریم و تعظیمی در دل و جان و ذهن خودشان قائلند! در بین ما شیعیان و آحاد مسلمین، کسانی هستند که عامل به احکام اسلامی هم نیستند اما امیرالمؤمنین را بزرگ می شمارند. این برای چیست؟ این به‌خاطر آن است که مجموعه خصوصیات والای انسانی در این بزرگوار به‌قدری زیاد بوده است که هر کس که از علی علیه‌السلام چیزی شنیده است، در مقابل این خصوصیات خاضع است. فقط یک دسته استثناء هستند که آن‌ها علی را می شناسند اما با او دشمن‌اند. آن‌ها کسانی هستند که با مبانی‌ای که این انسان بزرگ برای آن جهاد کرده و همه عمر را صرف کرده است، به‌شدت دشمن‌اند؛ طبعاً با سرباز اوّلش هم دشمن‌اند. یا در آن دوره‌های اوّل، کسانی که زخم‌خورده از آن شمشیر بی‌انعطاف و آن انسان آشتی‌ناپذیر با بدی و زشتی بودند، با او دشمن بودند؛ والا آدم‌های باانصاف و انسان‌های فطری، همه محب و مشتاق این شخصیت عظیم‌اند. البته این در صورتی است که از او چیزی شنیده باشند؛ آن‌هایی که نشنیدند و نمی‌دانند، طبعاً خارج‌اند.

دنیا گلستان می‌شد اگر...

در این جا یک نکته وجود دارد و آن این است که ما معمولاً وقتی شخصیت‌ها یا خصوصیات را به‌صورت جمع‌بندی شده از دور می‌نگریم، آن‌ها را ستایش می کنیم اما وقتی نزدیک می‌شویم و پای عمل و پای پیروی به میان می‌آید، دچار مشکل می‌شویم. عیب کار آحاد بشر این است. اگر همان قدری که مردم دنیا به عدالت و به انصاف و به شجاعت امیرالمؤمنین، به طرفداری از مظلوم که در او بود، به طرفداری از حقیقت که در او بود، به ظلم‌ستیزی که در او بود، علاقه و محبّت دارند، چنانچه در مقام عمل، خود را به این خصوصیات نزدیک می کردند -ولو یک قدم- دنیا گلستان می‌شد؛ اما ما آدم‌ها -یعنی همین ما، همین امثال بنده؛ آدم‌هایی که این طور از دور امیرالمؤمنین را ستایش می کنیم- در جایی در زندگی و در قضاوت معمولی خودمان به یکی از همین کارهایی که از امیرالمؤمنین ستایش می کنیم یا از کسی که می‌خواهد راه امیرالمؤمنین را برود برخورد کنیم، معلوم نیست که دیگر آن‌قدر ستایش کنیم؛ در دل برمی‌آشوبیم و با او به مقابله برمی‌خیزیم. اگر خدای نکرده شقاوت بر ما غلبه داشته باشد، به روی او شمشیر هم می کشیم! عیب کار این جاست. لذا جا دارد که ما همان قدری که از جمع‌بندی شده خصال امیرالمؤمنین سخن می گوییم، از ریز خصوصیات آن بزرگوار هم مطّلع شویم. این امیرالمؤمنین که عادل بود، عدل او چگونه بود؟ این عدلی که این‌قدر تعریف دارد، در مقام عمل چگونه بود؟ در قدم بعد سعی کنیم که در مقام عمل، خودمان را به او نزدیک کنیم. این درست است؛ این مایه تکامل است. شما شنیده‌اید که در بعضی از روایات آمده است کسانی به ائمه علیهم‌السلام عرض می کردند ما شیعیان شما هستیم -کما این که طبق روایتی، کسانی آمدند و به خود امیرالمؤمنین هم این را گفتند- اما ائمه بنابر این روایات، در جواب این‌ها استنکار می کردند: کجای شما به دوستان و پیروان ما شبیه است؟ شما این خصلت و این خصوصیت و این رفتار و این گفتار را دارید. به عبارت دیگر، این‌ها از ما مطالبه عمل می کنند؛ عمل هم تابع اعتقاد است. انسان باید به چیزی معتقد باشد.

البته امروز ملت ایران باید خدا را خیلی شکر کند که زمینه پیروی از امیرالمؤمنین و از اسلام در این کشور فراهم است. غالب جمعیت این کشور، دل به سمت حقیقت دارند. اکثریت عظیم نزدیک به اتّفاقی در این کشور این‌طورند. ولو حالا در میان آن‌ها کسانی هم عامل به بعضی از فروع نباشند؛ اما دل‌ها، روح‌ها، اعتقادها و ایمان‌ها به همان سمتی گرایش دارد که انگشت اشاره امیرالمؤمنین به آن سمت مردم را هدایت می کرد.

سرمشق فکر و عمل

من امروز روایتی را انتخاب کردم که بخوانم؛ این روایت در «ارشاد مفید» است. البته من متن حدیث را از کتاب «چهل حدیث» امام بزرگوارمان -که کتاب بسیار خوبی است- نقل می کنم؛ لیکن با «ارشاد» هم تطبیق کرده‌ام. روایت را شیخ مفید نقل می کند. راوی می گوید که ما در خدمت امام صادق علیه‌الصّلاهٔ‌والسّلام بودیم، صحبت امیرالمؤمنین شد. «و مدحه بما هو أهله»؛ امام صادق زبان به ستایش امیرالمؤمنین گشود و آن‌چنان که مناسب او بود، امیرالمؤمنین را مدح کرد. از جمله چیزهایی که گفت -که این راوی یادش مانده و مثلا در همان مجلس یا در بیرون آن مجلس نوشته است- این‌هاست. من نگاه کردم، دیدم هر کدام از این فقره‌هایی که در این حدیث به آن تکیه شده است، تقریباً به یک بُعد از زندگی امیرالمؤمنین اشاره می کند... طبق این روایت، امام صادق در مقام تعریف از امیرالمؤمنین حرف می‌زند. اولین جمله‌ای که فرمود، این بود: «و الله ما أکل علی بن أبی‌طالب علیه‌السّلام من الدنیا حراماً قطّ حتی مضی لسبیله»؛ امیرالمؤمنین تا آخر عمر، یک لقمه حرام در دهان نگذاشت؛ یعنی اجتناب از حرام، اجتناب از مال حرام، اجتناب از دستاورد حرام. البته مراد، حرام واقعی است؛ نه آن حرامی که برای آن بزرگوار حکمش هم منجّز شده باشد؛ یعنی مشتبه را هم به خود نزدیک نکرد. ببینید؛ این‌ها را به‌عنوان دستورالعمل و سرمشق در عمل -و بالاتر از آن در فکر- برای ما بیان کرده‌اند. امام صادق و امام باقر و امام سجاد هم اعتراف می کنند که ما نمی توانیم این‌طوری زندگی کنیم! حالا نوبت به امثال بنده که می‌رسد، دیگر واویلاست! بحث سر این نیست که من یا شما بخواهیم این‌طور زندگی کنیم؛ نه، آن زندگی، زندگیِ این قلّه است؛ این قلّه را نشان می‌دهد. معنای نشان دادن قلّه این است که همه باید به این سمت حرکت کنند. البته چه کسی هست که به آن بالا برسد؟!

«و ما عرض له أمران قط هما لله رضی إلّا أخذ بأشدهما علیه فی دینه»؛ یعنی هر وقت دو کار و دو انتخاب در مقابل امیرالمؤمنین قرار می گرفت که هر دو مورد رضایِ خدا بود -نه این که یکی حرام، یکی حلال باشد؛ نه. هر دو حلال باشد؛ مثلا هر دو عبادت باشد- علی آن یکی را که برای بدن او سخت‌تر بود، آن را انتخاب می کرد؛ اگر دو غذای حلال بود، آن پست‌تر را انتخاب می کرد؛ اگر دو لباس جایز بود، آن پست‌تر را انتخاب می کرد؛ اگر دو کار جایز بود، آن سخت‌تر را برمی گزید. ببینید؛ این صحبت یک گوینده معمولی نیست که حرف بزند. طبق این حدیث، این امام صادق است که می گوید؛ یعنی دقیق است. ببینید این سخت‌گیری بر خود در زندگی دنیا و در تمتّعات دنیوی، چه قدر مهم است!«و ما نزلت برسول الله صلی الله علیه و آله نازلهٔ قطّ إلاّ دعاه فقدمه ثقهٔ به»؛ هر وقت مسأله مهمی برای پیامبر پیش می‌آمد، پیامبر او را صدا می کرد و جلو می‌انداخت؛ به‌خاطر این که به او اعتماد داشت و می‌دانست که اوّلا خوب عمل می‌کند؛ ثانیاً از کار سخت سرپیچی ندارد؛ ثالثاً آماده مجاهدت در راه خداست. مثلاً در «لیلهٔ المبیت» -آن شبی که پیامبر مخفیانه از مکه به مدینه آمد- یک نفر باید آن‌جا در آن رختخواب می‌خوابید. پیامبر علی را جلو انداخت. در جنگ‌ها، امیرالمؤمنین را جلو می‌فرستاد. در کارهای مهم -هر مسأله اساسی و مهمی که پیش می‌آمد- علی را جلو می‌انداخت: «ثقهٔ به»؛ چون اطمینان داشت و می‌دانست که او برنمی گردد؛ نمی‌لرزد و خوب عمل خواهد کرد.

ببینید؛ صحبت این نیست که امثال بنده -آدم‌های حقیر و ضعیف- ادّعا کنیم که می‌خواهیم این‌طوری عمل کنیم؛ نه. صحبت این است که ما باید در این جهت حرکت کنیم. انسان مسلمان پیرو علی، خطّش باید این خط باشد و هرچه بتواند، جلو برود. بعد فرمود: «و ما اطاق أحد عمل رسول الله صلی الله علیه و آله من هذه الأمهٔ غیره»؛ هیچ کس از این امت طاقت این را نداشت که مثل پیامبر عمل کند، مگر او. او بود که مثل پیامبر در همه‌جا می‌رفت. هیچ کس دیگر نمی توانست به دنبال پیامبر و پا جای پای آن حضرت حرکت کند.

بدهکار خدا

«و إن کانَ لیعمل عمل رجل کان وجهه بین الجنهٔ و النار»؛ با همه این کارهای بزرگ و خداپسند و مؤمنانه، رفتار او، رفتار یک انسان بین خوف و رجا بود؛ از خدا ترسناک بود، کأنّه او را بین بهشت و جهنم قرار داده‌اند؛ در یک طرف بهشت را می‌بیند، در یک طرف جهنم را می‌بیند. «یرجو ثواب هذه و یخاف عقاب هذه». خلاصه این جمله این است که به این همه مجاهدت، به این همه انفاق، به این همه عبادت، مغرور نمی‌شد. ما حالا دو رکعت نافله و چند جمله دعا که بخوانیم -و اگر دو قطره اشک بریزیم- فوراً مغرور می‌شویم که بله دیگر: «این منم طاووس علیین شده»! اما امیرالمؤمنین با این انبوه عمل صالح، مغرور نمی‌شد. البته این که چرا شخصی مثل امیرالمؤمنین، شخصی مثل پیامبر، شخصی مثل امام سجّاد -که خدا اصلا بهشت را برای خاطر این طور انسان‌ها آفریده- باز از آتش جهنّم می ترسند و به خدا پناه می‌برند، این خودش بحث جداگانه‌ای دارد. ما کوچکیم؛ دید ما قاصر است؛ ما نزدیک‌بین هستیم؛ ما عظمت الهی را نمی‌فهمیم؛ ما مثل بچه کوچک و غیرممیزی هستیم که در مقابل یک شخص عظیم علمی، بازی می کند؛ می‌آید و می‌رود و اصلاً عین خیالش هم نیست؛ چون نمی‌شناسد که این شخص کیست؛ اما شما که پدر او هستید و عقلتان صدبرابر اوست، در مقابل آن شخصیت خضوع می کنید. ما در مقابل خدای متعال و ضعیتمان این است. ما مثل بچه‌ها، مثل آدم‌های غافل، مثل آدم‌های پست، عظمت الهی را نمی‌فهمیم اما آن کسانی که از مرحله علم، به مرحله ایمان رسیده‌اند؛ از مرحله ایمان، به مرحله شهود رسیده‌اند؛ از مرحله شهود، به مرحله فناء لله رسیده‌اند؛ آن‌ها هستند که عظمت الهی در چشم‌هایشان آن‌چنان جلوه می‌کند که هر عمل صالحی از آن‌ها سر بزند، به‌نظرشان نمی‌آید؛ اصلا می گویند ما کاری نکرده‌ایم. همیشه بدهکار ذات مقدس احدیت‌اند.

بقیه در صفحه ٤

رونمایی از ۳ دستاورد مهم دفاعی در بخش دریا

رئیس جمهوری همزمان با روز صنعت دفاعی از سه دستاورد مهم دفاعی کشور در حوزه موشکی، مهمات و دریایی رونمایی کرد.

موشک قادر، سامانه اژدر بومی والفجر و موتور دریایی بنیان ۱، سه پروژه دفاعی هستند که توسط متخصصین توانمند صنایع دفاعی کشورمان و در راستای خودکفایی، بازدارندگی و اقتدار ملی ساخته شده‌اند.

موشک قادر از نوع موشک‌های کروز دریایی با برد حدود ۲۰۰ کیلومتر است که با قابلیت بالای تخریب می تواند علیه اهداف دریایی از جمله ناوچه‌ها و ناوهای جنگی و همچنین اهداف ساحلی دشمن مورد استفاده قرار گیرد.

این موشک قابلیت پرواز با ارتفاع پایین، تخریب بالا، وزن و ابعاد کم، دقت بالای شلیک و اصابت به هدف و قابلیت شلیک از ساحل و شناورهای دریایی را دارد. تجهیز مرزهای دریایی کشور به این موشک پیشرفته، گام بسیار موثری در جهت بازدارندگی، اقتدار ملی و دفاع از تمامیت ارضی کشور محسوب می‌شود.

همچنین سامانه اژدر بومی والفجر و زیرسیستم‌های آن که توسط متخصصان صنایع دفاعی کشور ساخته شده با سرجنگی ۲۲۰ کیلوگرمی توانایی انهدام شناورهای سنگین دشمن را داشته و از شناورهای زیردریایی شلیک می‌شود.

این سامانه قابلیت عملیات در شرایط ناپایدار دریایی و کاربرد در آب‌های کم عمق و عمیق دریا را دارد و مجهز به سیستم ایمنی و تسلیح پیشرفته است.

این اژدر در فرایند طراحی و تولید خود انواع آزمایش‌های میدانی دریایی شامل تست‌های کنترلی و فرمان پذیری با تست‌های دریایی آشیانه یابی و تست‌های آشکار سازی را با موفقیت انجام داده است و به عنوان یکی از پیچیده‌ترین سلاح‌های دریایی نقش بسیار مهمی در ارتقای توان دریایی و کارآمدی شناورها و زیردریایی‌های کشور خواهد داشت.

موتور دریایی بنیان ۱ نیز که از آن رونمایی شد نخستین موتور دریایی کاملاً بومی کشور است که با ساخت آن دانش ساخت این نوع تجهیزات کاملاً در کشور بومی شده ست.

موتور بنیان ۱ در آزمایشات مربوط به توان ۸۵۰ اسب بخار، تمامی مراحل را با موفقیت طی کرده و در آینده نزدیک در شناورهای نظامی و غیرنظامی کشور مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

این موتور از نظر عملکرد در مقایسه با بسیاری از موتورهای خارجی از وضع مناسبی برخوردار بوده و نیاز کشور در این بخش را به صورت کامل تامین خواهد کرد.

سخنان رئیس جمهوری

رئیس جمهوری در مراسم رونمایی از این دستاوردها سیاست دفاعی ایران را بازدارنده معرفی و اعلام کرد که هیچگاه از قدرت دفاعی خود برای فتح سرزمین‌ها و تسلط بر بشریت استفاده نمی‌کنیم و می‌خواهیم با استفاده از آن جلوی ظلم و ستم، بی عدالتی و کینه‌ورزی را بگیریم.

به گزارش ایسنا، دکتر احمدی‌نژاد، ماه رمضان را هدیه خدا به بشریت برشمرد و گفت: در ماه رمضان فرصت بهره‌مندی از رحمت الهی فراهم است. اگر انسان برای خدا کار کند، کارهایش ماندگار و شکوفا می‌شود.

وی ادامه داد: حدی و مرزی برای اخلاص و عمل خالصانه وجود ندارد و در مقابل کاری که برای غیرخدا باشد، ساقط‌کننده است، حتی عبادت نیز اگر برای خدا نباشد، منجر به سقوط می‌شود. شیطان هم هفت هزار سال عبادت کرد و چون اخلاص نداشت، موجب طغیان و طرد او شد.

احمدی‌نژاد در ادامه گفت: ماه رمضان ماه تمرین اخلاص و کار برای خداست و ماه جلوه رحمت آسمانی و محبت است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر اخلاص در عبادات، تصریح کرد: چه بسا کسانی هستند که حافظ قرآن‌اند و قرآن می‌خوانند، اما پای جنایات رژیم صهیونیستی را امضا می‌کنند، حتی کسی که قاتل امیرالمومنین حضرت علی(ع) بود، از شدت عبادات پیشانیش پینه بسته بود و مدعی بود که حافظ قرآن است.

رئیس جمهوری کشورمان در بخش دیگری از سخنان خود با تشکر از فعالان صنایع دفاعی کشور، خاطرنشان کرد: صنعت دفاعی و قدرت دفاعی و سیاست دفاعی ما بر اساس گسترش محبت است، چرا که ما عدالت و محبت را لازم و ملزوم یکدیگر و هر دو را جلوه‌ای از یک حقیقت می‌دانیم.

رئیس جمهوری در ادامه با تأکید بر این که سیاست و برنامه دفاعی ما بازدارنده است، گفت: بهترین بازدارندگی این است که دشمن به خود جرات تجاوز ندهد و پاسخ ما در دفاع آنچنان کوبنده باشد که دشمن نتواند به تصمیم‌گیری برای تجاوز برسد.

احمدی‌نژاد گفت: تجهیزات دفاعی دشمن باید در مبدا خود از کار بیفتد، باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که این تجهیزات از همان ابتدا از کار بیفتد، نه این که در آسمان تهران با آن برخورد کنیم. البته در عین حال باید فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی‌مان طوری باشد که به دشمن مجال استفاده از تجهیزات را ندهیم.

وی گفت: ما خدا را سپاسگزاریم که صنعت دفاعی ما بالنده، پرنشاط و در حال پیشرفت است. برخی دستاوردهای صنایع دفاعی ما قابل رقابت در سطح جهان است و این موجب افتخار برای ما و دلگرمی برای همه مستضعفان است.

رئیس جمهوری همچنین خاطرنشان کرد: دستاوردهای صنایع دفاعی ما باید دو ویژگی داشته باشد، یکی این که از همه علم و فناوری‌ها بهره بگیرد و دیگر این که باید بهترین دستاوردهایی باشد که خود را نشان داده است.

وی ادامه داد: این دستاوردها همچنین باید موتور پیشروان علم و فناوری در کشور باشد و همه دانشگاه‌ها می‌توانند در این راستا حرکت کنند، چرا که تجهیزات اتخاذ شده در صنایع دفاعی کاربردهای چند منظوره دارد، این دستاوردها افتخارآمیز است و کارهایی بزرگ هدفمند، هوشمند و ارزشمند است. من از تمامی دست‌اندرکاران صنعت دفاعی که برای گسترش عدالت و کرامت انسانی تلاش می‌کنند، تشکر می‌کنم.

وی در پایان سخنان خود با اشاره به شب‌های قدر گفت: این شب‌ها شب‌هایی است که سرنوشت انسان رقم می‌خورد و ملائکه می‌آیند و دستور کارها را برای عالم هستی از امام دریافت می‌کنند. آرمان همه انبیای الهی، اصلاح مدیریت جهان و حاکم کردن انسان کامل بر مقدرات بشر بوده است.

رئیس جمهوری پیش از سخنان خود به تعدادی از برگزیدگان صنعت دفاعی کشور لوح تقدیر اهدا کرد.

احمدی‌نژاد پیش از مراسم از نمایشگاه صنایع دفاعی کشور که در دانشگاه مالک‌اشتر برپا است، بازدید کرد و در جریان قابلیت‌های آخرین دستاوردها و پروژه‌های دفاعی کشور قرار گرفت.

سیمای صنعت دفاعی کشور

پیش از سخنان رئیس جمهوری، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با تشریح موج‌های اول، دوم و سوم توسعه صنعت دفاعی کشور، گفت: در آغاز موج سوم توسعه، صنعت دفاعی بومی، خود اتکا و متنوع جمهوری اسلامی ایران به صنعتی منحصر به فرد در سطح منطقه و دارای قدرت رقابت در سطح جهانی تبدیل شده است.

سردار سرتیپ پاسدار احمد وحیدی، ویژگی موج سوم توسعه را تولید سامانه‌های دفاعی هوشمند با فناوری‌ها و کیفیت برتر، انعطاف بیشتر و در عین حال دستیابی به آنها در سریعترین زمان ممکن ذکر کرد.

وزیر دفاع گفت: در این روند امروز حدود ۲۳۳ فناوری در حوزه‌های موشکی، تسلیحات، مهمات، خودروهای زرهی و تاکتیکی، الکترونیک، هوایی، دریایی، مخابرات، ناوبری، و نرم‌افزار که جزء فناوری‌های پیشرفته محسوب می‌شود، منحصراً در اختیار وزارت دفاع قرار دارد.

وی در ادامه تصریح کرد: اگرچه صنعت دفاعی توانست با بهره‌گیری از استعداد و خلاقیت‌های متخصصین و اندیشمندان خود شیب تند توسعه را در سطح مطلوبی طی نماید، اما برای پر کردن فاصله‌ها نیاز به یک عزم ملی و جهش خلاقانه در عرصه علوم و فناوری بود، بر این اساس با تهیه و اجرای طرح تعالی و هم‌اندیشی اجرایی و علمی هسته‌های دانا و شبکه توانا، تبدیل صنایع دفاعی را به صنایع پویا، چابک و دانش بنیان هدف گرفت.

وحیدی تدبیر فرمانده معظم کل قوا را منشاء و زیربنای این اقدام مهم توصیف کرد.

وزیر دفاع، رشد قابل توجه ظرفیت‌های تولیدی، افزایش چشمگیر ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، رشد ظرفیت نخبگی و توسعه شرکت‌های دانش بنیان، افزایش جذابیت کسب و کارهای دانش بنیان و فناوری‌های پیشرفته، تقویت بخش غیر دولتی و کاهش تصدی‌های دولتی در چارچوب اصل ٤٤، کارآفرینی در سطح گسترده، کاهش ریسک فناوری‌های پیشرفته، تقسیم هزینه‌های تولید تسلیحات پیشرفته و افزایش سرعت دستیابی به سامانه‌ها و فناوری‌های پیشرفته را از جمله دستاوردهای این اقدام مهم برشمرد که می‌توان در آینده نزدیک آن را به طور ملموس و به خوبی مشاهده کرد.

وحیدی، مشارکت ۸۰ دانشگاه در قالب ۳۵۰ قرارداد را از دستاوردهای طرح تعالی وزارت دفاع ذکر کرد و گفت: در این طرح بیش از صدها شرکت دانش محور و مرکز تحقیقاتی فعال شده‌اند.

وزیر دفاع، با ارائه یک گزارش مقایسه‌ای از عملکرد وزارت دفاع در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۸ گفت: در همه زمینه‌ها نظیر فروش کالا و خدمات ٢٤ درصد، صادرات ۳۷ درصد، رتبه‌های کسب شده در جشنواره‌ها ۲۸ درصد، فناوری های ثبت شده ۳۶ درصد، مقالات پذیرفته شده در مجامع و نشریات خارجی ۶۱۳ درصد، حمایت از ایده‌ها و طرح‌های ارائه شده از طریق به کارگیری نخبگان ١٤٠ درصد، برون سپاری در سازمان‌های صنعتی ۲۳ درصد، پروژه‌های خاتمه یافته صنعتی ٧٤ درصد و صنایع همکار ۱۷ درصد رشد داشته‌ایم و این نشان بالندگی و پویایی صنایع دفاعی در شرایطی است که دشمنان سعی دارند با افزایش فشار و تحریم راه پیشرفت و تعالی ملت ایران را سد کنند.

وی با بیان این‌که، این روند رو به رشد در سال ۱۳۹۰ نیز با شتاب بیشتری تداوم دارد، گفت: امسال حداقل ۳۵۰ پروژه تحقیقاتی با همکاری دانشگاه‌های طراز اول کشور در وزارت دفاع در جریان است و این دانشگاه‌ها برای همکاری با وزارت دفاع در حال رقابت هستند.

وحیدی در پایان سخنان خود با قدردانی از همه کسانی که در مأموریت‌های مهم یاری می‌دهند، تاکید کرد: مدیران، متخصصان، نخبگان، دانشمندان و کارکنان وزارت دفاع و سازمان‌های تابعه آن به‌عنوان مجموعه‌ای خدوم، ولایی، انقلابی، مخلص و مولد قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اجرای رسالت خطیری که برعهده دارند همواره آماده فداکاری و جانبازی در راه دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای والای آن هستند.

آمادگی ایران برای استقرار اردوگاه ۲ هزار نفری در سومالی

وزیر امور خارجه از کمک ۲۵ میلیون دلاری ایران به مردم سومالی خبر داد و گفت: این کمک‌ها شامل مواد غذایی، دارو و امکانات اسکان است.

دکتر علی‌اکبر صالحی که برای بازدید از مراحل امداد رسانی به مردم قحطی‌زده سومالی در موگادیشو به سر می‌برد، همچنین از آمادگی ایران برای استقرار اردوگاه دوهزار نفری از خانواده‌های سومالیایی خبر داد.

به گزارش ایسنا وزیر خارجه در جمع خبرنگاران گفت: ایران تاکنون شش محموله به سومالی ارسال کرده است.

او ادامه داد: ایران نزدیک به ۲۵ روز است که نسبت به کمک‌رسانی به مردم قحطی‌زده سومالی اقدام کرده است و در میان کشورهای اسلامی از پیشگامان بوده است. همچنین به درخواست ما نشست اضطراری برای بررسی و چگونگی کمک‌رسانی به مردم سومالی از سوی سازمان همکاری کشورهای اسلامی در استانبول تشکیل شد که وزیر اقتصاد ایران در آن شرکت کرد.

صالحی گفت: امیدواریم بتوانیم به سومالیایی‌هایی که در کشورهای اطراف مستقر هستند هم کمک‌رسانی داشته باشیم.

او افزود با توجه به عنایات مقام معظم رهبری و توصیه ایشان به رسیدگی به مشکلات خانوارهای سومالیایی و مسلمانان این کشور، جمهوری اسلامی ایران به این مساله توجه دارد. امیدواریم در این سفر با برادران و مسئولان سومالیایی برای تسهیل روند کمک‌رسانی بحث و گفت‌وگو داشته باشیم تا مردم این کشور از بحران عبور کنند.

وزیر خارجه کشورمان همچنین با اشاره تأمین آب آشامیدنی در این کشور، اظهار داشت: آمادگی داریم تا با استفاده از تجربیات متخصصان کشورمان در حفر چاه به این مسأله بپردازیم چرا که این کشور با مسأله خشکسالی و جنگ‌های داخلی مواجه بوده که موجب سخت‌تر شدن کمک‌رسانی و نیز همکاری در زمینه‌های امدادرسانی شده است.

وی همچنین از کمک دومیلیون دلاری توسعه‌ای برای در اختیار گرفتن ساختمانی برای تجهیز یک درمانگاه خبر داد و گفت: در این زمینه آماده فعالیت هستیم و اکنون در حال ایجاد درمانگاه‌های سرپایی هستیم.

صالحی تأکید کرد: در حال حاضر هلال احمر کانال ارتباطی ما برای کمک‌رسانی به مردم سومالی است و وزارت خارجه وظیفه خود می‌دانست تا توجه و اهتمام مردم ایران نسبت به مردم سومالی را به اطلاع مسئولان این کشور برساند.

وزیر خارجه همچنین گفت: رئیس جمهوری سومالی به زودی به ایران سفر می‌کند.

راهپیمایی روز قدس با محوریت بیداری منطقه‌ای برگزار می‌شود

سرویس سیاسی -اجتماعی: امسال مراسم روز جهانی قدس با محوریت بیداری اسلامی در منطقه و تبیین دستاوردهای آن، در سراسر کشور برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را رمضان شریف، رئیس ستاد قدس و انتفاضه شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در نشستی خبری اعلام کرد و توضیح داد: مراسم امسال با شکوهتر از سال‌های گذشته برگزار می‌شود، چرا که استقامت مردم منطقه امروز به بار نشسته است و شاهد سقوط دیکتاتورهای حامی رژیم اشغالگر قدس در کشورهای منطقه هستیم.

او از برگزاری راهپیمایی و مراسم ویژه روز جهانی قدس در تمامی شهرهایی خبر داد که در آن نماز عبادی، سیاسی جمعه برپا می‌شود و افزود: برای نخستین بار، به منظور شرایط خاص بیداری اسلامی، شخصیت‌های تراز ملی از تهران به ۲۵ مرکز استان اعزام می‌شوند تا درباره جنبش‌ها و قیام‌های مردمی منطقه سخنرانی کنند.

به گفته او، همچنین ۶۰ کارشناس موضوع فلسطین در جمعی با حضور آیت‌الله جنتی، آخرین گزارش‌ها از اوضاع مقاومت مردم در سرزمین اشغالی را تبیین و بررسی می‌کنند.

شریف درباره مراسم روز جهانی قدس در تهران هم اظهار داشت: این مراسم از ساعت ۱۰/۳۰ صبح از هفت مسیر مشخص شده به سمت میعادگاه نماز جمعه انجام می‌شود که در مسیر راهپیمایی، ایستگاه‌های فرهنگی برای ارائه تصاویری از مقاومت مردم فلسطین برپا خواهد بود.

او در پاسخ به این پرسش که خطیب نماز جمعه و سخنران پیش از خطبه‌های این هفته، به مناسبت روز جهانی قدس، چه کسانی هستند گفت: آیت‌الله سید احمد خاتمی نماز جمعه این هفته را اقامه می‌کند و دکتر محمود احمدی‌نژاد سخنران پیش از خطبه‌هاست که به مناسبت روز جهانی قدس سخنرانی خواهد کرد، اما نماینده‌ای از مقام‌های مقاومت فلسطین در مراسم به عنوان سخنران نخواهیم داشت. شریف درباره تحولات سوریه و ارتباط آن با رژیم صهیونیستی اظهار داشت: مردم و دولت سوریه باهم یکدل هستند و از مخالفان رژیم صهیونیستی به شمار می‌روند و براساس تحقیقات مشخص شده است که بسیاری از سلاح‌های مبارزه با مردم در سوریه از اسراییل تأمین می‌شود، زیرا رژیم اشغالگر قدس در حال شکل دادن جبهه‌ای عظیم علیه دولت سوریه است، اما پیش‌بینی می‌شود که وضع سوریه برای اسرائیل و آمریکا، در نهایت، مطلوب نباشد.

رئیس ستاد قدس و انتفاضه درباره برپایی نخستین راهپیمایی روز قدس در مصر گفت: اگر این اقدام توسط جوانان انقلابی مصر که نیروی محرکه قیام این کشور بودند انجام شود. شاهد راهپیمایی با شکوهی خواهیم بود، اما بقایای دولت مبارک همچنان در این کشور به چشم می‌خورند که مطمئناً در برابر این مراسم مقاومت خواهند کرد. در این نشست خبری، خبرنگاری دربارهٔ برپایی مراسم روز جهانی قدس در داخل فلسطین پرسش را مطرح کرد که شریف پاسخ داد: جمعیت داخل فلسطین ناهمگون و متفاوت است که تبعیض هم علیه آن اعمال می‌شود و نظام طبقاتی در دولت رژیم صهیونیستی هم به گونه‌ای است که صداها علیه خود را خنثی می‌کند، اما اکنون یهودیان سراسر دنیا که در سرزمین اشغالی جمع شده اند، نگران تأمین امنیت خود هستند، زیرا این سرزمین را غصب شده می‌دانند و مسلماً در چنین سرزمینی، تأمین امنیت امکان ندارد.

شریف در عین حال تأکید کرد: یکی از پیام‌های مراسم امسال به حاکمان کشورهای منطقه آن است که از سرنوشت فرعون مصر، بن علی و قذانی درس بگیرند و همگی با اراده ملت‌های خود همراه باشند و به ویژه حاکمانی که از طرح‌های رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند، دست از لجاجت خود بردارند و به یاری ملت فلسطین بشتابند.

بیانیه مجمع جهانی تقریب

از سوی دیگر، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت روز جهانی قدس بیانیه‌ای صادر کرد که در بخشی از آن آمده است: روز قدس پشتوانه بزرگی برای ملت مظلوم فلسطین در مقابله با صهیونیست‌هاست؛ چرا که شعارهای مسلمانان در این روز بزرگ، لرزه بر اندام مستکبران جهانی خواهد انداخت؛ گرامی داشت این روز بزرگ و همزمانی آن با بیداری اسلامی در منطقه پایه‌های استکبار جهانی و در رأس آن‌ها امریکا و اسرائیل را سست و لرزان خواهد کرد. بی تردید حضور پرشور و مردمی ملت شریف ایران در راهپیمایی روز جهانی قدس، مشت محکمی بر دهان مزدوران و تفرقه‌افکنان مذهبی خواهد بود؛ بیداری اسلامی حقیقتی غیرقابل انکاراست. مسلمانان با پیروی از مفاهیم متعالی و بهره‌مندی از آموزه‌های ارزشمند اسلامی، استکبار جهانی را به چالش جدی کشیده‌اند و دوران کنونی، دوران بیداری اسلامی است که فلسطین در کانون آن قرار دارد.

در ادامه این بیانیه می‌خوانیم: این بیداری اسلامی ناشی از روح عزت، اسلام خواهی و استکبارستیزی حضرت امام خمینی (ره) است که اکنون در کالبد همه امت اسلام دمیده و خواب جهانخواران و مستکبران را پریشان ساخته است و بنا به فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بیداری اسلامی ملت‌های منطقه، حرکتی در مسیر نبوی است و ملت‌های مسلمان و ملت بزرگ ایران، با هوشیاری اجازه نخواهند داد آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، با ایجاد اختلاف و حیله‌های دیگر این حرکت عظیم را منحرف یا بر آن موج سواری کنند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اعلام خشم و انزجار از رژیم منفور صهیونیستی، حضور یکپارچه و پرشور ملت‌های مسلمان به ویژه ملت شریف ایران در این روز بزرگ را خواستار است تا بدین‌وسیله حمایت بی‌دریغ خود را از مبارزات ملت مظلوم فلسطین و انتفاضه سرافراز اعلام کنند و قدرت اتحاد اسلامی را در سراسر جهان به نمایش بگذارند.

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

لیبی بسوی آینده

از دیروز که پرونده حکومتی قذافی بسته شد و به انتها رسید، در اغلب محافل سیاسی سخن از آینده لیبی است. آینده لیبی چگونه رقم خواهد خورد؟ پرسشی که هنوز جواب روشن و ساده‌ای ندارد. کارشناسانی که مسائل لیبی را رصد کرده‌اند، سه محور اصلی و عمده را، مشکل اساسی دولت آینده لیبی ارزیابی می کنند.

۱ـ نزدیک به نیم قرن دیکتاتوری قذافی فقر فرهنگی را در این کشور نهادینه کرده است در حالیکه هیچ نهاد مدنی مستحکمی در این کشور وجود ندارد. لیبی امروز فاقد هرگونه نهاد مدنی متشکل است. این ویژگی منفی، موجب آشفتگی مردم و بخودی خود بسترساز هرگونه هرج و مرج است.

۲ـ شورای انقلاب لیبی که می‌خواهد دولت انتقالی را تشکیل دهد، همه قبایل و طوایف در لیبی را نمایندگی نمی کند. اگر چه اغلب اعضاء آن تجربه و سابقه مدیریتی برجسته در نظام گذشته دارند و یا از مخالفان و مبارزان بنام علیه دیکتاتوری قذافی بودند و برخی از آنها تحصیلات و مدارک عالی آکادمیک و دانشگاهی از کشورهای غربی (آمریکا و اروپا) دارند.

۳ـ اسلام‌گرایان (مذهبی‌ها)، ناسیونالیست‌های عربی و سکولارها هریک دیدگاه و آینده‌نگری خاص خود را دارند و برای تشکیل دولت آینده و حاکمیت جدید نظرپردازی متفاوت می کنند.

****

فراتر از این سه محور، مختصات دیگری را می‌توان برشمرد که خوش‌بینی یا نگرانی نسبت به آینده لیبی را نشان می‌دهد.

اول ـ خسارت‌های ناشی از جنگ علیه قذافی، بازسازی لیبی را نیازمند به خارج بخصوص غرب (آمریکا و اروپا) کرده است. گرایش به حفظ لیبی در مدار عربی ـ اسلامی و یا پیوستن به غرب نه تنها مشکلاتی را بهمراه خواهد داشت، بلکه مرحله به مرحله تضادهای درونی شخصیت‌ها و دیدگاهها را آشکارتر می‌سازد.

دوم ـ لیبی فاقد قانون اساسی است. تدوین آن و کسب آراء مردم برای تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس مردمی از مسیر انتخابات عمومی هم زمانبر است و هم مشکلاتی را در پی خواهد داشت.

سوم ـ قذافی درآمدهای نفت لیبی را بطور انحصاری و کامل در اختیار شخص خود داشت. اکنون استخراج و تجارت نفت که سرمایه ملی و اصلی‌ترین منبع درآمد برای لیبی است، بهم خورده است و نیازمند تدوین دستورالعمل‌های جدید و قانون مدون است. آنهم در شرایطی که سه کشور اروپایی ایتالیا، فرانسه و انگلیس از هم‌اکنون به تجارت نفت لیبی چشم دوخته‌اند و در رقابت برای کسب منافع آن هستند. لیبی روزانه نزدیک به دو میلیون بشکه نفت استخراج و ظرفیت فروش دارد که قیمت هر بشکه آن بالاتر از صد و ده دلار است. نفت لیبی مرغوب‌ترین نفت در سبد تجارت نفتی اوپک است.

چهارم ـ غرب (آمریکا و اروپا) در پی استحاله کامل لیبی در هاضمه قدرت خویشند و از هم‌اکنون جایگاه آن را در روابط بین‌الملل تعریف کرده‌اند. بسیاری این پرسش را به میان آورده‌اند که آینده لیبی و استقلال آن تا چه حد و تا کجا از سوی قدرت‌های غربی تبصره خواهد خورد؟ لیبی در آینده در مدار منطقه‌ای و بین‌المللی چه جایگاه و موقعیتی را خواهد داشت؟

پنجم ـ فقر فرهنگی محصول نزدیک به نیم قرن حاکمیت قذافی در لیبی است که از مشکلات عمده دولت و آینده‌سازی در این کشور است.

ششم ـ لیبی در دوران قذافی کشوری بسته بود و ارتباطات خارجی آن بخصوص برای مردم بسیار محدود و مسدود نگهداشته شده بود. حال و به یکباره فضای باز و رها برای مردم گشوده شده است که بهمراه خود تلاطم فرهنگی را می‌آورد. مشکل برای دولت آینده لیبی از یکسو تنظیم روابط بین‌الملل جدید براساس حفظ استقلال و هویت دینی ـ ملی است و از سوی دیگر تهدید هرج و مرج فرهنگی در کشوری که فاقد هرگونه نهاد مدنی است.

هفتم ـ قذافی از هویت قبیله‌ای و فرهنگ عشیره‌ای در لیبی همواره با تزریق تضادهای گوناگون میان طوایف در جهت سلطه خود بهره می‌گرفت. اکنون دیکتاتور سرنگون گردیده، اما بسیاری از قبایل مسلح‌اند و بستر تضادهای عشیره‌ای و قبیله‌ای باقی مانده است تا هر جرقه‌ای موجب آشوب و درگیری‌های داخلی گردد. این زمینه و بستر خطرناک مشکل عمده برای نهادینه‌سازی دمکراسی در لیبی است.

هشتم ـ اقتصاد لیبی تک محصولی و بطور کامل وابسته به نفت است. صنعت نفت لیبی از پی جنگ در چندماه گذشته به شدت خسارت دیده است. دولت‌های ایتالیا، فرانسه و انگلیس از هم‌اکنون خواهان بستن قراردادها برای بازسازی صنعت نفت لیبی با دولت انتقالی‌اند. دورنمای بسته شدن این قراردادها دایره برنامه‌های اقتصادی و رفاهی لیبی را تعریف می کند و جهت خواهد داد.

نهم ـ همه از داخل و خارج لیبی پیام خوش‌بینی برای آینده این کشور می‌فرستند. دولت انتقالی وعده داده است در فرصت کوتاهی لیبی دارای قانون اساسی و مجلس مردمی و از طریق آن دولت مستقر سازد. نهادهای مدنی بخصوص احزاب شکل خواهند گرفت. لیبی بسوی آینده‌ای پیش می‌رود که منفک از نیم قرن دیکتاتوری گذشته خواهد بود. جایگاه خود را در روابط بین‌الملل تعریف خواهد کرد و باز خواهد یافت. مردم لیبی به همان اندازه که از گذشته حکومت قذافی نفرت دارند به آینده کشور خود امیدوار و خوش‌بین هستند. ساختن لیبی و هدایت آن بسوی آینده با دو اصل استقلال و آزادی مورد توافق همه است و مردم لیبی برای آینده کشور خود متحد شده‌اند. این مسیر اگرچه با مشکلات و نگرانی‌ها، همراه خواهد بود، اما امکان‌پذیر است. لیبی به سوی آینده تلاش مردم خود و همکاری جامعه بین‌المللی را دارد. لیبی بسوی آینده چشم دارد و نمی‌خواهد گذشته را تکرار کند.

وقتی در دهه ۶۰ میلادی قذافی با کمک ناصر رئیس جمهور سابق مصر در لیبی با کودتا بر سر قدرت آمد، ۲۷ ساله بود و ٤۲ سال تمامی درآمدهای نفتی کشور را بطور انحصاری در دست گرفت. با درآمدهای نفتی از غرب و شرق اسلحه خرید و ارتشی ساخت که تنها حافظ دیکتاتوری او بود که در فاصله چند ماه با بمباران‌های ناتو و فروپاشی دولت او، نابود گردید. حکومت قذافی یک تجربه و شاید تکرار تجربه‌ای بود که شاکله دیکتاتوری او را مالکیت انحصاری بر درآمدها و ثروت کلان نفتی و انبارداری تسلیحات نظامی و سلطه نظامی و امنیتی بر مردم شکل داده بود. پایان آن سرنگونی همراه نفرت شد. تجربه‌ای تلخ که بسیاری از دیکتاتورها که بر دو بازوی ثروت و اسلحه تکیه می کنند در تاریخ حک کرده‌اند. محصول نزدیک به نیم قرن حکومت قذافی، لیبی را در جامعه بین‌المللی منزوی، مردم را دچار فقر فرهنگی کرد. لیبی اکنون بسوی آینده چشم دارد و تجربه تلخ دیکتاتوری قذافی را به بایگانی تاریخ سپرده است.

اخبار کوتاه

پیام تسلیت آیت‌الله هاشمی به سردار سوداگر

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با صدور پیامی، درگذشت پدر سردار احمد سوداگر را تسلیت گفت.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، متن این پیام بدین شرح است:

انالله و انا الیه راجعون

سردار احمد سوداگر، درگذشت پدر بزرگوارتان مرحوم حاج علی سوداگر را تسلیت می گویم.

از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم غفران و رحمت واسعه و برای بازماندگان، به ویژه جناب عالی، صبر و اجر مسألت می کنم.

اکبر هاشمی رفسنجانی -رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

گفت و گوی تلفنی وزرای خارجه روسیه و ایران

وزیران امور خارجه روسیه و ایران در گفت و گویی تلفنی به بررسی نتایج مذاکرات خود در مسکو در زمینه نقشه راه پیشنهادی طرف روسی برای حل و فصل مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران پرداختند.

به گزارش فارس به نقل از ریا «نووستی»، وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد که جنبه‌های مختلف مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران در مرکز مذاکرات تلفنی «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه این کشور با علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه ایران قرار داشت.

بر اساس این اطلاعات، مذاکرات وزرای خارجه روسیه و ایران در باره برقراری اعتماد مجدد جامعه بین‌المللی نسبت به صلح آمیز بودن اهداف ایران از توسعه برنامه هسته‌ای خود که ۱۷ آگوست (۲۶ مرداد) در مسکو آغاز شده بود، ادامه یافت.

وزیر امور خارجه روسیه با ابراز رضایت از اقدامات جدید طرف ایرانی برای توسعه همکاری‌های این کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استقبال کرد.

دعای روز بیست و سوم ماه رمضان

اللهمّ اغسلْنی فیهِ من الذُّنوب وطَهِّرْنی فیه منَ العُیوبِ وامْتَحِنْ قَلْبی فیهِ بتَقْوَی القُلوب یا مُقیل عَثَراتِ المُذْنبین.

خداوندا مرا در این روز از گناهان بشوی و از عیب‌ها پاک گردان و دلم را به پرهیزگاری دلها خالص فرما؛ ای درگذرنده لغزش گنهکاران.

بررسی و ارزیابی عملیات رمضان ۱

دکتر حسین علایی

اولین عملیاتی که پس از فتح خرمشهر انجام شد و هدف آن وادار کردن عراق به پذیرش خواست‌های ایران برای پایان دادن به جنگ بود، عملیات رمضان است. از آنجا که این عملیات در ساعت ۲۱:۳۰ روز سه شنبه ۲۱ رمضان سال ۱۴۰۲ هجری قمری آغاز شد، به اسم عملیات رمضان خوانده شد. عملیات رمضان، سرآغاز مرحلهٔ جدیدی از جنگ و کشانده شدن آن به خاک عراق و نخستین عملیات از سلسله عملیات برون مرزی ایران در خلال جنگ هشت ساله است. علت انجام این عملیات آن بود که ارتش عراق پس از فتح خرمشهر به طور کامل از سرزمین‌های ایران عقب نشینی نکرد و خسارات وارد آمده به ایران را هم جبران نساخت و به معاهدهٔ ۱۹۷۵ هم تمکین نکرد. شورای امنیت سازمان ملل یک روز قبل از شروع عملیات رمضان قطعنامه ۵۱۴ را در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۶۱ مطابق با ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ صادر کرد. شورای امنیت سازمان ملل به جز قطعنامه‌ای که در هفته اول آغاز جنگ صادر کرد، به مدت ۲۲ ماه و تا زمانی که فتح خرمشهر صورت گرفت، ساکت بود. پس از آن که ستون فقرات نیروهای اشغالگر عراق در عملیات بیت المقدس شکست و هزاران نظامی عراقی به اسارت درآمدند، این شورا دوباره فعال شد و پس از گذشت نزدیک به ۵۰ روز از آزادسازی عمده سرزمین‌های ایران، در جلسهٔ ۲۳۸۳ خود این قطعنامه را به اتفاق آراء تصویب کرد. این قطعنامه خواستار «آتش بس و خاتمهٔ فوری همه عملیات نظامی» و «عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شدهٔ بین‌المللی»، «و کوشش‌های میانجی گری از طریق دبیر کل سازمان ملل به منظور نیل به حل جامع اختلافات به نحو عادلانه و شرافتمندانه که مورد قبول هر دو طرف باشد از جمله احترام به حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها» مطرح شده بود. این قطعنامه در حالی صادر شد که قدرت نمایی ایران در آزادسازی سرزمین‌های خوزستان، فرصت مناسبی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده و باعث هراس کشورهای عرب حامی عراق شده بود و آنها تمایل به پایان یافتن جنگ پیدا کرده بودند. لازم به ذکر است که از زمان صدور قطعنامه ۴۷۹ که در هفته اول آغاز جنگ صورت گرفت تا زمانی که ایران چهار عملیات بزرگ خود را برای بیرون راندن ارتش متجاوز عراق انجام نداد، شورای امنیت سازمان ملل هیچ تحرکی از خود نشان نداد. ولی پس از آن که ایران توانست با یک سلسله اقدامات نظامی عمده سرزمین‌های خود را آزاد کند و در پی بررسی تعقیب ارتش متجاوز بعثی بود، در این زمان قطعنامه ۵۱۴ صادر شد. در این قطعنامه سخنی از تجاوز و تعیین متجاوز به میان نیامده بود و مطلبی از پرداخت خسارت‌های جنگ و نیز تنبیه متجاوز، مطرح نشده بود و تضمینی برای امنیت و ثبات حقیقی وجود نداشت. این قطعنامه هیچگونه فشاری را بر عراق که با آغاز جنگ و توسل به زور صلح منطقه را نقض کرده بود، وارد نمی‌کرد. جمهوری اسلامی ایران انتظار داشت که شورای امنیت سازمان ملل با تجاوز مقابله و عراق را به عنوان کشور متجاوز محکوم سازد و از کشور قربانی تجاوز حمایت کند، اما شورای امنیت، حتی در این جنگ بی طرفی را هم رعایت نمی‌کرد. به هر حال ایران به دلیل آنکه این قطعنامه را ناعادلانه تشخیص می‌داد و محتوای آن را مناسب ارزیابی نمی‌کرد، از پذیرش آن خودداری کرد، ولی عراق بی درنگ آن را پذیرفت. به هر حال عملیات رمضان پس از بازگشت فرماندهان سپاه و ارتش از سوریه که به منظور حمایت از مردم لبنان در برابر اشغال کشورشان توسط اسرائیل انجام شده بود، در اواخر خردادماه طرح ریزی شد. لازم به ذکر است که امام خمینی(ره) با حضور نیروهای ایران در کشور لبنان مخالفت کردند و فرمودند راه قدس از کربلا می‌گذرد. این عملیات در شب چهارشنبه مورخ ۲۳ تیرماه سال ۱۳۶۱ و با رمز یا صاحب الزمان(ع) ادرکنی و پس از گذشت چند ساعت از صدور قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت به اجرا در آمد. اجرای این عملیات روشن می‌کرد که ایران از محتوای قطعنامه صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل، رضایت ندارد.

با توجه به نشاط و روحیه‌ای که فرماندهان و رزمندگان از پیروزی و موفقیت در عملیات بیت‌المقدس کسب کرده بودند، به پیروزی در عملیات دیگری که برای تعقیب ارتش متجاوز طراحی شده بود، امیدوار بودند. از سوی دیگر، برآوردهای قرارگاه فرماندهی، حکایت از ضعف روحیه قوای دشمن و همچنین وجود اضطراب در فرماندهان ارتش عراق داشت. البته افراد معدودی در قرارگاه مقدم کربلا وجود داشتند که به دلیل کاستی‌های لجستیکی با عملیات برون مرزی موافقت چندانی نداشتند. در تداوم جنگ، پیشروی به سمت شهر بصره، همیشه یکی از بهترین اهداف مورد نظر مسئولین کشور بود. زیرا رسیدن به شهرهای بغداد و بصره، دو هدف اساسی و اصولی برای خاتمه دادن به جنگ محسوب می‌شد. هدف بغداد دور از دسترس قوای ایران بود، زیرا پایتخت عراق، نسبتاً دور از مرزهای ایران بود و بُعد مسافت داشت. از سوی دیگر نداشتن قدرت رزمی و قدرت تحرک کافی به دلیل تکیه نیروهای مسلح ایران بر نیروهای پیاده، امکان طرح‌ریزی برروی این هدف را عملاً غیرممکن می‌کرد. بنابراین هدف رسیدن به شرق بصره که هم نزدیکتر و هم نسبتاً در دسترس رزمندگان اسلام بود، انتخاب شد. از سوی دیگر این هدف، با توانایی نیروهای مسلح ایران، تناسب بیشتری داشت، بنابراین چنین هدفی در برنامه طرح ریزی عملیاتی فرماندهان جنگ قرار گرفت.

شرایط بین‌المللی

با اعلام ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق، بلافاصله سازمان ملل نسبت به آن واکنش نشان داد و به فاصله گذشت ۳۰ ساعت از شروع عملیات رمضان، شورای امنیت با صدور بیانیه‌ای از وضع وخیم به‌وجود آمده بین دو کشور اظهار نگرانی کرد و خواستار آتش بس شد که ایران آن را رد کرد. جالب است که شورای امنیت سازمان ملل در طول حدود ۲۲ ماه از ادامهٔ حضور نظامی ارتش عراق در ایران ساکت بود، ولی با گذشت کمتر از دو روز از آغاز عملیات رمضان و ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق، از خود واکنش نشان داد. در همین حال آمریکا هم با کنایه ایران را از ورود به خاک عراق بر حذر داشت. فقط کشور لیبی از ورود ایران به خاک عراق حمایت کرد و سفیر آن کشور طی ملاقاتی با رئیس مجلس شورای اسلامی، پیام معمر قذافی مبنی بر اعلام آمادگی آن کشور برای کمک را به اطلاع مقامات ایران رساند.

منطقهٔ عملیات

عملیات آفندی رمضان در منطقه غرب جاده اهواز- خرمشهر و در شمال شرق بصره، در فضایی با آرایش‌های مثلثی شکل به وسعت ۹۰۰ کیلومتر مربع قرار داشت. ناحیهٔ کوشک، جناح راست منطقه عملیات و نقطه مرزی شلمچه، منطقه چپ عملیات را تشکیل می‌داد. این فاصله حدود ۶۰ کیلومتر است. منطقه نهایی طرح ریزی شده برای اجرای عملیات، حدود چهار هزار کیلومتر مربع وسعت داشت و از کوشک تا شلمچه و از شط العرب تا هور را در بر می‌گرفت. در این منطقه از سوی عراق، کانالی برای پرورش ماهی به طول ۲۰ کیلومتر و به عرض یک کیلومتر و عمق ۲ متر به موازات شط العرب احداث گردیده بود. این کانال از قسمت انتهایی نهر جاسم در سه کیلومتری غرب مرز بین‌المللی آغاز و تا نهر کتیبان در داخل خاک عراق، ادامه می‌یافت. این کانال با کمک چند پمپ از نهر کتیبان تغذیه می‌شد و آب آن از طریق شهرک دوعیجی دوباره به شط العرب می‌ریخت. این کانال به عنوان یک مانع طبیعی برای جلوگیری از عبور رزمندگان اسلام نقش مهمی ایفا می‌کرد. در جبههٔ عملیات رمضان، ارتش عراق از خطوط پدافندی مثلثی شکل برای استقرار واحدهای زرهی خود استفاده می‌کرد. با کمک این خاکریزها، تانکهای ارتش عراق از آسیب پذیری مصون بوده و در موقعیت خوب دفاعی در برابر هرگونه تهاجم، بخصوص در برابر واحدهای پیاده قرار می‌گرفتند.

نام گذاری و هدف عملیات

عملیات رمضان در مرحله طرح ریزی، به‌نام کربلای ٤ خوانده می‌شد ولی از آنجا که این عملیات در ماه مبارک رمضان و در ایام مبارک شب‌های قدر به مرحله اجرا در آمد، بنابراین اسم رمضان را به‌خود گرفت.

هدف اصلی از طرح ریزی عملیات رمضان، رسیدن رزمندگان اسلام به شرق بصره و ساحل شط‌العرب بود که به‌عنوان یک هدف عملیاتی تعیین کننده در سرنوشت جنگ تلقی می‌شد. نیل به این هدف مهم، قبلاً در طرح عملیاتی بیت المقدس پیش بینی شده بود. انتظار آن بود تا با انجام موفقیت‌آمیز این عملیات، ایران دست بالا را به عنوان پشتوانه مذاکرات سیاسی، پیدا کند و بتواند دولت عراق را نسبت به پذیرش شرایط ایران به منظور خاتمه دادن به جنگ، وادار سازد. از سوی دیگر ایران در تلاش بود تا با انهدام بخشی از قوای ارتش عراق از تهدید آینده آن جلوگیری کرده و به نقطه بازدارندگی برسد، به گونه‌ای که دشمن دیگر هوس حمله به ایران را نکند. در چنین شرایطی ایران می‌توانست به مراجع بین‌المللی فشار آورد تا دولت عراق به عنوان رژیم متجاوز، شناخته شده و امکان حقوقی برای تنبیه و مجازات متجاوز فراهم آمده و راهی برای دریافت خسارات جنگ بیابد. از سوی دیگر چنانچه از سوی مخالفین رژیم بعثی، اقداماتی صورت می‌گرفت ایران می‌توانست به مردم عراق برای سرنگونی صدام حسین و رژیم بعثی، کمک کند همچنین رسیدن قوای ایران به ساحل شط العرب امکان آماده شدن قوای ایران را برای تصرف کامل بصره به عنوان هدفی استراتژیک، فراهم می‌آورد. طبیعی است که تصرف شهر بصره به عنوان دومین شهر بزرگ عراق که عمده منابع نفتی در آن منطقه قرار داشت، می‌توانست فشار زیادی را به رژیم صدام حسین وارد آورد و راه را برای رسیدن به وضع خاتمه جنگ، باز کند. همچنین فشار نظامی وارده به رژیم عراق در این منطقه می‌توانست به اندازه‌ای باشد که ارتش بعثی را قانع کند که سایر نقاط اشغالی خاک ایران را تخلیه کند و دولت عراق قرار داد ۱۹۷۵ را بپذیرد. این اقدام می‌توانست موجب ایجاد فشار برای جلوگیری از ادامه حملات ارتش بعثی از طریق هوا و دریا به مناطق اقتصادی و مراکز نفتی ایران شود.

بقیه در صفحه ۸

آیین مسلمانی

حقوق انسان‌ها در کلام پیامبر اکرم (ص)

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی

(۲۱)

بیست و یکمین حق

یرشد ضالّته

حق همراهی در یافتن گم شده. حکمت گم شده مومن

از جمله حقوق سی گانه‌ای که در کلام رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای هر مسلمان قرار داده شده، آن است که در یافتن گمشده اش، او را یاری رسانند. «ارشاد ضالّه» به این معنی است که دیگران، مسلمان را برای یافتن گمشده‌اش راهنمایی کرده و به او در این امر کمک کنند. اگر نشانی از آن دارند، در اختیارش بگذارند و اگر نشانی ندارند، نسبت به این امر بی تفاوت نبوده و به او در حل مشکل یاری رسانند. فراموش نکنیم که انسان ریشه در «اُنس» دارد و به همین سبب از گم شدن چیزهایی که به آن‌ها انس و دلبستگی دارد، رنج می‌کشد. این رنج ـ البته ـ نسبت مستقیمی با اهمیت آن شیء برای انسان دارد و حتی در بسیاری از اوقات «رنج حاصل از گم کردن» از مصیبتی که از دست دادن آن‌ها پدید می‌آورد، بیشتر است. به یاد بیاوریم که خانواده‌های مفقودین عزیز در دوران دفاع مقدس چه بسیار ـ و در برخی اوقات بیشتر از خانواده‌های شهدا ـ درد و رنج تحمل کردند. پس باید همواره تلاش کنیم تا به مسلمانان در یافتن گمشده شان کمک کنیم.

نکته: از جمله «گمشده‌های انسان»، حکمت و دانش است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «حکمت گمشده مؤمن است. پس هر کس در هر جا آن را یافت، آن را در بر گیرد.»[1] و این «گمشده» به قدری از اهمیت برخوردار است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «اگر آن را نزد مشرکین و منافقین نیز یافتید، فراگیرید.»[2]

پس به حکم فرموده نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله همه باید تلاش کنند تا حکمت که گمشده مردمان است به آن‌ها بازگردانده شود. و صد البته در این میان نقش خود آدمی از همه برجسته‌تر است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «بر شهوت و خواهش نفس چیره شو، حکمتت به کمال رسد.»[3] و می‌فرمایند: «حکمت جز با خویشتن داری از گناه به دست نمی‌آید.»[4] مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار حدیثی را از شب معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که در آن شب، خدای سبحان به پیامبر خود می‌فرماید: «ای احمد! هر گاه بنده شکم خویش را گرسنگی دهد و زبانش را نگه دارد، حکمت را به او بیاموزم. اگر کافر باشد، حکمت او دلیلی بر ضد او و وبال گردنش خواهد بود و اگر مؤمن باشد حکمتش برای او نور و برهان و شفا و رحمت خواهد شد. پس، آن چه را نمی‌دانسته است، بداند؛ و آن چه را نمی‌دیده است، ببیند. نخستین چیزی که به او نشان دهم، عیب‌های خودش می‌باشد تا بدین سبب از پرداختن به عیب‌های دیگران بازماند و دقایق علم را به او نشان دهم تا شیطان به وجود او راه نیابد.»[5]

پس می‌توان ماه رمضان را ـ که به فرموده خدا شکم‌ها گرسنه‌اند و دل‌ها با حضرت حق پیوند بیشتری دارند ـ به یافتن حکمت اختصاص داد. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «هر چه حکمت نیرومندتر شود، شهوات ناتوان‌تر می‌شوند.»[6] و امام صادق علیه السلام برای بارورتر کردن حکمت می‌فرمایند: «اندیشیدن زیاد به این امر، کمک می‌کند.»[7]

نکته دیگر آن که در کلام مولی الموحّدین ثمره حکمت، حفظ دین است.[8] پس یکی از راه‌هایی که می‌تواند به یافتن گمشده دیگران کمک کند، آن است که آن‌ها را در «دین داری» یاری رسانیم و دقیقاً به همین سبب است که «امر به معروف» از جمله حقوق مسلمانان است. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «از جمله حقوق واجب برادرت آن است که آن چه برای او در دنیا و آخرت سودمند است، به او بگویی.»[9] و چون این کار از حقوق مسلمانان است، باید شرایط آن را فراهم آورید و آنگاه به آن اقدام کنید. در «امر به معروف» به فرموده امام صادق علیه السلام: «لازم است فرمان دهنده، به آن چه می‌گوید عمل کند و عدالت را رعایت کند و به زبان ملایم امر و نهی کند.»[10] ضمن این که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تصریح دارند که: «انسان نادان، نمی‌تواند امر به معروف کند.»[11] و هم ایشان می‌فرمایند: «کسی که امر به معروف می‌کند، باید این کار را به شیوه خوب و منطقی انجام دهد.»[12]

پس حق هر کس آن است که به او در یافتن گمشده‌اش یاری رسانیم و از آن جا که گمشده همه ما «خوبی و درست کاری» است، همه باید به هم در این کار کمک کنیم. و چون «خوب شدن» جز با «روش خوب» حاصل نمی‌شود، باید با زبان سالم، عمل صالح و قلب بی کینه، به همدیگر در «بهتر شدن» یاری رسانیم. ناگفته پیداست که «زبان تند و پرخاش گر» و «ابروی گره خورده»، نمی‌تواند بهترین روش برای امر به معروف باشد. ضمن این که در نهی از منکر نیز لازم است تلاش کنیم تا آن‌ها را به زشتی عملشان واقف نماییم. چراکه در آن صورت خود ـ به حکم فطرت انسانی ـ از آن دست می‌کشند. امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: «هر کس کار زشتی را، خوب به حساب آورد، در آن کار شریک است.»[13]

و کلام آخر آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خداوند عموم مردم را عذاب می‌کند، مگر آن هنگام که درصدد تغییر خلاف کاری‌های عده‌ای خاص نباشند، ولی اگر درصدد تغییر بودند، خداوند عامّه مردم را عذاب نمی‌کند.»[14] و امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هرگاه مردمی در برابر کارهای بدی که میانشان صورت می‌گیرد دم فرو بندند، و آن را تغییر ندهند، خداوند کیفر خود را شامل همه آن‌ها می‌کند.»[15]

1. کافی، مرحوم کلینی، ج۸، ص۱۶۷.
2. امالی، طوسی، ص۶۲۵ / نهج البلاغه، حکمت ۸۰ / غرر الحکم، ح۱۸۲۹.
3. غرر الحکم، ۲۲۷۲.
4. غرر الحکم، ح۱۰۹۱۶.
5. بحار الانوار، مرحوم مجلسی، ج۷۷، ص۲۹ / میزان الحکمه، ج۳، ص۱۲۶۶.
6. غرر الحکم، ح۷۲۰۵.
7. بحار الانوار، مرحوم مجلسی، ج۷۸، ص۲۴۷.
8. غرر الحکم، ح۴۹۰۳.
9. کافی، مرحوم کلینی، ج۸، ص۱۲۶.
10. خصال، ص۱۰۹.
11. نوادر الراوندی، ص۲۱.
12. کنز العمال، هندی، ۵۵۲۳.
13. کشف الغمه، ج۳، ص۱۳۹.
14. کنز العمال، هندی، ۵۵۱۵.
15. بحار الانوار، مرحوم مجلسی، ج۱۰۰، ص۷۸.

برپایی نمایشگاه عکس «تصویر آفتاب» در بخش تجسمی نمایشگاه قرآن کریم

نمایشگاه عکس «تصویر آفتاب» شامل ۱۲۰ عکس از تولد تا ارتحال امام خمینی (ره) در بخش تجسمی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قران کریم برپا شده است.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از روابط عمومی مرکز هنرهای تجسمی، کارگاه‌های خوشنویسی، نقاشی و سفال و سرامیک این هفته در بخش تجسمی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قران کریم برگزار می‌شود.

کارگاه‌های خوشنویسی و نقاشی با حضور رسول مرادی، احمد آریامنش و نادیا حبیب وند ۱۸ تا ۲۰ مرداد در بخش تجسمی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قران کریم برگزار شد.

در رشته سفال و سرامیک نیز کارگاه‌هایی در روزهای ۱۶ و ۱۷ مرداد با حضور مهران هوشیار در بخش تجسمی نمایشگاه قرآن برگزار شد.

در هر یک از کارگاه‌های بخش تجسمی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قران کریم ۱۰ نفر شرکت کردند و برگزیدگان هر کارگاه نیز معرفی شدند.

کارگاه‌های بخش تجسمی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم از ابتدای نمایشگاه آغاز شده است و تا پایان نمایشگاه ۴۹ کارگاه در رشته‌های نقاشی، خوشنویسی، سفال و سرامیک، منبت، معرق و نگارگری برگزار می‌شود.

همچنین نمایشگاه عکس «تصویر آفتاب» شامل ۱۲۰ عکس از تولد تا ارتحال امام خمینی (ره) در بخش تجسمی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قران کریم برگزار شده است.

بخش تجسمی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم با همکاری مرکز هنرهای تجسمی، مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی و موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر برگزار شده است.

برگزاری نشست تصویرسازی با سوژه‌های قرآنی

تصویرسازی باسوژه‌های قرآنی، محور بحث هشتمین نشست قرآن و رسانه بود که با حضور پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه در غرفه معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر حبیب‌اله صادقی، دکتر مرتضی گودرزی و علی‌هاشمی شهرکی در این نشست به بحث و تبادل‌نظر پرداختند.

براساس این گزارش، در ابتدای این نشست علی‌هاشمی شهرکی، مدیرعامل انجمن فرهنگی هنری تصویرگران ضمن بیان تاریخچه مختصری از تصویرگری اظهار داشت: تصویرسازی هنری است که به واسطه آن مفهوم مورد نظرمان را به مخاطب ارایه می‌کنیم. در عین حال تصویرسازی جنبه اطلاع‌رسانی دارد و به عنوان توضیح‌دهنده و شرح دهنده، مفاهیم را به زبان ساده برای مخاطب بیان می‌کند.

پس از هاشمی شهرکی، دکتر حبیب‌اله صادقی، عضو هیأت علمی دانشگاه هنر شاهد به ایراد سخن پرداخت. وی به سابقه خوب تصویرسازی ایرانی اشاره کرده و اظهار داشت: در دوره‌های مختلف تاریخی، ایرانیان همواره برای تصویر و تصویرسازی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای قائل بودند و با بررسی آثار و ابنیه تاریخی درمی‌یابیم که گذشتگان ما همانند سایر ملل به تصویرسازی به عنوان یک زبان و نشانه برای بیان مفاهیم نگاه می‌کرده‌اند. در حوزه ادبیات نیز می‌توانیم تأثیرات عمیق تصویرسازی را دریابیم؛ به گونه‌ای که در برخی دوره‌های ادبی، تصویرسازی با شعر و ادبیات درهم تنیده شده‌اند.

وی سپس به اهمیت موضوع قرآن کریم اشاره کرده و تأکید کرد: با توجه به اهمیتی که قرآن در زندگی همه ما دارد و نقش ویژه‌ای که در جامعه پیدا کرده است، لازم است که در کارگروه‌های ویژه‌ای به این موضوع پرداخته شود و به درستی مورد بررسی قرار گیرد. تا به کشف ارتباط میان هنر تصویرسازی و قرآن منجر شود.

در ادامه هاشمی شهرکی به هفتمین سال تأسیس انجمن تصویرگران اشاره کرده‌وافزود: انجمن تصویرگران با هدف ترویج و حمایت هنر تصویرگری و تصویرگران کشور ایجاد شده است. از دهه ۴۰ به بعد که تصویرگری در کشورمان مطرح شد، بیشتر فعالیت این حوزه در خدمت کودکان و نوجوانان بود و چندسالی است که این هنر عمومی‌تر شده و تا حدی از چارچوب محض کودک و نوجوان خارج شده و فعالیت‌هایی در زمینه بزرگسالان هم صورت گرفته است.

علاوه بر آن تصویرسازی در مطبوعات هم کاربرد ابتدایی خود را از دست داده و پیشرفته‌تر شده است. به گونه‌ای که اوایل به خاطر محدودیتهای موجود در چاپ عکس مطبوعات به تصویرسازی می‌پرداختند اما امروزه این هنر به خاطر تأثیرگذاری عمیقش در انتقال مفاهیم در خدمت مطبوعات است.

مدیرعامل انجمن تصویرگران افزود: دو نگرش در تصویرسازی مذهبی وجود دارد؛ یکی نگرش تاریخی است که به وصف جنگهای صدراسلام، زندگی‌ائمه و... می‌پردازد و دیگری نگرش معنوی است. در نگاه تاریخی، هنرمند تصویرساز باید به تحقیق و پژوهش بپردازد تا همه جوانب از جمله نحوه زندگی و پوشش در دوره‌های مختلف را بشناسد و در نگرش معنوی هم باید به دنبال نقش‌مایه‌های جدی‌تری باشد که بتواند حال و هوای معنوی فضای داستان را خلق کند.

سپس دکتر حبیب‌اله صادقی به مشکلات و محدودیتهای پیش‌رو در زمینه تصویرسازی در قرآن پرداخته و اظهار داشتند: یکی از محدودیت‌هایی که در زمینه تصویرسازی وجود دارد، حرمتی است که ما به واسطه قداست کلام خدا با آن مواجه هستیم. لازم است که هنرمندان تصویرساز، اندیشه دینی‌شان را تقویت کنند و هنرشان را از هنر چندساحتی غرب تفکیک کنند. تصویرگر ما باید هنرش را با آرایه‌ها و نشانه‌های قرآن تصویر کند. برای این کار لازم است که دربارهٔ مفاهیم و مضامین قرآن تحقیق کنیم و نشانه‌ها را بیابیم و هنرمند باید این نشانه‌ها را در قالب عینی تصویرسازی کند، البته عینی نه به معنای رئالیسم غربی بلکه به صورت واقعیت‌هایی که در قرآن وصف شده است.

پایان بخش هشتمین نشست قرآن و رسانه، صحبت‌های دکتر مرتضی گودرزی، منتقد، پژوهشگر و محقق هنری بود که وضعیت فعلی تصویرسازی در قرآن را مناسب شأن آن ندانسته و اظهار داشت: مشکل ما رجوع به باطن قرآن و مفاهیم آن است. چیزی که ما نیاز داریم معاصرسازی مفاهیم و مضامین قرآنی است و این مشکلی است که ما با آن مواجه هستیم و به تولید آثاری در سطحی نازل منجر شده‌است. تنها راه به روز کردن مفاهیم قرآنی، معاصرسازی آن است.

در پایان این نشست، طبق روال شب‌های گذشته جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد و سخنرانان به سؤالات حضار پاسخ دادند.

المپیادی‌های کدام رشته بیشتر از کشور می‌روند

سرپرست دفتر ارتباط و هم‌اندیشی با نخبگان بنیاد ملی نخبگان نسبت ماندگاری دارندگان مدال طلا در کشور نسبت به خروج آنها را ۶۰ به ۴۰ ذکر کرد و گفت: طبق مطالعات انجام شده بیشترین تعداد ماندگاری مدال آوران طلای المپیاد در رشته‌های شیمی و زیست شناسی است. دکتر امید نقشینه ارجمند در گفت‌وگو با مهر با اشاره به مطالعات انجام شده از سوی باشگاه دانش پژوهان جوان در زمینه وضعیت مدال آوران المپیادهای علمی دانش آموزی افزود: این مطالعات درباره بررسی وضعیت مدال‌های طلای المپیادهای دانش آموزی است. در گام بعدی نیز مطالعه درباره وضعیت دارندگان مدال‌های نقره و برنز صورت خواهد گرفت.

سرپرست دفتر ارتباط و هم‌اندیشی با نخبگان بنیاد ملی نخبگان با اشاره به نتایج به دست آمده از این تحقیقات خاطرنشان کرد: بر اساس آمارها درصد ماندگاری دارندگان طلا در رشته‌های شیمی و زیست شناسی بیشتر از سایر رشته‌ها است.

وی گرایش این افراد به رشته‌های پزشکی را از دلایل ماندگاری این افراد دانست و توضیح داد: تحصیل در رشته‌های پزشکی طولانی‌تر است (۷ سال) که این امر موجب می‌شود که بیشتر در ایران بمانند تا یک مقطعی از تحصیل آنها به پایان برسد از این رو احتمال ماندن آنها در کشور بیشتر است.

نقشینه، بالا بودن تراز علمی ایران در حوزه پزشکی را از دیگر دلایل ماندگاری دارندگان طلای رشته‌های شیمی و زیست شناسی عنوان کرد و یادآور شد: ایران دارای تراز علمی بالایی در حوزه پزشکی است که این امر می‌تواند در ماندگاری این افراد در کشور موثر باشد، ضمن آنکه این افراد در ایران بازار کار بهتری نسبت به سایر رشته‌ها دارند.

وی بیشترین تعداد خروج مدال آوران المپیاد از کشور را در رشته فیزیک دانست و تاکید کرد: تحلیل خروج این مدال آوران نیاز به مطالعات بیشتر دارد.

ماندگاری مدال آوران در کشور از زبان آمارها

سرپرست دفتر ارتباط و هم‌اندیشی با تاکید بر اینکه برای ارائه آمارهای واقع بینانه در زمینه میزان ماندگاری مدال آوران در کشور باید آمارهای مربوط به ٤ سال اخیر را کنار بگذاریم، گفت: این افراد در طول ٤ سال تقریبا در حال گذراندن دوره لیسانس هستند و با پایان یافتن دوره چهار ساله کارشناسی اقدام به ماندن یا رفتن به خارج برای ادامه تحصیل می‌کنند از این رو لازم است تا آمارهای ٤ سال اخیر حذف شود تا به نگاه درستی در این زمینه برسیم.

رونمایی از نمایه‌های «سفر آخرت» و «بحرین، مروارید گمشده» در وزارت ارشاد

سرویس فرهنگی، هنری: مراسم رونمایی از دو نرم‌افزار «سفرآخرت» و «بحرین، مروارید گمشده» با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و منصور واعظی، رئیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم گفت: «ما تلاش‌های فراوانی را در شورای فرهنگ عمومی انجام می‌دهیم تا فضای عمومی جامعه فضای خوب و معنوی باشد. اگر بخواهیم کار مبنایی و ریشه‌ای انجام دهیم، باید بیشتر وارد مسائل معنوی شویم».

وی افزود: «کار اساسی این است که باورها و اعتقادات مردم تقویت شود. یکی از آن اعتقادات، باور به آخرت است. در آیات قرآن هر جا ایمان به خدا هست، ایمان به روز آخرت هم وجود دارد. اگر مردم باور داشته باشند که حساب و کتابی وجود دارد بسیاری از مسائل حل می‌شود».

حسینی در ادامه گفت: «هرچه بتوانیم این مساله را بیشتر تقویت کنیم، در نهایت نتیجه بسیار خوبی را هم دریافت خواهیم کرد، چرا که اگر این باورها نباشد، انسان‌ها دچار پوچی می‌شوند».

حسینی درباره نمایه «بحرین، مروارید گمشده» نیز گفت: «دوشنبه گذشته در لیبی، کار مردم به نتیجه رسید و سقوط قذافی را شاهد بودیم و امیدوارم برای مظلومان بحرین هم فرجی شود».

او گفت: «منشاء تحولاتی که در منطقه رخ داده، الهامی است که آن‌ها از انقلاب اسلامی ایران گرفته‌اند. پایداری ما در زمان انقلاب اسلامی باعث شد تا باور اشتباه مردم منطقه که «نمی توان کاری کرد»، از بین برود و بدانند که می توانند در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی و دست‌نشانده‌های آنان بایستند».

حسینی افزود: «متاسفانه جنایاتی که در بحرین صورت می گیرد منعکس نمی‌شود و سرکوب مردم شیعه همچنان ادامه دارد، اما مردم دست‌بردار نیستند و خواسته‌های به حق خود را دنبال می‌کنند. این نمایه‌ها قطعاً می‌توانند در اطلاع‌رسانی بسیار موثر باشند».

در ادامه این مراسم منصور واعظی، رئیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیز گفت: «در حوزه فرهنگ عمومی هر مقداری که بتوانیم «مرگ آگاهی» را در جامعه تقویت کنیم و هر قدر که مردم آماده سفر آخرت شوند، کار بسیار عمیقی صورت گرفته است. چراکه مرگ آگاهی تاثیر بسیاری بر درست زندگی کردن می‌گذارد. این نمایه «سفر آخرت» برای عموم مردم طراحی شده و برای همگان قابل استفاده است».

وی افزود: «ولی نمایه بحرین نگاه دیگری دارد چرا که به هر حال هم محققین و هم دانشجویان و استادان باید با بحرین آشنایی داشته باشند و همگی به پژوهش در این زمینه بپردازند».

اجرای طرح معرفی کتاب‌های شاخص در گونه‌های مختلف از هفته آینده

معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اقدامی ویژه و به منظور گسترش کتاب و کتابخوانی در کشور، طرح معرفی کتاب‌های شاخص در گونه‌های مختلف را به اجرا در خواهد آورد.

به گزارش روابط عمومی معاونت امور فرهنگی بهمن دری معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اعلام خبر فوق اضافه کرد: این طرح برای نخستین بار و با تأسی از رهنمودهای مقام معظم رهبری برای گسترش و ترویج کتابخوانی در جامعه و ترغیب مردم به خرید و مطالعه کتب ارزشمند و مفید به اجرا در خواهد آمد.

وی ادامه داد: در این طرح ماهانه ۱۰ عنوان کتاب از سوی این معاونت برای مطالعه اقشار مختلف جامعه و مخاطبان عمومی معرفی می‌شود.

دری خاطرنشان کرد: در این طرح شاخصه معرفی کتاب بر مبنای هویت دینی و ملی پی‌ریزی خواهد شد.

معاون امور فرهنگی پیامدهای طرح معرفی کتاب را ایجاد اطمینان در خانواده‌ها به دلیل معرفی از سوی وزارت ارشاد و ارزش گذاری برای کتابخوانی در نهادها و ارگان‌ها دانست و افزود: همچنین این طرح در نهایت به گسترش توزیع کتاب‌های مناسب در کشور و افزایش شمارگان و تشویق برای برگزاری مسابقات کتابخوانی خواهد انجامید.

وی گفت: با اجرایی شدن این طرح از هفته آینده، قطعاً ناشران و نویسندگان و پدید آورندگان کتب مناسب و ارزشمند حمایت می‌شوند و زمینه دسترسی آسان‌تر به کتاب‌های مورد نظر نیز فراهم خواهد شد.

ثبت ملی ۳ بنای تاریخی در گلپایگان

سرویس شهرستانها ـ مسئول میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلپایگان گفت: امسال سه بنای تاریخی در این شهرستان به ثبت آثار ملی رسید.

مهدی نوبخت در گفت و گو با ایرنا افزود: «خانه محمدی» در روستای «اسفرنجان» از توابع گلپایگان، تپه تاریخی «لهرامش» واقع در شهر گلپایگان و تپه «چغا حسن» در شهر گوگد از توابع این شهرستان از بناهایی است که امسال در فهرست آثار ملی قرار گرفت.

خانه محمدی مربوط به اواخر دوره قاجاریه و ابتدای دوره پهلوی است و بیش از صد سال قدمت دارد.

اثر تاریخی چغا حسن که در منطقه کشاورزی شهر گوگد واقع شده است، به دوره نوسنگی تعلق دارد و تپه تاریخی لهرامش، نیز متعلق به دوره میان سنگی است.

کوتاه فرهنگی

نمایشگاه قرآن تا ۵ شهریور تمدید شد

نوزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم در مصلای امام خمینی (ره) که قرار بود جمعه چهارم شهریور به کار خود پایان دهد تا شنبه، پنجم شهریور برای بازدید عمومی تمدید شد.

به گزارش گروه فرهنگی ایرنا از آنجا که ماه شعبان ۳۰ روز بود اختتامیه نمایشگاه قرآن کریم مطابق با اعلام قبلی ۲۶ رمضان مصادف با ۵ شهریور برگزار می‌شود.

مراسم افتتاحیه بخش‌های حوزوی ودانشگاهی نوزدهمین نمایشگاه قرآن کریم امروز برگزار خواهدشد که در آن ضمن معرفی برترین‌های بخش‌های حوزوی و دانشگاهی از فعالان این دو حوزه قدردانی خواهد شد و خادمان قرآنی پیشکسوتان و فعالان قرآنی نیز معرفی خواهند شد.

ادغام مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها در مرکز مطالعات جهانی شدن

رئیس جمهوری مصوبه شورای عالی اداری مبنی بر ادغام تمامی وظایف و مسئولیت‌های مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها (سابق) با همه امکانات و نیروی انسانی در مرکز ملی مطالعات جهانی شدن را برای اجرای ابلاغ کرد.

به گزارش ایرنا، براساس مصوبه شورای عالی اداری، این مرکز مستقیماً زیر نظر رئیس جمهوری فعالیت می‌کند.

حضور ۲ داور خارجی در هشتمین دوسالانه نقاشی معاصر ایران

دبیر هشتمین دوسالانه نقاشی معاصر ایران از حضور دو داور خارجی از کشورهای اسلواکی و مجارستان در ترکیب هفت نفره هیأت داوران این دوسالانه خبر داد. احمد وکیلی دبیر هشتمین دوسالانه ملی نقاشی معاصر ایران در گفت‌وگو با فارس درباره آخرین وضعیت برگزاری این دوسالانه گفت: هم‌اکنون در حال تنظیم فراخوان این دوسالانه و انتخاب هیأت داوران آن هستیم.

نمایشگاه آثار چاپ سنگی در مجموعه «صبا»

مؤسسه صبا به مناسبت ماه مبارک رمضان، نمایشگاه آثار چاپ سنگی، برگزار می‌کند.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه فرهنگی هنری صبا وابسته به فرهنگستان هنر، در این نمایشگاه ۴۰ اثر چاپ سنگی از مجموعه جهانگیر کازرونی و فریال سلحشور، به نمایش درمی‌آید.

علاقه‌مندان برای دیدار از این نمایشگاه می‌توانند از ۲ شهریور تا ۳۰ شهریور، همه روزه به جز روزهای تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸، به خیابان ولی‌عصر (عج)، خیابان طالقانی غربی، خیابان صبا (شهید برادران مظفر)، شماره ۱۲۵، نگارخانه «خیال» مراجعه کنند.

کمدی «ولپن» از ٦ شهریور در کارگاه نمایش

نمایش کمدی «ولپن» اثر «بن‌جانسن» با کارگردانی، طراحی و دراماتورژی مهدی کوشکی ششم شهریور در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهد رفت.

به گزارش ایسنا، به نقل از روابط عمومی گروه تئاتر «لیو»، این نمایش در دوازدهمین جشنواره تئاتر دانشگاهی جایزه اول کارگردانی و جایزه اول بازیگری را از آن خود کرده است.

این نمایش هر روز غیر از شنبه‌ها در دو سئانس ۱۸ و ۲۰ در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر اجرا می‌شود.

اجرای عمومی تالارهای نمایشی تئاتر شهر از سر گرفته می‌شود

اجرای عمومی آثار نمایشی تالارهای چهارسو، قشقایی، سایه و کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر با پایان ایام سوگواری شهادت حضرت علی (ع) و شب‌های گرامی قدر از سر گرفته می‌شود.

به گزارش روابط عمومی مجموعه تئاتر شهر، از دوم شهریور نمایش «خواجه نظام‌الملک» به کارگردانی شکرخدا گودرزی ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه در تالار چهارسو به صحنه می‌رود.

در تالار قشقایی نمایش «مه‌آلود مثل یک شب مثل روز» به کارگردانی فرشاد منظوفی‌نیا ساعت ۱۹ پذیرای علاقه‌مندان تئاتر خواهد بود.

در تالار سایه هم به ترتیب نمایش «شاهزاده اندوه» به کارگردانی محمد عاقبتی ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه و نمایش «مراسمی برای یک دوست» به کارگردانی احمد ایرانی‌خواه ساعت ۲۱ به صحنه می‌روند. نمایش «سفیدبرفی و هفت کوتوله» به کارگردانی نصیر ملکی‌جو نیز ساعت‌های ۱۹ و ۲۰ و ۳۰ دقیقه در کارگاه نمایش میزبان تماشاگران تئاتر خواهد بود.

ایزابل سالاری اثرش را به شالویی اهدا کرد

ایزابل سالاری؛ نوجوان نقاش یکی از آثار خود را به محمود شالویی؛ مدیرکل هنرهای تجسمی و رئیس موزه هنرهای معاصر تهران اهدا کرد.

به گزارش روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران، ایزابل سالاری در روزهای اقامت در ایران در کارگاه‌های نقاشی ۱۳ اثر خلق کرد و روز یکشنبه ۳۰ مرداد در موزه هنرهای معاصر تهران یکی از آثارش را به شالویی اهدا کرد. محمود شالویی؛ مدیرکل هنرهای تجسمی درباره ایزابل سالاری گفت: آثار این نقاش نوجوان مورد توجه منتقدان و کارشناسان قرار گرفته است و در آینده نمایشگاه آثار این هنرمند برگزار خواهد شد.

ایزابل سالاری ۱۲ ساله برای اولین بار برای نخستین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی کودک و نوجوان اصفهان به ایران آمد و در مدتی که در ایران اقامت داشت کارگاههایی را در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار کرد. ایزابل سالاری متولد ایتالیاست و پدر او ایرانی است و تاکنون نمایشگاههایی از آثارش در ایتالیا برگزار شده است.

نقاشی‌های «رسوخ» در گالری «فروهر»

نمایشگاه نقاشی رویا زنده دل با عنوان «رسوخ» از پنجم تا ۲۱ شهریور در گالری «فروهر» برپا می‌شود.

گالری «فروهر» به نشانی تهران، بلوار آفریقا، نبش بلوار گلستان، شماره۲، روزانه از ساعت ۱۲ تا ۲۰، پنجشنبه‌ها از ساعت ۱۲ تا ۱۸ و جمعه‌ها از ساعت ۱۸ تا ۲۰ میزبان علاقه‌مندان است.

نگارخانه سه‌شنبه‌ها به غیر از هشتم شهریور تعطیل است.

همچنین نگارخانه روزهای ۹، ۱۰ و ۱۱ شهریور نیز تعطیل خواهد بود.

اجرای کنسرت موسیقی تلفیقی در تالار رودکی

کنسرت گروه «چنگ مهر» به سرپرستی امین رحیم پور که به اجرای نوینی از تلفیق موسیقی کلاسیک غرب و موسیقی ایرانی می‌پردازد. از ۱۷ تا ۱۹ شهریور به مدت سه شب در تالار رودکی اجرا می‌شود.

به گزارش روابط عمومی بنیاد رودکی، این گروه پیش از این به ترتیب در سال‌های ۸۷ و ۸۳ در تالارهای فارابی و فجر اجرای برنامه داشته است؛ در کنسرت جدید این گروه، فاروق کسمایی هم به‌عنوان خواننده حضور دارد.

کوتاه آموزشی

مطالبات فرهنگیان بازنشسته سال ۸۹، امسال پرداخت می‌شود

معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش، آموزش و پرورش استان‌ها را موظف کرد تا تمام مطالبات بازنشستگان سال ۸۹ این وزارتخانه را امسال پرداخت کنند.

به گزارش فارس، در بخشنامه معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها آمده است: تأمین اعتبار برای پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان سال ۱۳۸۹ در سال ۹۰، از محل تخصیص ابلاغی امسال به صورت علی‌الحساب در دو مرحله ابلاغ شده و براساس محاسبات اولیه، مبالغ ابلاغی معادل نیاز استان به این اعتبارات بوده است.

آغاز ثبت نام پذیرفته‌شدگان دوره‌های فراگیر از ۲۷ شهریور

معاون سازمان سنجش آموزش کشور از آغاز ثبت‌نام پذیرفته‌شدگان دوره‌های فراگیر دانشگاه پیام نور از ۲۷ شهریور خبر داد.

سیدجلال طباطبایی در گفت‌وگو با ایسنا، بااشاره به مهلت ثبت‌نام پذیرفته‌شدگان دوره‌های فراگیر کارشناسی، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی ارشد پیام نور، گفت: پذیرفته‌شدگان باید از ۲۷ تا ۳۱ شهریور فقط در کد قبولی اعلام شده در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۱-۹۰ برای ثبت‌نام در رشته قبولی به مراکز مربوطه مراجعه کنند.

واکنش به مرتبط دانستن پذیرش تک جنسیتی برخی رشته‌ها به وزارت علوم

مدیرکل دفتر پشتیبانی و حمایت آموزشی وزارت علوم نسبت به انتشار اخباری که وزارت علوم را بانی پذیرش تک جنسیتی در برخی رشته‌ها می‌دانستند واکنش نشان داد و گفت: «برخی بی جهت بر سر این موضوع جنجال کردند.» سعید قدیمی در گفت‌وگو با مهر با بیان این مطلب افزود: «پذیرش تک جنسیتی که در برخی رشته‌ها اتفاق افتاده است موضوعی نیست که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری درباره‌اش تصمیم‌گیری کرده باشد بلکه خود دانشگاه‌ها هستند که ظرفیت یا جنسیت پذیرش‌شوندگان را تعیین می‌کنند».

حل مشکل بیمه مربیان پیش‌دبستانی از امسال

خبرگزاری فارس: معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش گفت: مؤسسات غیردولتی طرف قرارداد با آموزش و پرورش باید از امسال نسبت به بیمه کردن مربیان پیش‌دبستانی بر اساس ضوابط قانون کار اقدام کنند.

فاطمه قربان، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگو با فارس با اشاره به تدوین و ابلاغ دستورالعمل اجرایی دوره پیش دبستانی به آموزش و پرورش استان‌ها اظهار داشت: این دستورالعمل که پس از آسیب شناسی‌های صورت گرفته تدوین شده است، با هدف ساماندهی و یکپارچه کردن مسائل مختلف دوره پیش دبستانی و مدیریت منسجم در سطح کشور ابلاغ شده است.

تامین مسکن برای دانشجویان متاهل

صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مکاتبه با دانشگاه‌ها از هماهنگی‌های اولیه از سوی وزارت علوم برای تأمین مسکن متأهلی برای دانشجویان متأهل خبر داد. به گزارش مهر، منصور حبیب‌پور گودرزی – قائم مقام صندوق رفاه دانشجویان طی بخشنامه‌ای به معاونان دانشجویی دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم، روسای مراکز استانی دانشگاه پیام نور و روسای مراکز استانی دانشگاه جامع علمی کاربردی از انجام هماهنگی‌های اولیه در خصوص تأمین مسکن متأهلی دانشجویان خبر داد.

در این بخشنامه مقرر شده است، دانشگاه‌ها لیست مشخصات دانشجویان به تفکیک مقطع دکترا، مقطع کارشناسی ارشد و مقطع کارشناسی که متقاضی مسکن متأهلی هستند را به صندوق رفاه دانشجویان ارسال کنند.

قائم مقام صندوق رفاه دانشجویان در این نامه اعلام کرده است: «مسکن متأهلی یک خوابه با پرداخت ۹ میلیون تومان، مسکن متأهلی دو خوابه با پرداخت ۱۶ میلیون تومان (پرداخت بقیه از طریق وام بانکی صورت می گیرد) قابل حصول است».

تمدید مهلت اعلام نیاز دانشگاه‌ها برای جذب هیات علمی

مرکز جذب هیأت علمی، مهلت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را برای اعلام نیازمندی‌های خود در خصوص جذب هیأت علمی تمدید کرد. به گزارش خبرنگار مهر، مرکز جذب هیأت علمی در وزارت علوم، پیرو اطلاعیه قبلی خود در خصوص بارگذاری نیازمندی‌های دانشگاه‌ها برای انتخاب اولویت متقاضیان تا ۳۰ مرداد، اعلام کرد در پی درخواست تعدادی از دانشگاه‌ها مبنی بر تمدید زمان بارگذاری، این مدت تا ٦ شهریور تمدید شد.

مرکز جذب اعضای هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیش از این نیز اعلام کرده بود: به منظور تامین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور (اعم از دولتی، غیر دولتی – غیر انتفاعی و وابسته به دستگاه‌های اجرایی) از دارندگان مدارک دکتری PHD، دانشجویان مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد و طرح سربازی دعوت به همکاری می‌کند.

هر دانش آموز ایرانی، یک پاکت شیر به مردم سومالی اهدا می‌کند

با هدف ترویج فرهنگ کمک به هم نوع و برای آماده‌سازی دانش‌آموزان علاقمندان به انجام داوطلبانه خدمات امدادی، هر دانش‌آموز ایرانی یک پاکت شیر و یا یک بسته خرما به مردم قحطی‌زده سومالی اهداء می‌کند.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل دفتر مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، این طرح توسط اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و با همکاری سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر صورت گرفته که از شب‌های قدر تا عید سعید فطر در دفاتر اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و یا پایگاه‌های هلال‌احمر در سراسر کشور اجرا می‌شود.

حمایت جشنواره ققنوس از شاعران نیمایی‌سرا

سرویس فرهنگی، هنری: روابط عمومی انجمن شاعران ایران اعلام کرد دبیرخانه جشنواره ققنوس فعالیت خود را با انتشار نخستین فراخوان برای این جشنواره آغاز کرد.

بنا به گزارش رسیده، انجمن شاعران ایران در نظر دارد که آبان امسال جشنواره شعر ققنوس را برای حمایت از شاعران نیمایی‌سرا و نیز احیای پیشنهادات اجرایی نیما یوشیج ـ بنیانگذار شعر نو در ایران ـ برگزار کند.

روابط عمومی انجمن شاعران در اطلاعیه‌ای آورده است: در کنار جشنواره‌هایی که خروجی آنها غالباً گویای اقبال شاعران جوان این مرز و بوم به عرصه‌های غزل و شعر سپید است، جشنواره ققنوس در نظر دارد، تداوم اندیشه و نگاه نیما در پیوند با پیشنهادهای نیما برای شکل شعر فارسی ـ قالب موسوم به نیمایی ـ را مورد توجه قرار دهد و چتر حمایتی خود را بر سر شاعران نیمایی‌سرا بگستراند.

در این اطلاعیه از علاقه‌مندان و شاعران نیمایی‌سرا درخواست شده است که مقالات و اشعار خود را (۸قطعه) تا ۲۵ مهرامسال از طریق پست الکترونیکی دبیرخانه جشنواره به‌نشانی Dabirkhaneh.ghoghnoos@yahoo.com و یا به نشانی تهران ـ خ دکتر شریعتی ـ خ شهید کلاهدوز نبش کوچه شهید نعمتی ـ انجمن شاعران ایران ـ دبیرخانه جشنواره ققنوس ارسال کنند.

سکه ۵۷۵هزار تومان شد

سرویس اقتصادی: در پی افزایش مجدد بهای طلا در بازارهای جهانی، سکه طلا در ایران به رکورد قیمت جدید دست یافت.

به گزارش خبرنگار ما، هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا دیروز در بازارهای آسیائی با ۲۰ دلار افزایش نسبت به معاملات قبلی ۱۹۱۳ دلار فروخته شد که بالاترین حدنصاب قیمت این فلز در طول تاریخ محسوب می‌شود.

در بازار داخلی هم هرگرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت) برای نخستین مرتبه ٥٤ هزار و ۷۵۰ تومان به فروش رسید که حداقل ۲۰۰۰ تومان گرانتر از رقم معاملات قبلی است.

این گزارش حاکی است بازگشت مجدد روند صعودی قیمت طلا، متقاضیان خرید سکه را دیروز به شعب بانک‌های عرضه‌کننده کشید و در مقابل اغلب شعبه بانک‌های ملی صف طویلی از متقاضیان خرید سکه تشکیل شد.

دیروز بانک‌ها هر قطعه سکه طلا را ۵۳۵ هزار تومان به مشتریان عرضه کردند، در حالی که بهای سکه در بازار آزاد کمتر از ۵٥٦ هزار تومان نبود.

هر قطعه سکه بهار آزادی (طرح قدیم) هم دیروز به رکورد ۵۷۵ هزار تومان رسید که حداقل ۱۸ هزار تومان بالاتر از رکورد قبلی است.

این گزارش می‌افزاید: دیروز بهای هر قطعه نیم سکه طلا در شعب بانک‌ها ۲٦۷ هزار تومان و در بازار آزاد ۲۷۹ هزار تومان بود. ربع سکه طلا هم اگرچه در شعب بانک‌ها ۱۳۲ هزار تومان قیمت داشت، ولی در بازار آزاد ۱٤٤ هزار تومان معامله می‌شد.

همچنین افزایش قیمت جهانی هر اونس طلا و اثر آن در بازار داخل، باعث شد قیمت سکه در معاملات آتی از روز شنبه در هر روز سه درصد مثبت شود و دیروز هم با ثبت این رشد، قیمت سکه تحویل شهریور به بیش از ٦۰۰ هزار تومان رسید.

در معاملات دیروز سکه تحویل شهریور و اسفند با سه درصد رشد به ۵۳۹ هزار و ۷۰۰ تومان و ٦۰٦ هزار تومان رسید همچنین سکه تحویل آبان و دی با رشدی نزدیک به ۳ درصد (۲/۹۸ درصد) به ۵۵۹ و ۵۸۱ هزار و ۹۰۰ تومان افزایش یافت.

وام ۱۵۰ میلیون تومانی برای واحدهای صنعتی کوچک

وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به اختصاص ۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای بازسازی صنایع کوچک، گفت: براساس مصوبه جدید بانک مرکزی، آن دسته از تولیدکنندگانی که در برنامه باز تقسیط جدید دچار معوقه شوند، باید جرایم را بپردازند.

مهدی غضنفری در گفت‌وگو با مهر با تشریح اجرای بسته دوم حمایت از صنایع و معادن کشور گفت: بازسازی واحدهای صنعتی کوچک در حال حاضر شروع شده و حدود ۲۰۰۰ متقاضی برای آن ثبت‌نام کرده‌اند که قرار است به هر واحد صنعتی تا سقف ۱۵۰ میلیون تومان تسهیلات ارائه شود.

وی افزود: از سوی دیگر، صنعتگران و تولیدکنندگان در کنار دریافت تسهیلات ارزان‌قیمت، خواستار باز تقسیط معوقات خود هستند که در این خصوص بانک مرکزی، بانک‌های عامل را مکلف کرده تا جرایم دیرکرد معوقات تولیدکنندگانی که به دلایل مختلف نتوانسته‌اند اقساط خود را به موقع بپردازند، بخشوده شود.

وی تصریح کرد: آن دسته از تولیدکنندگانی که در برنامه بازتقسیط جدید دچار معوقه شوند، باید جرایم را بپردازند، اما اگر براساس برنامه پرداخت جدید، تمامی اقساط را بدهند، جرایم آنها به‌طور کامل بخشوده می‌شود. این موضوع از سوی رئیس کل بانک مرکزی به تازگی به بانک‌ها ابلاغ شده است. در همین حال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در اطلاعیه‌ای از اعضای خود که بدهی معوق به بانک‌ها و مؤسسات مالی دارند خواست تا به بانک‌هایی که قبلاً از آنها تسهیلات مالی دریافت کرده‌اند، مراجعه کرده و با ارائه درخواست خود در چارچوب بند ۲۸ قانون بودجه عمل کنند.

در اطلاعیه اتاق تهران تصریح شده است: بدیهی است در صورت توافق نیافتن با بانک یا موسسه مالی ذیربط، مراتب را مستنداً به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران اعلام تا اقدام بعدی به عمل آید.

سیاست انضباط مالی در عرصه اقتصاد کلان ادامه می‌یابد

سخنگوی اقتصادی دولت از ادامه سیاست انضباط مالی در عرصه اقتصاد کلان کشور خبر داد و گفت: درآمدهای دولت در پنج ماه امسال نسبت به مدت مشابه پارسال ۲۱/۵ درصد رشد داشته است.

سید شمس‌الدین حسینی در نشستی با خبرنگاران اظهار داشت: مخارج دولت متناسب با درآمدها و با نظر کمیته تخصیص و با همکاری خزانه داری تنظیم و متناسب با دخل و خرج کشور هزینه می‌شود.

وی درباره درآمدهای دولت توضیح داد: بالاترین رشد مربوط به مالیات با ۲۷ درصد بوده و این در حالی است که هزینه‌های جاری دولت ١٤/٥ درصد رشد را نشان می‌دهد.

حسینی با بیان اینکه ۹۰ درصد بودجه جاری پارسال کشور هزینه شده است، افزود: با در نظر گرفتن مواد ۱۰ و ۱۲ قانون تنظیم، پرداختی‌های عمرانی بودجه، از ۷۵ درصد بیشتر شده است.

وی ادامه داد: دریافتی‌های دولت در پنج ماهه نخست امسال در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۱۲ درصد رشد داشته و پرداختی‌های دولت هم ۹ درصد رشد یافته است.

به گفته وزیر امور اقتصادی و دارایی بالاترین بخش در هزینه‌های دولت مربوط به حقوق و دستمزد بوده که ۲۰ درصد رشد داشته است.

حسینی با تاکید براینکه تراز کلی و عملیاتی بودجه امسال رو به بهبود است، تصریح کرد: انضباط پولی و مدیریت نقدینگی در چارچوب بسته سیاستی- نظارتی پول و اعتبار انجام می‌شود به نحوی که رشد نقدینگی در خرداد امسال ۲۲/٦ درصد بوده است.

وی اضافه کرد: این رقم نسبت به نقدینگی اسفند پارسال ۲۵/۲ درصد کاهش یافته است.

سخنگوی اقتصادی دولت تصریح کرد: تلاش می‌شود با تنوع بخشی و ترویج عقود مالی اسلامی هرچه بیشتر از ظرفیت‌های بانکداری اسلامی استفاده شود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره سیاست‌های دولت برای اقتصاد کلان کشور، گفت: تامین مالی و پشتیبانی از فعالیت‌های مولد تولیدی و اشتغالزایی از سیاست‌های دولت به شمار می‌رود ضمن اینکه به توانمند سازی بخش خصوصی هم توجه می‌شود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی همچنین از ارایه لایحه اصلاح پول ملی از سوی بانک مرکزی به دولت خبر داد و گفت: تکمیل طرح تحول اقتصادی امسال دنبال می‌شود.

سید شمس‌الدین حسینی اظهارداشت: همچنین لایحه اصلاح قانون گمرک در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است و طرح تحول مالیاتی هم با شتاب پیگیری می‌شود.

به گفته وی از محل واردات گندم و بنزین در چهار ماه ابتدای امسال یک میلیارد و ٦۰۰ میلیون دلار صرفه‌جویی شده است.

وی گفت: واردات گندم و بنزین در چهار ماهه سال قبل یک میلیارد و ٦۰۰ میلیون دلار بوده که این رقم به کمتر از ۵۰ میلیون دلار رسیده است.

حسینی همچنین ترانزیت کالا از کشور را در مدت مذکور با رشد ۲٦ درصد ۹ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار عنوان کرد.

سخنگوی اقتصادی دولت با اشاره به بهبود فضای کسب و کار در تعامل با بخش خصوصی گفت: در دو سال گذشته در ۳۰ استان کشور مرکز خدمات سرمایه‌گذاری راه اندازی شده است و بزودی این مرکز در استان البرز هم راه‌اندازی می‌شود.

حسینی با اشاره به تشکیل جلسات شورای گفت و گو گفت: مجموع تمهیدات اندیشیده شده سبب شده است تا در دو سال گذشته رتبه کسب و کار در کشور ١٤ مرتبه بهبود یابد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: ٥٥٤٠ میلیارد تومان سهام در پارسال واگذار شده که این رقم در چهار ماهه نخست امسال ۲۸٦۰ میلیارد تومان بوده است.

به گفته وی در چهار ماهه ابتدای امسال ۵۲ درصد واگذاری‌های پارسال انجام شده که ٦۲ درصد از آن از طریق بازار سرمایه و فرابورس بوده است.

وی با بیان آنکه در چهار ماهه امسال ۸۷ شرکت از طریق سازمان خصوصی‌سازی عرضه شده است، اظهار داشت: ۳۷ شرکت فروخته شده، ۲۱ شرکت در فرایند فروش، شش شرکت بابت رد دیون و ۲۳ شرکت به دلیل نبود مشتری در عرضه اولیه دوباره عرضه می‌شود.

سخنگوی اقتصادی دولت سپس تاکید کرد که نرخ تورم محرمانه نیست و اصولا شاخص‌های کلان اقتصادی نمی‌توانند محرمانه باشند.

وی با بیان این‌که پس از تکلیف قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر اینکه مرجع رسمی اعلام آمار، مرکز آمار ایران است، دولت تصمیم گرفت به درهم ریختگی اعلام آمار از سوی نهادهای مختلف سامان بدهد، گفت: هم‌اکنون کمیته‌ای در دولت تشکیل شده است تا آمارها یکسان و از طریق یک مرجع اعلام شود.

این‌که مرکز آمار مرجع اعلام آمار رسمی است، به‌این معنی نیست که یگانه مرجع تولید آمار هم هست.

سخنگوی اقتصادی دولت در پاسخ به سوال دیگری درباره آخرین تصمیم‌های دولت مورد نحوه اجرای دیه ۹۰ میلیون تومانی گفت: اگرچه موضوع دیه ۹۰ تومانی اعلام شد، اما ابلاغ نشد و این به آن معنی است که قوه قضاییه به مباحث پیرامون آن توجه دارد.

حسینی با بیان این‌که اعلام دیه ۹۰ میلیون تومانی تبعاتی دارد، افزود: اگر نرخ دیه افزایش یابد، طبعا بیمه‌نامه‌ها گران می‌شود و عده‌ای نمی‌توانند آن را بخرند و تعداد افراد بدون بیمه‌نامه زیاد می‌شود یا شرکت بیمه نمی‌تواند این رقم را پوشش بدهد.

وی افزود: دولت چهارشنبه گذشته لایحه‌ای را تصویب کرد که در آن سازوکار تعیین دیه پیش‌بینی شده است. جلساتی هم در این زمینه با قوه قضاییه در حال برگزاری است و امیدواریم در این زمینه به تفاهم برسیم.

وزیر اقتصاد در پاسخ به سوال دیگری درباره اقدامات دولت برای جلوگیری از ایجاد حباب در بازار سکه پس از نوسانات قیمت جهانی گفت: قیمت طلا از ۱۲۰۰ دلار در هر اونس هم‌اکنون به بیش از دو هزار دلار رسیده است، بنابراین طبیعی است وقتی قیمت طلا در بازار جهانی افزایش می‌یابد، ما نمی‌توانیم جلوی رشد آن را بگیریم، ولی دولت از حبابی‌شدن آن جلوگیری می‌کند.

وی با تاکید بر این‌که پایان ماه رمضان نمی‌تواند اثر چندانی بر قیمت طلا داشته باشد، گفت: بانک مرکزی پارسال بخش عمده ذخایر خود را به طلا تبدیل کرد، اما باید بگوییم که بخش عمده افزایش قیمت طلا در جهان ناشی از جنگ ارزی برخی دولت‌هاست.

سخنگوی اقتصادی دولت همچنین با تاکید بر این که همه مراحل قانونی اولیه برای تخصیص منابع صندوق توسعه ملی طی شده و اختصاص منابع آن از هم اکنون امکان‌پذیر است، گفت: تمامی منابع صندوق توسعه ملی به بخش غیر دولتی اختصاص می‌یابد، و سایر بخش‌ها در شرایط بسیار خاص می‌توانند از این منابع استفاده کنند.

وی با بیان این که هم اکنون کمتر از یک دهک از دریافت یارانه انصراف داده‌اند، گفت: برنامه‌ریزی دولت این است که یارانه ایرانیان مقیم خارج حذف شود. چون آن‌ها از نوسانات داخلی متضرر نمی‌شوند.

وی درباره اعلام شاخص‌های اقتصادی توسط صندوق بین‌المللی پول گفت: پس از تاخیری که در داخل برای اعلام رشد اقتصادی ایجاد شد صندوق بین‌المللی پول خودش رشد اقتصادی ما را اعلام کرد اعتراض ما به این بود که آن‌ها چطور بدون دسترسی به آمار ایران رشد اقتصادی را اعلام کردند و این اقدام آن‌ها خارج از اساسنامه بود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی همچنین درباره میزان تخصیص منابع ناشی از هدفمندی یارانه‌ها گفت: پارسال ۱۹٦۰ میلیارد تومان به صورت نقدی به بخش تولید اختصاص یافته است. همچنین به جز این ارقام ۲٤۰۰ میلیارد تومان در قالب اعتبار انرژی در اختیار بخش‌های تولیدی قرار گرفت.

سخنگوی اقتصادی دولت همچنین درباره میزان تخصیص یارانه نقدی به خانوارها گفت که در سه ماهه آخر پارسال بالغ بر ۸٦۰۰ میلیارد تومان در قالب یارانه نقدی به خانوارها پرداخت شده است.

حسینی در پاسخ به این که فاز بعدی هدفمندی یارانه‌ها کی اجرا می‌شود، گفت: باید تاکید کنم که تکمیل هدفمندی یارانه‌ها مترادف با افزایش قیمت‌ها نیست ولی ما باید در ادامه راه فازهای بعدی اصلاح قیمت را انجام بدهیم. نکته مهم این است که هدفمند کردن یارانه‌ها در بدو امر قاچاق بنزین را به صفر رساند. اما واقعیت این است که هم اکنون تفاوت قیمت در داخل و خارج وجود دارد و ما به عنوان دولت موظفیم که قاچاق را از بین ببریم.

وی همچنین درباره تحریم بانک مرکزی اظهار کرد: موضوع این تحریم صرفا در کنگره آمریکا مطرح شده است.

البته دولت و بانک مرکزی سازوکارهایی اندیشیده‌اند تا کانال‌های نقل و انتقال پول را متنوع‌تر کنند تا مشکلی برای انتقال ارز به کشور وجود نداشته باشد. موضوع تحریم بانک مرکزی در قطعنامه‌های قبلی هم مطرح شده و شورای امنیت به آن رای نداده بود و بعید می‌دانم این موضوع اجرایی شود.

حسینی درباره نوسانات ارزی در بازار گفت: این نوسان از شهریور پارسال آغاز شده که البته دلیل آن اقتصادی نبود و به مسائل سیاسی برون‌مرزی که نقل و انتقال ارز را دچار مشکل کرد باز می‌گشت. پارسال بانک مرکزی توانست بر این بحران غالب شود و امسال هم با تخصیص بهینه‌تر منابع و تصحیح قیمت این کار را انجام داده است.

وی ادامه داد: بانک مرکزی تغییراتی در نحوه تخصیص ارز ایجاد کرده است و این کار را از صرافی‌ها به سرویس بانکی منتقل کرده که این امر ممکن است باعث کمبودهای مقطعی در بازار ارز شود.

وی افزود: با این حال سعی می‌کنیم به نیازهای واقعی بازار پاسخ داده شود و بانک مرکزی هم در همین رابطه طراحی کرده است، اما باید فاصله بین نرخ رسمی و بازار آزاد به حداقل برسد و این در دستور کار است.

وزیر اقتصاد درباره نظر دولت درمورد افزایش نرخ سپرده‌های بانکی اظهار کرد: در این باره شورای پول و اعتبار باید تصمیم بگیرد و دولت تابع تصمیم این شوراست.

وی درباره تاثیر نرخ سود بر تلاطم‌های بازار ارز و سکه اظهار کرد: نوسانات پیش از ابلاغ بسته بوده است، از سوی دیگر نمایندگان بخش خصوصی هم در شورا حضور دارند، نمی‌توان گفت که نظر دولت کاهش نرخ سود بوده، بلکه مجموع نظرات در شورای پول و اعتبار این نتیجه را داشته است.

حسینی در پاسخ به سوال دیگری در مورد رسیدن واردات بنزین به حد صفر اظهار کرد: در چهار ماهه ابتدای امسال متوسط روزانه مصرف بنزین ۵۵ میلیون لیتر بوده، این در حالی است که این رقم در پارسال ٦۰ میلیون لیتر در روز بوده است.

وی تاکید کرد: کشور در زمینه بنزین با استفاده از طرح ضربتی به کارگیری از ظرفیت پالایشگاه و پتروشیمی برای تولید بنزین و همچنین کاهش مصرف به دلیل اجرای هدفمندی یارانه‌ها نیازی به واردات بنزین ندارد و علاوه بر پاسخ‌گویی به نیاز داخلی یک میلیارد لیتر هم آماده صادرات داریم.

صادرات محصولات پتروشیمی به ۵/۳ میلیارد دلار رسید

سرویس اقتصادی: ارزش صادرات محصولات پتروشیمی از ابتدای امسال تاکنون به ۵/۳ میلیارد دلار رسید. ظرفیت نصب شده صنایع پتروشیمی به حدود ۵۵ میلیون تن رسیده است و پیش‌بینی می‌شود میزان تولید محصولات پتروشیمی به ٤٦ میلیون تن در سال برسد.

به گزارش خبرنگار ما، عبدالحسین بیات معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی دیروز در جمع خبرنگاران ضمن اعلام این مطالب گفت: تفاوت بین ظرفیت نصب شده و تولید واقعی به کمبود خوراک، نارسایی‌های فناوری، اشکال در ساخت تجهیزات و نارسایی‌های آموزشی بر می‌گردد.

وی افزود: تولید محصولات پتروشیمی از ابتدای امسال تاکنون به ۱۷ میلیون و ٦۰۰ هزار تن رسید که از این رقم ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تن به ارزش ۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار صادر شده است.

بیات خاطر نشان کرد: در مدت یاد شده ٤ میلیون و ۳۰۰ هزار تن محصول به ارزش حدود ۳۷ میلیارد دلار در بازار داخلی فروخته شده است.

وی ادامه داد: از ابتدای امسال تاکنون هفت قرارداد تجاری با شرکت‌های داخلی و خارجی به ارزش ۲٦۹۰ میلیون یورو منعقد شد که چهار مورد آن در مرحله گشایش اعتبار و دو مورد آن به صندوق توسعه ملی معرفی شده است.

وی ادامه داد: طرح‌هایی همچون پی‌وی‌سی پتروشیمی اروند، طرح تفکیک مایعات پتروشیمی بندر امام، الفین یازدهم پتروشیمی کاویان، فاز اول خط انتقال اتیلن غرب، پلی اتیلن سنگین کرمانشاه، «بوتن یک» پتروشیمی جم و اسکله دوم مایعات منطقه ماهشهر تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسند.

معاون وزیر نفت گفت: با بهره‌برداری از هشت طرح پتروشیمی به میزان ۸ میلیون تن ظرفیت تولیدات افزایش می‌یابد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی یادآور شد: در حدود ۵۵ هزار میلیارد ریال برای توسعه این هشت طرح پیش‌بینی شده است که میزان درآمدزایی آن به حدود ۳۹ هزار میلیارد ریال در سال می‌رسد.

وی به اولویت‌بندی ۳ گانه طرح‌های توسعه پتروشیمی اشاره کرد و گفت در اولویت اول ٢٤ طرح در نظر گرفته شده است که ۱۲ طرح آن تامین اعتبار، دو طرح به صندوق توسعه ملی و ۱۰ طرح به سازمان سرمایه‌گذاری خارجی معرفی شده‌اند.

بیات افزود: در طرح‌های اولویت دوم ٢٤ پروژه در نظر گرفته شده که هفت طرح آن مثل پتروشیمی لردگان، فیروزآباد، جهرم، فسا، داراب، مرجان و ویزان قرادادهایش امضا شده است.

وی تصریح کرد: براساس مصوبه‌مجلس سازمان‌های توسعه‌ای مجازند تا صددرصد طرح‌های توسعه‌ای را در مناطق کمتر توسعه یافته سرمایه گذاری کنند.

وی گفت: سهام ۱۵ شرکت که در یک زنجیره ارزش قرار دارند در قالب هلدینگ خلیج فارس قابل عرضه به بخش خصوصی است.

وی به وضع شرکت‌های پتروشیمی پس از هدفمندی یارانه‌ها اشاره کرد و گفت: حاشیه سود مجتمع‌هایی که با اتان کار می‌کنند، بسیار بالاست اما شرکت‌های پتروشیمی که خوراک آن مایع است با زیان مواجه شده‌اند.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی تاکید کرد: براساس مصوبه اخیر مجلس که به وزیر نفت ابلاغ شده است شرکت پتروشیمی جزو شرکت‌های اصلی و تابعه وزارت نفت محسوب می‌شود.

توصیه‌های اخلاقی رهبر معظم انقلاب

بقیه از صفحه ۲

تولید و انفاق

«ولقد اعتق من ماله ألف مملوک»؛ به‌تدریج، هزار غلام و کنیز را که از مال شخصی خود خریده بود، آزاد کرد؛ «فی طلب وجه الله و النجاة من النّار»؛ برای این که رضای خدا را جلب نماید و از آتش جهنم خود را دور کند. «ممّا کد بیدیه و رشح منه جبینه»؛ این پول‌هایی که می‌داد، پول‌هایی نبود که مفت گیرش آمده باشد. امام صادق طبق این روایت می‌گوید: «مما کد بیدیه»؛ با کدّ یمین و عرق جبین و با کار سخت، پول به‌دست آورده بود. چه در زمان پیامبر، چه در زمان فترت بیست و پنج سال، چه در زمان خلافت -که از بعضی از آثار فهمیده می‌شود که امیرالمؤمنین در زمانِ خلافت هم کار می‌کرد- آن حضرت کار می‌کرد؛ مزرعه آباد می‌نمود، قنات می‌کند و پول درمی‌آورد و این پول‌ها را در راه خدا انفاق می‌کرد. از جمله مرتّب برده می‌خرید و آزاد می‌کرد؛ هزار برده را این‌طور خرید و آزاد کرد. «إن کان لیقوت أهله بالزیت و الخل و العجوة»؛ غذای معمولی خانه امیرالمؤمنین این‌ها بود: زیتون، سرکه، خرمای متوسّط و یا پایین؛ که حالا مثلاً در عرف جامعه ما نان و ماست، یا نان و پنیر است. «و ما کان لباسه إلّا کرابیس»؛ لباس معمولی‌اش کرباس بود. «إذا فضل شیء عن یده من کمه دعا بالجلم فقصه»؛ اگر آستینش مقداری بلند بود، قیچی می‌خواست و آستین بلند را می‌برید؛ یعنی حتی به زیادی آستین برای خودش راضی نمی‌شد. می گفت این زیادی است؛ این پارچه را در جایی مصرف کنند و به کاری بزنند! آن روز پارچه هم خیلی کم بود و مردم مشکلاتی در زمینه پوشش داشتند؛ این بود که یک تکه پارچه کرباس هم می‌توانست به دردی بخورد.

اسوه اسلام

بعد راجع به عبادت حضرت صحبت می‌کند. آن حضرت، قلّه اسلام است؛ اسوه مسلمین است. در همین روایت فرمود: «و ما اشبهه من ولده و لا أهل بیته أحد أقرب شبها به فی لباسه و فقهه من علی بن الحسین علیهما السّلام». امام صادق می‌گوید: در تمام اهل بیتمان - اهل بیت و اولاد پیامبر - از لحاظ این رفتارها و این زهد و عبادت، هیچ‌کس به اندازه علی‌بن‌الحسین به امیرالمؤمنین شبیه‌تر نبود؛ امام سجاد، از همه شبیه‌تر بود. امام صادق فصلی در باب عبادت امام سجاد ذکر می‌کند؛ از جمله می‌فرماید: «و لقد دخل ابوجعفر ابنه علیهماالسلام علیه»؛ پدرم حضرت ابی‌جعفر باقر یک روز پیش پدرش رفت و وارد اتاق آن بزرگوار شد. «فإذا هو قد بلغ من العبادة ما لم یبلغه أحد»؛ نگاه کرد، دید پدرش از عبادت حالی پیدا کرده که هیچ‌کس به این حال نرسیده است. شرح می‌دهد: رنگش از بی‌خوابی زرد شده، چشم‌هایش از گریه درهم شده، پاهایش ورم کرده و... امام باقر این‌ها را در پدر بزرگوارش مشاهده کرد و دلش سوخت: «فلم املک حین رأیته بتلک الحال البکاء»؛ می‌گوید وقتی وارد اتاق پدرم شدم و او را به این حال دیدم، نتوانستم خودداری کنم؛ بنا کردم زار زار گریه کردن: «فبکیت رحمة له». امام سجاد در حال فکر بود - تفکر هم عبادتی است - به فراست دانست که پسرش امام باقر چرا گریه می‌کند؛ خواست یک درس عملی به او بدهد؛ سرش را بلند کرد: «قال یا بُنی أعطنی بعض تلک الصحف التی فیها عبادة علی بن ابی طالب علیه‌السلام»؛ در میانِ کاغذهای ما بگرد و آن دفتری که عبادت علی‌بن‌ابی‌طالب را شرح داده، بیاور. ظاهراً از دوران امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام نوشته‌ها و کتاب‌هایی در باب قضاوت‌های آن حضرت، در باب زندگی آن حضرت، در باب احادیث آن حضرت، در اختیار ائمه بود. از مجموع روایات دیگر، آدم این‌طور می‌فهمد که در موارد گوناگونی از آن استفاده می‌کردند. این‌جا هم حضرت به پسرش امام باقر فرمود آن نوشته‌ای را که مربوط به عبادت علی‌بن ابی‌طالب است، بردار بیاور. امام باقر می‌فرماید: «فأعطیته»؛ رفتم آوردم و به پدرم دادم. «فقرأ فیها شیئاً یسیراً ثم ترکها من یده تضجرا»؛ مقداری به این نوشته نگاه کرد - امام سجاد، هم به امام باقر درس می‌دهد، هم به امام صادق درس می‌دهد، هم به من و شما درس می‌دهد- با حال ملامت آن را بر زمین گذاشت؛ «و قال من یقوی علی عبادة علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السّلام»؛ فرمود چه کسی می‌تواند مثل علی بن‌ابی‌طالب عبادت کند؟ امام سجادی که آن‌قدر عبادت می‌کند که امام باقر دلش به حال او می‌سوزد - نه مثل من و شما؛ ما که کمتر از این‌ها هم به چشممان بزرگ می‌آید - امام باقری که خودش هم امام است و دارای آن مقامات عالی است، از عبادت علی‌بن الحسین دلتنگ می‌شود و دلش می‌سوزد و نمی‌تواند خودش را نگه‌دارد و بی‌اختیار زار زار گریه می‌کند؛ آن‌وقت علی‌بن‌الحسین با این‌طور عبادات می‌گوید: «من یقوی علی عبادة علی‌بن‌ابی‌طالب»؛ چه کسی می‌تواند مثل علی عبادت کند؟ یعنی بین خودش و علی فاصله‌ای طولانی می‌بیند.

نزدیک قله

علی‌ای که من و شما عاشق او هستیم، دنیا عاشقِ او است، مسیحی عاشقانه برایش کتاب می‌نویسد، آدمی که به مبانی دینی هم عملاً خیلی پایبند نیست، درباره او زبان به ستایش باز می‌کند، این علی را شما چرا از دور نگاه می‌کنید؛ نزدیک بروید. هرکس این قله دماوند را از دور نگاه کند، می‌گوید به‌به، عجب چیزی است! قدری از این پیچ‌وخم‌ها بالا برو، ببینم چه کاره‌ای! باید نزدیک شد؛ باید راه افتاد؛ باید حرکت کرد. امروز بشریت به همین خصلت‌هایی که امیرالمؤمنین پرچمدارش بود، احتیاج دارد. این خصلت‌ها، با پیشرفت علم، با پیشرفت فناوری، با پدید آمدن روش جدید زندگی در دنیا کهنه نمی‌شود. عدالت کهنه نمی‌شود؛ انصاف و حق‌طلبی کهنه نمی‌شود؛ دشمنی با زورگو کهنه نمی‌شود؛ پیوند دل با خدا کهنه نمی‌شود. این‌ها رنگ ثابت وجود انسان در همه تاریخ است. امیرالمؤمنین این پرچم‌ها را در دست داشت. امروز بشر تشنه این حرف‌ها و تشنه این حقایق است. راه چیست؟ راه، نزدیک شدن است. مبادا اگر من و شما در جایی حرفی برای حق زدیم، این به نظرمان زیاد و بزرگ بیاید؛ نه. علی این است. مبادا اگر ساعتی از شبی، روزی، نیمه‌شبی، توانستیم عبادتی کنیم، به چشممان بزرگ بیاید و ما را عُجب بگیرد؛ نه. علی این است. مبادا اگر در صحنه خطری وارد شدیم، خودمان را خیلی بزرگ ببینیم؛ نه. علی این است. هرچه می‌توانید، نزدیک شوید. ای روزه‌داران، ای نمازگزاران، ای نافله‌گزاران، ای مجاهدان فی سبیل‌الله، ای حاضر شوندگان در میدان‌های خطر، ای زاهدان در دنیا، ای شیران روز، ای عبادت کنندگان شب! خوشا به‌حالتان؛ شما به علی نزدیک‌ترید اما شما هم می‌توانید باز نزدیک‌تر شوید.

دنیای اسلام، بلکه دنیای بشریت سالم، در مقابل او خاضع است. این‌هاست که در تاریخ اثرش می‌ماند. آن زهدش بود؛ آن عبادتش بود؛ آن شجاعتش بود؛ آن قاطعیتش در راه خدا بود. آن‌جایی که لازم بود با شمشیر به جان دشمنان حقیقت و دشمنان دین و دشمنان خدا می‌افتاد و از هیچ چیز باک نداشت: «لا تأخذه فی الله لومة لائم». آن‌جایی که آدم منحرف مضرّ مخلّی بر سر راه حرکت به‌سوی خدا وجود داشت، شمشیر او فیصله‌دهنده بود. آن‌جایی که مظلومی بود، آن‌جایی که مصلوب‌الحقّی بود، امیرالمؤمنین به رقیق‌ترین انسان‌ها تبدیل می‌شد. در روایتی هست که آن‌قدر امیرالمؤمنین با دست خودش به دهان یتیمان غذا گذاشت که یک نفر -لابد مثلاً جوانکی بوده- گفت آرزو کردیم کاش ما هم یتیم می‌شدیم تا امیرالمؤمنین این‌طور به ما لطف می‌کرد! آن‌قدر ناشناس به خانه فقرا و مساکین و گرفتارها و از راه‌مانده‌ها سر زد که معروف است بعد از ضربت خوردن آن حضرت، فهمیدند آن انسان رحیم چه کسی بوده که می‌آمده است و او را نمی‌شناخته‌اند!

سخن او نهج‌البلاغه است؛ فصیح‌ترین کلام آدمی در میان عرب. «نهج‌البلاغه» اوج هنر و اوج زیبایی است؛ زیبایی لفظ و زیبایی معناست. انسان مبهوت می‌ماند! هیچ شاعر بزرگ عرب، هیچ نویسنده هنرمند عرب، نتوانسته بگوید که من از مراجعه به نهج‌البلاغه بی‌نیازم.

به‌هر‌حال، دیروز مردم کوفه به عزای این بزرگ‌مرد نشستند. جنازه آن بزرگوار در کوفه تشییع نشد. اجتماع مردم گرد جنازه امیرالمؤمنین به‌وجود نیامد. شاید امیرالمؤمنین دوران تسلّط دشمنان بر کوفه را می‌دید. ده سال بعد از آن، بیست سال بعد از آن، در کوفه چه خبر بود؟ همان کسانی که دختران امیرالمؤمنین را در بازارهای کوفه گرداندند، همان کسانی که سر جگرگوشگان امیرالمؤمنین را بر سر نیزه‌ها کردند، چه بُعدی داشت اگر قبر علی‌بن‌ابی‌طالب را می‌شکافتند و اهانت و جسارتی می‌کردند؟! لذا قبر آن بزرگوار هم مخفی بود؛ تا بعد از گذشت مدّت‌های طولانی، آن قبر پیدا شد...

خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۷۸/۱۰/۱۰

رونمایی از ۳۲ دستاورد بخش کشاورزی در هفته دولت

۳۲دستاورد ملی در بخش کشاورزی در هفته دولت مورد رونمایی قرار می‌گیرد.

موسسه تحقیقات گیاهپزشکی از سوی دولت مورد تغییر کاربری و ساخت هتل قرار نخواهد گرفت، زیرا بخشی از مسئولیت تولید غذای سالم در کشور مدیون وجود این مجموعه با قدمت است. به گزارش خبرنگار ما، دکتر پرهمت معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش، ترویج و کشاورزی با اعلام این مطالب در جمع خبرنگاران اعلام کرد: با استدلالات و دلایل متعددی که برای دولت و کارگروه تعیین شده برای مکانیابی توسعه سالن اجلاس سران ذکر کردیم، هیچگونه تصمیمی برای تخصیص موسسه تحقیقات گیاهپزشکی به این امر وجود ندارد.

وی افزود: موسسه تحقیقات گیاهپزشکی یکی از موسسات تحقیقاتی و ملی کشور برای تولید محصول سالم است و در واقع بخشی از افزایش تولید محصولات کشاورزی مدیون وجود این موسسه است و قرار نیست خدشه ای به آن وارد شود.

پرهمت خاطر نشان کرد: وزارت جهاد کشاورزی این مجموعه را یک موسسه تحقیقاتی ارزشمند می داند و بنابراین هرگونه تضعیف این موسسه کم لطفی به بخش کشاورزی است که مورد تاکید رهبری و رئیس جمهوری است.

معاون وزیر جهاد کشاورزی در بخش دیگری ضمن اشاره به رونمایی از ۳۲ دستاورد بخش کشاورزی در هفته دولت گفت: این دستاوردها در بخش زراعی و باغی، شیلات و آبزیان، بیوتکنولوژی و صنایع تبدیلی وتکمیلی خواهد بود.

وی اضافه کرد: پارسال۸۱۷۵ طرح و پروژه تحقیقاتی به اجرا درآمد که حاصل آن ۱۱۹۰ دستاورد ویافته تحقیقاتی بود. امسال هم ۱۰ هزار طرح و پروژه به اجرا درخواهد آمد که حاصل آن۱۵۰۰ یافته و دستاورد تحقیقاتی خواهد بود.

پرهمت افزود: سال ۸۸ معادل ۲۳ رقم زراعی و باغی، پارسال۲۸ رقم و امسال بیش از ۳۰ رقم معرفی خواهد شد.

معاون وزیر کشاورزی یکی از برنامه‌های سازمان را اجرای طرح ملی مدیریت آفات و مزرعه دانست که در سطح یک میلیون هکتار به اجرا در خواهد آمد. وی همچنین افزود: در صدد هستیم تا سال ۹۱ نخستین فن بازار منطقه ای را در ایران برگزار کنیم. اولین فن بازار ملی کشور پارسال برگزار شد که در آن ۵۷۱ فناوری ارائه شد. وی گفت: قصد داریم مرکز منطقه ای تحقیقات برنج را در ایران ایجاد کنیم و در این خصوص اجلاسی از۱۸ تا ۲۰ شهریور در رشت برگزار می شود.

پرهمت با اشاره به تفاهم‌نامه وزارت علوم و جهاد کشاورزی در هدفمندکردن دانش آموختگان بخش کشاورزی و آموزش شش ماه از تحصیلات تکمیلی آنان در مزرعه گفت: مقرر شده است تا تمامی بهره‌برداران کشاورزی و همه شاغلین بخش مورد آموزش قرار گیرند تا دیگر کارگر ساده نداشته باشیم بلکه نیروها از این پس کارگرفنی، تکنسین و مهندس باشند.

خبرنگاران با پرداخت ۲۰ سال حق بیمه غیر متوالی بازنشسته می‌شوند

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: موضوع سخت و زیان آور بودن شغل خبرنگاری حل شده و مورد تاکید وزیر سابق رفاه هم قرار گرفته‌است.

هادی مقدسی در گفت و گو با ایسنا تصریح کرد: موضوع دریافت نکردن مالیات از حقوق خبرنگاران در حال بررسی است. ضمن این که وزارت امور اقتصادی و دارایی باید بداند دریافت نکردن مالیات از حقوق ناچیز خبرنگاران زیان زیادی را متوجه آنان نخواهد کرد. چرا که شمار زیادی از خبرنگاران به دلیل پایه حقوق پایین شامل قانون معافیت مالیاتی می‌شوند.

مقدسی اظهار داشت: طبق استفساریه قانون تامین اجتماعی روشن می‌شود هر کسی جمع پرداخت حق بیمه او به ۲۰ سال برسد با ضریب ۱/۵ برابر می‌تواند بازنشسته شود و این موضوع شامل کل مجموعه خبرنگاران، دبیران و سایر وابستگان به عرصه خبر می‌شود.

وی افزود: با توجه به این‌که ممکن است برخی از خبرنگاران به طور مستمر به کار خبرنگاری مشغول نباشند و بخشی از حق بیمه آنان در زمان اشتغال به شغل دیگری پرداخت شده باشد طی این استفساریه آمده‌است که هر کس پرداخت حق بیمه آن ۲۰ سال متناوب یا متوالی باشد، بازنشسته خواهد شد و این به نفع خبرنگاران است، چرا که در گذشته اگر پرداخت حق بیمه متوالی نبود باید ۲۵ سال حق بیمه پرداخت می‌کردند.

مرگ ۳٦۰۰نفر در اثر آلودگی هوا

بقیه از صفحه اول

وی اضافه کرد: برای جایگزینی آزبست آبی که در لنت ترمز استفاده می‌شود، اقدام‌های خوبی انجام شده است به طوری که هم اکنون فقط ۲۰ درصد مصرف لنت‌های کشور با آزبست آبی است.

ندافی اضافه کرد: مسئولیت نظارت و تولید بر آزبست‌ها بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت صنعت و تجارت است و تا زمانی که‌این دو ارگان برای توقف تولید آزبست توافق نکنند، مشکل همچنان باقی خواهد ماند.

وی با اعلام این که علائم بیماری‌های ناشی از آزبست پس از ۱۰ سال مشخص خواهد شد، گفت: براساس بررسی که درباره میزان آزبست در هوای آزاد تهران انجام شد، در برخی مناطق تهران از جمله میدان‌های برابر و در جنوب و غرب تهران میزان آزبست چندین بربار استاندارد است که ناشی از لنت ترمز به خصوص لنت ترمز ماشین‌های سنگین است.

رئیس مرکز سلامت و محیط کار وزارت بهداشت در پاسخ این پرسش خبرنگار ما که بنزین‌های غیراستاندارد تا چه میزان در افزایش سرطان‌های خون تاثیر دارد، گفت: بنزن یکی از ترکیبات بنزین است که نقش آن در ایجاد سرطان خون قطعی است که متاسفانه در نزدیکی پمپ‌های بنزین‌ها و مناطق پرترافیک میزان آن چندین برابر استاندارد است.

وی با اشاره به این که منشا اصلی تولید بنزن پمپ‌های بنزین و موتورسیکلت‌ها و خودروهای فرسوده‌ای است که کینستر ندارند یا کینستر آنان اشباع شده است، افزود: هرگاه شما هر کجا که بوی بنزین را احساس می‌کنید در آن محل میزان بنزن چندین برابر استاندارد است که باید از حضور در این گونه محیط‌ها اجتناب کرد.

ندافی اضافه کرد: در تمامی بنزین‌هایی که در جهان تولید می‌شود، بنزن وجود دارد و در هیچ کجابنزین خاصی تولید نمی‌شود که بنزن بیشتری داشته باشد.

وی افزود: منشاء مقابله با بنزن پمپ‌های بنزین و خودروهای فرسوده است.

رئیس مرکز سلامت و محیط کار وزارت بهداشت با اعلام این که طبق برآورد سال گذشته ۳٦۰۰ نفر بر اثر آلودگی هوا فوت کرده‌اند، گفت: در چهار فصل سال ۸۹ تعداد روزهایی که هوای خوب داشتیم صفر بوده است اما مقدار آلاینده‌ها ۵۰ تا ۱۰۰ درصد مجاز در بهار ۳۵ روز، تابستان پنج روز، پاییز هفت روز و در زمستان یک روز بوده است و در بقیه روزها هوا ناسالم و یک روز هم وضعیت هوا خطرناک بوده است.

ندافی در پاسخ به این پرسش که شورای شهر تهران اعلام کرده است که ۸۵ درصد از مراکز درمانی کشور دچار آلودگی زیاد صوتی هستند، گفت: گزارش شورای شهر تهران تائید می‌شود و به طور کلی آلودگی صوتی در کشور جدی است.

وی منابع اصلی آلودگی صوتی را موتورسیکلت‌ها و وسایل نقلیه فرسوده و هواپیماها دانست و گفت: رفع آلودگی صوتی تا حذف منابع انتشاردهنده آن غیر ممکن است.

رئیس مرکز سلامت و محیط کار وزارت بهداشت در باره آلودگی آب تهران به نیترات هم گفت: هم اکنون آب شرب تهران که توسط وزارت نیرو تأمین می‌شود از نظر وجود نیترات در حد استاندارد است و فقط تعدادی از چاه‌ها که توسط مراکز خصوصی اداره می‌شود میزان نیترات آن‌ها بالاست که بزودی با استفاده از پروژه آب سد ماملو این مشکل هم حل خواهد شد.

وی در مورد آلودگی آب‌های معدنی هم گفت: آب‌های معدنی توسط وزارت صنعت و تجارت در مبدا و در مراکز توزیع هم توسط وزارت بهداشت از نظر میزان نیترات یا آلودگی‌های میکروبی تحت نظارت و آزمایش قرار می‌گیرند.

وی افزود: در مواردی که آب‌های معدنی در جایگاه‌های فروش در معرض نور آفتاب قرار می‌گیرند در بازرسی‌هایی که توسط ماموران این وزارتخانه انجام می‌شود در صورت ناسالم بودن جمع‌آوری می‌شوند.

ندافی با اعلام این که اگر بخواهیم آب‌هایی را که در معرض نور خورشید قرار می‌گیرند جمع‌آوری کنیم باید تمامی آب‌های معدنی در مراکز فروش را جمع‌آوری کنیم، از مردم خواست در صورت مشاهده هرگونه آب آلوده یا مشکوک به آلوده بودن با وزارت بهداشت تماس بگیرند تا ماموران این وزارتخانه نسبت به جمع‌آوری این آب‌ها اقدام کنند.

وی در ارتباط با وجود گاز رادون در مترو تهران هم گفت: ما در ارتباط با وجود گاز رادون در مترو نگرانی جدی نداریم، اما توصیه می‌کنیم که سیستم تهویه این مراکز باید استاندارد باشد.

بحران اقتصادی بسیار بزرگتر از توان جهان توسعه یافته است

رئیس پیشین صندوق بین‌المللی پول بحرانی که سیستم مالی جهانی را تهدید می‌کند را فراتر از توان کشورهای توسعه یافته خواند و پیشنهاد کرد تسهیلات بدهی جدید صندوق بین‌المللی پول ایجاد شود.

به گزارش بلومبرگ، اچ ژوهانس ویتوین که از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ ریاست صندوق بین‌المللی پول را برعهده داشت، در بخش نظرات فایننشیال تایمز نوشت مشکلات غیرمعمول مستلزم راه‌حل‌های غیرمرسوم هستند.

سیستم مالی جهان در معرض تهدید بحران جدیدی قرار گرفته که ممکن است حتی بدتر از بحران سال ۲۰۰۸ باشد.

نشانه‌های جدید از ضعف اقتصاد جهانی و کاهش رتبه اعتبار مالی آمریکا از سوی موسسه «استاندارد اندپورز»، نگرانی ها را نسبت به کیفیت استقراض دولتی به‌ویژه در اروپا برانگیخته و موجب کاهش اعتمادی شده که از بین رفتن ۸ تریلیون دلار از ارزش بازارهای سهام را در چهار هفته در پی داشته است.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۸۵/۴۷ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۹/۰۹ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۹۱۳ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۵۷۵۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۵۶۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۲۷۹۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۴۵۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۸۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۵۵۰۰۰ تومان
هر گرم نقره خام	۱۶۷۰ تومان
دلار آمریکا	۱۲۰۰ تومان
یورو اتحادیه اروپایی	۱۷۳۵ تومان
پوند انگلستان	۱۹۷۵ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

جایزه دولت برای جذب سرمایه خارجی

دولت در ابلاغیه جدیدی به وزارت اقتصاد و معاونت برنامه‌ریزی اعلام کرد، به اشخاص حقوی غیردولتی که اقدام به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کنند، ٦ در هزار سرمایه خارجی جایزه می دهد و این رقم در مناطق محروم به یک درصد افزایش می‌یابد.

به گزارش فارس، در ابلاغیه رحیمی معاون اول رئیس جمهوری به وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری آمده است: سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران مجاز است جایزه جذب سرمایه خارجی تا سقف اعتبار مصوب را به میزان شش در هزار سرمایه خارجی وارد شده به اشخاص حقوقی غیردولتی پرداخت کند. این میزان برای مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته تا ۱۰ در هزار سرمایه خارجی جذب شده تعیین می‌شود.

معرفی ۱۰میلیارد دلار طرح صنعتی و تجاری به صندوق توسعه ملی

عضو هیأت رئیسه صندوق توسعه ملی، از معرفی ۱۰میلیارد دلار طرح صنعتی و تجاری به صندوق توسعه ملی خبر داد و افزود: طرح‌های ارائه شده به صندوق باید از توجیه اقتصادی و مالی کافی برخوردار باشد.

به گزارش شبکه تولید و تجارت ایران، (شاتا) محمود دودانگه منابع صندوق را در حدود ۲۰میلیارد دلار اعلام کرد و افزود: ۳۰درصد از منابع صندوق توسعه ملی یعنی در حدود ۷میلیارد دلار می تواند در حوزه صنعت و معدن مورد استفاده قرار گیرد.

برقراری پرواز اهواز- استانبول از ١٤ شهریور

پرواز اهواز- استانبول از روز دوشنبه چهاردهم شهریور راه‌اندازی خواهد شد.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی شرکت فرودگاههای کشور، مدیر کل فرودگاههای استان خوزستان با اعلام این خبر، گفت: این پرواز توسط شرکت هواپیمایی ایران ایرتور از فرودگاه اهواز انجام می‌شود. ناصر صفاری افزود: بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته، این پرواز در آغاز هفته‌ای یک بار انجام می‌شود که در صورت استقبال مردم افزایش خواهد یافت.

شرکت ملی نفت ایران دومین شرکت بزرگ نفتی جهان

پایگاه اینترنتی «اویل ویس» در گزارشی به معرفی پنج شرکت بزرگ نفتی جهان پرداخت و شرکت ملی نفت ایران را در جایگاه دوم از این نظر قرار داد.

به گزارش فارس، شرکت نفت عربستان موسوم به آرامسکو در این گزارش به عنوان بزرگترین شرکت نفتی جهان معرفی شده است.

در گزارش این پایگاه اینترنتی، شرکت ملی نفت ایران بیش از ۱۳۷میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد. این در حالی است که مقامات ایران ذخایر نفت ایران را بیش از ۱۵۰میلیارد بشکه اعلام کرده‌اند.

قیمت خودروهای وارداتی کاهش می‌یابد

با ابلاغ و اجرایی شدن شیوه‌نامه چگونگی واردات و خدمات پس از فروش، قیمت خودروهای وارداتی کاهش خواهد یافت.

به گزارش ایرنا از شبکه تولید و تجارت ایران، (شاتا) محمدرضا سلیمی مدیرکل دفتر نظارت بر خدمات سازمان حمایت مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان با اشاره به ابلاغ شیوه‌نامه چگونگی واردات خودرو توسط سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و همچنین ابلاغ شرایط خدمات پس از فروش خودروهای وارداتی، گفت: این شیوه‌نامه به زودی از سوی سازمان توسعه تجارت اجرایی خواهد شد.

تصویب ۱۵۰ میلیون یورو برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی

یکصد و چهل و هفتمین جلسه هیأت سرمایه‌گذاری خارجی با حضور بهروز علیشیری معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری برگزار و طرح‌های جدید سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب رسید.

به گزارش روابط عمومی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، علیشیری در حاشیه جلسه هیأت سرمایه‌گذاری خارجی گفت: در این جلسه ۱۵۰ میلیون یورو سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های صنعت و معدن، بخش فرآوی، بسته‌بندی و درجه‌بندی محصولات دامی، مورد تصویب قرار گرفت.

بخش خصوصی ۳ آزادراه در کشور می‌سازد

عملیات ساخت سه آزادراه و توسعه یک فرودگاه به زودی توسط بخش خصوصی آغاز می‌شود.

رضا پیل‌پایه قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی با بیان این مطلب به فارس، گفت: مذاکره برای مشارکت ۸۰درصدی بخش خصوصی در دو آزادراه فوق همچنان ادامه دارد. ضمن آنکه قرارداد توسعه یکی از فرودگاه‌های کشور توسط بخش خصوصی ظرف چند روز آینده امضا خواهد شد.

افزایش ۱۳/۵درصدی تولید فولاد خام ایران

انجمن جهانی فولاد در تازه‌ترین گزارش خود تولید فولاد خام ایران را در هفت ماه نخست سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۷میلیون ۷۱۸هزار تن اعلام کرد که این میزان نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۰میلادی (٦میلیون و ۷۹۹ هزار تن) یعنی قبل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، افزایش ۱۳/۵درصدی را نشان می‌دهد.

بر اساس این گزارش، تولید فولاد خام ایران در مرداد امسال یک میلیون و ۸۵هزار تن بود که این میزان نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش ۲٦/٦درصدی را نشان می‌دهد.

ایجاد اختلال در ۲ مرکز مخابراتی

عملیات کابل برگردان با هدف توسعه در مرکز کرشت و ولیعصر(عج) از امروز آغاز می‌شود.

به گزارش روابط عمومی شرکت مخابرات استان تهران، با اجرای عملیات مذکور، ارتباط تلفنی مشترکین با پیش شماره ۷٦۲۵ از ساعت ١٤ به مدت ۱۲ ساعت با اختلال همراه است. براساس همین گزارش با اجرای عملیات کابل برگردان، ارتباط دیتای مشترکین در مرکز مخابرات ولی‌عصر(عج) از ساعت ۱۲ بامداد به مدت یک ساعت دچار اختلال می‌شود.

تولید آزمایشی دنا از بهمن آغاز می‌شود

با اتمام ساخت قالب‌ها و تجهیز خطوط، تولید آزمایشی خودرو دنا از بهمن امسال آغاز می‌شود.

مهندس جواد نجم‌الدین مدیر عامل گروه صنعتی ایران‌خودرو با بیان این مطلب، گفت: در تولید آزمایشی که نزدیک به سه ماه به طول می‌انجامد، بین ۳۰ تا ٤۰ دستگاه برای انجام آزمون‌های مختلف تولید می‌شود. وی افزود: برخی از این آزمون‌ها که به تجاری‌سازی و تأمین استانداردها اختصاص دارد، در ایران و برخی در مراکز معتبر خارجی انجام می‌شود.

فروش دومین صکوک ماهان برای خرید هواپیما

مدیرعامل فرابورس ایران از فروش صکوک اجاره هواپیمایی ماهان به میزان ۹۱٤/۲ میلیارد ریال برای خرید پنج فروند هواپیما خبر داد و افزود: در حالیکه مهلت پذیره‌نویسی این اوراق پنج روز تعیین شده بود، این اوراق در نخستین روز به فروش رسید.

به گزارش فرابورس ایران، مصطفی امید قائمی، افزود: شرکت هواپیمایی ماهان درخصوص خرید پنج فروند هواپیمای ایرباس دومین صکوک اجاره را به قیمت اسمی هر ورقه یک میلیون ریال انتشار داد که این اوراق در نخستین روز این پذیره‌نویسی در بازار ابزارهای نوین مالی به فروش رسید.

تشکیل کمیته علمی برند

معاون کمک‌های تجاری سازمان توسعه تجارت، تشکیل کمیته علمی برند را حاصل تصمیم هفتمین نشست کمیسیون تخصصی نام تجاری در روزهای اخیر اعلام کرد.

کیومرث فتح‌اله کرمانشاهی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: با توجه به ابعاد علمی و پیچیده برند، این کمیته با هدف انعکاس دیدگاه‌های علمی در تصمیمات کمیسیون برند و با حضور استادان بنام این حوزه تشکیل شده است.

وی گفت: از دیگر موضوعات مطرح شده در هفتمین نشست کمیسیون برند، بررسی طرح‌های واصله به کمیسیون برای ارزیابی و رتبه‌بندی برندها بوده است.

معاون سازمان توسعه تجارت گفت: همچنین موضوع صدور مجوز ششمین کنفرانس بین‌المللی برند در این کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت که با برنامه اولیه موافقت شد.

به مناسبت برپایی جشن‌های گلریزان در ماه مبارک رمضان

به یاری زندانیان بدهکار بشتابیم

در سال‌های اخیر آیین‌هایی با عنوان«جشن گلریزان» در ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود که هدف از آن جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای آزادی زندانیان دیه جرائم غیر عمد است. این جشن امسال ابتدا ششم رمضان در تهران برگزار شد و تا پایان این ماه مبارک، به تدریج در سایر مناطق کشورمان نیز اجرا می شود. گفتنی است بیست و یکمین جشن گلریزان در ماه مبارک رمضان را در حالی در تهران پشت سر می گذاریم که دستان سخاوتمند مردم، به یاری زندانیان بدهکار آمد و زمینه آزادی ٤ هزار زندانی را فراهم کرد.

آیین گلریزان، یکی از آداب و رسوم مردم کشور ما است که در اجرای آن همه یکسانند و در میان افراد به جز تقوی، مروت و فتوت، برتری خاصی وجود ندارد.

گلریزان، به معنای رایج اجتماعی آن، زاییده فرهنگ فتوت و پهلوانی مبتنی بر الگوهایی همچون پوریای ولی است که با تعمیم ریختن گل بر سر پهلوانان بر گردآوری کمک برای افراد گرفتار رو در بند، گسترش و معنا یافته است.

گلریزان، در واقع شکوفایی گل امید به زندگی در چله سرمای و رنج و سختی و گرفتاری‌ها است که با ریختن گلی از شاخسار زندگی خود، باغ بقا و امیدواری را به خانواده‌های در رنج، هدیه می کنند. این مفهوم که تجلی اجرای دستور دینی انفاق است، ساز وکار حمایتی متناسب با فضای اجتماعی و فرهنگی زندگی گذشته ایرانیان و نهادهای اجتماعی فعال در آن دوره بوده است و اکنون با گذر زمان آیین سنتی گلریزان در ایران جلوه ای با کشوه‌تر به خویش گرفته است و مردان و زنان توانمند برای آزادی زندانیان جرایم غیر عمد در بند، گلریزان می کنند این آیین همه ساله در عزیزترین ماه خدا بر پا می شود، تا زندانیان جرایم غیر عمد از بند اسارت رهایی یابند و به آغوش گرم خانواده هایشان باز گردند. روان شناسان معتقدند یکی از مهم‌ترین نیازهای اجتماع احساس خوب داشتن نسبت به یکدیگر است و در یک معنای وسیع تر، نوع دوستی و انسان دوستی نیاز اساسی جامعه است و گلریزان سنت حسنه‌ای است که سمبل و نماد نوع دوستی انسان‌ها محسوب می شود و تقویت آن می تواند در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، اثر بگذارد.

۹۰درصد زندانیان دیه تصادف کرده‌اند

کارشناسان معتقدند که حدود ۹۰ درصد زندانیان دیه در کشور کسانی هستند که خودرو آنها به هنگام تصادف فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث بوده است به این ترتیب مشخص می شود که نبود این بیمه‌نامه چه زیان‌های جبران ناپذیری به فرد و جامعه تحمیل می کند.

آنان همچنین می گویند؛ پوشش بیمه شخص ثالث باید به میزان کافی برسد، تا بخش عمده ای از مشکلاتی که این روزها رانندگان با آن مواجه هستند، حل شوند. فاصله میان تعهدات شرکت‌های بیمه برای شخص ثالث و دیه انسان، یکی از مشکلاتی است که هم اینک وجود دارد و جمع کثیری از زندانیان در ایران را کسانی تشکیل می‌دهند که بر اثر ناتوانی در پرداخت دیه زندانی شده‌اند.

این در حالی است که خرید بیمه نامه شخص ثالث با حداقل تعهد نیز سبب نمی‌شود مشکلات پرداخت دیه در صورت وقوع حادثه، از عهده راننده و یا دارنده خودرو برداشته شود. مدیریت بیمه های اتومبیل و شخص ثالث یکی از شرکت‌های بیمه معتقد است برچسب‌های بیمه‌نامه شخص ثالث باید تنها به خودروهایی تحویل داده شود که به پوشش کامل بیمه‌ای دارند. در این حالت است که در وقوع حادثه‌ای ناگوار، بیمه به کمک آنان می شتابد، و این در حالی است که مدیرعامل ستاد دیه کشور چندین‌بار تاکید کرده است مهم‌ترین اقدامی که در این ستاد باید به انجام برسد کمک به اصلاح قانون بیمه شخص ثالث است.

*** ۹۰درصد زندانیان دیه در کشور کسانی هستند که خودروهایشان به هنگام تصادف فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث بوده‌است؛ به این ترتیب مشخص می‌شود که نبود بیمه‌نامه چه زیان‌های جبران ناپذیری به فرد و جامعه تحمیل می‌کند**

***مدیرعامل ستاد دیه کشور: در حال حاضر حدود ۹هزار زندانی جرایم غیر عمد در زندان بسر می برند که آزادی آنان نیازمند ۲۵۰ میلیارد تومان کمک نیکوکاران است**

***سال گذشته حدود یک میلیارد تومان به آزادی زندانیان جرایم غیر عمد کمک شد که امسال این مبلغ به ۲میلیارد و ۶۰۰میلیون تومان رسیده است**

***رئیس هیات مدیره ستاد دیه کشور: ستاد دیه از سال ۱۳۷۷ فعالیت رسمی خود را آغاز کرده و از آن زمان تا پایان سال گذشته موجب آزادی حدود ۴۵هزار زندانی دیه شده است**

کمکهای خیرین

سید اسدالله جولایی مدیرعامل ستاد دیه کشور در مصاحبه با رسانه‌های گروهی گفته است. در سال گذشته ۹۵۷۷ زندانی دیه به کمک نیکوکاران، دولت شرکت‌های بیمه و بانک‌ها از زندان آزاد شده‌اند و برای آزادی آنان، بیش از ۲۳۰ میلیارد تومان هزینه شده است.

همچنین حدود ۱۰ هزار نفر که بر اثر حوادث کارگاهی، بدهی مهریه، چک، سفته، ضمانت و تصادف در زندان بودند، با کمک خیرین و گذشت شاکیان، آزاد شدند و به آغوش گرم خانواده‌های خود باز گشتند. ۷۷۲ نفر هم بدون پرداخت پول و با مسئولیت و گذشت شاکیان و ۸ هزار و ۸۰۵ نفر نیز با تامین ۲۳٤ میلیارد تومان کمک خیرین آزاد شدند. به گفته جولایی نیکوکاران در سال گذشته بیش از ١٤ میلیارد تومان به زندانیان کمک کردند و در این مدت ۷۹میلیارد تومان هم با گذشت شاکیان و ۱۸ میلیارد تومان از طریق بیمه برای آزادی زندانیان جرایم غیر عمد که مشکل مالی داشتند تامین شده است. به گفته مدیرعامل ستاد دیه کشور همچنین در سال ۱۳۸۸ با ارائه درخواست این ستاد به رئیس جمهوری برای کمک مالی ، خوشبختانه ۳۵ میلیاردتومان به این امر اختصاص یافت که از محل آن بیش از ۲ هزار نفر از زندانیان آزاد شدند. در سال گذشته نیز میزان نیاز ستاد دیه ٤٦۰ میلیارد تومان اعلام شد که رئیس جمهوری با پرداخت ۵۰ میلیارد تومان موافقت کردند که در یک کار جمعی و با مشارکت خیرین سه هزار و ۷۷۲ نفر که در مجموع بیش از ١٦٦ میلیارد تومان بدهی داشتند از زندان آزاد شدند. مدیرعامل ستاد دیه کشور به گذشت و اعلام رضایت شکات هم اشاره می کند و یادآور می شود: گذشت شاکیان از میزان طلب خود آزادی زندانیان را تسریع کرده و این کار به نوعی مشارکت خیرخواهانه است که با استقبال ستاد دیه روبرو شده است.

او همچنین گفته؛ در حال حاضر حدود ۹ هزار زندانی جرایم غیر عمد در زندان بسر می‌برند که آزادی آنان نیازمند ۲۵۰ میلیارد تومان کمک خیرین است.

فرهنگ غلط تعیین مهریه‌های بالا

مدیرعامل ستاد دیه کشور می‌افزاید: فرهنگ غلط و رایج تعیین مهریه بالا در جامعه ما مشکلات زیادی ایجاد کرده است، به طوری که در برخی موارد میزان مهریه به اندازه‌ای است که فرد متعهد اگر ۲۰۰ سال همه حقوق خود را به آن اختصاص می‌دهد، کافی نخواهد بود. این موضوع باید در رسانه‌های گروهی و در فیلم نامه سریال‌ها و فیلم‌ها گنجانده و روش‌های درست زندگی به جوانان آموخته شود.

او سپس یادآور می‌شود: بی توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی موجب شده است سالانه صدها هزار نفر جان خود را در سوانح از دست بدهند و یا معلول شوند که این موضوع نیز هزینه های زیادی به جامعه تحمیل کرده و زندان‌ها را پر کرده است.

آمار نشان می دهد ۵۰درصد افرادی که سوانح رانندگی را موجب می شوند گواهی‌نامه و ۵۰ درصد هم بیمه‌نامه ندارند و در نتیجه با یک تصادف دچار زندان و بدهی و مشکلات فراوان می شوند، در حالی که با فرهنگ سازی و رعایت قوانین می توانیم هم تعداد زندانیان را کم کنیم و هم هزینه های این گونه را کاهش دهیم.

به گفته او، ستاد دیه با اجباری کردن بیمه شخص ثالث که با همکاری نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، موجب شد از ورود ماهانه حدود ۱۵۰ زندانی جرایم غیر عمد به زندان‌ها جلوگیری به عمل آید ضمن آن‌که آموزش قانون و رعایت آن باید از مقطع پیش دبستانی شروع شود و نیز با تهیه و تدوین طرح جامع عبور و مرور در کمیته آموزش ستاد دیه وارائه آن به مجلس، در صورت قانونی شدن بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

جولایی همچنین می گوید: از سال ۱۳٤۲ تاکنون در وقایع مختلف انقلاب و جنگ تحمیلی ۲۳۰هزار شهید دادیم. اما در طول ۳۲ سال گذشته بیش از ۸۰۰هزار کشته در حوادث رانندگی داشتیم که در ضمن موجب مصدوم شدن ۹ میلیون نفر و زندانی شدن ٤٣٦ هزار نفر در کشور شده است که جای بررسی و تحلیل دارد. برای برون رفت از این بحران همه دستگاه‌های اجرایی و مردم باید همکاری و مشارکت کنند تا روش رانندگی فعلی به سرعت اصلاح شود و دیگر شاهد پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور مادی و معنوی برای حوادث رانندگی نباشیم.

آزادی ۴هزار زندانی

محمدعلی ساری مدیرعامل ستاد دیه کشور نیز به گزارشگر روزنامه اطلاعات می گوید: ستاد دیه کشور در یکی از شب‌های رمضان سال ۱۳٦۹ و در شرایطی پایه گذاری شدکه شهید لاجوردی به اتاق بازرگانی تهران آمد و از افرادی که درآن جلسه حضور داشتند خواست به تعدادی از زندانیانی که بر اثر یک غفلت گرفتار زندان شده و خانواده‌هایشان بی سرپرست شده است، کمک کنند، که همان شب مبلغ قابل توجهی توسط افراد یاد شده تعهد شد که در اختیار ستاد دیه قرار گیرد. او می افزاید: ستاد دیه در حال حاضر در کل کشور و بخصوص در مراکز استان‌ها فعالیت دارد و به زندانیان نیازمند در جرایم غیر عمد مانند بدهکاران دیه، حوادث کارگاهی، تصادفات رانندگی و بدهکاران مالی از جمله چک‌های برگشتی (غیر کلاهبرداری)، نفقه و مهریه کمک می کند.

او در پاسخ به این پرسش که آیا این پرداخت‌ها سقف خاصی هم دارد، می گوید: خیر، سقف خاصی ندارد و ستاد دیه تلاش می کند در یک فرآیند، افراد زندانی را آزاد کند که شامل کمک‌های خود ستاد دیه، استفاده از تسهیلات بانکی و گذشت رضایتمندانه شاکیان است سایر منابع هم به صورت اختصاصی کمک می کنند و در مجموع کمک‌ها برای آزادی زندانیان است.

او سپس یادآوری می کند: در گلریزان امسال حضرت آیت الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری ۸۰میلیون تومان ، آیت‌الله لاریجانی رئیس قوه قضائیه ۵۰ میلیون تومان، علی لاریجانی و رئیس مجلس شورای اسلامی ۲۰ میلیون تومان، دکتر محمد احمدی نژاد رئیس جمهوری ۵۰ میلیون تومان، مرتضی تمدن استاندار تهران ۵۰ میلیون تومان، علامه نظری ۱۱ میلیون تومان، جمعیت داوطلبان هلال احمر ۵۰ میلیون تومان، جمعیت هلال احمر ایران یک میلیارد تومان(اعتباری و وام) ، اتحادیه آرایشگاه‌های زنانه ۱۰ میلیون تومان اتحادیه دفاتر معاملات املاک ۷ میلیون تومان و یک نیکوکار ناشناس مبلغ ۳۰۰میلیون تومان برای آزادی زندانیان کمک کرده اند وعده‌ای هم از طریق خودپردازهای بانک ملت، کمک‌هایشان را پرداخته‌اند که از ۲ هزار تومان تا حدود ۳۳۰ میلیون تومان بوده است.

ساری، با بیان این مطلب که کمک‌های مالی امسال افزایش چشمگیری داشته است. متذکر می‌شود: سال گذشته حدود یک میلیاردتومان به آزادی زندانیان کمک شد که امسال این مبلغ به ۲ میلیارد و ٦۰۰میلیون تومان افزایش یافته است این کمک‌ها در استان تهران بوده و جشن گلریزان در سایر استان‌های کشور هم شروع شده است، که تعداد آن‌ها به حدود ١٦۵ جشن گلریزان در ماه مبارک رمضان می رسد.

همچنین او می گوید: اگر نرخ دیه افزایش پیدا کند، تعداد کمتری از زندانیان آزاد می‌شوند. با روندی که از ابتدای امسال داشتیم که در ٤ ماه اول سال جاری موفق شده‌ایم ٤ هزار زندانی را آزاد کنیم، قطعاً اگر این وضع ادامه پیدا کند. تعداد زندانیان آزاد شده، در سال جاری از مرز ۱۰ هزار نفر می گذرند.

تعهدات مهریه

مدیرعامل ستاد دیه کشور در مورد زندانیان مهریه می گوید: جوانان ما به دلیل نا آگاهی، تعهدات مهریه‌های بالا را بر عهده می گیرند و زیربار مهریه‌های سنگینی می‌روند در حالی که این عزیزان باید دقت کنند چون بر خلاف آنچه که گفته می‌شود مهریه‌را چه کسی داده و چه کسی گرفته‌است، مهریه‌ها را می گیرند واگر کسی توان پرداخت آن را نداشته باشد، به زندان می رود، کما این که در حال حاضر حدود۳ هزار زندانی مهریه در کشور وجود دارند.

جوانان ما که در شرف ازدواج هستند، باید دقت کنند که بر اساس توان مالی که دارند، مقدار مهریه را مشخص کنند. چون مهریه عندالمطالبه است و هر چقدر که در توانشان است مهریه تعهد کنند تا به راحتی بتوانند آن را بپردازند. او در مورد مسائل و مشکلاتی که در حال حاضر ستاد دیه با آن روبرو است، اظهار می‌دارد: اگر امسال دیه افزایش یابد، باطبع نرخ بیمه شخص ثالث خودروها هم بالا می‌رود و به همین دلیل نگران این هستیم که رانندگان خودروهایشان را کمتر بیمه کنند و ازاینرو اگر خدای ناکرده تصادفی پیش آید، روانه زندان شوند.

ساری همچنین می گوید: قرار بود بیمه مرکزی ایران وشرکت‌های بیمه برچسب‌های بیمه‌ای تهیه کنند که روی شیشه خودروها چسبانده شوند که متاسفانه شرکت‌های بیمه این کار را انجام نداده‌اند در صورتی که این کار انجام می‌شد، پلیس به راحتی می توانست افرادی را که فاقد بیمه نامه هستند، شناسایی کند و خودروهایشان را متوقف کند.

پلیس راهنمایی و رانندگی طبق قانون موظف است از رفت و آمد خودروهایی که فاقد بیمه نامه هستند جلوگیری کند که قدم اول این کار نیز این است که برچسب های بیمه شخص ثالث برخودروها نصب شود.

گلریزان رمضان۹۰

سید حسین میرمحمدصادقی رئیس هیات مدیره ستاد دیه کشور در بیست و یکمین جشن گلریزان این ستاد گفته است: برای آزاد سازی زندانیان نیازمند،هر کس به نوبه خود ایفای نقش می‌کند و رهبر معظم انقلاب اسلامی و روسای سه قوه نیز در مراحل مختلف یاری دهنده ستاد دیه بوده اند.

به گفته او، اگر شخصی به دلیل عدم توان مالی در پرداخت مهریه، یا دیه و بدهی بابت مسئولیت‌های مالی غیر کلاهبرداری در زندان باشد، مددکاران ستاد دیه تلاش می کنند حداکثر گذشت رضایت‌مندانه از شاکیان را به دست آورند و سپس به این زندانیان نیازمند کمک کنند. کمترین نهاد خیریه‌ای شبیه به ستاد دیه ، این گونه جدی کارمی‌کند. در ستادهای دیه به خصوص ستاد دیه مرکز، هرگز شاهد کوچک ترین تخلفی نبوده ایم و مبلغ‌هایی که باید برای کمک به زندانیان هزینه شوند، با دقت کامل صورت می گیرد و به همین دلیل ستاد دیه در سراسر کشور از اعتبار بالایی برخوردار است.

او می‌افزاید: تاکنون ستاد دیه توانسته‌است در تهران و شهرستان‌ها شعبه هایی تاسیس کند. به نحوی که در حال حاضر تقریبا در تمامی استان‌ها، ستاد دیه فعالیت دارد و این گونه مراسم گلریزان در همه شهرها برگزار می‌شود و خیرین با کمک های خود، زندانیان نیازمند را به آزادی می رسانند که البته علاوه بر ایران، در خارج از کشور نیز هر کس متوجه می‌شود ستاد دیه برای آزاد سازی زندانیان جشن‌های گلریزان را برگزار می کند، بی‌دریغ با کمک‌های خود در این امر خیر سهیم می‌شود.

آزادی ۵۰هزار نفر زندانی

ستاد دیه از سال ۱۳۷۷ فعالیت رسمی و قانونی خود را شروع کرده و ازآن زمان تا پایان سال گذشته ٤۵ هزار زندانی دیه آزاد شده‌است میرمحمدصادقی در این‌باره یادآور می‌شود: از ابتدای تاسیس ستاد دیه ٤۵ هزار زندانی به آغوش گرم خانواده‌هایشان باز گردانده‌ایم. از ابتدای فروردین ماه سال جاری تا کنون نیز حدود ١٤ هزار نفر به آزادی رسیده‌اند و از اینرو در این سال‌ها ۵۰ هزار نفر از زندان نجات پیدا کرده‌اندکه در واقع می توان این ادعا را داشت که ۵۰ هزار خانواده به آزادی رسیده‌اند.

بیتا مهدوی

جدول شرح در متن
شماره ۲۸۱۱
طراح: غلامحسین باغبان

خجستگی و مبارکی — پایتخت فلسطین — دیگر مناسبت جمعه ۴ شهریور — نوشیدنی سنتی — مسجدی در شهر قم — آخرین جمعه ماه مبارک رمضان

حل جدول شماره ۲۸۱۰

جدول ۲۱۵۰۳

افقی:
۱ـدریاچه فصلی، در شمال استان قم که در تابستان تقریباً خشک می‌شود و به صورت کویر در می‌آید ـبرنامه فعال برای انجام یا اجرای داده‌های خاص (عملیات بانکی)
۲ـپهلوانی در وسط گود زورخانه ـپارچه مالیدنی ـ صوت تعجب یا افسوس
۳ـآماس ـرشته کوه جنوب بجنورد ـنامی برای شغال
٤ـواحد پول آفریقای جنوبی ـاهل یکی از شهرهای کرمان ـ کنایه از بی‌خانمان
۵ـبر سر راه کرج به چالوس قرار دارد ـسختی ـ نیکو خواندن قران مجید
٦ـنخستین آهنگساز رمانتیک جهان اهل آلمان ـ اهلی ـفانی و مردنی
۷ـناگهانی خودمانی ـغزلسرای روم باستان ـ کلام هشدار و آگاهی
۸ـعددی سه رقمی با دو صفر ـطرز رفتار با مردم
۹ـنان خشک غیرروغنی ـپایتخت کشور نیجر ـ انباشتگی
۱۰ـ پایتخت و بندرِ اصلی کشور «ساموآی غربی» ـ نوعی ظرف معمولاً به شکل بیضی ـمسلسل پایه‌دار
۱۱ـنوعی درخت خاردار از تیره پروانه‌واران ـجزء مولکول ـرمز رایانه‌ای
۱۲ـویتامین ب ۱ ـروش فرنگی ـپدر از دست داده
۱۳ـدر آغاز ــــ ـمرکز ارمنستان ـجوانمرد
١٤ـتظاهر به نیکی ـجنگ شتر ـنوعی انگور دراز و درشت
۱۵ ـپهن شده ـموسس دارالفنون

عمودی:
۱ـشاه بابل و از نخستین قانونگذاران بزرگ ـمعادل فارسی «کوپن»
۲ـ کاسته و زدوده و آراسته شده ـزائده کرمی شکل که از ابتدای روده بزرگ خارج می‌شود
۳ـاز القاب حضرت امام رضا(ع) ـواحد سنجش برق مصرفی
٤ـصحنه نمایش ـقلندر ـپایتخت غنا
۵ـزن شاه اسپارت ـاز گیاهان دارویی ـتکرار حرف آخر ـنیا
٦ـخواستار ـشکار ـمی‌نویسند و پُست می کنند
۷ـ گمشدهٔ انسان‌های معاصر ـارمغان‌ها ـپهلوان
۸ـدایرة المعارف نویس و فیلسوف فرانسوی ـ پی گیر و ادامه‌دار
۹ـبوی کهنگی ـنرده کنار ایوان ـباد کرده
۱۰ ـمُهر فرمان‌های پادشاهان مغول ـبنشن ریز ـسرمربی جدید راه‌آهن
۱۱ـرفوزه ـواحد تنیس ـبالاتر از سرهنگ ـفعالیتی فرهنگی و اقتصادی برای چاپ و انتشار آثار مکتوب
۱۲ـزادگاه «اینشتین» در آلمان ـ کنترل و بازدید ـدفاع فوتبال
۱۳ـزمین‌های دامنه کوه ـلقب حضرت علی(ع)
١٤ـشهرت ـادارهٔ یافتن شغل
۱۵ـاز تقسیمات کشوری ـ خوش‌رفتار با خلق خدا

طراح : غلامحسین باغبان

حل جدول ۲۱۵۰۲

دیاسپورای فرهنگ و تاریخ ایرانیان

دکتر عبدالرسول خیراندیش



ایرانیان و فرهنگ ایرانی همان گونه که سرگذشتی در وطن دارند، داستانی پرماجرا و جالب در سرزمینهای دوردست نیز دارند؛ مانند تاریخ دولت شیرازی زنگ در شرق آفریقا، پارسیان هند، بنی رستم در شمال آفریقا، اخشیدیان مصر و مواردی از این قبیل. چگونه می توان چنین عرصه‌هایی از تاریخ نگاری را در یک طرح راهبردی فرهنگ ملی گنجاند؟ یا اصولاً آن را می توان ذیل تاریخ سرزمینی یا تاریخ فرهنگی ایران به شمار آورد؟ مقدم بر همه اینها دانش عمومی و تخصصی ما در این زمینه از چه پایه و مایه‌ای برخوردار است؟ تا جایی که نگارنده می داند، به جز معدودی از اهل تحقیق، متاسفانه اطلاع عموم از چنین مقولاتی بسیار اندک است و اسفبارتر آنکه در نظام علمی، آموزشی و پژوهشی ما نیز اطلاع و اهتمامی درخور نسبت به آنها در کار نیست. این در حالی است که ضرورتهای علمی، فرهنگی، ملی و بین‌المللی چندی در این خصوص برای ما وجود دارد. می توان چنین گفت که حداقل به عنوان بخشی از تاریخ این مردم، عنایت بدین امر گریز ناپذیر است و غفلت از آن به منزله از دست دادن بخشی از میراث معنوی و عناصری است که می تواند بعضی از حلقه‌های مفقوده تاریخ و فرهنگ ما را روشن سازد.

اجازه دهید پیش از آنکه در خصوص تاریخ و فرهنگ ایران از منظر پدیده «دیاسپورا» بپردازم، اندکی در مبادی و مثالهای آن بحث کنم. دیاسپورا (diaspura) واژه‌ای یونانی است که منظور از آن مهاجرت جمعیت و ایجاد سکونتگاههای جدید، اما مرتبط با سرزمین اصلی است. یونانیها طی قرون ششم تا چهارم پ.م بخشی از جمعیت دولت ـ شهرهای خود را به سواحل و جزایر دریای مدیترانه و دریای سیاه فرستادند. آنان در سواحل آسیای صغیر، ایتالیا و دیگر نواحی مدیترانه سکونتگاههایی ایجاد کردند که از همه نظر، اعم از فرهنگ یا اقتصاد و ارتباطات و سیاست، مرتبط با دولت شهر اصلی و اولیه خویش بود. امروزه اطلاعات و تحقیقات در مورد این وجه از تاریخ یونان کاملاً مورد توجه است و به کمک آنها نه فقط تاریخ یونان به درستی و به طور کامل بازشناسی می‌شود که حتی تاریخ دولتها و ملتها و سرزمینهای مرتبط با مدیترانه و دریای سیاه نیز از همین طریق ریشه‌یابی و تبیین می گردد. تحقیق درباره وجه تسمیه اماکن جغرافیایی (توپونومی) و مبادی شکل گیری مدنیت برای بسیاری از نواحی مدیترانه با کمک همین دیاسپورای یونانی ممکن شده است. به همین دلیل است که می‌دانیم در لغت، مدیترانه به معنای «دریای وسط سرزمین است» زیرا دیاسپورای یونانی موجب شده این دریا در وسط جوامع یونانی قرار گیرد. یا قبرس به معنای مس است. همین وضع برای تاریخ روم نیز وجود دارد. رومیها نه تنها در حوزه مدیترانه و دریای سیاه، بلکه در شمال آفریقا، آسیای غربی و نیز بخش اعظم قاره اروپا، پدیده دیاسپورا را توسعه بخشیدند. تا جایی که امروزه تاریخ این نواحی بدون بهره گیری از تاریخ روم و امعان نظر در آن ممکن نیست. نام آفریقا، بریتانیا و... ریشه در آن دوران دارد و مسیحیت از همین طریق با تاریخ اروپا پیوند یافته است.

فنیقی ها که ساکنان لبنان قدیم بودند نیز با گسترش در مدیترانه، دارای دیاسپورایی پرآوازه شدند؛ یعنی کارتاژ، دولت‌شهرهای فنیقی در سواحل لبنان مانند بیروت، طرابلس، صور و صیدا به منظور امور تجاری و دریانوردی خویش در سواحل جنوبی مدیترانه سکونتگاههایی ساختند و گفته شده تا قسمتی از سواحل غربی آفریقا در اقیانوس اطلس را نیز بحرپیمایی کردند. با گذشت زمان پایگاه کارتاژ (قرطاجه) که مطابق با تونس امروزی است، رشد و رونق بیشتری یافت و سرانجام به صورت دولتی مستقل درآمد...

هر چند رومیان سراسر مدیترانه را تصرف کردند و برای چندین قرن نیز در تصرف خود نگه داشتند، اما خود کمتر پراکنده و متوطن در سواحل و جزایر آن شدند. یکی از دلایل این امر اهمیت، عظمت و موقعیت شهر رم در جهان مدیترانه‌ای برای چندین قرن بود. در حالی که در یونان چنین نوع مرکزیتی را شاهد نیستیم، بلکه با این پدیده روبرو هستیم که شهروندان دولت‌شهرهای یونانی به دلیل تنگی معیشت با ضرورت توسعه تجارت در جایی خارج از وطن (شهر) مستقر می شدند؛ اما رومیان بیشتر به صورت مأموریتهای نظامی و اداری یا به ضرورت تجارتی کوتاه مدت در جایی مستقر شده و با بهره گیری اقتصادی مبتنی بر استثمار بومیان، پس از چندی به سرزمین و شهر اصلی خود یعنی رم بازگشته‌اند. در نتیجه سکونتگاههای رومی در سواحل مدیترانه و حتی متصرفات رومی در اروپا دوامی نیافت و از حالت پادگان خارج شد. نتیجه‌ای که تا اینجا می توان گرفت، آن است که پدیده دیاسپورا مستلزم برخورداری از یک سرزمین مادری برای مدتی طولانی است. به علاوه در ایام پس از مفارقت از سرزمین مادری، پیوند با آن حفظ شود و علاقه‌مندی به آن کاهش نیابد. بر همین اساس علاقه‌مندی به بازگشت به سرزمین اصلی و نیز برقراری پیوند با آن شرط اصلی به شمار می آید. پراکندگی جمعیت در این حالت برای تبدیل شدن به دیاسپورا مستلزم ایجاد فاصله مکانی میان سرزمین اصلی و مکانهای جدید سکونت جمعیت پراکنده شده است. گسترش جمعیتی در سرزمین پیوسته با سرزمین اصلی، پدیده دیاسپورا محسوب نمی شود؛ همچنان که اختیار کردن سرزمینی دیگر به جای سرزمین اولیه نیز دیاسپورا به شمار نمی آید.

دیاسپورای فرهنگی ایران

پدیده دیاسپورا برای تاریخ ایران هر چند قدمت بسیار دارد، اما مسائل جمعیتی را کمتر در بر می گیرد؛ لذا اساساً صورت فرهنگی یافته است. قبل از هر چیز باید توجه داشت که موقعیت متحد، متمرکز و یکپارچه سرزمینی، جمعیتی و تاریخی ایران پدیده‌ای مشهور و بی نیاز از توصیف است. وقوع دیاسپورا نیز اگرچه حاصل فراز و فرود ایام و دهور بوده، اما در پی تکاپوهای جهانجویانه ایرانیان نیز بوده است. وقوع پدیده دیاسپورا در تاریخ ایران را در قدم اول باید مربوط به پیشرفت و عقب‌نشینی‌های مکرر مرزهای سیاسی ایران در طول تاریخ آن دانست. به طور معمول ایرانیان در عصر اقتدار خویش، سراسر فلات ایران یعنی حد فاصل فرات، جیحون، سند، کورا و خلیج فارس را در تصرف داشته‌اند. در چنین شرایطی، مرزهای طبیعی و سیاسی با یکدیگر منطق می شده و استقرار جماعتهای مرزدار ضامن امنیت سرزمینی محسوب می شده است. مرزهای ایران در گوشه شمال غربی که منتهی به کوههای قفقاز می شد، پس از تحولات فراوانی که از سر گذراند، سرانجام در اوایل قرن هجدهم به رود ارس عقب نشست. در نتیجه در کوههای قفقاز گروههایی از مردمان که به یکی از زبانهای ایرانی تکلم می کنند، باقی مانده‌اند. ارامنه و گرجیها نیز که پیوندهای بسیار با تاریخ ایران دارند، در این سو واقع شده‌اند. در «اوستیا» نیز پیوندهای فرهنگی بسیار قدیمی با ایران را می توان مشاهده کرد. در آسیای مرکزی تاجیکها که به فارسی دری سخن می گویند، یادآور قلمرو گسترده فرهنگ فارسی زبانان در قرون گذشته به شمار می آیند، به همین نحو در افغانستان و پاکستان نشانه‌های تاثیرگذاری زبان فارسی، فرهنگ ایرانی و شعب مختلف هنر ایرانی اعم از موسیقی، شعر و معماری را می توان مشاهده کرد. در آسیای مرکزی علاوه بر تاجیکها، جماعتهای کوچک و مهاجری که ایرانی نامیده می شوند نیز وجود دارند. بعضی از این جماعتها مهاجران قرون گذشته و بعضی مربوط به دوران معاصر هستند. دامنه حضور فرهنگی ایرانیان را تا نواحی دور دست آسیای مرکزی مانند کشمیر و کاشغر و ترکستان شرقی نیز می توان دید. زبان فارسی و عرفان ایرانی در دوره تمدن اسلامی در آن صفحات راه یافته و کم کم به صورت یکی از عناصر مهم فرهنگی آن مناطق درآمده است. از نمونه‌های مشخص حضور ایرانیان در نقاط مختلف جهان موارد زیر را می توان به صورت اشاره بر شمرد:

تمدن شیرازی شرق آفریقا

ساحل شرقی آفریقا را ایرانیان، زنگبار به معنی ساحل زنگ نامیده‌اند، هر چند اکنون به طور خاص به جزیره‌ای در همان ناحیه نام زنگبار اطلاق می شود. بر اساس منابع تاریخی و جغرافیایی کهن، ایرانیان از عهد باستان با ساحل شرقی آفریقا در حد فاصل سومالی تا موزامبیک کنونی آشنا بوده‌اند و بدانجا رفت و آمد داشته‌اند. در «افسانه گرشاسب» داستان سفر او به زنگبار آمده و نیز در کتاب «عجایب اقالیم سبعه الی نهایه الاماره» اثر سهراب مربوط به قرن چهارم هجری مشخصات طول و عرض جغرافیایی ساحل زنگ و جزایر مجاور آن ذکر شده است. در اواخر قرن چهارم هجری و پس از مدتها رفت و آمد تجار و دریانوردان میان ایران و زنگ، سرانجام گروهی از ایرانیان که معروف به شیرازی هستند، در ساحل زنگ سکونت اختیار کردند. ناخدا شهریار بزرگ رامهرمزی در کتاب «عجایب هند» و مسعودی در «مروج الذهب» و نیز ابوزید سیرافی در «سفرنامه» به چگونگی رفت و آمد میان سواحل ایران و زنگ اشاره کرده‌اند. شیرازیان ساکن زنگ موفق به تأسیس چندین شهر بندری شدند و دولتی را به وجود آوردند که از قرن پنجم تا دهم میلادی دوام کرد. کیلوا، مالیندی و لامو از شهرهای مهم این دولت بود که موجب انتقال زبان و فرهنگ ایرانی و نیز دستاوردهای تمدنی آن به شرق آفریقا گردید. از اختلاط دو تمدن ایرانی و آفریقایی در شرق آن قاره، جمعیت، زبان و فرهنگ خاصی به نام «سواحیلی» به وجود آمد که امروزه بیشتر در کنیا، تانزانیا و زنگبار دیده می شود.

دولت شیرازی زنگ سرانجام بر اثر حمله پرتغالیان در قرن دهم هجری از بین رفت؛ ولی مردم و فرهنگ آن باقی ماند. بعدها با تسلط اعراب عمانی، موقعیت آن تضعیف شد و تماسهای اندک با ایران نیز کاهش یافت؛ اما روابط بازرگانی میان بنادر ایران و زنگبار ادامه یافت تا آنکه در آغاز دوره قاجار یکی از دختران فتحعلیشاه قاجار با یکی از شاهزادگان عمانی ازدواج کرد و این دختر در جزیره زنگبار ساکن شد و به همراه خود جمعی از ایرانیان را نیز برد. طول این دوره از حضور ایرانیان در زنگبار کوتاه بود و با تسلط یافتن استعمارگران اروپایی، شیرازیها (ایرانیها) به صورت حزبی سیاسی و مبارزه راه آزادی و استقلال زنگبار درآمدند. اکنون علاوه بر طرفداران حزب آفروشیرازی، آثار معماری قابل توجهی از قرن پنجم تا دهم و نیز در قرن سیزدهم از ایرانیان در شرق آفریقا موجود است. نیز لغات بسیاری از زبان فارسی وارد زبان سواحیلی شده که جای تحقیق بسیار دارد. فرهنگ ایرانی نیز بر مردم آنجا تاثیر گذاشته که از جمله آنها عید نوروز است.

ایرانیان در ساحل غربی هند

ساحل غربی هند که «مالابار» نام دارد، از روزگار قدیم محل رفت و آمد ایرانیان بود. بنادر و سواحل آن پذیرای تجار ایرانی بوده و به‌تدریج جمعی از ایرانیان در آنجا ساکن گشته‌اند. ناخدا شهریار بزرگ رامهرمزی در کتاب «عجایب هند» می نویسد که در شهرهای سواحل غربی هند و به‌خصوص در ناحیه سند، ایرانیان (مسلمانان) در کنار هندوها زندگی می کنند. شکل گیری جماعتهای ایرانی اسلامی معروف به «ماپیله» در آنجا بیشتر به دلیل تجارت بوده. مَقدسی نویسنده «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» نیز از اوضاع فرهنگی شهرهای غربی هند در قرن چهارم که ناشی از همنشینی دو عنصر ایرانی اسلامی با هندوها بوده، سخن می گوید. رامهرمزی متذکر می شود که: در این شهر به قاضی مسلمان «هنرمند» می گفتند. می دانیم که هنرمند لغت ایرانی و به معنای خوب مردی است و در اینجا انسان عادل مدنظر قرار دارد. در قرن چهارم جوامع ایرانی مسلمان تا آن اندازه در شهرهای غربی هند توسعه یافته بودند که برایشان قاضی مخصوص مسلمان وجود داشت و نیز مناسبات آنها با همسایگان هندویشان بر اساس قرارداد تنظیم شده بود و بنادر غربی هند مهمترین مرکز داد و ستد دریایی با بنادر ایرانی خلیج فارس بود.

پارسیان هند

پس از سقوط ساسانیان، جمعی از ایرانیان زرتشتی به هند مهاجرت کردند و در ناحیه «گجرات» سکونت گزیدند. اینان که معروف به پارسی هستند و معمولاً با نام پارسیان هند مورد خطاب قرار می گیرند، از طریق دریا به هند رفتند. زمان و چگونگی این مهاجرت تا کنون به درستی روشن نشده است. شرح اصلی داستان این مهاجرت در منظومه‌ای به نام قصه سنجان نقل شده که جزئی از کتاب «روایات داراب هرمزیار» به شمار می آید. بر اساس این منظومه، گروهی از زرتشتیان از جایی به نام سنجان در خراسان به هرمز آمدند، به کشتی نشستند و عازم هندوستان شدند. مضامین این منظومه از حدود قرن چهارم تا هفتم را برای یافتن تاریخ مهاجرت نشان می دهد. می توان این حدس را زد که مهاجرت پارسیان طی چند مرحله و در دوره ای طولانی صورت گرفته است.

پارسیان در هند پس از اقامت، آتشکده‌ای برپا کردند و صاحب شهر و دیار شدند. زندگی توأم با مسالمت آنان با همسایگان هندویشان موجب رونق اقتصادی زندگی‌شان شد و اکنون گروه معتنابهی در سرزمین هند به شمار می آیند. حفظ بخشی از میراث کهن ایرانیان، به‌خصوص معارف زرتشتی به وسیله آنها این امکان را فراهم ساخت تا در دوره معاصر محققان اروپایی بتوانند متون زرتشتی و پهلوی را بازخوانی کنند. آنکتیل دوپرون ـ محقق فرانسوی ـ از طریق پارسیان هند موفق به خواندن اوستا شد. در دوره صفوی با مهاجرت آذرکیوان از زرتشتیان فارس به هند، تحرک فرهنگی جدید در آن سرزمین آغاز شد که از جمله آنها لغت سازی بود. از دوره قاجار رفت و آمد پارسیان هند به ایران آغاز شد و توسعه یافت. اگرچه می توان قبل از این تاریخ نیز شواهدی دال بر روابط زرتشتیان ایران و هند سراغ گرفت، اما از دوره قاجار پارسیان هند عطف توجهی جدی به سرزمین اجدادی خود نشان دادند. به‌خصوص در کرمان، یزد و تهران آنها به کمک همکیشان خود شتافتند. زیارت اماکن مقدسه زرتشتیان در یزد از جمله اهداف مسافران زرتشتی از هند به ایران بود که اکنون نیز ادامه دارد. پارسیان هند در بمبئی و نواحی مجاور آن دارای جماعتهای مشهور و مورد احترام هستند و نسبت به حفظ سنن قدیمی خویش کوشش می کنند. نیز دارای مراکز فرهنگی هستند که زمینه مساعدی را برای امور تحقیقی فراهم ساخته‌اند؛ اما دانش ایرانیان در مورد آنها از حد قصه سنجان فراتر نرفته است!

ایرانیان در یمن

در پی تهاجم حبشی‌ها به یمن در قرن ششم میلادی و پناه بردن سیف بن ذی یزن ـ شاهزاده یمنی ـ به دربار انوشیروان، نیرویی از جانب دولت ساسانی به آن سرزمین فرستاده شد. در نتیجه «وهرز» فرمانده نیروهای ایرانی با کشتی به یمن وارد شد و توانست پس از مدت کوتاهی حبشی‌ها را شکست داده، یمن را تصرف کند. او فرمانروایی یمن را به سیف بن ذی یزن باز گرداند؛ اما در پی ناآرامیهایی که رخ داد، سرانجام پادگان ایرانی مستقیماً حکومت آنجا را در دست گرفت. ایرانیانی که بدین نحو در یمن به قدرت رسیدند، به «آزادگان» معروف شدند و با تاریخ صدر اسلام در مدینه پیوند یافتند. آنها پس از دریافت پیام اسلام، مسلمان شدند و تا مدتها پس از اسلام نیز در یمن حضوری مشخص داشتند. ظاهراً ایرانیان یمن روابطی با آفریقا از طریق سومالی نیز داشتند و آثاری از آنان از قبیل سکه به دست آمده است؛ اما سرگذشت آنها چندان در روشنایی تاریخ قرار نگرفته است. در قرون پنجم و ششم هجری سلسله‌ای ایرانی در جزیره کیش به وجود آمد که به «ملوک کیش» یا «بنی‌قیصر» معروف شدند. آنها قلمرو خود را در اطراف خلیج فارس توسعه دادند و از جمله تعدادی از آنان در یمن نیز به قدرت رسیدند. ابن مجاور از تاریخ این سلسله در یمن اخباری در اختیار ما قرار داده است. بنی قیصر در قرن هفتم به وسیله اتابکان فارس از جزیره کیش رانده شدند.

*** مشهور است که کرواتها از مهاجران ایرانی هستند. برای محققان کروات که پیشتر جزو یوگسلاوی بودند، امکان تحقیق آزادانه در این خصوص وجود نداشت؛ اما اکنون مطالب بسیاری گرد آورده‌اند. در بوسنی نیز تأثیر فرهنگ ایرانی را از طریق زبان فارسی و عرفان اسلامی می‌توان سراغ گرفت؛ چه، در دوره عثمانی زبان فارسی و عرفان اسلامی در بالکان نفوذ یافته بود**

ایرانیان در تایلند

رفت و آمد ایرانیان به سواحل تایلند (سیام) و نواحی مجاور آن مانند برمه و مالزی بسیار قدیمی است. در قرن شانزدهم میلادی تجار ایرانی در تایلند قدرت و نفوذ بیشتری به دست آوردند. به‌خصوص در اوایل این قرن با حضور یک ایرانی به نام «خواجه ذوالنور» سپس شخص دیگری به نام «شیخ احمد قمی» ایرانیان موقعیت مهمتری یافتند. ظاهراً هر چند تعداد ایرانیان چندان زیاد نبود، اما آنان با کمک به شاهزاده نارا در رسیدن به قدرت، از موقعیت مهمتری برخوردار شدند. از نشانه‌های ارتقای موقعیت جدید ایرانیان، صدارت شخصی به نام عبدالرزاق گیلانی و سپس آقا محمد استرآبادی و سپس ملاحسینقلی شوشتری بود. موقعیت ایرانیان در تایلند حدود نیم قرن دوام داشت؛ اما همان گونه که از قبل نیز جامعه ایرانی در تجارت تایلند صاحب نقش بود، پس از آن نیز ایرانیان به اقامت در تایلند و تجارت با آن کشور ادامه دادند. موقعیتی که برای ایرانیان در تایلند قرن شانزدهم فراهم آمد، روابط دربار صفوی با آن سرزمین را توسعه داد. در نتیجه از جانب شاه سلیمان صفوی هیأتی به آنجا اعزام شد که گزارشی از آنها تحت عنوان «سفینه سلیمانی» باقی مانده است.

ایرانیان در بالکان

مشهور است که کرواتها از مهاجران ایرانی هستند. کرواتها که اکنون صاحب جمهوری کرواسی هستند، تا پیش از این جزو دولت یوگسلاوی بودند. در دوره یوگسلاوی برای محققان کروات امکان تحقیق آزادانه در خصوص منشأ نژادی مردمشان وجود نداشت، اما پس از فروپاشی یوگسلاوی، مطالب بسیاری گرد آورده‌اند؛ اما ایرانیان تا کنون کمک مؤثری به این تحقیقات نکرده‌اند.

در بوسنی ـ از دیگر کشورهای بالکان ـ نیز تأثیر فرهنگ ایرانی را از طریق زبان فارسی و نیز عرفان اسلامی می توان سراغ گرفت. ظاهراً در دوره قرون وسطی تحت تاثیر اندیشه‌های مانوی گروهی به نام «بوگومیل» نیز در بوسنی حضور داشتند. به هر حال در دوره امپراتوری عثمانی زبان فارسی و عرفان اسلامی در بالکان نفوذ یافت که یکی از مهمترین یادگارهای آن «شرح سودی بر حافظ» است.

ایرانیان در چین

ایرانیان از روزگار باستان با چین ارتباط داشته‌اند. این ارتباط بیشتر از طریق خشکی و مسیر معروف جاده ابریشم بوده است. مانویان را می توان اولین دیاسپورای ایرانی در چین دانست. آنان که از تعقیب دولت ساسانی می گریختند، در تورفان (ترکستان چین) جمع شدند و جامعه‌ای خاص خویش به وجود آوردند. پس از چند قرن ساسانیان نیز رو به سوی چین آوردند. بقایای شاهزادگان ساسانی که از تعقیب اعراب مسلمان می گریختند، به چین رفتند و مدتها نیز در آنجا زندگی کردند. گویا آیین زرتشتی از این طریق برای مدتی در چین نمودی یافت، نیز اخباری نقل شده که بعضی از شاهزادگان ساسانی به ژاپن هم رفته‌اند.

به جز راه زمینی و از طریق آسیای مرکزی، ایرانیان از طریق جنوب و راه دریایی نیز به چین رفته‌اند. به‌خصوص در دوره اسلامی، شهر کانتون مرکز عمده استقرار تجار ایرانی بود. در دوره امپراتوری مغول که میان چین (سلسله یوان) و ایران (ایلخانان)، روابط نزدیکی برقرار بود، بعضی از خاندانهای بزرگ ایرانی مانند «آل برهان» در چین ساکن شدند و صاحب مقاماتی نیز گشتند.

زبان فارسی به عنوان مهمترین مشخصه فرهنگی ایرانیان که در همان حال استمرار و قدمت تاریخ و فرهنگ آنان را بازگو می کند، علاوه بر ایران کنونی در گستره‌ای قابل توجه نیز رواج یافته است. در وهله اول باید توجه داشت که زبان فارسی خود جزئی از خانواده بزرگ زبانهای ایرانی است و مجموعه این زبانها در قفقاز و آسیای مرکزی و نواحی دیگر گسترده شده‌اند. زبان فارسی دری که به فارسی جدید نیز معروف است، علاوه بر ایران، در قفقاز، آناتولی، بالکان، شبه قاره هند، ترکستان و چین کمابیش رایج است. در بعضی مناطق آثاری از زبان و لغت فارسی را می توان به صورت پراکنده و یا آمیخته با دیگر زبانها دید؛ مثل لغات فارسی که در زبان سواحیلی (شرق آفریقا) و در زبان اردو وجود دارد.

به مانند زبان فارسی، عرفان ایرانی ـ اسلامی نیز عامل مهمی در گسترش فرهنگ این مرز و بوم است. عرفای بزرگ و نیز دراویش پیرو آنان سفر بسیار کرده‌اند و تا نقاط دوردستی از نواحی اطراف ایران، رفته‌اند. در دورستهای آسیای مرکزی تا قفقاز و بالکان عارفان ایرانی حضور دارند. عرفای بزرگی چون شیخ ابوعبدالله خفیف شیرازی و شیخ اسحاق کازرونی و رکن‌الدین دانیال خنجی، مریدان بسیاری در شبه قاره هند و جزایر و سواحل اقیانوس هند داشته‌اند. در نواحی دوردست اقیانوس هند دراویش پا به پای تجار پیش رفته‌اند و بعضی در آنجاها ساکن شده و به تأسیس خانقاه و تبلیغ اسلام همت گماشته‌اند؛ چنان که در جزیره دوردست «مالدیو» شیخ شمس الدین تبریزی توانست بومیان را مسلمان سازد. چنان که گفته شد، از طریق دریا ایرانیان تا نواحی دوردستی رفتند. از طریق خلیج فارس، ایران به اقیانوس هند مرتبط است. از روزگار باستان تجار و دریانوردان ایرانی به سواحل و جزایر این اقیانوس سفر کرده‌اند. پراکنده شدن ایرانیان (اعم از زردشتی یا مسلمان) از طریق دریا یکی از مهمترین عرصه‌های دیاسپورای ایرانی به شمار می آید. توسعه اسلام در بسیاری از سواحل و جزایر در اصل به دست همینان صورت گرفته است. شکل گیری فرهنگ و تمدن سواحیلی (شرق آفریقا) نیز به واسطه مسافرت و اقامت ایرانیان در آنجا ممکن و میسر گردید. در سواحل غربی هند، در تایلند و بسیاری از مناطق دیگر ایرانیان پراکنده شده‌ و یا فرهنگ خویش را به آنجا منتقل ساخته‌اند، که پیش از این آنها را متذکر شدیم.

ایرانیان در شمال آفریقا

پس از دوره هخامنشیان که ایرانیان در مصر حضور داشتند، دیگر تاریخ مصر با کشور ما ارتباطی ندارد تا آنکه در دوره تمدن اسلامی بار دیگر پای ایرانیان به شمال آفریقا باز می شود. شاید قدیمی‌ترین و ماندگارترین یادمان ایرانی در شمال آفریقا نام «قیروان» باشد. قیروان که پایگاه مهم مسلمانان در قرون اولیه اسلامی به شمار می آمد، در لغت مأخوذ از «کاروان» است. در تونس این نام را یادگاری از حضور ایرانیان دانسته‌اند. هر چند در این خصوص اطلاعات اندکی داریم، اما شاید چنین نامگذاری بی ارتباط با فرمانروایان «بنی رستم» نباشد. بنی رستم سلسله‌ای بود که در حدود سال ۱۴۰ق در مغرب میانه (الجزایر) شکل گرفت و تا حدود ۲۹۶ق عمر کرد. بنیانگذار این دولت عبدالرحمن فرزند رستم نام داشت و گفته شده که اصلاً ایرانی بود. نام رستم حاکی از نسب ایرانی آنهاست که به دودمان سیاسی آنها نیز اطلاق شده و در منابع وارد شده است. عناصر مهم تشکیل دهنده این حکومت، ایرانیانی به شمار می آمدند که گرد عبدالرحمن را گرفته بودند. خوارج و بربرها و جمعی از اعراب نیز آنها را یاری رساندند. متاسفانه تاریخ این سلسله ایرانی که با طغیان علیه خلفای عباسی آغاز شد و زمینه را برای تشکیل حکومتهای مستقل بعدی شمال آفریقا هموار ساخت، چندان روشن نیست. حدس نگارنده بر این است که گروهی از اُسواران ایرانی در اوایل قرن دوم هجری در شمال آفریقا مستقر شدند. علت این امر نیز ناآرامیهای پی در پی شمال آفریقا و عجز خلفا در سرکوب بربرها بود. سلطه گری اعراب نیز در شمال آفریقا زمینه‌ساز جذب نیرو برای خوارج شده بود، اعزام و استقرار اسواران ایرانی احتمالاً به منظور تسلط بر اوضاع آن ناحیه صورت گرفت که بعدها مقدمات تشکیل دولت بنی‌رستم را فراهم ساخت.

در مصر و شام نیز سلسله ای دیگر از ایرانیان به نام «اخشیدیان» در تاریخ مشهور است. اخشید لقب فرمانروایان فرغانه در مرزهای ماوراءالنهر به شمار می آید. دولت اخشیدیان در اوایل قرن چهارم به وجود آمد. قبل از آن یکی از غلامان دولت سامانی به نام احمدبن طولون دولتی در مصر تأسیس کرده بود که از ۲۵٤ تا ۲۹۲ق عمر کرد. پس از آن شاهد به قدرت رسیدن «محمد بن اخشید» هستیم که او نیز مانند «ابن طولون» در کنار دستگاه خلفای عباسی رشد کرد. او در مصر و شام دولت مستقلی برپا کرد که توانست حجاز را نیز تصرف کند. دولت اخشیدیان در تاریخ تحولات مدیترانه شرقی در آستانه جنگهای صلیبی نقش مهمی ایفا کرد و توانست برای نیم قرن از تاریخ سده چهارم هجری، فرهنگ و تمدن ایرانی را در آن سامان نمایندگی کند.

ایرانیان در دریای حبشی

به جز مرزهای جنوبی ایران، دیگر مرزهای ما را سرزمینهایی شکل می دهند که با نواحی دوردستی از چین تا روسیه و شام مرتبط هستند. هر چند در بعضی از این نواحی جماعتهای ایرانی مستقر شده‌اند، مانند کشمیر و بدخشان، اما معمولاً پیوستگی مرزها و سرزمینها و امکان رفت و آمد مردمان، کمتر موجب حدوث پدیده دیاسپورا شده است؛ اما در سمت جنوب یعنی مرزهای آبی گسترده‌ای که تا دریاهای دوردست امتداد می یابد، مهاجرنشین های ایرانی متعددی به وجود آمده است. باید توجه داشت که به طور کلی دریای که سراسر جنوب آسیا را در بر می گیرد، دریای حبشی نامیده می شد. اقیانوس هند که از شرق آفریقا تا تنگه مالاگا گسترده شده، قسمتی از این دریا را تشکیل می دهد؛ چنان که رجوعی به تاریخ دریانوردی ایرانیان صورت گیرد، چگونگی پراکندگی و استقرار ایرانیان در سواحل و جزایر این دریا آشکار خواهد شد.

*** ایرانیانی که در یمن به قدرت رسیدند، به «آزادگان» معروف شدند و با تاریخ صدر اسلام در مدینه پیوند یافتند. آنها تا مدتها پس از اسلام نیز در یمن حضور مشخصی داشتند و ظاهراً از طریق سومالی روابطی نیز با آفریقا برقرار کرده بودند و امروزه آثاری از ایشان به دست آمده است**

قسمتی از ادبیات دریایی ما جنبه افسانه ای دارد، مثل «داستان سندباد» و نیز داستان «عبدالله بحری و بری» و نیز «سمک عیار» و تا حدودی «افسانه گرشاسب»، قسمتی از مضامین شاهنامه نیز با دریا مرتبط است. در دوره ایران باستان، کشتیرانی ایرانیان موجب شد تا نخستین اطلاعات در خصوص سرزمینها و ساکنان دریای حبشی شکل گیرد. راهنامه‌ها که کتابهایی در خصوص کشتیرانی بود، به وجود آید و زرتشتیان با خارج از ایران داد و ستد نمایند. این میراث در قرون نخستین اسلامی به مسلمانان رسید و در اندک زمانی دو گروه تجار و صوفیان پذیرای آن شدند. این دو گروه طی چند قرن در کنار یکدیگر گسترش اسلام در سواحل و جزایر اقیانوس هند را بر عهده گرفتند. از جمله از شخصیتی به نام شمس تبریزی نام برده شده که مردم مالدیو را به دین اسلام وارد ساخت. به همین نحو در دیگر جزایر و سواحل این دریا نیز تجار و عرفا اعم از ایرانی، عرب و هندی نقش داشته‌اند. این مبحث خود شرح مفصل و مستقلی را طلب می کند. حضور ایرانیان در یمن، در ساحل غربی هند، در ساحل چین، در ساحل آفریقایی زنگ و در سیام در این نوشته به طور خاص مورد توجه قرار گرفت که آنها را نیز باید در مبحث کلی حضور ایرانیان در اقیانوس هند و به طور کلی دریای حبشی دانست. در ادامه چنان که مباحث مربوط به تاریخ تشیع در این دریا و سرگذشت شیعیان بُهره (Bohren) و خوجه (Khojen) و نیز اسماعیلیان دعوت قدیم را هم بر آن بیفزاییم، طرح وسیعتر و مبحث گسترده‌تری پیش روی ما قرار خواهد گرفت. درمجموع به نظر نگارنده مهمترین و پردامنه ترین مبحث دیاسپورای فرهنگی برای ایرانیان را می توان در همین عرصه دریایی در نظر گرفت.

موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان و آثار هنری ایران

شاید بتوان یکی از مظاهر مهم دیاسپورای فرهنگی برای ایرانیان را موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ دنیا دانست. موزه‌های لوور، بریتانیا، آرمیتاژ، متروپولیتن و مواردی دیگر دارای گنجینه‌هایی غنی از آثار ایرانی هستند. کتابخانه‌های بزرگ مانند کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه‌های متعدد در بریتانیا، کتابخانه کنگره در آمریکا نیز در بردارنده نسخ متعددی از کتابهای ایرانیها می باشند. بر اینها باید مراکز اسناد را نیز افزود که هر چند در اصل تعلق به ما ندارند، اما در خصوص ایران حاوی مطالب بسیاری هستند. طی چند قرن گذشته و همزمان با رشد پدیده شرق شناسی و ایران شناسی، آثار ادبی و هنری ایران مورد توجه قرار گرفته و به‌تدریج آثاری به کتابخانه‌ها و موزه‌های بزرگ جهان منتقل شده است. اکنون چنین موزه‌هایی در سطحی قابل توجه، ایرانی کوچک را در خود دارند. کسب اطلاع دقیق از میراث ایران در چنین موزه‌هایی و نیز موزه‌ها و مجموعه‌هایی که کوچکتر هستند، قدم اول انجام امور تحقیقی درباره تاریخ و فرهنگ ایران بر اساس این آثار است. باید توجه داشت که چنین آثاری هر چند اکنون در اختیار ما نیستند، اما به هر حال از نظر فرهنگی، تاریخی و معنوی ایرانی دانسته می شوند و جزئی از شناسنامه و گذشته این مردم را تشکیل می دهند. اطلاع رسانی در مورد آنها و مرتبط ساختن محققان با چنین گنجینه‌هایی به توسعه تحقیقات فرهنگ ملی کمک بسیار خواهد کرد.

جوامع ایرانی در کشورهای جهان

طی دو قرن اخیر تعدادی از ایرانیان به انگیزه‌های گوناگون به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند و در آنجاها جوامع و مجامعی را تشکیل داده‌اند. برخی از این مجامع با ایران روابط تجاری و فرهنگی فعالی نیز داشته‌اند؛ مثلاً در دوره مشروطه ایرانیان ساکن هند، مصر، عثمانی و اروپا بسیار فعال بودند. در جنگ جهانی اول نیز ایرانیان ساکن آلمان تکاپوی بسیار داشتند. در بسیاری از این مناطق دولتهای وقت ایران با تأسیس کنسولگری و مدرسه و مسجد به خدمات‌رسانی به آنها اقدام کرده، در حفظ هویت و موجودیت ایرانی آنها کمک کرده است. این روند تا به امروز نیز ادامه دارد و جمعیت معتنابهی از ایرانیان در نقاط مختلف ساکن شده‌اند. تاریخ این جماعتها و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی متعلق به آنها خود تاریخچه‌ای جالب توجه دارد و در مواردی محققان به بررسی آنها پرداخته‌اند. به دلیل گسترش ارتباطات و افزایش فعالیت جوامع ایرانی خارج از کشور، نقش فرهنگی و علمی آنها برای تاریخ ایران روز به روز بیشتر می شود. انجمن‌های علمی مربوط به ایران و مجامع ایران شناسی نیز به رشد چنین مؤسساتی شتاب بخشیده‌اند. در نتیجه تولیدات فرهنگی و تحقیقی درباره ایران، اعم از آنکه به وسیله ایرانیها یا غیرایرانیها صورت گیرد، در حال افزایش بوده، از آنجا که همه اینها در خصوص ایران و به زبان فارسی است، جزئی از عرصه فرهنگی ایران را شامل شده است.

پایان سخن

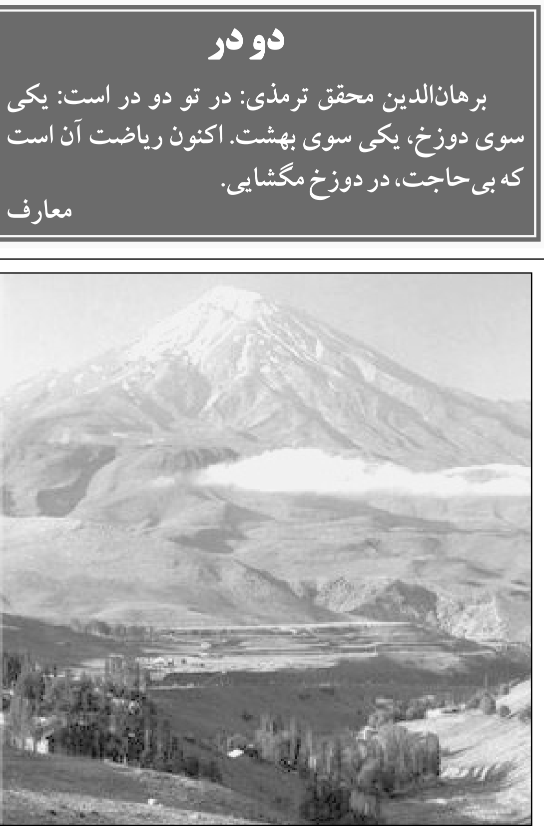
تاریخ و فرهنگ گسترده کهن و غنی ایرانی همان گونه که دارای یک هسته اصلی و مرکزی است، در سطح جهان نیز دارای میراثهای بسیاری است که طی قرون شکل گرفته‌اند. این امر موجب شده تا شبه دیاسپورایی فرهنگی برای ایران قابل طرح باشد. به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ایرانیان، لازم است نسبت به شناسایی این میراث اقدام کرد و در فعالیتهای تحقیقاتی از آن به نفع فرهنگ ایرانی ـ اسلامی بهره برد. کارساز ساختن اطلاعات علمی مربوط به این میراث فرهنگی، به توسعه و ترقی تاریخی و فرهنگ ما کمک خواهد رساند و در زمینه‌هایی مددرسان امور علمی و پژوهشی ما در عرصه تاریخ نیز خواهد بود. صرف اطلاع بر وجود چنین میراث با ارزشی در اقصی نقاط جهان، به خودباوری نسل جوان در زمینه فرهنگی نیز کمک خواهد کرد، ضمناً زمینه‌های فرهنگی ارتباط و همکاری با ملتهای دیگر را تسهیل کرده و توسعه خواهد بخشید. با بهره گیری از چنین میراثی می توان به حضوری فعالتر از نظر فرهنگی در سطح جهان اهتمام ورزید و جایگاه ویژه خویش را در جامعه جهانی کسب کرد. آنچه در این نوشته‌ها راجع به تاریخ و فرهنگ ایرانی خارج از ایران بدان اشاره شد، اندکی از بسیار و قطره ای از دریاست و چنان که اقتضای قلم باشد، می توان آن را بسط اساسی داد و موارد بسیار دیگری را نیز بدان افزود.

کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا(ش ۵۵با تلخیص)

دو در

برهان‌الدین محقق ترمذی: در تو دو در است: یکی سوی دوزخ، یکی سوی بهشت. اکنون ریاضت آن است که بی‌حاجت، در دوزخ مگشایی.

معارف



عشق وطن

میرزاده عشقی

خاکم‌به‌سر، زغصه‌به‌سر، خاک‌اگر کنم
خاک‌وطن‌که‌رفت، چه‌خاکی‌به‌سرکنم؟
آوخ کلاه نیست وطن تا که از سرم
برداشتند، فکر کلاهی دگر کنم
مردآن‌بودکه‌این‌کلهش‌برسراست‌ومن
نامردم ار به بی کله، آنی به سر کنم
من آن نی‌ام که یکسره تدبیر مملکت
تسلیم هرزه‌گرد قضا و قدر کنم
زیر و زبر اگر نکنی خاک خصم ما
ای چرخ! زیر و روی تو، زیر و زبر کنم
جایی‌ست آرزوی من، ارمن به آن رسم
از روی نعش لشکر دشمن گذر کنم
من آن نی‌ام به مرگ طبیعی شوم هلاک
وین کاسه‌خون‌به‌بستر راحت‌هدر کنم
معشوق‌عشقی، ای‌وطن، ای‌عشق‌پاک
ای آن که ذکر عشق تو شام و سحر کنم
عشقت‌نه‌سرسری‌است‌که‌ازسربه‌درشود
مهرت‌نه‌عارضی‌ست‌که‌جای‌دگرکنم
عشق تو در وجودم و مهر تو در دلم
با شیر اندرون شد و با جان به در کنم

آشنایی با ایران شناسان

گلدنر، ایران شناس آلمانی

کارل فریدریش گلدنر (Karl Friedrich Geldner:۱۸۵۲ـ ۱۹۲۹) زبان‌شناس و خاورشناس آلمانی در زالفلد زاکسه- ماینینگن زاده شد. پدرش کشیش پروتستان بود. سنسکریت و اوستایی را در دانشگاه لایپزیگ آموخت.

سپس به دانشگاه توبینگن رفت و در سال ۱۸۷۵ دکترایش را در زمینهٔ آموزه‌های هندشناسی دریافت. سپس استاد دانشگاه برلین شد. بعد از هفده سال در ۱۹۰۷ به دانشگاه ماربورگ رفت و تا آخر عمر در آنجا ماند. نام‌آوری او بیشتر به‌دلیل واکاوی و تقابل متن‌های اوستایی و ودایی سنسکریت است. نخستین اثر او در ۱۸۷۷ هنگامی که او هنوز دانشجوی دکتری بود، به نام سنجش اوستای نو به چاپ رسید. او در این کتاب نشان‌داد که بیشتر شعرهای اوستای نو هشت هجایی و برخی نیز ده یا ۱۲ سیلابی‌اند. او در نظریهٔ خود بیان داشت که برخلاف گاهان که شعرهایش موزون‌اند، اوستای نوین دارای چامه‌های آهنگین است.

گلدنر با اینکه بیشتر ترجیح می‌داد روی وداها کار کند، ولی پس از پایان‌نامهٔ دکتری به اصلاح ویرایش اوستای وسترگارد پرداخت. سپس به بررسی «یسنا» و آنگاه «ویسپرد» و «خرده‌اوستا» پرداخت. آنگاه در جلد سوم کارهایش که در ۱۸۵۹ به چاپ رسید، «وندیداد» را بررسی کرد و دیباچه‌ای نگاشت. او روی هم رفته بیش از ۱۲۰ متن را بررسی‌نمود و چندین مقاله دربارهٔ اوستا و شرحش نگاشت. سپس دوباره به مطالعهٔ متن‌های سنسکریت پرداخت. از ۱۸۹۵ او تنها دو اثر دربارهٔ اوستا به چاپ رساند و زمان خود را صرف سنسکریت نمود. بعدها او با همکاری ریشارد پیشل به کار بر روی وداها پرداخت. پسایند همکاری این دو، مطالعات ودایی بود. در این اثر برخلاف کارهای پیشینیان، از روش‌های زبان‌شناسی کمتر اثری بود و بیشتر به گزارش پرداخته شده‌است. در ۱۹۰۷ که او به ماربورگ بازگشت، کوشش‌هایش را روی ترجمهٔ ریگ‌ودا گذارد. نتیجهٔ کار او در این زمینه پس از مرگش به چاپ رسید.

آثار

۱. سنجش اوستای نو، توبینگن، ۱۸۷۷
۲. مطالعات اوستا، استراسبورگ، ۱۸۸۲
۳. ترجمه و شرح سه یشت از زند اوستا، اشتوتگارت، ۱۸۸٤
٤. اوستا؛ کتاب مقدس پارسیان در سه جلد، اشتوتگارت، ۱۸۹۵–۱۸۸۵
۵. ترجمهٔ ۷۰ ترانهٔ ریگ‌ودا (به یاری رودلف فون روت و آدولف کگی)، توبینگن، ۱۸۷۵
٦. مطالعات ودایی (با همراهی ریشارد پیشل در سه جلد)، اشتوتگارت، ۱۹۰۱–۱۸۸۹
۷. ادبیات اوستایی؛ طرح کلی زبان‌شناسی ایرانی، توبینگن، ۱۹۰٤
۸. گزیدهٔ ریگ‌ودا (دو جلد)، اشتوتگارت، ۱۹۰۹–۱۹۰۷
۹. تصنیف‌های هندی، ماربورگ، ۱۹۱۳
۱۰. دین زرتشتی، توبینگن، ۱۹۲٦
۱۱. وداگرایی و برهماگرایی، توبینگن
۱۲. برگردان ریگ‌ودا از سنسکریت (سه جلد)، لندن و ویسبادن، ۱۹۵۱

محقق و نسخه‌شناس بزرگ

کارل چرتی ـ رایزن فرهنگی ایتالیا در ایران

زمانی که مطلع شدم ایرج افشار به دیار باقی شتافت، ذهنم برای لحظاتی به این امر معطوف شد که من این سعادت را داشته‌ام که از مصاحبت او بهره‌مند شوم. چندین غروب در حیاط منزلش در تهران و گاه در کنفرانس‌های بین‌المللی با ایشان شرکت داشتم. به هر روی در این نوشتار نمی خواهم از صحبت‌های دوستانه و شخصی‌ام با ایشان صحبت کنم، بلکه می خواهم که بر توانایی‌های اخلاقی و فکری ایرج افشار در زمینهٔ بین‌الملل و روابط متقابلش با کشورم تأکید کنم.

احتیاجی به گفتن نیست که ایرج افشار یکی از پرکارترین مؤلفان ایرانی در سده‌های ۲۰ و ۲۱ میلادی بوده که در حوزه‌های مختلف بسیاری دست به تحقیق زده است. به ویژه در حوزهٔ نسخه‌شناسی (codicology)، فهرست‌نویسی و مطالعات کتاب‌شناختی و تاریخ معاصر، با اینکه رشتهٔ تحصیلی خود من به وضوح از حوزهٔ علمی او متفاوت بود، من در هر فرصتی از دانش گستردهٔ او بهره بردم، بسیاری از آثار و نوشته‌های او را خواندم، به خصوص ستون «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی» که عمدتاً در بخارا منتشر می‌شد که در آن ستون، بخش وسیعی از آثار متأخر در حوزهٔ مطالعاتی ما معرفی می شد. این مقالات که با اقبال خوانندگان مواجه بود، علاوه بر اینکه جذابیت زیادی برای محققان داشت، نمایی کلی از آنچه در ایران رخ داده بود و آنچه دربارهٔ فرهنگ و تمدن این کشور بزرگ نوشته شده بود، در اختیار می گذاشت. ایرج افشار همیشه نسبت به همکاران و هم‌قطاران خارجی‌اش توجه خاص داشت. وی آنها را در کلاف هزار توی آثار ایرانیان راهنمایی می کرد و در هر کاری به آنها مشورت می‌رساند. من شخصاً مدیون سخنرانی‌های مفید او هستم و در آن مدت از دانش گستردهٔ ایشان بهرهٔ زیادی جستم. وی در انجمن ایران‌شناسی اروپا (sie) نیز عضو بود و از اعضای بسیار برجسته و بانفوذ محسوب می‌شد و به واسطهٔ همین امر به عنوان عضو افتخاری «انجمن مطالعات ایرانی در آمریکا» پیشنهاد داده شد. انجمن ایران‌شناسی اروپا، در ژوئن ۱۹۸۳ در روم با چهل محقق اروپایی برجسته و باهدف حمایت از مطالعات مربوط به ایران در اروپا ـ هدفی که ایرج افشار در مقیاس جهانی دنبال می کرد ـ تأسیس شد و اکنون به کانون بزرگ دانشگاهی تبدیل شده است که بیش از چهارصد عضو در اقصی نقاط دنیا دارد.

هر چند آنجلو میشل پیه‌مونتسه، در بین همهٔ محققان ایتالیایی، دوست خوب ایرج افشار بود که از دانش گستردهٔ وی در حوزهٔ نسخ خطی ایران بهره برده بود، اما ایرج افشار همکاری چندانی با دانشگاه ایتالیا نداشت. یکی از فعالیت‌های مهمی که او را با کشور من پیوند می‌داد، انتشار مجدد یکی از نوشته‌های سیدحسن تقی‌زاده بود که با دست‌نوشته‌های باارزش خود مؤلف تکمیل شد. یکی از آثار، با عنوان «گاه‌شماری در ایران قدیم» توسط ایرج افشار چاپ شد که اخیرا به ایتالیایی ترجمه شده است.

من فرصت مغتنمی داشتم که این ترجمه را در سپتامبر ۲۰۱۰، زمانی که از سفر کوتاهش از روم بازگشته بود، به وی نشان دهم. علاوه بر این ایرج افشار همراه با یک گروه از متخصصان پرآوازه، وظیفهٔ انتشار نسخ خطی مربوط به تاریخ کشورش را در مجموعه‌ای به نام گنجینهٔ نسخه برگردان‌های متون فارسی برعهده گرفت. در بین متون انتخابی، نسخهٔ خطی مشهور شاهنامه هم بود که اکنون در کتابخانهٔ ملی فلورانس نگهداری می‌شود. این نسخه، قدیمی‌ترین نسخهٔ خطی شناخته شدهٔ شاهکار فردوسی، تألیف شده به سال ۱۲۱۷ میلادی است که تقریباً معادل نیمی از متن شاهنامه است و متأسفانه مابقی آن مفقود شده است. این متن توسط آنجلو پیه مونتسه در سال ۱۹۷۸ بازیابی شد که جلال خالقی مطلق آن را مورد ارزیابی قرار داد و دریافت که این متن نه تنها قدیمی‌ترین نسخهٔ است، بلکه معتبرترین نسخهٔ باقی‌مانده از این اثر ادبی است. متأسفانه این نسخه هنوز به چاپ نرسیده است؛ چرا که کتابخانهٔ ملی فلورانس تاکنون اجازه این کار را نداده‌است. بی نهایت تأسف می خورم از اینکه ایرج افشار زنده نیست تا نسخه‌ای که در ایران در دست چاپ است ببیند. امیدوار بودم که با انجام این کار اولین گام را در جهت همکاری طولانی مدت بین این محقق بزرگ ایرانی و سازمان فرهنگی کشورم بردارم؛ باشد که این اثر نشانی باشد برای جاودانه به یاد سپردن ایرج افشار.

ایرانیان از نگاه بیگانگان

ایرانیان تفلیس

در تفلیس ده یا دوازده هزار نفر ایرانی نیز زندگی می‌کنند. شاید ریشه آنان مربوط به دورانی باشد که پادشاهان ایران گرجستان را در تصرف خود داشتند؛ ولی تعداد نفرات اولیه آنان در نتیجه مهاجرت افراد بی شماری که از شرق و شمال ایران برای تحصیل ثروت مرتباً به قفقاز می‌آیند، روز به روز به افزایش گذاشته است. اغلب این ایرانیها بازرگانان و آدمهای زیرک و باهوشی هستند که اگر این ضرب المثل قابل قبول باشد، درباره آنان چنین می گوید: «برای کلاه گذاشتن سر یک نفر ارمنی دو نفر یهودی لازم است و دو ارمنی برای سر یک ایرانی!»

مشهور است که ماهرترین بناهای ماورای قفقاز ایرانی هستند. درباره ایرانیهای ایالت ایروان که از سال ۱۸۲۸ جزو رعایای تزار به شمار می‌آیند، باید گفت که آنان به علت دانستن زبانهای شرقی که در ایالتهای آسیایی روسیه عامل کمک کننده بسیار سودمندی است و همچنین به دلیل برخورداری از هوش و مهارت و شایستگی ذاتی، در مشاغل خود به مقامهای مهمی دست یافته اند.

ارنست اورسل، جهانگرد غربی (۱۸۸۲)

وامدار

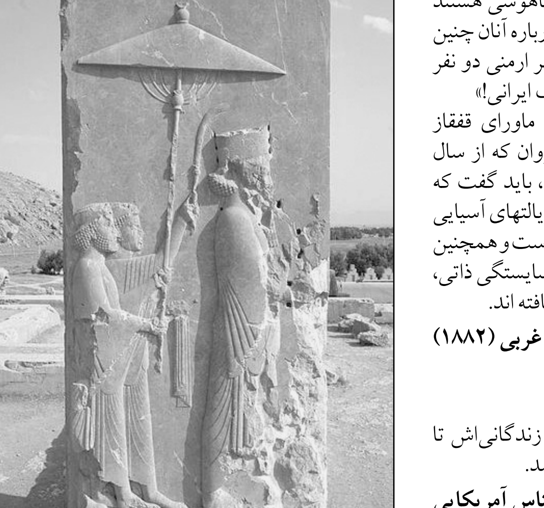
در جهان متمدن یک نفر نیست که زندگانی‌اش تا اندازه‌ای از پیشرفت ایرانیان بهره نبرده باشد.

پروفسور آرتور پوپ، ایران شناس آمریکایی

آتشکده‌های باستانی

در باکو اخیراً چاههای نفت پیدا شده است و بر روی آتشکده‌های قدیم ایران، روسها امیدوارند دکل‌های بزرگ چاههای نفت را نصب کنند. از ایرانیان قدیمی و زرتشتی‌هایی که متصدی آتشکده‌های باکو بودند، تا سالهای اخیر هنوز سه نفر در آن شهر به سر می‌بردند و از ساختمانهای آتشکده سرپرستی می‌کردند؛ ولی این سه نفر هم آتشکده‌های ویران را رها کردند و به هند رفته، به پارسیان ملحق شدند.

بروگش، سفیر پروس در ایران (۱۸٦۱ـ۱۸۵۹)



ساخت شهرک مصالح ساختمانی در قم

*** این شهرک در ۶۰ هزار متر مربع زمین ساخته می‌شود و با ساخت آن ۴۴ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد خواهد شد**

*** در شهرک مصالح ساختمانی قم ایجاد ۶ بازار پیش‌بینی شده است که هریک می‌تواند بخشی از نیازهای مشتریان را برآورده کند. همچنین هتل‌ها، رستوران‌ها و مراکز اقامتی برای سالانه بین ۳ تا ۵ میلیون مسافر، کارشناس و گردشگر در نظر گرفته شده است**

قم ـ خبرنگار اطلاعات: اولین شهرک مصالح ساختمانی در استان قم با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی ساخته می‌شود.

یونس عالی‌پور، رئیس سازمان بازرگانی استان قم، بابیان این مطلب افزود: تمرکز تمام صنوف شاغل در امر ساختمان در یک محل، صرفه‌جویی در وقت مشتری، کاهش ترافیک، کاهش هزینه‌ها و سهولت درتهیه تمام اقلام موردنیاز پیمانکاران و سازندگان ساختمان از مزایای ایجاد این شهرک است.

رئیس سازمان بازرگانی افزود: در این طرح سرمایه‌گذار خارجی (چینی) تا مبلغ ۵۰۰ میلیون یوان معادل ۸۳۰میلیارد ریال سرمایه‌گذاری خواهد کرد.

عالی‌پور اضافه کرد: این شهرک در فضایی بالغ بر ۶۰ هزار متر مربع ساخته خواهد شد که ۲۰ هزار متر مربع به بخش بازار تجاری، ۲۰ هزار متر مربع بخش انبارهای عمومی، ۱۰ هزار متر مربع هتل و آپارتمان‌های مدیران و ۱۰ هزار متر مربع نیز به پارکینگ و فضای سبز اختصاص خواهد یافت.

وی با اشاره به اشتغالزایی بالای این طرح گفت: در این طرح حدود ۱۰ هزار نفر به صورت مستقیم و بیش از ۴۰۰۰ نفر در فعالیت‌های مرتبط به کار گرفته می‌شوند و بیش از ۳۰ هزار شغل نیز در فعالیت‌های وابسته به شهرک به وجود خواهد آمد که در نهایت بیش از ۴۴ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد می‌شود.

رئیس سازمان بازرگانی استان قم با اشاره به این که در منطقه خاورمیانه چنین شهرک بزرگی وجود ندارد، اضافه کرد: این شهرک می‌تواند بدون هیچ‌گونه محدودیتی برای بقیه همسایگان ایران مرکزی با اهمیت و استراتژیک باشد.

عالی‌پور افزود: در این شهرک ایجاد شش بازار پیش‌بینی شده است که هریک می‌تواند بخشی از نیازهای مشتریان را برآورده کند و همچنین هتل‌ها، رستوران‌ها و مراکز اقامتی برای سالانه بین ۳ تا ۵ میلیون مسافر، کارشناس و گردشگر در نظر گرفته شده است.او گفت: بازارهای لوله و اتصالات و شیرآلات، سنگ و سرامیک، آهن‌آلات و میلگرد در و پنجره و شیشه، مصالح ساختمانی و بازار مبلمان خانگی و اداری در ساخت این شهرک پیش بینی شده‌اند.

رئیس سازمان بازرگانی در پایان ضمن اظهار امیدواری از به ثمر رسیدن این طرح از سایر مسئولان استانی خواست تمهیدات لازم برای جذب سرمایه‌های خارج از کشور برای رشد و شکوفایی اقتصاد استان را فراهم کنند.

تشکیل ستاد نهضت مطالعه مفید در خوزستان

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خوزستان از تشکیل ستاد نهضت مطالعه مفید در استان خبر داد.

رحیم فضیلت‌پور به دیدار مقام معظم رهبری با کتابداران اشاره کرد و افزود: رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار بر ورود کتاب در سبد کالای مصرفی خانواده، ترویج کتاب در مدارس ابتدایی، تبلیغات گسترده کتاب در رسانه‌های عمومی کشور و نیز ارائه سیرهای مطالعاتی برای مخاطبان تأکید کردند.

او در ادامه سخنانش از تدوین سند نهضت مطالعه مفید خبر داد و گفت: این سند براساس تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری در زمینه اهمیت کتاب و کتابخوانی و تولید فکر، کتابخوانی و افزایش معلومات عمومی به عنوان یکی از مصادیق همت و کار مضاعف تدوین شده است.

وی افزود: به منظور تحقق مفاد سند نهضت مطالعه مفید، ساختاری پیش‌بینی شده که شامل کمیته دائمی نهضت مطالعه مفید در کشور، کمیته استانی نهضت مطالعه مفید، کمیته شهرستانی نهضت مطالعه مفید، دبیرخانه کمیته در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، استان و شهرستان خواهد بود.

فضیلت‌پور هدف اصلی این سند را دستیابی به جایگاه ممتاز در جهان از نظر سرانه مطالعه به خصوص مطالعه مفید براساس سند چشم‌انداز بخش فرهنگ عمومی در افق ایران ۱۴۰۴ اعلام کرد و افزود: افزایش فضای کتابخانه‌های عمومی به میزان ۸ مترمربع به ازای هر ۱۰۰ نفر، فراهم‌آوری چهار جلد کتاب به ازای هر نفر در کتابخانه‌های عمومی، توجه به مطالعه مفید در برنامه‌های اوقات فراغت و عضویت ۳۵ درصد جمعیت ایران در کتابخانه‌های عمومی از دیگر اهداف این سند است.

فضیلت‌پور ادامه داد: به لحاظ اجرایی کردن اهداف سند نهضت مطالعه مفید، بیش از ۷۰ ساعت مطالعه و بررسی به اتفاق همکاران در نهاد استان و نظرخواهی از شخصیت‌های مختلف در شش محور کودک، خانواده و مفیدسازی مطالعه، امانت و عضویت، محتوا و تولید کتاب، فضاهای مجازی، معماری و زیرساخت فیزیکی و نظارت و هماهنگی ملی و استانی ارائه شده است.

وی ادامه داد: آموزش معلمان و مدیران مهدهای کودک و حمایت از برنامه‌های ترویج فرهنگ کتابخوانی آنها، ایجاد تازه‌های کتاب و اجرای کتابخوانی در مهدهای کودک، معرفی کتاب‌های فاخر و کتابخوانان برتر در وسایل نقلیه عمومی و فضاهای شهری و معرفی چند کتاب مفید و ارزشمند برای استفاده در جهیزیه عروس از جمله برنامه‌های ارائه شده در بخش کودک، خانواده و مفیدسازی مطالعه است.

فضیلت‌پور همچنین برگزاری نمایشگاه‌های ویژه کودک و خردسالان به مناسبت‌های خاص، تشکیل مرکز مشاوره کتاب به ویژه در کتابخانه‌ها و استفاده از فضاها و امکانات شهری و تبلیغاتی برای تبلیغ کتاب‌های مفید را از جمله برنامه‌ها در بخش فضاهای مکتوب و مجازی اعلام کرد.

مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی خوزستان اضافه کرد: تولید کتاب‌هایی متناسب با نیاز جامعه به منظور افزایش میزان امانت و استفاده از ظرفیت نویسندگان کتاب‌های موجود برای تولید چکیده و خلاصه کتاب از جمله برنامه‌ها در بخش امانت و عضویت است.

وی اضافه کرد: در بخش محتوا و تولید کتاب نیز برنامه‌هایی همچون تغییر محتوای دروس آموزشی در راستای معرفی کتاب‌های مفید غیر از کتاب‌های درسی، حمایت مالی و معنوی از طرح‌های مشابه طرح کتاب من و تخصیص یارانه کتاب به صورت ماهانه تعریف شده‌اند. وی اضافه کرد: تهیه اطلس کتابخانه‌های عمومی به منظور آمایش، تکلیف ساخت کتابخانه‌های عمومی به وزارت مسکن و شهرسازی در مجتمع‌های مسکونی انبوه‌سازی و مکاتبه با وزارت راه و شهرسازی برای راه‌اندازی کتابخانه در فرودگاه‌ها، ترمینال‌ها، مترو، اتوبوس‌های بین استانی از جمله برنامه‌های بخش معماری و زیرساخت فیزیکی در این سند است.

بررسی مشکلات احتمالی پیش روی آموزش و پرورش سرایان

سرایان ـ خبرنگار اطلاعات: شورای آموزش و پرورش سرایان با حضور اعضا در سالن اجتماعات فرمانداری تشکیل جلسه داد.

محمد مهدی عظیمی دبیر این شورا هدف از برگزاری این جلسه را برنامه‌ریزی و بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی سال تحصیلی جدید اعلام کرد و اظهار داشت: برنامه‌ریزی در هر کاری مهم است و در آموزش و پرورش که جمعیت زیادی را به خود اختصاص داده است ضرورت بیشتری دارد.

مدیر آموزش و پرورش سرایان با ارائه گزارشی از فعالیت‌های انجام شده در پیگیری مصوبات جلسه قبلی این شورا گفت: از ۳ مصوبه جلسه مهمترین پروژه که در دستور کار وزارت آموزش و پرورش هم هست برگزاری ضیافت و افطار فرهنگیان بود که ۴۰۰۰ نفر از فرهنگیان شهرستان و خانواده‌های آنها در ماه مبارک رمضان در ضیافت افطار آموزش و پرورش شرکت داشتند.

وی دومین مصوبه را بررسی نتایج تحصیلی مقاطع سه‌گانه برشمرد و افزود: در این زمینه رشد خوبی داشته‌ایم که سلامت و سبک مدیریت و تلاش فرهنگیان باعث رشد تحصیلی دانش‌آموزان این شهرستان شده که قابل تحسین است.

وی سومین مصوبه را بررسی و تامین اعتبارات عمرانی آموزش و پرورش و پیگیری آن ذکر کرد و یادآور شد که این منابع از ۳ منبع دولتی، ملی و خیرین تامین شده است.

عظیمی، مهم‌ترین مشکل آموزش و پرورش این شهرستان را با توجه به ساخت و سازهای زیاد و توسعه شهر، کمبود فضای آموزشی در مرکز شهرستان به دلیل اخذ مجوزهای جدید مراکز نمونه دولتی و شبانه‌روزی برشمرد و خواستار رسیدگی و حل این مشکل شد.

در ادامه جلسه اعضای شورا دیدگاه‌های خود را بیان کردند و فرماندار و رئیس شورای آموزش و پرورش شهرستان گفت: فلسفه تشکیل این جلسه کمک به حل مشکلات است و زیر سوال بردن و انتقاد غیرسازنده و غیرمناسب مشکلی را حل نمی‌کند و ما باید مردم را توجیه کنیم و توقع بی‌جا هم ایجاد نکنیم.

وی افزود: سرایان در زمینه آموزش و پرورش رشد خوبی داشته است و پیش آمدن مشکلات هم نتیجه و حاصل رشد و ارتقا است.

وی همه تغییر و تحولات را زمینه رشد و ارتقا برشمرد و گفت: باید به دنبال گرفتن امکانات و اعتبارات باشیم که مدیر آموزش و پرورش سرایان تلاش زیادی در این زمینه داشته است و دارد.

اخبار کوتاه شهرستان

استفاده از انرژی خورشیدی برای روشنایی معابر

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: بهره‌گیری از انرژی خورشیدی در راستای استفاده بهینه از انرژی در منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی(ره) با نصب چراغ‌های روشنایی سولار امکان‌پذیر شد.

مسعود قاسمیان معاون مهندسی و عمران اداره‌کل بنادر و دریانوردی خوزستان با بیان مطلب بالا، افزود: توجه به شرایط مناسب جوی در منطقه جنوب کشور و تابش مستمر خورشید در طول ایام سال و با هدف استفاده از انرژی‌های نو، با تهیه و نصب ۱۲ عدد پایه روشنایی خورشیدی در مسیر ورودی جبهه شمالی مجتمع بندری امام خمینی(ره)، زمینه بهره‌گیری مؤثر از انرژی‌های نو و بدون اتصال به شبکه برق فراهم شد.

او منشأ این طرح را براساس بررسی کارشناسان این اداره‌کل و به منظور کاهش مصرف انرژی و در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری درباره نامگذاری سال ۱۳۹۰ به سال جهاد اقتصادی اعلام کرد.

رمز موفقیت قهرمان مازندرانی

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: قهرمان مازندرانی بازی‌های آسیایی گوانجو عشق به امام رضا(ع) را رمز موفقیت خود در میادین ورزشی می‌داند.

به‌گزارش روابط عمومی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران سوسن حاجی‌پور عضو تیم ملی تکواندو ایران که مدال برنز را در بازی‌های آسیایی گوانجو چین کسب کرد در گفت‌وگو با ستاد اطلاع‌رسانی جشنواره سراسری نامه‌ای به امام رضا از ارادتش به ساحت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) گفت و افزود: هر وقت می‌خواهم به مسابقات اعزام شوم قبل از رفتن به پابوس آقا امام رضا(ع) می‌روم.وی یک ماه پیش به مشهد مقدس رفت تا قبل از کسب سهمیه المپیک ۲۰۱۲ لندن تلاش و همت راسخش را در این مبارزه سخت با عطر معنویت زیارت ثامن‌الحجج(ع) آمیخته کند.حاجی‌پور پس از آشنایی با جشنواره فرهنگی و هنری امام رضا برای ارسال دلنوشته به جشنواره سراسری نامه‌ای به امام رضا اعلام آمادگی کرد.بانوی مازندرانی تیم ملی تکواندو ایران خاطره‌ای را از زیارت مربی کره‌ای خود در سفر اخیرش به مشهد مقدس بیان کرد.حاجی‌پور گفت: مربی کره‌ای تیم از امام رضا(ع) شناختی نداشت. وقتی با هم به حرم رفتیم، به احترام آقا چادر به سرکرد و ضریح دلربای حضرت را گرفت و برای موفقیت همه ما دعا کرد.

آغاز عملیات اجرایی پروژه بیمارستان رضوانشهر

رضوانشهر ـ خبرنگار اطلاعات: ساخت بیمارستان رضوانشهر پس از ۱۵ سال تلاش و پیگیری مستمر مسئولان شهرستانی و نماینده مردم شهرستان در مجلس شورای اسلامی آغاز شد.

این بیمارستان ۳۲ تختخوابی در سه طبقه ساخته می‌شود.

کمبود بیمارستان در شهرستان باعث بسیاری از مشکلات برای مردم این منطقه بود و ساخت بیمارستان از مهمترین خواست‌های مردم در دو سفر رئیس‌جمهوری به این شهرستان به شمار می‌رفت.

بهمن محمدیاری نماینده مردم رضوانشهر در مجلس گفت: این بیمارستان قرار است در چهار سال ساخته شود و به بهره‌برداری برسد.

رسیدگی به ۴۷ پرونده تخلف در نائین

نائین ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار نائین در جلسه کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات حکومتی شهرستان از رسیدگی به ۴۷ پرونده متخلف خبر داد.

در این جلسه که با حضور همه اعضا برگزار شد، حسنی افزود: اداره تعزیرات حکومتی شهرستان به ۴۷ پرونده تخلف در خرداد و تیر امسال رسیدگی کرد که ۱۰ مورد آن مربوط به رعایت نکردن مسائل بهداشتی، ۳۴ مورد مربوط به موارد بازرگانی و ۳ مورد درباره مواد سوختی بود و مجموعاً متخلفان به ۴۰ میلیون و ۹۴۸ هزار ریال جریمه محکوم شدند.

دستگیری ۲ قاچاقچی با ۱۲۰کیلوگرم تریاک در سمنان

سمنان ـ خبرنگار اطلاعات: دو قاچاقچی به همراه ۱۲۰ کیلوگرم تریاک توسط مأموران پلیس سمنان دستگیر شدند.

فرمانده انتظامی استان سمنان با اعلام این مطلب افزود: مأموران پلیس سمنان هنگام گشت‌زنی در محور دامغان ـ سمنان یک خودرو حامل موادمخدر را شناسایی کردند و به آن ایست دادند، اما خودرو یاد شده از صحنه متواری شد که با تعقیب و گریز کوتاهی، توسط مأموران متوقف شد و دو سرنشین آن به همراه ۱۲۰کیلوگرم تریاک دستگیر شدند.

فرمانده انتظامی استان سمنان همچنین از کشف بیش از ۴۰۰کیلوگرم انواع موادمخدر از ابتدای امسال تاکنون در این استان خبر داد و گفت: در این مدت ۱۲۰۰نفر نیز در زمینه تهیه، توزیع و نگهداری موادمخدر شناسایی و دستگیر شدند.وی به انهدام ۳۰ شبکه قاچاق موادمخدر توسط مأموران پلیس اشاره کرد و افزود: اجرای ۲۰۰ طرح ضربتی در تفریحگاه‌ها، پارک‌ها و سایر نقاط از دیگر اقدام‌ها در حوزه مبارزه با موادمخدر بود که در این ماموریت‌ها نیز ۱۷۰کیلوگرم انواع موادمخدر کشف شد.

اخبار کوتاه شهرستان

جشنواره فرهنگی ـ هنری وقف در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره فرهنگی هنری «وقف چشمه همیشه جاری» در مازندران برگزار می‌شود.

مدیرکل اوقاف و امور خیریه مازندران هدف از برگزاری این جشنواره را ترویج و تبلیغ سنت حسنه وقف بین قشرهای مختلف مردم، ایجاد نگرش جدید به وقف از جنبه‌های علمی، فرهنگی و هنری، معرفی سنت حسنه وقف و آثار و برکات آن در ابعاد مختلف و اعتماد سازی عمومی مردم نسبت به عملکرد اوقاف به عنوان پاسدار موقوفات و مجری نیات واقفین ذکر کرد.

حجت‌الاسلام سیف‌الله سهرابی اضافه کرد: در این جشنواره مسابقات فرهنگی و هنری وقف در رشته‌های فرهنگی با موضوعات شعر و ادبیات داستانی شامل داستان کوتاه، خاطره و قطعه ادبی و رشته‌های هنری نیز در بخش‌های خوشنویسی شامل خطهای شکسته، نستعلیق، نسخ و ثلث برگزار می‌شود.وی گفت: علاقه‌مندان می‌توانند آثار تولیدی خود را حداکثر تا تاریخ ۹۰/۷/۳۰ به دبیرخانه این جشنواره واقع در ساری ـ میدان امام حسین (ع) ـ اداره کل اوقاف مازندران ارسال کنند.

توزیع ۲۰ تن مرغ منجمد در لارستان

اوز ـ خبرنگار اطلاعات: سرپرست اداره بازرگانی لارستان از توزیع ۲۰ تن مرغ منجمد در این شهرستان خبر داد.

ابراهیمی‌زاده در جلسه ستاد تنظیم بازار لارستان گفت: به منظور تعدیل و کنترل نرخ مرغ این توزیع انجام شده و سهمیه مرغ لارستان نیز توسط سازمان بازرگانی فارس افزایش یافته است.

وی افزود: تسریع در ساماندهی وضع بازار روز لار توسط شهرداری و برپایی نمایشگاه عرضه مستقیم کالا به نام «نمایشگاه ضیافت» از جمله اقدامات اداره بازرگانی شهرستان است.

سرپرست اداره بازرگانی لارستان از افزایش گشت‌های ویژه بازرسی در بازار و برخورد جدی‌تر با واحدهای صنفی متخلف، پیگیری جذب سهمیه اقلام ویژه ماه مبارک رمضان از طریق سازمان بازرگانی استان فارس خبرداد و گفت: بازرسی‌های بهداشتی از کارگاه‌های تولید شیرینی، زولبیا و بامیه و آش فروشی‌ها توسط شبکه بهداشت و درمان با همکاری شهرداری و کنترل قیمت این اقلام توسط اداره بازرگانی از دیگر مصوبات جلسه تنظیم بازار بوده که توسط اداره بازرگانی انجام شده است.

افتتاح باشگاه ورزش‌های رزمی

*در مراسمی با حضور مسئولان و مقامات محلی، باشگاه کیوکوشین کاراته در لارستان افتتاح شد.

در آیین افتتاح این باشگاه، مسئول باشگاه در سخنانی گفت: شمار رزمی‌کاران که در این باشگاه آموزش‌های لازم را فرا می‌گیرند ۵۰ نفر است. ابراهیم پسران افزود: این عده رزمی‌کار متشکل از بانوان و آقایان هستند که زیر نظر هفت مربی مجرب بومی هنرهای رزمی را فرا می‌گیرند. او با بیان اینکه این باشگاه در طول سالیان متمادی در مکان‌های مختلف محله قدیمی «کهویه» شهر لار به صورت غیر متمرکز به فعالیت مشغول بوده است، افزود: از اینکه امروز رزمی‌کاران شهرستان صاحب باشگاه ثابت و با امکانات در سالن مدرسه فردوسی هستند، بسیار خوشحال و مسرور هستیم.

انتصاب سرپرست شبکه بهداشت و درمان فیروزکوه

فیروزکوه ـ خبرنگار اطلاعات: دکتر فریبا ملاجعفری طی حکمی از سوی رئیس دانشگاه شهید بهشتی به‌عنوان سرپرست شبکه بهداشت و درمان شهرستان فیروزکوه منصوب شد. وی پیش از این چهارسال ریاست مرکز بهداشت فیروزکوه را بر عهده داشت و خدمات ارزنده‌ای در زمینه پیشرفت بهداشتی این شهرستان در کارنامه خود دارد.

معرفی برترین‌های مسابقه اذان بافق

بافق ـ خبرنگار اطلاعات: منتخبان مسابقه اذان بافق در صحن امامزاده عبدالله (ع) این شهر معرفی شدند.

حسینی نسب مسئول برگزاری مسابقه اذان اداره اوقاف و امور خیریه بافق در این‌باره گفت: در راستای ایجاد رقابت سالم بین جوانان و نوجوانان، مرحله شهرستانی مسابقه اذان با همکاری امور فرهنگی امامزاده عبدالله(ع) و اداره اوقاف و امور خیریه این شهرستان، در بافق برگزار شد. وی افزود: این مسابقه در دو گروه زیر ۱۶ سال (شکوفه‌ها) و بالای ۱۶ سال (بزرگسالان) با حضور ۴۵ نفر موذن برگزار شد.

مسئول برگزاری مسابقه اذان بافق اضافه کرد: در این مسابقه سید رضا حسینی، رسول کوشا مقدم و جواد رایگان به ترتیب مقام‌های اول تا سوم را کسب کردند. وی افزود: در مقطع زیر ۱۶ سال نیز مهدی قنبری، محمد حسین فتوحی و مجتبی عابدی حائز رتبه‌های اول تا سوم شدند. او گفت: نفرات برتر این مسابقه، در مسابقات استانی اذان یزد که نیمه دوم امسال برگزار می‌شود شرکت خواهند کرد.

شرکت ۹۰ هزار نفر در طرح راهیان نور خلیج‌فارس

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: ۹۰ هزار نفر از زائران راهیان نور خلیج فارس در استان‌های هرمزگان، بوشهر و خوزستان با دریا آشنا شدند.

سردار فضلی فرمانده قرارگاه راهیان نور کشور در آیین قدردانی از دست اندرکاران راهیان نور خلیج‌فارس با بیان مطلب بالا، افزود: با همت مسئولان نیروی دریایی سپاه عرصه جدیدی به راهیان نور در خلیج فارس اضافه شده است.

او هدف از راه‌اندازی راهیان نور دریا را آشنایی نسل قدیم و جدید انقلاب با عرصه‌های دفاع مقدس در دریا و معرفی شهدای مظلوم دریا و همچنین عرصه‌های دفاع مقدس و مجاهدت‌های فرزندان غیرتمند این مرز و بوم در این دیار اعلام کرد.

او با اعلام اینکه امسال یک میلیون دانش‌آموز از مناطق عملیاتی کشور دیدن خواهند کرد، افزود: با هماهنگی‌های به عمل آمده با وزارت آموزش و پرورش از مهر امسال اعزام کاروان‌های راهیان نور دانش‌آموزی به منطقه خوزستان و ایلام آغاز خواهد شد.

او ادامه داد: امسال در دو استان ساحلی بوشهر و هرمزگان و همچنین پنج استان خوزستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی در مجموع برای اعزام و بازدید بیش از ٤ میلیون نفر زائر در قالب کاروان‌های راهیان نور برنامه‌ریزی شده است.

وی با اشاره به ظرفیت وسیع فرهنگی معنوی استفاده نشده دفاع مقدس، گفت: بازد از گنجینه دفاع مقدس در جهت عمق بخشی معنویت و بصیرت استفاده کنیم و هر قدر از این گنجینه استفاده شود، کم است.

پایان هشتمین نمایشگاه قرآن کریم در اسفراین

اسفراین ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم پایانی هشتمین نمایشگاه قرآن کریم اسفراین با حضور مسئولان ادارات، روحانیون، مسئولان غرفه‌ها و عوامل اجرایی در تالار آریا اسفراین برگزار شد.

در این مراسم رئیس اداره تبلیغات اسلامی اسفراین با قدردانی از این حرکت مبارک اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اسفراین گفت: اگر انسان قدر خود را بداند و ارتباطش را با قرآن بیشتر کند به بعد ملکوتی نزدیک‌تر می‌شود به طوری که حتی می‌تواند از ملائک هم بالاتر باشد. رسیدن به مقام والای انسانی، با ارتباط با قرآن کریم میسر است.

حجت‌الاسلام چوپانی افزود: تلاوت با قرائت فرق می‌کند تلاوت یعنی علاوه بر قرائت قرآن، از قرآن نیز پیروی کنیم.

وی گفت: از خدا بخواهیم ما را از پیروان فرامین این کتاب آسمانی قرار دهد.

در ادامه رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اسفراین با تشکر از تمام عوامل اجرایی نمایشگاه گفت: هشتمین نمایشگاه قرآن کریم اسفراین به منظور ارج نهادن به شان والا و منزلت عالی قرآن کریم و شناساندن علوم و معارف قرآنی در جامعه بویژه برای نسل جوان و نوجوان برگزار شد.

حسین هلاکوئی گفت: معرفی کوشش‌ها و خلاقیت‌هایی که از سوی فعالان، هنرمندان و خادمان قرآن کریم در ساحت قدسی این کتاب مبین انجام شده است و ترغیب هنرمندان برای تولید آثار فاخر، ارزشی و متعالی در راستای اشاعه فرهنگ قرآنی از دیگر اهداف برپایی این نمایشگاه بود.

وی افزود: در این نمایشگاه ۱٤ غرفه فعال بود که می‌توان از غرفه‌های سایت‌ها و نرم‌افزارهای قرآنی، کارگاه زنده هنری، کودک و نوجوان، عفاف و حجاب و فروش نرم‌افزارهای قرآنی به عنوان غرفه‌های فعال و پر مخاطب یاد کرد.

وی گفت: این نمایشگاه با تمام زیبایی‌ها، خلاقیت و شور و جذابیتی که داشت خالی از کاستی نبود که با بررسی و برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده برای رفع آن در سال آینده می‌کوشیم.

وی افزود: سال آینده، همزمان با اسفراین شعبه دوم نمایشگاه در شهر صفی آباد نیز برپا خواهد شد و افزودن غرفه‌های جدید بویژه در عرصه رسانه‌های دیجیتال و اجرای برنامه‌های جانبی به صورت زنده از جمله تواشیح و تئاترهای خیابانی با موضوع‌های قرآنی جزو اهداف این اداره خواهد بود.

در پایان این مراسم از تمام عوامل اجرایی و دست اندرکاران این نمایشگاه از سوی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اسفراین با لوح سپاس و هدایای ارزنده‌ای قدردانی به عمل آمد.

کمک خیرین کاشان و آران و بیدگل درجشن گلریزان

کاشان – خبرنگار اطلاعات: خیران کاشان و آران و بیدگل در جشن گلریزان ۲٦۷ میلیارد ریال به ستاد دیه این شهرستان کمک کردند.

مدیر عامل ستاد رسیدگی به امور دیه کاشان، در مراسم جشن گلریزان این میزان کمک را، برای پرداخت بخشی از محکومیت‌های مالی غیرعمد، تصادف، مهریه وچک به ۵۳ نفر از مددجویان اعلام کرد.

علی فرزانه گفت: این افراد از کاشان، آران وبیدگل، نطنز و بادرود هستند که با محکومیت‌های مالی غیر عمد، به میزان ۲۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال، در انتظار جلب رضایت شکات و کمک ستاد دیه هستند، تا از زندان آزادشوند.

وی گفت: در سه ماهه نخست امسال نیز با کمک ستاد دیه کشور و ستاد دیه کاشان ۸۸ نفر از مددجویان این زندان با محکومیت ۱٦ میلیارد ریال از زندان آزاد شدند. فرزانه افزود: پارسال ۲۸۲ نفر با محکومیت بیش از ۷۰ میلیارد ریال با پیگیری ستاد دیه کاشان آزاد شدندکه در این خصوص همکاری خیرین، ستاد دیه کشور، صندوق خسارات مدنی و گذشت شکات نقش موثری در آزادی آنان داشت.

مدیرکل زندان‌های استان اصفهان نیزدر این مراسم گفت: در حال حاضر ٤۸۳ زندانی غیر عمد در استان اصفهان وجود دارند که نیازمند کمک‌های مردمی هستند. او در جشن گلریزان کاشان گفت: این افراد برای آزادی خود نیازمند ۲٤۰ میلیارد ریال کمک هستند.

رمضان امیری افزود: پارسال ۲٦۸ نفر در استان با اعتبار ٦٦ میلیارد ریال آزاد شدند، که این مبلغ توسط کمک‌های مردمی، بیمه، گذشت شاکی، قبول اعسار و تسهیلات بانکی تامین شده بود.

اجرایی شدن ۹۸ درصد مصوبات دولت در فیروزکوه

فیروزکوه ـ خبرنگار اطلاعات: ۹۸ درصد مصوبات نخستین دور سفر هیأت دولت به شهرستان فیرزوکوه اجرایی شده است.

معاون برنامه‌ریزی فرمانداری فیروزکوه با اشاره به این مطلب افزود: مصوبات سفرهای دوم و سوم هیأت دولت به‌این شهرستان نیز در دست اجرا است. اسفندیار که در جلسه شورای اداری فیروزکوه سخن می‌گفت، یادآور شد: فرارسیدن هفته دولت، بهترین زمان برای مسئولان محلی است که گزارشی از خدمات انجام شده دولت و دستگاه‌های اجرایی به مردم ارائه شود.

وی به ضرورت جذب اعتبارات تخصیص داده شده تا پایان امسال اشاره کرد و افزود: در هفت ماه باقی‌مانده مسئولان طوری هزینه کنند که در جذب اعتبارات به مشکلی برخورد نکنند.

امام جمعه فیروزکوه نیز در زمینه ارائه گزارش کار مسئولان محلی در فاصله بین دو نماز ظهر و عصر جمعه گفت: این سنت غلطی است و باعث می‌شود نمازگزاران به حالت اجبار پای سخنرانی مسئولان بنشینند و با اکراه گوش دهند. حجت‌الاسلام استیری افزود: ما هم وقتی نارضایتی خودمان را از این نوع ارائه گزارش عملکرد در نماز جمعه مطرح کردیم، آنها با تکبیر آن را تایید کردند. در این جلسه همچنین سعید افشار نادری فرماندار فیروزکوه با تاکید بر لزوم استفاده هرچه بهینه و بیشتر از نقطه نظرات مدیران و مسئولان در جلسات شورای اداری گفت: معنای جهاد اقتصادی نیز این است که امور را باید جهشی انجام شود و باید تلاش‌ها و اقدام‌های امسال با سال‌های گذشته تفاوت داشته باشد. وی افزود: ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نیز یک ماموریت مهم برای همه دستگاه‌های اجرایی شهرستان است و همه باید در این زمینه به صورت ویژه اقدام و کار کنند. در این جلسه همچنین عالیشاه دادستان، سرهنگ تاجیک فرمانده سپاه و رضوانی رئیس اداره تبلیغات اسلامی هر یک درباره برنامه‌ها و طرح‌های در دست اجرای حوزه‌های کاری خود مطالبی را ارائه کردند.

در این جلسه که در سالن اجتماعات فرمانداری تشکیل شد، قریب به اتفاق مسئولان محلی حضور داشتند.

بهره‌برداری از ۱۹ پروژه برق منطقه‌ای هرمزگان

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با هفته دولت امسال ۱۹ پروژه شرکت برق منطقه‌ای هرمزگان به بهره‌برداری می‌رسد.

حسن کهوری مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای هرمزگان با بیان مطلب بالا، در جمع خبرنگاران افزود: این پروژه‌ها با اعتبار ۵٦۳ میلیارد ریال برای توسعه برق‌رسانی در هرمزگان آماده بهره‌برداری شده است.

او ادامه داد: به علاوه ۱۹ پروژه یادشده عملیات سه پروژه دیگر نیز در حال اجرا است.

وی وضع موجود پست‌های برق استان را ۱۰۸ پروژه با ۱۳ هزار و ۸۹۷ مقاومت آمپر اعلام کرد و گفت: طول خطوط انتقال موجود نیز ۵۱۷۵ کیلومتر مدار است. معاون برنامه‌ریزی و نیروی انسانی شرکت برق منطقه‌ای هرمزگان نیز در این نشست گفت: براساس مطالعات انجام شده و در صورت تامین منابع مالی مورد نیاز ظرفیت پست‌های انتقال برق استان تا پایان سال ۹٤ به ۱۳ هزار و ٤۵۰ مگاوات آمپر و طول خطوط به ۳۲۹۳ کیلومتر مدار می‌رسد.

عبدالصاحب ارجمند افزود: شرکت برق منطقه‌ای هرمزگان برای رسیدن به ظرفیت برنامه پنجم توسعه نیازمند ۱٤۹۲ میلیارد تومان نقدینگی است. وی با اشاره به هدفمندی یارانه‌ها و تاثیر آن در فروش انرژی، گفت: پارسال ۳ میلیارد و ۱٦٤ میلیون کیلو وات ساعت فروش انرژی برق به صنایع استان داشتیم که در مقایسه با مدت مشابه سال پیش از آن ۱٦ درصد رشد داشته است.

بررسی و ارزیابی عملیات رمضان

بقیه از صفحه ۲

دیدگاه‌های ارتش و سپاه در مورد عملیات

با توجه به ساختار و سیستم پدافندی ارتش عراق در شرق بصره، فرماندهان ارتش انجام عملیات در این منطقه را موفق نمی‌دانستند. طراحان ارتش با توجه به مسطح بودن و باز بودن زمین منطقه علمیات و فاصله بیش از ۳۰ کیلومتری هدف عملیات از خط تماس و با توجه به اینکه اکثر نیروهای رزمنده ایرانی را یگان‌های پیاده با تحرک کم تشکیل می‌دادند و همچنین با عنایت به وجود گرمای شدید در مرداد ماه خوزستان و همچنین احتمال خستگی سریع رزمندگان در حین اجرای عملیات و نیز مشکلات ناشی از کمبود دستگاه‌های مهندسی برای احداث خاکریز و جان پناه، ضریب پیروزی عملیات را کم برآورد می‌کردند، اما بعضی از فرماندهان سپاه بر اجرای آن، اصرار می‌ورزید. اختلاف در انتخاب منطقه عملیاتی، موضوعی بود که به تدریج سبب بحث و مجادله بین فرماندهان ارتش و سپاه می‌شد. البته معمولاً در اکثر موارد سرهنگ صیاد شیرازی در نهایت نسبت به اجرای عملیات نظر موافق می‌داد. فرمانده نیروی زمینی ارتش با اجرای این عملیات موافق بود و قرارگاه مقدم نیروی زمینی در طرح ریزی و اجرای این عملیات شرکت داشت.

طرح مانور و استعداد نیروهای خودی

عملیات رمضان در چهار محور و در پنج مرحله به شرح ذیل به اجرا درآمد. سه قرارگاه فجر، فتح و نصر در این عملیات زیر نظر قرارگاه مرکزی مشترک کربلا، آماده اجرای عملیات شدند. رسیدن قوای ایران به کانال ماهیگیری و عبور از نهر کتیان و تصرف منطقه نشوه و تنومه تا پل بصره و تصرف حدود ۲ هزار کیلومتر مربع از سرزمین دشمن، در طرح مانور برنامه ریزی شده بود. مأموریت قرارگاه فجر؛ در سمت راست منطقه عملیات از کوشک تا زید پیش بینی شده بود. مأموریت قرارگاه فتح؛ در وسط و از منطقه زید بود. مأموریت قرارگاه نصر؛ در سمت چپ و از شلمچه که دارای موانع و استحکامات زیادی بود، قرار داشت. سرهنگ حسنی سعدی و شهید حسن باقری فرماندهان این قرارگاه بودند. در این عملیات حدود ۱۵۰ گردان از نیروهای سپاه و ارتش در قالب یگان‌های مختلف شرکت کردند. تیپ ۷ ولی عصر(عج) نیز به عنوان احتیاط قرارگاه نصر عمل می‌کرد.

شرح عملیات

قرارگاه فتح در شب اول عملیات با ۱۵ کیلومتر پیشروی در عمق و در عرض ۱۲ کیلومتر از محور زید، خط اول قوای دشمن را شکسته و یگان‌های آن به کانال ماهیگیری رسیدند. این محور، طولانی‌ترین مسیر پیشروی رزمندگان اسلام در عملیات خود در داخل خاک دشمن نسبت به سایر عملیات بوده است. نیروهای تیپ ۸ نجف به فرماندهی شهید احمد کاظمی و تیپ ۱٤ امام حسین(ع) به فرماندهی شهید حسین خرازی و تیپ ۱ زرهی از لشکر ۹۲ به فرماندهی شهید صفوی خود را به نهر کتیان رسانده بودند. این نهر دو کیلومتر با شط العرب فاصله دارد و نزدیک بصره است. نیروهای تیپ ۲۵ کربلا هم توانستند تا کانال ماهی جلو بروند و هدف خود راتأمین کنند. نیروهای قرارگاه نصر با موانع سخت شلمچه برخورد کرده و با دادن تلفات سنگین نتوانستند پیشروی کنند. قرارگاه فجر توانست با شکستن دو رده از خط دفاعی دشمن تا حدود چهار پنج کیلومتر در مواضع دشمن، پیشروی کند. قرار شد این قرارگاه برای تثبیت مواضع تصرف شده خود، خاکریزی بسازد تا جناح سمت راست جبهه وسط تأمین شود. در آن شرایط دستگاه‌های مهندسی کم بود و خدمه آنها نیز دارای آموزش و تجربه کافی نبوده و بر کار خود، مسلط نبودند. بنابراین خاکریز مورد نظر درست و در محل تعیین شده زده نشد. با عدم امکان پیشروی یگان‌های قرارگاه نصر، قرار شد نیروهای این قرارگاه، از محور منطقه زید عبور کرده و جناح راست قرارگاه فتح را تأمین کنند. تا نیروهای این قرارگاه خواستند خود را به منطقه موردنظر برسانند، یگان‌های احتیاط ارتش بعثی، هجوم خود را به مواضع رزمندگان اسلام آغاز کردند. این اولین بار نبود که دشمن از چنین نیروهایی و از چنین شیوه‌ای برای پاتک، استفاده می‌کرد. در عملیات طریق‌القدس در پل سابله، در عملیات فتح‌المبین در دشت عباس و در عملیات بیت‌المقدس در سرتاسر جادۀ اهواز ـ خرمشهر، ارتش عراق با همین شیوه نیروهای احتیاط را برای پاتک به کار گرفته بود. با حمله تیپ ۱۰ زرهی ارتش بعثی، نیروهای لشکر ۸ نجف و تیپ زرهی لشکر ۹۲ خوزستان متلاشی شدند. شب دوم دوباره از سوی قرارگاه فتح حمله جدیدی علیه مواضع دشمن صورت گرفت و رزمندگان اسلام موفق شدند تا اهداف قبلی را پس بگیرند و به کانال ماهیگیری برسند. در این شرایط قرارگاه فجر در جناح راست عملیات باز هم نتوانست جلو برود و جناح راست قرارگاه فتح را تأمین کند و خاکریز مورد نیاز را بزنند. بنابراین صبح روز عملیات نیروهای این قرارگاه به خط زید بازگشتند. نیروهای قرارگاه فتح شب سوم دوباره حمله‌ای را انجام دادند و موفق شدند تا یک بار دیگر خود را به کانال ماهیگیری رسانده و بازگردند. با توجه به قفل شدن محور منطقه میانی عملیات، تصمیم گرفته شد تا به‌جای حمله از محور زید، از محور کوشک و از منطقه قرارگاه فجر تک ادامه یابد. در این منطقه نیروهای رزمنده با خاکریزهای مثلثی شکل دشمن برخورد کردند.

ادامه دارد...

اخبار کوتاه شهرستان

ضرورت حمایت بیشتر از مراکز درمانی هرمزگان

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: استان هرمزگان با جمعیتی افزون بر یک میلیون و ٤۰۰ هزار نفر و با دارا بودن مراکز بهداشتی و درمانی متعدد، نیازمند حمایت بیشتر از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

حسین هاشمی تختی استاندار هرمزگان در نشست شورای سلامت و امنیت غذایی استان با بیان مطلب بالا افزود: سالانه عده زیادی از مردم هرمزگان برای درمان به مراکز درمانی سایر استان‌ها به خصوص استان یزد مراجعه می‌کنند که در این راستا مشکلات فراوانی را متحمل می‌شوند.

وی با قدردانی از خدمات شبانه روزی پرستاران و دست اندرکاران امر بهداشت و درمان استان افزود: بسیاری از پرستاران در بیمارستان‌ها زحمات زیادی متحمل می‌شوند و باید امنیت آنان در محیط بیمارستان تامین شود.

برگزاری گردهمایی علما و روحانیون سرایان

سرایان ـ خبرنگار اطلاعات: گردهمایی علمی ـ کاربردی علما و روحانیون سرایان با حضور مبلغان اعزامی از قم، مشهد و روحانیون مستقر و مجری طرح هجرت برگزار شد.

دبیر جامعه روحانیت و رئیس اداره تبلیغات اسلامی سرایان با اشاره به وظایف خطیر روحانیت بویژه در این برهه از زمان از روحانیون خواست در این ماه مبارک رمضان جایگاه ولایت فقیه را برای مردم روشن کنند و اهمیت جایگاه نماز، زکات، کمک به ایتام و نیازمندان را در دستور کار خود قرار دهند.

وی اهمیت قرآن و قرآن آموزی و تدبّر در آن، برگزاری مراسم لیالی قدر و بهره بیشتر از آن و نیز بیان مسائل اخلاقی و تربیتی برای بیمه کردن جامعه و نسل جوان در مقابل جنگ نرم و فسادهای اخلاقی را از اهم وظایف روحانیون برشمرد.

حجت‌الاسلام صاحبی امام جمعه سه قلعه از روحانیون به عنوان سربازان امام زمان (عج) یاد کرد و از آنان خواست با عمل خود مبلغ و مشوّق مردم به دین اسلام و معارف اسلام ناب محمدی(ص) باشند و وظیفه خطیر سرباز بودن و فرمانبرداری را به شایستگی انجام دهند.

استقبال از نمایش «سیب» در اسفراین

اسفراین ـ خبرنگار اطلاعات: تئاتر صحنه‌ای «سیب» در مجتمع فرهنگی و هنری اسفراین اجرا شد.

سرپرست روابط عمومی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اسفراین با اعلام این خبر افزود: این نمایش به کارگردانی زهرا جباری و با یک موضوع اجتماعی بود که مورد استقبال علاقه‌مندان نمایش در اسفراین قرار گرفت.

کاهش تولید پسته در دامغان

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر جهاد کشاورزی دامغان از کاهش ۷۰ درصدی برداشت محصول پسته در این شهرستان خبر داد.

عباس علیان نژاد گفت: طبق پیش‌بینی‌ها امسال ۱۲ هزار تن محصول پسته از باغ‌های این شهرستان برداشت می‌شود.

وی بالا بودن دمای هوای منطقه، وقوع سرمای دیررس، بادهای گرم و خشک و استفاده بی‌رویه از سموم غیرکاربردی در باغ‌های پسته از سوی پسته‌کاران را از مهم‌ترین عوامل کاهش محصول امسال پسته در شهرستان دامغان برشمرد.

مدیرجهاد کشاورزی دامغان افزود: در حال حاضر ۱٤ هزار و ۲۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی این شهرستان زیر کشت پسته قرار دارد.

ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در دامغان

* ٤۷۸ فرصت جدید شغلی در دامغان ایجاد شده است.

فرماندار دامغان با اعلام این خبر افزود: در پنج‌ماهه نخست امسال برای ٤۷۸ نفر در شهرستان شغل ایجاد شده است.

مرتضی علی‌آبادی افزود: سهم شهرستان دامغان در سال ۹۰ برای ایجاد اشتغال ۳۷۰۰ نفر است که از ابتدای امسال تاکنون این تعداد شغل ایجاد شده است. وی یادآور شد: براساس آمار ثبت شده در سامانه رصد ۱٤ درصد از تعهدهای انجام شده برای ایجاد اشتغال در شهرستان دامغان تحقق پیدا کرده است که با توجه به سهم شهرستان برای ایجاد اشتغال براساس برنامه عقب هستیم و باید تلاش بیشتری در این زمینه انجام شود.

کوتاه از چهار گوشه کشور

اختصاص هزینه افطاری به مردم سومالی

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: هیأت امنای حسینیهٔ حضرت ابوالفضل(ع) شهرستان دامغان در یک اقدام خداپسندانه هزینه افطاری ماه مبارک رمضان را که هر سال در این حسینیه برگزار می‌شود، برای کمک به مردم قحطی زده سومالی اختصاص داد.

این حرکت زیبا و انساندوستانه همراه با کمک‌های مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید انجام شد و به این منظور مبلغ ۳۰ میلیون ریال به حساب جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از طرف این حسینیه واریز شد.

ساخت کانون فرهنگی ـ تربیتی در دامغان

* همزمان با سالروز میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی(ع) و برگزاری هفته اکرام و ایتام، عملیات اجرایی کانون فرهنگی ـ تربیتی شهید رجایی کمیته امداد امام خمینی(ره) شاخه دامغان با تأمین هزینه صددرصدی، این کانون از سوی یک خیّر دامغانی آغاز شد.

در این مراسم که با حضور مدیر کل کمیته امداد استان سمنان و مسئولان دامغان همراه بود کلنگ ساخت این مجموعهٔ فرهنگی ـ تربیتی در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع و با زیربنای ۸۰۰ مترمربع در یک طبقه به زمین زده شد که برای ساخت آن ۳۰۰ میلیون تومان از سوی خیّر نیکوکار دامغانی هزینه خواهد شد.

آغاز برداشت عسل از زنبورستان‌های قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر جهاد کشاورزی شهرستان قزوین از آغاز برداشت عسل از زنبورستان‌های بخش الموت غربی خبر داد.

مهندس ولی گودرزوند چگینی گفت: در این بخش ۲۲۶ بهره‌بردار با ۵۶۳۰ کلنی زنبورعسل مشغول فعالیت هستند و پیش‌بینی می‌شود با عملکرد ۷ کیلوگرم برای هر کلنی عسل بیش از ۴۰ تن عسل در منطقه الموت غربی تولید شود.

وی یادآور شد: به منظور ارتقای سطح تولیدات عسل اداره بهبود تولیدات دامی جهاد کشاورزی شهرستان قزوین اقداماتی در راستای اصلاح نژاد زنبورستان‌های زیرپوشش و توزیع ملکه زنبور عسل اصلاح شده بین زنبورستان‌ها صورت گرفته است.

مدیر جهاد کشاورزی شهرستان قزوین افزایش کمی و کیفی تولیدات کندو و افزایش ژنتیکی زنبورستان‌ها را از مزایای اجرای این طرح برشمرد و گفت: با توجه به این که شهرستان قزوین دارای شرایط اقلیمی و پوشش گیاهی مناسبی در سطح استان است، برنامه‌های خوبی برای افزایش کمیت و کیفیت این محصول در دست اجرا است.

تولید ۱۵۰ هزار تن محصولات دامی در قزوین

* سرپرست معاونت بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین از تولید ۱۵۰ هزار و ۳۱۴ تن محصولات دامی در بهار امسال خبر داد.

مهندس یوسف جلوخانی گفت: از این میزان فرآورده دامی، ۱۲ هزار و ۱۳۴ تن گوشت قرمز و ۱۲۵ هزار و ۲۸۰ تن شیر تولید شده است.

وی اظهار داشت: همچنین در مدت یادشده، ۸۷۰۰ تن گوشت مرغ و ۴۲۰۰ تن تخم مرغ تولید شده است.

وی اظهار داشت: این میزان محصولات دامی در ۴۰ واحد مرغ تخمگذار به ظرفیت ۵ میلیون و ۶۲۹ هزار و ۴۰۰ قطعه، ۴۲۷ واحد مرغ گوشتی به ظرفیت ۱۰ میلیون و ۳۷۶ هزار قطعه، ۲۶۳ واحد گاوداری شیری به ظرفیت ۲۶ هزار و ۳۶۱ راس مولد و ۳۶۳ واحد گاوداری پرواری به ظرفیت ۷۱ هزار راس تولید شده است.

کشف ۸۶ راس دام مسروقه در ساوه

ساوه ـ خبرنگار اطلاعات: هشتاد و شش راس دام مسروقه توسط ماموران انتظامی شهرستان ساوه کشف شد.

سرهنگ مصطفی ویسمه‌ای فرمانده انتظامی شهرستان ساوه با بیان مطلب بالا، افزود: در پی اعلام مرکز ۱۱۰ مبنی بر سرقت احشام توسط دو سارق که با یکدستگاه کامیون بنز متواری شده بودند ماموران بلافاصله محورهای مواصلاتی منطقه را به منظور شناسایی موقعیت سارقان و دستگیری آنان تحت کنترل قرار دادند.

وی افزود: خودرو سارقان در کیلومتر ۹ اتوبان ساوه ـ همدان در حالی که به علت نقص فنی رها شده بود، کشف و ۸۶ راس احشام مسروقه پس از شناسایی مالباخته به وی تحویل شد.

ویسمه‌ای اضافه کرد: با توجه به تحقیقات صورت گرفته و سرنخ‌های به دست آمده، متهمان شناسایی و تلاش برای دستگیری آنان ادامه دارد.

تحویل اتوبوس‌های یارانه‌ای به شهرداری‌ها

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: تحویل اتوبوس با یارانه ۸۲/۲ درصد کمک دولت به شهرداری‌ها برای توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی است. معاون پشتیبانی و امور اجرایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور همچنین از برنامه‌ریزی در زمینه تحقق ۷۵ درصد سفرهای درون شهری از طریق حمل و نقل عمومی خبر داد و اظهار داشت: از این میزان ۴۰ درصد سهم سازمان‌های اتوبوسرانی است که تلاش خواهد شد تا سال ۹۱ محقق شود.

محسن مسلم خانی افزود: برابر آمار، ۲۶ درصد از ۴۰ درصد سهم سازمان اتوبوسرانی از حمل و نقل عمومی تاکنون محقق شده است.

وی با اشاره به این که تحویل اتوبوس با ۸۲/۲ درصد یارانه به شهرداری‌های کشور و پرداخت ۱۷/۸ درصدی از سوی شهرداری‌ها باعث بی رغبتی سازمان‌های اتوبوسرانی به بازسازی اتوبوس‌ها شده بود، افزود: در تلاش هستیم که در هیچ شهری اتوبوسی به خاطر مشکلات فنی توقف نداشته باشد بلکه با بازسازی و تعمیر آن دو باره به ناوگان خدمات‌رسانی بازگردد.

او اعلام کرد: پارسال نسبت به خرید اتوبوس بازنگری و سعی شده است استانداردهای اتوبوس‌های موجود ارتقا یابد.

به گفته مسلم خانی، شهروند ایرانی شایستگی سوار شدن در اتوبوس‌های استاندارد را دارد و بر همین اساس با شرکت‌های سازنده اتوبوس (داخلی) جلساتی گذاشته شده و توقعات نیز مطرح شده است.او گفت: امسال تلاش خواهد شد که از بهترین اتوبوس‌ها در خدمات‌رسانی به شهروندان استفاده شود و در راستای ارتقای فرهنگ استفاده از حمل و نقل عمومی اقدام خواهد شد تا شهروندان به سمت استفاده از حمل و نقل عمومی هدایت شوند.

او اعلام کرد: مهر امسال با توجه به بازگشایی مدارس و دانشگاهها ۱۰۰۰ دستگاه اتوبوس به ناوگان حمل و نقل عمومی اضافه خواهد شد.

معاون پشتیبانی و امور اجرایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ادامه داد: با تخصیص بودجه از سوی دولت ۲۰۰۰ دستگاه اتوبوس در نیمه دوم سال به ناوگان حمل و نقل عمومی در سطح کشور افزوده می‌شود که ۱۰۰۰ دستگاه آن تولید داخل است و ۱۰۰۰ دستگاه تولید از خارج وارد می‌شود.

مسلم‌خانی درباره علت تاخیر در تحویل اتوبوس‌ها، اظهار داشت: این تاخیر به دلیل تاخیر در واردات اتوبوس بود زیرا شرکت‌های داخلی ظرفیت تولید برای نیاز کشور را ندارند.

وی با اشاره به ورود ۵۰ دستگاه اتوبوس به مشهد از تجهیز اتوبوس‌ها به رمپ ویژه جانبازان و معلولان در آینده‌ای نزدیک خبر داد.

او با اشاره به ۱۰۰ میلیارد تومان یارانه سوختی که دولت باید به شهرداری‌ها پرداخت کند، اظهار داشت: در صورت تخصیص منابع مالی این اعتبارات بین شهرداری‌های کشور توزیع خواهد شد و در این توزیع فقط جمعیت موجود در شهر مورد توجه نخواهد بود بلکه به شهرهای گردشگری یا زائرپذیر توجه ویژه خواهد شد.

مسلم خانی همچنین با اشاره به هدفمندی یارانه‌ها و افزایش بهای سوخت، از افزایش ۳۰ درصد کمک دولت به شهرداری‌ها خبر داد.

***امسال تلاش خواهد شد از بهترین اتوبوس‌ها در خدمات‌رسانی به شهروندان استفاده شود**

***همزمان با بازگشایی مدارس و دانشگاهها ۱۰۰۰ اتوبوس به ناوگان حمل و نقل عمومی شهرها اضافه خواهد شد**

***نیمه دوم امسال ۲۰۰۰ دستگاه اتوبوس به ناوگان حمل و نقل عمومی در سطح کشور افزوده می‌شود که ۱۰۰۰ دستگاه آن تولید داخل خواهد بود**

۲۰ طرح عمرانی امسال در نائین به بهره‌برداری می‌رسد

خور و بیابانک ـ خبرنگار اطلاعات: سهم دارایی‌های شهرستان خور و بیابانک اعتباری معادل ۷۰ میلیارد ریال است که در قالب ۱۲۵ پروژه توسط ۳۵ دستگاه اجرایی هزینه خواهد شد.

حسن فیروزی فرماندار خور و بیابانک در جلسه کمیته برنامه‌ریزی این شهرستان که در محل فرمانداری برگزار شد از مسئولان خواست اولویت اعتبارت را به طرح‌های نیمه تمام، مصوبات سفر رئیس جمهوری به استان اصفهان و سفرهای شهرستانی استاندار قرار دهند و نسبت به جذب آن اهتمام ورزند.

وی اظهار امیدواری کرد با اختصاص این اعتبار حدود ۲۰ طرح امسال به بهره‌برداری برسد.

فرماندار خور و بیابانک بیشترین اعتبار اختصاص یافته امسال را به ادارات راه و ترابری و تربیت بدنی بیان کرد و افزود: سهم این ادارات به ترتیب ۱۳ و ۹ میلیارد ریال است که در قالب ۱۵ طرح هزینه خواهد شد.

فیروزی با انتقاد از کسری ۲۵ درصدی اعتبار امسال نسبت به پارسال افزود: برخی از ادارات جدید شهرستان از اختصاص اعتبار محروم مانده‌اند.

دکتر حسین حسنی نماینده مردم شهرستان‌های نائین و خور و بیابانک در مجلس شورای اسلامی نیز از تخصیص اعتبار برای اجرای طرح خط ۱۱ سراسری گاز طبیعی به این شهرستان از نائین به میامی شاهرود خبر داد و گفت: این از مصوبات سفرهای اول و دوم رئیس جمهوری به استان اصفهان است.

وی با اشاره به اجرایی شدن طرح تعویض خط انتقال آب غیرآشامیدنی مردم شهر خور از مزرعه بهنامیه روستای گود جگارگ اضافه کرد. این مهم برای رفع معضل کم آبی است و به زودی فاز اول این طرح با اعتباری معادل ۵۰۰ میلیون تومان آغاز می‌شود.

معرفی فرمانده جدید بسیج بندرعباس

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: آیین معارفه فرمانده جدید بسیج ناحیه بندر عباس برگزار شد.

در این آیین که جمعی از مسئولان محلی حضور داشتند علی علی‌نژاد به عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج بندرعباس معرفی شد و از خدمات سرهنگ مصطفی یزدان‌شناس فرمانده پیشین این ناحیه قدردانی به عمل آمد.

آیت‌الله غلامعلی نعیم‌آبادی نماینده ولی فقیه در هرمزگان در این آیین گفت: انقلاب با تنگ نظری پیش نمی‌رود امید است مردم و به ویژه بسیجیان نسبت به فرامین رهبری گوش فرا دهند و در مسیر ایشان نه یک قدم عقب‌تر و نه قدمی جلوتر حرکت کنند. او ادامه داد: هر زبانی که دم از اختلاف و تفرقه بزند شیطان است که باید از آن فاصله گرفت.

سردار محمد مارانی فرمانده سپاه امام سجاد(ع) هرمزگان نیز در این مراسم گفت: انقلاب اسلامی در کشور ما یک نعمت بزرگ الهی بوده است.وی در ادامه سخنانش بسیج را یک نهاد مقدس دانست و افزود: این نهاد در همه صحنه‌های مقدس انقلاب، هشت سال دفاع مقدس و مبارزه با بحران‌ها در کنار سایر نیروهای امنیتی حضوری فعال داشته و خواهد داشت.

خط ارتباطی اطلاعات بامردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه وتعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

لزوم استمرار توزیع روزنامه اطلاعات

از وقتی گلایه من از عدم توزیع روزنامه اطلاعات در شهر جدید هشتگرد در خط ارتباطی چاپ شد، فقط ۲ بار این روزنامه در دکه مطبوعاتی شهر یادشده توزیع شد که ضرورت دارد استمرار یابد.

شهر جدید هشتگرد ـ خواننده روزنامه اطلاعات

دوره‌های تکراری بازآموزی برای پزشکان!

در میان حدود ۷ هزار شغل و حرفه‌ای که در ایران وجود دارد، فقط پزشک است که به دلیل بیکاری مطلق هر سال باید در دوره‌های بازآموزی شرکت کند و به مرور مکرر روش‌های درمان بیماری های پیش پاافتاده بپردازد!

دکتر آزنگی

درمانگاه بیماران خاص را چرا بستند؟

تا حدود یک ماه پیش درمانگاه بیماران خاص در اوایل خیابان استاد نجات‌اللهی (ویلا) فعال بود و به تهیه داروهای گران‌قیمت و کمیاب بیماران یادشده کمک می‌کرد. اما ناگهان و به دلایلی که بر بیماران خاص و خانواده‌هایشان معلوم نیست، درمانگاه یادشده راکه در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی تأسیس شده بود، تعطیل کرده‌اند که مشکلاتی برای مبتلایان به بیماری‌هایی مانند سرطان، ایجاد کرده است. از مسئولان امر تقاضا می‌شود درمانگاه مزبور را در اسرع وقت بازگشایی کنند.

جنتی

نصب کنتورهای جداگانه آب و گاز

از وزارت مسکن و شهرداری‌ها انتظار می‌رود سازندگان مجتمع‌های مسکونی را ملزم سازند در واحدهای مجتمع‌ها کنتورهای جداگانه آب و گاز نصب کنند تا همسایگان از نظر پرداخت مبالغ قبوض مصرفی مشکلی نداشته باشند.

کرج ـ خانم شهروند

جوسازی بنگاه های املاک در کرج!

مدتی است اغلب بنگاه‌های املاک در شهرستان کرج شایع کرده‌اند و جوّ روانی به راه انداخته‌اند که پس از پایان دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، قیمت مسکن به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش می‌یابد تا به این وسیله متقاضیان را تشویق کنند به افزایش قیمت مسکن در روزهای اخیر، گردن بگذارند و در شرایط رکود فعلی، واحدهای مسکونی را گران‌تر بخرند! از دولت محترم انتظار دارد در این مورد افشاگری و به صورت مستدل، از آرام بودن بازار مسکن در آینده، مردم را مطمئن کنند.

کرج ـ مجید فراهانی

بازگشایی سایت ایران خودرو

از دارندگان خودروهای مشمول طرح جایگزینی هستم و از مسئولان ذی‌ربط در شرکت ایران خودرو تقاضا دارم سایت این شرکت را زودتر بازگشایی کنند، تا بتوانیم ثبت‌نام کنیم.

کرج ـ سعید حامدی

به فکر زنان سرپرست خانوار باشید!

باتوجه به گرانی و آزادشدن یارانه‌ها، زندگی برای زنان سرپرست خانوار بسیار سخت و طاقت‌فرسا شده است. از رئیس جمهوری خواهشمندم پاسخ دهد زنان بدون همسر و سرپرست خانوار در این بازار گرانی چگونه باید زندگی خود را اداره کنند؟ لطفاً رئیس جمهور به داد این قشر از جامعه برسد.

تلفن به خط ارتباطی

صدا و سیما پاسخ دهد!

صدا و سیما چرا اصرار به پخش سریال‌هایی پر از غم و اندوهی مثل «ستایش» دارد؟

مردم ما به اندازه کافی دغدغه و گرفتاری در زندگی روزمره دارند و نیازی نیست با دیدن مشکلات دیگران در قالب فیلم و سریال متحول شوند!

بهتر است برای جلوگیری از روی آوردن مردم به دیدن برنامه‌های ماهواره، صدا و سیما تولیدات خود را غنی و شاد کند. پخش برنامه‌های کمدی و طنز و همچنین دراماتیک در صورتی که با محتوا باشد، مخاطبین بیشتری به خود جلب می‌کنند.

شهروند تهرانی

امان از خاکبرداری کامیون‌ها

شهرداری به کامیون‌ها اجازه خاکبرداری در نیمه‌شب‌ها به بعد را می‌دهد که صدای آنها آرامش و آسایش را از شهروندان سلب کرده است. رانندگان کامیون‌ها بی‌ملاحظه نیمه‌شب برای هم بوق می‌زنند و مردم را از خواب بیدار می‌کنند.

شهرداری به این موضوع رسیدگی کند تا شهروندان به آرامش برسند.

تلفن به خط ارتباطی

کشاورزان ساقه‌های باقیمانده زمین خود را نسوزانند

چند سالی است کشاورزان در زمین‌های کشاورزی دو کشته پس از برداشت محصول، ساقه‌های باقیمانده را می‌سوزانند. فرض کنید اگر هر کشاورزی یک هکتار زمین داشته باشد و ساقه های باقیمانده زمین خود را بعد از برداشت بسوزاند چه میزان گرما و حرارت تولید می‌شود. چند وقتی است کشاورزان اسلامشهر آموزش دیده‌اند از بعد از برداشت محصول، ساقه‌های زمین خود را نسوزانند. لطفاً جهاد کشاورزی برای بالارفتن آگاهی همه کشاورزان در این باره کلاس‌های آموزشی در نظر بگیرد.

اسلامشهر ـ از اهالی

بنگاه‌های معاملات ملکی از مشتری پول آگهی می گیرند!

بسیاری از بنگاه‌های معاملات ملکی برای فروش یا اجاره مسکن مراجعه‌کنندگان خود به روزنامه‌ها آگهی می‌دهند و در صورتی که معامله در بنگاهشان سر نگیرد از متقاضی هزینه آگهی را درخواست می‌کنند. نمی‌دانم این چه رویه نادرستی است که شکل گرفته است. اگر قرار بر آگهی دادن به روزنامه‌ها باشد، افراد بدون مراجعه به بنگاه این کار را خودشان انجام می‌دهند!

تلفن به خط ارتباطی

امان از نان بی کیفیت

یک بربری‌پزی محل ما نان‌های بی کیفیت و خمیر به مردم تحویل می‌دهد چندین بار برای رسیدگی به موضوع با شماره تلفنی که دولت برای رسیدگی به انتقادات در اختیارمان قرار داده بود، تماس گرفتیم اما هیچ تغییری حاصل نشد. در چنین مواردی تکلیف اهالی چیست؟

از ساکنان بلوار ابوذر

پاسخ مسئولان

پاسخ سازمان بازنشستگی کشوری:

از تاریخ ۹۰/۳/۱ با آتیه‌سازان حافظ قرارداد بسته‌ایم

روزنامه اطلاعات ۱۶ مرداد ماه سال ۹۰ در شماره ۲۵۰۹۷ صفحه ۱۳ در ستون خط ارتباطی اطلاعات با مردم به نقل از یک بازنشسته به چاپ رسانده با عنوان **بیمه درمانی آتیه‌سازان توضیح دهد** «برای برقراری ارتباط تلفنی به بیمه درمانی آتیه‌سازان حافظ از ۱۱۸ پنج شماره تلفن گرفتم که متأسفانه هر پنج شماره تلفن... و لطفاً آتیه‌سازان درباره چگونگی ارتباط مخاطبان با مرکز بیمه پاسخ دهد» و در ادامه خط ارتباطی آن روزنامه محترم به اشتباه جواب داده که: قرارداد بیمه‌های کارمندی (بازنشستگان) مدتی است با آتیه‌سازان لغو و با بیمه دانا قرارداد جدید بسته شده است.

به استحضار می‌رساند جواب اولی: در خصوص مشکل ارتباط تلفنی با روابط عمومی شرکت بیمه آتیه‌سازان حافظ (۸۸۹۳۷۵۶۳ـ ۰۲۱) تماس حاصل فرمایید در ضمن این صندوق از تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱ قرارداد بیمه تکمیلی درمان را با شرکت بیمه آتیه‌سازان حافظ منعقد نموده است و از تاریخ مزبور شرکت بیمه دانا مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

محمدرضا افشار
مدیر کل روابط عمومی و امور بین‌الملل

پاسخ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در مورد جمع آوری مینی‌بوس

احتراماً، با عنایت به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۷، با عنوان «جمع‌آوری خط مینی‌بوسرانی میدان راه‌آهن به فلاح و شهرک ولیعصر» به اطلاع می‌رساند: جمع‌آوری خط مذکور در راستای مهندسی خطوط و سرویس‌دهی بهتر به شهروندان محترم صورت گرفته توضیحاً مسافران محترم می‌توانند ضمن استفاده از اتوبوس‌های خط دو سامانه تندرو به میدان شمشیری و سپس به وسیله اتوبوس‌های خطوط شهرک ولیعصر و بهاران به مقصد مورد نظر عزیمت نمایند.

فریگرد رزم‌آرا
مشاور مدیرعامل در امور اطلاع‌رسانی و تبلیغات

پیامهای شخصی کد ۱۷۰۰

پیامهای شخصی ۲۰ گمشده

کارت پایان خدمت آقای جاسم آلبوغبیش فرزند اسود شماره شناسنامه ۵۴۵۷ صادره شادگان متولد ۱۳۴۵ - اعزامی ۶۵/۱۱/۱۸ ترخیصی ۶۸/۲/۱۸ محل خدمت تیپ ۱۶ امام حسن عسکری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت پایان خدمت سربازی بنام فرزاد ایوبی‌پور بشماره کارت ملی ۲ - ۲۲۹۴۳۷ - ۳۷۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. سقز - محمدی

آگهی مفقودی برگ سبز کیاموتور سورنتو مدل ۲۰۰۸ به شماره شهربانی ۵۴-۹-۷۳۹ د ۴۴ به رنگ نوک‌مدادی متالیک متعلق به مجتبی سیدین خراسانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. یزد

مدرک فارغ‌التحصیلی (دانشنامه) اینجانب لیلا رفیعی فرزند محمود به شماره شناسنامه ۹۷۳ صادره از بوشهر در مقطع کارشناسی رشته روان‌شناسی گرایش کودکان استثنایی از دانشگاه الزهرا به شماره ۱۰/۵۷۱۲ ـ ز مورخ ۷۷/۸/۲۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه الزهرا (تهران) به نشانی تهران ـ خیابان ونک ـ ده ونک ارسال نمایند.

چون آقای الهداد سرفراز کردشولی مالک کامیون مدل ۱۳۵۴ به شماره انتظامی ۶۳ - ۷۸۸ ع ۶۱ با شماره شاسی ۱۰۵۰۸۱۹۱ و شماره موتور ۱۰۰۰۸۰۰۵ به علت فقدان سند تقاضای صدور سند المثنی نموده است، لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودرو مذکور وجود دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران خیابان آزادی کوچه شهید حبیب‌زادگان پلاک ۱ مراجعه نمایند.

آگهی مفقودی کارت شناسایی صنعتی (نوبت دوم) کارت شناسایی به شماره ۲۰۰۲۱۳۹ - ۳۳۱۴۴۰ مورخه ۱۳۶۹/۶/۲۱ صادره از سازمان صنایع استان تهران به نام شرکت ساختمانی آکام مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

چون علی‌ویس کشاورزی مالک کامیون بنز ۲۶۲۸ مدل ۵۵ شهربانی ۴۱۶ ع ۴۶ ایران ۶۳ شاسی ۱۰۰۱۷۴۵۵ موتور ۱۰۵۱۶۹۳۵ بعلت فقدان سند تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز از نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران خیابان آزادی جنب دانشگاه صنعتی شریف مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق مقررات اقدام خواهد شد.

کارت پایان خدمت اینجانب رضا پورتور فرزند خلیل به ش‌ش ۳۵۷۴۶ صادره از تهران متولد ۱۳۶۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دفترچه کار راننده بشماره ۴۱۳۷۳۴۸۳۶ بنام عباس جعفری فرزند قنبرعلی بشماره شناسنامه ۶۰ صادره از شیراز مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

بناب (نوبت دوم) کارت پایان خدمت شماره (۶۰۱۲۳۸۷) به نام مقصود اکبری فرزند ایوب متولد ۱۳۶۴ ش.ش: ۷۵۵ صادره از بناب ترخیصی پایگاه ۴ شکاری دزفول مفقود و فاقد اعتبار است.

کارت پایان خدمت به شماره ۹۶۷۶۷۳۶۹ به نام حسن ابتکاری فرزند علی به شماره شناسنامه ۴ صادره از ممسنی ترخیصی لشکر ۲۳ پرندک تهران به کد ۳۰۰۸۳۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

آقای فرامرز فرشاد فرزند اسماعیل دارای شناسنامه ۹۶۲۸ صادره از گنبد کاووس متولد ۱۳۴۲ اظهار می‌دارد که دانشنامه‌های مقاطع کارشناسی دانشگاه علوم دریائی امام خمینی و کارشناسی ارشد دانشکده فرماندهی و ستاد مفقود گردیده است. به موجب این آگهی دانشنامه‌های مذکور باطل اعلام می‌گردد. از یابنده خواهشمند است مدارک یاد شده را به دانشگاه یاد شده / اداره کل امور دانش آموختگان وزارت متبوع تسلیم نمایند.

برگه اعلام وضعیت خودروی پیکان به شماره ۴۳۱۲۹۹ آبادان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت هوشمند مربوط به کامیون کمپرسی بنز مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۱۱۲ ع ۱۱ ایران ۵۲ به مالکیت آقای احمد هادی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بیرجند

نوبت دوم کارت پایان خدمت به نام مسعود یغمائی فرزند علی‌اکبر ش.ش ۲۳۰۳ تولد ۱۳۶۲ صادره از اسلام‌آبادغرب مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی کامیون کشنده ولوو ان ۱۲ مدل ۱۳۶۲ رنگ زرد روغنی به شماره پلاک ۱۴ - ۸۳۷ ع ۷۶ شماره موتور TD۱۲۰AN۳۸۴۱ شماره شاسی N۱۲۶۴۰۰۹۲۴۲ به‌نام اسماعیل حویزاوی فرزند هاشم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و تسلسل اسناد پیکان سواری مدل ۶۲ به‌شماره پلاک ۷۲ - ۹۴۲ ب ۷۲ مفقود شد فاقد اعتبار است. آمل - مدینه سیار

سند لودر L۹۰ ساخت هپکو مدل ۱۳۷۱ به شماره موتور ۶۳۶۷۱ و شماره شاسی ۴۰۵۳۶ به‌نام شرکت ساختمانی شنگرف مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پیکان ۶۲ سفید به شماره ۴۷-۷۴۷ د ۷۱ بنام مریم مشکانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (اراک)

شناسنامه (برگ سبز) رنو ۵ مدل ۱۳۶۱ به شماره شهربانی ۶۵ - ۴۲۸ د ۶۹ و شماره موتور ۱۱۱۴۰۹۶ و شماره شاسی ۰۰۳۳۹۸۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه سمند LX مدل ۸۸ به شماره شهربانی ۹۷۵ ب ۴۷ ایران ۲۹ بنام جلیل تیموری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی نوبت سوم کارت پایان خدمت اینجانب حمیدرضا مراثی کد ۸۸۰۲۰۲/۵۷۵۹۵۴۶۸ به شماره شناسنامه ۲۷۸۹ فرزند محمد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پیکان ۶۲ کرم به شماره ۴۷-۲۸۲ د ۷۵ بنام علی شیری آهنگرانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (اراک)

برگ اعلام وضعیت (شناسنامه) موتورسیکلت تلاش ۱۲۵CG مدل ۱۳۸۱ شماره موتور A۰۱۵۵۴۲۴ شماره بدنه TM۸۱۱۱۳۹۶۴ شماره شهربانی ۸۴۵۵ - کرمانشاه ۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت دوم کارت معافیت رهبری بشماره سریال (۱۲۳۴۸۹۵۰) ۸۴/۱/۳۰ بنام اسحاق مشکی فرزند غلامرضا بشماره شناسنامه ۱۵۶ متولد ۱۳۵۴ صادره از عنبرآباد جیرفت معافیت - حوزه نظام وظیفه عنبرآباد مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی پیکان سواری مدل ۱۳۶۰ ش موتور ۱۴۱۶۰۲۰۶۳۷ ش شاسی ۱۳۱۰۲۰۲۰۶ ش شهربانی ۵۶-۸۹۸ م ۲۲ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو رنو ۶۳ شکلاتی به شماره ۴۷-۹۸۴ د ۷۴ بنام عباس مشکانی فراهانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (اراک)

سند کمپانی پیکان سواری مدل ۱۳۶۱ ش موتور ۱۴۱۶۳۲۸۷۶۸ ش شاسی ۱۶۲۲۴۵۵۹ ش شهربانی ۶۸-۸۳۱ ط ۷۱ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو جیپ ۶۲ خاکستری به شماره ۴۷-۷۴۵ د ۷۱ بنام مریم مشکانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (اراک)

شناسنامه سواری پراید سایپا ۱۴۱ آبی رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۳۴۸۱۰۵۳ و شماره شاسی S۱۴۸۲۲۸۹۳۲۱۳۴۹ پلاک ۶۳ - ۱۹۲ س ۲۶ مالک مرجان حمیدی‌خو مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. لارستان

شناسنامه مالکیت پژو پارس مدل ۸۵ به شماره شهربانی ۵۲۷ ج ۱۱ - ایران ۷۶ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

نوبت دوم کارت معافیت از خدمت آقای محمدرضا غریبی فرزند علی‌جان ش‌ش ۴۶۵۳ ت‌ت ۱۳۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. کمیجان

شناسنامه و سند وانت پیکان به شماره ۸۴۶ س ۲۵ ایران ۲۳ شاسی ۱۲۱۶۴۷۳۱ موتور ۱۱۲۸۴۰۸۸۶۶۹ بنام روح‌اله قربانیان مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

چون محمود محمدی مالک خودرو پژو ۴۰۵ GLxi مدل ۱۳۸۶ به شماره ۶۸۸ ب ۲۳ ایران ۸۳ موتور ۱۲۴۸۶۰۷۹۵۲۶ شاسی ۴۰۲۹۰۱۸۷ بعلت فقدان سند کمپانی و شناسنامه مالکیت و کارت خودرو تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کارت هوشمند کامیون کشنده بنز مدل ۱۹۸۴ بشماره شهربانی: ۶۸۴ ع ۲۲ - ایران ۹۸ به‌مالکیت: شهرام محمدبیگی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ کمپانی موتور هوندا ۱۲۵ پلاک ۳۸۸۹۸ تهران ۲۲ بشماره تنه ۱۱۷۶۲۸۳ و شماره موتور ۱۷۷۲۵ ۸۳۰ بنام محبتعلی حقی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

مدارک ذیل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد ۱ - شناسنامه زینب‌السادات جندقی به شماره شناسنامه ۱۵۱ ۲ - کارت ملی حمیدرضا مشکانی فرزند عباسعلی به شماره شناسنامه ۲۶۵۶ به شماره ۰۷۹۱۶۴۹۵۵۵ ۳ - کارت خودرو به شماره شهربانی ۷۶۲ ت ۹۵ ایران ۳۳ ۴ - گواهینامه موتورسیکلت و پایه دو بنام حمیدرضا مشکانی فرزند عباسعلی به شماره شناسنامه ۲۶۵۶ ۵ - کارنامه تاکسیرانی خودرو فوق‌الذکر ۶ - بیمه‌نامه شخص ثالث خودرو فوق‌الذکر

برگ سبز (شناسنامه مالکیت) خودرو سواری پیکان مدل ۱۳۷۹ به شماره انتظامی ۵۵-۲۱۵ ن ۳۵ بنام حسن کمار مفقود گردید. از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه ـ حسن کمار

سند مالکیت کامیونت ون نیسان مدل ۱۳۸۶ بشماره شهربانی ۴۵۸ ج ۲۳ ایران ۷۹ با شماره موتور ۳۸۰۹۳۸ و شماره شاسی K۰۶۴۲۷۲ بنام مرتضی بهرامی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

چون مهدی مرادی مالک کامیون کمپرسی سیستم بنز تیپ LK۲۶۲۴/۴۰ مدل ۱۳۶۹ رنگ ارتشی به شماره ۷۴۹ ع ۱۲ ایران ۴۸ موتور ۱۰۰۵۵۰۲۸ شاسی ۱۶۶۰۱۵۸۹ فقدان سند تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز از نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران خیابان آزادی جنب دانشگاه صنعتی شریف مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق مقررات اقدام خواهد شد.

کارت پایان خدمت سربازی بنام مجتبی وزیری فاضل فرزند محمد متولد ۱۳۵۷ به شماره شناسنامه ۲۱۶۲۹ و شماره ملی ...

نوبت دوم برگ اعلام وضعیت رنو به شماره ۴۵۷۳۵ تبریز ۱۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت دوم کارت پایان خدمت اینجانب سیدایوب معصومی فرزند سیدداود ش‌ش ۱۰۱ تت ۱۳۴۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اطلاعیه اصلاح آگهی مجمع عمومی عادی شهرک ساحلی ایزدشهر

تاریخ تشکیل مجمع عمومی نوبت دوم از روز پنجشنبه ۱۳۹۰/۶/۲۷ به جمعه ۱۳۹۰/۶/۲۵ اصلاح می‌گردد.

هیأت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت اول)
شرکت تعاونی مسکن مهر ۴ منطقه ۶

به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول رأس ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۹۰/۷/۲ در محل مسجد جامع امیرالمومنین(ع) واقع در شهرک ژاندارمری، بلوار مرزداران، نبش خیابان ایثار تشکیل می‌گردد.

دستور جلسه:

۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس ۲ـ طرح و تصویب صورت‌های مالی سنوات (۹۰،۸۹،۸۸،۸۷) ۳ـ انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره و بازرسان ۴ـ تصویب بودجه سال ۹۰

توضیحات: ۱ـ کاندیداهای تصدی سمت هیئت مدیره/ بازرسی بایستی ظرفت مدت ۷ (هفت) روز از انتشار آگهی اول جهت ثبت‌نام به دفتر شرکت تعاونی مراجعه نمایند.

۲ـ اگر حضور عضوی میسر نبود می‌تواند وکالتاً حق اعمال رأی را به غیر بدهد و هر عضو می‌تواند وکالت ۳ نفر و غیرعضو وکالت ۱ نفر را بپذیرد. حضور وکیل و موکل همزمان در تعاونی الزامی است و زمان بررسی و تایید وکالتنامه‌ها روزهای دوشنبه و چهارشنبه از ساعت ۱۴ تا ساعت ۱۶ در دفتر تعاونی صورت می‌پذیرد.

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول)
شرکت تعاونی مسکن مهر ۴ منطقه ۶

به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی می‌رساند جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول رأس ساعت ۱۷ روز سه‌شنبه مورخ ۹۰/۰۶/۱۵ در محل دفتر شرکت تعاونی واقع در خیابان کوی نصر خیابان پیروزی غربی مرکز تجاری ستاره نصر واحد ۲۸ تشکیل می‌گردد.

دستور جلسه:

۱ـ طرح و تصویب اساسنامه شرکت ۲ـ تمدید مهلت فعالیت شرکت به مدت یکسال (تغییر ماده ۵) ۳ـ تغییر محل آدرس شرکت تعاونی (تغییر ماده ۶)

توضیحات: ۱ـ اگر حضور عضوی میسر نبود می‌تواند وکالتاً حق اعمال رأی را به غیر بدهد و هر عضو می‌تواند وکالت ۳ نفر و غیرعضو وکالت ۱ نفر را بپذیرد. حضور وکیل و موکل همزمان در تعاونی الزامی است و زمان بررسی و تایید وکالتنامه‌ها روزهای شنبه و دوشنبه از ساعت ۱۴ تا ساعت ۱۶ در دفتر تعاونی صورت می‌پذیرد.

هیئت مدیره

آگهی مزایده (نوبت سوم)
وسایل و قطعات مربوط به ردهدر، جامبو دریل و وسایل چکش

شرکت توان کاو (در حال تصفیه) قصد دارد اموال و موجودی‌های انبار خود را به شرح جدول زیر از طریق مزایده به فروش برساند. علاقمندان می‌توانند از تاریخ ۹۰/۶/۵ لغایت ۹۰/۶/۷ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ جهت بازدید از اموال مورد نظر به نشانی تهران کیلومتر ۷ جاده مخصوص کرج بعد از تقاطع آزادگان ـ روبروی تهران دیزل ـ جنب جرثقیل ملکی، شرکت همیار ماشین آسیا مراجعه نمایند. اسناد مزایده در محل تحویل علاقمندان خواهد شد.

ردیف	شرح اموال و کالاها	قیمت پایه (ریال)
۱	قطعات و وسایل ردهدر اکراینی	۳۹/۰۰۰/۰۰۰
۲	قطعات و وسایل جامبودریل اکراینی	۱۷۲/۰۰۰/۰۰۰
۳	وسایل چکش‌های NPK	۸۰/۰۰۰/۰۰۰

هیأت تصفیه شرکت توان‌کاو (در حال تصفیه)

آگهی دعوت نوبت دوم مجمع عمومی فوق‌العاده انجمن آمار ایران به شماره ثبت ۷۵۵۸

پیرو آگهی مورخ ۹۰/۵/۴ در روزنامه اطلاعات با توجه به این‌که تعداد اعضای پیوسته حاضر در مجمع عمومی فوق‌العاده انجمن در تاریخ ۹۰/۵/۱۹ به حد نصاب لازم نرسیده بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن آمار ایران دعوت می‌شود تا در جلسه نوبت دوم مجمع عمومی فوق‌العاده انجمن که در روز شنبه مورخ ۹۰/۶/۱۹ رأس ساعت ۱۹/۳۰ در تالار حکمت دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان به آدرس: کیلومتر ۶ جاده تهران رشت برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱. تلاوت آیاتی از کلام‌ا... مجید
۲. بررسی و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات پیشنهادی آیین‌نامه انتخابات اعضای هیأت مدیره انجمن
۳. بررسی و تصویب حق عضویت پیشنهادی اعضای فردی و مؤسسه‌ای انجمن
۴. تصویب تغییر آدرس دفتر انجمن
۵. استماع نظرات اعضای انجمن

هیأت مدیره انجمن آمار ایران

اخبار کوتاه شهرستان

تصمیم‌گیری برای توسعه فضای سبز بهارستان

بهارستان ـ خبرنگار اطلاعات: جلسه کمیسیون توسعه فضای سبز بهارستان در سالن جلسات فرمانداری این شهرستان برگزار شد.

در این جلسه که مهندس نوبخت، سرپرست فرمانداری بهارستان ریاست آن را به عهده داشت، بر لزوم توسعه هرچه بیشتر فضای سبز در محیط‌های شهری تاکید کرد.

وی گفت: سرانه فضای سبز شهرستان بهارستان بسیار پایین است و باید شهرداری‌ها نسبت به توسعه فضای سبز شهری اهتمام بیشتری داشته باشند.

همچنین از سوی مهندس نوبخت برخی راهکارها در راستای سیاست بهبود شرایط زیست محیطی شهرستان و وضع قطع درختان اطراف کمربندی شهرستان به تفصیل بحث شد و مشاور پروژه که طرح لازم را در این خصوص به جلسه آورده بود، موظف شد طرح را به دستگاه‌های مسئول ارائه کند و نظر کارشناسی آنها را اخذ و در روند اجرای پروژه اعمال کند.

در این جلسه هر کدام از اعضا به بیان دیدگاه‌های خود پیرامون مسائل مطروحه در جلسه پرداختند.

نصب دوربین نظارت تصویری در پارکینگ‌ها

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر مرکز کنترل ترافیک شهرداری مشهد از نصب دوربین‌های نظارت تصویری در پارکینگ‌های مشهد مقدس خبر داد.

علی پژومند راد اظهار داشت: این دوربین‌ها در راستای افزایش بهره‌وری از پارکینگ‌ها، ایجاد امنیت در فضای پارکینگ و نظارت بر عملکرد افرادی که در پارکینگ‌ها مشغول کار هستند، نصب می‌شود.

وی افزود: در نخستین گام، دوربین‌های نظارت تصویری در پارکینگ‌های آلتون و خسروی نصب شد و بزودی سایر پارکینگ‌های تحت نظارت سازمان ترافیک مشهد، به سامانه نظارت تصویری مجهز می‌شود.

بررسی مشکلات صنایع مستقر در محور غرب مشهد

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار خراسان رضوی در نشستی مشکلات صنایع مستقر در محور غرب مشهد را بررسی کرد.

محمود صلاحی در این نشست که با حضور نمایندگان صنایع مستقر در محور غرب مشهد و برخی از مدیران دستگاه‌های اجرایی تشکیل شد، گفت: ۹۰ درصد صنایع استان توسط بخش خصوصی اداره می‌شود که این مهم یک مزیت برای خراسان رضوی به شمار می‌آید و برای استفاده بهتر از ظرفیت بخش خصوصی باید از این صنایع حمایت شود.

استاندار خراسان رضوی برای رفع مشکل ۲۰ واحد صنعتی موجود در شهرک سنگ نیز دستورهایی داد و درباره رفع مشکلات ۹۲۳ واحد مستقر در حاشیه جاده مشهد ـ چناران گفت: کمیته‌ای نسبت به جمع‌آوری مستندات، مدارک و مجوزهای اخذ شده توسط واحدهای صنعتی این محور اقدام خواهد کرد تا تصمیمات لازم در این زمینه گرفته شود.

وی برای حل مشکلات صنعتگران این منطقه با شهرداری مشهد نیز کمیته‌ای را مسئول بررسی و ارائه راهکار کرد.

او از شهرداری مشهد خواست تا تعیین تکلیف این مسائل، از اقدام حقوقی علیه واحدهای تولیدی خودداری کند.

نشست هم اندیشی پایگاه‌های مقاومت بسیج کارگری

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: نشست هم اندیشی فرماندهان پایگاه‌های مقاومت بسیج کارخانه‌های صنعتی حوزه‌الحدید بسیج کارگری آذربایجان شرقی برگزار شد.

مهندس ابوالفتح ابراهیمی مدیرعامل تراکتورسازی ایران در این نشست گفت: رسیدن به موفقیت کامل در عرصه اقتصاد کشور به واسطه عواملی همچون آگاهی، هوشیاری، بصیرت و نیز انعکاس و اطلاع‌رسانی مؤثر و به موقع مشکلات و ایجاد سازندگی در محیط کار امکان‌پذیر است.

سرهنگ رضا رضوانی رئیس سازمان بسیج کارگری سپاه عاشورا نیز در این نشست تأکید کرد: تلاش پایگاه‌های مقاومت بسیج کارگری کارخانه‌های تبریز باید با افزایش تولید در عرصه‌های صنعتی تبلور یابد و هماهنگی بسیج با مدیران و ارائه نوآوری و ابتکارات جدید می‌تواند در افزایش راندمان محیط‌های تولیدی مؤثر و تعیین‌کننده باشد.

وی یادآور شد: با تلاش پایگاه‌های مقاومت بسیج کارگری و گسترش فضاهای معنوی، روند کمی و کیفی تولید در سازمان‌های اقتصادی به طور محسوس افزایش خواهد یافت.

بجنورد برای برپایی نمایشگاه صنایع دستی کشورهای عضو اکو آماده می‌شود

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: برگزاری نمایشگاه صنایع دستی کشورهای عضو اکو بزرگترین رویداد فرهنگی در خراسان شمالی است.

استاندار خراسان شمالی در نشست برگزاری نمایشگاه صنایع دستی کشورهای عضو اکو در خراسان شمالی این رویداد را بزرگترین رویداد فرهنگی این استان دانست.

ابوطالب شفقت افزود: حضور وزرا و سفرای کشورهای شرکت‌کننده و تنی چند از وزرای داخلی و استانداران استان‌های همجوار و تاکید معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور مبنی بر حضور مدیران ادارات کل استان‌ها به همراه صنعتگران در این همایش می‌تواند ظرفیتی مهم برای معرفی خراسان شمالی ایجاد کند.

وی با بیان این که همه دستگاه‌ها در این رویداد مسئول هستند افزود: آبروی استان بستگی به همدلی و همراهی همه دستگاه‌ها دارد که با برنامه‌ریزی‌های لازمه در تمام زمینه‌ها اهم از تشریفات، مبلمان شهری، تزئینات شهری، محیط نمایشگاهی، محل اسکان و اقامت باید هماهنگ انجام شود.

وی با بیان این که این نمایشگاه یک همایش بین‌المللی است افزود: در این همایش باید توانمندی‌ها، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های استان به نمایش گذاشته شود تا فضاسازی مناسبی برای وجود این قابلیت‌ها، پخش در رسانه‌های بین‌المللی و ملی و خبرگزاری‌ها از این استان داشته باشیم. استاندار خراسان شمالی مسئولیت شورای شهر و شهرداری مرکز استان را در برپایی این همایش سنگین خواند و گفت: با توجه به این که این همایش در نوع خود در استان تاکنون بی نظیر بوده است شهرداری و شورای شهر بجنورد باید با آماده‌سازی و زیباسازی شهر به استقبال این همایش بروند.

نمایشگاه صنایع دستی کشورهای عضو اکو ۲۰ تا ۲۶ شهریور در منطقه نمونه ملی بش قارداش و با حضور میهمانانی از ۱۰ کشور عضو اکو و مسئولان کشوری برگزار می‌شود.

پدیده خشکسالی در ۳ بخش شهرستان اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: مردم بخش‌های مرکزی، بن رود و جلگه بیشترین آسیب ناشی از خشکسالی را متحمل شده‌اند.

فرماندار اصفهان با اشاره به اینکه بخش بن رود و منطقه رود دشت در آخرین مسیر رودخانه زاینده رود قرار دارند گفت: با ادامه خشکسالی‌ها و قطع جریان آب در این رود، مردم این بخش خسارت زیادی متحمل شده‌اند.

فضل‌الله کفیل با اشاره به عزم ملی برای کاهش آسیب ناشی از خشکسالی در منطقه شرق اصفهان، افزود: اوایل امسال ۱۲۰ میلیارد ریال اعتبار در قالب خسارت ناشی از خشکسالی به کشاورزان منطقه شرق اصفهان پرداخت شد.

وی از انتظارات کشاورزان منطقه شرق شهرستان اصفهان را رعایت حقابه آنها از زاینده رود اعلام کرد و گفت: کارگروهی در این راستا تشکیل شده است.

فرماندار اصفهان با اشاره به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در ۱۲ اسفند افزود: مقدمات برگزاری انتخابات در فرمانداری انجام شده است و ستادهای اجرایی انتخابات فعالیت خود را از آبان به طور رسمی آغاز خواهند کرد.

کفیل از برنامه‌های مهم امسال فرمانداری را برگزاری انتخاباتی در شأن مردم شهرستان و با رعایت همه جوانب قانونی و حضور حداکثری اعلام کرد.

وی همچنین با بیان اینکه براساس برنامه‌ریزی دولت، امسال سرشماری نفوس و مسکن انجام خواهد شد افزود: سرشماری نفوس و مسکن در شهرستان اصفهان در آبان برگزار می‌شود.

فرماندار اصفهان افزود: افراد واجد شرایطی که تمایل به همکاری در اجرای سرشماری نفوس و مسکن را دارند می‌توانند در پایگاه اطلاع‌رسانی فرمانداری، نامنویسی کنند.

او سهم ایجاد اشتغال شهرستان اصفهان در امسال را ۵۰ هزار نفر اعلام کرد و گفت: باید از تمام ظرفیت‌های شهرستان در راستای ایجاد اشتغال جوانان که از مطالبه آنها است، استفاده شود.

وی از راه‌اندازی سامانه‌ای با نام «رصد» که برای ثبت آمار ایجاد اشتغال هر شهرستان است، خبر داد و افزود: در این سامانه که برای نخستین بار ایجاد شده است، آمار ایجاد اشتغال افراد جویای کار به صورت روزانه اعلام می‌شود و اطلاعات آن در اختیار مدیران قرار می‌گیرد.

کاهش مصرف انرژی برق در قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: «بهترین راه حل برای کنترل مصرف بی رویه و مدیریت مصرف در بخش‌های مختلف خانگی، عمومی، صنعت و کشاورزی، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بود.»

یوسف جبارزاده مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین با بیان مطلب بالا در یک نشست خبری، به کاهش ۱۱ درصدی میزان مصرف برق در بخش‌های مختلف استان اشاره کرد و افزود: وضع مصرف انرژی در ایران در حد نگران‌کننده است، در حالی که رشد مصرف انرژی در جهان یک تا ۲ درصد محاسبه می‌شود و در کشور معادل ۵ تا ۶ درصد و در استان قزوین معادل ۸ تا ۱۲ درصد محاسبه شده است که این رقم میزان مصرف یک کشور با جمعیت ۷۵۰ میلیون نفری را نشان می‌دهد.وی با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای کاهش میزان تلفات انرژی برق طی پنج سال گذشته در سطح استان، اظهار داشت: با توجه به سیاست‌های شرکت توانیر در راستای کاهش تلفات شرکت توزیع نیروی برق قزوین طی سال‌های گذشته، میزان تلفات انرژی در استان از ۱۴ درصد در سال ۸۵ به حدود ۴۸ درصد در سال گذشته کاهش یافته است.

وی تأکید کرد: با اقدامات صورت گرفته در پنج سال گذشته، ۷۳۰ میلیون کیلو وات ساعت از هدر رفت انرژی جلوگیری شد که این میزان ۷۰ میلیارد ریال صرفه‌جویی به همراه داشته است.او در بخش دیگری از سخنان خود به فرسودگی شبکه توزیع نیروی برق استان اشاره کرد و گفت: با توجه به سابقه و قدمت بیش از ۴۰ سال شبکه توزیع برق در مرکز استان هر سال مبلغ ۷ میلیارد تومان برای جایگزین کردن شبکه استاندارد اعتبار هزینه می‌شود.

جبارزاده از اجرای ۶۰ کیلو متر شبکه زیر زمینی و کابلی در مرکز و برخی شهرستان‌های استان خبر داد و افزود: با توجه به آسیب‌پذیر بودن شبکه توزیع برق هوایی در مقابل شرایط جوی، تلاش می‌شود شبکه کابلی جایگزین شبکه هوایی توزیع نیروی برق شود.وی با اشاره به برآورد خسارت ۴۰۰ میلیون تومانی ناشی از آسیب شبکه در توفان‌های شدید هفته گذشته در قزوین، یادآور شد: با توجه به سرعت ۱۰۷ کیلومتر بر ساعتی توفان همراه با باران شدید در هفته‌های گذشته، بخش اعظمی از شبکه‌های برق استان قزوین دچار آسیب دیدگی و خسارت شد.

وی آسیب دیدگی خط انتقال ۴۰۰ کیلو ولت، انهدام دکل خط ۶۳ کیلو ولت، سوختن دو دستگاه ترانسفورماتور توزیع، آسیب‌دیدگی ۲۰۰۰ متر از شبکه ۲۰ کیلو ولت و فشار ضعیف، شکستن ۲۵ عدد تیر برق، سقوط ۹۲ اصفه درخت بر روی شبکه و ۱۸۰ مورد پارگی سیم شبکه را از جمله خسارت‌های وارد شده به شبکه برق استان قزوین در این حادثه اعلام کرد.

معرفی فرماندار جدید دماوند

رودهن ـ خبرنگار اطلاعات: در مراسمی با حضور دکتر تمدن استاندار تهران، فرماندار جدید دماوند معرفی شد.

در این مراسم که براتلو معاون سیاسی ـ اجتماعی استاندار، ائمه جمعه دماوند، رودهن، پردیس، بومهن، آبعلی و جمعی از مسئولان محلی حضور داشتند، استاندار تهران، دماوند را نگین سبز و درخشان استان تهران برشمرد و ضمن ستایش از زیبایی‌ها و جلوه‌های طبیعی این شهرستان، آنرا یکی از مناسب‌ترین و بهترین استعدادها برای توسعه صنعت گردشگری استان دانست و گفت: باید برای قطب گردشگری شدن این شهرستان تلاش‌های جدی و همه جانبه‌ای انجام شود.

وی گفت: وضع نامناسب معابر شهری دماوند و نصب تابلوهای علائم راهنمایی ناخوانا در شأن مردم شریف دماوند نیست و با وجدی که این شهر دارای دانشگاه آزاد اسلامی بسیار بزرگی است و رفت و آمد دانشجویان و خانواده‌های آنان در این شهر انجام می‌شود، دیدن این معایب آشکار که به آسانی قابل برطرف شدن هستند، انسان را دچار تعجب و شبهه می‌کند.

وی همچنین گفت: مسئولان دستگاه‌های دولتی باید در سخنان و اظهار نظرهای خود دقت کنند چرا که ممکن است قول‌های مساعد کارشناسی نشده آنها باعث ایجاد توقع در مردم شود، و انتشار آنها در رسانه‌های جمعی و بیان در تریبون نماز جمعه مشکلاتی را به وجود آورد.

وی گفت: مدیران نهادهای استانی باید با در نظرگرفتن اعتبارات موجود و اولویت‌بندی‌های کارشناسی، قول اجرای طرح‌های عمرانی را به مردم و مسئولان محلی بدهند. دکتر تمدن افزود: تغییرات پیاپی پست فرمانداری صحیح نیست. امّا این تغییرات مانند تغییر لباس است و نباید نگرانی ایجاد کند، زیرا اصل موضوع وجود برنامه‌های مدون و اجرایی است و تغییرهایی که با مصلحت‌های موجود در حال انجام است، نباید خللی در امر خدمت‌رسانی ایجاد کند.

وی در مورد وضع امنیتی این شهرستان گفت: وضع کنونی امنیتی دماوند مناسب است اما برای جلوگیری از تأثیرات ناهمگون بیرونی باید تمام تلاش‌های مسئولان امر بسیج شود.

وی با تأکید بر مقابله قاطع با پدیده زمینخواری گفت؛ مسئولان شهرستان دماوند بخصوص فرماندار جدید بدون هیچ ترسی با افرادی که دندان تیز کرده‌اند برای غارت بیت‌المال و زمین‌های منطقه و هر یک هم خود را به جایی متصل کرده‌اند مقابله‌ای سخت و بی رحمانه داشته باشید و نباید به صغیر و کبیر و شبکه‌های زمینخواری دارای عناوین مجعولی همچون طرح‌های گردشگری و پروژه‌های سرمایه‌گذاری اجازه داد تا بیت‌المال را به تاراج ببرند. گرچه برخورد با آنها کاری دشوار است ولی فرماندار باید دست مدیرانی را که با مباحث رانت‌خواری و رانت‌جویی و زمین‌خواری مرتبط است قطع کند و پس از احراز حقیقت در افکار عمومی هم آنها را معرفی کند.

وی افزود، با تصویب نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، بودجه فرهنگی جداگانه ابلاغ می‌شود که اجرای طرح‌های فرهنگی اولویت دار است.

استاندار خواستار پیگیری مصوبات سفرهای هیأت دولت به دماوند شد و با اشاره به نزدیکی انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی گفت: فرماندار نقش پدری در شهرستان دارد، از این‌رو با رعایت کامل بی‌طرفی و بدون گرایش به گروه، جناح و فردی خاص اجازه ندهد کسانی در پس پرده این عرصه خدمات صادقانه کشور، نظام و دولت را زیر سؤال ببرند زیرا دغدغه ما فقط اجرای قانون انتخابات است و نتیجه انتخابات ربطی به این کار ندارد.

در پایان استاندار تهران علیرضا قاسمی فرزاد را با حکمی که قرائت شد به عنوان فرماندار جدید معرفی و حکم وی را ابلاغ کرد و از زحمات و خدمات فرماندار سابق مهندس نورمحمد فردی قدردانی و تشکر کرد.

فرماندار جدید نیز ضمن معرفی خود مهمترین برنامه‌های شهرستان را پیگیری مصوبات سفرهای استانی رئیس جمهوری برشمرد و افزود: با پیگیری مصوبات می‌توان به اجرای مصوبات فرهنگی اشاره کرد که در نخستین گام برای ما اجرایی است.

۸۸ درصد مدارس مازندران یکنوبته شدند

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: از ۳۳۰۰ مدرسه مازندران بیش از ۸۸ درصد آنان یکنوبته شدند.

مدیرکل آموزش و پرورش مازندران با اعلام این خبر در گردهمایی مدیران و معاونین آموزشی دوره متوسطه آموزش و پرورش مازندران افزود: با تلاش‌های صورت گرفته در استان ۴۷۲ مدرسه به مدارس یکنوبته اضافه شد و یکنوبته کردن مدارس با روند شتابنده‌ای در حال اجرا است.

محمدعلی امیری با بیان اینکه امسال تعداد هنرستان‌های مازندران از ۲۶۸ واحد به ۳۲۶ واحد افزایش یافته است، اضافه کرد: افزایش ۲۲ درصدی هنرستان‌ها نشان از اهمیت به این بخش آموزشی در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در بخش کار و دانش و فنی و حرفه‌ای دارد.

وی ساماندهی نیروی انسانی، تخصص گرایی و افزایش بهره‌وری در وزارت آموزش و پرورش را اصل دانست و افزود: امروز هدایت تحصیلی دانش‌آموزان براساس اهداف تعیین شده در طرح تحول بنیادین است.

مدیرکل آموزش و پرورش مازندران با تأکید بر این که براساس طرح تحول بنیادین تحصیل دانش‌آموزان در مدارس فنی و حرفه‌ای باید به مرز ۴۵ درصد برسد، گفت: هوشمندسازی مدارس نیازمند حرکت شتابنده است که این موضوع در مازندران با جدیت در حال پیگیری است.

وی توسعه و تکمیل ظرفیت مدارس استعدادهای درخشان، نمونه دولتی، شاهد و هیأت امنایی را از اولویت‌های اداره کل آموزش و پرورش مازندران اعلام کرد و گفت: ۳۱۸۵ دانش‌آموز مستعد و قوی در استان زیر پوشش این مدارس هستند.

او برگزاری کارگاه‌های افزایش مهارت‌های تربیتی را یکی از برنامه‌های ویژه اداره کل آموزش و پرورش مازندران اعلام کرد و گفت: مهمترین هدف ما از برگزاری این کارگاه‌ها ارائه الگوی مناسب تربیتی و شخصیتی برای دانش‌آموزان است.

وی به موفقیت‌های دانش‌آموزان مازندران در رقابت‌های علمی استانی، سراسری و المپیادها اشاره کرد و گفت: دانش‌آموزان مازندرانی در تمام مسابقات و رقابت‌های علمی رتبه‌های ممتازی را کسب می‌کنند.

وضع معادن بلاتکلیف خراسان رضوی مشخص شود

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: خراسان رضوی یکی از استان‌های غنی از نظر سرمایه‌های معدنی است که باید از این ظرفیت برای توسعه استان استفاده شود.

استاندار خراسان رضوی در نشستی که برای رفع مشکلات معدنکاران استان تشکیل شده بود، گفت: توسعه معادن برای ایجاد اشتغال و توسعه پایدار اهمیت فراوانی دارد و تمام دستگاه‌های اجرایی مرتبط در استان با این بخش همکاری خواهند کرد.

محمود صلاحی ضمن شنیدن دغدغه‌های معدنکاران، افزود: هیچ دستگاهی نباید مانع فعالیت‌های قانونمند معدنکاران شود بلکه باید برای توسعه این بخش نیز مساعدت‌های لازم را به‌عمل آورد.

او اعلام کرد: با توجه به این که در اکتشافات معدن امکان تداخل با طرح‌های زیست محیطی وجود دارد، اداره کل حفاظت محیط زیست استان باید در صورت رعایت قوانین زیست محیطی از فعالیت معدنکاران ممانعت به عمل نیاورد.

استاندار خراسان رضوی با انتقاد از عملکرد آن دسته از افرادی که پروانه معدن را ثبت کرده ولی برای دیگر علمیات اجرایی آن اقدامی نکرده‌اند، سازمان صنایع و معادن استان را مکلف کرد در مدت دو هفته نسبت به تعیین تکلیف و ارسال اخطار برای این افراد اقدام کند و براساس جدول زمانبندی خواهان عملیات اجرایی آنها شود.

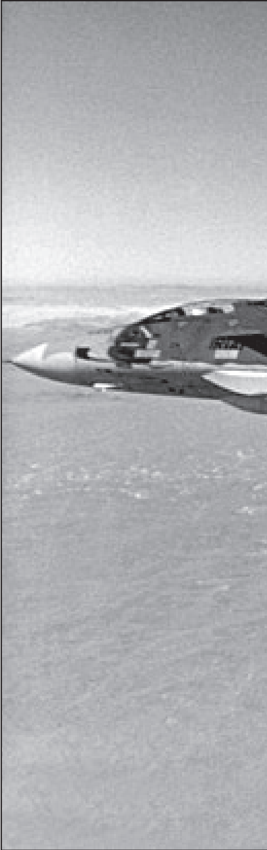
وی گفت: به دنبال توسعه معادن در خراسان رضوی هستیم و از این نعمت خدادادی در جهت رشد و توسعه و اشتغال پایدار استان استفاده خواهیم کرد.

صلاحی تاکید کرد: بخش خصوصی برای مشارکت در بخش اکتشاف و استخراج معدن باید ترغیب شود.

راضیه علیرضایی سرپرست سازمان صنایع و معادن خراسان رضوی نیز با اعلام فعالیت ۵۳۳ واحد معدنی در استان، گفت: خراسان رضوی با وجود ۴۲ ماده معدنی از این نظر متنوع‌ترین استان کشور به‌شمار می‌آید.

وی افزود: معادن سنگ آهن، طلا، زغال‌سنگ، انوع سنگ، گرانیت، گچ و مصالح ساختمانی از جمله معادن موجود در استان است که سالانه ظرفیت استخراج آنها به ۱۶ میلیون تن می‌رسد.

ناگفته‌هایی از سایت سوباشی و واقعه مرداد ۶۷



سرهنگ بازنشسته پدافند هوایی با بیان این‌که اولین هواپیمای میگ ۲۵ که توسط پدافند هوایی سپاه سرنگون شد در اصفهان و با هدایت سایت سوباشی بود، گفت: فعالیت‌های رادار و اقدام‌های تاکتیکی آن بر علیه هواپیماهای دشمن، پدافند را سرافرازانه از جنگ خارج کرد.

هادی فرخی در گفتگو با مهر، در مورد چگونگی نقش‌آفرینی مرکز پدافند هوایی در کشور اظهار داشت: مرکز عملیات پدافند هوایی در تهران و مراکز پدافند منطقه‌ای یا S.D.Cها که در نقاط مختلف کشور از جمله سوباشی همدان مستقر هستند و مراکز کنترل گزارش که تابع آنها هستند، شبکه‌ای را تشکیل می‌دهند که از ۵۰ سال پیش On Line (در لحظه) بودند. یعنی اگر به فرض در گوشه شمال غرب کشور تحرکی دیده می‌شد، در لحظه به تهران گزارش می‌شد. یعنی کار در مراکز عملیات منطقه‌ای مثل همدان یعنی کار ۲۴ ساعته و هفت روز در هفته، چه در جنگ و چه در صلح.

وی در مورد عملکرد مرکز پدافند هوایی همدان موسوم به سایت سوباشی اظهار داشت: سایت سوباشی در هشت سال دفاع مقدس وظایف سنگینی داشت که یکی از آنها کنترل عملیاتی و کنترل آتش پدافند هوایی بیش از ۳۷ شهر بود. این رادار وضع‌های مختلف آمادگی را به پدافند این شهرها و مناطق اعلام و آن‌ها را هدایت و مشخص می‌کرد که چه زمانی مجازند شلیک کنند. هم چنین هدایت پروازهای گشتزنی جنگنده‌های خودی برای دفاع از این شهرها به عهده سایت سوباشی بود.

فرخی اضافه کرد: در جنگ شهرها نیروی هوایی عراق با هواپیماهای میگ-۲۵ که در ارتفاع بالا پرواز می‌کردند روی شهرهای ما چند بمب بی هدف پرتاب و فرار می‌کردند تا با کشتن شهروندان بی‌دفاع روحیه مردم ما را خراب کنند، ارتفاع پروازی میگ‌های ۲۵به قدری بالا بود که ما نمی‌توانستیم با آنها درگیر شویم. اولین هواپیمای میگ ۲۵ که توسط پدافند هوایی سپاه سرنگون شد، در اصفهان و با هدایت سایت سوباشی بود.

وی با اشاره به این‌که از کارهای مهم سوباشی هدایت جنگنده‌های خودی بود، گفت: هواپیماهای فانتوم اف-۴ یا اف-۱۴ در بعضی جاها و به خصوص در شیارهای کوه‌ها نگه می‌داشتیم تا به هواپیماهای مهاجم عراقی حمله کنیم. خلبانان ما با سوخت گیری از هواپیماهای تانکر در هوا بعضی وقت‌ها تا هفت ساعت برای پوشش هوایی منطقه در آسمان بودند.

این سرهنگ بازنشسته پدافند هوایی ادامه داد: همچنین بحث آلرت را داشتیم که خلبان داخل هواپیما بر روی باند آماده پرواز بود و به محض این‌که رادار هواپیمای دشمن را کشف می‌کرد، بعد از پنج دقیقه بلند می‌شد و ما آن را به سمت هواپیمای دشمن هدایت می‌کردیم.

وی تصریح کرد: جنگ و گریز در هوا و هدایت هواپیمای خودی با توجه به سرعت بالای دو هواپیما که روی هم بیش از دو برابر سرعت صوت است، زیرکی و سریع الانتقالی خاصی را می‌طلبد. یک لحظه اشتباه یعنی انهدام هواپیمای خودی یا حمله موفق هواپیمای دشمن به شهرها.

فرخی با بیان این‌که در مورد بمباران مناطق نظامی و حیاتی دشمن هم اکیپی بودیم که قبل از حمله خلبانان عمل کننده را توجیه می‌کردیم، گفت: اگر حمله مثلاً سپیده دم بود، ساعت دو یا سه نیمه شب به سایت سوباشی می‌رفتیم و پشت دستگاه می‌نشستیم چون اطلاعات حمله را نباید پخش می‌کردیم و هواپیماهای خودی را هدایت می‌کردیم، بدون این‌که با آنها صحبت کنیم. مثلاً به وسیله شماره‌هایی که رادیو بیان می‌کرد و زمانی که بمباران انجام می‌شد، تازه خلبان ما اجازه داشت با ما صحبت کند.

وی خاطرنشان کرد: در کنار رادار سوباشی شبکه دیده بانی مردمی را هم فعال کرده بودیم. چون رادارهای زمینی هر چه قدر هم کامل باشند، نقاط کور دارند. ما به ادارات مختلف در غرب کشور مراجعه می‌کردیم، به ایستگاه‌های آتش نشانی مراجعه می‌کردیم، مساله را برای این‌ها توجیه می‌کردیم و از آن‌ها می‌خواستیم که اگر هواپیمای مشکوکی دیدند از طریق تلفن به سایت اطلاع دهند. اگر اطلاعات آنها موثق بود از آنها تقدیر می‌شد. این شبکه خیلی به ما کمک کرد و ما بارها از این اطلاعات برای سرنگونی هواپیماهای عراقی استفاده کردیم.

این سرهنگ بازنشسته پدافند هوایی نقش رادار سوباشی در جنگ را مانند خاری در چشم دشمن دانست و افزود: این رادار در ارتفاع نصب شده بود و احاطه کامل به شیارهای داخل خاک خودمان و عراق داشت. من در چهار سال آخر جنگ تحمیلی به عنوان معاون عملیات در آنجا مشغول به خدمت بودم. بارها هواپیماهای عراقی که از کمک مستشاران روسی و فرانسوی بهره می‌بردند، سعی کردند تا این رادار را مورد هدف قرار دهند که موفق نشدند.

وی با تاکید براین‌که قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران و عراق پذیرفته شده بود و حالت نه جنگ و نه صلح بود، گفت: تصورمان این بود که دیگر عراق از مرزهای بین المللی رد نمی‌شود. لیکن نه فقط عراق در زمین و هوا به قطعنامه اعتنا نکرد، بلکه منافقین را هم روانه خاک ما کرد.

فرجی اضافه کرد: پنجم مرداد ماه سال ۱۳۶۷ بود. هواپیماهای عراقی از صبح چند نوبت سایت سوباشی را بمباران کرده بودند که ناموفق بود چون پدافند کنار سایت امکان بمباران دقیق را به آنها نداده بود، اما بعد از ظهر آن روز یک هواپیمای عراقی از فاصله دور با بمب لیزری دقیقاً اتاق عملیات رادار را هدف قرار داد.

وی ادامه داد: در آن زمان من در پایگاه همدان بودم. تا آنجا که یادم می‌آید در ستاد پایگاه مشغول بررسی نامه‌ها بودم که تلفن زدند و گفتند مثل این‌که سوباشی مورد حمله قرار گرفته است. دیده بان‌ها گزارش داده بودند و تماس تلفنی هم با سوباشی قطع شده بود. سه تا ماشین آماده شدیم و سریع حرکت کردیم. فاصله پایگاه همدان تا سایت سوباشی تقریباً ۳۶ کیلومتر است. ما در مدت ۵۰ دقیقه به سایت رسیدیم.

این سرهنگ بازنشسته پدافند هوایی با بیان این‌که حقیقتاً آنجا عاشورایی بود و طوری این عزیزان شهید شده بودند که انسان فراموش می‌کرد زندگی جریان دارد، گفت: چون دورتادور اتاق عملیات دیواره‌های قطور بتنی بود و بمب از بالا وارد اتاق شده بود موج انفجار از داخل اتاق خارج نشده بود و همه چیز را منهدم کرده بود. تیرآهن‌های قطور مثل یک کلاف خم شده بود. چون بمب دقیقاً به اتاق عملیات اصابت کرده بود و نفراتی که در قسمت‌های دیگر و پناهگاه بودند، هیچ صدمه‌ای ندیده بودند.

وی اضافه کرد: آمبولانس و بالگرد به محل آمد. هر کس کاری می‌کرد. آنقدر آوار زیاد بود که رسیدن به جنازه‌ها هم سخت بود. همه در حال گریه جنازه‌ها را در می‌آوردند و بسته بندی می‌کردند. بعضی‌ها بدحال شدند. جنازه هیچ کدام از این عزیزان کامل نبود. جنازه‌ها را که به موطن اصلیشان فرستادیم روز بعد دو تا دست پیدا شد. دوستان گفتند می‌توانیم با آزمایشات پزشکی بفهمیم این دست‌ها مال کدام شهید است، اما بنا به فتوای امام که شهید نبش قبر ندارد، این دو دست را به عنوان یادبود شهدای سوباشی در ورودی سایت سوباشی دفن کردیم.

وی افزود: این‌ها کسانی بودند که برای ماموریت‌های خاص آموزش دیده بودند. برای هدایت هواپیماهای اکتشافی. این‌ها را با هواپیماهای کوچک به سایت‌های رادار می‌بردند برای این‌که هواپیماهای اکتشافی را هدایت کنند تا عکس‌های لازم را بگیرند و مسیرهای حمله جدید را انتخاب کنند و برگردند. این شهدا جوانترینشان ۲۳ سال داشت و صاحب یک بچه دو ساله بود و مسن‌ترین آنها شهید عسگری همدوره‌ای من، افسر عملیات سایت سوباشی بود.

این سرهنگ بازنشسته پدافند هوایی با ذکر این نکته که تقریباً همه آنها را می‌شناخت، گفت: شهید زمانی، شهید جودکی، شهید جامعه شورانی که از نیروی زمینی بود، یا شهید دستنبو که اصلاً از همدان منتقل شده بود. وی در معاونت عملیات نیرو با امیر غلامی همکاری می‌کرد. امیر غلامی وی را که افسر راداری خبره‌ای بود به تهران آورد تا برای بعضی ماموریت‌ها یا بعضی مشاوره‌ها نزد وی باشد. وی افسر شجاع و سریع الانتقالی بود و لحظه‌ای که رادار مورد هدف قرار گرفت، پشت اسکوپ بود و برای ما نقل شده که در حال هدایت یکی از شکاری‌های خودی بوده است.

وی افزود: سالها از آن اتفاق گذشته است، لیکن من ندیدم که جایی از این شهدا صحبتی شده باشد. چون هر وقت که صحبت اتاق عملیات رادار بود، اعلام می‌شد که سری است و نباید مطرح شود.

فرخی با اشاره به این‌که حمله به سایت سوباشی ضربه بزرگی به ما بود هم از نظر نفرات و هم این‌که ما یکی از مهم‌ترین رادارهایمان را از دست دادیم، گفت: البته کمتر از بیست و چهار ساعت از این حادثه نگذشته بود که پرسنل پدافند یکی از رادارهای تاکتیکی را از مکان دیگری به سوباشی منتقل کردند تا شبکه راداری ما دچار اختلال نشود.

وی افزود: اکنون وقت استفاده از این تجارب و عنوان این رشادت‌هاست و در آخر جنگ شاید نسبت هواپیماهای عراق به ما ۱۰ به یک بود، اما پیروزی ما و نقش رادار و اقدام تاکتیکی علیه هواپیماهای دشمن پدافند را سرافرازانه از جنگ خارج کرد.

آسیب‌شناسی ادبیات دفاع مقدس



آنچه جنگ تحمیلی هشت ساله ایران را با همه جنگ‌های جهان متمایز کرده، درونمایه و محتوای این جنگ بوده است و آن درونمایه توانسته شکلی حماسی و بی‌نظیر به این جنگ ببخشد.

آنچه امروز به عنوان ادبیات می‌شناسیم، مجموعه آثار مکتوب شامل شعر، نثر و آثار شفاهی شامل متل‌ها و ضرب‌المثل‌های عامیانه و قصه‌هایی است که در هر محیط رنگ و شکل محیطی به خود می‌گیرد. آنچه در این مقال مورد نظر است، ادبیات محض و به معنی اخص داستان و رمان است و آنچه به شکل خاص از آن صحبت خواهیم کرد، ادبیات دفاع مقدس است که نوعی از ادبیات حماسی و جنگی به حساب می‌آید.

در شکل جهانی با دو نوع ادبیات که جنگ و ضدجنگ مواجهیم. ادبیات جنگ در جهان به شکل امروزی رمان و داستان کوتاه بعد از دو جنگ جهانی شروع شد و نویسندگان از کشورهای درگیر جنگ، دیده‌ها و شنیده‌های خود را به شکل مکتوب و با عنوان داستان‌های کوتاه یا رمان به مخاطبان جامعه جهانی ارائه دادند. پس از آنها نویسندگانی ظهور کردند که ادبیات غرب را به عنوان ادبیات ضد جنگ در قالب‌های رئالیستی، ناتورالیستی یا پست مدرن و هذیان گویی‌های مبتذل شخصی تبدیل کردند که این شکل نویسندگی آفتی برای اخلاق و داشته‌های ادبی مغرب زمین شد.

ادبیات جنگ به شکل حماسی و جهان پسند و از نوع پهلوانی آن ابتدا از ایلیاد و ادیسه هومر یونانی در غرب آغاز شد و در شرق ادبیات حماسی به شکل عالی و همه پسند و افتخار آفرین در شاهنامه فردوسی ارائه شد.

ادبیات حماسی از آنجا که با روح بلند و سرشار از پاکی و عدالت خواهی همراه است، در همه تاریخ ماندگار می‌شوند و نمونه عالی آن همان شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی و ایلیاد هومر است. اما ادبیات حماسی در شرق شکل دیگری پیدا کرد. پس از ظهور اسلام و حماسه کربلا، نوع دیگری از حماسه متعالی به بشریت عرضه شد و آن نوعی بی‌نظیر از جنگ بود. رشادت‌های حق طلبانه و ایثار و از خود و خانواده گذشتن در آن حماسه، دلیل بر بی همتایی آن حماسه است که حماسه سازان آن، فرزندان خاندان رسول(ص) مکرم اسلام بودند. حماسه ظهر عاشورا نه فقط حماسه‌ای درخور بیان همیشگی برای مسلمانان بلکه الگویی برای حق طلبان جهان بود که به حق، توانست سر مشقی باشد برای یک دفاع هشت ساله از سرزمینی که به نام اسلام و تأسی از حماسه کربلا آغاز شده بود و به همین دلیل دفاع مقدس نام گرفت و در این زمان ادبیاتی شکل گرفت که ادبیات دفاع مقدس نامیده شد.

حماسه سازان و شخصیت‌های حقیقی و افسانه‌ای حماسی از محبوبیت عام برخوردارند و اگر در جامعه‌ای جنگی رخ دهد درگیر شوندگان در جنگ به هر شکل خود را موظف می‌دانند از عزت و شرافت خود و میهن خویش دفاع کنند. در هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی که همه مستکبران جهان به نوعی در آن دخالت داشتند. یک ملت به تنهایی و مظلومانه ایستاد و از کیان خود دفاع کرد. حال اگر در ادبیات این ملت به دنبال ردی از آن حماسه‌ها بگردیم، باید به خاطرات شفاهی جنگ دیده‌ها و حضور یافتگان در جبهه‌ها رجوع کنیم تا بتوانیم آنها را برای نسل‌های آینده ثبت کنیم.

ادبیات دفاع مقدس در سال‌های اولیه آغاز جنگ به صورت سرودها، داستان‌های کوتاه و نقل خاطرات به شکل مستقیم یا استفاده از دفترچه خاطرات رزمندگان و یادداشت‌های به جا مانده از شهدا شکل گرفت؛ اما هنوز در تلاطم جنگ، ادبیات به شکل کامل آن را شاهد نبودیم. پس از پایان جنگ و به دست آمدن فرصت برای رزمندگان و جنگ دیده‌ها، قلم‌هایی به کار افتاد تا خاطرات و دیده‌ها و شنیده‌ها را به داستان و رمان تبدیل کنند. اما از آنجا که هیچیک از آنها از آموزش‌های کلاسیک و تجربه نوشتن برخوردار نبودند، آثار داستانی سال‌های ابتدایی پس از جنگ شکل خاطره و خام داشت. با ظهور حوزه هنری و گرد آمدن علاقه‌مندان به نویسندگی در ژانر و موضوع جنگ و آموزش‌های ابتدایی آثاری نو پدید آمد و این روند تا امروز ادامه دارد.

در سال‌های اخیر بنیادها و ارگان‌هایی به عنوان متولیان ادبیات دفاع مقدس پا به عرصه گذاشتند و با تشکیل گروه‌هایی به ثبت و ضبط خاطرات دفاع مقدس پرداختند و با سفارش‌هایی برای نوشتن رمان و مجموعه داستان توانستند تا حدی جایگاه ادبیات دفاع مقدس را در جامعه نمایان کنند. در کنار این بنیادها، نویسندگان مستقل و علاقه‌مند به حوزه دفاع مقدس هم به شکل خود جوش در این زمینه آثاری ارائه داده‌اند.

آنچه ادبیات دفاع مقدس در جامعه ما را از ادبیات جنگ و ضد جنگ در جهان جدا می‌کند، محتوا و درونمایه این ادبیات است. در همه جهان جنگ، جنگ است و از سلاح‌های مخرب و مرگ آور برای شکست دشمن استفاده می‌شود و در همه جهان جنگ همراه با زخم و معلولیت و مرگ است. اما آنچه جنگ تحمیلی هشت ساله ایران را با همه جنگ‌های جهان متمایز کرده، درونمایه و محتوای این جنگ بوده است و آن درونمایه توانسته شکلی حماسی و بی نظیر به این جنگ ببخشد و نام دفاع مقدس را شایسته آن سازد.

جنگ و هجوم دشمن تا بن دندان مسلح، با حامیان جهانی به ملتی که تازه از انقلاب برپاخاسته و در تحریم جهانی قرار دارد، نوعی خاص از جنگ و دفاع را آفرید و آن اتکا به مردانی بود که از مرگ نمی‌هراسیدند و مرگ برای آنان افتخار و زندگی جاودان بود. این نوع خاص از انسان که بر این تکه از زمین خداوند بپا خاست تا از سرزمین خود و انقلاب خود دفاع کند، شایسته ادبیاتی است که بتواند آن همه حماسه هشت ساله را به رخ جهانیان بکشد و حال این ادبیات باید از چه آفت‌هایی در امان بماند که از آسیب ادبیات بازاری و آلودگی‌های اخلاقی ادبیات دیگر نقاط جهان در امان بماند، مقوله‌ای است که ما آن را آسیب شناسی ادبیات دفاع مقدس می‌نامیم. ادبیاتی که آینه جنگی هشت ساله باشد، با انسان‌هایی خاص و تفکراتی ناب.

آنچه به اطمینان می‌توان گفت، بزرگترین آسیب را به ادبیات دفاع مقدس وارد خواهد ساخت، شبیه سازی ادبیات دفاع مقدس است با نوع ادبیات جنگ در غرب یا الگو گرفتن از شخصیت در رمان‌های جنگی غرب و ساختن قهرمانانی که از فرهنگ و اعتقادات و ایمان مذهبی به دور بوده‌اند، یا آفریدن شخصیت‌هایی که ضعف و زبونی را به نمایش بگذارند. برای نویسندگانی که از نسلی به عرصه ادبیات قدم خواهند گذاشت که جنگ را ندیده و آن را تجربه نکرده‌اند، این آسیب جدی‌تر خواهد بود، زیرا آنان برای خلق یک داستان و رمان به ذهن خویش یا ادبیات جنگ در جهان که به وفور بازار ادبیات را قبضه کرده‌اند، رجوع خواهند کرد. به همین دلیل است که لزوم ثبت خاطرات و پژوهش و تحقیق در سلوک و رفتار خاص رزمندگان در عملیات و در زمان استراحت و تفریحات و آموزش‌های آنها همت جدی را می‌طلبد.

نسخه برداری و شبیه نویسی از رمان‌ها و ادبیات غرب بزرگترین آفت برای ادبیات دفاع مقدس خواهد بود که در آینده شاهد چالش‌هایی در این زمینه خواهیم بود. ولی باید همت کرد و به دور از تعصبات گروهی و نویسندگی، تمامی آنچه را در زمینه دفاع مقدس نوشته می‌شود، موشکافی کرد و مانع از ورود ادبیات بازاری و بی محتوا به خانواده ادبیات دفاع مقدس شد. باید از آنچه به دور از هویت ملی، آموزه‌های مذهبی و آنچه روح حماسه را برای نسل آینده بی رنگ می‌سازد پرهیز کرد. باید ادبیات دفاع مقدس مانند کتابی مقدس، حامل آمال و آرزوها و داشته‌ها و خواست‌های نسلی باشد که آن حماسه هشت ساله را آفرید و برای حفظ آن آرمان‌ها از هستی خویش گذشت...

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

بهائیت و اسرائیل

۱۸

* نقل از : فصلنامه «تاریخ معاصر ایران»

همچنین «آلبرت لینکلن» دبیرکل مرکز جهانی بهائی طی ضیافتی که این فرقه به تاریخ فروردین ۱۳۸۸ در بیت‌المقدس برپا کرد، اذعان داشت که در یک سال گذشته بیش از ۶۵۰ هزار توریست از باغ‌های این تشکیلات در حیفا دیدن کرده‌اند. در این مراسم «مئیرشیتریت»، وزیر کشور رژیم صهیونیستی نیز در خلال سخنانش به تمجید از بهائیت پرداخت و گفت: «شما حیفا را به یک مرکز مهم جهانگردی مبدل کرده‌اید».[80]

*** بهائیت و توسعه نفوذ اسرائیل در عصر پهلوی**

بهائیت با حکومت فاسد و وابسته پهلوی نیز پیوند و همکاری فزاینده‌ای داشت که تا پایان عمر آن رژیم ادامه یافت. این تعامل که ریشه‌اش به کودتای انگلیسی رضاخان میرپنج در سوم اسفند ۱۲۹۹ می‌رسد، در دوران محمدرضا پهلوی گسترش یافت و پس از کودتای ۲۸ مرداد به اوج خود رسید و در دهه واپسین سلطنت وی، بهائیان توانستند پست‌های حساس سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و نظامی را به چنگ آورند.

بهائیها در آن دوران، تلاش فراوانی برای گسترش حضور خویش در مناصب عالی کشوری و نیز بسط و توسعه نفوذ اسرائیل در ایران از خود نشان می‌دادند که نقطه عطف این تهاجم سیاسی برای تصاحب مشاغل کلیدی در عصر امیرعباس هویدا اتفاق افتاد. در ادامه با گوشه‌هایی از این اقدامات، بیشتر آشنا می‌شویم.

۱. نخست‌وزیری هویدا و تهاجم سیاسی بهائیان

پیرامون گرایش هویدا به مسلک بهائیت، میان صاحب‌نظران، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در این مقال بدان نمی‌پردازیم، اما گذشته از جد و پدر مسلما بهائی او وشهرت خود وی به بهائیت در بین مردم ایران در همان عصر پهلوی (که جلوه‌های آن «شهرت») در اسناد ساواک هم بازتاب دارد) و وابستگی او به تشکیلات فرقه، امری تردیدناپذیر و مسلم است که شواهد زیادی دال بر آن وجود دارد.[81]

در اینجا به تناسب بحث، به روابط دیرین و گسترده هویدا (به عنوان یک عنصربهائی‌زاده، مشهور به بهائیت و حامی تشکیلات فرقه در ایران) با اسرائیل می‌پردازیم.

پیرامون حمایت هویدا از تأسیس اسرائیل، دکتر عباس میلانی در کتاب خویش: معمای هویدا –که به جانبداری از هویدا نگاشته شده است– او را جزء اقلیت کوچکی می‌خواند که از تأسیس رژیم صهیونیستی حمایت می‌کردند: «بحث امکان ایجاد یک‌دولت یهودی در بخشی از سرزمین فلسطین هم در آن زمان سخت رایج بود. هویدا از جمله اقلیت کوچکی بود که از ایجاد چنین دولتی طرفداری می‌کرد.»[82]

در عرصه حمایت هویدا از اسرائیل در درون حاکمیت ایران «الیعزر تسفریر» آخرین نماینده اطلاعاتی موساد در ایران عصر پهلوی پس از بیان بستگی جد و پدر او به بهائیت، پیرامون هویدا می‌نویسد: «او [= هویدا] و بستگان خانواده‌اش نسبت به مسائل اسرائیل تفاهم نشان می‌دادند و به خوبی با این مسائل آشنا بودند. به همین دلیل است که در طول سالها، همه سفیران اسرائیل در ایران، دقت و مراقبت زیادی برای حفظ اموال بهائیان در شمال اسرائیل نشان می‌دادند.»[83]

عباس میلانی به نکته‌ای بسیار مهم پیرامون روابط ویژه هویدا با صهیونیست‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «از اوایل دهه ۵۰ ریاست دفتر [=سفارت] اسرائیل را «لوبرانی» به عهده داشت و او روابط ویژه و نزدیکی با هویدا پیدا کرده بود. نه تنها به بسیاری از مهمانیهای شام هویدا دعوت داشت، بلکه مرتب با او در دفتر نخست‌وزیر هم دیدار و گفت‌وگو می‌کرد.

از یک جنبه «لوبرانی» تنها استثنای قاعده‌ای بود که هویدا خود در دوران صدارتش برقرار کرده بود. هر وقت سفیری از یکی از کشورهای خارجی به دیدار هویدا می‌آمد، او تأکید داشت یکی از منشیانش در جلسه حضور داشته باشد. تنها استثناء «لوبرانی» بود.[84]

این ملاقات‌های خصوصی نشان می‌دهد که تصمیمات بسیار حساس و مهمی در خلال آن، اتخاذ می‌شده که هیچ کس غیر از نخست وزیر دولت شاهنشاهی ایران و سفیر رژیم صهیونیستی نبایستی در جریان آن قرار می‌گرفته است. در دوران صدارت هویدا بهائیان توانستند ۹ کرسی کابینه را تصاحب کنند.

۲. تلاش بهائیت برای برقراری روابط ایران با اسرائیل

در جریان قیام اسلامی مردم به رهبری امام خمینی(ره) در سال‌های ۴۱ و ۴۲ که به کشتار ۱۵ خرداد توسط رژیم پهلوی منجر شد، شاه کوشش فراوان داشت تا تأمین مالی نهضت امام را به دولت مصر منتسب کند. توجه داریم که مصر در آن دوران به رهبری جمال عبدالناصر درگیر مبارزه با اسرائیل بود و روابطش با بهائیان و رژیم پهلوی نیز سردی ویژه‌ای داشت. در مسیر اجرای این سناریو رژیم پهلوی کوشید شهید طیب حاج‌رضایی را از زیر شکنجه‌های وحشتناک مجبور سازد تا به این موضوع اعتراف کند که برای بسیج مردم به منظور حضور در تظاهرات روز ۱۵ خرداد از یک خارجی پول گرفته و میان تظاهرکنندگان توزیع کرده است. از سند زیر چنین برمی‌آید که این نمایش، یک سناریوی اسرائیلی –بهائی داشته تا بدین وسیله با وخیم شدن بیش از پیش روابط ایران با کشورهای عربی و اسلامی، راه برای باز شدن باب روابط رسمی میان ایران با اسرائیل هموار شود.

از دیگر سو، بهائیان با نفوذی که بر اثر تصاحب قدرت و مسندهای بالای سیاسی دررژیم پهلوی یافته بودند، می‌کوشیدند که دولت را به مقابله با روحانیت تحریک کنند تا در یک فشار همه‌جانبه، ناگزیر شود برای ضربه زدن به تلاش‌های علمای دینی بااسرائیل، رابطه برقرار کند.

سند زیر مربوط به دورانی است که بهائیان، از جمله منصور روحانی، در کابینه هویدا حضوری جدی و مؤثر

ادامه دارد

President Zalman and Mrs. Shazar of Israel, and Mayor and Mrs. Aba Khoushy of Haifa, on the occasion of their formal visit to the Shrine of the Báb and the Bahá'í gardens on Mt. Carmel in the spring of 1964.

بهار ۱۹۶۴(=۱۳۴۳)– دیدار رسمی زالمان شازار رئیس جمهور اسرائیل وهمسرش از مرکز بهائیان در اسرائیل(حیفا)

پی‌نویس‌ها:

۸۰. برای کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: Https://www.Hamdami.com

۸۱. در این زمینه مراجعه کنید به فصل مربوط به وابستگی هویدا به تشکیلات بهائیت در بخش مربوط به بهائیت و رژیم پهلوی از مجموعه حاضر.

۸۲. عباس میلانی. معمای هویدا. چاپ دوم. تهران، نشر اختران، ۱۳۸۰. ص ۶۵.

۸۳. الیعزر تسفریر. شیطان بزرگ، شیطان کوچک؛ خاطرات آخرین نماینده اطلاعاتی «موساد» در ایران. ترجمه فرنوش رام. ص ۱۶۵.

۸۴. عباس میلانی، همان، ص ۶۵.

پرونده قطور اختلافات مسکو ـ واشنگتن

سپری برای تهدید واهی

اشاره:

مناسبات مسکو ـ واشنگتن دهه‌هاست که فراز و نشیب‌های متعددی را تجربه می‌کند، اما پس از فروپاشی شوروی، به ویژه به دنبال حوادث ۱۱سپتامبر، ماهیت روابط آمریکا و روسیه و شکل تهدیدها دچار دگرگونی ریشه‌ای شد.

در مقطع کنونی، روسیه مسأله گسترش ناتو به سوی شرق و به تبع آن، طرح سپر دفاع موشکی اروپا را تهدیدی راهبردی تلقی می‌کند و رفتار غرب به ویژه آمریکا، کرملین را به سمتی سوق می‌دهد که دوباره به فکر احیای توان نظامی استراتژیک خود برای رویارویی با تهدیدها بیفتد. در این مقاله که نگاهی گذرا به عمده‌ترین اختلافات امروز روسیه و غرب دارد به بررسی موضع مسکو در قبال طرح دفاع موشکی اروپا می‌پردازیم.

*** نماینده ویژه رئیس جمهوری روسیه در مذاکرات سامانه‌های موشکی اعلام کرد که آمریکایی‌ها برای اجرایی کردن طرح‌های سپر موشکی خود، ایران و برنامه‌های موشکی‌اش را بهانه قرار داده‌اند، در حالی که نمی‌توان با چنین ادعاهای واهی، مسائل اروپا و منطقه آتلانتیک را حل و فصل کرد**

طرح محکوم به شکست

در چنین شرایطی «دمیتری راگوزین» فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری فدراسیون روسیه در خصوص سامانه‌های دفاع موشکی ناتو با اشاره به اینکه ایران همسایه ترکیه و روسیه است، گفت: ایجاد سامانه سپردفاع موشکی در قبال تهدیدی که ماهیت وجودی ندارد، محکوم به شکست است.

وی با اشاره به توافق حاصل شده بین روسیه و ناتو در اجلاس لیسبون گفت: این توافق شامل استقرار طرح احتمالی سامانه دفاعی ناتو نیز هست.

فرستاده ویژه مدودف با یادآوری اینکه آمریکا و رومانی چندی پیش در خصوص استقرار سامانه موشکی در نزدیکی بخارست قرارداد امضا کردند، گفت: همزمان یک کشتی جنگی آمریکایی مجهز به سامانه دفاع موشکی وارد دریای سیاه شد.

او افزود: آمریکا در صدد است، از سال ۲۰۱۸ میلادی در تمامی کشورهای اروپایی سامانه هشدار سریع و دفاع موشکی مستقر کند و مذاکرات در خصوص استقرار این سامانه در ترکیه نیز ادامه دارد.

راگوزین با اشاره به آمادگی روسیه برای همکاری با اعضای ناتو در خصوص تحلیل ریسک‌ها، خطرات و سامانه‌های موشکی، گفت: دوستان آمریکایی ما برای اجرایی کردن طرح‌های سپر دفاع موشکی آن کشور، ایران و برنامه‌های موشکی ایران را بهانه قرار داده‌اند، در حالی که این یک دستاویز بیش نیست.

وی تصریح کرد: مسکو براین باور است که نمی‌توان با چنین ادعاهای واهی، مسائل منطقه اروپا – آتلانتیک را حل و فصل کرد.

او با تاکید بر اینکه ایجاد سپر دفاع موشکی در قبال تهدیدی که ماهیت وجودی ندارد، نه فقط محکوم به شکست است، بلکه خود، مسائل و مشکلات جدیدی را ایجاد خواهد کرد، گفت: مسکو معتقد است برای اقناع کشورهایی که رفتار مشکوک دارند، باید از طرق دیپلماتیک و نفوذ اقتصادی استفاده کرد و سامانه سپر دفاع موشکی، آخرین راهکار و راه حل است.

وی همچنین گفت: « سپر موشکی آمریکا در اروپا یک مساله جدی برای امنیت روسیه است و مسکو قصد ندارد در برابر این طرح ساکت بنشیند.

مسکو خواهان دریافت تضمین‌های حقوقی از ناتو، مبنی بر این است که پدافند موشکی آمریکا و ناتو در اروپا علیه روسیه هدف گیری نشود.»

وی افزود: بدون‌شک سامانه‌های موشکی طرح سپر دفاع موشکی بر موازنه قوا در منطقه تاثیر قابل توجهی خواهد داشت و به کاهش کارآیی و توانمندی بازدارندگی راهبردی روسیه خواهد انجامید. این مساله‌ای جدی برای امنیت ملی ماست و حاضر نیستیم بدون اقدام متقابل، فقط نظاره‌گر استقرار این سامانه‌ها باشیم.

راگوزین خاطرنشان کرد: آمریکا گزینه پیشنهادی روسیه درباره امنیت موشکی قاره اروپا را که شامل ایجاد چهار محدوده پدافند موشکی در این قاره بود، رد کرد.

این محدوده‌ها، مناطق شرق، جنوب، غرب و شمال اروپا را شامل می‌شد و با اجرای آن، روسیه، آمریکا، فرانسه و آلمان مسئولیت تامین امنیت این بخش‌ها را برعهده می‌گرفتند.

گزینه دیگر پیشنهادی روسیه در زمینه طرح سپر دفاع موشکی، ایجاد دو ساختار پدافند موشکی موازی یکدیگر در اروپا، به شرط هدف قرار ندادن همدیگر است.

نماینده روسیه در ناتو پیش از این نیز اعلام کرده بود که مسکو مشارکت نابرابر را در ساختار امنیت موشکی اروپا نمی‌پذیرد.

نماینده ویژه رئیس‌جمهوری روسیه در مسائل مربوط به سپر موشکی گفت که پیشنهاد واشنگتن به مسکو در زمینه سپرموشکی، بر اساس همکاری نابرابر با روسیه است.

آمریکا زمانی که از همکاری در عرصه ایجاد سامانه دفاع ضد موشکی در اروپا سخن می گوید، برای روسیه چه نقشی را در نظر گرفته است؟

راگوزین گفت: «آنها (آمریکایی‌ها) به ما پیشنهاد همکاری عملی در زمینه ایجاد سپر موشکی اروپایی را داده‌اند و معتقدند که ما با همکاری در این عرصه متقاعد خواهیم شد که این سامانه علیه توان بالقوه راهبردی روسیه جهت‌گیری نشده است.

زمانی که ما سعی می کنیم روشن کنیم که به چه چیزی دعوت شده‌ایم، مشخص می شود که مسئله بر سر همکاری نابرابر است.

این در حالی است که برای کشورهای اروپایی و آمریکا این همکاری در یک سطح است، ولی سطح مشارکت با روسیه یکسان نیست.»

مقامات دیپلماتیک روسی مذاکراتی نیز با نمایندگان بلندپایه پنتاگون، وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا داشتند. طرف‌های مذاکره‌کننده آمریکایی شامل: «مایکل مک فول» مدیر ارشد مسائل روسیه در شورای امنیت ملی، ژنرال «جیمز کارت‌رایت» معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، «آلن تاچر» معاون وزیر امور خارجه در مسائل خلع سلاح و کنترل تسلیحات و «رز گته‌مولر» معاون وزیر امور خارجه در مسائل توافقات بین‌المللی بودند.

سفیر روسیه در ناتو یادآور شد: «مسئله مهمی که من شخصاً در مذاکرات تلاش کردم درک کنم، این بود که آیا ما بعنوان ناظر در طرح ایجاد سامانه دفاع ضد موشکی حضور داریم یا به عنوان شریک برابر. تاکنون پاسخ به این سؤال دریافت نشده است.

صرف ایفای نقش ناظر، اصلا رضایت روسیه را جلب نخواهد کرد.»

به عقیده نماینده مدودف در مسائل مربوط به سپر موشکی، برای تصمیم گیری قطعی در مورد همکاری روسیه و ناتو در زمینه ایجاد سامانه دفاع ضد موشکی در اروپا، اراده سیاسی، باراک اوباما ضروری است.

وی گفت: اگر تصمیم سیاسی لازم در این زمینه در سطح رئیس‌جمهوری آمریکا گرفته شود، بعداً می‌توان در خصوص راه‌های چنین همکاری و اهداف نظامی – فنی به گفتگو پرداخت.

حال سئوال اینجاست که آیا رهبران سیاسی روسیه و آمریکا مایل هستند تا از طرح ایجاد سپر موشکی برای بالابردن سطح اعتماد متقابل استفاده کنند؟

روسیه ـ ناتو و آینده بحران لیبی

چگونگی حل بحران لیبی یکی دیگر از موضوعاتی بود که

بخش دوم

در شورای روسیه– ناتو در سوچی مورد بررسی دو طرف قرار گرفت. روسیه از زمان آغاز بحران در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، تلاش کرده تا مواضعی محافظه کارانه اتخاذ کند و فقط در حوزه لیبی و به دلیل حمله ناتو به این کشور، سیاست فعالی را در پیش گرفت.

«سرگئی لاوروف » وزیر امور خارجه روسیه، بعد از دیدار با «آندرس فوگ راسموسن»، رئیس سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، گفت که روسیه و ناتو همچنان درباره حملات هوایی به لیبی اختلاف دارند.

لاوروف با اشاره به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که مسیر حمله هوایی به لیبی را هموار کرد، گفت: تاکنون هیچ درک مشترکی درباره اینکه چگونه قطعنامه در حال اجرا شدن است، وجود نداشته است.

لیبی از جمله متحدین سنتی مسکو در زمان جنگ سرد بود و این روابط در دوران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ادامه داشت.

از سال ۲۰۰۴ میلادی، یعنی درست از زمان لغو تحریم‌های غرب علیه لیبی، روسیه پنج قرارداد مهم نظامی با این کشور امضا کرد.

همچنین، روسیه در سال ۲۰۰۸ به‌صورت مبنایی موافقت کرد تا بدهی ۴/۵ میلیارد دلاری لیبی مربوط به دوران شوروی سابق را در ازای خرید سلاح‌های روسی به این کشور، ببخشد، بنابراین طی قراردادهایی که در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ میان طرفین امضا شد، لیبی برخی اقلام نظامی را از روسیه دریافت کرد و قرار بود در مراحل بعدی نیز قراردادهایی مجموعا به ارزش ۲/۲ میلیارد دلار در خصوص تحویل سلاح‌های پیشرفته به لیبی منعقد شود.

سامانه‌های دفاع موشکی «تور– ام– ۱»، «اس– ۳۰۰» و برخی سلاح‌های پیشرفته دیگر مانند جنگنده‌های «میگ ـ۲۹»، هلی کوپتر و زیردریایی غیرهسته‌ای از جمله درخواست‌های لیبی از روسیه بوده که مذاکره در خصوص آنها به دلیل تشدید بحران در لیبی در مراحل مقدماتی ماند و نهایی نشد.

ادامه دارد

ایمیل سرویس بین الملل (ویژه خوانندگان) Khareji @ ettelaat.com

قالیباف: فقر و بی‌عدالتی در نظام اسلامی معنا ندارد

شهردار تهران با بیان این‌که امروز در نظامی مشغول انجام وظیفه هستیم که در مسیر امام علی(ع) حرکت می‌کند، گفت: شکر نعمت زندگی در سایه ولایت آن است که ما کارآمدی دین در اداره جامعه را به اثبات برسانیم تا بدین ترتیب الگویی برای کشورهای دنیا به ویژه اسلامی باشیم.

به گزارش «تهران سما» دکتر محمدباقر قالیباف در جمع عزاداران مولی‌الموحدین در مسجد ارک با تسلیت سالروز شهادت حضرت علی(ع) اظهار داشت: اگر شیعه مولا علی(ع) هستیم، باید نگاه کنیم که امام در سایه قرآن چگونه زندگی کرد. هرچند در این خصوص نباید ناشکری کنیم چرا که در بحث فرهنگ قرآنی، کشور ما سرآمد کشورهای اسلامی است، اما به هرحال توجه به مسائل قرآنی و زندگی در سایه قرآن را باید یک وظیفه جدی و اساسی بدانیم.وی در ادامه با طرح پرسش‌هایی درباره ویژگی‌های حامیان ولایت اظهار داشت: باور قلبی من این است که باید به این سؤال‌ها پاسخ دهیم که حامیان ولایت به راستی چه کسانی هستند و چه مشخصاتی دارند؟ امروز مهمترین وظیفه حامیان ولایت چیست؟ آیا امروز ما فقط باید به شعار دادن اکتفا کنیم و این کافی است؟

شهردار تهران تصریح کرد: من نمی‌گویم نباید شعار دهیم، بلکه حتماً باید شعار دهیم چرا که شعارها جهت ما را مشخص و صف ما را از دیگران جدا می‌کند، اما باید بدانیم که این امر اگرچه لازم است، اما کافی نیست.

قالیباف در ادامه با تأکید بر این‌که ما باید براساس باورها و سنت‌های الهی ایستادگی کنیم، تأکید کرد: مردم ما مردمی آگاهند اما پرتوقع نبوده و هیچ زمان توقع ندارند که یک شبه همه مسائل حل شود اما مردم حق دارند اگر ۶ ماه گذشت و تغییری در مجموعه مدیریتی ما ندیدند، اعتراض و از ما مطالبه کنند.

قالیباف افزود: ما امروز وظیفه داریم مجاهدت کرده و در این راه، سنگر مجاهدت و تلاش ما سنگر اثبات کارآمدی است. بنابراین باید بدانیم که در یک نظام اسلامی فقر و بی‌عدالتی نباید وجود داشته باشد.

اخبار کوتاه از ایران

راه‌اندازی ۵ ایستگاه جدید سنجش آلودگی هوا پیش از مهر

مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوای تهران از نصب و راه‌اندازی ۵ ایستگاه جدید سنجش آلودگی هوا در تهران تا پیش از آغاز مهرماه خبر داد.

دکتر یوسف رشیدی در گفتگو با «تهران سما» با بیان این مطلب اظهار داشت: در تلاشیم که پیش از آغاز مهر و بازگشایی مدارس برای کنترل بهتر و دقیق‌تر کیفیت هوا، ۵ ایستگاه جدید سنجش آلودگی هوا در تهران نصب و راه‌اندازی کنیم.وی افزود: ایستگاه‌های جدید آلودگی هوا در مناطق ۶، ۱۸، ۱۳، ۲۱ و بزرگراه بعثت بین مناطق ۱۵ و ۱۶ تهران نصب و راه‌اندازی خواهد شد.

رشیدی تصریح کرد: تاکنون ۱۸ ایستگاه سنجش آلودگی هوا در تهران فعال است که با افزوده شدن ایستگاه‌های جدید، تعداد ایستگاه‌های فعال سنجش آلودگی هوا به ۲۳ ایستگاه می‌رسد و در تلاشیم که یک ایستگاه غیرفعال را هم به زودی مورد بازسازی قرار داده و مجدداً فعال کنیم.

اجرای اصلاح هندسی ۱۰ نقطه مهم تهران

معاون حمل و نقل و ترافیک منطقه هفت از اجرای اصلاح هندسی در ۱۰ نقطه منطقه خبر داد.

معاون حمل و نقل و ترافیک منطقه ۷ با بیان این که اصلاح هندسی یکی از سرفصل‌های مهم فعالیت‌های ترافیکی منطقه به شمار می‌آید گفت: بر این اساس در ۱۰ نقطه منطقه اصلاح هندسی اجرا یا در حال انجام است.وی افزود: این اصلاح هندسی‌ها در ۱۰ نقطه منطقه شامل میدان سپاه، خروجی بزرگراه شهید صیادشیرازی به خیابان باباخانلو، تقاطع خیابان زهره، بزرگراه مدرس، تقاطع خیابان ملایری‌پور، خیابان دماوند و بخشی فر در حال اجرا است.وی کاهش زمان تأخیر عبور و مرور، افزایش ایمنی رانندگان و مسافران و جلوگیری از حوادث احتمالی رانندگی را از مزایای اصلاح هندسی بیان کرد.وی خاطرنشان کرد: عملیات یاد شده همزمان با میلاد پربرکت امام رضا(ع) به اتمام می‌رسد.

انتقاد شورای شهر از توزیع غذای حرام در برخی نقاط تهران

سخنگوی شورای شهر تهران از کشف ۱۶۰ مرکز توزیع غذای حرام در پایتخت خبر داد و از آن به شدت انتقاد کرد.

به گزارش ایسنا، حسن بیادی در جلسه علنی دیروز تاکید کرد: آگاه‌سازی خانواده‌ها در این زمینه ضروری است و استانداری تهران هم درباره این موضوع تذکراتی داده است تا جلو پیشرفت این آسیب گرفته شود.او ادامه داد: توزیع غذای حرام در تهران در حالی صورت می‌گیرد که در اروپا سالانه ۲۰ درصد به متقاضیان غذای حلال افزوده می‌شود و افراد غیر مسلمان هم به خوردن غذای حلال تشویق شده‌اند.معصومه ابتکار رئیس کمیته محیط زیست هم تاکید کرد: نمادهای قرآنی در تهران بسیار است، اما جامعه روح قرآن را کم دارد و مفاهیم قرآنی حلقه گمشده روابط اجتماعی است.او افزود: باید با ادبیات امروزی، مفاهیم قرآنی را به نسل جوان منتقل کنیم و این همان کاری است که دکتر علی شریعتی در اوایل انقلاب انجام داد.در ادامه جلسه سیصدو نود و هفتم اعضای شورای شهر به تغییر کاربری فضای سبز در محدوده میدان ونک اعتراض کردند که بر این اساس مقرر شد شهرداری تهران این محدوده را تملک کند.

افتتاح ۵۱۵ پروژه در استان تهران همزمان با هفته دولت

استاندار تهران از افتتاح ۵۱۵ پروژه عمرانی استان همزمان با آغاز هفته دولت خبر داد و گفت: برای این تعداد پروژه اعتباری بالغ بر ۳۵۳ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری و هزینه شده است.

دکتر مرتضی تمدن در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به پروژه‌های قابل افتتاح و بهره‌برداری در استان تهران همزمان با هفته دولت افزود: بیشترین پروژه‌های عمرانی استان مربوط به شهرستان‌های ورامین و شمیرانات هرکدام با ۶۳ پروژه، اسلامشهر با ۵۷ پروژه و پاکدشت با ۵۱ پروژه است.استاندار تهران گفت: اغلب این پروژه‌ها در حوزه‌های راه، بهداشت و درمان، کشاورزی، صنعت، آموزش و پرورش و خدمات بخش‌های مربوط به شهرداری‌هاست که در ۱۴ شهرستان از جمله ورامین، شمیرانات، اسلامشهر، پاکدشت، شهریار، دماوند، ری، تهران، ملارد، پیشوا، فیروزکوه، قدس و رباط‌کریم افتتاح خواهد شد.تمدن خاطرنشان کرد: از ۵۱۵ پروژه عمرانی ۲۶ پروژه مربوط به شهر تهران است.

تولد نوزاد ۷ کیلو گرمی در قوچان

سرویس حوادث: نوزاد پسری با وزن هفت کیلوگرم در قوچان متولد شد. رئیس بیمارستان زنان و زایمان شهدای قوچان با بیان این‌که وزن طبیعی یک نوزاد در حالت عادی حدود سه تا چهار کیلوگرم است، گفت: تولد چنین نوزاد سنگین وزنی به عوامل ژنتیکی، چاقی مادر، استراحت و تغذیه زیاد مادر در دوران بارداری مربوط می‌شود.خانم دکتر صباغ افزود: این نوزاد سالم است و در بخش مراقبت‌های ویژه نگهداری می‌شود. وی گفت: حال مادر نوزاد نیز رضایت بخش است. این نوزاد پسر، سومین فرزند مادر سی و سه ساله قوچانی است که به روش سزارین به دنیا آمد.

برگزاری جلسه محاکمه عامل ترور شهید علی محمدی

سرویس حوادث: عامل اصلی ترور شهید علی محمدی در جلسه محاکمه‌اش در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی مدعی شد که نمی‌دانسته است کسی را که ترور می‌کند، دانشمند هسته‌ای ایران است و پس از آن از ترور چند دانشمند دیگر سرباززده است.

در ابتدای جلسه محاکمه علی جمالی فشی متهم این پرونده، قطبی نماینده دادستان تهران کیفرخواست را به این شرح قرائت کرد: «حافظه تاریخی ملت‌های منطقه ما هرگز فراموش نخواهد کرد که دولت‌های استعمارگر به قصد فلسطین و با فراری دادن ملت مظلوم آن از خانه و کاشانه خود گروه‌های تروریستی مانند آژانس بین‌المللی صهیونیست و بیش از ۱۰ گروه مشابه دیگر را سازماندهی کردند و کارهای متعددی نظیر ترور دانشمندان هسته‌ای در ایران را پدید آورده‌اند. رژیم صهیونیستی از آغاز پیدایش خود تا امروز نیز عملاً به رفتارهای تروریستی در درون و بیرون فلسطین ادامه داده و بی‌شرمانه آنها را اعلام هم کرده است و حتی در مواردی به شرکت خود در عملیات ترور افتخار می‌کند.

در این پرونده علی جمالی فشی بیست و شش ساله، به اتهام محاربه و افساد فی‌الارض از طریق: الف) ترور دانشمند هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شهید دکتر مسعود علی‌محمدی به‌واسطه مستقر کردن موتورسیکلت حامل بمب جنب منزل شهید علی‌محمدی و نهایتاً انفجار بمب هنگام خروج دکتر علی‌محمدی از منزل که منتهی به شهادت وی شد. ب) همکاری با رژیم غاصب اسرائیل و سرویس اطلاعاتی موساد علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برای ارائه اطلاعات مورد درخواست سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی اسرائیل (موساد)

۲ـ تحصیل مال از طریق نامشروع به مبلغ ۱۲۰ هزار دلار از سرویس اطلاعاتی موساد به واسطهٔ همکاری و ارائه اطلاعات و نهایتاً اجرای صحنه ترور که به عنوان پاداش از سرویس فوق‌الذکر دریافت داشته است.

۳ـ تخریب عمدی اموال خصوصی شامل خودروها و منازل مسکونی اطراف محل انفجار بمب منتهی به شهادت دکتر علی‌محمدی.

۴ـ نگهداری مواد روان‌گردان از نوع متامفتامین.

وی در ادامه این کیفرخواست گفت: متهم اظهار داشته است بعد از مراجعت به ایران، پس از چند روز به بنده اطلاع دادند که باید برای گرفتن موتور و بردن آن به خانه امن اقدام کنم و درست همانجایی که در اسرائیل آموزش داده بودند، پارک کنم و بعد از انجام این کار و پارک کردن موتور و دور شدن از محل از طریق تلفن به آنها اطلاع دادم که موتور را پارک کردم. بعد از مدت زمان زیادی با من تماس گرفتند و اطلاع دادند باید موتور را از جلوی در منزل برداشته و به خانه امن منتقل کنم. فردای آن روز دوباره منتظر تماس آنها همانند روز قبل تمامی مراحل را تکرار کردم و موتور را برداشته و جلوی در منزل شهید علی محمدی انتقال دادم.

متهم بیان داشت در حدود ۱۲۰ هزار دلار در چندین مرحله از سرویس اطلاعاتی موساد وجه نقد دریافت کردم و در حدود ۳۰ هزار دلار قرار بود بعد از انجام عملیات پرداخت کنند که آن را پرداخت نکردند.

متهم در پاسخ به بازپرس مبنی بر چگونگی ارائه اطلاعات و همکاری با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی موساد بیان داشته است اطلاعات در مورد محل‌های مختلف و این‌که چه اشخاصی در این محل تردد دارند و چه ماموران امنیتی با چه سلاح‌ها و تجهیزاتی در این محل‌ها حضور دارند را به افسران سرویس‌های موساد تحویل دادم و نهایتاً متهم در مقام دفاع به صراحت بیان داشته است اتهامات همکاری با دولت متخاصم رژیم صهیونیستی و جاسوسی و تحصیل مال نامشروع از سرویس اطلاعاتی موساد و تخریب اموال شکات و همچنین ترور و انفجار بمب منجر به قتل علی‌محمدی را قبول دارم و تمام حقایق و واقعیت‌ها را بیان کردم و در دادگاه آنها را نیز بیان خواهم کرد.

با اعتقاد بر محرز و مسلم بودن بزهکاری مشارالیه به استناد آیه ۳۳ سوره مائده با رعایت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و به استناد به مواد ۱۸۳، ۵۰۸، ۱۸۶ و ۶۷۸ در قانون مجازات اسلامی و با ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۸ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۸۹ برای نامبرده تقاضای تعیین کیفر می‌شود.

اظهارات عامل ترور

در ادامه جلسه، قاضی صلواتی پس از تفهیم اتهام به متهم از وی خواست در جایگاه قرار گرفته و دفاعیات خود را ارائه دهد.

رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب از «علی جمالی فشی» در باره نحوه جذب در سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی سؤال کرد که این متهم در پاسخ اظهار داشت: ملاقات از طریق شخصی انجام شد که مسئول جذب بود. او من را به کنسولگری اسرائیل در استانبول برد و اوایل فقط صحبت از فروش اطلاعات بود و صحبتی از ترور نبود.

صلواتی از تعداد سفرهای متهم به ترکیه و نام افسر اطلاعاتی اسرائیل پرسید که متهم پاسخ داد: چهار بار به ترکیه سفر کردم و هر بار هم در کنسولگری اسرائیل ملاقات داشتم. نام افسر اطلاعاتی هم که با وی در تماس بودم «دم» بود.

وی اضافه کرد: اکثر ملاقات‌ها در پارک‌های تهران بود و برای هر ملاقات پنج تا ۱۰ هزار دلار دریافت می‌کردم.

صلواتی از متهم پرسید: آیا آموزش خاصی دیدید و انگیزه شما از همکاری با رژیم اسرائیل چه بود؟ جمالی فشی در پاسخ گفت: بله، آموزش جمع‌آوری اطلاعات را دیدم. نیت من مراجعه به آنجا و همکاری با آنها نبود، ولی طی یک سری از شست‌وشوهای مغزی و صحبت کردن علیه نظام و اسلام، افکار من را علیه نظام برانگیختند. یعنی این‌که می‌گفتند نظام جمهوری اسلامی دشمن تمام دنیا و تروریست است.

صلواتی از متهم پرسید «آیا سفرهای دیگری هم داشتید؟» که جمالی فشی در پاسخ اظهار داشت: سفر دیگری هم به تایلند داشتم. در آنجا با سه نفر از مسئولان آموزش ملاقات کردم. این سفر حدود ۱۰ روز طول کشید و برای اولین بار بود که خارج از کنسولگری ملاقات داشتم.

وی ادامه داد: در آنجا یک سری تست هوش از من گرفتند و بعد آموزش‌های کامپیوتر، عکاسی، فیلمبرداری، تعقیب و مراقبت افراد، نحوه ارتباط گرفتن با افراد، نصب بمب، نصب ردیاب در ماشین، تعقیب موتور و ماشین و... را دیدم و در تایلند مبلغ ۱۵ هزار دلار دریافت کردم.

صلواتی از متهم پرسید که «نخستین بار بحث عملیات نظامی و ترور از کجا مطرح شد؟» که جمالی فشی در پاسخ گفت: ابتدا قرار نبود به اسرائیل بروم. در سفر به ترکیه گفتند ما شما را برای یک ماموریت خیلی مهم انتخاب کرده‌ایم.

عامل ترور شهید علی‌محمدی افزود: آموزش‌هایی را فرا گرفته بودم تا بعد از دکتر علی‌محمدی اقدام به ترور دکتر شهریاری کنم.

صلواتی از متهم سوال کرد: در سفر به باکو با چه کسانی ملاقات داشتی؟ جمالی فشی پاسخ داد: اولین بار با یکی از مسئولان سرویس اطلاعاتی اسرائیل در آنتالیا ترکیه ملاقات داشتم. در آذربایجان نیز یکی از مسئولان رده‌بالای موساد دو بار با من ملاقات حضوری داشت که مراحل سفر به اسرائیل را برای من توضیح داد.

قاضی از متهم سوال کرد که آیا به زبان فارسی با یکدیگر صحبت می‌کردید؟ که متهم در پاسخ گفت: خیر. این فرد به زبان عبری صحبت می‌کرد که برای من ترجمه می‌شد.

متهم در ارائه توضیحات بیشتر در این باره ادامه داد: بعد از حضور سه چهار روزه در باکو باید لوازمی را تهیه می‌کردیم که پس از تهیه این لوازم و گذشت سه چهار روز از فرودگاه باکو به اسرائیل سفر کردیم. در آنجا با شخصی که مسئول آموزش عملیات بود ملاقات کردم که وی مرا به یک هتل منتقل کرد و از فردای آن روز آموزش‌ها شروع شد.

عامل ترور اظهار داشت: در آنجا آموزش‌های موتورسواری، گریم، تیراندازی و نصب بمب روی موتورسیکلت را فرا گرفتم و حدود ۱۰ روز در اسرائیل بودم.

صلواتی سوال کرد که «آیا ماکتی از منزل شهید علی‌محمدی در اختیار داشتید تا آموزش‌های لازم را در آنجا پیاده کنید؟» که وی پاسخ داد: در یک پادگان، تمامی مسیر، انبار خانه امن و ماکت منزل علی‌محمدی و حتی رنگ و اندازه آن را نیز منطبق با آنچه در تهران بود درست کرده بودند و در آنجا آموزش‌های لازم ارائه شد.

متهم در پاسخ به این سوال که «آیا در طول این سفرها اطلاعاتی در باره شخصیت شهید علی‌محمدی به شما داده شده بود؟»، گفت: خیر. تا سه روز قبل از عملیات حتی آدرسی از منزل شهید علی‌محمدی در اختیار من گذاشته نشد. پس از گذشت مدت زمانی به ایران آمدم و به صورت هفتگی اقداماتی را انجام می‌دادم.

جمالی فشی در پاسخ به این سؤال قاضی که آیا از سرویس اطلاعاتی جاسوسی اسرائیل با شما تماس گرفته می‌شد؟، اظهار داشت: از طریق لپ‌تاپ اطلاعاتی را به من منتقل می‌کردند. پس از آن باید اقداماتی از جمله تهیه بنزین، روغن و غیره را در دستور کار خود قرار می‌دادم. قرار بود در ابتدا موتور را من تهیه کنم که به من خبر دادند آنها این کار را انجام می‌دهند و سه روز مانده به روز عملیات آدرس منزل را به من دادند.

وی ادامه داد: یک روز به آن محل رفتم، مسیرها را چک کردم و پس از آمدن به خانه به آنها اطلاع دادم که اوضاع خوب است. چند روز بعد تماس گرفتند که باید بروی و بمب را به موتور نصب کنی. بمب را به تنهایی نصب کردم و وسایلی را که خریده بودم، در انبار گذاشتم. به من گفتند که فردا صبح باید موتور را از انبار برداری و پس از تایید ما کار را انجام دهی اما در آخرین تماس اعلام کردند که برنامه کنسل شده است و باید موتور را به خانه امن منتقل کنی و دوباره به من گفتند که فردا باید این کار را انجام دهم. فردای آن روز نیز همین روال طی شد و در نهایت دوباره به من گفتند که وسایل را به خانه امن منتقل کن و به خانه بازگرد.

قاضی در باره احساس متهم پس از انجام عملیات سوال کرد و گفت که «چطور توانستی به خود بقبولانی که یکی از نخبگان کشورت را از بین ببری؟» که جمالی فشی پاسخ داد: اکنون برای این حرفها بسیار دیر است. اگر قبل از آن می‌دانستم که چه شخصیتی ترور می‌شود، می‌توانستم کاری کنم اما پس از ترور هنگامی که از شخصیت وی مطلع شدم از لحاظ روحی به هم ریختم. طبق آموزش‌هایی که دیده بودم باید پنج ترور را انجام می‌دادم ولی به دلیل اینکه از جهت روحی اوضاع خوبی نداشتم، من را حذف کردند. حتی ملاقات‌هایی را که باید با من انجام می‌شد نیز کنسل کردند.

وی اضافه کرد: هنگامی که یک نفر به صورت روزمره موضوعی را برای تو تکرار می‌کند به طور طبیعی توی ذهن تو می‌رود. من نیز جوان بودم و فکر می‌کردم که کارم درست است.

قاضی از متهم سوال کرد که «جمعاً چقدر برای این کار دریافت کردی؟» که وی پاسخ داد: حدود ۱۲۰ هزار دلار.

صلواتی از وی سوال کرد که «آیا ترور بعدی که قرار بود توسط شما انجام شود، ترور دکتر شهریاری نبود؟» که وی پاسخ داد: بله. حتی آموزش‌هایی را در خصوص ترور شهریاری نیز فرا گرفته بودم.

درخواست همسر شهید

در ادامه، همسر شهید علی‌محمدی از دستگاه قضایی خواست سران رژیم صهیونیستی را به علت اقدامات تروریستی در محاکم بین‌المللی به محاکمه بکشاند.

همسر شهید مسعود علی‌محمدی اظهار داشت: من از عامل ترور فقط این سوال را دارم که چطور متوجه نشده است که اسرائیل دشمن چندین ساله ماست و برای کشتن یک نفر نقشه کشیده است؟ چطور فردی که از او به عنوان سازنده بمب اتم نام برده می‌شود، هیچ محافظی ندارد؟ کشور ما بارها و بارها اعلام کرده است که ما به دنبال بمب هسته‌ای نیستیم.

وی با تاکید بر اینکه اصل ترور قبیح است، گفت: همه ادیان ترور را رد می‌کنند. آیا دریافت این پول‌ها برای کشتن یک نفر ارزش دارد؟ ما همه می‌دانیم که اسرائیل برای ما شمشیر را از رو بسته است. این فرد چطور توانسته خام وعده‌های رژیم صهیونیستی شود؟

همسر شهید علی‌محمدی ادامه داد: آیا جرم همسرم فقط عشق به وطن بود؟ آیا کسی که وطن خود را دوست دارد باید کشته شود؟ مگر او جز علم‌اندوزی و آموزش چه کاری کرده بود؟ همیشه می‌گفت که من به خاطر شغل معلمی که دارم از آینده خود مطمئنم زیرا به کسی ظلم نکرده بود. همسرم به راحتی به این جایگاه نرسیده بود.

وی در پایان با اعلام تقاضای اعدام برای متهم، گفت: از دستگاه قضایی تقاضا دارم که اسرائیل را به علت اقدامات تروریستی در محاکم بین‌المللی به محاکمه بکشاند و امیدوارم خداوند هر فرد تروریست را نابود کند.

آخرین دفاع و اعلام ختم رسیدگی

در پایان دادگاه صلواتی رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب با اخذ آخرین دفاع از «علی جمالی فشی» اظهار کرد: ختم رسیدگی به این پرونده اعلام می‌شود و دادگاه ظرف مهلت قانونی اقدام به صدور رای می‌کند.

کشف راز ۲۰۴ قتل

سرویس حوادث: معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی ناجا از کشف راز ۲۰۴ فقره قتل که در سال‌های گذشته به وقوع پیوسته بود، خبر داد.

سرهنگ هادی مصطفایی با اشاره به استفاده از تمامی امکانات برای کشف سریع پرونده‌های جنایی افزود: در این میان، پرونده‌هایی وجود دارد که به سبب برخی ابهامات یا سایر شرایط ممکن است با وجود تلاش کارآگاهان، نتیجه قطعی حاصل نشود، اما پی جویی پرونده‌های معوقه تا حصول به نتیجه قطعی، در دستور کار پلیس آگاهی ناجا و کارآگاهان قرار دارد .وی افزود: در پنج ماه اول امسال ۲۰۴ فقره از پرونده‌های معوقه پارسال و سنوات قبل با استمرار تحقیقات و مرور و بازنگری پرونده‌ها منتهی به کشف شدند.

به گفته مصطفایی این درحالی است که در پنج ماهه اول سال گذشته، ۱۷۷ فقره قتل مربوط به سنوات گذشته کشف شده بود که در مقایسه با مدت مشابه در سال قبل، ۱۵/۲ درصد رشد داشته است.

معاون پلیس آگاهی ناجا، به چند نمونه از پرونده‌ها اشاره کرد و گفت: درتیر ۱۳۸۴ مردی درخانه‌اش توسط سارقان در اهواز به قتل رسید، با تحقیقات انجام شده پلیس دریافت که عاملان جنایت پنج نفر بودند که به انگیزه سرقت وارد منزل مقتول شده بودند.وی با بیان این‌که کارآگاهان پلیس اهواز، هنگام تحقیقات به فردی مظنون شدند اما او از محل سکونت خود فرارکرده بود، گفت :تحقیقات برای یافتن مظنون ادامه داشت تا سرانجام در سی‌ام تیر امسال، پلیس از طریق اقدامات اطلاعاتی موفق شد، این فرد را در داخل خودرواش هنگام تردد در یکی از خیابان‌های اهواز دستگیر کند که وی پس از دستگیری به قتل با همدستی چهار نفر دیگر اعتراف کرد.

کشف راز قتل یک زن و دو فرزندش

مصطفایی به پرونده‌ای دیگر در این باره اشاره کرد و افزود: اسفند سال ۱۳۸۶، جسد زنی به همراه دو فرزند ۸ و ۱۱ ساله‌اش در حالی که با ضربات چاقو به قتل رسیده بودند در حوالی یکی از روستاهای کرمان کشف شد و براساس تحقیقات کارآگاهان، شوهر دوم مقتول که سرپرستی این زن و دو فرزند او را برعهده گرفته بود در مظان اتهام قرار گرفت، بنابراین وی با نظر مقام‌قضایی بازداشت شد اما هربار اظهار بی گناهی می کرد تا این‌که امسال برای چندمین بار به آگاهی منتقل شد و پس از پنج سال به هر سه قتل به دلیل درخواست همسرش برای جدایی از او اعتراف کرد.

قتل ۲ کودک

مصطفایی در تشریح پرونده قتل دو پسربچه ۹ و ۱۰ ساله نیز گفت: در خرداد پارسال، این دو کودک برای شنا به کانال آب رفته بودند، اما ساعاتی بعد اجساد آنان در محل پیدا شد.معاون پلیس آگاهی کشور با بیان این‌که در ابتدای امر علت مرگ خفگی هنگام شنا به نظر می‌رسید، اما پزشکان در بررسی اجساد دریافتند که یکی از کودکان قبل از مرگ مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود. بنابراین کارآگاهان با یک پرونده قتل روبرو شدند.

وی افزود: تحقیقات پلیس ادامه داشت تا سرانجام امسال فردی مورد شناسایی قرار گرفت و در بازجویی‌ها به قتل و آزار و اذیت کودکان و قتل آنها اعتراف کرد.

قتل ۴ برادر

مصطفایی در تشریح پرونده قتل چهاربرادر که در شیراز به وقوع پیوسته بود گفت: راز قتل چهار برادر که در بیستم آذر پارسال در جریان درگیری به انگیزه اختلافات قبلی و انتقام‌جویی به وقوع پیوسته بود، امسال کشف شد.

وی توضیح داد: با اقدامات اطلاعاتی پلیس، متهم به قتل شناسایی و تحت تعقیب بود تا سرانجام در ۲۴ مرداد امسال در درگیری با پلیس به هلاکت رسید و زنی که سال‌ها همراه او بود نیز در جریان درگیری زخمی شد.

آشنایی پنهانی برای سرقت واخاذی

سرویس حوادث: پدری پس از پی بردن به آشنایی دخترش با مرد جوانی، راز سرقت میلیونی از خانه اش را نیز کشف کرد.

شاکی این پرونده در ۲۰ تیر به کلانتری ۱۶۹ مشیریه مراجعه کرد و مدعی شد که: در نبود وی و خانواده‌اش دزدان با ورود به خانه وی مبلغ سه میلیون تومان وجه نقد داخل خانه، سرویس طلای همسر و تعدادی از دیگر لوازم خانه را دزدیده بودند.

به دستور بازپرس شعبه دوازدهم دادسرای ناحیه ۱۴ تهران، پرونده این سرقت به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران ارسال شد و کارآگاهان با بررسی صحنه ارتکاب جرم اطمینان پیدا کردند که سارق یا سارقین بدون هیچگونه تخریبی وارد منزل شده و از محل نگهداری اموال با ارزش سرقت شده نیز اطلاع کافی داشته‌اند.

در شرایطی که ماموران به دنبال شناسایی دزدان بودند، مالباخته به افسر رسیدگی کننده به پرونده‌اش اطلاع داد که دزد خانه‌اش را شناسایی کرده است. او گفت: در مسیر رفتن به خانه ام به صورت کاملا اتفاقی دخترم را به همراه یک مرد جوان ، سوار بر یک دستگاه خودرو سواری پژو ۲۰۶ سفید رنگ دیدم که در گوشه‌ای از خیابان در منطقه مشیریه، در حال صحبت کردن با یکدیگر بودند. دخترم را از اتومبیل آن جوان پیاده کردم و درباره ارتباطش سوال کردم و متوجه شدم که از یک سال قبل با این مرد به نام حمیدرضا آشنا شده و سرقت منزلم نیز توسط حمیدرضا و با کمک دخترم صورت گرفته است.

این دختر نیز دربازجویی گفت: پس از آشنایی با حمیدرضا او متوجه شد که من از این‌که پدرم از این ارتباط وآشنایی اطلاع پیدا کند بسیار می ترسم تا این‌که چند وقت پیش حمیدرضا با طرح این موضوع که باید در سرقت خانه پدرم با او همکاری کنم و در غیر این صورت، موضوع آشنایی مان را به همه خواهد گفت و آبرویم را خواهد برد، مرا مجبور کرد تا کلید ورودی مجتمع و آپارتمان و همچنین محل دقیق نگهداری وجوه نقد و دیگر اموال با ارزش خانه از قبیل طلا و جواهرات مادرم را در اختیار او قرار دهم و من نیز به ناچار قبول کردم.

درزمان سرقت نیز وقتی به میهمانی رفتیم، تلفنی به حمیدرضا گفتم که کسی درخانه نیست و او با اطمینان از خالی بودن خانه، با استفاده از کلیدهای یدک منزل، به خانه ما آمد و تمامی پول‌ها و طلا و جواهرات داخل خانه را سرقت کرد. روزی هم که پدرم مرا به همراه او در خیابان دیده بود، با او قرار ملاقات گذاشته بودم تا از او خواهش کنم که دیگر با من کاری نداشته باشد که پدرم ما دو نفر را با یکدیگر دید و آن اتفاقی که همیشه از آن می ترسیدم، اتفاق افتاد.

کارآگاهان با توجه به این اظهارات مخفیگاه حمیدرضا را در مشیریه شناسایی و در بازرسی از مخفیگاه او مقادیری از طلا و جواهرات متعلق به همسر مالباخته و تعدادی دیگر از اموال مسروقه کشف شد. حمیدرضا هفده ساله گفت که با فروش مقداری از طلا و جواهرات مسروقه و مبلغ ۳ میلیون تومان وجه نقد سرقت شده از داخل خانه مالباخته، اقدام به خرید یک دستگاه خودرو ۲۰۶ سفید رنگ کرده است.

در ادامه تحقیقات از متهم مشخص شد که متهم با همین شیوه «ایجاد ارتباط دوستانه با دختران نوجوان و علاقمندی به ازدواج »، از دو دختر جوان دیگر اقدام به گرفتن مبالغ جداگانه ۲۰۰ و ۵۰۰ هزار تومان کرده است. این متهم با صدور قرار قانونی در بازداشت به سرمی‌برد.

اخبار کوتاه حوادث

سقوط یک فروند بالگرد در فارس

شیراز ـ یک فروند بالگرد متعلق به شرکت نفت لاوان در شهرستان قیرو کارزین درجنوب غرب استان فارس سقوط کرد.

به گزارش ایرنا این بالگرد ظهر دیروز بر اثر برخورد با دکل برق در روستای «نیم‌ده» در بخش افزر شهرستان قیر و کارزین سقوط کرد و خلبان آن کشته شد.ماموریت این بالگرد، انتقال دستگاه‌های ژئوفیزیک شرکت نفت بود که جزئیات این حادثه درحال بررسی است.قیروکارزین به مرکزیت قیر در ۱۶۹ کیلومتری جنوب غرب شیراز واقع شده است.

کشف ۳ تن داروی قاچاق و تقلبی در تهران

سرویس خبر ـ ماموران انتظامی یک شبکه قاچاق دارو در تهران را متلاشی کردند.

اعضای این شبکه علاوه بر داروهای قاچاق، داروهای فاسد را نیز در بازار عرضه می‌کردند.از این شبکه سه تن داروی قاچاق و فاسد کشف و ضبط شد و سه نفر در این ارتباط بازداشت و تحویل مرجع قضایی شدند.

پلیس و وزارت بهداشت بارها از مردم خواسته‌اند تا از خرید دارو از مراکز غیرمجاز و نیز دست فروش‌های گوشه خیابان خودداری کنند.

حادثه رانندگی در ونزوئلا با ۱۵ کشته

ونزوئلا:برخورد سه خودرو در ونزوئلا ۱۵ کشته و ۳۰ زخمی در پی داشت. این تصادف بامداد دیروز و در یک پیچ خطرناک در ایالت تروخیلو در شمال غربی ونزوئلا روی داد. در بین کشته‌شدگان اجساد چهار کودک زیر پنج سال مشاهده می‌شود.

آتش‌سوزی در چین ۱۵ قربانی گرفت

پکن ـ وقوع حریق در یک کارخانه تولید کاشی در استان گوانگ دونگ واقع در جنوب چین، جان ۱۵ نفر را گرفت.

به گزارش ایرنا به نقل از تلویزیون مرکزی چین، آتش‌سوزی اوایل وقت دیروز در کارخانه شونگ فونگ در شهر فوشان استان آغاز شد و جان ۱۳ نفر را گرفت و دو نفر نیز پس از پریدن از پنجره‌های ساختمان کشته شدند.

آتش‌سوزی از خوابگاه‌ها و بخش اداری کارخانه آغاز شد و به سرعت به همه نقاط کارخانه سرایت کرد.

فقر تجهیزات ایمنی و نبود سامانه‌های هشدار دهنده و همچنین وجود مواد آتش‌زا سبب آتش‌سوزی در این کارخانه شده بود.

دستگیری زندانی فراری پس از ۳۶ سال

آمریکا:زندانی فراری آمریکایی پس از ۳۶ سال به دام پلیس افتاد.

پلیس ایالت کالیفرنیا «ویلیام والتر» را که ۳۶ سال پیش از زندان فرار کرده بود، بدون وقوع هیچ درگیری در خانه‌ای در شمال کالیفرنیا دستگیر کرد. پلیس بااطلاع ازاین که مادراین فراری در حال مرگ است و احتمالاً ویلیام سراغی از اوخواهد گرفت، توانست او را ردیابی کند.

مادر ویلیام که حال خوبی نداشت به یکی از اعضای خانواده‌اش شماره تلفن پسرش را داده بود تا برای آخرین بار با او صحبت کند. پلیس با پیگیری مکالمات توانست، محل زندگی او را که با نام جعلی «گری‌دونالد» زندگی می‌کرد، شناسایی کند.ویلیام که ۳۶ سال پیش به دلیل دزدی از یک کافه و تیراندازی به صاحب آن دستگیر و زندانی شده بود، با کمک همدستش از زندان فرار کرد. او حالا با قیافه یک پیرمرد به زندان برگشته است.

مرد آمریکایی ۲ فرزندش را کشت

آمریکا:یک آمریکایی که دو فرزند خود را پس از ربودن غرق کرده و کشته بود، از سوی مقام‌های قضایی این کشور بزودی محاکمه می‌شود.

متهم در حال حاضر به جرم دو فقره قتل از سوی مقام‌های قضایی در زندان دالاس دربازداشت به سر می‌برد. براساس اظهارات پلیس، این شهروند سی و دو ساله همچنین همسر خود را به اجبار سوار بر خودرو کرد اما مادر فرزندان موفق به فرار شد. او پیش از آن که توسط پلیس بازداشت شود، دو فرزند خود را غرق کرد.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲۲۲۲۶۰۹۰
۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوعات پیامها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
* از تکرار یک پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
* پیامها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
* چاپ پیامها بر اساس نوبت است

باتشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

دریاچه ارومیه و زاینده‌رود اهمیتی ندارند؟

دولت در مورد دریاچه ارومیه آن‌قدر بی‌توجهی کرد تا اینکه آن دریاچه زیبا و بی‌مانند به چنین وضعی درآمد لایحه‌ای با قید دوفوریت به مجلس نیز که داده شد، با مخالفت روبه‌رو گردید.

کارشناسان می گویند اگر اقدام فوری در مورد بازسازی و آب‌اندازی به این دریاچه انجام نگیرد از یک طرف با باران‌های نمک‌آلود روبه‌رو می‌شویم و از طرف دیگر صدها هزار نفر ساکنان شهرهای مجاور ارومیه را طوفان نمک آواره خواهد کرد.

آیا دست‌اندرکاران برایشان مهم نیست که این اتفاقات پیش روی مردم و کشور است یا این دریاچه را هم مثل زاینده‌رود ناقابل می‌دانند؟!

هموطن

نام کارشناس را تصحیح کنید

در گزارش «محیط یاران» که در صفحه ۵ گزارش روزنامه اطلاعات ۶ مرداد ماه ۹۰ چاپ شد، نام کارشناسی که با او گفت‌وگو شده بود، «علیرضا صفرمحمدی» درست است.

رشت ـ خواننده روزنامه اطلاعات

لزوم برگزاری امتحانات نهایی

به نظر من نمره‌های واقعی دانش‌آموزان در امتحانات نهایی معلوم می‌شود و به همین دلیل تا این امتحانات در مقاطع تحصیلی پنجم ابتدایی، سوم راهنمایی، اول دبیرستان و پیش‌دانشگاهی به صورت نهائی برگزار نشود، به تحول در نظام آموزش و پرورش نمی‌توان امید چندانی داشت.

خرّم‌آباد ـ رضا احمدی

گرانی بی‌رویه اجاره مسکن

گرانی اجاره مسکن به جایی رسیده است که با ۲۰ میلیون تومان ودیعه هم نمی‌توانیم در نارمک یک آپارتمان ۵۰متری اجاره کنیم.

خانم مستأجر ساکن نارمک

پیشی گرفتن نرخ تورم بر افزایش حقوق‌ها

با این که بانک مرکزی همواره بر ادامه روند کاهش نرخ تورم و رساندن آن به زیر ۱۰ درصد سخن گفته، نرخ تورم را ۱۶/۴ درصد اعلام کرده است که به معنای افزایش چشمگیر قیمت مایحتاج عمومی و پیشی گرفتن چشمگیر نرخ تورم نسبت به ۱۰ درصد افزایش حقوق‌ها است.

خانم شهروند

خودکفایی در تولید محصول گندم

آیا وزیر کشاورزی دوران اصلاحات فراموش کرده است که در دوران وزارت ایشان حدود ۶ میلیون و ۴۰۰هزار تن گندم وارد کشور می‌شد و حالا خوشبختانه در مورد این محصول استراتژیک، ایران خودکفا شده است که در هر فرصتی از سیاست‌های دولت فعلی در مورد کشت و تولید گندم انتقاد می‌کند و آن را زیر سؤال می‌برد؟

تلفن به خط ارتباطی

هندوانه‌های بزرگ را در قطعات کوچک بفروشند

پیشنهاد می‌کنم در میادین میوه و تره‌بار، هندوانه‌های بزرگ و بالای ۸کیلوگرمی را در قطعات کوچک هم بفروشند، تا ضمن کمک به مردم کم‌آدرمد، حمل آن توسط خریداران هم آسان باشد. نظیر این کار در بسیاری از کشورهای انجام می‌گیرد و نتایج خوبی هم داده است.

از مشتریان میادین میوه و تره‌بار

پاسخ عجیب نامه‌رسان شرکت پُست!

شرکت پست به نامه‌رسانان زحمتکش تذکر دهد قبوض آب و برق و گاز و تلفن را دقیقاً در نشانی‌های آن‌ها توزیع کنند.

اخیراً قبوضی را به مجتمع مسکونی ما انداختند که متعلق به نشانی دیگری بود، به پستچی هم که اعتراض کردیم، پاسخ داد اگر قبوض متعلق به شما است که هیچ، وگرنه آن‌ها را در سطل زباله و یا جوی آب بیندازید و از شرّشان راحت شوید!

از ساکنان مجتمع

حرمت اماکن ورزشی نگه داشته شود

حوالی ساعت ۵ بعدازظهر ۲۵ مرداد امسال در سریالی که از شبکه اول سیما پخش شد، دو نفر از بازیگران در یک سالن ورزشی به دلیل اختلافات مالی به جان هم افتادند و ورزشگاه را بهم ریختند، که از تولید و نمایش چنین صحنه‌هایی باید اظهار تأسف کرد و به کارگردان و تولیدکننده محترم سریال یادآور شد که سالن ورزشی و از جمله تشک کشتی، مکانی پاک و مقدس است که باید حرمت آن نگه داشته شود، نه این که در آنجا عده‌ای بر سر مسایل مالی و کلاهبرداری به جان هم بیفتند و تصویر زشت و نادرستی از ورزش و ورزشگاه به میلیون‌ها بیننده تلویزیون نشان دهند.

از قهرمانان سابق کشتی

چه تعداد اشتغال ایجاد شده است؟

با گذشت ۵ ماه از سال، دولت محترم بفرماید چه تعداد از ۲/۵ میلیون شغلی که قرار است امسال ایجاد شود، فراهم آمده و برای جوانان تحصیلکرده بیکار، ایجاد اشتغال شده است؟

تبریز ـ موسوی، پدر ۲ تحصیلکرده بیکار

تقاضا از سازمان تاکسیرانی

از سازمان تاکسیرانی تهران تقاضا می‌شود در مسیر ایستگاه مترو دانشگاه شریف ـ سعادت‌آباد از مسیر بزرگراه یادگار امام، تاکسی خطی دایر شود.

شهروند تهرانی

قدردانی از زحمات استاندار و شهردار

استاندار آذربایجان شرقی و شهردار تبریز برای عمران و آبادانی این شهر تلاش چشمگیری داشته‌اند که به عنوان یک آذربایجانی مقیم تهران، از خدمات آنان سپاسگزارم.

محمدرضا حسن‌زاده

مطالبات ما را زودتر بپردازند

بازنشسته سال ۸۵وزارت جهادکشاورزی و مانند سایر بازنشستگان، از نظر مالی در مضیقه هستم و انتظار دارم دولت محترم مطالبات مربوط به سال‌های ۸۶ و ۸۷ بازنشستگان را زودتر بپردازند.

ایلخچی (تبریز) ـ اسکویی

کاش آبونمان روزنامه گران نمی‌شد

از روزی که روزنامه اطلاعات ۲ ریال بود، خواننده آن هستم. ایکاش امسال هم مبلغ آبونمان آن افزایش نمی‌یافت، تا افراد بازنشسته‌ای مانند من، برای خرید آن مشکل نداشتند.

خواننده قدیمی روزنامه اطلاعات

خط ارتباطی: اگر این خواننده محترم فقط هزینه پستی ارسال روزنامه را به مناطق مختلف تا مقابل خانه‌های مشترکین را در نظر بگیرد، قضاوتش تغییر خواهد کرد.

اعمال نفوذ در تعیین مدیران مدارس

با توجه به گفته وزیر آموزش و پرورش مبنی بر این‌که حدود ۷۰ درصد از مشکلات آموزشی به مسایل مدیریتی بازمی‌گردد، از هرگونه رابطه، نفوذ طایفه‌ای و حمایت برخی نمایندگان مجلس در تعیین مدیران مدارس باید پیشگیری به عمل آید تا نظام آموزش و پرورش کشور بتواند به اهدافش دست یابد.

نورآباد دلفان (لرستان) ـ یک فرهنگی

گلایه از سازمان فرهنگی هنری شهرداری

در همسایگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران واقع در بلوار میرداماد نزدیکی روزنامه اطلاعات زندگی می‌کنیم و از این که کارکنان و مراجعان این سازمان خودروهایشان را درمقابل منزل ما پارک می‌کنند، مشکل داریم.

از جمله اگر ما بخواهیم سر وقت به مطب پزشک مراجعه کنیم و یا با خودرو بیماری را به بیمارستان بَرسانیم، نمی دانیم چه کار باید بکنیم و آیا لازم نیست رسانه‌های گروهی درباره ضرورت عدم ایجاد مزاحمت برای همسایگان، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی کنند.

خانم منیر نیری

تأخیر در پرداخت حق‌الزحمه استادان دانشگاه

حق‌الزحمه استادان بازنشسته دانشگاه آزاد بابت مشاوره و یا راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویی با تأخیر پرداخت می‌شود، که ضرورت دارد در این خصوص تسریع شود.

استاد بازنشسته دانشگاه

مطالباتم نقدی پرداخت شود

چون پزشک و بیمارستان و داروخانه از من سهام کارخانه قبول نمی‌کنند، لازم است مطالباتم نقدی پرداخت شود!

اصفهان ـ خانم فرهنگی سال ۷۴

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

برنامه هفته نخست لیگ برتر فوتسال

برنامه هفته نخست رقابت‌های لیگ برتر فوتسال باشگاه‌های کشور از سوی کمیته فوتسال اعلام شد.

فصل جدید لیگ برتر فوتسال ۸ شهریور آغاز خواهد شد.

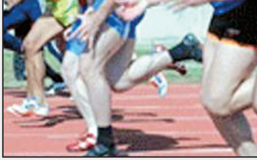
برنامه هفته نخست مسابقات که پس از مراسم افطار برگزار می‌شود، به شرح زیر است:

۱۳۹۰/۶/۸ – هفته نخست؛ ساعت ۲۱:۳۰

راه‌ساری – فولادماهان اصفهان، سالن سیدرسول حسینی ساری
شهیدمنصوری قرچک – علم و ادب ساپیا، سالن هفتم تیر قرچک
دبیری تبریز – گسترش فولادتبریز، سالن علوم پزشکی تبریز
صباقم – پرسپولیس تهران، سالن شهید حیدریان قم
شرکت ملی حفاری ایران – شهرداری ساوه، سالن نفت اهواز
گیتی پسند اصفهان – فیروز صفه اصفهان، سالن پیروزی اصفهان
لبنیات ارژن فارس – میثاق تهران، سالن شهیدابوالفتحی شیراز

چنانچه عید سعید فطر روز ۸ شهریور اعلام شود تمامی رقابت‌ها ساعت ۱۷:۰۰ برگزار می‌شود.

تلاش ورزشکاران ایران در مسابقات دو و میدانی نابینایان و کم‌بینایان



تیم ملی دو و میدانی نابینایان و کم‌بینایان ایران در جریان رقابت‌های آزاد اروپا – انتخابی پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن در جمهوری چک توانست با کسب یک طلا، ۲ نقره و یک برنز به کار خود پایان دهد.

در این رقابت‌ها امین قانع در پرش طول صاحب گردن‌آویز طلا شد، حسن عسگری در ماده ۴۰۰ متر صاحب مدال برنز و در ۸۰۰ متر صاحب نشان نقره شد، اما به دلیل ادغام با دیگر رقبا در مکان چهارم رده‌بندی قرار گرفت.

همچنین حسن عسگری، امین قانع، فرزاد کرمی و سیدعباس اسدپور در ماده ٤در ۱۰۰ متر تیمی امدادی صاحب نشان نقره شدند.

پنجمین دوره رقابت‌های آزاد اروپا – انتخابی پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن که از ۳۰ مرداد با حضور ۲۸۳ ورزشکار از ۲٤ کشور جهان در ورزشگاه «اولوموگ» شهر پراگ پایتخت چک آغاز شده بود دیروز به کار خود پایان داد.

قضاوت یک ایرانی در لیگ فوتبال مالزی

علی دهقانی، داور ایرانی که به عنوان نخستین داور خارجی در لیگ ملی مالزی قضاوت می‌کند، میان ٤٤ داور منتخب برای قضاوت در «مالزیا کاپ» قرار گرفت.

وی که فصل گذشته به عنوان نخستین داور خارجی، بارها مسابقات فوتبال در لیگ ملی مالزی را قضاوت کرده است، از میان ۱٦۰ داور ملی فعال در لیگ این کشور انتخاب شده است.

انتخاب این داوران بر اساس دعوت فدراسیون فوتبال مالزی با توجه به عملکرد داوران در فصل گذشته و تست بدنی انجام شده است.

مسابقات فوتبال مالزیا کاپ پس از برگزاری جام‌های گوناگون سوپرلیگ، لیگ برتر و جام حذفی مالزی با حضور تیم‌های باقیمانده درسوپرلیگ (لیگ برتر کشور مالزی) و تیم‌های قهرمان ایالت‌های مالزی از ماه سپتامبر آغاز و تا نوامبر ادامه خواهد داشت.

کنترل نامحسوس ماموران دوپینگ در ورزشگاه‌ها

احمدهاشمیان، رئیس کمیته پزشکی فدراسیون فوتبال گفت: ماموران کنترل دوپینگ هرهفته و به صورت محرمانه در ورزشگاه‌ها حضور دارند.

وی افزود: بازیکنان مراقب خود باشند تا خواسته یا ناخواسته درگیر موضوع دوپینگ نشوند، چراکه ماموران کنترل دوپینگ کمیته پزشکی هرهفته و با آغاز رقابت‌های لیگ به صورت محرمانه در ورزشگاه‌ها حضور دارند و تست دوپینگ از بازیکنان می‌گیرند.

پایان بازی‌های بامدادی!

پرسپولیس زیر نگاه تیزبین هواداران





نمایی از دیدار فصل گذشته تیم های فوتبال پرسپولیس تهران و صنعت نفت آبادان

پرسپولیس در شرایطی بحرانی به دیدار صنعت نفت آبادان می‌رود و اگر بتواند از این بازی دست پر خارج شود، می‌تواند امیدوار به آینده باشد در غیر اینصورت بازهم صدای اعتراض است که از سکوهای ورزشگاه آزادی بلند خواهد شد.

بازی‌های شامگاهی لیگ یازدهم هم این هفته تمام می‌شود و اینکه مسابقه در آخرین ساعات یک روز آغاز شود و در آغازین ساعات روز بعد به پایان برسد، به پرونده لیگ یازدهم سپرده خواهد شد. هفته پنجم لیگ برتر از شامگاه چهارشنبه با برگزاری هفت بازی آغاز می‌شود و بابرگزاری دوبازی فرداشب بامداد جمعه به پایان می‌رسد، با حرف و حدیث و حواشی بسیار که در زیر به گوشه‌ای از آن اشاره خواهد شد، همراه است.اما دیدارهای امشب:

ملوان ـ ذوب‌آهن

ذوب‌آهن گرچه در هفته‌های اخیر به دو پیروزی رسیده اما هنوز نتوانسته چهره یک مدعی و تیمی طراز اول را داشته باشد. بهره گیری از فاکتور تجربه فعلا منجی ابراهیم‌زاده و شاگردانش شده و صعود آنها به پله پنجم جدول را به دنبال داشته است. آنها که به همراه سپاهان نماینده فوتبال ایران در مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا هستند، این هفته به خانه ملوان می‌روند، آنهم با هدف و انگیزه دستیابی به یک پیروزی خارج از خانه برای تثبیت جایگاه در میانه بالای جدول. از سوی دیگر تیم ملوان بندرانزلی هم به کم از پیروزی در دیدار خانگی مقابل نایب قهرمان آسیا رضایت نمی‌دهد. میل و علاقه دو تیم به پیروزی اگر تحت تاثیر حواشی و اتفاقات مسابقه قرار نگیرد، می‌تواند بازی چهارشنبه شب را برای تماشاگران انزلی چی جذاب کند.

شاهین ـ صبا

صدرنشین جوان و با انگیزه لیگ برتر این هفته به بوشهر می‌رود تا با تیم شاهین روبرو شود. شاهین که تنها برد خود را مقابل پرسپولیس کسب کرده با پنج امتیاز رده دهم جدول را در اختیار دارد و صدرنشین تیم‌های میانه پایین جدول است! این بازی برای تیم‌های مدعی و بالای جدولی از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که اگر صبای قم بازنده میدان را ترک کند یا امتیاز از دست بدهد، می‌توانند در همین هفته‌های ابتدایی به صدر جدول تکیه بزنند.

مس کرمان ـ فجر شیراز

بازی مس کرمان ـ فجرسپاسی شیراز، جدال بحران‌زده‌ها و تیم‌های انتهای جدول است، البته با شرایطی کاملا متفاوت. صمد مرفاوی به دنبال شروع ضعیف تیمش در هفته‌های ابتدایی لیگ تحت فشار قرار دارد و روی لبه تیغ راه می‌رود از سوی دیگر احمد کلانتری به واسطه بازگشت دوباره فجر به لیگ برتر و شروع خوبی که در این مسابقات داشته، انتقادی از بابت ایستادن فجر در رده شانزدهم لیگ برتر نمی‌بیند. بازی چهارشنبه شب برای هر دو تیم به ویژه مس کرمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سپاهان ـ نفت تهران

زردپوشان اصفهانی با برتری ۲ بر صفر مقابل شهرداری تبریز چهره یک مدعی را پیدا کرده و برای رسیدن به بالای جدول خط و نشان کشیدند. این تیم در هفته پنجم لیگ برتر میزبان تیم حسین فرکی است، تیمی که پرفراز و نشیب ظاهر شده و مشخص نیست در بازی با سپاهان کدام روی خود را خواهد داشت، تیمی که مس کرمان را به راحتی شکست می‌دهد یا تیمی که در مصاف با راه‌آهن به نتیجه راضی می‌شود.

سایپا ـ داماش

شروع خوب سایپای البرز در لیگ برتر با نتایجی ناامیدکننده همراه شد، تا جائیکه شاگردان مجید صالح در پایان هفته چهارم به رده سیزدهم جدول لیگ برتر سقوط کردند. تیم سایپا برای جبران ناکامی‌های اخیر چاره‌ای جز تحمیل شکست به تیم داماش ندارد. داماش پرستاره هم شرایط چندان به سامانی ندارد، شاید اگر پیروزی بازی با فجر برای این تیم رقم نمی‌خورد، امروز از تیمی باید حرف می‌زدیم که در رده‌های انتهای جدول جای داشت. داماشی‌ها امیدوارند ستاره‌های جدید نقشی تعیین کننده در این تیم ایفا کنند.

راه‌آهن ـ مس سرچشمه

زردپوشان راه‌آهن فعلاً می‌بازند و مساوی می‌کنند و دایی با این توجیه که تیمش را دیر تحویل گرفته است، خود را در اینکه راه‌آهن به رده چهاردهم جدول سقوط کرده، تبرئه می‌کند. در هفته پنجم با ناکام تازه وارد به لیگ برتر بازی می‌کنند. حریف چهارشنبه شب دایی و یارانش مس سرچشمه کرمان است که با یک امتیاز قعرنشین جدول است و عملکردی ضعیف از خود برجای گذاشته.

پرسپولیس ـ نفت آبادان

شرح حال پرسپولیس را دیگر همه می‌دانند. بدترین شروع در تاریخ لیگ برتر، تحمل دو باخت و رسیدن به دو نتیجه تساوی، ایستادن در پله پانزدهم جدول و در حسرت پیروزشدن نتایجی است که پرسپولیس به آن رسیده است. تیم استیلی که در بحرانی‌ترین شرایط ممکن قرار دارد، فشار تماشاگران را به شدت احساس می‌کند و زیر ذره بین و نگاه تیزبین هواداران است، هوادارانی که از باخت پرسپولیس خسته شده‌اند.

تیم پرسپولیس با این شرایط سخت و بحرانی چهارشنبه شب در آخرین دیدار از روز نخست هفته پنجم لیگ برتر در ورزشگاه آزادی میزبان صنعت نفت آبادان است، تیمی که تاهمین هفته گذشته شرایط مشابه پرسپولیس داشت اما با برتری مقابل مس کرمان فعلاً به آرامش رسیده و رتبه نهم جدول را در اختیار دارد.

حمید استیلی و شاگردانش در حالی مقابل تیم غلام پیروانی صف‌آرایی می‌کنند که علی کریمی را نیز در اختیار نخواهد داشت. غیبت کریمی برای سرخپوشان یک فرصت و البته تهدید است. فرصت از آن جهت که می‌توانند بازی بدون او را نیز خیلی زود در هفته پنجم تجربه کنند و تهدید از آن بابت که دیگر چهره‌ای موجه برای تماشاگران در بین بازیکنان پرسپولیس نیست و آنها اگر تیم‌شان به نتیجه لازم نرسد، بیرحمانه‌تر از گذشته به استیلی و شاگردانش خواهند تاخت.

بازی چهارشنبه شب برای استیلی، کاشانی و تمامی عوامل باشگاه پرسپولیس با اهمیت است. شاید اگر بازهم تیم ناکام بماند و به پیروزی نرسد، آنها ناچار به استعفا و جدایی شوند، چراکه برای تماشاگر عصبانی پرسپولیس تنها راه نجات این تیم بحران‌زده فعلاً وداع استیلی و کاشانی است. تمامی دیدارهای امشب به استثنای دیدار پرسپولیس ـ نفت ساعت ۲۲ و دیدار پرسپولیس ـ نفت ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه آغاز خواهد شد.

دیدارهای فرداشب هم به شرح زیر برگزار می‌شود:

تراکتورسازی ـ شهرداری، ساعت ۲۲، ورزشگاه یادگار امام تبریز

فولاد ـ استقلال، ساعت ۲۲:۳۰، ورزشگاه تختی اهواز

جدول مسابقات فوتبال لیگ برتر (جام خلیج فارس) تا پایان هفته چهارم

	تیم	بازیها	برد	مساوی	باخت	زده	خورده	تفاضل	امتیاز
۱	صباقم	۴	۳	۱	–	۸	۲	۶	۱۰
۲	استقلال تهران	۴	۳	۱	–	۶	۲	۴	۱۰
۳	تراکتورسازی تبریز	۴	۳	–	۱	۷	۵	۲	۹
۴	سپاهان اصفهان	۴	۲	۲	–	۵	۲	۳	۸
۵	ذوب آهن اصفهان	۴	۲	۱	۱	۴	۳	۱	۷
۶	فولاد خوزستان	۴	۲	۱	۱	۳	۲	۱	۷
۷	ملوان بندرانزلی	۴	۱	۳	–	۵	۱	۴	۶
۸	نفت تهران	۴	۱	۲	۱	۶	۶	–	۵
۹	نفت آبادان	۴	۱	۲	۱	۳	۳	–	۵
۱۰	شاهین بوشهر	۴	۱	۲	۱	۲	۲	–	۵
۱۱	شهرداری تبریز	۴	۱	۲	۱	۴	۵	-۱	۵
۱۲	داماش گیلان	۴	۱	۱	۲	۳	۴	-۱	۴
۱۳	سایپا البرز	۴	۱	۱	۲	۴	۶	-۲	۴
۱۴	راه آهن شهری	۴	–	۳	۱	۴	۶	-۲	۳
۱۵	پرسپولیس تهران	۴	–	۲	۲	۵	۷	-۲	۲
۱۶	فجر سپاسی شیراز	۴	–	۲	۲	۱	۴	-۳	۲
۱۷	مس کرمان	۴	–	۱	۳	۴	۷	-۳	۱
۱۸	مس سرچشمه	۴	–	۱	۳	۳	۱۰	-۷	۱

جهان فوتبال

«میشاییل بالاک» در بایرلورکوزن می‌ماند

رودی فولر، مدیر ورزشی تیم فوتبال بایرلورکوزن گفت: این باشگاه هیچ طرحی برای فروش میشاییل بالاک در دستور کار ندارد.

وی با بیان اینکه اخبار مربوط به فروش بالاک شایعاتی بیش نیست، گفت: «اینها حقیقت ندارد.»

بالاک سی‌وچهار ساله از ۳ بازی گذشته فصل جدید بوندس لیگا فقط یک بار به میدان رفته و «رابین دات»، مربی این تیم، گفته، به بازیکن پیشین تیم فوتبال چلسی اجازه بازی در خط میانی را نمی‌دهد. دات گفته با این بازیکن کهنه کار که تا ژوئن ۲۰۱۲ با بایرلورکوزن قرارداد دارد، مشکلی ندارد.

یواخیم لو، سرمربی تیم فوتبال آلمان، پیش تر از بالاک به عنوان یک بازیکن مازاد یاد کرده است. این در حالیست که بالاک هم پیشنهاد مسئولان فوتبال آلمان برای حضور افتخاری در بازی دوستانه آلمان–برزیل که با برتری ۳–۲ ژرمن‌ها خاتمه یافت را رد کرد.

مدافع ژرمن‌ها گزینه جدید لئوناردو

تیم فوتبال پاری سن ژرمن فرانسه که تاکنون چندین بازیکن را به خدمت گرفته، هنوز هم به دنبال خرید نفرات جدید است و این بار مدافع ملی پوش آلمان را می‌خواهد.

باشگاه پاری سن ژرمن که چندی پیش توسط میلیاردر قطری خریداری شده است، تاکنون چندین بازیکن گرانقیمت را جذب کرده و همچنان به دنبال خرید بازیکنان جدید است.

پاری سن ژرمن در تابستان امسال نزدیک به ۱۰۰ میلیون یورو خرج کرد و اکنون به دنبال امضای قرارداد با مرتساکر از وردربرمن است. البته این بازیکن بارها اعلام کرده قصد ندارد تیمش را ترک کند، اما پاریسی‌ها با توجه به قدرت بالای مالی خود، قصد اغوای وی را دارند.

نارضایتی آقای خاص از حرکت اخلاقی کاسیاس!

خوزه مورینیو، سرمربی تیم فوتبال رئال‌مادرید اسپانیا از حرکت کاسیاس و تماس او با بازیکنان بارسلونا برای بازگرداندن صلح و آرامش ناراحت شده است!

اسپورت در گزارشی از آخرین تمرین رئال‌مادرید مدعی شده، سرمربی پرتغالی این تیم از اینکه «ایکر کاسیاس» در پایان بازی بارسلونا با پویول و ژاوی تماس گرفته و درباره جنجال و تنش به‌وجود آمده میان دو تیم صحبت کرده ناراضی است!

در گزارش اسپورت عنوان شده که مورینیو حرکت کاسیاس را از موضع ضعف دانسته و حرکت سنگربان تیمش را به نوعی پذیرش تقصیر در جنجال به وجود آمده در بازی ارزیابی کرده است.

مورینیو معتقد است کاسیاس با این حرکت نشان داده که بازیکنان و اعضای کادرفنی باشگاه رئال‌مادرید «آدم بد» شده‌اند و تماس تلفنی کاسیاس با دو کاپیتان بارسلونا موید این مطلب است که بازیکنان بارسلونا تقصیری نداشته‌اند.

مرد جنجالی نیمکت سپیدپوشان مادریدی که همگام با فلورنتینو پرس، بازیکنان بارسلونا را در ایجاد جنجال مقصر می‌داند، از دروازه‌بان تیمش خواسته تا سخنگویی داشته باشد و اظهارات او بدون تایید باشگاه رسانه‌ای نشود.

ایکر کاسیاس در جنجالی که در دیدار برگشت سوپرجام اسپانیا به وجود آمد، از معدود بازیکنان رئال‌مادرید بود که تلاش می‌کرد به درگیری‌ها پایان دهد. وی در دقایقی که بازی متوقف شده بود با ژاوی و پیکه صحبت کرد و پس از بازی هم در تماس تلفنی به نوعی از بازیکنان بارسلونا دلجویی کرد.

بارسلونا قهرمان جام «خوان گمپر»

تیم فوتبال بارسلونا اسپانیا موفق شد با ۵ گل ناپولی ایتالیا را در هم بکوبد و قهرمان جام «خوان گمپر» شود.

بارسلونا که هفته گذشته با شکست رقیب سنتی خود (رئال‌مادرید) در سوپرجام اسپانیا؛ نخستین جام فصل جدید خود را به دست آورده بود، دوشنبه شب هم موفق شد با نتیجه ۵–صفر ناپولی ایتالیا را در هم بکوبد و قهرمان جام «خوان گمپر» شود.

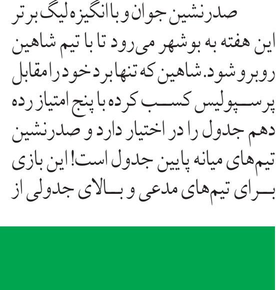
این جام سنتی هر ساله به‌مناسبت بزرگداشت گمپر، بنیانگذار باشگاه بارسلونا برگزار می‌شود.

در این دیدار که در ورزشگاه نیوکمپ بارسلون برگزار شد، شاگردان پپ گوآردیولا مانند همیشه بازی را با هجومی آغاز کردند و موفق شدند گل نخست خود را در دقیقه ۲۵ توسط سسک فابرگاس، بازیکن جدید خود به ثمر برسانند.

آبی–اناری‌ها ۵ دقیقه بعد، گل دوم خود را توسط سیدو کیتا وارد دروازه حریف کردند و نیمه نخست با همین نتیجه به پایان رسید.

بارسلونا نیمه دوم بازی را نیز با هجوم بی‌امان خود آغاز کرد و در دقیقه ٦۲ توسط پدرو به گل سوم رسید، اما این پایان کار نبود و تازه نوبت لیونل مسی رسید. مسی موفق شد در دقیقه ٦٦ گل نخست خود و چهارم بارسلونا را به ثمر رساند و ۱۱ دقیقه بعد گل دوم خود را هم وارد دروازه حریف ایتالیایی کرد و بازی با نتیجه ۵–صفر به پایان رسید.

ایران در پله سی‌وسوم بازی‌های دانشجویان جهان قرار گرفت



ایران با کسب ۸ مدال (یک طلا، ٤ نقره و ۳ برنز) در پایان بیست‌وششمین دوره بازی‌های دانشجویان جهان در شنژن چین در میان ۱۵۰ کشور عنوانی بهتر از سی‌وسومی کسب نکرد.

در این دوره از بازی‌ها تمامی ۸ مدال ایران را نمایندگان تیم پومسه و مبارزه تکواندو برای ایران به ارمغان آوردند و سایر رشته‌های ورزشی سهمی در کسب مدال نداشتند. مهران عسگری تنها نشان طلای کاروان ایران را به ارمغان آورد، هادی مستعان و فرزاد ذوالقدری نقره‌ای شدند و روح‌الله طالبی کاپیتان تیم مبارزه تکواندو یک مدال برنز کسب کرد. تیم پومسه هم به ۲ نشان نقره و ۲ مدال برنز در ۲ قسمت تیمی و انفرادی دست یافت. در این رده‌بندی ۵۷ کشور موفق به کسب مدال شدند.

ایران در دوره گذشته این بازی‌ها در بلگراد صربستان با ۵ طلا، ۲ نقره و یک برنز در میان ۱٤۵ کشور، عنوان یازدهمی را به خود اختصاص داده بود.

کاروان ایران برای نخستین بار در این دوره از رقابت‌ها با ۹ تیم شامل والیبال، وزنه‌برداری، ژیمناستیک (هنری و ایروبیک)، تکواندو (پومسه و مبارزه)، تیراندازی، تیروکمان، گلف، دو و میدانی و دوچرخه‌سواری و با ۷۹ ورزشکار حضور یافت که تیم‌های دوچرخه‌سواری، گلف، ژیمناستیک، وزنه‌برداری و تیراندازی برای نخستین بار حضور در این بازی‌ها را تجربه می‌کرد.

رده‌بندی جدول توزیع مدال برای تیم‌های اول تا پنجم به شرح زیر است:

۱ـ چین: ۷۵ طلا ـ ۳۹ نقره ـ ۳۱ برنز = مجموع ۱٤۵ مدال
۲ـ روسیه: ٤۲ طلا ـ ٤۵ نقره ـ ٤۵ برنز = مجموع ۱۳۲ مدال
۳ـ کره‌جنوبی: ۲۸ طلا ـ ۲۱ نقره ـ ۳۰ برنز = مجموع ۷۹ مدال
٤ـ ژاپن: ۲۳ طلا ـ ۲٦ نقره ـ ۳۸ برنز = مجموع ۷۷ مدال
۵ـ آمریکا: ۱۰ طلا ـ ۲۲ نقره ـ ۱۱ برنز = مجموع ۵۰ مدال

دستورالعمل دادستان تهران برای مقابله با جرائم خاص

سرویس خبر: دادستان تهران با توجه به تأثیر سوء برخی جرایم مانند تجاوز به عنف، سرقت‌های مسلحانه و شرارت بر احساسات عمومی افراد در جامعه، دستورالعملی را برای مبارزه با این گونه جرایم صادر کرد.

در این دستورالعمل آمده‌است: با توجه به تأثیر سوء برخی جرایم مانند تجاوز به عنف، سرقت‌های مسلحانه و شرارت‌ها بر احساسات عمومی افراد در جامعه، مقتضی است در مبارزه با این گونه جرایم به شرح زیر اقدام شود:

۱ـ از این پس همه پرونده‌های مربوط به شرارت‌ها و مجرمان خطرناک به دادسرای شهید مقدس تهران ارسال شود.

۲ـ پرونده‌هایی به دادسرای امنیت ارسال شوند که اولاً از پرونده‌های قدیمی آن دادسرا نباشد؛ ثانیاً سرپرست دادسرای شهید مقدس، ضرورت رسیدگی در آن دادسرا را احراز کند. بنابراین پرونده‌هایی که از دادسرای شهید مقدس به لحاظ عدم شمول در این بخشنامه اعاده می‌شود، در دادسرای محل وقوع جرم رسیدگی شود.

۳ـ در مورد این گونه جرایم، سرعت در رسیدگی، عدم اغماض و صدور قرارهای متناسب مورد تاکید است.

٤ـ در جرایم دارای جنبه عمومی مانند چاقوکشی، پرونده با رضایت شاکی مختومه نشود و برای مجازات مجرم از جنبه عمومی به دادگاه ارسال شود.

۵ـ اطلاع‌رسانی در این نوع پرونده‌ها، به صورت متمرکز در دادستانی تهران انجام خواهد شد و سرپرستان نواحی، وقوع این‌گونه جرایم را بلافاصله به دادستان تهران اطلاع دهند.

٦ـ با تشکیل جلسات با نیروی انتظامی در حوزه آن دادسرا، اقدامات پیشگیرانه از طریق حضور ملموس پلیس مورد توجه قرار گیرد.

۷ـ پس از صدور کیفرخواست، نمایندگان دادستان با مطالعه دقیق پرونده در دادگاه حضور به هم رسانند و از کیفرخواست دفاع کنند. ضمناً اعلام نتیجه رسیدگی به سرپرست ناحیه یا حسب مورد دادستان تهران ضروری است.

۸ـ پلیس برای همه مجرمان خطرناک و افرادی که شرارت می‌کنند، شناسنامه اطلاعاتی تهیه کند و با اخذ سوابق کیفری آن‌ها و انجام تحقیقات اولیه، پرونده به دادسرای شهید مقدس ارسال شود.

۹ـ در خصوص پرونده‌های موجود، سرپرستان نواحی با رئیس دادگاه‌های تهران یا رئیس مجتمع قضایی مربوطه هماهنگی کنند تا شعب خاصی برای رسیدگی به این نوع جرایم تعیین شود و این گونه پرونده‌ها به شعب تعیین شده ارسال شود.

۱۰ـ از معاونان سرپرستان دادسراها انتظار میرود با مدیریت و پیگیری‌های لازم، هزینه‌های مربوط به جرم را برای مجرمان افزایش دهند تا از این طریق به کنترل مجرمان در سطح منطقه نایل آیند.

۱۱ـ پلیس مکلف است همه طرحهای راجع به اشرار را از طریق هماهنگی با سرپرست دادسرای شهید مقدس اجرا کند.

۱۲ـ مدیر کل زندان‌های استان تهران ترتیبی اتخاذ کند که این گونه متهمان و محکومان در بندهای ویژه نگهداری و طبقه‌بندی لازم رعایت شود.

۱۳ـ سرپرستان نواحی ترتیبی اتخاذ کنند که احکام صادره پس از قطعیت سریعاً اجرا و نتیجه به دادستانی تهران اعلام شود.

۱٤ـ در مواردی که سرپرستان موضوعات خاصی را قابل طرح در ستاد پیشگیری از جرایم خاص دادستانی تهران می‌دانند، مراتب را کتباً به دبیرخانه ستاد اعلام کنند.

۱۵ـ همه سرپرستان در حوزه ماموریت خود، آمار جرایم ارتکاب یافته به ویژه سرقت‌های باندی و مسلحانه، جرح با چاقو، آدم‌ربایی، مزاحمت بانوان و کودک‌آزاری را مورد توجه قرار دهند و چنانچه در این رابطه‌ها با مشکل روبه‌رو شوند، مراتب به دادسرای تهران اعلام شود.

خدمات‌رسانی شهرداری به شرکت کنندگان در راهپیمایی روز قدس و عیدسعیدفطر

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: شهرداری تهران به منظور هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن راهپیمایی روز جهانی قدس که جمعه این هفته برگزار می‌شود، خدمات‌رسانی گسترده‌ای را تدارک دیده است. به گزارش خبرنگار ما، دکتر محمدهادی ایازی سخنگوی شهرداری تهران دیروز در نشست خبری در تشریح برنامه‌های روز جهانی قدس، با اعلام این مطلب، به پیش‌بینی‌های امام راحل مبنی بر نابودی رژیم غاصب اسرائیل و حکومت‌های خودکامه منطقه اشاره کرد و با تأکید بر این‌که با توجه به بیداری اسلامی در کشورهای منطقه، امسال روز قدس از اهمیت بیشتری برخوردار است، گفت: پیش‌بینی می‌شود با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته شاهد حضور گسترده مردم در این روز باشیم.

ایازی به اجرای سامانه‌های رمضان در روزهای دوم و سوم شهریور با عنوان قدس قبله اول، استبدادستیزی و بیداری اسلامی اشاره کرد و گفت: شهرداری تهران در روز قدس ضمن ارائه تسهیلات، حمل‌ونقل عمومی را برای رفت و آمد شرکت کنندگان در راهپیمایی تدارک دیده است. وی همچنین از توزیع محصولات فرهنگی در مسیر راهپیمایی، حضور ورزشکاران در ایستگاه‌های مسیر راهپیمایی، ایجاد نمایشگاه خاص روز قدس در خیابان فلسطین با همکاری سازمان فرهنگی ـ هنری و سازمان زیباسازی شهرداری تهران، نصب بنرهای مختلف در مسیر راهپیمایی و پخش برنامه‌های روز قدس در تلویزیون‌های شهری را از جمله برنامه‌های پیش‌بینی شده در روز قدس اعلام کرد و گفت: ویژه‌برنامه‌هایی در باغ موزه دفاع مقدس برگزار می‌شود.

معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران به ویژه برنامه‌های روز عید سعید فطر هم اشاره کرد و گفت: برگزاری جشن مغفرت در بوستان‌های شهر، نورافشانی در میدان آزادی و برج میلاد، ایجاد ایستگاه‌های صلواتی، تدارک تسهیلات برای حضور شهروندان در محل نماز عید از جمله برنامه‌های عید سعید فطر است.

سخنگوی شهرداری تهران در بخش دیگری از این گفت‌وگو در پاسخ به سؤال خبرنگار ما درباره زمان اجرای طرح تفصیلی شهر تهران گفت: هریک از بخش‌های طرح تفصیلی که به تصویب کمیسیون ماده ۵ برسد برروی سایت شهرداری تهران قرار می‌گیرد و توسط مناطق، عملیاتی می‌شود. اکنون این طرح در جلسات کمیسیون ماده ۵ در حال بررسی است تا تمامی بخش‌های مختلف طرح تفصیلی تصویب و اجرایی شود.

معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران درباره میزان آلودگی هوای داخل تونل‌های مترو و این‌که قرار بود توسط شرکت کنترل کیفیت هوا اطلاع‌رسانی شود، گفت: این کار صورت گرفته و آمارها هم اعلام شده است. براساس این آمارها، میزان آزبست هوا در سطح شهر سه برابر داخل مترو است و در مجموع میزان آلودگی در ایستگاه‌ها نسبت به فضای شهر بسیار کمتر است.

حقوق و مزایای دوران اسارت آزادگان پرداخت می‌شود

سرویس شهرستانها: مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اردبیل گفت: با اجرایی شدن ماده ۱۳ قانون حمایت از آزادگان، حقوق و مزایای دوران اسارت آزادگان پرداخت می‌شود. به گزارش ایرنا، سید ودود سید شنوا در آیین تجلیل از ۲۷ آزاده فرهنگی مشگین شهر در کانون نرجس مشگین شهر افزود: این قانون اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و به زودی با اجرای آن حقوق و مزایای دوران اسارت آزادگان پرداخت خواهد شد.

وی گفت: بازنشستگان آزاده می‌توانند با سنوات ارفاقی دوباره در ادارات و نهادهای دولتی استان مشغول کار شوند.

وی اظهار داشت: استان اردبیل افتخار داشتن ۷٤۸ آزاده را دارد که از این عده ٦۷۰ نفر ساکن استان اردبیل بوده و ۲۲ نفر نیز پس از آزادی درگذشته‌اند.

نخستین دوره آموزش طب هوایی به‌زودی برگزار می‌شود

نخستین دوره آموزش طب هوایی ۱۲ شهریور برگزار می‌شود.

محمدرضا کاظمی‌پور مدیرکل دفتر گواهینامه، امتحانات و امور پزشکی سازمان هواپیمائی کشور با اعلام این مطلب افزود: سازمان هواپیمایی کشوری براساس مقررات ایکائو اقدام به برگزاری این دوره‌ها در دو سطح پایه و پیشرفته توسط اساتید داخلی و خارجی کرده است.

وی یادآور شد: دوره اول آموزش طب هوایی توسط اساتید داخلی به مدت دو هفته و دومین دوره آموزشی مزبور توسط اساتید خارجی در بهمن امسال برگزار می‌شود.

رود دره‌های فرحزاد و اوین تفرجگاه می‌شوند

شهردار منطقه ۲ تهران از پیشرفت کار در رود دره‌های فرحزاد و اوین در این منطقه خبر داد و گفت: با بهره‌برداری کامل از این دو رود دره، منطقه ۲ تهران به کانون گردشگری و تفرجگاهی و گذران اوقات فراغت شهروندان تبدیل می‌شود. مهندس اسد فاضل در گفتگو با خبرنگار ما، افزود: فاز نخست رود دره فرحزاد تا بزرگراه همت باعنوان بوستان نهج‌البلاغه به مساحت ۳۵ هکتار به بهره‌برداری رسیده است که همه روزه شهروندان زیادی از امکانات این بوستان استفاده می‌کنند.

وی افزود: فاز دوم حدفاصل بزرگراه‌های همت و رسالت (حکیم) به مساحت ٦۵ هکتار است که ۷۵ درصد از کارهای اجرایی آن به اتمام رسیده است.

فاضل با اشاره به این که شیب تند این فاز، کار را با مشکل روبرو کرده‌است، افزود: در فاز دوم مجموعه‌های خدماتی، فرهنگی و تفریحی زیادی پیش‌بینی شده است. وی درباره فازهای ۳ و ٤ رود دره فرحزاد که طراحی و نحوه اجرای آن به مشاور طرح واگذار شده است، گفت: فاز سوم این مجموعه مربوط به باغ‌های فرحزاد است که در حال مذاکره با صاحبان آن‌ها هستیم، اما فاز ٤ پایین‌تر از بزرگراه حکیم به مساحت حدود ۳۰ هکتار است که به لحاظ مسطح بودن می‌توان طرح‌های فرهنگی و اجتماعی این بخش را سرعت بخشید.

شهردار منطقه ۲ درباره رود دره اوین، با تاکید بر این که هرگونه ساخت و ساز در این رود دره ممنوع اعلام شده است و بیشتر مساحت این رود دره به توسعه فضای سبز اختصاص می‌یابد، گفت: رود دره اوین به لحاظ شرایط مستعد زمین و شیب کم، کار را برای اجرای بسیاری از طرح‌های فرهنگی، اجتماعی و تفریحی و همچنین توسعه فضای سبز آسان می‌کند.

پیام تبریک ایران به مناسبت پیروزی مردم لیبی

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با صدور بیانیه‌ای تحولات لیبی را که در پی ایستادگی مردم مسلمان این کشور در ماههای اخیر نماد دیگری از حرکت مردمی در منطقه را به نمایش گذاشت. به مردم مسلمان این کشور تبریک گفت.

در این بیانیه با تاکید بر این که خیزش مردمی در لیبی بار دیگر نشان داد که تمکین به خواسته‌ها و مطالبات به حق مردم و احترام به آراء و نظرات آنان یک ضرورت انکار ناپذیر است، آمده است:

جمهوری اسلامی ایران که بر اساس سیاست‌های اصولی خود از ابتدا با حمایت از حرکت مردمی در لیبی و مخالفت با هر نوع دخالت خارجی و کشتار مردم بی‌گناه بر ضرورت تحقق مطالبات به حق مردم بویژه حق تعیین سرنوشت تاکید نموده است، اینک با احترام به خواسته‌های به حق مردم، امیدوار است مردم مسلمان لیبی که با مجاهدت تاریخی خود استعمارگران را از سرزمین اسلامی بیرون راندند با استمرار حضور خود در صحنه و با حفظ هوشمندی لازم از قیام خود صیانت کرده و آنرا در مسیر حفظ استقلال، وحدت ملی، عزت، سرافرازی، سازندگی و آبادانی کشورشان هدایت نمایند.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: رجاء واثق دارد که مردم استعمار ستیز لیبی با قاطعیت و حفظ همبستگی ملی، مانع از هر نوع دخالت بیگانگان بویژه استعمارگران دیروز و مدعیان امروز در رقم زدن سرنوشت خود خواهند شد.

در پایان این بیانیه با تاکید بر این که تقویت همبستگی اسلامی و انسانی برای تحقق آرمان فلسطین از آرزوهای دیرین همه ملت‌های اسلامی است که اطمینان دارد مردم لیبی در این مسیر پیشگام خواهند بود، خاطرنشان شده است: جمهوری اسلامی ایران مانند همیشه آمادگی دارد همه تجربیات خود را در مسیر تحقق آزادی، عدالت، کرامت انسانی، پیشرفت و آبادانی در پرتو یگانه پرستی در اختیار ملت برادر لیبی قرار دهد.

پیام رئیس مجلس به مناسبت سقوط دیکتاتور لیبی

رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی به مناسبت سقوط دیکتاتور لیبی، ضمن تبریک این پیروزی درخشان به انقلابیون و مردم مسلمان لیبی، اظهار امیدواری کرد، این راه تا پایان آن و استقرار حکومتی بر مبنای خواست مردم این کشور با حضور انقلابیون مسلمان و بدون دخالت بیگانگان و عناصر خارجی ادامه یابد.

علی لاریجانی در این پیام با اشاره به این که مردم قهرمان لیبی با اراده خود، علیه حاکمان ستمگر برخاستند و ثابت کردند دوران استبداد و خودکامگی در عصر بیداری ملت‌ها پایان یافته است و باید به خواست مردم احترام گذاشت، آورده است:

ملت شریف لیبی خوب می‌داند که چپاولگران بین‌المللی به سرکردگی آمریکا هدفی جز غارت ثروت عظیم آن کشور ندارند و برای حقوق ملت‌ها هیچ ارزشی قائل نیستند.

لذا هرگونه بی‌اعتنایی و کم‌توجهی به دخالت آنان خسارت‌های جبران‌ناپذیر و خطرناکی را در پی خواهد داشت. امید واثق داریم که مردم مسلمان لیبی به ویژه علما، روشنفکران و جوانان عزیز به مستکبران عالم اجازه نخواهند داد تا جایگزین دیکتاتور معزول شوند.

بررسی فعالیت تعاونی‌های مالی ـ اعتباری در مجلس

سرویس پارلمانی: سئوال احمد توکلی، الیاس نادران و پرویز سروری نمایندگان تهران از شمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در مورد اقدامات آن وزارتخانه در ساماندهی بازار غیر متشکل پولی، مانند تعاونی‌های اعتباری و توسعه تعاونی‌های عام در حوزه پولی و اعتباری، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و سئوال کنندگان از رای گیری در این زمینه منصرف شدند.

در پاسخ به این سئوال، وزیر امور اقتصادی و دارایی، اعلام کرد: حدود ٦۰ هزار میلیارد تومان، یعنی یک پنجم نقدینگی کشور در قالب بازار غیرمتشکل پولی در این گونه موسسه‌ها به گردش درمی‌آید.

حسینی تاکید کرد: وزارت امور اقتصادی و دارایی، نه در صدور مجوز و نه در خصوص نظارت بر آنها اختیار قانونی ندارد.

حسینی در ادامه سخنانش گفت: در شورای پول و اعتبار و مجتمع عمومی بانک مرکزی، همواره خواستار نظارت بر بازار غیرمتشکل پولی و صندوق‌های قرض‌الحسنه بوده‌ایم.

رشد تعاونی‌های اعتباری

پس از این توضیحات، احمد توکلی، به نمایندگی از سوی دیگر سئوال کنندگان، پرسید: چرا در شرایطی که بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی در حال رکود و تعطیلی اند، صف‌های طولانی برای دریافت مجوز ایجاد تعاونی‌های مالی ـ اعتباری تشکیل می‌شود؟

توکلی، تقاضای ایجاد بانک‌های جدید را نیز در راستای ثروت‌اندوزی‌ها ارزیابی کرد و گفت: یکی از بانک‌هایی که به تازگی تاسیس شده سرمایه خود را به طور غیرقانونی از منابع بانک صادرات گرفته و عده‌ای را به آلاف و اولاف رسانده است.

سئوال‌کننده آنگاه اعلام کرد: در کشورهای سرمایه‌داری بازارهای پولی کنترل می‌شود، به طوری که چین ۲۳ سال پس از اصلاحات اقتصادی در سال ۲۰۰۱ بازار بانکی را آزاد کرد، یعنی ابتدا آزادسازی تولید انجام شد و پس از آن نهادهای مالی آزاد شدند.

دولت سوسیالیست فرانسه ۲۰ سال پس از اصلاحات اقتصادی اقدام به آزادسازی نهادهای مالی کرد. آن وقت در اقتصاد ایران، پس از تصویب سیاست‌های اجرایی اصل ٤٤ اقدام به آزادسازی موسسه‌های پولی ـ بانکی شد.

توکلی آنگاه از تداوم فعالیت تعاونی‌های اعتباری غیرمجاز انتقاد کرد و یادآور شد: این موسسه‌ها در مازندران مردم را بیچاره کرده‌اند، زیرا سپرده‌گذاران به اتکای وجود نظارت دولت در این نهادها سپرده‌گذاری کرده‌اند.

در خراسان موسسه‌ای با سوءاستفاده تاسیس شده و ده‌ها شعبه دارد که اعتبارات ۱۰ میلیاردی و ۲۰ میلیاردی به نزدیکان خود واگذار کرده است.

در پی این سخنان، وزیر امور اقتصادی و دارایی اظهار داشت: در این سئوال ٤ موسسه اعتباری مطرح شد که همه آنها در دهه ۷۰ تاسیس شده‌اند و مجوز تعاونی اعتبار شغلی داشته‌اند و به جز یک تعاونی، بقیه تخلف کرده‌اند که مجوز آنها لغو شده است.

وی افزود: از مجموع ۱۱۰ تعاونی اعتباری تمامی آنها متخلف نبودند، ولی با حمایت مجلس، دولت و نیروی انتظامی به سامان مناسبی رسیدیم، به طوری که مکانیسم نظارت بر این بازار توسط بانک مرکزی نیز تقویت خواهد شد.

شرایط واردات کالا

بررسی لایحه «امور گمرکی» در این جلسه ادامه یافت و ۳٦ ماده دیگر آن به تصویب رسید.

بر اساس مواد تصویب شده مسافرانی که مقیم ایران نیستند، علاوه بر لوازم شخصی، می‌توانند اشیای زیر را به قلمروی گمرکی وارد کنند.

جواهرات شخصی، اشیای قابل حمل، مانند دوربین عکاسی و فیلم برداری، پروژکتور فیلم یا اسلاید، دوربین چشمی، آلات موسیقی، ضبط و پخش به همراه نوار و لوح فشرده (سی.دی)، گیرنده رادیویی، تلویزیون، ماشین تحریر، ماشین حساب، کامپیوتر شخصی، کالسکه بچه، صندلی چرخ‌دار (ویلچر)، وسایل ورزشی، تلفن همراه، جعبه کمک‌های اولیه، تجهیزات پزشکی قابل حمل و مورد نیاز مسافر، قایق پارویی و دیگر موارد مشابه.

شرط ورود وسیله نقلیه شخصی برای ایرانیان مقیم خارج از کشور، اقامت حداقل ۳ ماه در آن کشور است.

تذکر ٦۳ نماینده به رئیس جمهوری

در ادامه این جلسه ٦۳ تن از نمایندگان در یک تذکر کتبی به دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری، خواستار آن شدند از تصمیم معاونان خود مبنی بر تبدیل باغ گیاهشناسی و موزه علوم کشاورزی واقع در ولنجک تهران به مکان اسکان شرکت‌کنندگان در کنفرانس غیرمتعهدها، جلوگیری کند.

ترحیم

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تاسف و تاثر درگذشت انسانی شریف و معتمد مرحوم حمید سبزواری را بـه اطلاع کلیه بستگان و آشنایان می‌رساند. مجلس یادبود روز جمعه مورخ ۹۰/۰۶/۰۴ ساعت ۱۱ الی ۱۲/۳۰ در مسجد حجت ابن الحسن (عج) واقع در خیابان سهروردی شمالی برگزار می‌گردد. تشریف‌فرمایی شما بزرگواران موجب شادی روح و تسلی خاطر و امتنان بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: سبزواری ـ حقانی ـ لطفیان ـ هوشیار ـ شرکت نارین ـ شرکت فلزکار همدان و سایر بستگان و آشنایان

بنام خدا

ضمن تشکر از فامیل، دوستان و همشهری‌های خویی گرامی که در مراسم تشییع جنازه و سوگواری مرحوم حاج سیدجمال آیت‌اللهی شرکت داشته‌اند به اطلاع می‌رساند مجلس ترحیمی جهت شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان در کانون توحید واقع در خیابان توحید، خیابان پرچم روز جمعه مورخه ۹۰/۶/۴ از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ منعقد می‌گردد.

آیت‌اللهی ـ غازی بیات ـ هاشمی ـ مقبره

«هوالباقی»

با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و فداکار مرحوم مغفور «حاج عباس ناظریها» بزرگ خاندان ناظریها را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. بازماندگان این پیرغلام اهل بیت علیهم‌السلام مجالس ختمی را جهت شادی و علو روح آن مرحوم برگزار می‌نمایند.

مراسم ختم: روز جمعه چهارم شهریور از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در مسجدالغدیر واقع در بلوار میرداماد.

مراسم ختم بازار: روز شنبه پنجم شهریور از ساعت ۱۰/۳۰ الی ۱۲ ظهر در مسجد آذربایجانی‌ها واقع در انتهای بازار کفاش‌ها

مراسم ختم زنانه: روز شنبه پنجم شهریور از ساعت ۱۰/۳۰ الی ۱۲ ظهر در مسجد اباذر واقع در میدان شهدا خیابان شهید ناطقی

حضور شما عزیزان باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: ناظریها ـ ناظم زمردی ـ مظفری‌خواه ـ نیا ـ نیک‌فرجام ـ ناظری ـ حاج‌حسنی ـ خانیان ـ یوسفی و سایر وابستگان

«بازگشت همه به‌سوی اوست»

چه سخت است دوری از پدری مهربان و دلسوز، همسری وفادار و برادری حامی محمدرضا غفارزاده نمین.

درگذشت این فرهنگی خستگی‌ناپذیر را بـه اطلاع کلیه دوستان و آشنایان می‌رسانیم.

مجلس هفت آن مرحوم روز پنجشنبه مورخ ۹۰/۶/۳ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد حضرت ابوالفضل(ع) واقع در ستارخان ـ نبش خیابان کوکب برگزار می‌گردد. شرکت شما عزیزان موجب تسلی خاطر بازماندگان و شادی روح آن مرحوم خواهد بود.

خانواده‌های: رحمتی ـ غفارزاده ـ یزدانی ـ حسینی‌نژاد ـ شرقی ـ مولاخانی ـ شکوری ـ حسین‌زاده ـ آذرتاش ـ خواجوی‌نژاد ـ نوعی

جناب آقای دکتر حمیدرضا منتظری و خانواده محترم نیکنام

درگذشت سرکار خانم دکتر نیکنام را به خانواده محترم نیکنام و همسر گرامیشان جناب آقای دکتر منتظری تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌داریم. بدینوسیله مراسم بزرگداشت آن مرحومه روز پنجشنبه مورخ ۹۰/۶/۳ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجد نور، میدان فاطمی برگزار می‌گردد.

از طرف خانواده منتظری

با نهایت تاثر و تالم در گذشت سرکار خانم میترا شکرریز فومنی را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند.

مراسم هفتم آن مرحومه روز پنجشنبه ۹۰/۰۶/۳ بر سر مزار واقع در بهشت زهرا قطعه ۳۱۲ ردیف ۵۵ شماره ۲۷ برگزار می‌گردد. وسیله ایاب و ذهاب از درب منزل آن مرحومه راس ساعت ۱۷ حرکت می‌کند.

از طرف خانواده داغدار: شاه‌آبادی فراهانی، شکرریز فومنی، ریاحی و سایر بستگان

به نام خدا

با نهایت تاسف و تاثر درگذشت شادروان زنده‌یاد مادلن بدیعی خواهر گرامی همکار عزیزمان جناب آقای دکتر ارژنگ بدیعی را به اطلاع می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحومه در روز پنجشنبه ۱۳۹۰/۶/۳ از ساعت ۱۹/۳۰ ـ ۱۷/۳۰ در کلیسای یوسف‌آباد واقع در خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی (یوسف‌آباد) خیابان پانزدهم ـ پلاک ۲۲ برگزار می‌گردد.

هیئت مدیره، پزشکان، پرستاران و کارمندان بیمارستان آسیا

هوالباقی

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت ابوی گرامی جناب آقای سرهنگ منوچهر هوشمند و دایی جناب آقای تیمسار سیدپرویز پویان کارشناسان محترم رسمی دادگستری رشته امور وسائط نقلیه موتوری زمینی را ضمن عرض تسلیت به اطلاع همکاران گرامی می‌رساند.

به همین مناسبت مجلس ترحیمی از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ روز پنجشنبه ۹۰/۶/۳ در مسجد امام جعفرصادق(ع) واقع در صادقیه بین فلکه اول و دوم منعقد می‌باشد.

حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

کانون کارشناسان رسمی دادگستری و هیأت رئیسه گروه ۵ ـ امور وسائط نقلیه

یادبود

هوالباقی

چهلمین روز درگذشت مادری مهربان مرحومه اشرف خوش‌آب بیجاری را با غم و رنجی جان‌سوز گذراندیم.

به همین مناسبت روز جمعه ۹۰/۶/۴ از ساعت ۱۸ الی ۲۰ مجلس ختمی در منزل آن مرحومه برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد. ضمنا از دوستان و آشنایانی که در مراسم سوم و هفتم آن مرحومه شرکت نموده بودند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

از طرف خانواده ـ خوش‌آب بیجاری

مدفن عشق جهان است اینجا
یک جهان عشق نهان است اینجا

سوم شهریور یک سال از درگذشت انسانی ارجمند دکتر احمد اسکویی همسر و پدر عزیزمان که همواره مظهر عشق و انسان دوستی بود گذشت.

نبودنش بسان هزاران غربت بی‌انتها و یاد مهرورزیش هنوز گرمابخش دلهایمان.

روانش شاد و یادش جاودان

پروین سهیلی خوانساری

جهانشاه، ملکشاه، آندیا اسکویی

بازگشت همه بسوی اوست

در کمال ناباوری و تأسف، مادر و همسری مهربان و دلسوز و فداکار پیرو راه حق، دوست و یار زندگیمان مرحومه مغفوره هاجر ماسوریانس به دیار باقی شتافت، روحش شاد و یاد و خاطره‌اش جاویدان باد.

بدین وسیله از کلیه امیران ـ افسران و همکاران سرافراز ارتش و اقوام و دوستان و همه بزرگوارانی که در مراسم تدفین و سوگواری با حضور خود و یا تلفنی بخصوص از خارج از کشور ابراز همدردی نموده و موجبات تسلی خاطر بازماندگان را فراهم کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌نماییم و از خواهر عزیزم و همکار گرامیش و دوستان بزرگواری که در اجرای مراسم صمیمانه و بی‌دریغ خانواده عزادار را یاری و مساعدت فرمودند سپاسگزاریم.

در ثانی مراسم شب چهلمین روز درگذشت آن مرحومه در صبحگاه روز جمعه ۹۰/۶/۴ ساعت ۹/۳۰ با حضور بر مزارش یاد و خاطره‌اش را گرامی داشته و پذیرای اقوام و دوستان در منزل آن مرحومه می‌باشیم.

سرهنگ مهندس علیرضا رضامند و فرزندان

هر که باشی و زهر جا برسی
آخرین منزل هستی، اینست
اندر آنجا که قضا حمله کند
چاره تسلیم و ادب تمکینست
خرم آن کس که در این محنتگاه
خاطری را، سبب تسکینست

اول شهریور ۱۳۸۷، بی‌تردید تلخ‌ترین روز عمرمان بود و اینک، در سومین سالگشت سفر ابدی همسر و پدر مهربانمان، زنده یاد «دکتر محمد اسماعیل نظرنیا»، معاون بهداشتی [اسبق] دانشگاه علوم پزشکی زنجان، یادش را چون همیشه گرامی داشته، با همراهی همه بستگان، دوستان و همشهریان محترم برمزارش گرد می‌آییم.

خانواده داغدار: مهتاب نظری، دکتر کوروش نظرنیا، آناهیتا نظرنیا

هو حی الذی لا یموت
سالی گذشت و باغ دلم برگ و بر نداشت
من ماندم شبی که هوای سحر نداشت

وجود نازنینت سرشار از مهربانی و عطوفت بود و ایمان استوارت به هستی بخش همیشه جاوید تا آخرین لحظات عمر، سرمشق زندگی‌مان گردید. با هجرتت نیز ما را به این یقین رساندی که زمستان فصل بی تو بودن است.

دومین سالروز درگذشت مرحوم حاج سید ماشاالله... یاسینی را گرامی می‌داریم.

ازطرف خانواده و سایر بستگان

در چهارمین سال سفر بی‌بازگشت زنده‌یاد خانم گوهرتاج ـ پری کورانلو (مخدومی)، روز پنجشنبه ۹۰/۶/۳ ساعت ۱۸ بر تربت پاکش، در قطعه ۷۳ بهشت زهرا(س)، ردیف ۹، شماره ۶۹ به سوگ می‌نشینیم.

هزینه‌های پذیرایی، صرف امور خیریه خواهد شد.

خانواده‌های: کورانلو، مخدومی، سرمدی و وابستگان

به نام خدا ـ فرزند مهربان ـ فریبا احدی

این چنین می‌شویم از گرمای اشکم سردی سنگ مزارت
تا نشوید روزگار از سینه‌ها سیمای پرمهر نگاهت

دومین سالگرد، ۶ شهریور تلخ‌ترین روز زندگی من است تا زنده‌ام فراموشت نمی‌کنم یادت گرامی، روحت شاد.

مادرت سیده منصوره سجادی و خانواده احدی

به جهان ندیدم من به جز از وفای مادر
همه جا شنیده‌ام من سخن از صفای مادر
به یاد وجود نازنین مادر عزیزمان
خانم انیس قریشی

روز چهارم شهریور مصادف است با سالگرد درگذشت آن عزیز از دست رفته، یاد و خاطره آن شادروان را گرامی می‌داریم.

فرزندان آنرحومه

دومین سالروز درگذشت خانم مهندس زهرا حقیقی، بانویی فرزانه و باایمان که عمر پربار خود را در راه یاری به همنوعان سپری نمود. نام نیکش گرامی باد.

مؤسسه مطالعاتی فرزان زهرا حقیقی ـ مؤسسه توسعه مطالعات بین‌الملل فاطر ـ بنیاد کودکان رفیع ـ مؤسسه خیریه امداد دارویی درمانی مدد ـ انجمن مفاخر معماری ایران

هوالباقی

هر شب که انتظار تو را می‌برم به روز
شرمنده‌ام که بی تو نفس می‌کشم هنوز

شهریور ماه دهمین سالگرد درگذشت همسر و مادری مهربان و باتقوی مرحومه حاجیه خانم افسر منصور آذر می‌باشد. به یاد خوبیها و محبتهای بیکرانش بوده و یادش را گرامی می‌داریم. از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه و علودرجات را خواستاریم.

ازطرف همسر و فرزندانش: احمد ـ مهتاب و مسعود

تسلیت

جناب آقای سیدعلی محمد هاشمی
«مدیریت محترم فروش و توزیع و سازمان شهرستان‌های مؤسسه اطلاعات»

با کمال تأسف درگذشت پدر همسر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم فاتحی تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

سرپرست و کارکنان روزنامه اطلاعات استان اصفهان

همکاران گرامی جناب آقایان
دکتر مدرس ـ دکتر جوادی ـ دکتر رزاقی

مصیبت وارده را به شما عزیزان و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم.

دکتر سید محمود طباطبایی و خانواده

جناب آقای مهندس علی اشرف افخمی
ریاست محترم هیأت مدیره بانک کارآفرین

فقدان درگذشت مادر ارجمندتان را تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزدمنان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت می‌نماییم.

هیأت مدیره انجمن ارزیابی محیط زیست ایران

جناب آقای حاج محسن صراف‌زاده

با کمال تأسف درگذشت والده محترمتان را به شما و خانواده‌تان تسلیت گفته و برای آن مرحومه از درگاه خداوند مغفرت و جهت بازماندگان صبر و بردباری خواستاریم.

سیدعلی زری‌باف ـ موسسه خیریه فرهنگی مسجد و مدرسه ۱۱۰

همکار گرامی جناب آقای مهندس زندوکیلی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر عزیزتان را به شما و خانواده زندوکیلی تسلیت گفته، برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان عمر طولانی همراه با سرافرازی آرزومندیم.

هیأت رئیسه گروه کشاورزی و منابع طبیعی کانون کارشناسان رسمی دادگستری

جناب آقای علی محمدهاشمی و سرکار خانم فاتحی

با اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما و خانواده گرامی تسلیت می‌گوییم.

دلخوش ـ عظیمی

جناب آقای علی محمدهاشمی
مدیریت محترم امور توزیع و فروش

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارد را خدمت شما و خانواده محترمتان، بویژه همسر گرامیتان تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزدمنان برای آن مرحوم مغفرت و برای بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

خدمات موسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

جناب حاج آقا هاشمی

بانهایت تأسف و تألم مصیبت درگذشت پدر همسر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسألت داریم.

از طرف کارکنان، سرپرستی و نمایندگی روزنامه اطلاعات در استان مرکزی

مرشد

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمدعلی جوادی

مصیبت وارده را به شما و همسر محترمتان تسلیت می‌گوییم و برایتان عمری پربار از خدمت به مردم آرزو می‌کنم.

دکتر مقربیان

جناب آقای مهندس سردار علیزاده

با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامی جنابعالی، شادروان عبدالله علیزاده را تسلیت گفته، غفران الهی برای آن شادروان و طول عمر با عزت برای بازماندگان محترم را از درگاه ایزد یکتا خواهانیم.

انجمن شرکت‌های راه سازی ایران

جناب آقای علی محمدهاشمی

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

آرشیو روزنامه اطلاعات

جناب آقای سیدعلی محمدهاشمی
مدیریت محترم امور توزیع و فروش

بانهایت تأثر و تأسف مصیبت وارده را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم.

دفتر نمایندگی روزنامه اطلاعات استان البرز ـ کرج

همکار محترم جناب آقای اردشیر انصاری

مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم.

کانون فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های فنی دانشگاه تبریز

دوست بسیار گرامی و همکار محترم
جناب آقای دکتر حسین سیدی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت بزرگ درگذشت فرزند گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و ضمن آرزوی سلامتی، امیدوارم خداوند متعال صبر و شکیبایی به شما عنایت فرماید.

شرکت بی‌ان‌ام

محمدحسن مرادی

سرکار خانم سوده محمودی

درگذشت پدر بزرگوارتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم رحمت و مغفرت واسعه و برای شما صبر و بردباری مسئلت داریم.

همکاران شما در موسسه محلاتی و همکاران

جناب آقای دکتر خسرو حق‌شناس

با اندوه فراوان درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض نموده و از پیشگاه خداوند متعال برای آن شادروان آمرزش و علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و سلامت آرزومندیم.

پزشکان بیمارستان آیت‌الله کاشانی تهران

جناب آقای مهندس سردار علیزاده

با نهایت تاسف و تاثر درگذشت ابوی گرامی آن جناب را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم، علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه خداوند متعال خواستاریم.

از طرف هیئت مدیره و کارکنان

مهندسین مشاور فربر

جناب آقای دکتر حسین سیدی
عضو محترم هیئت مدیره شرکت ایران‌بهداشت

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت فرزند گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال علو درجات برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای بازماندگان مسئلت می‌نماییم.

بیمارستان محب

جناب آقای دکتر فنائی

با ابراز تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

دکتر احمد نادری ـ مدیرعامل بیمارستان جم

جناب حاج‌آقا سیدعلی محمد هاشمی
و خانواده محترم فاتحی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به محضر جنابعالی و خانواده مکرم فاتحی تسلیت می‌گوییم.

مشهد ـ محمد غفاریان و بانو

جناب آقای سیدعلی محمد هاشمی
مدیریت محترم امور توزیع و فروش

با نهایت تأسف درگذشت پدر همسر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال رحمت برای آن مرحوم و صبر برای بازماندگان مسئلت داریم.

تعاونی مصرف موسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

جناب آقای حاج سیدعلی محمد هاشمی
مدیریت محترم امور توزیع و فروش

با نهایت تأثر در گذشت پدر همسر گرامیتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم فاتحی و سایر بازماندگان تسلیت عرض نموده، برای آن عزیز از دست رفته، از درگاه الهی طلب علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.

زنجان ـ عطائی و بانو

جناب آقای سیدعلی محمد هاشمی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم فاتحی تسلیت عرض نموده و درغم شما شریکیم.

دفتر نمایندگی قلهک ـ کوروش سوری

جناب آقای سیدعلی محمد هاشمی

مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و ما را در غم خود شریک بدانید.

ایلام ـ حاج علی پیرحیاتی ـ آبختی سنجابی ـ پژمان مهدوی‌فر

جناب آقای دکتر سیدمحمد آقامیری
رئیس سازمان نظام دامپزشکی ج.ا.ا

درگذشت پدر گرامیتان آیت‌الله سیدهاشم آقامیری را به حضر تعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای ایشان علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

زنجان ـ خانواده‌های: بابائی و محرمی

جناب آقای اعرابی‌پور

با نهایت تاسف و تاثر در گذشت صبیه گرامیتان را به جنابعالی و آقازاده‌ها و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان از درگاه ایزد متعال صبر و شکیبایی آرزومندم.

کیگام وارتوانیان

سخنرانی

بسمه تعالی شانه

شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن
هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان
آیه ۱۸۵ سوره بقره

به منظور بهره‌گیری معنوی هرچه بیشتر از ماه مبارک و پربرکت رمضان، ماه ضیافت الله و بهره‌مندی از رحمت واسعه الهی و فیض بردن از تعالیم انسان‌ساز گران‌سنگ‌ترین کتاب آسمانی، قرآن مجید، و مکتب رهائی‌بخش اهل بیت عصمت و طهارت، ائمه معصومین، علیهم آلاف التحیه و الثناء هر روز پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد حضرت امام خمینی(ره)، مجلس سخنرانی برگزار و علاقه‌مندان محترم مستفیض خواهند نمود، سپس جلسه قرائت قرآن منعقد خواهد گردید. شایسته است مؤمنین و مؤمنات با شرکت خود فرصت را مغتنم شمرده و فیض کامل برند.

دهه سوم: واعظ گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین مروی دامت افاضاته

دفتر مسجد امام خمینی(ره)

بازار تهران

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سـر دبـیـر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد وششم

تقویم اطلاعات
چهارشنبه ۲ شهریور ۱۳۹۰
۲۳ رمضان ۱۴۳۲ ـ ۲۴ آگوست ۲۰۱۱

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۷ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۴۳ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۰۲ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۲ دقیقه بامداد
اذان صبح (فردا)	۵ و ۰۱ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۳۰ دقیقه

یادداشت

لیبی؛ پایان یک کابوس

پرویز علمایی

طرابلس پایتخت لیبی بعد از شش ماه جنگ داخلی و برجای گذاشتن هزاران کشته و زخمی، سرانجام سقوط کرد و نیروهای رزمنده مخالف معمر قذافی بر این شهر تسلط یافتند. مردم به خیابان‌ها ریختند و شادمانی خود را از این پیروزی نشان دادند. واقعیت این است که نیروهای طرفدار قذافی ضعیف شده بودند و دیگر اینکه این نیروها بدون هدف و آرمان می‌جنگیدند. به همین دلیل تقریباً همیشه آماده فرار بودند.

از محل اقامت قذافی فعلاً خبری در دست نیست و احتمال داده می‌شود که از طرابلس خارج شده باشد. محافظان وی خود را تسلیم نیروهای شورشی کرده‌اند. با این وجود قذافی در یک پیام صوتی اعلام کرد که تا آخرین قطره خون مقاومت خواهد کرد.معمر قذافی در سال ۱۹۶۹ در حالی که تنها ۲۷ سال سن داشت و تازه به درجه سروانی رسیده بود با انجام یک کودتای بدون خونریزی ملک ادریس اول پادشاه لیبی را از حکومت بر کنار کرد و خود بر مسند قدرت نشست. او بلافاصله بعد از کودتا درجه خود را به سرهنگی ارتقا داد، ولی به پیروی از رهبر محبوب‌اش سرهنگ جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر، هرگز درجه‌ای بالاتر از سرهنگی برای خود انتخاب نکرد. سرهنگ قذافی پس از دستیابی به قدرت دستور داد دولتی انقلابی تشکیل شود؛ دولتی که مردم در آن، خود رئیس خود باشند و نیازی به پارلمان و حاکمیت اجرایی دیگری نباشد.رهبر لیبی این اقدام را همانطور که در «کتاب سبز» خود توضیح می‌دهد به عنوان «راه‌حل نهایی برای مسئله دولت» معرفی کرد. او مکاشفه خود را راهی به سوی دموکراسی مستقیم می‌دانست. از دیدگاه قذافی شهروندان لیبیایی نیز از طریق کنگره‌های مردمی و کمیته‌های محلی می‌توانستند اعمال نظر کنند. دکترین سیاسی قذافی در «کتاب سبز» در واقع امر مخلوط نامتجانسی از سوسیالیسم و کاپیتالیسم با افزوده‌هایی از دین مبین اسلام بود که هرگز نتوانست در خارج از مرزهای کشور موفقیتی به دست آورد. در این میان البته معمر قذافی با مشت آهنین، کمیته‌های مردمی را که قرار بود از انقلاب وی که «مسئله دموکراسی را برای همیشه حل کرده» دفاع کنند، در کنترل خود داشت. کشور لیبی در ۴۲ سال اخیر که قذافی بر آن حکومت داشت حوادث بسیاری از سر گذراند که اغلب آنها ناشی از جاه‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها و غرور توجیه‌ناپذیر قذافی بودند. این حوادث به مرور مردم را به ستوه آوردند به طوری که در بهار عربی، لیبیایی‌ها هم فرصتی پیدا کردند و خواستار آزادی و تغییر حکومت شدند. مردم در اواخر ماه بهمن سال گذشته در یک اقدام بی سابقه به خیابان‌ها ریختند و برکناری قذافی را سرلوحه مطالبات خود قرار دادند. پیشروی‌های اولیه انقلابیون بسیار سریع و غافلگیر کننده بود. به طوری که ظرف چند روز شهر بزرگ بنغازی و بخش بزرگی از شرق کشور را به تصرف خود در آوردند. معمر قذافی که از گستردگی و سرعت اعتراض‌ها به وحشت افتاده بود، تلاش کرد که نیروهای وفادار به خود را سازماندهی کند و از سوی دیگر رؤسای قبایل را که نفوذ زیادی در لیبی دارند، به طرفداری از خود فرا خواند. جنگ داخلی با شدت در لیبی آغاز شد. نیروهای طرفدار قذافی با استفاده از امکانات دولت مرکزی و ابزار و ادوات ارتش به قلع و قمع مخالفان پرداختند. قذافی مصمم بود که حکومت خود را حفظ کند و آن را به هیچ بهایی از دست ندهد. در اوایل اسفندماه «مصطفی عبدالجلیل» وزیر سابق دادگستری لیبی که به انقلابیون پیوسته بود تشکیل دولت موقت را اعلام کرد. نیروهای دولتی با قدرت و سرعت شهرهای تحت اشغال شورشیان از جمله «بریقه» و «راس لنوف» را یک به یک از دست گروه‌های مهاجم خارج کردند و در اواخر اسفند به دروازه جنوبی بنغازی رسیدند و محاصره این شهر را آغاز کردند.

دو روز بعد «آلن ژوپه» وزیر امور خارجه فرانسه در نیویورک از شورای امنیت سازمان ملل خواست که به قطعنامه مشترک فرانسه، انگلیس و لبنان در مورد استفاده از نیروهای نظامی برای برقراری منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی رأی دهد تا غیرنظامیان از آسیب و حملات واحدهای قذافی در امان باشند. این قطعنامه با ۱۰ رأی مثبت و ۵ رأی ممتنع و بدون هیچ رأی منفی پذیرفته شد. در ۲۸ اسفند، طبق قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل، مداخله نظامی هوا ـ دریای فرانسه، انگلیس و آمریکا آغاز شد تا منطقه تحریم هوایی برقرار شود و جان غیرنظامیان از بمباران‌های هوایی مصون بماند. تعداد زیادی از ناوهای جنگی و هواپیماهای شکاری برای انهدام شبکه‌های دفاع هوایی نیروهای وفادار به قذافی بسیج شدند. بدین ترتیب تصرف بنغازی از سوی نیروهای وفادار به قذافی عملی نشد. نیروهای شورشی هم به تدریج به سوی غرب پیشروی کردند تا اینکه شنبه شب گذشته انقلابیون مخالف رژیم قذافی در پایتخت قیام کردند و رزمندگان شورشی نیز به کمک آنها شتافتند. شورای موقت لیبی در ماه‌های گذشته بارها اعلام کرده بود که برای تسخیر پایتخت بیشتر باید بر «فروپاشی رژیم» و حمایت «سلول‌های مخفی» درون طرابلس حساب کرد. در اینجا بد نیست یادآوری شود که به رغم پیشرفت قابل ملاحظه مخالفان حکومت قذافی، مشکل بزرگ آنها وجود چند دستگی و اختلاف میان شورشیان است. دو حادثه در تابستان امسال این مورد را بیشتر روشن کردند: یکی حادثه پرابهام کشته شدن ژنرال «عبدالفتاح یونس العبیدی» رئیس ستاد مشترک شورشیان در ۲۸ ژوئیه و زمانی بود که نیروهای وفادار قذافی در تنگنا بودند. این قتل، تردیدهایی را درباره میزان قدرت و اتحاد شورای ملی انتقالی و توانایی این شورا در جلوگیری از خونریزی ایجاد کرد. دو هفته پس از این حادثه ۱۴ نفر از اعضای کمیته اجرایی شورای ملی انتقالی اخراج شدند. این دو واقعه که محققاً به یکدیگر ارتباط داشتند، نشانه اختلافات عمیق میان انقلابیون است.

در شش ماه اخیر که جنگ داخلی در لیبی و حملات هوایی و دریایی ناتو در جریان بود و معمر قذافی بر حفظ قدرت و رها نکردن آن اصرار می‌ورزید، تعداد زیادی از غیرنظامیان لیبیایی جان خود را از دست دادند که آمار کلی آن هنوز معلوم نیست، ولی طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر فقط در همان چهار روز اول راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز، ۱۷۳ تظاهر کننده کشته شدند.

آمار نبردهای داخل طرابلس در شب آخر هم طبق گزارش رویتر، ۳۷۶ کشته و یک هزار مجروح بود. مصطفی عبدالجلیل بارها حکومت قذافی را به خاطر «استفاده مفرط از خشونت» محکوم کرده بود. مصائب مردم لیبی چه در دوران حکومت سرهنگ قذافی و چه در شش ماه اخیر، محققاً در آینده مورد تحقیق و بررسی قرار خواهد گرفت، ولی در اینجا می‌توان گفت که مرحلهٔ جدیدی در تاریخ لیبی شروع شده است و این حوادث، آغاز دوران جدیدی در لیبی برای آینده‌ای دموکراتیک و درخشان است.اینک این نگرانی وجود دارد که شورشیان پس از دستیابی به قدرت و کنترل طرابلس، علیه یکدیگر دست به سلاح برند، زیرا فتح طرابلس و از بین رفتن هدف مشترک جنگ با قذافی، می‌تواند به بروز انشعاب در میان گروه‌های معارض منجر شود. با شرایط موجود، سران شورشیان باید در عین تلاش برای هدایت امور کشور، شیوه‌ای نیز برای رفع تنش میان خود پیدا کنند.

کشورداری برای معارضان مسلماً بسیار دشوارتر از تمامی فعالیت‌هایی خواهد بود که تاکنون انجام داده‌اند. شورای ملی انتقالی اغلب متشکل از مخالفان قذافی است و اعضای آن طیف وسیعی از افراد گوناگون با عقاید مختلف را شامل می‌شوند.

از وزیران قبلی دولت گرفته تا اعضای گروه‌های مخالف، با ایدئولوژی‌های رنگارنگ؛ اسلام گرا، سکولار یا سوسیالیست. آیا در میان مخالفان شخصیتی وجود دارد که بعد از فروکش کردن شعله درگیری‌ها و انتقال قدرت، بتواند رهبری لیبی را بر عهده گیرد و کشور را متحد نگهدارد. قضاوت در این مورد هنوز زود است، ولی مطمئنا در میان سران شورشی، شخصیتی وجود دارد که بتواند اجماع و احترام دیگران را نسبت به خود جلب کند و مشکلات لیبی، از جمله فرقه‌گرایی رایج در آن را مرتفع سازد. بنابراین یافتن افرادی که بتوانند مملکت را با درایت اداره کنند، چالش بزرگ پیش روی رزمندگان امروز خواهد بود.

همبستگی جهانی با انقلابیون لیبی

بقیه از صفحه اول

وی افزود: این مسأله ایجاب می‌کند اتحادیه عرب نشستی فوری برای اعطای کرسی به شورای انتقالی لیبی برگزار کند.

سازمان همکاری اسلامی نیز ضمن استقبال از پیروزی انقلابیون لیبی، از عوامل قذافی خواست به اراده ملت لیبی و خواست آنها برای تغییر احترام بگذارند.اکمل‌الدین احسان اوغلو دبیرکل سازمان همکاری اسلامی پیروزی انقلابیون لیبی و تصرف طرابلس را به ملت لیبی تبریک گفت.

حزب الله لبنان هم از پیروزی بزرگ انقلابیون لیبی ستایش کرد.

در بیانیه حزب الله اضافه شده است: ما امیدواریم که این یک پیروزی نهایی باشد و ظهور یک حکومت عادلانه بتواند آمال و امیدهای کسانی را که مدت‌های مدید درد و رنج کشیده‌اند برآورده کند.

نبیه بری رئیس پارلمان لبنان نیز به مصطفی عبدالجلیل رئیس شورای انتقالی لیبی به دلیل پیروزی انقلاب مردم لیبی تبریک گفت.

کویت نیز بر حمایت خود از شورای ملی انتقالی لیبی تأکید و نسبت به برقراری ثبات و امنیت در این کشور ابراز امیدواری کرد.

وزارت امور خارجه بحرین هم در بیانیه‌ای اعلام کرد: بحرین در راستای همبستگی با ملت لیبی شورای ملی انتقالی این کشور را به عنوان تنها نماینده قانونی ملت لیبی به رسمیت می‌شناسد و امیدوار است پیشرفت، امنیت، ثبات و آبادانی در لیبی محقق شود.

امارات متحده عربی نیز که در جریان شش ماه قیام مردم لیبی سکوت اختیار کرده بود، ورود انقلابیون این کشور را به طرابلس تبریک گفت.

پادشاهی مغرب هم شورای ملی انتقالی لیبی را به عنوان تنها نماینده مشروع مردم لیبی به رسمیت شناخت.

در این حال دولت اسپانیا در نشستی فوق‌العاده از قذافی خواست به منظور جلوگیری از خونریزی‌های بیشتر، از قدرت کناره‌گیری کند.

استیون هارپر نخست‌وزیر کانادا هم سقوط رژیم قذافی را به مردم لیبی تبریک گفت و از آنها خواست تا آنجا که ممکن است در انتقال مسالمت‌آمیز قدرت بکوشند.

پرچم انقلابیون

لیبیایی‌های مقیم آنکارا با تجمع در ساختمان سفارت این کشور در آنکارا پرچم حکومت قذافی را از فراز ساختمان سفارت لیبی به زیر کشیدند و پرچم شورای ملی انتقالی لیبی را به اهتزار درآوردند. سفارت لیبی در بلاروس نیز پرچم دولت لیبی را پایین کشید و پرچم انقلابیون این کشور را به اهتزار درآورد.

پرچم انقلابیون لیبی همچنین بر فراز ساختمان سفارت این کشور در برازیلیا به اهتزار درآمد.

دیپلمات‌های لیبیایی حاضر در سفارت این کشور در اوکراین نیز پرچم انقلابیون را بر فراز ساختمان سفارت لیبی در کی‌یف به اهتزار درآوردند. دیپلمات‌های لیبیایی حاضر در سفارت این کشور در جمهوری چک هم پرچم انقلابیون را بر فراز ساختمان سفارت لیبی در پراگ به اهتزار درآوردند.

خبر دیگر این که شورای انتقالی لیبی از آمادگی خود برای تشکیل دولت جدید در این کشور خبر داد. کاخ ریاست جمهوری فرانسه نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: دولت فرانسه از محمد جبریل نخست‌وزیر دولت انتقالی لیبی برای سفر به پاریس دعوت شده است.

داود اوغلو در بنغازی

احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه برای دیدار با مصطفی عبدالجلیل، رئیس شورای ملی انتقالی لیبی وارد شهر بنغازی در شرق این کشور شد و با مصطفی عبدالجلیل رئیس شورای انتقالی لیبی دیدار کرد.

داود اوغلو در حالی وارد بنغازی مقر انقلابیون لیبی شد که نیروهای قذافی در طرابلس با انقلابیون در حال مبارزه هستند. از سویی وزارت خارجه آمریکا به دنبال سقوط رژیم قذافی اعلام کرد: دیپلمات‌های گروه تماس در مورد لیبی برای هماهنگ کردن گام‌های بعدی تشکیل جلسه خواهند داد.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: هیلاری کلینتون وزیر خارجه و چند تن از همتایان وی با این نشست که در سطح مدیران سیاسی وزارت خارجه در استانبول برگزار خواهد شد، موافقت کردند. در این حال، رئیس جمهوری فرانسه در نخستین واکنش به پیروزی‌های انقلابیون لیبی، از نیروهای وابسته به قذافی خواست سلاح‌های خود را زمین بگذارند.

فرار پسران قذافی

یک منبع انقلابیون لیبی اعلام کرد سیف‌الاسلام پسر قذافی که توسط انقلابیون دستگیر شده بود توانست از چنگ آنها بگریزد. خبرگزاری فرانسه نیز خبر دستگیری سیف‌الاسلام پسر دوم قذافی را که به اتهام جنایت علیه بشریت تحت پیگرد دادگاه بین‌المللی کیفری قرار دارد، مردود دانست. چندین روزنامه نگار از جمله خبرنگار این خبرگزاری شاهد حضور سیف‌الاسلام در مجتمع مسکونی قذافی در طرابلس بودند.

از سویی سیف‌الاسلام قذافی ادعا کرد رژیم قذافی همچنان کنترل طرابلس پایتخت این کشور را در دست دارد.

وی در خارج از باب العزیزیه مجتمع مسکونی قذافی به خبرنگاران گفت: طرابلس تحت کنترل ماست. همه باید مطمئن باشند که در طرابلس همه چیز خوب است. در این حال سخنگوی دیوان بین‌المللی کیفری اعلام کرد از نظر این دادگاه دستگیری سیف‌الاسلام تایید نشده است.

خبر دیگر اینکه شبکه الجزیره اعلام کرد: محمد فرزند ارشد قذافی که توسط نیروهای انقلابی دستگیر شده بود، از محل بازداشت خود فرار کرد.

شبکه الجزیره اعلام کرد محمد توانست با کمک برخی نیروهای وفادار به قذافی از خانه خود در طرابلس فرار کند. سخنگوی انقلابیون لیبی نیز ضمن رد گزارش‌های کشته شدن پسر ششم قذافی گفت معتقد است خمیس احتمالاً در باب العزیزیه در مرکز طرابلس پنهان شده است. از سویی معمر قذافی شایعات مرتبط با تسلیم شدنش و ترک طرابلس را تکذیب کرد. قذافی در پیام رادیویی جدید که از تلویزیون این کشور پخش شد، وعده داد از نبرد طرابلس فاتحانه بیرون بیاید. حاکم لیبی دراین پیام افزود: ما طرابلس را ترک نخواهیم کرد و آن را به اشغالگران و عوامل آنها تسلیم نخواهیم کرد. من در این جنگ با شما خواهم ماند.

ورود انقلابیون به مقر قذافی

مخالفان لیبی موفق شدند وارد مجتمع «العزیزیه»، مقر قذافی شوند. به گزارش رویتر مخالفان قذافی موفق شدند وارد مجتمع العزیزیه در منطقه «باب العزیزیه» شوند. گفته می شود مخالفان موفق شدند خانه معمر قذافی را تصرف کنند. دیروز درگیری‌های شدیدی میان مخالفان لیبی با نیروهای قذافی در منطقه باب العزیزیه در جریان بود.

مجتمع العزیزیه متشکل از استحکامات نظمی و تاسیسات دیگر است و مقر قذافی را در بر می گیرد.

از سویی اوضاع در طرابلس در هاله‌ای از ابهام است و نمی‌توان گفت شهر تحت سیطره انقلابیون یا نیروهای قذافی است. به گزارش بی‌بی‌سی، در حالی که انقلابیون بخش‌های وسیعی از این شهر را به تصرف خود در آورده‌اند، نیروهای طرفدار قذافی همچنان در بخش‌های مختلف شهر به فعالیت و مقاومت خود ادامه می‌دهند به همین سبب درگیری‌های شدیدی در بخش‌های مختلف طرابلس بخصوص اطراف باب‌العزیزیه مقر اقامت قذافی در جریان است. خبر دیگر اینکه سفیر لیبی در کویت در پی سقوط طرابلس به دست انقلابیون، ضمن همبستگی با مردم کشورش اعلام کرد که از این پس تحت نظارت شورای انتقالی لیبی فعالیت می‌کند. همچنین سفیر لیبی در سوریه اعلام کرد با جدایی از رژیم قذافی به شورای ملی انتقالی لیبی پیوسته است.

از سویی مقامات ناتو از حمله موشکی نیروهای طرفدار قذافی به شهر مصراته خبر دادند.

ناتو ابتدا گفته بود سه فروند موشک به این شهر اصابت کرده است. اما پس از آن تنها خبر اصابت یک فروند موشک را تایید کرد. سخنگوی ارشد ناتو گفت: یک فروند موشک زمین به زمین اسکاد از اطراف شهر سرت پرتاب شد و به مناطق ساحلی مصراته برخورد کرد. به گفته وی از میزان تلفات احتمالی خبری در دست نیست. در این حال وزیر خارجه فرانسه که کشورش آغازگر حمله‌های هوایی ضد لیبی بود معتقد است غرب هنوز به اهداف خود در لیبی نرسیده و به گفته او پیروزی در لیبی هنوز کامل نشده است. آلن ژوپه خطاب به نیروهای ناتو هشدار داد که پیروزی نیروهای مخالف در لیبی علیه رژیم قذافی هنوز کامل نشده و بنابراین نیروهای ناتو باید کاملاً آماده باشند و ماموریت خود را به‌طور کامل انجام دهند.

اوباما تهدید کرد

باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا با ادعای تلاش واشنگتن برای برپایی دمکراسی در لیبی، در هشداری به مخالفان قذافی اعلام کرد: هر گروه از مخالفان بخواهند خودسرانه بر بخشی از لیبی تسلط یابند، با آنان برخورد خواهد شد. به گزارش رویترز، وی گفت: روشن است حکومت قذافی به پایان عمر خود رسیده و فرصتی برای توقف کشتار و خونریزی مردم برای وی با کناره‌گیری از قدرت وجود دارد.

در این حال وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد ایالات متحده در سورتی‌های پرواز هواپیماهایش در لیبی از شروع عملیات نظامی در این کشور که نزدیک به ۲۷ درصد از مهمات ناتو را تشکیل می‌دهد یک چهارم مهمات هوایی خود را از دست داده است.

سفر وزیر خارجه ترکیه به لیبی ـ عکس از خبرگزاری فرانسه

بیانیه خانواده امام موسی صدر پس از سقوط رژیم قذافی

خانواده امام موسی صدر در پی سقوط طرابلس توسط انقلابیون لیبی و متواری شدن قذافی، با صدور بیانیه‌ای نسبت به روشن شدن زوایای پنهان ربودن وی و اطلاع از مکان اقامتش ابراز امیدواری کردند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از موسسه امام موسی صدر، در این بیانیه آمده است: حوادث پی‌درپی از اذهان پیشی گرفته‌اند، خبری به گوش نرسیده، خبری دیگر می‌رسد. می‌خواهیم چیزی را با شما در میان بگذاریم، می‌خواهیم با شما بشنویم و ببینیم اخباری جدید را، اما حوادث پیوسته مانع هم‌سخنی با شماست.

دوستداران حق و آنان که در سیاهی به دنبال نوری بودند، از رمضان سال ۱۹۷۸ تا رمضان امسال تلخی‌های بسیاری چشیدند. این هم از لطایف خداوند است که سقوط نظام تروریستی قذافی و پیروزی و آزادی مردم مظلوم لیبی را در شب قدر مقدر فرمود؛ شبی که از ۳۳ سال پیش به‌طور مشخص با جنایت ربودن امام موسی مصادف شده است.

دوستداران امام موسی صدر لحظه دیدار نزدیک است، ان‌شاءالله ثمره دعاها و اشک‌های شما با اراده خداوند، دیدار با امام خواهد بود.

دوستداران امام موسی صدر، ما لحظاتی تاریخی را پشت‌سر می‌نهیم که با گذر این لحظات هرچه بیشتر به آزادی امام موسی صدر و دو همراهش، شیخ محمد یعقوب و روزنامه‌نگار عباس بدرالدین، از زندان‌های قذافی نزدیک می‌شویم. قذافی که از ۳۱ اوت ۱۹۷۸ آنان را ربوده است.

به همین سبب از هر کسی که پس از سقوط طاغوت زمام امور را به دست خواهد گرفت تقاضا داریم که عنایت و توجهی ویژه به این پرونده داشته باشد و اقدامات لازم را برای حفاظت از جان امام و دو همراهش صورت دهد تا آنان به سلامت و پیروزمندانه به وطن و آغوش خانواده و به میان دوستدارانشان باز گردند. ما اطمینان داریم که شورای انتقالی لیبی درخصوص آزادی امام و دو همراهش هیچ مسامحه‌ای نخواهد کرد و با این اقدام خود افزون بر دستاوردهای دیگر، هدیه‌ای نیز به جهان خواهد داد.

از سویی به دنبال سقوط رژیم قذافی و پیروزی انقلابیون، حزب‌الله و جنبش امل با صدور بیانیه‌هایی ضمن تبریک این پیروزی به مردم لیبی، تعیین سرنوشت امام موسی صدر و همراهانش را خواستار شدند.

وزیر خارجه لبنان نیز اظهار داشت با سرنگونی رژیم قذافی، فرصت مناسبی برای پیگیری سرنوشت رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان فراهم شده است.

رأی شورای حقوق بشر سازمان ملل به تشکیل کمیته تحقیق درباره سوریه

سرویس خارجی: شورای حقوق بشر سازمان ملل به تشکیل کمیته تحقیقات مستقل درخصوص سوریه رای داد.

به گزارش ایسنا، شورای حقوق بشر سازمان ملل دیروز بنا به پیشنهاد آمریکا، اتحادیه اروپا و چهار کشور عربی عضو شورا (عرستان، اردن، قطر و کویت) جلسه فوق‌العاده برگزار کرد.این شورا با ۳۳ رای موافق در برابر چهار رای مخالف و ۹ رای ممتنع به تشکیل کمیته مستقل تحقیقات درخصوص اوضاع حقوق بشر سوریه رای داد.

در جلسه روز دوشنبه شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز ۲۵ کشور از جمله چند کشور عربی تشکیل کمیته بین‌المللی را جهت تحقیق در مورد وقوع احتمالی آنچه جنایت علیه بشریت در سوریه نامیدند، خواستار شده بودند.

بازگشت ارتش

نیروهای امنیتی و ارتش سوریه به شهرها و روستاها بازگشتند تا از تظاهرات مخالفان بشار اسد جلوگیری کنند.

به گزارش شبکه الجزیره، نیروهای امنیتی به شهر «حرستا» در منطقه ریف دمشق یورش بردند و تمامی خطوط ارتباطی و شبکه اینترنت آن را قطع کردند. همچنین در حمله این نیروها به روستای «الکسوه» ۱۰ مجروح برجا گذاشت. تانک‌های ارتش نیز به مناطق المیادین، القریه و الطیانه در استان دیرالزور حمله و ۳۰۰ تن را بازداشت کردند.

در عین حال چندین انفجار قوی منطقه «الرستن» در استان حمص را لرزاند.

دستور اسد

بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه قانون اداره محلی را تایید و فرمان تصویب آن را صادر کرد.با تصویب قانون مزبور برخی امور در شهرها و استان‌های مختلف سوریه به مردم این کشور واگذار می‌شود.

هدف از این قانون اجرای اصل دمکراسی، مشارکت دادن مردم در اداره امور کشور و ایجاد واحدهای اداری قادر به تدوین و اجرای طرح‌های توسعه است.هیات دولت سوریه به ریاست «عادل سفر» پیش‌نویس قانون جدید اداره محلی را دهم مرداد ماه تایید کرده بود.اسد دستور تشکیل کمیته احزاب را نیز صادر کرد.

از سویی جوانان و مردم سوریه در حمایت از ارزش‌های ملی و میهنی حفظ حاکمیت و استقلال کشورشان و رد هر گونه تلاش برای متزلزل کردن امنیت و ثبات سوریه، راهپیمایی گسترده‌ای در شهرهای مختلف این کشور برپا کردند.

شماری از جوانان سوری با تجمع گسترده در میدان «یوسف‌العظمه» دمشق و در مقابل ساختمان استانداری دمشق در حالی که عکس‌های بشار اسد و پرچم سوریه را در دست داشتند، حمایت خود را از اصلاحات در این کشور به رهبری اسد اعلام کردند.

خبر دیگر اینکه رئیس جمهوری عراق در نامه‌ای به همتای سوری خود بر حمایت کشورش از سوریه در مقابل توطئه‌ها، تاکید کرد. جلال طالبانی در نامه‌ای که توسط «فالح فیاض» مشاور امنیت ملی عراق به بشار اسد تقدیم شد، بر حمایت عراق از سوریه تاکید کرد.

حمله مزدوران رژیم آل خلیفه به عزاداران بحرینی در سالگرد شهادت حضرت علی(ع)

سرویس خارجی: عزاداران بحرینی در سالگرد شهادت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) مورد هجوم عاملان آل‌خلیفه قرار گرفتند. اراذل و اوباش وابسته به حکومت آل‌خلیفه با حمله و حشیانه به دسته‌های عزادار در سالگرد شهادت حضرت علی(ع) در مناطق مختلف بحرین شماری را زخمی کردند.

هزاران عزادار شیعه بحرینی در سالگرد شهادت امام علی(ع) در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان در قالب دسته‌ها و گروه‌های عزادار در برخی مناطق منامه به حرکت درآمدند که با حمله گسترده عاملان حکومت آل‌خلیفه که سلاح سرد و سنگ در دست داشتند، مواجه شدند. در همین حال، عزاداران شیعه در برخی مناطق نیز مورد هجوم نیروهای امنیتی قرار گرفتند. پلیس آل خلیفه با کمک گرفتن از نیروهای آل‌سعود با گاز اشک‌آور و باتوم به تجمعات مسالمت‌آمیز مردمی حمله کرد. از سویی، رئیس جمعیت جوانان مدافع حقوق بشر بحرین، اعلام کرد، رژیم بحرین شماری از اعضای کادر پزشکی این کشور را در روز ۲۸ ماه میلادی جاری برای محاکمه به دادگاه‌های نظامی خواهد فرستاد.

*** یمن**

رئیس مجلس شورای یمن که در حمله به کاخ ریاست‌جمهوری به همراه دیکتاتور این کشور زخمی شده بود، بر اثر شدت جراحات درگذشت. منابع دولتی یمن اعلام کردند که «عبدالعزیز عبدالغنی» رئیس مجلس شورای یمن بر اثر شدت جراحات در بیمارستانی در ریاض درگذشت. وی به همراه «علی عبدالله صالح» طی حمله ماه ژوئن گذشته به کاخ ریاست جمهوری به شدت آسیب دیده بود. در این حال، خبرگزاری رویترز گزارش داد: نخست‌وزیر یمن که برای مداوای جراحت‌های خود به ریاض رفته بود به صنعا باز می‌گردد.

زاویه

امام خمینی(ره) و روز جهانی قدس

راهی که باید تا پایان رفت

پس از پایان جنگ جهانی دوم بود که خبر تشکیل رژیمی جعلی در فلسطین، جهانیان و ملت‌های عربی و اسلامی از جمله ایرانیان را به بهت و حیرت واداشت؛ از همان زمان بود که مردم مسلمان ایران در صدد برآمدند به نوعی، کمک‌های خود به آزادی فلسطین را سازماندهی کنند که در این میان می‌توان به طرح ثبت‌نام از داوطلبان برای اعزام به جنگ با رژیم صهیونیستی اشاره کرد که توسط رژیم وقت منکوب شد. اما همدلی و همراهی مردم ایران به خصوص روحانیت با مردم فلسطین در راستای آزادی قبله اول مسلمانان ادامه داشت تا آنکه همزمان با شروع نهضت اسلامی در ایران در ابتدای دهه چهل شمسی، مخالفت با رژیم صهیونستی وارد ادبیات مردم ایران و مبارزان شد.

حضرت امام خمینی (ره) به عنوان پرچمدار مبارزات انقلابی در سخنان خود که در ابتدای شروع نهضت در قم ایراد کردند، به شدت رژیم پهلوی را برای آنکه نوکری اسرائیل و آمریکا را می کند مورد حمله قرار دادند و از آن پس انقلابیون ایرانی نیز بر همین منوال رفتند. امام خمینی (ره) در هنگام تبعید نیز همچنان بر اهمیت مساله قدس و فلسطین تاکید داشتند و فلسطین را پاره تن اسلام و مسلمانان می دانستند. ایشان با شیطانی خواندن تشکیل رژیم غاصب صهیونیستی در اراضی فلسطینی، این رژیم را غده‌ای سرطانی خواندند که باید به هر ترتیب ممکن برداشته شود و در این راه گام بسیار مهمی برداشتند. در حالی که جهان اسلام همچنان در شوک امضای توافقنامه کمپ‌دیوید به سر می‌برد، اعلام نظر حضرت امام خمینی (ره) در مورد تعیین آخرین جمعه از ماه مبارک رمضان برای راهپیمایی جهت آزادی قدس شریف، بار دیگر امیدها را در دل مسلمانان زنده کرد.

امام خمینی (ره) در روز ۱۶ مرداد سال ۱۳۵۸ مصادف با سیزدهم رمضان ۱۳۹۹ هجری قمری همزمان با شروع دور تازه‌ای از جنایات بی‌رحمانه رژیم صهیونیستی در لبنان طی پیامی، روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز جهانی قدس» تعیین کردند و عموم مسلمین جهان را به همبستگی اسلامی در این روز بزرگ فراخواندند، متن پیام حضرت امام خمینی درباره روز قدس به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

«من در طی سالیان دراز خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.»

اگر به شرایط ایران در ششمین ماه از پیروزی انقلاب نگاه کنیم، به اهمیت این موضوع پی می‌بریم. اعلام روز جهانی قدس در روزها و ماه‌هایی صورت گرفت که انقلاب اسلامی در داخل ایران با مشکلات فراوان و سهمگینی دست و پنجه نرم می کرد و رهبران انقلابی مشغول مقابله با انواع توطئه‌هایی (از جمله ترورهای سازمان یافته) بودند که از سوی دشمنان داخلی و خارجی و عوامل آن‌ها بر نظام اسلامی تحمیل شده بود. بنابراین اعلام روز جهانی قدس در چنین اوضاع و احوالی بیان گر وجه دیگری از اهمیت مساله نجات فلسطین و نهضت جهانی اسلام در نگاه امام خمینی (ره) است. امام خمینی (ره) به عنوان یک روحانی آگاه و مطلع، با درک شرایط روز جهان اسلام و نیاز به هماهنگی و همراهی میان مسلمانان دست به اقدام بسیار مهم و سرنوشت‌سازی زدند و با اعلام یک روز به عنوان روز جهانی قدس در صدد برآمدند تا به مسلمانان نشان دهند که با رفتن یک کشور زیر بیرق غرب و صهیونیسم نباید ناامید شد و از این به بعد نبض مقاومت برای آزادی قدس در تهران و دیگر پایتخت‌های اسلامی خواهد زد و این تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود. به نظر می رسد که هدف امام خمینی (ره) از اعلام روز جهانی قدس چیزی فراتر از آزادی قدس است و می توان این امر را در گوشه‌گوشه سخنان ایشان یافت. اهدافی که تعیین و حرکت به سوی آن، مسئولیت سنگینی را می طلبد. ایشان در یکی از سخنرانی های خود می فرمایند: «روز قدس یک روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا هستند. روز قدس روزی است که باید این دنباله‌روهای رژیم سابق در ایران (رژیم‌های وابسته به آمریکا و سایر دشمنان اسلام) و آن توطئه چین‌های رژیم فاسد و ابرقدرت‌ها در سایر جاها مخصوصاً در لبنان تکلیف خودشان را بدانند روز قدس روزی است که باید به همه ابرقدرت‌ها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما به واسطه عمال خبیث شما نخواهد بود.» این سخن امام رویکردی گسترده دارد و می توان امروز آن را به تمامی جهان اسلام تطبیق داد. عمل آگاهانه ایشان در بیان رویدادها و تحلیلی که از شرایط داشتند، همه بیانگر نوعی دوراندیشی در این مورد است. در حالی که تحرک از جامعه اسلامی گرفته شده بود و در بیشتر کشورهای اسلامی رژیم‌هایی وابسته بر سر کار بودند، نامیدن این روز می توانست این تحرک را بار دیگر در کشورهای اسلامی به وجود آورد. فلسطینیان نیز با احساس دلگرمی نسبت به دمیده شدن روح تازه‌ای در کالبد امت اسلامی، انتفاضه خود را آغاز کردند.

امام خمینی(ره) می فرمایند: «روز قدس اعلام این مطلب است که ای مسلمین به پیش! ای مسلمین به پیش برای پیشرفت در همه اقطار عالم.»

روز قدس روز بیداری مسلمین و روز احیای اسلام است در این روز باید مسلمانان به احیای اسلام، به احیای حکومت اسلامی و به احیای هر آنچه رنگ و بوی اسلامی دارد بیندیشند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «روز قدس روز اسلام است. روز قدس روزی است که اسلام را باید احیا کرد و باید احیا بکنیم اسلام و قوانین اسلام را در ممالک اسلامی، روز قدس روز حیات اسلام است. باید مسلمین به هوش بیایند. باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند. روز قدس فقط روز فلسطین نیست. روز اسلام است. روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بیرق آن برافراشته شود.»

مفهوم روز قدس از نظر امام خمینی (ره) به قدری وسیع و همه جانبه است که تقریبا تمامی مسائل و مشکلات جهان اسلام و مسلمانان به ویژه آنچه پیرامون روابط جهان اسلام با سایر قدرت‌ها و آنچه پیرامون روابط مسلمانان با رژیم‌های نامشروع وجود دارد را دربر می گیرد. از نظر امام خمینی (ره) روز قدس روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز مقابله مسلمانان با ابرقدرت‌های دشمن اسلام است، روز شناخت منافقان جهان اسلام از مؤمنان و متعهدان است. روز تشخیص دولت‌های خائن از دولت‌های خادم است، روز قطع آمال شیطانی ابرقدرت‌ها است، روز خروج مسلمانان از انزوا است، روز اعلام استقلال همه جوامع اسلامی است، روز هزیمت ظالمان و روز عزت مظلومان است و روز تمامی چیزهایی است که به عنوان مشکل و مساله مسلمانان و جوامع اسلامی مطرح است.

حال ۳۲ سال از روزی که امام(ره) جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به عنوان روز قدس انتخاب کردند و ۴۰ سال از آتش زدن حرم قدس الاقصی توسط صهیونیست‌های افراطی می گذرد و در این میان، وظیفه تمامی مسلمانان جهان است که خود را آماده و راه را برای آزادی قبله اول مسلمانان فراهم کنند.

* مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین

کوتاه از سراسر جهان

شمار قربانیان درگیری‌های سودان جنوبی به ۶۰۰ تن رسید

ایرنا: شبکه الجزیره قطر به نقل از مسئولان سازمان ملل اعلام کرد: درگیری‌های قبیله ای در سودان جنوبی دست کم ۶۰۰ قربانی گرفته است.

سازمان ملل اعلام کرد: در جریان این درگیری‌ها حدود ۲۰۰۰ نفر نیز مجروح شده‌اند. «فرحان حق» سخنگوی سازمان ملل متحد اعلام کرد: درگیری‌ها در ولایت «جانگلی» در سودان جنوبی آغاز شد.

مبارک وصیت‌نامه نوشت

ایسنا: گزارش های خبری حاکی از آن است که وکیل حسنی مبارک وصیت‌نامه دیکتاتور مخلوع مصر را در اداره ثبت اموال غیر منقول ثبت کرد.

فرید الدیب، وکیل حسنی مبارک وصیت‌نامه وی را بدون اطلاع خانواده مبارک از جزئیات آن در اداره ثبت اموال غیر منقول ثبت کرده است. منابع ویژه اعلام کردند که مهمترین مساله‌ای که در وصیت‌نامه مبارک آمده، این است که وی خواسته است که کنار نوه‌اش «محمد علاء» دفن و برای وی مراسم تشییع جنازه برگزار شود.

هلاکت ۱۰۰ عضو «پ.ک.ک» در حملات ارتش ترکیه به شمال عراق

خبرگزاری مهر: ارتش ترکیه از کشته شدن ۱۰۰ شورشی و تروریست وابسته به (پ.ک.ک) خبر داد.

به گزارش آسوشیتدپرس، ارتش ترکیه اعلام کرد که طی حملات نیروی هوایی این کشور به شمال عراق ۱۰۰ شورشی کرد کشته شده‌اند. هنوز جزئیات بیشتری از این عملیات اعلام نشده، اما عملیات علیه تروریست‌های پ.ک.ک از سوی ترکیه پس از کشته شدن ۸ سرباز این کشور توسط این گروه شدت پیدا کرد و طی چند روز گذشته ارتش ترکیه دهها موضع این گروه را بمباران کرده است.

استمداد مقامات آلمان از پلیس فدرال

ایرنا: مقامات شهر برلین با ادامه آتش سوزی‌های عمده شبانه خودروها در این شهر از مقامات پلیس فدرال خواستار کمک برای یافتن عاملان این آتش‌سوزی‌ها شدند. آتش زدن عمدی خودروها در پایتخت آلمان که از هفته گذشته آغاز شده است، دیشب نیز ادامه یافت و به گفته مقامات پلیس، ۱۲ دستگاه خودرو به آتش کشیده شد، در حالی که هیچ اثری از عاملان این اقدامات به دست نیامده است.

۱۳ عضو طالبان در عملیات هلمند کشته شدند

ایرنا: استانداری هلمند افغانستان اعلام کرد؛ ۱۲ عضو طالبان همراه با یکی از فرماندهان ارشد این گروه طی عملیات مشترک افغان و خارجی در این استان کشته شدند.

در عملیاتی که به قتل این افراد انجامید، یک زندان مخفی طالبان نیز در شهرستان «نوزاد» هلمند کشف شد و ۳۰ فرد غیرنظامی محبوس در آن آزاد شدند.

تظاهرات شهرداران ایتالیا علیه برنامه ریاضت اقتصادی «برلوسکونی»

ایرنا: شهرداران شهرهای ایتالیا در اعتراض به برنامه ریاضت اقتصادی دولت «سیلویو برلوسکونی» نخست‌وزیر این کشور و برنامه حذف و ادغام شهرداری‌های کوچک تظاهرات کردند. ده‌ها تن از شهرداران شهرهای کوچک ایتالیا در شهر «تورینو» در شمال ایتالیا علیه طرح حذف شهرداری‌های شهرهای با جمعیت زیر ۳۰۰ هزار نفر که در برنامه ریاضت اقتصادی پیش بینی شده است، تظاهرات برپا کردند.

اسپانیا: زمان به رسمیت شناختن کشور فلسطین فرا رسیده است

سرویس خارجی: «ترینیداد خیمنس» وزیر امور خارجه اسپانیا شرایط کنونی را بهترین زمان برای به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان کشوری مستقل دانست.

به گزارش ایرنا، وی در گفت و گو با روزنامه ال پائیس چاپ اسپانیا توضیح داد که وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا در آینده نزدیک برای بررسی اوضاع سوریه، لیبی و فلسطین گرد هم می آیند و برگزاری این نشست بهترین زمان برای به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی است. وزیر امور خارجه اسپانیا گفت: دولت اسپانیا تلاش می کند کشور عضو اتحادیه اروپا را متقاعد کند که به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی، هدف مشترک همه کشورها به منظور پایان دادن به کشمکش های خاورمیانه است.

وی گفت: اسپانیا معتقد است اکنون زمان آن است که کاری انجام شود و به فلسطینیان امیدواری داده شود که آرزوی آنها برای داشتن دولتی مستقل می تواند به حقیقت تبدیل شود، هر چند کشمکش ها میان فلسطینیان و اسرائیل بسیار طولانی شده است و مشکل است این کشمکش ها را در چند ماه حل کرد. اما اکنون زمان مناسب برای حل مشکلات فرا رسیده است. خیمنس افزود: باید در این زمینه قدم‌هایی برداشته شود و گرنه فلسطینیان برای رسیدن به دمکراسی و آزادی ناامید می شوند. در این حال شبکه الجزیره اعلام کرد رژیم اشغالگر قدس با سلاح‌های مهلک غزه را بمباران می کند.

الجزیره افزود: وزارت بهداشت حکومت منتخب فلسطین در نوار غزه تاکید کرد که اشغالگران اسرائیلی در حملات خود علیه غزه از سلاح‌های مهلک و عجیبی که قبلا به کار گرفته نشده، استفاده می کنند.

سخنگوی وزارت بهداشت در نوار غزه گفت بیشتر جنازه شهدا و بدن مجروحانی که در اثر شلیک موشک از سوی هواپیماهای رژیم صهیونیستی به بیمارستان منتقل می شوند از هم پاشیده یا علائم سوختگی های شدید دارد.

مسئولیت حمله

گروه موسوم به «سازمان انصار مقاومت جهادی» مسئولیت عملیات اخیر در فلسطین اشغالی و به هلاکت رسیدن چند نظامی رژیم صهیونیستی را بر عهده گرفت. ابوالمعتصم المقدسی سخنگوی رسمی این سازمان در بیانیه‌ای که منابع اطلاع رسانی فلسطین پخش کردند گفت هدف از عملیات ایلات کشتن ایهود باراک وزیر جنگ اسرائیل بود. وی افزود به زودی نوار ویدیویی مربوط به اجرای این عملیات را پخش خواهیم کرد. از سویی شورای همکاری خلیج فارس در موضعی که با چند روز تاخیر اتخاذ شد، حمله جنگنده‌های صهیونیستی به خاک مصر در صحرای سینا را محکوم کرد. اعضای شورای همکاری خلیج فارس نقض قوانین از طرف اسرائیل را تجاوز آشکار علیه مصر و نوار غزه دانستند و آن را محکوم کردند.

در این حال وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اعلام کرد به خاطر کشته شدن نیروهای امنیتی مصر به دست نظامیان این رژیم از قاهره عذرخواهی نخواهد کرد. ایهود باراک گفت عملیاتی که پنج‌شنبه گذشته در نزدیکی ایلات رخ داد تلاشی برای برهم زدن روابط بین اسرائیل و مصر بود و از اینکه تل‌آویو توانست مدت زمان تنش امنیتی را کوتاه کند، ابراز خرسندی کرد. این در حالی است که شائول موفاز رئیس کمیسیون امنیت و امور خارجه کنست (پارلمان) رژیم صهیونیستی با انتقاد از سیاست‌های دولت بنیامین نتانیاهو اعلام کرد عدم عذرخواهی فوری از مصر اشتباه بود.

از سویی یکی از مفتی‌های مصر فتوای قتل صهیونیستهای مقیم مصر را صادر کرد. «صلاح سلطان» استاد شریعت اسلامی در دانشگاه قاهره و رئیس کمیته بیت‌المقدس در انجمن جهانی علمای مسلمان فتوا داد هر شهروند مصری اجازه دارد هر صهیونیستی را که در خاک مصر دید، بکشد.

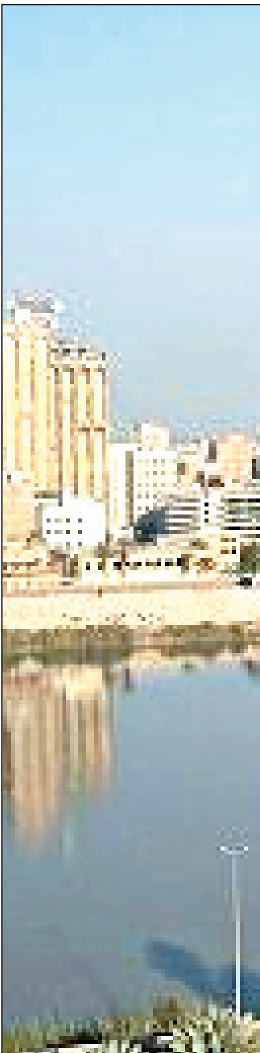
نشست تهران

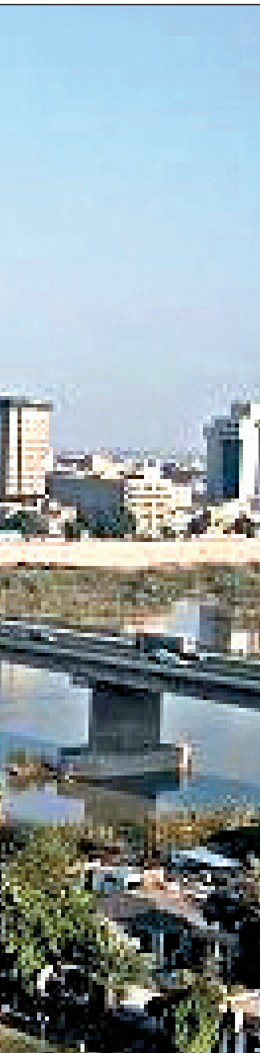
خبرگزاری قدس (قدسنا) در آستانه روز جهانی قدس با هدف تبیین تاثیرات نامگذاری این روز بر تحولات کنونی منطقه و بیداری اسلامی نشستی خبری با عنوان «روز قدس و تاثیر آن بر وقوع بیداری اسلامی منطقه» برگزار کرد.

به گزارش خبرنگارما، این نشست خبری با حضور حسین شیخ‌الاسلام دبیرکل کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین مجلس شورای اسلامی، دکتر «خالد قدومی» نماینده جدید جنبش حماس و دکتر «ناصر ابو شریف» نماینده جهاد اسلامی فلسطین در تهران برگزار شد. نماینده جدید جنبش حماس در تهران در این نشست ضمن دعوت مردم مسلمان ایران و جهان برای شرکت گسترده در راهپیمایی روز قدس امسال، گفت ما در حال حاضر در پایان راه و انتهای تونل تاریک هستیم و نور را می بینیم و براساس وعده الهی قدس را آزاد خواهیم کرد. خالد قدومی در ابتدای سخنان خود به تلگرام حضرت امام خمینی (ره) به شاه و هشدار دادن به او درباره خطر افتادن امت اسلامی در چنگال صهیونیستها اشاره کرد و افزود: امام خمینی (ره) با این پیام ضمن متذکر شدن خطر صهیونیستها، به بیان و تشریح انقلاب و حرکت خود می‌پردازند و از سوی دیگر مسلمانان را به مسئولیت خود در یاری دادن ملت مسلمان فلسطین متوجه می‌سازند. وی در ادامه با اشاره به دو رویداد بسیار مهم در این ایام اشاره کرد و گفت: اتفاق اول سالروز به آتش کشیدن مسجدالاقصی از سوی یک مسیحی بنیادگراست و اتفاق مهم دیگر روز جهانی قدس است که در حقیقت یادآور یاری و حمایت امت اسلامی از مردم مسلمان فلسطین و رهایی قدس شریف است. قدومی در ادامه با اشاره به جایگاه فلسطین در افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) تصریح کرد: امام خمینی (ره) در سال ۵۷ پس از ورود به ایران در بهشت زهرا با حکمت و تدبیر خود با زبانی ساده اما بسیار قاطع به جهان اعلام کردند که ما برای انقلاب خود برنامه داریم و برنامه ما ضدیت با صهیونیست و مقابله با شاه است که این تبدیل به صفتی برای امام شد و ایشان بت شکن زمان نام گرفتند. نماینده جنبش حماس در تهران در بخش دیگری از سخنان خود به تحولات اخیر منطقه اشاره کرد و افزود: آنچه امروز به عنوان بهار عربی در منطقه در حال وقوع است یک پدیده غیر قابل برگشت و رو به جلو است. قدومی با اشاره به اهمیت مسأله قدس و فلسطین در میان ملت مصر تصریح کرد: ملت مصر قبل از تشکیل دولت خود و دستیابی به رهایی کامل از سلطه و استعمار از رهایی ملت فلسطین سخن می گوید و با حرکت به سمت سفارت رژیم صهیونیستی پرچم فلسطین را بر فراز این سفارتخانه به اهتزاز در می‌آورد. وی در ادامه با اشاره به آیه شریفه «ان تنصروا الله ینصر کم و یثبت اقدامکم» نصرت و پیروزی را وعده الهی دانست و تصریح کرد: ما در حال حاضر در پایان راه و انتهای این تونل تاریک هستیم و نور را می‌بینیم، به دنبال رهایی قدس شریف هستیم و براساس وعده الهی قدس را آزاد خواهیم کرد و هویت اصلی خود را احیا خواهیم نمود. دبیرکل کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین مجلس شورای اسلامی نیز در خصوص اهتمام ویژه حضرت امام خمینی(ره) به قضیه فلسطین و قدس گفت: امام(ره) با انقلاب اسلامی، مسأله فلسطین و قدس را مردمی کردند. حسین شیخ‌الاسلام افزود: امام (ره) از آغاز حرکت خود مسأله فلسطین و قدس را بزرگ می‌شماردند و به آن اهتمام ویژه داشتند بطوریکه در یکی از فتواهای خود پرداخت وجوه شرعی به مبارزین فلسطینی را جایز دانستند و از آغاز بر نابودی اسرائیل تاکید کردند.

وی گفت: ملت‌های عرب آن زمان همیشه به ارتش آزادی بخش متکی بودند اما امام خمینی (ره) از مراسم برائت از مشرکین در روز عرفه استفاده و مسأله فلسطین را در گردهمایی حج میان مسلمانان مطرح کردند. و رژیم آل سعود نیز با پی بردن به خطر این مسأله به فکر مقابله با آن افتاد اما دیر شده بود و حضرت امام (ره) دیگر کار خود را کرده بودند و این مسأله را به فلسطین و انتفاضه مرتبط کردند. وی همچنین خاطر نشان کرد: این حرکت ۳۲ سال قبل در ایران شروع شد و امروز در کل جهان ما شاهد برگزاری مراسم روز قدس و حمایت از فلسطین هستیم و امیدواریم این بیداری اسلامی که از مسجد شروع شد و در نماز جمعه گسترش یافت نقطه عطف قضیه فلسطین باشد و در آینده نه چندان دور ان شاءالله در قدس شریف نماز بخوانیم.

«خالد قدومی» مسئول جدید دفتر حماس در تهران شد



چالش‌های حضور در بازار عراق



***ایران برای حضور در بازار عراق از مزیت‌های متعددی برخوردار است که هریک از آنها به منزله پتانسیلی بالقوه تلقی می‌شود. پتانسیلی که می‌بایست سهم قابل توجهی از بازار این کشور را در اختیار ایران قرار می‌داد**

***روند تجارت ایران با عراق پارسال دستخوش نوساناتی شد که به دنبال آن حجم صادرات ایران به این کشور با افزایش کاملاً محدود و ضعیفی همراه شد، چنانکه طبق آمار رسمی پارسال ارزش صادرات ایران به عراق به حدود ۴/۴ میلیارد دلار رسید**

***یکی از موانع، حضور جدی شرکت‌های خصوصی ایران در عراق است. زیرا بخش دولتی از چالاکی و چابکی لازم برای سرمایه‌گذاری در این کشور برخوردار نیست و از این رو دولت باید زمینه حضور شرکت‌های خصوصی را فراهم کند**



سالهاست که در قالب اولویت‌بندی کشورهای هدف تجاری ایران، نام عراق در راس بازارهای دارای اولویت به چشم می‌خورد تا شاید بر این اساس بتوانیم سهم قابل قبولی از بازار تشنه این کشور را از آن خود سازیم.

به گزارش ایلنا، ایران برای حضور در بازار عراق از مزیت‌های متعدد جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی برخوردار است که هر یک از این مزیت‌ها به منزله پتانسیلی بالقوه تلقی می‌شود، پتانسیلی که می‌بایست سهم قابل توجهی از بازار این کشور را در اختیار ایران قرار می‌داد. حال آنکه در سال‌های متمادی ما به اندک سهمی از این بازار بالقوه بسنده کرده‌ایم تا نبض آن در اختیار دیگر کشورهای پیرامونی و البته اروپایی قرار گیرد.

عراق جزو معدود کشورهایی است که حاصل تجارت ایران با آن، تراز تجاری مثبت به نفع ماست که البته این امر چندان جای تعجب ندارد چرا که عراق غیر از نفت خام محصول چندان شاخصی برای صادرات ندارد.

شرایط خاص سیاسی و اقتصادی عراق، در یک برهه زمانی نیاز به این بازار به کالاهای مصرفی را به شدت افزایش داد. در این زمان کشورهای مختلف بخشی از برنامه‌های تجاری خود را معطوف به این کشور کرده و به این ترتیب پس از مدتی عطش کالاهای مصرفی در بازار عراق کاهش یافت و جای خود را به کالاهای سرمایه‌ای و نسبتا صنعتی داد.

اما در سایه غفلت و کم توجهی ما به پتانسیل بزرگ تجاری که در جوار مرزهای غربی کشور ایجاد شده بود، ترک‌ها فرصت را غنیمت شمرده و بیشترین سهم بازار عراق را در اختیار گرفتند. به نوعی که علاوه بر کالاهای مصرفی، سهم وسیعی از انحصار کالاهای صنعتی و سرمایه‌ای وارد شده به این بازار را از آن خود کردند.

بر این اساس در حالی که ایران با بهره گیری از روش‌های مختلف از جمله به کارگیری دیپلماسی سیاسی برای افزایش سطح تعاملات تجاری با عراق در سال ۱۳۸۸ توانست حدود ٤ میلیارد و ۱۰۹ میلیون دلار کالا به این کشور صادر کند، ترکیه با بهره گیری از ابزارهای بازرگانی ارزش صادرات خود به این کشور را به بیش از ۱۰ میلیارد دلار رساند.

در همین سال چیزی نزدیک به ۵۵ میلیارد دلار کالا به عراق صادر شده بود که با ارزیابی این ارقام می‌توان به سهم حداقلی ایران از کل سهم واردات عراق پی برد. نگاهی به لیست اغلب کالاهای وارداتی عراق از کشورهای مختلف بیانگر آن است که محصولاتی نظیر؛ تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی، گندم، اتومبیل و وسایل نقلیه، برنج، شیر و خامه، روغن خوراکی و...، بیشترین کالاهای مورد نیاز این بازار را تشکیل می‌دهند.

اما روند تجارت ایران با عراق در سال گذشته دستخوش نوساناتی شد که به دنبال آن حجم صادرات ایران به این کشور در پایان سال ۸۹ با افزایش کاملاً محدود و ضعیف همراه شد.

بر مبنای این امر در سال گذشته به دنبال ورود کالاهای غیر کیفی و فاقد استانداردهای لازم به این کشور، مسئولان عراق ضوابط مربوط به ورود کالا را اصلاح کرده و از واردات محصولات غیرکیفی جلوگیری کردند. این امر منجر به عودت برخی از محموله‌های صادراتی ایران شد.

در همین دوران برخی از مسئولان اقتصادی این کشور نسبت به صدور کالاهایی با کیفیت پایین و فاقد استانداردهای مورد تایید از ایران به عراق گلایه و انتقاد کردند و مسیر را بر ورود این کالاها به کشورشان مسدود ساختند. به دنبال این امر سهم ما از بازار مذکور محدودتر از گذشته شد.

طبق آمار رسمی در سال گذشته ارزش صادرات ایران به عراق به حدود ٤ میلیارد و ٤٣٩ میلیون دلار رسید که این رقم در مقایسه با سال ۸۸ فقط در حدود ۳۳۰ میلیون دلار افزایش یافته است.

برمبنای همین آمار در سال گذشته سهم تجارت عراق با کشورهای جهان رو به افزایش گذاشت، به طوری که کل ارزش واردات عراق از جهان در سال قبل به رقمی بالغ بر ۵۹ میلیارد و ۲۸۸ میلیون دلار رسید. بر این اساس سهم ایران از کل واردات ۵۹ میلیارد دلاری عراق در سال گذشته چیزی در حدود ٤ میلیارد دلار بوده است که به طور قطع سهم اندکی محسوب می‌شود.

نبود قوانین و ضوابط محکم در داخل کشور در حوزه تجارت خارجی برای صادرکنندگان منجر به آن شد که افراد مختلف فقط با هدف کسب سود بیشتر، هر نوع کالایی با کیفیت‌های نازل را راهی بازار همجوار کشور یعنی عراق کنند.

در این خصوص مسئولان سازمان توسعه تجارت به عنوان متولی دولتی حوزه تجارت خارجی به فکر رفع مشکلات مذکور برآمدند که البته در این خصوص فقط به برگزاری نشست‌های مشترک و همایش‌هایی برای بررسی رفع مشکلات موجود بسنده کردند که نمی‌توان انتظار داشت راه به جایی ببرد.

در این خصوص باید گفت که تاکنون رویکرد مشخص و سیاست خاصی برای رفع این مشکلات از سوی دستگاه‌های داخلی مربوطه از جمله موسسه استاندارد و سازمان توسعه تجارت اعمال نشده است.

در همین زمینه یک عضو اتاق بازرگانی و صنایع و معادن سنندج، سلب اعتماد از کالاهای ایرانی به دلیل سودجویی عده‌ای از تجار خرده پا را یکی از مشکلات کنونی صادرات کالا از ایران به عراق می‌داند و می گوید: مسئولان دولتی باید اعتماد مسئولان عراقی را کسب کنند.

فاروق کیخسروی می‌افزاید: متاسفانه صادرات کالاهای بی‌کیفیت و فاقد استاندارد از طرف ایران موجب سلب اعتماد عراقی‌ها نسبت به کالاهای ایرانی شده است که باید دولت با نظارت کامل از صادرات کالای بی کیفیت جلوگیری کند.

وی به حجم زیاد برگشت کالاهای ایرانی از سوی مسئولان عراقی در سال‌های اخیر اشاره کرده و می‌گوید: این کالاها به دلیل بی‌کیفیتی، تقلبی یا تاریخ مصرف گذشتگی به کشور بازگردانده شد و موجب بی اعتمادی مسئولان و مردم عراق به کالاهای ایرانی شده است.

وی بر کنترل و نظارت هرچه بیشتر بر روند صادرات در مرزها تاکید کرده و اضافه می‌کند: نباید اجازه صادرات کالاهای بی کیفیت و فاقد استاندارد را داد.

وی گواهی استاندارد ایران را یکی از معتبرترین گواهی‌ها دنیا دانسته و می‌گوید: واحدهای تولیدی کشور برای صادرات کالای خود حتما باید این گواهی را داشته باشند تا به حیثیت بخش تولید کشور آسیبی وارد نشود.

وی تجار خرده پا و منفعت طلب را یکی از آسیب‌زدگان به صادرات کالای کشور به عراق می‌داند و اظهار می‌دارد: این افراد به دنبال منفعت آنی و استفاده موقت از حضور در بازار عراق هستند و به این دلیل اقدام به صادرات کالاهای بی‌کیفیت و تقلبی می‌کنند و به حیثیت و آبروی بخش تولید کشور آسیب جدی وارد می‌کنند.

کیخسروی با اشاره به اینکه این مجموعه کارها موجب حذف تدریجی ایران در بازار عراق شده است، می‌گوید: شرکت‌های ترکیه‌ای اکنون بازار عراق را کاملاً در دست گرفته‌اند و سود خوبی از این محل به جیب می‌زنند اما شرکت‌های ایرانی در حال حذف از این بازار هستند.

وی با اشاره به اشتراکات بسیار زیاد دینی، فرهنگی و اجتماعی میان دو کشور عراق و ایران می‌گوید: بازار عراق باید در اختیار ایران باشد و شرکت‌های ایرانی در آنجا حضور فعال داشته باشند که متاسفانه اینگونه نیست.

وی همچنین به دولتی بودن اقتصاد کشور به عنوان یکی از موانع حضور جدی شرکت‌های خصوصی ایران در عراق اشاره می‌کند و می‌افزاید: بخش دولتی از چالاکی و چابکی لازم برای حضور سرمایه گذاری در عراق برخوردار نیست و دولت باید زمینه حضور شرکت‌های خصوصی را فراهم کند.

بقیه در صفحه ۱۸

جایگاه کسب و کارهای آنلاین در ایران

کسب و کارهای آنلاین (برخط) در تمام دنیا و در چند سال اخیر در کشور ما طرفداران زیادی در میان کاربران و فروشندگان پیدا کرده است. کسب و کار همیشه با تلاش یک فرد یا گروه برای برآوردن نیازهای جمع کوچک یا بزرگی که مشتری نامیده می‌شود، آغاز می‌شود. جدا از برخی از انواع آن و اهداف موسسان کسب و کار که ممکن است جنبه علمی یا انسان دوستانه یک خدمت مدنظر باشد، همیشه مسئله مالی هم در این مبحث حائز اهمیت بوده است اما همه کسانی که شروع به آغاز یک کار کرده‌اند حتما با گیرودارها و تلاش‌های گاهی پیچیده برای اخذ مجوزها و توافق‌ها مواجه شده‌اند.

از همه هزینه‌برتر مبلغی است که برای اجاره‌بها، حقوق کارکنان، مالیات و تجهیزات صرف می‌شود. در آخر هم همه را در کنار ریسک به نتیجه رسیدن آن شغل قرار دهید تا کمی فشار بر روی کارفرما و حتی کارمندان را احساس کنید.

اما دنیای امروز که پیشرفت فناوری حرف اول را در تمامی مراودات می‌زند، ذهن پویای مهندسان‌ای تی و نیاز مشتریان برای راحتی در خرید کالا و حتی دسترسی به خدمات را به سویی رهنمون کرده است که فروشگاه‌ها و کسب‌وکارها هم مجازی شوند.

کسب و کارهای آنلاین (برخط) در تمامی دنیا طرفداران زیادی دارد تا آنجا که همه می خواهند در کنار شغل خود یک کار خانگی و حتی با گسترش خدمات برخط و حمایت نهادهای ذیربط، آن را به عنوان شغل نخست خود داشته باشند.

علت توفیق این شیوه نوین از کسب درآمد را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

–این نوع از کسب درآمد، نیازی به مکان مستقل و هزینه اجاره یا خرید ندارد و در خانه و حتی در کنار کارهای روزانه و شرکتی قابل انجام هستند.

– حداکثر تجهیزات مورد نیاز یک کامپیوتر ساده خانگی است.

– هزینه شروع این نوع کسب درآمد کم و در حد خریدهاست و دامنه (جهت ورود به دنیای اینترنت) و طراحی و پیاده سازی فروشگاه مجازی است.

– در گروه‌های کوچک عموما نیاز به یک یا حداکثر دو نفر آن هم به صورت پاره وقت است.

– این مشاغل اکثرا به عنوان شغل دوم به حساب می‌آیند و از لحاظ زمانی که موسسان آنها صرفشان می‌کنند و هزینه بسیار به صرفه هستند.

– توافقات انجام شده در خصوص گسترش و راه‌اندازی این مشاغل، عموما از طریق شرکت پست برای ارسال کالا (در مواقعی که فروش کالا، خدمات به حساب آید) است. در مواردی هم ثبت شرکت برخط در پایگاه ساماندهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هزینه بسیار کم و به سادگی انجام می‌شود.

–اگر این خرید و فروش‌ها به صورت برخط انجام شود و برای ایجاد یک حساب برخط نیاز به توافق با بانک‌ها و قراردادهای فی‌مابین است که عموما برای جلب اعتماد مشتریان فقط در مواردی که خدمات به‌روز و آنی است، خدمات پرداخت هم آنلاین خواهد بود.

– در این نوع از کسب وکار گاهی تبادل پول و با تحویل کالا در منزل یا محل کار مشتری انجام می‌شود که به دنبال آن توافقات با بانک و حساب آنلاین هم حذف خواهد شد.

– تبلیغات این نوع کسب و کار هم غالبا از راه خدمات تبلیغات اینترنتی و تبادل پیوند (Link) که بازهم عموما یک توافق دو طرفه و بدون هزینه خواهد بود، انجام می‌شود.

همچنین مزایای توجه ارگان‌ها و دولت را به این سیاق از کسب درآمد می توان این گونه برشمرد:

– بالا بردن سطح دانش مردم برای استفاده از خدمات برخط و بهره‌وری از فناوری

– کاهش سفرهای داخل شهری

–امکان استفاده از خدمات برای همه مردم به طور مساوی در تمامی سطح کشور

–ایجاد روشی برای اشتغال آسان و کم‌هزینه در کشور و بالا رفتن میزان و سطح شاغلین

– نظارت آماری بر نیازهای جامعه و حتی برنامه‌ریزی‌های کلان و بلندمدت در جهت رفع این نیازها

البته در کشور ما هنوز این شیوه‌های نوین از کسب و کار به اکمال ساماندهی نشده است و حتی برای برخی مسئولان این موضوع و اهمیت آن جا نیفتاده است. در مواردی هم مشاهده شده که این خدمات برای مشتریان و استفاده‌کنندگان از این خدمات به علت نبود اطمینان به فروشندگان آن و راه‌اندازان این نوع از کسب‌وکارها با ریسک همراه خواهد بود.

بقیه در صفحه ۱۸

مصائب معدن

خطرات ناشی از کار در محیط‌های بسته و زیرزمینی، امکان بروز حوادث جانی، مرگ و میر، حقوق پایین، دست و پنجه نرم کردن با تونل‌ها برای کسب روزی و فعالیت در یک شغل سخت و زیان آور؛ دغدغه‌های هر روزه کارگران معدنکار در ۵۰۰۰ معدن کشور است. به گزارش مهر، کار در معدن و اشتغال در این بخش از جمله مشاغلی است که طبق قانون کار به عنوان مشاغل سخت و زیان آور شناخته شده و مشمول استفاده از مزایای ویژه می‌شود.

در واقع قانونگذار برای افرادی که در زیرزمین و در کارگاه‌های تنگ و تاریک و خطرناک کار می‌کنند حقوقی را قائل شده و بر کارفرمایان دولتی و خصوصی واجب است تا در اینگونه کارگاه‌ها که همواره با خطرات فراوانی روبرو است، به روزترین استانداردها و ایمنی را به کار بندند.

بر پایه این گزارش، ضعف آماری و نبود اطلاعات روشن از وضع شاغلان کارگری در معادن ایران یکی از مهم‌ترین دلایل مرگ و میر و بروز حوادث ناشی از کار در این کارگاه‌های زیرزمینی و همچنین سوء استفاده برخی کارفرمایان است.

با این حال، آمارهایی در این بخش از فعالیت ۵۰ هزار نفر شاغل مستقیم در ۵۰۰۰ معدن فعال کشور حکایت دارد. البته آمارهای غیررسمی تعداد شاغلان معادن کشور را به مراتب بیشتر از این تعداد می‌داند.

وجود خطرات همیشگی، بروز صدمات جسمی و حرکتی، مسدود شدن تونل‌های معادن، برق گرفتگی، انفجار، خطر در زمان حفر تونل، خفگی، گاز گرفتکی، خطر غرق شدن افراد در آب‌های زیرزمینی یا مواد معدنی، وجود سموم خطرناک و مضر برای سلامتی و مواردی از این دست؛ از شایع‌ترین خطرات دائمی است که معدنکاران کشور را تهدید می‌کند.

استاندارد نبودن معادن، استفاده نکردن از روش‌ها و ابزار جدید در زمان حفر تونل و استفاده از معادن، آشنا نبودن کارگران و نیروی شاغل در معادن که اکثریت قریب به اتفاق آنان کارگران ساده، نیمه ماهر تا ماهر هستند و فعالیت بیش از حد در شرایط سرمایی و گرمایی سخت را هم باید به مصائب کار در زیرزمین افزود.

در بخش مسائل مربوط به سختی‌های کار شاغلان معدن باید کمبود امکانات و تجهیزات ایمنی، تنفسی، ماسک، کلاه ایمنی، ملزومات کار در زیرزمین و سایر امکانات را هم اضافه کرد. کم توجهی کارفرمایان معدن به لزوم آموزش و آگاه کردن کارگران از خطرات احتمالی فعالیت در این بخش مزید بر علت است.

شاید بتوان به جرات یکی از مظلوم‌ترین و بی‌صداترین کارگران فعلی کشور را معدنکاران نامید چرا که بسیاری از آنان در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسای معادن مشغول به کار هستند و متاسفانه مبالغ دریافتی بسیاری از آنان هم پایین است.

همچنین ورود بدون نظارت بخش خصوصی به معادن و بر عهده گرفتن مسئولیت اداره معادن کشور در زمان حضور نداشتن و دخالت دولت، شاید خود دلیلی باشد تا برخی افراد فقط به فکر کسب درآمد بیشتر از معدن باشند و در این راه حتی از جان افراد هم مایه بگذارند.

البته نمی‌توان به صورت مطلق گفت که هم اکنون چه تعداد معدن در ایران از خصوصی شده و دولتی خود را موظف به رعایت قانون کار و محافظت از نیروی شاغل می‌دانند. همچنین نمی‌توان گفت که نحوه رعایت استانداردها و ایمنی در محیط کاری معادن تا چه اندازه رعایت و از شرایط مناسبی پیروی می‌کند.

حمید حاج اسماعیلی با بیان اینکه باید بپذیریم که دولت باید در زمینه شناسایی و تعریف دقیق‌تر کارگاه‌های مختلف از جمله معدنی و زیرزمینی باید برخی به روزرسانی‌ها را انجام دهد، می‌گوید: متاسفانه در شرایط فعلی حمایت از مشاغل مختلف در وضع مطلوبی وجود ندارد.

نماینده سابق کارگران در هیأت حل اختلاف، اظهار داشت: اینکه در حال حاضر وضع نیروی کار شاغل در معادن کشور پس از برخی واگذاری‌ها طبق اصل ٤٤ و واگذاری به بخش خصوصی چگونه است، آماری در دست نیست، اما اولین چیزی که در مورد یک کارگاه معدن مطرح و قابل توجه است، وضع ایمنی و رعایت استانداردها در مورد نیروی شاغل در آن محیط است.

وی ادامه می‌دهد: هرچند از گذشته تا حال در مورد نحوه فعالیت در معادن مشکلاتی را داشته‌ایم، ولی هنوز در این بخش آمارهای شفافی از وضع نیروی کار و نحوه رعایت استانداردها ارائه نشده است.

این فعال کارگری با اشاره به اینکه در قالب قانون کار، معدن جزو مشاغل سخت و زیان آور شناخته شده و باید در ردیف مشاغل خاص قرار گیرد، بیان می‌دارد: طبق برخی برآوردهای صورت گرفته و گزارشات پراکنده‌ای که برخی موارد از بروز حوادث جانی و مرگ و میر ارائه می‌شود، هم اکنون معدن پس از ساختمان در ردیف دوم بیشترین حوادث ناشی از کار قرار دارد.

وی استفاده نکردن از استانداردهای ایمنی و نظارتی در محیط‌های معدنی و کارگاه‌های زیرزمینی آن را از دلایل مهم بروز حوادث ناگواری می‌داند که در این بخش روی می‌دهد

. در واقع پذیرش ریسک از سوی افرادی که در این شغل مشغول به فعالیت می‌شوند خود یک نوع ناامنی شغلی و جانی را برای افراد شاغل در حفره‌های زیرزمینی به همراه دارد.

حاج اسماعیلی با تاکید بر اینکه خود وزارت کار هم در این زمینه اطلاعات شغلی و یک بانک مناسبی را در اختیار ندارد، می‌گوید: به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین وظایفی که باید برای وزارتخانه تازه تاسیس در نظر گرفته شود جمع آوری یک بانک اطلاعاتی قوی از مشاغل و تعداد افراد شاغل در بخش‌های مختلف است. وی با اشاره به اینکه شاغلان در معادن کمتر مورد توجه دستگاه‌های نظارتی و رعایت روابط کار قرار دارند، اظهار می‌دارد: این مسئله باعث می‌شود که شاغلان در این بخش به مراتب از حق و حقوق پایین‌تری نسبت به سایر گروه‌های شغلی برخوردار باشند.

به گفته وی، به دلیل بروز مشکلات ناشی از کار در کارگاه‌های زیرزمینی معمولا نیروی انسانی شاغل در این بخش بیشتر از ۲۰ سال نمی‌تواند کار کند و بسیاری از آنان به جای تکمیل بیمه خود و استفاده از بازنشستگی از غرامت استفاده می‌کنند.

حاج اسماعیلی ادامه داد: استنشاق مواد سمی و گازهای خطرناک، ریزش، گازگرفتگی، انفجار و مسدود شدن تونل‌ها از شایع‌ترین دلایل بروز حوادث و مرگ و میر در این بخش است.

این فعال کارگری، بیان داشت: در بخش مربوط به تدوین آئین نامه‌های مربوط به مشاغل سخت و زیان آور اقدامات خوبی تاکنون صورت گرفته است، ولی نکته اصلی این است که بسیاری از این آئین نامه‌ها ضمانت اجرایی پیدا نمی‌کنند.

وی گفت: هم اکنون درصد بسیار بالایی از نیروهای شاغل در معادن کشور ایرانی هستند و این موضوع می‌تواند ادعای برخی مبنی بر عدم اشتغال به کار نیروهای ایرانی در حرفه های سخت را رد کند.

جایگاه کسب و کارهای آنلاین در ایران

بقیه از صفحه ۱۷

می‌توان به عنوان نمونه‌ای کوچک، فروشگاه‌های تقلبی فروش کارت شارژ تلفن‌های همراه در چند ماه اخیر را با هدف کلاهبرداری چند میلیونی فرد یا اعضای این سایت‌ها نام برد که اطلاعات حساب بانکی افراد و مراجعه‌کنندگان دزدیده شده و بدون ارائه هیچ خدمتی حساب آنها مورد دستبرد قرار گرفت که خوشبختانه با هشیاری نیروی انتظامی و کارشناسان سایبر جلوی آن گرفته شد.

با این حال مواردی از این دست نشان از نبود نظارت درست بر نوعی از روش‌های اشتغالزایی است که بسیار مفید و کاربردی جلوه می‌کند و می‌تواند افق‌های بسیار روشنی را در زمینه اشتغال جوانان بگستراند.

باید بدانیم اتفاقاتی از دست که در سطور بالا ذکر آن رفت و ورود افراد ناشایست به دنیای این نوع کسب‌وکار، فقط زنگ خطری برای توجه و ساماندهی کسب‌وکارهای برخط و حتی لزوم تحت پوشش قرار دادن و حمایت از فعالان این عرصه و فرهنگ‌سازی برای استفاده از خدمات آنلاین باید باشد و نباید بدبینی نسبت به آن زمینه‌ای برای سلب اعتماد مردم شود. بلکه شایسته و بایسته است مسئولان امر با توجه به مزایایی که برشمرده شد، حتی برای تغییر و مثبت کردن دیدگاه‌ها نسبت به این راه تمام هم و توان بالقوه و بالفعل تحت اختیار خویش را مصروف کنند.

چالش‌های حضور در بازار عراق

بقیه از صفحه ۱۷

وی نبود شعب بانکی در کردستان عراق برای مبادلات ارزی و ریالی را از دیگر نیازهای اصلی بازرگانان و تجار کشورمان در عراق می‌داند و از مسئولان می‌خواهد شعبه بانک در این منطقه دایر کنند.

دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق هم می‌گوید: باید با تبلیغات موثر و تقویت صنایع بسته‌بندی که در حال حاضر یکی از ضعف‌های صادرکنندگان ماست، صادرات را به کشورهای همسایه را تقویت کنیم.

جهانبخش سنجابی می‌افزاید: کشور عراق به لحاظ موقعیتی که دارد بستر خوبی برای حضور سرمایه‌گذاران ایرانی است. اما واقعیت این است که واردات عراق حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است و آمار حجم صادرات ما نشان دهنده این است که ایران سهم ناچیزی را از این ظرفیت صادرات به خود اختصاص داده است.

وی با اشاره به اینکه در سند چشم‌انداز سال ۹۵ پیش‌بینی صادرات ۲۰ میلیاردی را داریم، خاطر نشان می‌کند: در پایان سال ۹۰ این میزان به ۱۰ میلیارد خواهد رسید.

سید حسین حسینی، مدیر کل دفتر بازرگانی عربی ـ آفریقایی سازمان توسعه تجارت ایران هم می‌گوید: به دنبال بهبود وضع نظام سیاسی و اقتصادی عراق، دولت این کشور ضوابط و مقررات مشخصی را در حوزه تجارت خارجی حاکم کرد و براساس آن دو شرکت بازرسی، نظارت بر کیفیت و استاندارد کالاهای ورودی به این کشور را در دستور کار خود قرار دادند.

به گفته وی، دولت عراق ضوابط و مقرراتی برای ورود کالا به این کشور در سال گذشته وضع کرد که در این خصوص بهتر است با همکاری موسسات استاندارد دو کشور بخشی از ابهامات موجود رفع شده و اصلاحاتی در این زمینه صورت گیرد.

وی می‌افزاید: بخشی از مشکلات ایجاد شده در خصوص صدور کالاهای غیرکیفی از ایران به عراق، مربوط به روش‌های پیله وری بوده است. بر این اساس گروهی با خرید کالا از کارگاه‌های زیرزمینی و صدور آن به عراق منجر به بروز مشکلات مذکور شدند که این روش از صادرات اصلا مورد تایید ما نیست.

حسینی معتقد است که اغلب تولیدات کارخانه‌ای کشور دارای استانداردهای مورد تایید هستند در غیر این صورت توانایی تطبیق خود با ضوابط و استانداردها را دارند.

مدیر کل دفتر بازرگانی عربی ـ آفریقایی سازمان توسعه تجارت ایران با اذعان به اینکه این سیاست اعمال شده از سوی عراق آثار کوتاه مدتی در خصوص کاهش صادرات ایران به همراه داشته است، متذکر می‌شود: فکر نمی‌کنم این مسئله بتواند به روابط اقتصادی دو کشور در بلندمدت لطمه‌ای وارد کند.

وی با نگاهی مثبت مطرح کرد که سطح روابط دو جانبه کما فی سابق دنبال خواهد شد و با رفع مشکلات، ارزش صادرات ایران به عراق در سال جاری کاهش نخواهد یافت.

ورود به بازار عراق برای ایرانی‌ها اصولا با مزیت‌های مختلفی همراه بوده است که از آن جمله می‌توان به داشتن مرز مشترک و به تبع آن هزینه پایین حمل و نقل اشاره کرد. اما امروز به واسطه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی، حمل و نقل جاده‌ای و ترانزیت دستخوش تحولاتی خواهد شد که با افزایش قیمت همراه خواهد بود.

مسلما ادامه روند موجود و غفلت از مزیت‌های بازار عراق به مرور با قدرت گیری رقبای خارجی در این بازار، زمینه را برای کاهش سهم ایران و حاشیه‌نشینی ما در این حوزه فراهم می‌کند.

در سال‌های اخیر علاوه بر ترکیه، برخی از دیگر کشورهای اروپایی و البته آسیایی باتوجه به کشش بازار عراق، درصدد افزایش حضور خود در این کشور هستند.

اخبار کوتاه اقتصادی

تولید برنج ۱۰ درصد افزایش می‌یابد

دبیر انجمن برنج با اعلام اینکه امسال تولید برنج ۱۰ درصد افزایش می‌یابد، گفت: براساس پیش‌بینی‌ها، تولید برنج امسال به حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تن می‌رسد.

جمیل علیزاده شایق در گفت‌وگو با مهر با اعلام این خبر گفت: اگر تا پایان آبان واردات برنج انجام نشود، کشاورزان مرحله برداشت را به خوبی به پایان می‌برند.

وی با اشاره به اینکه فعلاً برنج از تیر تا پایان آبان به کشور وارد نمی‌شود، اظهار داشت: زمان برداشت ارقام پرمحصول برنج قدری دیرتر از انواع دیگر برنج است که اگر شرایط آب و هوایی تغییر خاصی نداشته باشد، در این ارقام هم برداشت خوبی پیش‌بینی می‌شود.

برداشت ٤١٥ میلیارد متر مکعب گاز از فازهای پارس جنوبی

با گذشت حدود ١٤ سال از آغاز بهره برداری از فازهای مختلف پارس جنوبی تا پایان تیر ماه امسال در مجموع بیش از ٤١٥/٥ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از میدان این مشترک با قطر استخراج شده است. به گزارش مهر، تیر امسال بیش از ٦ میلیارد و ٤٠٠ میلیون متر مکعب گاز طبیعی از پارس جنوبی استخراج شده که با برداشت این میزان گاز طبیعی در مجموع ٤١٥ میلیارد و ٥٠٠ میلیون متر مکعب گاز طبیعی از این حوزه مشترک در خلیج فارس برداشت شده است.

بر این اساس در نخستین ماه فصل تابستان علاوه بر گاز طبیعی، بیش از ۹ میلیون و ١٤٠ هزار بشکه میعانات گازی در پالایشگاههای پارس جنوبی تولید شده است، ضمن آنکه در این مدت به طور متوسط ٨١٦ میلیون متر مکعب گاز فازهای پارس جنوبی از طریق خط لوله پنجم سراسری به مخازن نفتی تزریق شده است.

تیر امسال بیش از ٢٤١ میلیون متر مکعب گاز به مجتمع پتروشیمی پارس تحویل شده است، همچنین در این مدت بالغ بر ١٠٧ هزار تن گاز مایع در پالایشگاههای پارس جنوبی تولید شده است.

از سوی دیگر به موازات افزایش تولید گاز تیر امسال ٢٧ هزار تن گوگرد در پالایشگاههای پارس جنوبی استحصال شده همچنین ٧٩ هزار تن اتان تولیدی فازهای پارس جنوبی به عنوان خوراک به پتروشیمی‌های جم، آریا ساسول و مروارید تحویل شده است.

پرداخت ١٧٥ میلیارد تومان تسهیلات به کشاورزان و دامداران

مدیرعامل بانک کشاورزی از پرداخت ١٧٥ میلیارد تومان تسهیلات به کشاورزان و دامداران در خصوص اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها خبر داد.

محمد طالبی در گفت‌وگو با ایرنا، افزود: یکی از برنامه‌هایی که دولت در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در نظر گرفته است استفاده از منابع این قانون برای کمک به واحدهای تولیدی است.

وی اظهار داشت: براساس برنامه‌ها مقرر شده است در مرحله نخست ٧٠٠ میلیارد تومان تسهیلات ارزان‌قیمت به واحدهای مختلف تولیدی پرداخت شود.

به گفته مدیرعامل بانک کشاورزی، این تسهیلات در قالب‌های طرح‌های اجرایی در واحدهای دام و طیور، طرح‌های اصلاح سیستم‌های حرارتی گلخانه‌ها و واحدهای پرورش قارچ خوراکی پرداخت می‌شود.

اجرای بیمه درمان تکمیلی خانواده توسط بیمه ایران

بیمه ایران در حال طراحی و آماده سازی طرح بیمه درمان تکمیلی خانواده ها است. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صنعت بیمه،«علیرضا کسراییان» مدیر بیمه های اشخاص شرکت سهامی بیمه ایران درباره بیمه درمان تکمیل خانواده ها بیان داشت : در سال های گذشته بیمه درمان خانواده ها فقط به کارکنان سازمان ها و ادارات تعلق داشت و هر کسی هم که می خواست از بیمه درمان استفاده کند باید به یکی از این سازمان ها و ادارات وابسته می بود اما در حال حاضر افراد غیر پرسنل و آزاد هم می توانند از خدمات بیمه ای و بیمه تکمیلی درمان بهره‌مند شوند.

کسراییان افزود: در گذشته شرکت های بیمه توان اجرای این طرح را نداشتند اما در حال حاضر این توانایی وجود دارد و شرکت ها می توانند افراد را تحت پوشش بیمه درمانی خود قرار دهند.

وی تصریح کرد:تاکنون شرکت هایی نظیر بیمه دانا و آسیا در این زمینه اقدام کرده اند و شرکت بیمه ایران هم مصمم است که این امر را هر چه سریع تر و زودتر به مرحله اجرایی برساند.

مدیر بیمه های اشخاص شرکت سهامی بیمه ایران درباره برنامه های شرکت متبوعش برای راه اندازی بیمه درمان تکمیلی، گفت: تمام مراحل فنی و کارشناسی این طرح مورد مطالعه قرار گرفته و طراحی های لازم هم برای اجرایی شدن آن به اتمام رسیده و امیدواریم که تا پایان شهریور شاهد ارایه خدمات بیمه درمان تکمیلی بیمه ایران به شهروندان خود باشیم.

وی در مورد سرویس دهی بیمه شدگان طرح تکمیلی بیمه ایران گفت:خدماتی که توسط بیمه ایران به بیمه شدگان ارایه می شود بستگی به انتخاب و تعیین انواع خدمات تعریف شده دارد که به طور معمول به مسایل پر هزینه ای مانند بستری شدن در بیمارستان، جراحی، سونوگرافی، ماموگرافی و.... مربوط می شود البته باید متذکر شد که افرادی که بیمه می شوند نوع دریافت خدمات را خودشان انتخاب می کنند.

کسراییان اظهار داشت: افرادی که سابقه بیماری داشته باشند نمی توانند از خدمات بیمه تکمیلی بیمه ایران بهره مند شوند و این نوع بیمه هم به مسایلی چون حق ویزیت و دارو تعلق نمی گیرد.

پژوهشکده بیمه پروانه نشر گرفت

براساس اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پژوهشکده بیمه پروانه نشر گرفت.

پژوهشکده بیمه در چند سالی که در صنعت بیمه اقدام به انتشار کتب بیمه‌ای کرده است، توانسته در بین اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها جایگاهی کسب کند تا جایی که از آن به عنوان یک قطب علمی یاد می‌کنند و تاکنون توانسته همگام با برنامه تحول در صنعت بیمه قدم‌های موثری را در این زمینه بردارد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل پژوهشکده بیمه، معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،موافقت خود را به استناد ضوابط و مقررات تاسیس مراکز، موسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر آنها، مصوب ۱۳۵۷/۶/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی و آیین‌نامه اجرایی صدور پروانه نشر، با انتشار کتاب توسط انتشارات پژوهشکده بیمه وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به مدیر مسئولی محمد سامی‌فر را اعلام کرد.

حق بیمه خودرو افزایش نداشته است

تا زمان حاضر هیچ‌گونه افزایشی در ارتباط با حق بیمه خودرو صورت نگرفته است و به همین منظور نمی‌توان درباره آن اظهار نظر کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صنعت بیمه، علی شعبانی مدیر بیمه اتومبیل بیمه ایران در مورد رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه از لحاظ سهم هرشرکت ازکل بازار بیمه پارسال از سوی بیمه مرکزی گفت: از آنجایی که بیمه ایران در این رتبه بندی در جایگاه نخست قرار گرفته است بیمه اتومبیل بیمه ایران هم از شرایط همین رتبه بندی نسبت به دیگر شرکت‌ها، برخوردار است.

مدیر بیمه اتومبیل بیمه ایران درباره تاثیر افزایش نرخ بیمه و کاهش احتمالی متقاضیان گفت: افزایش احتمالی نرخ بیمه بدون شک در تعداد بیمه‌گذاران بیمه اتومبیل موثر است.

چگونگی تخفیف ۵۰ تا ۹۰ درصدی حق بیمه کارفرمایان

آیین‌نامه تخفیف ۵۰ تا ۹۰ درصدی حق بیمه کارفرمایان به شرط استخدام نیروی کار جدید طی پنج سال برنامه پنجم توسعه ابلاغ شد.

کارفرمایان کارگاه‌ها و مؤسسات پس از اعلام نیاز و جذب نیروی کار جدید و حفظ اشتغال کارگاه، از تخفیف حق بیمه سهم کارفرمایی موضوع ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی بابت نیروی کار جدید در طول برنامه پنجم توسعه برخوردار خواهند شد.

بر اساس این گزارش، میزان تخفیف حق بیمه سهم کارفرما در سال‌های اول تا پنجم برنامه پنجم توسعه (سال‌های ۹۰ تا ۹۴) به ترتیب، ۹۰ درصد، ۸۰، ۷۰، ۶۰ و ۵۰ درصد اعلام شده است.

همچنین میزان حق بیمه پرداختی توسط دولت طی این سال‌ها به ترتیب ۱۸ درصد، ۱۶ درصد، ۱۴ درصد، ۱۲ درصد و ۱۲ درصد تعیین شد و میزان حق بیمه پرداختی توسط کارفرما نیز در این سالها به ترتیب ۲ درصد، ۴، ۶، ۸ و ۱۰ درصد اعلام شده است.

متن آیین‌نامه اجرایی بند «و» ماده (۸۰) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه به شرح زیر است:

ماده یک ـ در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف ـ کارفرما: شخص حقیقی یا حقوقی که در ماده (۳) قانون کار و بند (۴) ماده (۲) قانون تأمین اجتماعی تعریف شده و اداره کارگاه‌ها و مؤسسات موضوع این آیین‌نامه را برعهده دارد.

ب ـ نیروی کار جدید: کسی که در مراکز خدمات اشتغال و مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی غیردولتی دارای مجوز فعالیت از وزارت کار و امور اجتماعی، به عنوان جوینده کار ثبت‌نام کرده است.

ج ـ کارگاه‌ها و مؤسسات مشمول این آیین‌نامه: کارگاه‌های خصوصی و تعاونی دایر موضوع ماده (۴) قانون کار و بند (۳) ماده (۲) قانون تأمین اجتماعی و یا کارگاه‌های دارای مجوز فعالیت از مراجع رسمی.

د ـ صندوق: صندوق تامین اجتماعی.

ماده ۲ـ کارفرمایان کارگاه‌ها و مؤسسات مشمول این آیین‌نامه که پس از اعلام نیاز به ادارات کار و امور اجتماعی، نیروی کار جدید را علاوه بر نیروی کار موجود به کار گمارند، باید مراتب را به ادارات کار و امور اجتماعی اعلام نمایند.

ماده ۳ـ کارفرمایان کارگاه‌ها و مؤسسات مشمول این آیین‌نامه پس از اعلام نیاز و جذب نیروی کار جدید و حفظ اشتغال کارگاه، از تخفیف حق بیمه سهم کارفرمایی موضوع ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی بابت نیروی کار جدید در طول برنامه پنجم توسعه برخوردار خواهند شد.

تبصره ـ به منظور ترغیب کارفرمایان به استفاده از نیروی کار جدید و افزایش اشتغال در سطح بنگاه‌های اقتصادی، سال پایه اجرای این آیین‌نامه مبنای تعیین میزان تخفیف اعمالی برای ابتدای سال برخورداری کارفرمایان از تخفیف بیمه‌ای خواهد بود که در سال‌های آینده مطابق جدول اعلامی کاهش می‌یابد.

ماده ۴ـ مبنای تعیین تعداد نیروی کار موجود در کارگاه‌های موضوع بند (ج) ماده یک این آیین‌نامه به شرح ذیر تعیین می‌شود:

الف ـ در کارگاه‌های دایر دارای فهرست بیمه و بازرسی، بیشترین تعداد بیمه‌شدگان سال گذشته آنها طبق صورت مزد و حقوق ارسالی توسط کارفرما به صندوق (از زمان درخواست



بهره‌مندی از مزایای این آیین‌نامه).

ب ـ در کارگاه‌های جدیدالتأسیس که در طول برنامه پنجم توسعه دایر می‌شوند، تعداد کارکنان مندرج در فهرست‌های ارسالی کارفرما به صندوق در بازه زمانی مشخص سه‌ماهه و بازرسی انجام شده توسط صندوق هر کدام که بیشتر باشد.

تبصره یک ـ کارفرمایانی که به واسطه دریافت تسهیلات اشتغالزایی و موارد مشابه، متعهد به بکارگیری نیروی کار جدید شوند، می‌توانند علاوه بر انجام تعهدات یادشده و در صورت بکارگیری نیروی کار جدید با رعایت این آیین‌نامه از تخفیفات بیمه‌ای برخوردار شوند.

تبصره ۲ـ در صورت هرگونه تغییر در نوع شخصیت کارفرما (حقیقی یا حقوقی)، نیروهای قبلی هم جزو نیروی کار موجود محسوب خواهد شد.

تبصره ۳ـ نیروی کاری که در طول برنامه چهارم توسعه به مدت پنج سال از معافیت‌های بیمه‌ای موضوع ماده (۴۹) قانون برنامه سوم توسعه و ماده (۱۰۳) قانون برنامه چهارم توسعه برخوردار شده‌اند از شمول این آیین‌نامه خارج می‌باشند. نیروی کاری که کمتر از پنج سال از تخفیفات یادشده بهره‌مند شده‌اند، مجموعاً تا سقف پنج سال مشمول مفاد ماده (۳) این آیین‌نامه خواهند شد.

تبصره ۴ـ در مواردی که نیروی کار جدید به جای نیروی کار موجود که اخراج، مستعفی یا ترک کار کرده است در کارگاه‌های بند (ج) ماده یک این آیین‌نامه به کار گمارده شود، کارفرما مشمول استفاده از تخفیفات بیمه‌ای مندرج در این آیین‌نامه نخواهد بود.

ماده ۵ ـ اعتبار لازم برای اعمال تخفیف حق بیمه سهم کارفرمایی موضوع این آیین‌نامه در قالب بودجه سنواتی با رعایت سقف اعتبارات مصوب قابل اعمال است.

تبصره یک ـ صندوق مکلف است به صورت ماهیانه گزارش عملکرد شعب خود در اجرای این آیین‌نامه اعم از تعداد و میزان معافیت‌های مربوط را به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری جهت تأمین اعتبار اعلام کند.

تبصره ۲ـ ادارات کل تأمین اجتماعی مکلفند به صورت ماهیانه آمار تعداد کارفرمایان مشمول و غیرمشمول به همراه آمار جویندگان کار بکار گمارده شده و موضوع این آیین‌نامه را به ادارات کار و امور اجتماعی استانها اعلام نمایند.

ماده ۶ ـ کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و صندوق تأمین اجتماعی به منظور نظارت بر حسن اجرا، تجزیه و تحلیل و یکسان‌سازی آمار و اطلاعات و تهیه گزارش از میزان اثربخشی اجرای این آیین‌نامه تشکیل می‌شود.

ماده ۷ـ اگر به هر طریقی برای شعب تأمین اجتماعی محرز شود که نیروی کار جدید معرفی‌شده خارج از طریق ادارات کار و امور اجتماعی و یا مراکز کاریابی، در واحد موردنظر فعالیت داشته یا در زمان استفاده از مزایای این آیین‌نامه اشتغال به کار نداشته است، کارگاه برای همیشه از تسهیلات این آیین‌نامه محروم و وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی و وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز خواهند بود کارفرمای مربوط را تحت پیگرد قانونی قرار دهند و ضرر و زیان واردشده را از وی مطالبه و وصول کنند.

محمد عطاردیان دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران هم در گفت‌وگو با ایسنا با بیان این‌که با پرداخت حق بیمه کارگران تازه استخدام‌شده توسط دولت، دست کارفرمایان برای جذب نیرو بازتر است، اظهار کرد: با توقف اجرای این ماده بعد از برنامه چهارم، کارفرمایان برای جذب نیرو مشکلاتی را پیدا کرده بودند.

وی ادامه داد: با توجه به این مشکلات به خصوص در زمینه جذب نیرو، پیگیر اجرای مجدد آن از وزیر کار و امور اجتماعی شده بوده‌ایم و آن را در جلسات شورای عالی اشتغال مطرح می‌کردیم.

عطاردیان با بیان این‌که پیش از وزارت کار قول اجرای مجدد آن را داده بود، گفت: اکنون با تصویب آیین‌نامه این ماده کارفرمایان برای جذب نیرو راحت‌تر عمل می‌کنند.

دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران در پایان اظهار کرد: اکنون با تصویب آیین‌نامه این ماده توسط هیات دولت، اگر هرگونه تخلفی در اجرای آن صورت گیرد، کارفرما و مدیر بنگاه اقتصادی که تخلف کرده است، با شکایت کارگران و بازرسی وزارت کار مواجه می‌شود.

از سوی دیگر در پی تصویب بند «و» ماده ۸۰ قانون برنامه پنجم توسعه علاوه بر پایداری از اشتغال کشور، از نیروی کار هم حفاظت و صیانت می‌شود. آرش فراز عضو هیأت مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور با بیان این که بند «و» ماده ۸۰ قانون برنامه پنجم توسعه حمایتی از جانب دولت به کارفرمایان بخش خصوصی برای حفظ منابع تولید است، اظهار کرد: تصویب این آیین‌نامه و آیین‌نامه‌های مشابه در جهت حفظ و صیانت از اشتغال نیروی کار بسیار مورد تایید جوامع کارگری و کارفرمایی است.

وی ادامه داد: این آیین‌نامه همه کارفرمایان و مدیران کارگاه‌های خصوصی را حمایت کرده است و باعث می‌شود، نیروی کار بیشتری را جذب کنند و هم با حمایت از کارفرمایان از کارگران نیز حفاظت و صیانت کرده است.

فراز با تاکید به این که این ماده پایداری از اشتغال کشور است، خاطرنشان کرد: انجام و تصویب این قبیل آیین‌نامه‌ها در شرایط فعلی و مخصوصا هدفمندسازی یارانه‌ها که باعث افزایش هزینه‌ها شده است، می‌تواند به جبران هزینه‌های واحدهای اقتصادی کمک کند.

عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور افزود: در اجرا و عملیاتی کردن این آیین‌نامه علاوه بر شعبات تأمین اجتماعی که باید به برطرف کردن زمینه‌های اجرایی آن اقدام کنند، بنگاه‌های اقتصادی هم با هدف استفاده از نیروی کار جدید نباید نیروی کار قبلی را اخراج کنند.

وی گفت: هرچند شرط این آیین‌نامه، حفظ نیروهای قبلی است، ولی در عمل هم نباید اجرای این آیین‌نامه در جهت تعدیل نیروی کار قبلی باشد.همچنین دستگاه‌های اجرایی ملزم به بیمه اموال منقول و غیرمنقولی که از محل اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (طرح‌های عمرانی) و مصارف سرمایه‌ای مندرج در بودجه شرکت‌های دولتی تملک، خریداری و ایجاد شده یا می‌شود در برابر خطرات آتش‌سوزی و حوادث طبیعی از قبیل سیل و زلزله نزد بیمه ایران شدند. هیأت وزیران بنا به پیشنهاد مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۴ بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «آیین‌نامه الزام دستگاه‌های اجرایی به اخذ پوشش‌های بیمه‌ای لازم» را تصویب کرد.

براساس آیین‌نامه الزام دستگاه‌های اجرایی به اخذ پوشش‌های بیمه‌ای لازم، دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۲۲۲) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۸۹ـ موظفند با همکاری بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران تا پایان سال ۱۳۹۰ برنامه زمان‌بندی و اعتبارات لازم برای بیمه کردن اموال منقول و غیرمنقول خود را تنظیم و به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور ارائه کنند، به‌گونه‌ای که تا پایان برنامه پنج ساله پنجم جمهوری اسلامی ایران اموال منقول و غیرمنقولی که از محل اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (طرح‌های عمرانی) و مصارف سرمایه‌ای مندرج در بودجه شرکت‌های دولتی تملک، خریداری و ایجاد شده یا می‌شود را در برابر خطرات آتش‌سوزی و حوادث طبیعی از قبیل سیل و زلزله نزد شرکت‌های بیمه تجاری (دارای مجوز فعالیت از بیمه مرکزی ایران) بیمه کنند.

اخذ پوشش‌های بیمه‌ای برای طرح‌های عمرانی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری در حال ساخت براساس ماده (۱۶۸) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۸۹ـ الزامی است.

دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده یک این آیین‌نامه ترتیبی اتخاذ کنند که پیمانکاران براساس شرایط عمومی پیمان موضوع ماده (۲۳) قانون برنامه و بودجه ـ مصوب ۱۳۵۱ـ در قراردادها موظف شوند تمامی ساختمان‌ها، تأسیسات ساخت و ابزار و وسایل کارگاه متعلق به خود و یا در اختیار را به هزینه خود بیمه کنند.

دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده یک این آیین‌نامه و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری موظفند اعتبارات مورد نیاز برای تأمین پوشش‌های بیمه‌ای موضوع این آیین‌نامه را در لوایح بودجه سنواتی پیش‌بینی و منظور کنند.

بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است:

الف ـ پوشش‌های بیمه اتکایی لازم برای موضوعات بیمه کلان با رویکرد استفاده بهینه از ظرفیت نگهداری ریسک در داخل کشور را با رعایت ماده (۱۱۴) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۸۹ـ تأمین کند.

ب ـ تمهیدات لازم برای بهره‌مندی دستگاه‌های اجرایی در سود پرتفوی بیمه‌ای را از طریق حق بیمه‌های قراردادهای آتی اعمال کند.

دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده یک این آیین‌نامه موظفند در اجرای این آیین‌نامه به‌گونه‌ای عمل کنند که حداکثر صرفه‌جویی در استفاده از منابع عمومی و اعتبارات بودجه سنواتی حاصل شود.

دو نرخی شدن حق بیمه، شرایط را بدتر می کند

دبیرکل سندیکای بیمه‌گران با بیان این که دولت قصد دارد لایحه‌ای در مورد نرخ دیه به مجلس ارسال کند، گفت: دو نرخی شدن حق بیمه نه تنهامشکلی را حل نمی کند، بلکه شرایط را پیچیده‌تر می کند.

غلامرضا تاج گردون در گفت‌وگو با ایسنادرباره افزایش نرخ دیه و تقسیم‌بندی ۶۰ میلیون اجباری و ۳۰ میلیون اختیاری در بیمه‌نامه‌ها اظهار کرد: در این مدت جلسات متعددی برگزار شد و چنین جمع‌بندی نداشتیم؛ البته هنوز چیزی ابلاغ نشده است.

وی ادامه داد: رییس کل بیمه مرکزی در نامه‌ای از وزیر اقتصاد خواسته در این خصوص لایحه‌ای تهیه شود و تمامی جوانب موضوع دیده شود چون در برخی موارد نیاز به اصلاح قانون مجازات اسلامی وجود دارد.

وی گفت: همچنین اگر قرار است این نرخ افزایش بیابد، طبق برنامه زمان‌بندی خاصی انجام شود.

دبیرکل سندیکای بیمه‌گران پاسخ داد: مشکل اصلی در اینجاست که آیا موارد قبلی شامل این نرخ می‌شود یا خیر؟ بار عمده مشکلات مربوط به پرونده‌های گذشته است. سخنگوی قوه قضائیه در مورد نرخ پرونده‌های مربوط به گذشته صحبتی نداشته‌اند اما در مورد این پرونده‌ها ابهام وجود دارد.

وی افزود: مثلا اگر اتفاقی دو سال پیش افتاده باشد و حالا با تشکیل دادگاه دیه آن چهار شتر تعیین شود، طبق قانون باید این دیه به نرخ روز پرداخت شود در حالی که رقم حق بیمه براساس نرخ قبلی شتر تعیین شده بوده است.

تاجگردون درباره افزایش سقف تعهدات شرکت‌های بیمه درمورد دیه به ۶۰ میلیون تومان اظهار کرد: در حال حاضر شرکت‌های بیمه در ماه‌های حرام همین رقم را می‌پردازند و در مورد مابه التفاوت ۳۰ میلیون تومانی هم می‌توان بیمه اختیاری تعریف کرد که این کار در حال حاضر هم انجام می‌شود. اما مشکل به طور اساسی حل نمی‌شود.

دبیرکل سندیکای بیمه‌گران دو نرخی شدن حق بیمه به گونه‌ای که ۶۰ میلیون تومان برای بیمه شخص ثالث اجباری و ۳۰ میلیون تومان دیگر اختیاری باشد، را باعث پیچیده‌تر شدن موضوع دانست و گفت: با توجه به این‌که قرار است لایحه‌ای دراین باره به مجلس فرستاده شود فکر می‌کنم اگر موضوع به شکل قانونی حل شود و چارچوبش مشخص باشد، بهتر است.

وی همچنین از انجام فراخوانی برای خریدران بیمه شخص ثالث برای افزایش سقف تعهدات، در صورت ابلاغ دیه ۹۰ میلیون تومانی خبر داد.

به گزارش ایسنا هفته گذشته حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضاییه ـ در پاسخ به سوالی در رابطه با تعیین نرخ دیه گفته بود: در مورد دیه مسائلی مطرح شد و به دنبال آن در ۱۵ خرداد امسال وزیر دادگستری در نامه‌ای از رئیس قوه‌ی قضاییه درخواست کرد تا ظرف مهلتی دوماهه دولت و مسئولان بیمه مشکلات ناشی از تعیین نرخ جدید دیه را بررسی کنند و امروز هم این مهلت دوماهه تمام شده است.

دادستان کل کشور اظهار کرده بود: قرار بود از نظر حقوقی و فقهی بررسی شود که آیا از موارد شش گانه دیه که سه مورد آن موضوعیت دارد، می‌شود از موارد دیگر استفاده کرد که طبق بررسی انجام شده این امر امکان‌پذیر نیست؛ لذا قیمت دیه در سال جاری بدون تغییر همان ۹۰ میلیون تومان خواهد بود.

محسنی اژه‌ای گفته بود: بحث دیگر این است که قراردادهای بیمه بر اساس نرخ قبلی دیه یعنی ۴۵ میلیون تومان بسته شده‌اند که برای حل این مشکل مقرر شد از مهرماه امسال شرکت‌های بیمه بر اساس نرخ جدید قرارداد ببندند و ظاهرا قرار شد که نیمه دوم سال، از مبلغ دیه تا ۶۰ میلیون بیمه‌ها بپردازند و ۳۰ میلیون بقیه را کسی که دیه برعهده اوست بپردازد. اگر اولیای دم دیه را بخشیدند که مشکلی پیش نمی‌آید و اگر نبخشیدند و کسی نداشته باشد دیه را پرداخت کند و معسر باشد، او را زندانی نمی کنند و براساس حکم معسر با او برخورد می‌شود.

در همین باره همچنین سیاوش سعیدیان ـ معاون فنی بیمه ایران میزان حق بیمه شخص ثالث برای سقف تعهد ۶۰ میلیون تومانی را ۴۵۰ تا ۶۰۰ هزار تومان اعلام کرد و گفت: شرکت‌های بیمه با تعریف یک بیمه‌نامه اختیاری برای ۳۰ میلیون تومان مابه‌التفاوت، آن را در اختیار بیمه‌گذاران قرار بدهند. به گفته وی در صورت درخواست خرید مازاد بیمه شاید این رقم به حدود یک میلیون تومان هم برسد.به گفته معاون فنی بیمه ایران رانندگان موظفند بیمه نامه اجباری تا سقف ۶۰ میلیون تومان را قانونی تهیه کنند و در صورت بروز حادثه تا این رقم جبران می شود. از سوی دیگر شرکت‌های بیمه می توانند با تعریف یک بیمه‌نامه اختیاری برای ۳۰ میلیون تومان ما به‌التفاوت، آن را در اختیار بیمه گذاران قرار بدهند.

نحوه انجام معامله توسط سهامداران حقیقی و حقوقی بانک پاسارگاد

نحوه انجام معامله توسط سهامداران حقیقی و حقوقی بانک پاسارگاد اعلام شد. مصطفی حاجی حسینی مدیرعامل کارگزاری بانک پاسارگاد در گفت‌وگو با فارس، درباره امکان انجام معامله توسط سهامداران حقیقی و حقوقی بانک پاسارگاد اظهار داشت: در شرایطی محدودیتی در انجام معامله سهام این بانک توسط سرمایه گذاران حقیقی وجود نداشته که پیرو اطلاعیه‌های قبلی، آن دسته از سهامداران حقوقی که اصل برگه سهام خود را به امور سهام بانک پاسارگاد تحویل داده اند، با توجه به اینکه مراحل سپرده گذاری سهام توسط بانک صورت گرفته، این گروه از سهامداران می‌توانند جهت دریافت گواهینامه‌های نقل و انتقال خود به امور سهام بانک مراجعه کنند.

وی همچنین درباره آن دسته از سهامداران حقوقی که تاکنون موفق به تحویل برگ سهام خود نشده‌اند توضیح داد: طبق روال جاری شرکت سپرده‌گذاری مرکزی، تحویل اصل برگ سهام جهت سپرده کردن و دریافت برگ نقل و انتقال سهام ضروری است. لذا سهامداران فوق می‌توانند با مراجعه به امور سهام بانک و یا کارگزار ناظر خویش نسبت به رفع این محدودیت و دریافت گواهی نقل و انتقال سهام اقدام کنند.

حاجی حسینی با اشاره به استقبال روزگذشته سهامداران از بازگشایی نماد این بانک در بورس اوراق بهادار تهران و معامله بیش از ۲۵۷ میلیون سهم، روند رو به رشد این بانک از زمان تأسیس تاکنون برنامه‌های توسعه‌ای و گروه مالی پاسارگاد را مدنظر قرار داد و چشم انداز روشنی را برای بانک پیش‌بینی کرد.

مدیر بازار شرکت بورس هم گفت: محاسبه حجم مبنای سهام بانک پاسارگاد با سرمایه قبلی ۲,۳۱ هزار میلیارد تومانی شش میلیون و ۹۳۰ هزار سهم محاسبه شده و بعد از نهایی شدن سرمایه جدید، این حجم به بیش از ۸ میلیون سهم خواهد رسید.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۲۵۳۸۹/۳	۲۵۳۸۹/۴	۲۵۲۱۵/۵	۱۷۲/۳	۰/۶۸
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۱۵۹۱	۱۵۹۱	۱۵۷۶/۶	۱۴/۴	۰/۹۱
شاخص آزادشناور	۳۳۲۷۴/۵	۳۳۲۷۴/۶	۳۳۰۲۶/۵	۲۴۷/۱	۰/۷۵
شاخص بازاراول	۲۱۵۹۸/۵	۲۱۵۹۸/۵	۲۱۴۵۷/۷	۱۳۹/۴	۰/۶۵
شاخص بازاردوم	۳۰۵۷۲/۴	۳۰۵۷۲/۴	۳۰۳۲۴/۶	۲۸۷/۵	۰/۹۵
شاخص صنعت	۱۹۲۹۲/۶	۱۹۲۹۲/۶	۱۹۱۴۴/۹	۱۴۶/۲	۰/۷۶

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه ۹۰/۶/۱)

مجموع حجم معاملات	۱۹۰ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۵۷۴/۴۱۲ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۸۲۱۳ معامله
ارزش بازار	۱/۱۹۱/۷۷۹ میلیارد ریال

پالایشگاه بندرعباس شهریور به هیات پذیرش می‌رود

پالایشگاه بندرعباس در حال به روزرسانی برنامه کسب و کار و حسابرسی بودجه امسال خود است.

بعد از انجام اقدامات لازم پیش‌بینی می‌شود که پالایشگاه بندرعباس تا پایان شهریور جهت پذیرش در هیات پذیرش مورد بررسی قرار گیرد.

مجید نوروزی مدیر پذیرش بورس در مورد علت روند طولانی‌شدن پذیرش پالایشگاه بندرعباس گفت: پالایشگاه نفت بندرعباس پارسال آماده درج در بورس بود، ولی شرکت پالایش و پخش با سازمان خصوصی‌سازی توافق کردند تا پالایشگاه نفت آبادان و بندرعباس دولتی بماند، لذا پالایشگاه شازند اراک برای واگذاری آماده شد که در نهایت تصمیم گرفته شد تا پالایشگاه شازند و آبادان دولتی باقی مانده و ۱۰۰ درصد تمام پالایشگاه بندرعباس واگذار شود.وی در مورد وضع پالایشگاه شیراز گفت: پالایشگاه نفت شیراز نیز باید برنامه کسب‌وکار خود را به تصویب هیات مدیره برساند تا در هیات پذیرش بررسی شود .نوروزی وضعیت هلدینگ پتروشیمی را مورد توجه قرار داد و گفت: علی‌رغم پیگیری‌های انجام شده، پتروشیمی خلیج‌فارس (هلدینگ پتروشیمی) آماده‌سازی را به تاخیر می‌اندازد.

بازگشت دلالی و رانت به معاملات پتروشیمی در بورس کالا

به گفته برخی خریداران در زمینه حذف محدودیت ثبت سفارش خرید در محصولات پتروشیمی از سوی هر کارگزاری، واریز می‌کنند، بنابراین هر کسی که تقاضای بیشتری برای خرید دارد، پول بیشتری هم به عنوان پیش پرداخت واریز می‌کند. خریداری شده را در بازار آزاد می‌فروشد، حتی به من تولیدکننده در قبال تحویل محموله، تقاضای پرداخت مابه‌التفاوت ۵۰ یا ۱۰۰

با این اقدام مجدداً زمینه ورود دلالان و حذف خریداران واقعی از بازار پتروشیمی فراهم می‌شود.

به گزارش فارس، محدودیت ثبت سفارش خرید هر کارگزاری برای محصولات پتروشیمی در بورس کالا حذف شد، این در حالی است که از ابتدای امسال به دلیل ورود خریداران و تولیدکنندگان واقعی به بورس کالا برای خرید محصولات پتروشیمی محدودیت ثبت سفارش خرید ۱۰۰ تن توسط هر کارگزاری در نظر گرفته شده بود.

یک تولیدکننده و خریدار محصولات پتروشیمی در این باره به فارس گفت:با اعمال محدودیت ثبت سفارش دست دلالان از بورس کوتاه شده و رانتی که پیش از این به دلیل اختلاف قیمت بورس و بازار آزاد بوجود آمده بود هم از بین رفته بود.

این تولیدکننده محصولات پلاستیکی که بخشی از مواد اولیه خود را از بورس کالا تهیه می‌کند، افزود: با حذف محدودیت ثبت سفارش کارگزاران مجدداً پای دلالان به بورس کالا باز شد.

وی توضیح داد: به دلیل تقاضای بالای خرید حجم عرضه‌ها بین متقاضیان تقسیم به نسبت می‌شود، قبل از شروع عرضه خریداران ۱۰ درصد به عنوان پیش پرداخت در حساب

وی گفت: ما به عنوان تولیدکننده واقعی هزینه مشخصی برای خرید در نظر می‌گیریم که مبلغ آن بالا نیست،بنابراین وقتی محدودیت ثبت سفارش وجود داشت می‌توانستیم به راحتی از بورس کالا خرید کنیم.

این خریدار محصولات پتروشیمی از بورس کالا افزود: در حال حاضر که شرایط خرید ۱۰۰ تن از سوی هر کارگزاری حذف شده دلالان به دلیل اینکه همه دارایی خود را وارد این بازار کرده‌اند با پرداخت پول بیشتری همه سفارش‌های خرید محصولات پتروشیمی در بورس کالا را تصاحب می‌کنند.

وی با بیان اینکه ما به عنوان تولیدکننده واقعی همه سرمایه خود را برای راه اندازی یک کارخانه و ادامه تولیدات آن هزینه کرده‌ایم، تصریح کرد: دلالان نه صنعتی دارند و نه تولیدی تنها با داشتن چند خط تلفن و پول وارد بازار شده و از این شرایط بهترین استفاده را می‌کنند.

به گفته وی، در شرایط فعلی که کارگزاران برای هر میزانی که بخواهند، می‌توانند سفارش خرید را ثبت کنند، موقعیت خوبی برای ورود دلالان فراهم شده است. در حال حاضر کارگزاری وجود دارد که سرمایه خود را وارد این بازار کرده و محصول پتروشیمی تومانی در هر کیلو را می‌دهد.

وی با اشاره به اینکه اتخاذ چنین رویه‌ای از سوی کارگزاری‌ها که وظیفه‌شان خریداری مواد پتروشیمی است، صحیح نیست و در برخی موارد نیز کارگزار ۲۰ تا ۳۰ میلیارد تومان پول را برای خرید واریز می‌کند (پیش پرداخت) و به تولیدکننده می‌گوید مابه‌التفاوت نرخ آزاد و بورس را بپردازند تا محموله را تحویل دهد.

این خریدار محصولات پتروشیمی تأکید کرد: برای اینکه بتوانم ۴۰ تن مواد از بورس خریداری کنم باید ۱۵ میلیارد تومان به عنوان پیش پرداخت واریز کنم و دو تا سه ماه زمان لازم است تا پول آن برگردد.زمانی که محدودیت ثبت سفارش خرید وجود داشت، مشکلی نبود و سه نفر برای خرید ۱۰۰ تن مواد از یک کارگزاری سفارش خرید می‌دادیم و مشکلی نیز نبود.

این تولیدکننده محصولات پلاستیکی اعلام کرد: وقتی به کارگزار می‌گوییم فلان کالا را خریداری کند، می‌گوید به دلیل اینکه افراد دیگری پول بیشتری پرداخت کرده‌اند و در زمان تقسیم به نسبت شدن کالا هم به این افراد کالا فروخته می‌شود، به امثال شما که مبلغ کمتری واریز کرده‌اید چیزی نمی‌رسد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
شرکت آ.س.پ	۳,۵۳۰	۱۶۸
بانک الکترونیکی آرین	۱,۴۴۰	۳
بیمه آسیا	۳,۵۸۴	(۱۴۹)
مخابرات ایران	۳,۱۱۸	۱۷
شرکت افرانت	۱۴,۵۰۸	۱۷۳
بیمه البرز	۲,۴۲۵	(۱۱)
کابل البرز	۱,۰۵۰	(۱۶)
ایران ترانسفو	۶,۲۶۷	۲۴۱
ح . ایران ترانسفو	۴,۶۲۳	۳۴۲
کابلسازی تک	۷,۰۳۱	۲۷۰
پارس‌سویچ	۵,۰۰۱	(۲۱)
لامپ پارس شهاب	۲,۹۱۶	۰
موتوژن	۳,۳۵۷	۱۲۹
نیروترانس	۵,۳۹۲	(۲۲۴)
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۵,۱۸۰	۲۶
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۲,۳۸۵	۹۱
بیمه پارسیان	۲,۵۰۰	۶۸
ایران‌یاساتایرورابر	۴,۷۰۳	۵۱
درخشان تهران	۱,۱۷۵	۴۴
سرمایه گذاری پردیس	۱,۱۹۸	۴۶
صنایع لاستیکی سهند	۱,۷۷۶	۶۸
ح . پلاسکوکار	۴۴۸	(۳۸)
گازلوله	۵۰۵	۱۹
تراکتورسازی‌ایران	۱,۸۲۲	۰
پمپ سازی ایران	۲,۹۱۹	۱۰۶
تولیدتجهیزات‌سنگین‌هپکو	۸۶۸	(۳۶)
ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی	۱,۷۶۸	۶۸
کمباین سازی ایران	۵۷۴	(۲۳)
تکنوتار	۱,۴۹۰	۳۵
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۹۵۱	(۵۴)
سامان گستراصفهان	۷۲۲	(۲۲)
سرمایه گذاری شاهد	۲,۲۴۰	(۳۷)
عمران و توسعه شاهد	۲,۸۰۰	۶۱
ح . عمران‌وتوسعه‌فارس	۲۰۰	(۱,۴۰۰)
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۶۱۱	۳
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۱,۶۸۵	۶۴
افست	۲,۸۷۵	۱۱۰
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۳,۷۷۰	۱۴۵
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۷,۲۶۴	۲۷۹
تایدواترخاورمیانه	۲,۸۰۰	(۷۰)
حمل‌ونقل‌توکا	۲,۳۰۰	۱۲
حفاری شمال	۲,۵۰۳	۹۶
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۸۹۰	۱
سایپاآذین	۹۴۰	۲۴
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۸۲۲	۲۹
آهنگری تراکتورسازی ایران	۳,۰۰۵	۱۱۵
گروه‌بهمن	۲,۲۵۲	۸۶
پارس خودرو	۱,۱۳۲	۴۳
سازه پویش	۱۴,۸۰۷	(۲۴۵)
قطعات اتومبیل ایران	۲,۵۰۳	۹۶
رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۱۳۵	۱۹
زامیاد	۲,۳۷۶	۹۱
سایپا	۲,۲۹۷	۸۸
الکتریک خودرو شرق	۱,۱۳۵	۱۲
مهندسی صنعتی روان فن آور	۳,۲۲۸	۱۵۳
فنرسازی‌خاور	۱,۱۲۹	(۴۷)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۹۹۸	۴۶
نیرو محرکه	۱,۶۵۵	۲۱
ح . نیرو محرکه	۶۰۰	(۲۱)
مهرکام‌پارس	۷۳۰	(۱۹)
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۸۶۵	۳۳
مهندسی‌نصیرماشین	۱,۹۹۸	۷۶
ایران خودرو	۳,۲۷۱	۱۲۵
محورسازان‌ایران‌خودرو	۷۰۸	۲۷
کاربراتورایران	۲,۶۴۵	۱۰۱
سایپا دیزل	۷۵۰	(۲۸)
داروسازی ابوریحان	۷,۶۳۰	(۲۱۸)
کارخانجات‌داروپخش	۶,۵۲۰	(۲۷۱)
داروسازی اسوه	۱۲,۳۷۴	۴۷۵
البرزدارو	۱۱,۵۸۰	۴۴۵
پارس دارو	۱۴,۰۰۰	۲۵۸
داروسازی جابرابن‌حیان	۳,۹۳۰	۲۷
داملران	۸,۵۰۰	۱۵۲
دارویی رازک	۱۲,۴۰۰	۲۴۶
داروسازی روزدارو	۴,۵۰۰	۲۰
گروه دارویی سبحان	۵,۰۳۰	۱۹۳
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۸,۵۰۰	(۱۵۷)
داروسازی فارابی	۸,۰۵۰	۲۵۹
فرآورده‌های تزریقی ایران	۴,۸۴۱	۳
داروسازی اکسیر	۷,۰۰۰	(۷۳)
دارویی لقمان	۳,۹۲۲	(۳۳)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بانک دی	۱,۳۶۱	(۴)
داروسازی کوثر	۲,۰۴۵	(۱۸)
خدمات‌انفورماتیک	۱۱,۴۰۲	۲۲
تجارت الکترونیک پارسیان	۹,۵۶۰	۳۷۵
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۳,۴۷۰	۱۰۶
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۲,۸۲۰	۸۱
پتروشیمی زاگرس	۱۲,۳۵۰	۳۸
سیمان داراب	۳,۰۱۸	۰
سیمان‌ارومیه	۳,۵۶۶	(۱۳۸)
ایرانیت	۶۱۵	۲۳
شرکت سبحان دارو	۱۷,۵۰۴	(۴۰۳)
سیمان سبزوار	۹۳۲	۷
سیمان تهران	۲,۴۴۶	۳۱
سیمان‌خاش	۲,۶۲۰	۷۴
سیمان خزر	۱,۷۹۰	۳۰
سیمان دورود	۴,۰۱۵	(۵۹)
سیمان‌شاهرود	۲,۳۷۰	۷
سیمان شمال	۹۸۵	۱
سیمان صوفیان	۱,۱۱۹	(۴۶)
سیمان‌غرب	۲,۳۵۰	۲
سیمان فارس و خوزستان	۱,۱۷۸	۴۰
کارخانه‌فارسیت‌درود	۶۷۹	۱۲
بانک سرمایه	۲,۱۰۰	۳۰
سرمایه گذاری میراث فرهنگی	۱,۷۹۰	۲۶
سیمان‌هگمتان	۲,۳۲۰	۵
سیمان ایلام	۲,۰۵۰	(۳)
سیمان کارون	۲,۲۷۰	(۵۰)
سیمان کرمان	۳,۶۰۰	۱۵
پتروشیمی شازند	۴,۰۲۸	۳۴
معدنی املاح ایران	۷,۳۰۰	(۴۳)
پالایش نفت تبریز	۱,۸۳۵	۷۰
نفت بهران	۱۷,۳۱۰	(۲۳)
پاکسان	۳,۲۹۵	۵۴
پتروشیمی آبادان	۵,۶۸۸	۲۱۸
پتروشیمی پردیس	۲۳,۷۸۰	۱۶۳
پارس پامچال	۵,۵۸۷	۲۱۴
پالایش نفت اصفهان	۴,۱۰۰	۵۳
تولی‌پرس	۱,۷۶۲	(۱)
پتروشیمی خارک	۱۷,۰۹۰	۲۴
تجهیزنیروی‌زنگان	۷۲۶	۲۷
تولید سموم علف کش	۳,۴۶۰	(۱۰۴)
پتروشیمی اصفهان	۳,۰۸۸	(۱۲۸)
پتروشیمی‌فارابی	۲,۲۹۴	(۹۵)
صنایع شیمیایی فارس	۲,۷۵۴	(۱۱۴)
گلتاش	۵,۵۵۵	۲۱۱
لعابیران	۳,۴۲۷	۱۳۱
نفت پارس	۳,۲۴۵	(۹)
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۱۱,۱۸۹	(۱۳)
کربن ایران	۷۴۴	۲۸
نیروکلر	۶,۸۶۰	۵۴
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۶۱۵	(۱۰۰)
صنعتی بهشهر	۵,۰۹۰	۱۹۱
بهنوش ایران	۱۲,۵۹۹	۱۳۴
لبنیات پاک	۳,۲۵۷	۰
پارس مینو	۱,۴۵۶	۵۱
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۱۷۷	۴۴
بیسکویت گرجی	۲,۰۸۱	(۷۹)
مارگارین	۱,۴۰۵	(۳۱)
تولیدی‌مهرام	۲,۱۶۰	۸۳
صنایع آذرآب	۲,۸۱۳	۷۸
ماشین سازی اراک	۱,۹۹۹	۷۶
کالسیمین	۱۱,۰۷۶	۳۷۴
صنعتی آما	۴,۰۳۴	۱۵۵
آلومینیوم‌ایران	۹,۵۹۹	(۱۳)
مس شهیدباهنر	۱,۰۸۱	۱۵
فولاد خراسان	۵,۴۸۱	۲۱۰
فولاد خوزستان	۷,۸۰۰	۱۳۹
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۵,۱۲۲	۱۹۷
فروسیلیس ایران	۳,۸۹۸	(۶)
تولیدفرومولیبدن‌کرمان	۵۰۰	۱
ملی سرب‌وروی ایران	۴,۰۵۰	۴۸
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۷۵۲	(۱۲۵)
ملی صنایع مس ایران	۴,۷۳۰	۳۴
نوردوقطعات فولادی	۱,۵۵۵	۳۱۴
فولاد مبارکه اصفهان	۲,۹۹۲	۹۱
فولاد آلیاژی ایران	۲,۸۵۳	۵۰
صنایع فولاد آلیاژی یزد	۲,۱۱۵	۱۰۰
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۶,۱۶۵	۲۳۷
قند ثابت خراسان	۱,۹۲۹	۷۴
فرآوردههای غذایی وقندتربت‌جام	۱,۱۰۱	۴۲
کارخانجات قند قزوین	۱,۹۱۶	۷۳

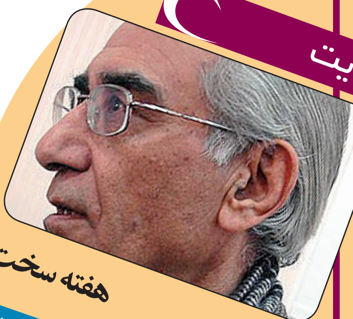
نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
قند شیرین خراسان	۲,۶۰۷	۱۰۰
قنداصفهان	۱۰,۲۸۶	۳۹۵
قند لرستان	۱۴,۰۰۷	۵۳۸
قند مرودشت	۱۲,۲۹۳	۴۷۲
قندنقش‌جهان	۱۶,۴۹۰	۶۳۴
قند نیشابور	۴,۱۳۲	۱۵۸
آبسال	۷۰۰	(۵)
پارس الکتریک	۸۷۵	(۲۴)
پارس خزر	۱,۶۴۰	(۴۱)
کارخانجات‌مخابراتی‌ایران	۸۹۳	۲۲
داده‌پردازی‌ایران	۳,۸۶۴	۱۴۸
ایران‌ارقام	۳,۶۲۵	۱۳۹
ایران مرینوس	۴,۴۶۴	(۱۸۶)
ارتباطات سیار ایران	۴۴,۶۰۹	(۶۴)
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۰۰۱	۳۸
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۴,۶۸۰	(۹۱)
مدیریت سرمایه گذاری امید	۳,۸۰۴	(۳۲)
لیزینگ ایرانیان	۲,۱۴۹	۱۰۲
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۵۰۰	(۴)
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۲۴۰	۴۶
بانک صادرات ایران	۱,۶۴۶	(۱۰)
بانک ملت	۲,۲۴۰	۲۰
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۹۵۰	۱۹
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۸۸۵	۳۴
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۶۴۰	۱۰
بانک‌پارسیان	۳,۳۰۰	۲۰
بانک پاسارگاد	۲,۲۹۹	۱۸
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۷۴۱	۲۰
داروپخش (هلدینگ	۷,۷۵۰	(۲۴۴)
پست بانک ایران	۵,۴۹۸	۲۱۱
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۶۰۰	(۲۵)
سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۰۱۵	(۸۳)
توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۲۳۳	(۱۶)
بیمه دی	۲,۱۱۱	۱۰۰
سرمایه‌گذاری سایپا	۳,۰۳۱	۱۱۶
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۱,۴۱۰	۵۴
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۳۰۸	(۴)
گروه‌صنعتی‌سدید(هلدینگ	۱,۵۴۰	(۲)
بانک سینا	۳,۰۰۰	۱۶
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۰۶۶	(۴۲)
ح . گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۰۳۰	۲۰
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۵۹۲	۹۹
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۱۶۸	(۹)
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۰۵۳	(۲)
بانک گردشگری	۱,۳۴۰	۱۶
گسترش سرمایه گذاری ایرانیان	۳,۰۴۳	۱۴۴
لیزینگ رایان سایپا	۵,۴۶۹	۱۹۹
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۵۱۰	(۳۸)
لیزینگ‌خودروغدیر	۵۲۳	۱۲
لیزینگ‌ایران	۲,۴۰۳	(۶۸)
توسعه‌معادن‌وفلزات	۹,۴۰۰	۶۸
سرمایه‌گذاری‌ملت	۳۰۰	۱
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۱۴۹	(۴۳)
بانک‌اقتصادنوین	۳,۷۰۰	۳۸
ح . بانک‌اقتصادنوین	۲,۵۸۵	(۴۱)
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۶۹۱	(۱)
بانک کارآفرین	۲,۷۰۰	۱
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۹۵۱	۳۶
باما	۲۲,۳۷۳	۸۶۰
معادن بافق	۲۵,۱۲۲	۹۶۶
تولیدی کاشی تکسرام	۸۳۳	(۳۴)
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۶,۲۰۰	۱۷
چینی ایران	۲,۸۹۹	۱۳
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۶,۳۸۰	۲۴۰
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲,۱۰۰	(۴)
توسعه معادن روی ایران	۲,۹۶۱	۲۲
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۲,۴۰۰	۴۰
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۶,۴۳۶	۲۴۷
ذغال‌سنگ نگین طبس	۵,۲۳۶	۲۰۱
فراورده های نسوزایران	۳,۶۵۹	۱۴۰
شیشه و گاز	۱,۷۷۰	۶۶
سنگ‌آهن‌گل‌گهر	۶,۲۹۹	۷۸
تامین ماسه ریخته‌گری	۲,۷۷۷	۰
مرجان کار	۶,۱۶۱	۲۹۳
معادن‌منگنزایران	۷,۲۱۴	۲۷۷
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۸۹۱	۳۴
شیشه همدان	۳,۰۸۰	۴۴

فرهنگی ۴۸

چهارشنبه ۲ شهریور ۱۳۹۰

شماره ۲۵۱۱۱ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

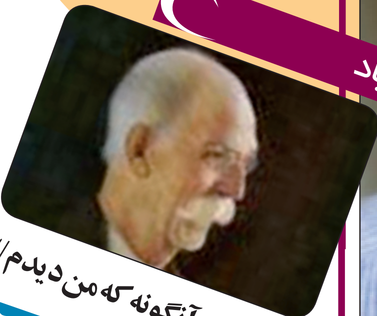
ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران



روایت

هفته سخت

صفحه ۲



یاد

کمال الملک آنگونه که من دیدم/۲

صفحه ۶



خاطره

غرش پدرم شاه

صفحه ۳



کتاب

ناتنی ها

صفحه ۷



عکس

اجابت

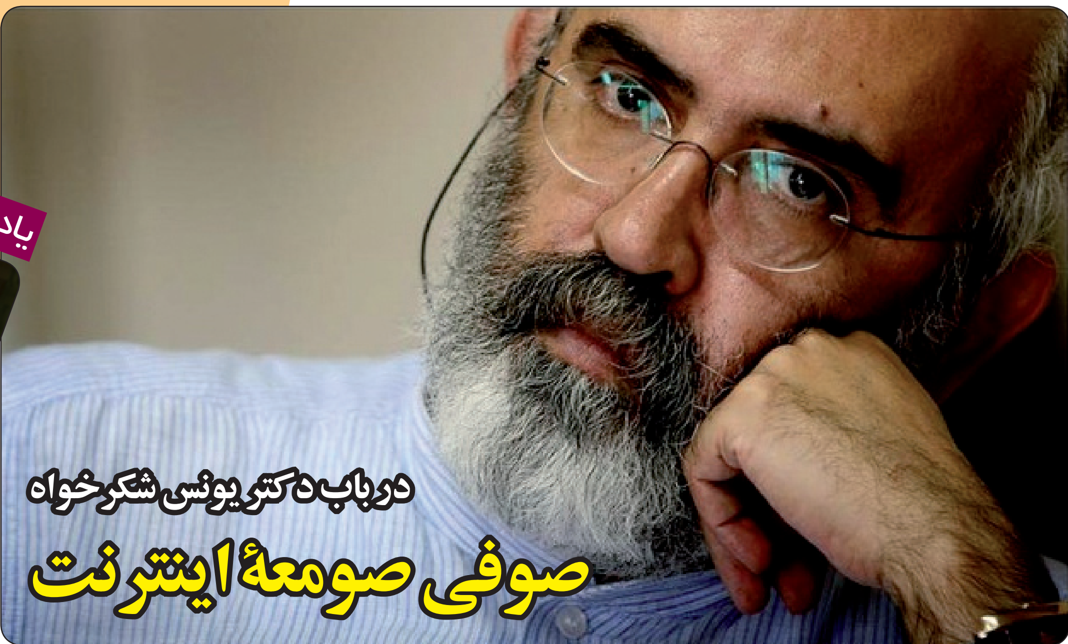
صفحه ۵



زندگی

از مجالس مذهبی به دموکراسی

صفحات ٤ و ۵



درباب دکتر یونس شکرخواه

صوفی صومعهٔ اینترنت

اگر با محاسنی که دارد، دستاری بر سر می‌افکند و ردایی بر دوش می‌گرفت و از باب احتیاط تسبیحی دانه درشت از جنس فیروزه آبی رنگ نیشابور هم در دست می‌داشت، بی‌تردید به عنوان صوفی صومعه پذیرفته می‌شد، از بس که چهره‌اش قدسی و معنوی و جاافتاده است و داد می‌زند از نجابت. با این حال، به همین شکلی که هست، بی‌دستار و ردا و تسبیح دانه درشت هم صوفی وش است، اما نه در خانقاه و دیر که در صومعه اینترنت. اینترنت که می گوییم، عام است. کلاً رسانه مدنظرمان است و فن‌الارتباط و تعبیر روزنامه‌ای‌اش: روزنامه نگاری.

دکتر یونس شکرخواه در ۲ تیر سال ۱۳۳٦ در مشهد به دنیا آمد. شکرخواه دارای کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، کارشناسی ارشد ارتباطات و دکترای علوم ارتباطات است. لیسانس مترجمی زبان انگلیسی را از دانشگاه علامه طباطبایی و فوق لیسانس و دکترای خود را نیز از همین دانشگاه اخذ کرد. هم از این رهگذر بود که از شاگردی دکتر کاظم معتمدنژاد ـ پدر روزنامه‌نگاری ایران ـ بهره‌مند شد اما این توفیق را داشت که از رمزهای روزنامه‌نگاری سنتی یا کلاسیک بگذرد و سر از روزنامه‌نگاری مدرن در بیاورد و به‌عنوان یکی از اولین و اصلی‌ترین و زبده‌ترین متخصصان عرصه روزنامه‌نگاری سایبری مطرح شود. این در حالی بود که او هرگز روزنامه نگاری سنتی را کنار نگذاشته و پیوسته در متن مرکزی آن حضور داشته است.

فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری خود را با روزنامه اطلاعات آغاز کرد و چندی بعد گذارش به روزنامه کیهان افتاد

در همین راستا، لازم به اشاره است که دکتر شکرخواه فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری خود را از سال ۱۳٦۰ با ترجمه مقاله‌ای برای روزنامه اطلاعات آغاز کرد. و چندی بعد گذارش به روزنامه کیهان افتاد. در برخی روایات آمده است که: از سال ۱۳٦۱ تا سال ۱۳۷۷ به عنوان دبیر بخش بین‌الملل و عضو شورای تیتر در روزنامه کیهان کار کرده است. در همان ایام گاه نوشته‌های او در ستون سرمقاله‌های کیهان به چاپ می‌رسید و از درجه علمی بالا و اتقان فنی بسیار والایی برخوردار بود.

وی هم‌چنین از سال ۱۳٦۹ نیز عضو هیات تحریریه ماهنامه صنعت چاپ بوده است. استاد در نشریات مختلف دیگری همچون فصلنامه رسانه، فصلنامه سنجش و پژوهش هم به‌عنوان سردبیر و عضو هیأت تحریریه به کار مطبوعاتی پرداخته و در سال‌های فعالیتش، کتاب‌هایی هم در زمینه ارتباطات و فناوری اطلاعات تالیف کرده است که مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

وی از سال ۱۳۸۱ به مدت سه سال سردبیر سایت جام‌جم آنلاین بود. با این حال، بیشترین شهرت او به ورودش در دنیای مجازی است. از سالها پیش معروف و مشهور است که در اینترنت روزگار می گذارند، البته از نوع بی مصرفش که به صورت تخصصی و حرفه‌ای و علمی و آکادمیک گفته می شود. در همه این سال‌ها، به‌رغم اصرارها، شکرخواه عضو هیات علمی هیچ دانشگاهی نشده و با این وجود، از رهگذر تدریس بسیاری از دانش‌آموختگان ارتباطات، فارغ از اینکه کجا مدرک دانشگاهی گرفته‌اند، از او به‌عنوان یکی از استادان خود یاد می کنند.

کوتاه سخن اینکه: دکتر یونس شکرخواه از متخصصان حوزه دانش ارتباطات و از مترجمان این رشته به زبان فارسی است.

پایان‌نامه دکتری شکرخواه کتابی با عنوان روزنامه‌نگاری سایبر است که در آن به بررسی نگرش صاحبان نظر درباره آثار فناوری‌های نوین ارتباطی بر آزادی بیان پرداخته و جالب اینکه در آن برای اولین بار با ۱۰ نفر از استادان برجسته ارتباطات جهان نیز مصاحبه کرده است که در نوع خود کاری ارزشمند و پیشگامانه در عرصه گفتگوست. در میان آثار تاریخ روزنامه نگاری ایران، کمتر کاری به این وسعت و دامنه و شمول می‌توان یافت. بماند که دکتر شکرخواه، کارهای دیگری در این پایه و مایه هم انجام داده است و اصولاً باید گفت که کار غیرعلمی و کم‌مایه ندارد.

استاد هم‌اکنون علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، سردبیر سایت همشهری آنلاین است. حتی اگر سردبیرهم نباشد حق این است که آنلاین بودن را مشخصه او بدانیم و یکی از اصلی‌ترین خصوصیاتش. این استاد فول آنلاین ـ اگر این استعمال صحیح باشد ـ دیدگاه‌های متفاوتی درباره رسانه و متعرقات و متفرعات آن دارد. با ادب کامل و متانت لازم روزنامه‌نگاری در ایران را حرفه‌ای نمی‌داند و دردمندانه معتقد است که در روزنامه‌های جناحی ایران، اصول اخلاقی یا حرفه‌ای روزنامه‌نگاری رعایت نمی‌شود. از افاضات اوست که:

«در کدام اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری آمده است که ما می توانیم به‌عنوان روزنامه‌نگار، کاندیدا برای مجلس تعریف کنیم؟ ما داوریم؟ اگر داوریم، می‌توانیم پاس بدهیم یا نمی‌توانیم؟ این‌را به شما بگوییم که ما در ایران، آخرین نسل از روزنامه‌نگاری، جنگ سردی را تجربه می‌کنیم؛ زیرا به‌خاطر شیوع اینترنت و دسترسی آسان به اطلاعات، مردم دیگر خود را معطل این نمی‌کنند که ببیند ما چه می‌گوییم و آنها تأیید کنند.»

باری، شکرخواه در زمره استادانی است که با آگاهی تمام، به استقبال به‌کارگیری علوم و فنون نو اطلاعاتی و ارتباطی، برای توسعه دانش ارتباطات رفته است و در زمینه آموزش و انتقال دانش به علاقه‌مندان نیز پیشرو بوده است.

بقیه در صفحه۳

به مناسبت هشتادو ششمین سال دکتر اسلامی ندوشن

بعداز حافظ/۱

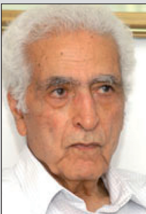
اشاره: مطالب پیشین این بحث، در برخی از شماره های قبلی ضمیمه فرهنگی چاپ شده است. اکنون ادامه این بحث را پی می گیریم که به جریان شعر و ادب فارسی بعد از روزگار حافظ می پردازد.

*** شما جریان بعد از حافظ را چطور می‌بینید؟**

بعد از حافظ نوعی شیب ایجاد می‌شود. البتّه شاعرانی قابل توجّه مثل جامی هستند و بعد هم سبک هندی به وجود می‌آید و گویندگانی چون بیدل وصائب و عرفی به عرصه می‌رسند و اینها هر کدام از جهاتی قابل توجّه‌اند، ولی دیگر آن فکر و بیان شاخص که تا زمان حافظ و در چند شاعر دیده می‌شود، در دوران بعد از حافظ به آن صورت دیده نمی‌شود. هر یک از این شاعران جایگاه خود را دارند، ولی کاملاً محسوس است که شعر فارسی روی یک شیب جریان پیدا می‌کند.

*** علّت موضوع چه چیزی می‌تواند باشد؟**

علّت موضوع این است که گذشت زمان تغییراتی در پی دارد. یعنی باعث می‌شود که آن سرچشمه‌های فکری که زاياننده هستند، کم‌بنیه و کم‌مایه بشوند. می‌دانیم که سه شاعر بزرگ ایران به دوران مغول مربوط می‌شوند: مولوی و سعدی‌و حافظ. دوران مغول، دوران مصیبت‌بار و منحط جامعه ایرانی است. در این دوره بلایای سخت بر مردم ایران نازل شد، ولی سرچشمه‌های فکری نخشکید و به این جهت توانست این سه شاعر را در این دوره پدید آورد. و به همین جهت هم، یکی از پربارترین دوره‌های زبان فارسی به شمار می‌رود.



■ دکتر اسلامی ندوشن

موضوع برمی گردد به اینکه یک دوران تا چه اندازه فکرانگیز و اثرانگیز باشد. دوران قبل از حافظ این خاصیت را دارد، ولی دوران بعد بنیه و نیروی خودش را از دست می‌دهد. بازمانده نیرو در حافظ، به کار می‌افتد و بعد از او دیگر آنچه بتواند منشأ آثار بزرگ فارسی بشود، فروکش کرده. بنابراین، روی بدنه تکرارگویی می‌افتد.

بقیه در صفحه۵



آموزه

شمس تبریزی:

بدان که آدم پرده است پیش نظر فقیر. فقیر جوهر عشق است و جوهر عشق قدیم است...

مقالات شمس/ ۱٤۱

سر سخن

کریم فیضی

پایان فاصله‌ها

هر کسی که نمونه‌ای هر چند کوچک از این نمونه‌ها را تجربه کرده باشد، بی‌هیچ تردیدی تصدیق خواهد کرد که در شرایط یاد شده، در حقیقت انسان به تمام معنی کلمه احساس ناتوانی و ناکامی می کند و از سر همین ناتوانی و ناکامی، دچار حالات روانی مختلفی از نوع: اندوه، نگرانی، خشم، بدبینی، استرس، بدگویی و اختلالات روانی دیگر می‌شود که منشأ آن باز می گردد به سلطنت امواج بر انسان و زندگی انسان و مقهور و وابسته شدن و زیر دست ماندن انسان در زیر سلطه و سیطره امواج که از شرق تا غرب عالم را فرا گرفته‌اند و هر روز و هر لحظه، بی‌هیچ توقف و کناره‌گیری پیوسته در حال جریان و سریان و خروشیدن و شتاب و آمد و رفت هستند و با انقباض و انبساط خویش، در حقیقت انسان و زندگی او را منقبض و منبسط می کنند.

اگر روزگاری پیش از این، قبض‌ها و بسط‌ها منشأ درونی داشت، امروزه بیشتر قبض و بسط‌ها از درون به بیرون منتقل شده است و با پادر میانی ناشناخته امواج، عجیب‌ترین و حیرت‌آورترین قبض و بسط‌ها روی می‌دهد. درست است که باز هم قبض و بسط در درون روی می دهد ولی وقتی می‌بینیم که ریشه هر یک از قبض‌ها و بسط‌های جدید به یک موج می رسد، باید اذعان کنیم که خود درون در قبضه امواج است و بدین سان سلطنت امواج، با در نوردیدن تمام مرزها، علاوه بر دنیای خارج و جهان گسترده جدید، دنیای درون و شهرهای درون را نیز زیر سیطره خویش گرفته است.

بدین سان، اکنون امواج در درون و بیرون از ما، در کشورهای خارج از ما و در کشورهایی که درون ماست ـ و عده‌ای در خصوص آن از تعبیر «قاره‌های درون» یاد کرده‌اند ـ تخت‌های بی‌شماری برای سلطنت نهاده‌اند که خدم و حشم و مطیع و فرمانبرانش کسی جز ما نیستیم. هر چند که به خطا فکر می کنیم امواج به فرمان مایند و از ما دستور می گیرند و به خواست ما عمل می کنند!

چندی پیش در جریان تحقیق و پژوهش برای نگارش رساله‌ای درباره یکی از شخصیت‌های معنوی ایران، به نکته‌ای برخوردم که بسیار جالب بود و آن اینکه: وقتی شخصیت مورد نظر، ایران را به مدت چندین سال ترک می کند و به یکی از کشورهای نسبتاً دور می‌رود، مادرش بی تاب از دوری فرزند، شب‌ها با ماه هم سخن می‌شود، به این صورت که ماه را مخاطب قرار می‌دهد و می گوید: اکنون که در وسط آسمان قرار گرفته‌ای، می توانی فرزند مرا ببینی. تو می‌دانی که پسرم کجاست و در چه حالی است ولی من از حال و روز فرزند دلبندم بی خبرم و نمی‌دانم چه می کند: آیا سالم است یا مریض؟ گرسنه است یا سیر؟ حالش خوب است یا ناخوب؟

وقتی به این موضوع در روند تحقیق در باب حالات آن شخصیت برخوردم، آن را به لحاظ جذابیت محتوایی در آن درجه از قوت و زیبایی یافتم که در آغاز کار قرارش دهم تا نوشته به لحاظ شروع داستانی با همان آغاز شود و با کمی فکر عنوان «زیر نور ماه» ـ اسم فیلم سینمایی نسبتاً مشهوری ـ به ذهنم رسید که دقیقاً متناسب با موضوع مورد تحقیق و نگارشم بود. درحقیقت، نکته جالبی که وجود داشت، این بود که بانویی نگران در مقام مادری دلبسته و عاشق، برای خبر یافتن از فرزند دور رفته خویش یک راه ارتباطی مشخص و قابل اعتماد و مرتبط پیدا کرده بود می توانست با دیدن او، حسّ کند که فرزندش در زیر آسمان در زیر نور ماه است، اما در چه حالی و با چه شرایطی؟ بخش اخیر موضوع، موجب نوع خطاب و گفتارهای عاطفی و مادرانه او با قرص ماه بود، اما اصل توجه یافتن او به ماه به عنوان پدیده‌ای مرتبط با موضوع دلخواه و ضروری او، نشان‌دهندهٔ میزان احتیاج و اشتیاق او برای کسب اطلاع و خبر یافتن از فرزندش بود که در نوع خود جالب و ابتکاری است و کمتر شنیده شده است که مادری که دچار فراق فرزند شده، نشان او را از ماه بجوید. جالب است که آن مادر، این موضوع را بعد از بازگشت فرزندش از سفر چندین ساله‌اش با خود او در میان گذاشته بود و تا قبل از آن، کسی نمی‌دانست که او در شب‌های مهتابی در بیرون آمدن از خانه و ایستادنش در حیاط خانه چه می کند و چه می گوید و چه می‌اندیشد. چندی بعد از این موضوع، در خلال مطالعه و تحقیق در غزلیات حافظ شیرازی، از میزان حضور باد صبا در شعر او و خطاب‌های مفصل شاعر به باد صبا و تمنا از باد صبا برای رساندن پیام به معشوق دانستم که در حقیقت حافظ، از باد صبا، بیشتر از هر چیزی با عنوان یک هم سخن، همراز و بالاتر از آن به عنوان یک پیک استفاده می کند و پیوسته از او می خواهد که پیامش را به معشوق برساند و راز دل و حالات و میزان دلدادگی و شوق و انتظار و بی صبری‌اش را بیان کند.

ادامه در صفحه ۳

پیشنهادها و نظراتتان را ارسال کنید

روی پاکت نامه بنویسید: مربوط به ضمیمه فرهنگی

ایمیل ضمیمه فرهنگی:

farhangi @ ettelaat.com

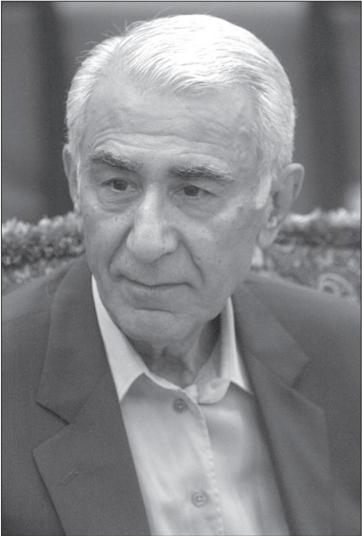
شماره تماس: ۲۹۹۹۳۵۳۰

روایت

حمید سعادت

زندگینامه خودنوشت دکتر امیر ناصر کاتوزیان/۱۲

هفتهٔ سخت



دکتر ناصر کاتوزیان

در پروندهٔ افرازی که دو طرف اختلاف‌های فراوان داشتند، یکی از شریکان از حکم دادگاه بخش پژوهش خواسته بود، ولی در دادخواست پژوهشی نام چند تن از وارثان و شریکان را از قلم انداخته بود. پژوهش از این حکم به شعبهٔ ۲۷ ارجاع شد و من، بدین عنوان که دعوای افراز بایستی با شرکت تمام شریکان رسیدگی شود، دعوای پژوهش را رد کردم و به تبع آن دعوای جلب ثالث پژوهشخواه نیز مردود شد.

فرجام‌خواهی از این دو قرار به شعبهٔ چهارم دیوان عالی کشور ارجاع گردید. مرحوم اشتهاردی رئیس شعبه از دادرسان مشهور دادگستری آن روز بود. مستشاری این شعبه را نیز مرحوم مصباح مرجان از قضات مورد احترام به عهده داشت؛ همان قاضی شریفی که به سائقهٔ عدالتخواهی حکم دادگاه ابتدایی محکومیت مرا شکست و با اصلاح شناسنامه‌ام زمینهٔ ورود مرا به خدمت قضایی فراهم آورد. پس از آن نیز بارها به خدمت ایشان رسیدم و مورد محبت قرار گرفتم و ضمن صحبت‌ها معلوم شد با عمویم مرحوم محمدعلی تهرانی کاتوزیان، که مدتی در دادگستری سمتی همانند دادستان انتظامی را داشتند، آشنا و همکار بوده است. خلاصه کنم، با این مرد محترم و قاضی کهنه‌کار طرح دوستی ریخته بودم؛ هم از تجربه‌های گرانبهای او بهره می‌بردم و هم بدین وسیله به نوعی از او قدردانی می‌کردم.

فرجام از قرارهای صادر از شعبهٔ ۲۷ در شعبهٔ چهار دیوان عالی پذیرفته شد و دیوان، با شکستن قرارها، پرونده را برای رسیدگی به شعبهٔ ۲۷ فرستاد. خلاصهٔ استدلال دیوان این بود که، چون در مرحلهٔ بدوی افراز با شرکت همهٔ شریکان انجام شده و در مرحلهٔ پژوهش تقاضای افراز مجدد نشده است و پژوهشخواه مدعی نادرستی تعدیل سهام است، دعوای پژوهش با همان خواندگان قابل رسیدگی است. به اضافه، چون مالکیت مورد نزاع نیست، اطلاق دعوا به اختلاف دو طرف نمی‌شود. درنتیجه، دادگاه می‌توانسته است، در صورت اقتضاء سایر شریکان را نیز به دادرسی فرا خواند.

با دیدن این تصمیم که از جهات گوناگون قابل انتقاد بود، حس کردم که بار دیگر در معرض امتحان قرار گرفته‌ام: از یک سو، مرحوم مصباح اعتبار تصمیم‌های شعبهٔ ٤ را وابسته به شخصیت خود می‌دانست و ایستادن در مقابل او برایم دشوار بود؛ از سوی دیگر، تصمیم او را نادرست می‌دیدم و گذشتن از اعتبار قانون و اصول حقوقی را نقض پیمانی می‌دیدم که با عدالت بسته‌ام. این نکته را نیز اضافه می‌کنم که به طور معمول دادگاه‌های تالی دستور دادگاه عالی را، به ویژه در موردی که قراری نقض می‌شود، رعایت می‌کنند و انتظار مرسوم این بود که به رسیدگی بپردازم.

سرانجام، حق بر مصلحت و رسم غالب آمد؛ ضمن تصمیم مفصلی بر نظر پیشین خود پافشاری کردم و مطالبی را مطرح ساختم که از نظر علمی برای دادگستری آن روز جالب و شنیدنی بود. فرجام این رأی به هیأت عمومی ارجاع شد و دیوان عالی تصمیم مرا پسندید و قرارهای صادرشده را تأیید کرد. این مجادلهٔ علمی، به زودی در دادگستری بر سر زبان‌ها افتاد. حکم هیأت عمومی دیوان عالی و پیشینهٔ آن دست به دست می‌گشت و تا مدت‌ها قضات به کارآموزان قضایی توصیه می‌کردند که رأی را به عنوان تمرین فکری بخوانند. مفاد رأی نیز در آرشیو حقوقی کیهان، مجموعهٔ رویهٔ قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳٤۲، شمارهٔ ۱۹٦ چاپ شد.

جالب این است که مرحوم مصباح به شدت از من رنجید و متأسفم که دیگر هیچ گاه محبت پیشین را در نگاه و رفتارش حس نکردم و این امر نشان می‌داد که قضات دیوان عالی تا چه اندازه نسبت به نفوذ و اعتبار آراء خود حساس هستند، ولی مهمتر از آن، نشان از علاقه‌ای دارد که قضات دیوان عالی نسبت به اجرای قانون و حفظ حق داشته‌اند، وگرنه تقابل یکی از بهترین شعب خود را با قاضی جوان و گمنامی از دادگاه شهرستان تحمل نمی‌کردند و به خاطر دوستی و همکاری جانب دیوان کشور را می‌گرفتند.

خاطرهٔ جالب دیگری که از کارنامهٔ دادگاه شهرستان به یاد دارم، دادخواست گروهی از نمایندگان مجلس منحل شده و درخواست ابطال فرمان انحلال مجلس از طرف شاه بود. برای فهم این مطلب، ناچار باید یادآوری کنم که شاه در آستانهٔ انقلاب سفید خود فرمان انحلال مجلس را صادر کرد تا با خیالی آسوده به اصلاحات ارضی و سایر تحولات موردنظر بپردازد. استدلال نمایندگان (خواهان‌ها) این بود که: مطابق قانون اساسی، در فرمان انحلال بایستی تاریخ انتخابات آینده معین شود تا انحلال مجلس به تعطیل مشروطیت نینجامد. ولی، در فرمان شاه تاریخ انتخابات آینده معین نشده و منوط به فراهم آمدن شرایط آن گردیده است. شرط تعیین تاریخ انتخابات آینده از شرایط اعتبار و نفوذ فرمان انحلال است و نباید آن را تشریفاتی پنداشت. از سوی دیگر، چون در ایران دادگاه قانون اساسی وجود ندارد و دادگاه شهرستان مرجع عمومی تظلمات است، اعلام بطلان فرمان را از این دادگاه خواستاریم. این دادخواست تاریخی که کمتر نامی از آن برده می‌شود و شاید هنوز هم بسیاری آن را بعید و سبب شگفتی بدانند، در اثر فشار وکلاء یا نظر رئیس کل دادگاه‌ها، به شعبهٔ ۲۷ دادگاه شهرستان ارجاع شد و بار دیگر نام این شعبه را بر سر زبان‌ها انداخت و مرکز خبرسازی کرد. موضوع مهم و مقدماتی این دعوا صلاحیت دادگاه بود. این پرسش سخن روز بود که آیا دادگاه صلاحیت بازرسی انطباق تصمیم‌های مقام‌های حکومت با قانون اساسی را دارد؟ آیا دخالت قوهٔ قضاییه دربارهٔ قانونی بودن فرمان پادشاه، با اصل جدایی سه‌گانهٔ کشور منافات ندارد؟

معلوم بود که این گونه پرسش‌ها، در شرایط بحرانی آن روز کشور، چه تنش‌های سیاسی و قضایی جدی به‌وجود می‌آورد و پیش‌بینی می‌شد که روز محاکمه خبرنگاران

علاقه همکاران به اصلاح دادگستری، اجرای درست قانون، کاستن از نفوذ قوه مجریه در دستگاه قضایی و تصفیه قضات و کارمندان فاسد بود

خارجی و داخلی برای آگاهی از اخبار قضایی در دادگاه حضور یابند؛ جنجالی که بیگمان حکومت توان تحمل آن را نداشت. من نیز به نوبه خود به دست و پا افتاده بودم و خود را برای روز محاکمه آماده می‌ساختم. به ویژه، فکرم مشغول به موضوع صلاحیت دادگاه بود. مطالعه مقدماتی موضوع مرا قانع می‌کرد که دادگاه صالح است و رسیدگی به این قانون‌شکنی طبع قضایی دارد؛ منتها دشواری در ارائه علمی و نظری مساله و دفع شبهه‌های مخالف بود که قابل اعتنا به نظر می‌رسید.

ولی دو هفته پیش از موعد محاکمه، مدیر دفتر دادگاه پرونده را برای اظهار نظر به دادگاه آورد: خواهان‌ها دادخواست خود را پس گرفته بودند و دادگاه می‌بایست قرار رد آن را صادر کند. چند دقیقه بعد آقای جهانگیر تفضلی که یکی از خواهان‌ها بود به دادگاه آمد و توضیح داد که ساواک همه نمایندگان را احضار و قانع کرده است که دادن چنین دادخواستی با امنیت کشور مخالف است و باید مسترد شود. بدین ترتیب، مانع «امنیت» این بار نیز کارساز شد و همه را آسوده خاطر کرد! با وجود این، چنین اعتراض‌هایی را باید از نخستین جرقه‌های انقلاب شمرد؛ جرقه‌هایی که در آغاز به نسیمی خاموش می‌شود و خودکامگان را به خواب خرگوشی می‌برد، غافل از اینکه هر جرقه خاموش پایگاهی برای آتش مهارناپذیر آینده است.

بازرسی دادگستری

سالیانی چند بود که جمعی از قضات، بی‌هیچ برنامه و نقشه منظم و پیش ساخته، دوره‌هایی با هم داشتیم و ضمن بیان دردهای دادگستری در جستجوی درمان آنها بودیم. همکارانی که در این جلسات صنفی و علمی شرکت می‌کردند تمایلات گوناگون سیاسی و مذهبی داشتند و قدر مشترک آنها علاقه به اصلاح دادگستری، اجرای درست قانون، کاستن از نفوذ قوه مجریه در دستگاه قضایی و تصفیه قضات و کارمندان فاسد بود. همه اعضای این گروه را به خاطر ندارم؛ ولی همکارانی را که به یاد دارم عبارت بودند از:

شهاب فردوس، نورالدین الموتی، دکتر مبشری، احمد احمدیان، احمد صدر حاج سیدجوادی، تقی خزاعی، حسین مرتضوی، ندیمی، طالقانی و چند تن دیگر. اینان دارای مشاغل گوناگونی بودند و در نتیجه موضوع‌های مورد علاقه فراتر از واحد صنفی خاص، مانند دادگاه بخش یا دادسرا یا دیوان کشور، بود. گاه یکی از همکاران درباره موضوعی حقوقی یا دعوای خاصی سخنانی می‌گفت و گاه جلسه با اعلام خبرهای جالب قضایی آغاز می‌شد و با شنیدن پیشنهادها پایان می‌یافت. همین نشست‌های ساده و بی‌آلایش رفته رفته الفتی بیش از حد همکاری میان دوستان ایجاد کرد و سبب آشنایی و نزدیکی اعضاء شد.

این تشکل خودجوش در زمان نخست‌وزیری امینی رونق بیشتری یافت، ولی با اصلاح کابینه و انتخاب الموتی به‌عنوان وزیر دادگستری چهره دیگری به خود گرفت. دکتر مبشری به ریاست بازرسی کل کشور منصوب شد و شهاب فردوس و احمد صدر حاج‌سیدجوادی به سمت‌های مهم دیگر رسیدند. روزی مرحوم دکتر مبشری مرا فراخواند و پس از اظهار لطف بسیار عنوان کرد که، اکنون زمینه اصلاح دستگاه قضایی و ثبت فراهم است و دوستانی که همیشه آرزوی اصلاح دادگستری را داشتند باید دامن همت به کمر زنند و ما را یاری دهند. سپس افزود، ما در نظر داریم هیات‌های ویژه‌ای را از قضات مورد اعتماد انتخاب کنیم و به همه شهرستان‌ها بفرستیم. شما نیز در ترکیب هیاتی مرکب از سه نفر: با شرکت مرحوم فتح‌الله بنی‌صدر (که بعد از انقلاب به دادستانی دیوان عالی کشور رسید) و هدایت‌الله کسرایی رئیس شعبه ۳۲، که از قضات خوشنام و شریف دادگستری است برای دادگستری و ثبت استان خراسان در نظر گرفته شده‌اید!

از این پیشنهاد نامنتظر شگفت‌زده شدم، زیرا بازرسی کل کشور ده‌ها بازرس داشت و حرفه من قضاوت در دادگاه حقوقی بود و به اصطلاح قاضی نشسته بودم. اما همین که موضوع فکر خود را عنوان کردم، مرحوم دکتر مبشری با لحنی عارفانه ملامتم کرد که فرصت خدمت را از دست می‌دهم.

آخرین پیشنهادم این بود که ماموریتی را در تهران عهده‌دار شوم که پذیرفته نشد. بی‌گمان، از نظر قانونی می‌توانستم به طور قاطع درخواست او را رد کنم، ولی شخصیت مهربان و لحن صادقانه او مانع می‌شد. گذشته از همکاری و دوستی دیرینه، با ایشان به نوعی همدرس هم بودم. درس مثنوی و فلسفه اسلامی مرحوم استاد سنگلجی، که خارج از دانشگاه تدریس می‌شد، شاگردان سرشناسی چون مرحوم دکتر مبشری و گاه دکتر حسابی هم داشت.

استاد سنگلجی چنان جذاب از مثنوی سخن می‌گفتند که حتی بزرگانی چون مرحوم دکتر حسابی را به وجد می‌آورد. بارها در منزل ایشان شنونده سخنان عرفانی و ناب استاد سنگلجی درباره مثنوی بوده‌ام و می‌دیدم که مرحوم حسابی با چه دقتی همه گوش بودند و گاه نیز پرسش‌های حکیمانه‌ای داشتند که پاسخ داده می‌شد. به هر حال، در مجلس انسی چنن عارفانه نیز با مرحوم مبشری الفتی به هم رسیده بود که گسیختن آن دشوار می‌نمود. پس، به ایشان وعده دادم که درباره پیشنهاد تامل می‌کنم و نتیجه را ظرف چند روز به ایشان خواهم گفت.

هفته سختی بر من گذشت. به شدت در تردید بودم: از یک سو، فرزند یک ساله‌ام بهرام احتیاج به مراقبت پدر داشت و همسرم با بازرسی و مسافرت روی خوش نشان نمی‌داد؛ از سوی دیگر، وظیفه‌ای که در آن شرایط احساس می‌کردم مرا وادار به اطاعت می‌کرد.

ادامه دارد

دکتر مبشری

اسدالله مبشری، فرزند ابوالقاسم مترجم و حقوقدان نامدار در سال ۱۲۸۹ در تهران متولد شد. تحصیلات حقوقی خود را در دانشگاه تهران و سپس فرانسه به پایان رسانید و به تدریس و تحقیق روی آورد. او سال‌ها در وزارت دادگستری متصدی مقام‌های قضایی بود و در عین حال به تألیف و ترجمه نیز اشتغال داشت و آثاری را از خود بر جای گذاشت که از آن میان می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: اسلام و موسیقی (۱۳۲۳)؛ پرتگاه مبشری (مجموعه شعر، تهران ۱۳۱۰، تبریز، ۱۳۱۲)؛ روش نویسندگی (تهران، ۱۳۳۳)؛ عبقریه محمد (عباس محمود عقاد، ترجمه، جلد اول ۱۳۲۷، جلد دوم، ۱۳۳۲)؛ منظومه شبی (مجموعه شعر، زنجان، ۱۳۱٦). از معروف‌ترین ترجمه‌های دکتر مبشری می‌توان به ترجمه نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه در قبل از انقلاب و نیز کتاب راه محمد(ص) اشاره کرد، کتابی درباره درک فهمی از اسلام محمدی که سعی در زدودن تحریفات و تهمت‌ها از دامن اسلام دارد. در این کتاب به بسیاری از کج‌فهمی های متشرقین و نویسندگان غربی جواب داده شده است. از دیگر ترجمه‌های مبشری می‌توان به تاریخ فلسفه هانری کربن اشاره کرد که بعدها توسط جواد طباطبائی تجدید ترجمه شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر مبشری در دولت مهندس مهدی بازرگان به عنوان وزیر دادگستری معرفی شد، ولی چندی بعد استعفا داد و به خارج از کشور رفت. روزنامه کیهان در این‌باره نوشت: «آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی برای دومین بار، امروز کابینه خود را ترمیم کرد.... به دنبال این تغییرات خبرنگار ما درباره پست جدید آقای مبشری وزیر سابق دادگستری و شخصیتی که به جای سخنگوی دولت خواهد آمد کسب اطلاع کرد. به احتمال زیاد آقای مبشری به عنوان سفیر از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران به یکی از کشورهای اروپا خواهد رفت.»روزنامه اطلاعات هم به نقل از سخنگوی دولت نوشت: از مدت‌ها قبل آقای مبشری به علت خستگی زیاد تقاضای کناره گیری کرده بود و نخست‌وزیر با تقاضای ایشان موافقت نمی‌کرد. تا اینکه سرانجام با تقاضای ایشان موافقت کردند و ایشان احتمالاً به ماموریت خارج از کشور خواهند رفت.

زندگی

آرش تبریزی

۹

شعله درصورت

نمی دانستم عادل چه نقشه شومی در سر دارد.

پرسید: می‌دونی پدرت مهرشو شب‌ها کجا می گذاره؟ گفتم: آره، می‌دونم. گفت: اگه یه بار اون مهرو مخفیانه بیاری چند دقیقه نگاش کنم، هرچی خواستی برات می‌خرم. عینکمم می‌دم بشه مال خودت.

از کجا باید می‌دانستم این حرف چقدر خطرناک است؟ نمی‌دانستم که اگر قبول می‌کردم و دست به چنین کاری می‌زدم، چه اتفاق‌های فاجعه‌باری ممکن است روی بدهد. عادل از من قول گرفت همان شب بعد از اینکه پدرم مهرش را در جای همیشگی گذاشت، آن را برایش ببرم، اما بعد از اینکه به خانه رفتم، بیرون نیامدم. جرأت نکردم به مُهر پدر دست بزنم.

■

وقتی به مسجد رفتم، از ترس اینکه مبادا عادل دوباره سراغم بیاید، درست کنار پدرم نشستم و از جایم تکان نخوردم. چند روز بعد – که یادم رفته بود عادل ممکن است همان اطراف باشد – یک دفعه خودم را در مشت او دیدم. عصبانی بود. پرسید: چرا مهرو نیوردی؟ مگه قرار نشد بیاریش؟ جواب ندادم.

عادل دستم را گرفت. جابر هم از گوشه‌ای بیرون پرید و با کمک کردن به عادل دستش را گذاشت روی دهانم، تا صدایم در نیاید. حالا دو گنده‌لات مرا در چنگال خود داشتند. در میان دست‌های قوی و پرزورشان دست‌وپا می‌زدم. آنها کشان کشان مرا به کفش کن آوردند. جابر دست‌هایم را گرفت وعادل در برابر چشمم، کبریتی از جیب کتش درآورد. زود چوب کبریتی را خارج کرد، در برابر نگاه هراسان من، آن را کشید به کبریت. روشن که شد، آن را جلوی چشمم گرفت و گذاشت روی صورتم. صورتم اول داغ شد. بعد عادل کبریت سوخته را محکم فشار داد به صورتم و گونه‌ام به شدت سوخت. بی اختیار داد زدم و فریاد کردم. صدایم که به هوا برخاست، آن دو رهایم کردند و در رفتند.

پیش خودم فکر می کردم چه جوری می‌شود یخچال را خورد؟ مگر یخچال، بستنی یا هویج و آبگوشت است که کسی آن را بخورد؟

با بلند شدن صدایم، چند نفر به کفش کن آمدند. دیدند گریه می کنم، ولی نپرسیدند چه شده. دوباره به داخل مسجد برگشتند. شاید نوبت یخچال و تلویزیون‌شان رسیده بود. صورتم می‌سوخت. درد داشتم. اشکم درآمد. نمی‌دانستم چه کار کنم. پدرم داخل مسجد، در حلقه طلبکاران همه روزه‌اش بود و صورت من در کفش کن می‌سوخت. فوری دستم را زیر شیر گرفتم، مالیدم به صورتم. می‌خواستم همان لحظه به خانه برگردم. ترسیده بودم، اما اگر جابر و عادل بیرون بودند، چه؟ چاره‌ای جز انتظار نداشتم.

پدرم نیم ساعت بعد، در محاصرهٔ مردها از مسجد خارج شد و بدون آنکه سوختن صورتم را ببیند، به راه افتاد، من هم به دنبالش.

در خانه، مادرم از سرخی چهره‌ام متعجب شد. پرسید: چرا صورتت قرمز شده. گریه‌ام گرفت. با گریه گفتم عادل و جابر این کار را کردند. پدرم پرسید: چرا؟ گفتم: عادل ازم مهر شما رو می‌خواست. ندادم امروز کبریت کشید فشار داد تو صورتم.

این حرف پدرم را آشفته و عصبانی کرد. همان شب تمام بسته‌های باقی مانده کاغذهای انجمن را گذاشت توی پلاستیک، همراه مهر، داد دست ابراهیم آقا تا آن را به جایی ببرد که اسمش «ناحیه» بود. پدرم از فردا هم دیگر به مسجد نرفت. طولی نکشید که شایعه همه جا را پر کرد. می گفتند: اسدخان یخچال‌ها را خورده و تلویزیونها رو فروخته. می گفتند: نامرد نالوتی، همه چی رو بالا کشید، رویش هم آب نوشید.

وقتی بیرون می‌رفتم، هرکس مرا می‌دید، می گفت: ببینم ناصر، یخچال‌ها خوشمزه بود؟ خوب خوردینش؟

معنای این حرف‌ها را نمی‌فهمیدم. نمی‌دانستم چه می گویند. پیش خودم فکر می‌کردم چه جوری می‌شود یخچال را خورد؟ مگر یخچال، بستنی یا هویج و آبگوشت است که کسی آن را بخورد؟

با میانداری پدر عادل و علی بقال و یدالله سبزی فروش و چند نفر دیگر، این شایعه بر سر زبانها افتاد که: اسد خان ۲۰۰ یخچال و ۳۰۰ تلویزیون رو برای خودش برداشته، تو خونه‌اش قایم کرده.

بچه‌ها هم وقتی مرا می‌دیدند می گفتند: خونه‌تون پر یخچال و تلویزیونه، نه؟ خوش به حالت ناصر. می‌پرسیدند: یخچالاتون چند تاس؟ تلویزیوناتون بزرگن یا کوچیک؟

تنها چیزی که می‌دانستم این بود که یخچال خانه ما، یک جعبه کائوچویی بود که با یخ‌های اقدس خانم –زن آقا ابراهیم – کار می کرد! همه به تلویزیونی که از پدرم گرفته بودند نگاه می کردند و فیلم‌هایش را برای همدیگر تعریف می کردند، ولی من پسر اسد نمی‌دانستم تلویزیون چگونه موجودی است! با این حال، پدرم متهم بود به بالا کشیدن چند صد تلویزیون و من که پسرش ناصر بودم باید می گفتم تلویزیونهایمان را کجا پنهان کرده‌ایم. سالها بعد عادل سرنوشت عجیبی پیدا کرد.

تمدن

۱ ـ محمد هاشمی

عصر طلایی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی

پس از سقوط سلسله ساسانی به دست اعراب مسلمانان و ورود اسلام به ایران دوران جدیدی از تاریخ ایران آغاز شد و با پذیرش اسلام از سوی ایرانیان فرهنگ و تمدن ایران با مذهب اسلام درهم آمیخت و فرهنگ و تمدن ایران اسلامی شکل گرفت. چند سالی از ورود اعراب مسلمان به ایران نمی گذشت که خلافت به دست بنی‌امیه افتاد که معتقد به برتری نژاد عرب بر سایر نژادها بود و تبعیض‌ها و ظلم‌های بسیاری به ایرانیان شد و نارضایتی عمیقی از بنی‌امیه در میان ایرانیان پدید آمد. بنی‌عباس از این نارضاییها بهره گرفتند و با توجه به آنکه ایرانیان مسلمان به اهل بیت پیامبر (ص) علاقمند بودند، با شعار «الرضا من آل‌محمد» ایرانیان را به وسیله داعیان خود به قیام علیه بنی‌امیه خواندند. ابومسلم خراسانی داعی عباسی رهبری قیام مردم خراسان را علیه بنی‌امیه برعهده گرفت و در نهایت ایرانیان خلافت بنی‌امیه را برانداختند و حکومت آل‌عباس مستقر شد و عباسیان علی‌رغم آنکه به کمک ایرانیان به قدرت رسیدند، ولی از همان ابتدا در صدد کنترل نفوذ ایرانیان در دستگاه قدرت خود برآمدند، چنانکه ابومسلم خراسانی، خاندان برمکی و فضل بن سهل به دست خلفای عباسی از میان برداشته شدند و بدین ترتیب فاصله میان خلافت عباسی و ایرانیان شکل گرفت، تا آنکه سرانجام طاهر ذوالیمینین بنیان حکومت طاهریان را با اعلام استقلال از دستگاه خلافت عباسی در خراسان به سال ۲۰۷ق بنا نهاد و این آغازی بر ایجاد حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل از دستگاه خلافت عباسی در ایران بود.

با تأسیس «بیت‌الحکمه» در روزگار مأمون عباسی و آغاز ترجمه آثار مختلف علمی، فلسفی و پزشکی از زبانهای مختلف پهلوی سریانی به عربی مسلمانان با علوم زمان خود آشنا شدند و با توجه به تأکید اسلام به علم‌آموزی مسلمانان در این راه گام نهادند و ایرانیان که برای سالیان متمادی در روزگار ساسانی از یادگیری سواد و علم‌اندوزی بی‌بهره شده بودند، فرصت و مجالی یافتند تا استعداد خود را در زمینه علم و ادب بروز دهند.

حکومت طاهریان نیز به رشد و پرورش علم و ادب بهای زیادی می‌دادند. به ویژه طاهر و فرزندش عبدا... که خود از شاعران و نویسندگان زبردست بودند بدین کار بهای زیادی می‌نهادند چنانکه عبدا... بن طاهر گفت: «علم به ارزانی و ناارزانی بباید داد. که علم خویشتن دارتر از آن است که با ناارزانیان قرار کند»! طاهریان در گسترش کتابخانه‌ها نقش اساسی داشتند، چنانکه کتابهایی را که علما می‌نوشتند و به آنها اهدا می‌کردند در خزانه خود نگاه می‌داشتند. عبدا... بن طاهر به ایجاد کتابخانه‌ای در نیشابور همت گماشت و کتابخانه‌ای بزرگ نیز در مرو وجود داشت که طالبان علم برای دست یافتن به کتابها و منابعش از راههای دور به مرو می‌رفتند. خاندان طاهری خود نیزاز این کتابخانه‌ها بهره می‌گرفتند و تعدادی از آنها به مرتبه‌ای از دانشی دست یافتند که دست به نگارش رسالات و کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف دست زدند که مشهورترین آنها منصور بن طلحه طاهری است که او را «حکیم آل‌طاهر» نامیده‌اند. حمایت طاهریان از اهل علم و فرهنگ سبب اجتماع بسیاری از دانشمندان و علما در نیشابور مقر حکومت طاهریان شد و علمایی بزرگ در نیشابور پدید آمدند که دست‌پرورده اهل علم گرد آمده در این شهر بودند. البته شرایط اقتصادی خراسان هم این امکان را به طاهریان و سامانیان می‌داد که با توجه به ثبات و امنیت سیاسی شکل گرفته در این منطقه در جهت رشد علم و فرهنگ بکوشند: «از آنجا که بازرگانی و صنعت در شرق رونقی داشت، این سرزمین توانایی پرداختن هزینه طبقه دانشمند را داشت تا همچنان به کار خویش مشغول باشند.»

> **دستگاه دیوانسالاری در دورهٔ سامانی نیز میراثی از خاندان طاهری بود، با تفاوت**

ایرانیان به دلیل موقعیت فرهنگی و تمدن ویژه‌ای که از قبل از اسلام داشتند بیشتر از سایرین در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی نقشی ایفا کردند و بسیاری از دانشمندان و علما از میان ایرانیان برخاستند، حتی در صناعت نحو نیز بزرگانی نظیر سیبویه، فارسی و زجاج ایرانی بودند. با سقوط دولت طاهری به دست یعقوب لیث صفاری این رشد و بالندگی علمی با آغاز تلاش برای فارسی‌نویسی و سرایش شعر به فارسی همراه شد. سامانیان وارثین حقیقی حکومت طاهری در خراسان و ماوراءالنهر بودند و امیر اسماعیل سامانی پس از غلبه بر صفاریان و تصرف خراسان راه و روش طاهریان را در حکومت در پیش گرفت. در زمینه علمی نیز به همین ترتیب سامانیان پیرو راه طاهریان شدند و به مانند صفاریان در جهت شکوفایی فرهنگ و ادب پارسی کوشیدند.

دستگاه دیوانسالاری در دورهٔ سامانی نیز میراثی از خاندان طاهری بود، با این تفاوت که به روزگار سامانیان دیوانسالاران بزرگی پدید آمدند و به مقام وزارت رسیدند و بی گمان در پیشرفت جنبش علمی و فرهنگی اثری بسزا بر جای نهادند که خاندان جیهانی و بلعمی در رأس آنها قرار داشتند. ابو عبدا... جیهانی وزیر نصربن احمد سامانی از برجسته‌ترین اعضای خاندان جیهانی است که خود اهل علم بود و اثر مهمی در جغرافیا به نام «مسالک و ممالک» نوشت که مقدسی به تفصیل از آن یاد کرده است. همچنین آثار دیگری نیز پدید آورد که در زمینه دیوانسالاری دوره سامانی بود. همچنین ابوالفضل بلعمی و ابوعلی بلعمی دو تن از وزیران مشهور دوره سامانی بودند که به فضل و سواد مشهور شدند و ابوعلی بلعمی به ترجمه تاریخ طبری به صورت مختصر پرداخت و «تاریخ بلعمی» را پدید آورد. امیران سامانی و وزیران اهل علم و فرهنگشان توجه ویژه‌ای نسبت به گسترش و رشد علم و فرهنگ و همچنین ادب پارسی داشتند و در این راه کوشش‌های قابل تحسینی نمودند و بهترین نتیجه را بدست آوردند.

«... اگر سامانیان می‌توانستند، در این فرصت به دست آمده، با تکیه بر توانمندی سیاسی – نظامی خویش، به تحولات فکری و فرهنگی، در راستای احیای فرهنگ و تمدن ایرانی و اتصال به مذهب اسلام، دست یازند، بهترین نتیجه را کسب می‌کردند.

آنچه تاریخ به ما گزارش می‌دهد نیز جز این نیست. رستاخیز و رنسانس گسترده‌ای دنیای اسلام را در حال نوردیدن بود، لیکن مهم‌ترین سرزمین و دولتی که نقش اساسی در تجلی آن و حصول به دستاوردهای عمیق و عظیم داشت، بی‌شک خراسان بزرگ و دولت سامانیان بود. این قضیه به ویژه در احیای فرهنگ و تمدن ایرانی، و آفرینش استوانه‌ها و شاهکارهای بزرگ ایران زمین، نقش بس بسزایی ایفا کرد.» در محیط و شرایط مناسبی که به روزگار سامانیان در خراسان و ماوراءالنهر پدید آمد بزرگ‌ترین دانشمندان، ادیبان و دیوانسالاران پدید آمدند، که نتیجه سالها تلاش و ممارست علمی و فرهنگی در این خطه از ایران بود. در حکومت سامانی دانشمندان و اهل علم به سه گروه کاتبان یا دبیران، علما یا دانشمندان علوم دینی و در نهایت ادیبان تقسیم می‌شدند و گاهی دو و یا سه فن در یک تن فراهم می‌شد.

همچنین کتابخانه‌های بزرگی نظیر کتابخانه بخارا وجود داشت که ابن‌سینا از آن بهرهٔ زیادی گرفت و یا کتابخانهٔ مرو که کتاب‌های زیادی از زمان پیش از اسلام و پس از آن در این کتابخانه موجود بود و تا زمان یا قوت حموی در سال ٦١٤ ق این کتابخانه پا بر جای بوده است. به زودی عمل سامانیان در توجه به علم و فرهنگ مورد توجه سلسله‌ها و خاندان حکومتگر کوچک‌تر به ویژه در خوارزم، گرگان، سیستان و کرمان قرار گرفت و آنها نیز به حمایت و توجه به دانشمندان و تشویق آنها به پدیدآوردن آثار علمی و ادبی پرداختند.

ادامه دارد

خاطره

احمد یاوری

من، دختر ناصرالدین‌شاه/ ۱۴

غرش پدرم شاه


تاج السلطنه

من با خود عهد و پیمان کرده بودم ابداً احدی را دوست نداشته، با نوع بشر خیلی بدرفتار باشم. و از قضا، تا حال همین عقیده من باقی، و اغلب اوقات بیخود دوستان خود را اذیت داده، زحمت وارد می‌آورم، ولی وقتی که فکر می‌کنم، جهتی نداشته است و عداوتی در میان نبوده است؛ مگر، همان لجاجت و عنادی که [به] قلب من از طفولیت وارد شده بوده است. این است که شخص باید از طفولیت دارای هر چیزی بشود، و از طفولیت اخذ نماید: چیزهایی را که برای یک نفر انسان متمدن لازم است.

در همین اوقات بود که برای من خواستگارهای فراوان آمد و شد می‌کردند، لیکن پدرم رضا نمی‌شد و می گفت: این بچه است و قابل شوهر نیست! لیکن، به واسطه نفرت مادرم، هنوز اظهار نکرده بود. تا اینکه، یک صبحی که در حضور پدرم بودم و جمع کثیری از خانم‌ها ایستاده بودند، چند مجموعه در سر خواجه‌ها به حضور آوردند.

پس از برداشتن روی مجموعه‌ها، مشتمل بود بر اسباب‌بازی گرانبها و جواهرات قیمتی خیلی اعلا و تمام متعجب که این‌ها مال کیست و برای چیست. پس از ساعتی سکوت، فرمودند: «عزیز! این‌ها [مال] توست و به هر یک از این دخترها می‌دهی، بده!» و قبلاً به او سپرده بودند که مرا نامزد نمایند. لیکن، یکی از همشیره‌های من که از من تقریباً دو سال بزرگ‌تر بود، او داوطلب عروسی با عزیز شده و مادرش قبلاً خواجه دده این طفل را به وعده [و] وعید پارتی خود نموده، راضی کرده بود به اینکه او را نامزد نمایند. و این طفل هم قبول کرده بوده است. به محض فرمایش پدر محترمم، آن بچه انگشتری [را] برداشته، به دست خواهر کرد و گفت: «ق‌ق‌ق‌قربان! ای‌ای‌ای این دده دختر، نانانا نامزد من!» پدرم طفل را در آغوش گرفته و گفت: عزیز من! نامزد تو این دختر است و میل من بر این. و تو باید او را داشته باشی.»

> **معلوم است این سخن درشت درباره عزیز، [در] پدرم چه اثری نمود. مانند رعد غریده و فریاد زد: چه گفتی؟ آیا میل مرگ داری؟ آیا اختیار دختر من دست توست؟**

طفل با همان لکنت‌زبان گفت: «ب‌ب‌ب بسیار خوب!»

مادرم حضور داشت؛ فریاد زد و گفت: «آه! من دختر خود را مسموم و از حیات عاری می‌نمایم، و به هیچ‌وجه راضی به این داماد نمی‌شوم. آیا حیف نیست دختر مطبوع محبوب مرا به این طفل بدهید؛ در حالتی که پدر و مادرش معلوم و قیافه [و] هیکلش اسباب نفرت است؟»

معلوم است این سخن درشت درباره عزیز، [در] پدرم چه اثری نمود. مانند رعد غریده و فریاد زد: «چه گفتی؟ آیا میل مرگ داری؟ آیا اختیار دختر من دست توست؟»

هنگامه‌ای برپا شد و مادر مرا با زحمتی از نظر او مخفی نموده؛ و من به جای خود خشک شده بودم. با این وضع، به شما می‌نویسم: خیلی میل داشتم مادرم ممانعت نکنند و واقع مرا به او بدهند. نه اینکه مفهوم شوهر چه، یا آنکه می‌فهمیدم که معنی محبت چیست.

صوفی صومعهٔ اینترنت

ادامه از صفحه اول

چاپ تمبر دومین همایش روابط عمومی الکترونیک با تصویر شکرخواه، انتشار مجموعه مقالات منتخب وی با عنوان «انفجار بزرگ خاموش» و تقدیر از وی اتفاقی بود که چندی پیش روی داد تا از مقام علمی و جایگاه ممتاز حرفه‌ای اش تجلیل شود. چه، کمیته علمی همایش روابط عمومی الکترونیک در سال ۱۳۸٦ به‌اتفاق آرا، تقدیر از شکرخواه را به‌عنوان استاد پیشگام روابط عمومی الکترونیکی به تصویب رساند و طی مراسمی از او تقدیر کرد. کتاب «انفجار بزرگ خاموش» حاصل ماندگار همین اتفاق خجسته است.

باری، دکتر شکرخواه عضو هیأت مؤسس و عضو هیات رئیسه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، عضو گروه چندرسانه‌ای فرهنگستان هنر و عضو کمیسیون اطلاعات در کمیسیون ملی یونسکو در ایران است.

همچنین او بیش از یک دهه در دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی ایران و در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها) تدریس کرده و در حال حاضر مدرس دانشکده مطالعات جهان در دانشگاه تهران است. او کلاس‌های خود را علاوه بر دانشکده در فضای مجازی در وبلاگ آموزشی خود به نام دات دنبال می‌کند.

شکرخواه در سال ۱۳۸۷ برای یک دوره دو ساله به ریاست مؤسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپا دانشگاه تهران منصوب شد. این مسئولیت دوباره با حکم رئیس دانشگاه تهران دوسال دیگر تمدید شد.

رئیس جمهور سابق ایران در پیامی به مناسبت ۵۰ سالگی دکتر شکرخواه، آورده است: «... شکرخواه عزیز از جمله قهرمانان بی‌ادعا و متواضع عرصه بیدارگری و امید است. یونس شکرخواه که عالم است و هنر را می‌شناسد و راز و رمز پایداری و اعتلاء میهن و ملت می‌داند، تواضع مثال‌زدنی خود را با متانت توأم کرده است...»

دکتر شکرخواه عضویت‌های زیر را در کارنامه‌اش به‌ثبت رسانده است:

عضو گروه چند رسانه‌ای فرهنگستان هنر / عضو کمیته ملی اطلاعات کمیسیون ملی یونسکو در ایران / عضو هیات رئیسه انجمن‌ایرانی مطالعات جامعه‌اطلاعاتی / عضو کمیته راهبری اجلاس آسیا–اقیانوسیه WSIS / عضو شورای علمی رسانه فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسائل ارتباط جمعی / عضو شورای راهبری ICT کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران / عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران / رئیس موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپای دانشگاه تهران.

در بسیاری از کشورهای جهان به کار حرفه‌ای پرداخته است که اشاره بدانها دامنه سخن را طولانی می کند. با این حال می توان از حضورش در پکن یاد کرد برای: پوشش خبری مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دنگ‌شیائو پینگ و تهیه گزارش از شهر ممنوعه، کنگره خلق چین و میدان تیان انمن و شانگهای: تهیه گزارش از شهر و شانکسی: تهیه گزارش از مکان‌های تاریخی امپراتوران. نیز کشور ژاپن و شهر توکیو در: پوشش مذاکرات رئیس مجلس شورای‌اسلامی ایران با ناکازونه، تهیه گزارش از صنایع اتومبیل سازی و ناکازاکی: تهیه گزارش از موزه صلح و طرح‌های اقتصادی. کشور سنگال در سال ۱۹۹۱ و داکار: پوشش خبری حضور رئیس جمهوری‌اسلامی ایران در اجلاس سران OIC و طوبی: تهیه گزارش از شهر و کشورهایی چون: سودان در سال ۱۹۹۱، آلمان در سال ۲۰۰۱، امارات متحده عربی در سال ۲۰۰۲، سوئیس در سال ۲۰۰۳، امارات متحده عربی در سال ۲۰۰٤، تونس در سال ۲۰۰۵، ژاپن در سال ۲۰۰۷، انگلیس در سال ۲۰۰۸، هلند در سال ۲۰۰۹ و کشورهایی که بعد از این تاریخ به آنها سفر کرده و کار کرده است. برخی از آثار شکرخواه در زیر مورد اشاره قرار می گیرد:

الف. تألیفات: واژه‌نامه پژوهش‌های ارتباطی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱ /خبر، تهران: مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۳ (چاپ دهم ۱۳۸٦) /تکنولوژی‌های ارتباطی و جامعه‌اطلاعاتی، تهران: انوشه، ۱۳۷۹ /مبانی خبرنویسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ /مجموعه مقالات خبرنویسی مدرن، تهران: توانیر، روابط‌عمومی و امور بین‌الملل، ۱۳۸۰ /واژه‌نامه ارتباطات، تهران: سروش، ۱۳۸۱ (چاپ دوم ۱۳۸۲) /خبرنویسی مدرن، تهران: خجسته، ۱۳۸۱ (چاپ دوم ۱۳۸٤) /روزنامه‌نگاری سایبر: جامعه‌اطلاعاتی و آزادی بیان، تهران: ثانیه، ۱۳۸٤ /سبک‌های خبرنویسی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت‌علوم، ۱۳۸۵ /انفجار بزرگ خاموش، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸٦

ب. ترجمه‌ها: جیمز وینکلر، عصر اقیانوس آرام، تهران: کیهان، ۱۳٦۵ /گلن جی بارکلی، ناسیونالیسم قرن‌بیستم، تهران: سفیر ۱۳٦۹ /گذر از نوگرایی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱ / جریان بین‌المللی اطلاعات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱ / گلداستین جاشواس، آرنولدپی و جان فریمن، خیابان سه‌طرفه: کنش و واکنش استراتژیک در سیاست جهانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ /جان جیکس، شمال و جنوب، مترجمان یونس شکرخواه و احمد صدارتی، تهران: نی، ۱۳٦۵ (چاپ پنجم ۱۳۷۷) /سوزان دان، شیوه‌های مصاحبه در مطبوعات، مترجمان یونس شکرخواه، علی کسمایی، تهران: روزنامه ایران، ۱۳۸۱ /جان هربرت، روزنامه نگاری جهانی، مترجمان یونس شکرخواه، علی کسمایی، تهران: روزنامه‌ایران، ۱۳۸۳ /خوان پنه لوپیکوپی، سپید در اندلس، تهران: برگ، ۱۳۷۳ /هربرت شیلر، اطلاعات و اقتصاد بحران، تهران: آفتاب، ۱۳۷۵ /مالوری بلاکمن، اسم رمز، تهران: آتش، ۱۳۷۷ /سارا آنگلس، ارتباطات، تهران: آتش، ۱۳۷۸

کریم فیضی

پایان فاصله‌ها

ادامه از صفحه اول

اگر چند نمونه از ابیاتی را که حافظ در آنها، با مخاطب قرار دادن باد صبا، سخن یار و معشوق را به میان کشیده و حدیث و سخنی را با زبان تمنا و شوق و خجستگی بیان کرده است، مورد ملاحظه قرار دهید، خواهید دید که چگونه باد صبا ـ به عنوان یکی از پدیده‌های طبیعت، از نوع باران ـ به یک عامل ارتباطی بدل شده است، تا سخنی یا حالتی از عاشق به معشوق برساند و با از میان برداشتن فاصله و حائل و حجاب، میان آن دو هم‌سخنی و اطلاع برقرار کند و آنچه را که عاشق در سینه دارد، به گوش معشوق برساند و برعکس؛ یعنی آنچه را که عاشق مایل است از معشوق بداند، به او برساند:

ای صبا! نکهتی از کوی فلانی به من آر
زار و بیمار غمم، راحت جانی به من آر

حافظ در بیتی بسیار رسا و روشن می گوید:

من ای صبا! ره رفتن به کوی یار ندانم
تو می‌روی به سلامت، سلام ما برسانی

در غزلی دیگر می گوید:

ای صبا! گر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسه زن بر خاک آن وادی مشکین کن نفس

توجه باید داشت که مخاطب قرار دادن باد صبا و تمنا از او برای رساندن و آوردن پیام صرفاً به حافظ محدود و منحصر نمی‌شود و در دیوانهای شاعران قبل از حافظ نیز به گستردگی می‌توان آن را دید. غزلیات سعدی، در ابیات زیادی، محل درخواست و تمنا از باد صباست که اگر بخواهیم نمونه‌هایی را ذکر کنیم، این سخن به درازا خواهد کشید.

جز سعدی و حافظ، سیف فرغانی از معاصران سعدی، در غزلی از باد صبا می‌خواهد که تنها یک نفس با او همراهی کند، تا او به قصد و مقصود خویش نایل شود:

ای صبا! با دم من کن نفسی همراهی
به سوی شاه بر از من سخنی گر خواهی
قروه و عمده شاهان جهان عازان را
از پریشانی این ملک بده آگاهی

با توجه به دو نمونه استمداد از ماه و تمنا از باد صبا برای رساندن حدیث دل و سخن جان برای مخاطب، فرض کنید که در زمان حافظ و در زمان گذشته‌ای مانند ۸۰ سال پیش، موبایل وجود داشت و هر شخصی، مانند امروز می‌توانست به محض اراده حرف خودش را خطاب به کسی که می‌خواست، بگوید. در صورت وجود موبایل و اینترنت، آیا لازم بود که مادری در پیوند عاطفی با فرزند خودش به ماه متوسل شود و حال و روز پسرش را از او جویا شود؟ پاسخ منفی است و دلیل موضوع بیش از حد روشن است: پایان فاصله‌ها.

آیینه

گزیده‌ای از خاطرات مرحوم عبدالله مستوفی (۱۳۲۹-۱۲۵۵ش)

از مجالس مذهبی به دموکراسی



بچه‌محل ما...

سابقاً در یکی دو مورد از عروسی میرزا احسین خان معتمدالملک، پسر یحیی خان مشیرالدوله، با قمرالسلطنه دختر مظفرالدین میرزا ولیعهد، به مناسبت اشاره‌ای کرده‌ام. این عروسی که در پاییز ۱۳۰۶ اتفاق افتاد، خیلی مفصل بود. پیرمردها می‌گفتند بعد از عروسی امیر دوست محمدخان، پسر دوست علی خان معیرالممالک، با عصمت‌الدوله دختر ناصرالدین شاه، عروسی به این تفصیل اتفاق نیفتاده است. می‌گفتند معیرالممالک میوه‌های باغ خود از قبیل آلبالو و گیلاس و گوجه را داده بود نقل گرفته و چون فیل خانه شاهی هم در اداره او بوده است عروس را با فیل به خانه داماد آورده بودند. اما عروسی معتمدالملک، ماه آبان و میوه قابل نقل گرفتن به درخت‌های باغ بهارستان (مجلس امروز) نبود ولی در عوض مدت یک هفته، تمام طبقات به این عروسی دعوت داشتند. هر روز مشیرالدوله صبح به مجالس جوان‌ها که رفقای داماد بودند، می‌آمد و چند کیسه قران‌های نوی هم همراه خود می‌آورد و بین مهمان‌ها تقسیم می‌کرد تا برای قمار تفریحی که احیاناً در این مجالس اتفاق می‌افتد، مایه دست داشته باشند.

شب عروسی، خیابان دراندرون شاهی و خیابان ناصرخسرو و گوشه میدان سپه و خیابان برق امروز و بازارچه سرچشمه تا نزدیک هفت‌دختران که خانه مشیرالدوله و منزل داماد بود تمام راه‌ها را چراغان کرده و در بازارچه سرچشمه، به طاق‌های بازار چهلچراغ و به دیوارها جارهای دیوارکوب بلور هم نصب کرده بودند. آنچه موزیکالچی و نقاره‌چی در شهر بود، جلوی عروس افتاد و عروس را در کالسکه‌ای که هشت اسب آن را می‌کشید نشانده و چندین ده کالسکه دنبال این موکب بود و گاو و گوسفند زیادی جلوی عروس قربانی کردند.

در این شب یکی از داش‌های محله سنگلج (محله معیرالممالک) بر حسب تصادف به سرچشمه، محله مشیرالدوله، آمده بود. یکی از داش‌های سرچشمه به او رسیده، گفته بود: «داش! این بچه‌محله ما خوب داره پاشا تو کفش بچه محله خدا بیامرز شما می‌کنه!» داش سنگلج جواب می‌گوید: «کیو میگی؟» و با اشاره به سمت خانه مشیرالدوله «این کچل پنطی؟ سگ کی باشه! هفت ... می‌چاد. بچه‌محله ما، خدابیامرز، فیلو به ... واداشت.» می‌دانیم که در اصطلاح داشی فیل قوه فوق‌العاده‌ای است که مثل افلاطون اصغر، هیچ قدرتی حریف آن نیست و با این منطق قوی، داش سرچشمه‌ای ناگزیر غلاف رفت.

یک مشت حرف حسابی

این بود وضع عزاداری و این بود اخلاق مردمانی که وجههٔ عمومی این عزاداری را اداره می‌کردند. آیا این مردم بی‌سواد و عامیان بحت بسیط که اسم خود را هم نمی‌توانستند بخوانند، این اخلاق نیک و این نکته‌سنجی‌ها و لطیفه‌گویی‌ها و حریت فکر و اراده را از کجا آموخته بودند؟

مسلماً پای همین منبرها و در همین اجتماعات، زیرا روضه بهانه و اصل مقصود انتشار تربیت و معلومات اسلامی در تودهٔ مردم بود. گذشته از منبر واعظها که نصف بیشتر اوقات روضه را اشغال می‌کرد، همان روضه‌خوان‌ها و ذاکرین هم مطالبی برای مردم می‌گفتند که مایهٔ پرورش افکار و اخلاق آنها بوده و «فَمَن یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَیْراً یَرَهُ وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرّاً یَرَه» (زلزال/۷) را در مغز آنها فرو می‌برند و توده را عملاً تربیت و از همه بالاتر ایمان را در قلب آنها جایگزین و محکم می‌کرد.

جمع شدن عارف و عامی و اعیان و اشراف و متوسط و فقیر در یک مجلس و زیر یک چادر و برای یک مقصود، باعث خبردار شدن طبقهٔ توانا از حال ناتوان و بالنتیجه تراوش اعمال خیر از این طبقه و عمومیت دادن فرهنگ در طبقات پایین بود. در فاصلهٔ دو روضه‌خوان که قلیان و چای به مردم می‌دادند، هرکس با همسایهٔ خود در اطراف بیانات روضه‌خوان و واعظ مذاکراتی می‌کرد و اگر مشکلی داشت، از عالمتر از خود که در آن مجلس زیاد و اکثر نزدیک به او بودند، سؤالاتی کرده و مشکل خود را حل می‌کرد و حول و حوش هم از این سؤال و جواب استفاده خود را می‌کردند. به واسطهٔ همین مجالس بود که معارف اسلامی در عارف و عامی مردمان این کشور، عمومیت داشت و همه بیش و کم سعی می‌کردند، خود را متخلق به اخلاق اسلامی کرده، در فرهنگ و اخلاق و مذهب عامی بحث بسیط نباشند.

در همین مجالس بود که روح دمکراسی اسلامی، مورد بروز و ظهور پیدا می‌کرد. فلان مرد کاسب که طمطراق و غاشیه و اسب و نوکر فلان اعیان محل را دیده بود، در این مجالس می‌دید که پسر همین اعیان که صاحب مجلس است، با کمال ادب و با تبسمی که دلیل رضایت او از این عمل است، فنجان چای را دست گرفته، دو زانوی ادب بر زمین می‌گذارد و به او تقدیم می‌دارد. همین عمل ساده حس تعالی و برادری و برابری و یکرنگی را در قلب طرفین جای‌گیر می‌کرد.

باز در همین مجالس بود که طبقات پایین‌تر با اعیان و اشراف، زانو به زانو، نشسته و از آنها ادب اجتماعی را که در هر جامعه در طبقات بالاتر زیادتر است، می‌آموختند. خیلی از مردم بودند که تا سن‌های جلوتر، جزء طبقات پایین‌تر بوده و درسی هم نخوانده بودند و با وجود این به مقامات عالیه می‌رسیدند. اینها ادب اجتماعی ناگزیر شغل خود را از کجا آموخته بودند؟ مسلماً از همین مجالس، والا بر فرض دارا بودن هوش کافی، همان آداب‌ندانی آنها سبب می‌شد که در بدو امر داغ باطله خورده و از چهارچوب طبقهٔ خود نتوانند بیرون بیایند.

این بود که در جامعه، مردمان خوب باایمان، باادب در همه صنف و همه طبقه زیاد بودند و شخص به مزدورهای کاری و پیشه‌ورهای محکم‌کار و کاسب‌های باانصاف و تجار با دیانت و نوکرهای دلسوز و فقرای صبور شکور، از یک طرف و از طرف دیگر به مالداران باسخاوت و صاحب‌کارهای بافتوت و کارفرمایان بامروت و آقایان باگذشت و رحم و شفقت در جامعه زیاد برمی‌خورد. همه با هم مهربان بودند، همه ادب اجتماعی داشتند و همه با ایمان بار آمده بودند، در صورتی که دولت وظیفه‌دار تربیت جامعه است ابداً کاری در این مشروع انجام نمی‌داد و دیناری در راه فرهنگ و آموزش جامعه خرج نمی‌کرد.

مردم، خود آموزگار یکدیگر و خود حافظ اساس مسلمانی بودند. زیرا اصل‌های مسلم دیانت

> **عامیان که اسم خود را هم نمی‌توانستند بخوانند، این اخلاق نیک و لطیفه‌گویی‌ها و حریت فکر را از کجا آموخته بودند؟**

و ایمان، از قبیل راستی و درستی و اتفاق عمل و حفظ‌الغیب برادر دینی و پاک‌چشمی و گذشت و حقگویی و کمک به درماندگان را هر کس آموخته و زیر چاق داشت و هر جا مخالفتی می‌دید، نصیحت کردن مرتکب را جزء لوازم دین خود می‌دانست و همین اخلاق، حریت فکر و عمل را در تمام طبقات ایجاد می‌کرد. اگر کسی می‌خواست به آدم بی‌زبان ناتوانی تعدی کند، سایرین مانع او می‌شدند. پس، باز از حیث اخلاق هم خود، خود را اداره می‌کردند و تا این مجالس رویهٔ خود را از دست نداده بود، در به همین پاشنه می‌گشت.

ولی چنان‌که در سابق هم اشاره شد، از وقتی که طبقهٔ توانا مجالس عزاداری را وسیلهٔ تظاهر و نمایش تجمل قرار داده و مستمعین هم برای وقت‌گذرانی به این مجالس رفتند و روضه‌خوان‌ها هم جنبه‌های اخلاقی منبرهای خود را ترک گفته، بیشتر به ظاهرسازی پرداختند، روح و معنی هم جای خود را به لفاظی سپرد و روضه‌های طرز ملاآقای دربندی رواج گرفت و خواب و خیال جزء حقایق گشت. روضه‌خوان‌ها به نقل اخبار ضعیف پرداخته، سهل است، در همان روایات هم تعبیرات زادهٔ فکر خود را مداخله دادند و به عنوان «زبان حال» دروغ‌های ناروا به خانوادهٔ پیغمبر بستند و برای سکه کردن منبر خود و درآوردن جیغ زنها، تا توانستند رطب و یابس به هم بافتند. این وضع از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه شروع و روز به روز قوت گرفته، در زمان مظفرالدین شاه به اوج کمال رسید و ایمان را در مردم سست کرد. پاره‌ای از متدین‌ها که این رویه را مخالف روح عزاداری دانستند، بنای نقادی را گذاشتند. نقادی این دسته برای اصلاح بود ولی جمعی که تا این وقت جرئت ژکیدن بر ضد روضه‌خوانی نداشتند، از این نقادی به جرئت آمده، درصدد متزلزل کردن اساس آن برآمدند. در این ضمن‌ها مشروطه هم وارد معرکه شد.

یک قسمت از پیشرفت مشروطه در ایران مرهون زحمات روحانیون و علما بود. بعد از کودتای محمدعلی شاه هم اگر زحمات و فداکاری این طبقه در کار نمی‌آمد، استبداد صغیر به آن سهولت به مشروطهٔ کبیر برنمی‌گشت. ولی مشروطه‌چی‌ها، بعد از عزل محمدعلی شاه، چون خرشان از پل گذشته بود، نمی‌خواستند زیر بار روحانیون بروند. دشمنی انسان به چیزی که از آن اطلاع ندارد امری طبیعی است. آقایان هم که از معارف اسلامی بی‌خبر بودند، دشمنی روحانیون را با هرچه با دیانت سروکار داشت وجههٔ همت خود قرار داده و تا توانستند، مردم را به بی‌دیانتی سوق کردند. اکثریت مردم که همیشه تابع رؤسا هستند، همین‌که وضع را این طور دیدند، بعضی ظاهراً و برخی ظاهر و باطن، باد به بوق بی‌دیانتی کردند. کار به جایی رسید که یکی از حزب‌های سیاسی آن دوره، به تقلید انقلابیون عهد انقلاب کبیر فرانسه، جدایی مذهب را از سیاست جزء مرام خود کرد. در صورتی که بین پاپ که با داشتن حکومت جسمانی در رم نشسته و به وسیلهٔ مذهب در سیاست داخلی و خارجی فرانسه مداخله می‌کرد، با روحانیین مذهب شیعه فرق بسیار است. بلی! اگر مذهب اهالی ایران تسنن و اعتقاد به خلیفه جزء مذهب بود، این تجزیه خیلی پسندیده بود. زیرا سیاست دولت را از مداخلهٔ خلفه که در استانبول نشسته و هر تجزیه‌ای را منافی استقلال خود می‌دانست، محفوظ می‌داشت. ولی مذهب شیعه که بعد از واقعهٔ سقیفهٔ بنی‌ساعده، خود را از تسنن جدا کرده و به خلفای صدر اسلام و بانیان این جدایی نفرین می‌کند و تبرای از آنها جزء مذهب اوست، چه حاجتی به تجزیهٔ مذهب از سیاست دارد؟ بهانهٔ ایجاد این رویه هم، همان آزادی مذهب و اصل مسلم دموکراسی بود که آقایان مشروطه‌چی‌ها بین آزادی اختیار مذهب، با لاقیدی در عملیات مذهب اختیار شده، نمی‌خواستند فرق بگذارند. حتی در این اواخر نهی از معروف و امر به منکر را در تحت اسم آزادی مذهب، به خود اجازه می‌دادند. مردمان متنسک نزد آنها منفور و هرکس بیشتر اظهار بی‌دینی می‌کرد، نزد آنها محبوب‌تر بود و هرکس را که به لوازم مذهب قیام می‌کرد، فاناتیک می‌خواندند.

آقای علی‌اکبر دهخدا می‌گوید: در بدو مشروطیت روزی با سیدی اردبیلی (بنده از تصریح به اسم او خودداری می‌کنم) که از وجوه مشروطه‌چی‌ها بود، نزد استاد حسین خیاط که در بازار کنار خندق نزدیک سه‌راه مسجد شاه دکان داشت و او هم از مشروطه‌چی‌ها بود، رفتم. سید و استاد خیاط یاوه‌گویی به دین و مذهب را شروع کرده، آنچه از کفر و الحاد در انبان فکر خود داشتند، بیرون ریختند. پس از ساعتی برخاستیم، نزدیک مسجدی رسیدیم. سید به من گفت: «دو دقیقه تأمل کنید تا من بیایم.» من ایستادم، دو دقیقه، ده و پانزده و بیست دقیقه شد، از سید اثری ظاهر نگردید. به خیال این‌که مبادا حادثه‌ای برای او رخ داده باشد داخل مسجد شدم. ابتدا به جاهایی که احتمال می‌دادم، رفتم نیافتمش، ناگزیر به جایی که هیچ احتمال نمی‌دادم، یعنی در داخلهٔ مسجد هم سری زدم. دیدم سید در حال رکوع است. ذکر رکوع را به قدری تکرار کرد که هیچ پیش‌نمازی ولو در رکعت اول نماز، آن‌قدر طول و تفصیل نمی‌داد. من همین‌که وضع را این طور دیدم، خود را پشت ستون پنهان کردم. آقا سجود رفت و آن‌قدر سجود را به درازا کشید که من تاب نیاورده یکسره به منزل آمدم. سید سه ربع بعد از من به منزل رسید، از او سبب تأخیر را سؤال کردم. در جواب من واقعه‌ای را اختراع کرده و من تا زنده بود، چیزی به روی او نیاوردم. در آن دوره از این قماش مسلمان‌های واقعی ترسو زیاد بودند که عملیات مذهبی خود را از سایرین پنهان کرده و از ترس مشروطه‌چی‌ها در مجالس و محافل، خود را به بی‌دین جلوه می‌دادند.

این ترویج بی‌دینی به مدارس هم رسید. دیگر کسی کاری به نماز خواندن بچه‌ها نداشت. حتی درس شرعیات را بچه‌ها یاد نمی‌گرفتند و آخوندی که متصدی این قسمت از آموزگاری بود، بیهوده عمر خود و بچه‌ها را تلف می‌کرد. زیرا رؤسای مدرسه بازپرسی از این قسمت نکرده، آخوند بدبخت هم نمره‌های دیمی به بچه‌ها می‌داد. این بچه‌ها که مردان امروزه هستند، همه شاهد صدق این گفته می‌باشند که هزار یک آنها از تعلیمات شرعی ناقص مدرسه‌ای که جزء درس رسمی آنها بوده است، چیزی نمی‌دانند تا چه رسد که به تکمیل آن پرداخته باشند.

این رویهٔ مشروطه‌چی‌ها که با مشروطه طبعاً روی کار آمده بودند، مردم را به دو قسمت کرد و متدینین واقعی را از مشروطه و تجددگریزان نمود. متدینین، مشروطه‌چی‌ها را هر قدر هم در خفا نماز با خضوع می‌خواندند، بی‌دین، و مشروطه‌چی‌ها متدینین را میکروب می‌خواندند. حالا چقدر ضدیت بین این دو طبقه، به پیشرفت‌های سیاسی این کشور خسارت وارد آورد، بماند.

بزرگترین کاری که صورت داد، ایمان واقعی را از مردم سلب کرده، مردم عوام هم که خود را جزء دستهٔ متدین می‌دانستند، روح ایمان را به واسطهٔ نداشتن مجالس و محافل مذهبی که در دورهٔ مشروطه، خیلی کم و در بیست سال دیکتاتوری بالمرّه موقوف شد، از دست داده و همه مادی صرف شده‌اند و هیچ یک ادب اجتماعی ندارند.

امروز از کشیدن آب حوض تا ساختن بناهای عظیم و از خرید پنج سیر سبزی از دوره‌گرد تا معاملات بزرگ صد و دویست هزار تومانی و از تعمیر لولهٔ آفتابهٔ آهنی تا زرگری و جواهرسازی و از عملگی روزمزدی تا ریاست وزرا هیچ کاری را با مزدمایه نمی‌توان انجام داد. هیچ کاری پیدا نمی‌شود که بدون دسیسه و تقلب سرهم‌بندی تمام شود. یک نوکر دلسوز، یک آقای باگذشت، یک مستخدم وظیفه‌دان، یک دولت حق‌شناس، یک کارگر قائم‌کار، یک کارفرمای ایرادنگیر، یک کاسب باانصاف، یک تاجر بادیانت و یک مصرف‌کنندهٔ بامروت در هیچ جای این کشور یافت نمی‌شود. همه به فکر ربودن کلاه یکدیگرند، این وضع جز بی‌ایمانی مردم که هیچ‌کس در بند مشروع بودن وسیله نبوده و به هر طریقی، ولو از راه سرقت و اختلاس ماده تحصیل شود، آن را مباح و مال خود می‌داند، سبب دیگری ندارد.

مقصود من از این ایمان اعتقاد به دیانت اسلام و مذهب حق جعفری نیست بلکه مقصودم ایمانی است که پلیس باطن در مردم ایجاد کند تا شخص در حال تنهایی در صندوقخانهٔ زیرزمین خانهٔ خود هم آن پلیس را حاضر و ناظر ببیند و از هر کار مخالف عفت و اخلاق و منافی بزرگواری و جوانمردی دوری جسته و به نیکوکاری و نیک‌رفتاری و راستی و درستی رغبت کند و به قول ویکتور هوگو در قبر هم چشم به قابل نظر داشته باشد.

> **همه با هم مهربان بودند، همه ادب اجتماعی داشتند و با ایمان بار آمده بودند، در صورتی که دولت و دیناری در راه فرهنگ خرج نمی‌کرد**

این جور ایمان ولو به شیطان باشد، برای هر جامعه‌ای ناگزیر است. مشروطه‌چی‌های ما با اینکه می‌توانستند مجالس روضه را اصلاح کرده به نفع جامعه آن را دایر نگاه دارند، از راه جهالت ریشهٔ آن را کندند و مردم را بی‌دین و ایمان و مادی صرف کردند و کار را به آنجا رساندند که عارف و عامی همه گرفتار بی‌ایمانی شده‌اند. واتقوا فتنة لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصة. (انفال/۲۵)

دیکتاتور بعد از پانزده شانزده سال کجروی، وقتی که به وسیلهٔ مجالس پرورش افکار خود خواست ایمانی در مردم ایجاد کند، خدا و شاه و میهن را برای این کار موضوع قرار داد. ولی در اینجا هم به وسیلهٔ سخنرانان و کارکنان پرورش افکار، شاه را بر خدا مقدم داشت این هم البته چیزی نبود که مردم زیر بار آن بروند. رئیس انجمن پرورش افکار، عبث عربی دیمی به هم می‌بافت و کودتای ۳ حوت را از عبادت ثقلین بزرگتر وانمود می‌کرد، مردم به خدایی که از شاه قلدر عقب‌تر باشد معتقد نشده، به این بیانات ولو از دهن نمازخوان متنسکی هم بود می‌خندیدند.

ضرر را از هرجا جلوگیری کنی سراسر نفع است. سی و پنج سال این رویهٔ کج را تعقیب کردیم روزبه‌روز به وضع بدتری دچار شدیم. اگر هوس است بس است، حالا بعد از این تجربهٔ تلخ بیاییم برای این مردم ایمان و عقیده‌ای دست و پا کنیم ولی از چه راه؟ خواهش می‌کنم مدارس و تعلیمات اجباری و کلاس اکابر را به رخ زرد من نکشید زیرا آنچه در شش سالهٔ متوسط و حتی سه سالهٔ لیسانس و دو سالهٔ دکترا در مدارس ما گفته و خوانده شود، به قدر حرفهای یک دههٔ روضهٔ اواخر عهد مظفرالدین شاه هم حاوی مطالب ایمانی و اخلاقی نیست سبب آن هم معلوم است. امروز در مدارس، آن‌قدر سمن هست که کسی به فکر یاسمن نمی‌تواند باشد. برنامه مادیات به قدری زیاد است که وقتی برای گفتن و شنیدن معنویات باقی نیست. گذشته از این، تمام افراد کشور را نمی‌توان دکتر و لیسانسه و باشلیه بار آورد که از راه دانش از بدی بپرهیزند و به خوبی گرایند. برای توده هم راهی باید فکر کرد. برای توده باید مجالس پرورش افکار وطنی یعنی همان روضه‌خوانی را منتها با اصلاحاتی به راه انداخت. تودهٔ ایرانی به خاندان رسالت اخلاص دارد و از این راه بهتر می‌توان ایمان را که هنوز بارقهٔ آن در سویدای دل او مخفی است، تحریک نموده و از آنها مردمانی با ایمان و عقیده ساخت، حتی معتقدم که اگر ایجاد ایمان در مردم، مستلزم سینه‌زنی و روضه‌خوانی و دسته و شبیه‌گردانی اواخر عهده مظفرالدین شاه و راه انداختن تعزیه‌خوانی زمان ناصرالدین شاه هم باشد، بکنیم و پای علامت، سینه هم بزنیم، سهل است، اگر این کار به رقاص‌بازی سنگ‌زن‌های کاشان هم حاجت پیدا کرد، مچ آنها را هم با همان لهجهٔ کذایی بنازیم.

من از این هم بالاتر می‌روم، اگر تازه کردن ایمان توده به تیغ‌زنی شاخسینی‌ها هم محتاج شد، جهنم! قحطش که نیست! از عمواغلی‌های اورنق و انزاب و ممقان و اسکو و سراب و اردبیل و خلخال وارد می‌کنیم. زیرا وضع امروزه، زندگی نیست بلکه جان کندن است و هرچه زودتر باید به اصلاح آن پرداخت. اگر راهی نزدیکتر از این به مقصود دارید، بسم‌الله پیشنهاد کنید تا همگی دنبال آن برویم. من بعد از شصت هفتاد سال تنسک مسلمانی، به قدر سهم خود شرط می‌کنم، اگر ایمان به شیطان را هم بپسندید، بی‌چون و چرا دنبال فراهم کردن لوازم آن (البته برای توده نه برای خود) بروم. ولی از جوانها هم توقع دارم اگر پیشنهاد مرا پسندیدند، بی‌غرغر و نق‌نق کمر همت به تدارک لوازم آن ببندند تا آنچه یک دسته می‌ریسد دستهٔ دیگر پنبه نکند.

وضع تازه

از شب اول ربیع‌الاول اوضاع بالمرّه عوض می‌شد، لباسهای سیاه را می‌کندند و الوان‌ترین لباسی که با سن و مقام هر کسی برازندگی داشت به تن می‌کردند، ریشهایی که در این دو ماهه به واسطهٔ عزاداری از رنگ محرم و بالطبیعه دو سه رنگ شده بود، یکرنگ و پرطاوسی می‌شد، زنها سرانگشتها و مردها ناخنهای خود را با حنا رنگ، و خانمهای شیک حنای‌نگاری به پاها بسته، با نقش و نگار، کف پاهای خود را زینت می‌نمودند.

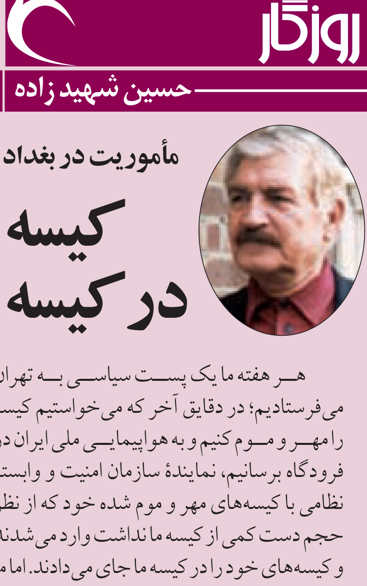
از اول ماه، در سر هر گذر و معبر دکانهای خاصی برای فروش اسباب آتش‌بازی از قبیل باروت و ترقه و فشفشه و موشک (تیرتخش) و قلم زرچه و کاسهٔ آفتاب مهتاب و خمپارهٔ کاغذی که گلهای زرد و سرخ و بنفش در هوا منتشر می‌کرد و کوزه‌های گل‌افشان دایر می‌گردید. در خانه‌ها برای شب نهم مشغول تدارک می‌شدند و از چوب و کاغذ و کدو یا کوزه هیکلی ترتیب می‌دادند. با چوب استخوان‌بندی، و از کاغذ لباس و از کدو و یا کوزه، کله برای هیکل ساخته با ترقه تمام جلوی لباس آن را تزئین می‌کردند. این خمیرهٔ کاغذ و مقوا دماغ و دهن و چشم و ابرو برروی کدو نمودار کرده و با پنبه یا پشم سفید، ریش برای هیکل ترتیب می‌دادند و بر سر آن عمامه از پارچه‌ای که در آن کاه چپانده بودند، می‌گذاشتند. همین که از ساختن هیکل فراغت حاصل می‌گشت، انواع آتش‌بازی تهیه دیده و با این تدارک منتظر رسیدن شب نهم ماه می‌شدند.

متصدی ساختن هیکل، پسربچه‌های رسیدهٔ خانه بودند که با کمک نوکر این کارها را انجام می‌دادند. بعضی‌ها که خیلی اعیان‌منش بودند، به قورخانهٔ دولتی سفارش می‌دادند و هیکل ساخته و پرداخته، با آتش‌بازی لازم، می‌آوردند. موقع این هیکل‌سوزانی البته شب نهم و دهم و یازدهم ماه بود ولی اگر کسی دیرتر دست به کار تدارک شده بود، تأخیر تا شب هفدهم هم مانعی نداشت. شبی که برای هیکل‌سوزی تعیین می‌شد، اعضای خانواده و قوم و خویش‌ها و دوستان و آشنایان خانه جمع می‌شدند، شیرینی و بخصوص آجیلی که خوردن آن مستلزم شکستن و سروصدا راه انداختن باشد، فراوان و به همه حضار می‌دادند. بعضی از مؤمنات نذری آجیل داشتند که در این ایام، نذر خود را ادا می‌کردند. اگر از حضار کسی اهل ساز بود، بی‌ریا و بی‌خجالت با کارابزار خود مشغول سرگرم کردن حضار می‌شد. برفرض اینکه همه سیاه‌دست بودند کسی که دایره و تنبکی بزند و تصنیفی بخواند، مسلماً در بین حضار یافت شده و به همان قناعت می‌کردند. اگر خانه خیلی اعیانی بود، دستهٔ مطربی هم، برای سرگرم کردن حاضرین قبلاً خبر کرده بودند. در موقع هیکل‌سوزی همه برای تماشا جمع می‌شدند و نیم‌دایره‌ای در جلوی هیکل و بند و بساطش تشکیل می‌دادند. کسانی که می‌خواستند در این جشن خیلی کلاسیک باشند، قبل از آتش‌زدن هیکل با نظم یا نثر چیزهایی از مطاعن صاحب هیکل می‌گفتند. در این گفته‌ها جنبهٔ فکاهی و خنده‌آور بیشتر رعایت شده و مضمون‌های بدیع که موجب خندهٔ دسته‌جمعی می‌شد، زیاد ایراد می‌کردند. بالاخره هیکل را آتش می‌زدند و دنبالهٔ هیکل‌سوزی که با ترق و تورق زیاد صورت می‌گرفت، موشکها به هوا رفته خمپاره‌های کاغذی ستاره‌های سرخ و زرد و آبی و بنفش خود را در فضا ظاهر می‌ساخت و ده بیست دقیقه تا نیم‌ساعتی حضار را مشغول می‌داشت. بعد مجدداً به اتاق رفته دنبالهٔ نوازندگی و بذله‌گویی و خنده را می‌گرفتند. اگر خانه اعیانی بود به حضار شام هم می‌دادند. خلاصه ترق و تورق و این آتش‌بازی بیش و کم در خانه‌های شهر بر پا ولی شب نهم و دهم و یازدهم تقریباً در تمام خانه‌های شهر این بساط پهن و صدای ساز و آواز و هره خنده در تمام خانه‌ها بلند بود. در شب نهم زنها همه خود را تزئین کرده، اکثر لباس سرخ و زرد می‌پوشیدند. حتی پیرزنها هم برای درک ثواب، سرخ و سیاه و سفیدی به صورت چین‌خورده خود می‌افزودند.

خانهٔ ما هم این عید را می‌گرفتند. هیکل‌سازی به کمک مصطفی قلی‌خان دایی و یکی از نوکرها انجام می‌شد و در شب هیکل‌سوزی، تمام تشریفات به عمل می‌آمد. پدرم با اینکه از هر کار غیرجدی گریزان بود، در این کار مخالفتی نمی‌کرد و به سکوت ورگذار می‌نمود. نوکرها هم در بیرونی، به طرز خود عید می‌گرفتند، به کربلایی باقر، قهوه‌چی پدرم، مرد شصت هفتاد ساله که کوزهٔ پر از آب را بر پیشانی گذاشته و در این شب می‌رقصید، سابقاً اشاره کرده‌ام. در مدرسه‌های آخوندی شهر هم، طلاب عید می‌گرفتند. منتها آنها دیگر دایره و تنبک نداشتند و اهل ذوق آنها با ایراد مضحکه‌های علمی، رفقا را می‌خنداندند.

روزگار

حسین شهید زاده ۴



مأموریت در بغداد

کیسه در کیسه

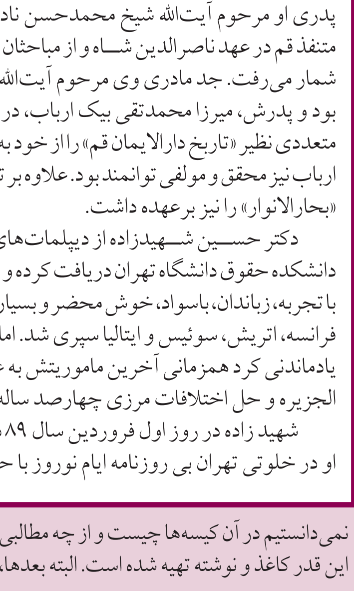
هر هفته ما یک پست سیاسی به تهران می‌فرستادیم؛ در دقایق آخر که می‌خواستیم کیسه را مهر و موم کنیم و به هواپیمایی ملی ایران در فرودگاه برسانیم، نمایندهٔ سازمان امنیت و وابسته نظامی با کیسه‌های مهر و موم شده خود که از نظر حجم دست کمی از کیسه ما نداشت وارد می‌شدند و کیسه‌های خود را در کیسه ما جای می‌دادند. اما ما نمی‌دانستیم در آن کیسه‌ها چیست و از چه مطالبی این قدر کاغذ و نوشته تهیه شده است. البته بعدها، یعنی موقعی که این کیسه‌ها به تهران می‌رسید و بازتابش به بغداد برمی‌گشت، ما می‌فهمیدیم چه مطالب نغزی در آنها عنوان شده؛ مطالبی که گاهی اوقات دهان آدم با خواندن آنها از حیرت باز می‌ماند و گاهی از هر داستان خنده‌آوری فکاهی‌تر بود. و از همه بدتر آنکه شرح و تفصیل و یا انکار و تکذیب آن اظهارات به گردن سفارت می‌افتاد.

گفتنی و شنیدنی در این باره به قدری زیاد است که به راستی می‌توان کتابی به ضخامت و جذابیت زینت‌المجالس دربارهٔ آنها نگاشت و به دست خلق خدا داد تا بخوانند و عبرت بگیرند. برای اینکه معیاری از کیفیت کار و بینش سیاسی همکاران اطلاعاتی خود به دست خوانندهٔ این یادداشتها بدهم، یادآور می‌شوم که یک بار از وزارت خارجه گزارش محرمانه‌ای برای ما رسید که در آن نوشته بودند: از قرار اطلاع رسیده از منبعی موثق، فلان شخصیت مهم عراقی چند روز پیش به دست مخالفان به قتل رسیده و جسد او چند روز است در پشت دیوارهای فلان پادگان افتاده و کسی به آن نزدیک نمی‌شود. جریان را تحقیق و گزارش فرمایید. امضای مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه.

> **به راستی می‌توان کتابی به ضخامت و جذابیت زینت‌المجالس دربارهٔ آنها نگاشت و به دست خلق خدا داد تا بخوانند و عبرت بگیرند**

حالا بیاییم این گزارش را بررسی کنیم و ببینیم چند جنبهٔ فکاهی در آن وجود دارد. اولاً از فحوای کلام خوب معلوم است که این منبع موثق همان مأمور سازمان اطلاعات و امنیت خودمان در بغداد بوده که گزارشش را در کیسه و کیسه‌اش را در کیسهٔ ما چپانیده، یعنی در واقع خود ما این خبر را به تهران فرستاده بودیم. در تهران کیسه را باز کرده و گزارش را خوانده بودند و به عرض مقامات بالا و احیاناً به شرف عرض ملوکانه رسانیده و دستور گرفته بودند که در این باره تحقیق بیشتر بشود. این کارها خودش لااقل هفت هشت روزی به طول انجامیده بود تا اینکه نامهٔ صادره به وزارت امور خارجه واصل شده بود (البته فرض بر این است که در تمام این مدت جسد در پشت پادگان فلان باقی بوده و هیچ یک از مقامات عراقی و سفارتخانه‌های مقیم بغداد یا خبرگزاریهای معتبر از وجود آن اطلاع پیدا نکرده بودند). پس از رسیدن نامه به وزارت خارجه و ثبت در دفتر محرمانه و ارجاع به ادارهٔ مربوطه و ملاحظهٔ مقامات بالا، دستور به ادارهٔ سیاسی مربوطه داده شده بود که بنا به خواستهٔ ساواک نامه‌ای به بغداد نوشته شود تا دربارهٔ صحت و سقم این خبر تحقیق نمایند. نوشتن پیش‌نویس و پاراف رئیس اداره و ارسال به ادارهٔ ماشین‌نویسی و باز هم پاراف و بازگشت به اداره و سپس ارسال برای مدیر کل سیاسی و رفتن به دفتر وزارتی برای فرستادن به بغداد هم هیچ نباشد هفت هشت روزی وقت گرفته بود تا اینکه نوبت به ارسال کوریهٔ سیاسی به بغداد رسیده و آن هم پس از لااقل دو سه روز به دست ما رسیده بود. حالا ما می‌بایست تحقیق کنیم که قضیه حقیقت داشته یا نه و اینکه سرانجام چه بر سر جسد آمده است. بهترین مامور تحقیق ما در این باره همان همکار امنیتی، یعنی همان کسی بود که گزارش به تهران فرستاده بود. پیش از آنکه به سر وقت او برویم، بد نیست کمی به عقب برگردیم و به سراغ آن همکار وزارت خارجه که نامه را با طمطراق امضا کرده و به بغداد فرستاده بود برویم و از او بپرسیم: برادر! روزی که می‌خواستی نامه را امضا کنی، پیش خود نگفتی اگر چنین مطلبی حقیقت داشت، از همان ساعت اول مثل توپ در دنیا می‌ترکید و کوس خبرش را بر سر بازارها زده بودند؟ فکر نکردی با امضای این نامه مدرک بی‌توجهی و بی‌علاقگی سمبل‌کاری خود را امضا کرده‌ای؟ بهتر نبود نامه را همان‌جا پاره می‌کردی و در سطل آشغال می‌ریختی و یا اگر جرات این کار را نداشتی لااقل به همان سازمان امنیت جواب می‌دادی که این خبر نیازی به تحقیق ندارد و اگر صحت داشت من و شما زودتر از رسیدن نامه از بغداد از آن باخبر می‌شدیم؟ اما چه کسی دربند این حرفها بود؟ منطقی که بر همه جا حکمفرما بود این بود که «به ما چه، خودشان می‌دانند.» که نمی‌دانم این خودشان چه کسانی بوده‌اند و هستند! آیا غیر از ما کس دیگری در میان هست؟ چند روز بعد که به تهران رفتم، سراغ همین جناب مدیرکل که از دوستان خودم بود رفتم و فکاهی بودن مطلب را با او در میان گذاشتم. می‌دانید جواب مرا چه داد؟ گفت: «حقیقتش این است که من نامه را نخوانده امضا کردم.» برگردیم بر سر مطلب، همکار امنیتی سفارت را خواستم و بدون اینکه دربارهٔ اصل موضوع، یعنی فرستادن گزارش به وسیله خود او به تهران تردیدی به خود راه دهم، از او پرسیدم. این خبر را از کجا کسب کرده است. با کمال سادگی پاسخ داد خبری بود، اما بعداً معلوم شد دورغ بوده است. از او پرسیدم: «آیا دروغ بودن آن را هم به تهران اطلاع دادی؟» پاسخی داد که بیش از همهٔ حرفها جالب بود و آن این بود که گفت: «هنوز فرصت نکرده‌ام. انشاالله با پست آینده اقدام خواهم کرد.»

فرصت را مناسب دانستم و از او پرسیدم: «بالاخره تکلیف جسد چه شد؟» نظایر این حکایت‌ها زیاد بود و به گفتهٔ نویسندهٔ کلیله و دمنه این مثل بدان آوردم تا خوانندهٔ احتمالی این یادداشتها بداند کیفیت کار و همکار در سفارت بغداد از چه قرار بود.



دکتر حسین شهیدزاده

«در سر پل ذهاب چند عدد کبک را که مدیرکل سیاسی وزارت خارجه عراق در سال‌های پیش به من هدیه کرده بود و در این سفر با خود آورده بودم، در دامن طبیعت آزاد کردم و آن را به حساب غنیمتی گذاشتم که از سرزمین عراق آورده بودم...»

دکتر حسین شهیدزاده روز عاشورای سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر مقدس قم متولد شد. جد پدری او مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسن نادی معروف به «چهار مردانی» بود که از روحانیون متنفذ قم در عهد ناصرالدین شاه و از مباحثان و هم‌درسی‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی به شمار می‌رفت. جد مادری وی مرحوم آیت‌الله العظمی حاج میرزا محمد قمی معروف به ارباب بود و پدرش، میرزا محمدتقی بیک ارباب، در زمره نویسندگان و ادیبان عهد ناصری بود که‌آثار متعددی نظیر «تاریخ دارالایمان قم» را از خود به یادگار گذاشت. مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب نیز محقق و مولفی توانمند بود. علاوه بر تالیف آثاری مانند «اربعین حسینیه»، تصحیح کتاب «بحارالانوار» را نیز برعهده داشت.

دکتر حسین شهیدزاده از دیپلمات‌های زبده نسل پیشین ایران بود. او لیسانس خود را از دانشکده حقوق دانشگاه تهران دریافت کرده و از دانشگاه پاریس دکترای حقوق گرفته بود. مردی با تجربه، زباندان، باسواد، خوش محضر و بسیار برازنده. زندگی حرفه‌ای‌اش در ماموریت‌هایی در فرانسه، اتریش، سوئیس و ایتالیا سپری شد. اما آنچه او را خارج از دایره دوستان و همکارانش به یادماندنی کرد همزمانی آخرین ماموریتش به عنوان سفیر ایران در عراق بود که با امضای قرارداد الجزیره و حل اختلافات مرزی چهارصد ساله ایران و عراق همزمان شد.

شهید زاده در روز اول فروردین سال ۸۹ در ۸۵ سالگی در تهران درگذشت و مراسم یادبود او در خلوتی تهران بی روزنامه ایام نوروز با حضور خویشان و دوستانش برگزار شد.

هزاران سال انسان

گفتگو با دکتر اسلامی ندوشن

بعد از حافظ / ۱

اسلامی ندوشن

بقیه از صفحه اول

*** این حرف شما آیا در مورد جامی هم صادق است؟**

جامی شاعر مهمّی است، ولی بیشتر حرف‌های مولوی و نظامی و دیگران را تکرار می‌کند.

*** ما بعد از آن شاهد رو آمدن سبک هندی هستیم.**

سبک هندی کوشش دارد که تغییری در مسیر شعری ایران ایجاد کند و تازگی‌هایی به وجود بیاورد. چون شاعران آن عهد می‌دیدند که مردم از مکرّرگویی خسته شده‌اند. آزمایش‌هایی در زمینه شعر می‌کنند و جریان قدری عوض می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که چندان مورد قبول طبع ایرانی قرار نمی‌گیرد. کششی که لازمه شعر است تا بتواند ذهن ایرانی را به طرف خود بکشد، در سبک هندی نبوده است.

*** مشکل سبک هندی چه بود؟**

پیچیدگی خاصّی که در آن است. این سبک هندی یا اصفهانی قدری از پیچیدگی اندیشه هندی در خود دارد، و به همین جهت آن را به این اسم نامیده‌اند. این سبک به مزاج فارسی‌دان‌های هند بیشتر سازگار آمد و نیز بیشتر در افغانستان پسند افتاد. آنها بیشتر از ایرانی‌ها به آن رغبت دارند. در هر حال این سبک در ایران بیشتر به صورت تفنّن نگریسته شده است. البتّه در سبک هندی تک‌بیت‌های خوب و ظریفی دیده می‌شود، ولی در مجموع عناصر لازم برای قبول خاطر ایرانی را در خود نداشته است.

*** اگر ما از بیرون از ایران نگاه کنیم، ترکیب شعر فارسی تا حافظ و بعد از حافظ قدری معمّاگونه به نظر می‌رسد. ادبیّات فارسی از اوجی به نام فردوسی شروع می‌شود، به مولانا منتقل می‌شود و بعد به سعدی و حافظ می‌رسد. همه این چهار شاعر قلّه‌اند و هیچکدام کم از دیگری ندارد. یک جریان پربنیه و نیرومند تکرار می‌شود و رو به صعود می‌گذارد و در حافظ به زیبایی ممکن می‌رسد، هرچند که بگوییم مضمون نو نیست. بعد یک دفعه داستان شعر افت می‌کند. از نگاه بیرونی این کار شبیه معمّاست و حتماً باید دلیلی در کار باشد.**

درجه زایندگی زمان این اتّفاق را پیش می‌آورد.

*** آیا یک دفعه؟**

بله. هر چه می‌بایست گفته شود، در آن چند تن گفته می‌شود و آنگاه نوعی احساس خستگی در استعدادهای ایرانی دیده می‌شود و مکرّرگویی پیش می‌آید. البتّه این جریان در کشورهای دیگر هم نمود دارد. شعر در سراسر دنیا رو به تنزل نهاده.

*** مقصودتان از این حرف چیست؟**

ببینید! شعر دوران خودش را دارد. باید با دوران خودش سازگار باشد. هرچه‌زمان جلو می‌آید، از بُرد شعر کاسته می‌شود و به بُردهای دیگر اضافه می‌گردد. در اروپا، قرن هفدهم و هجدهم اوج شعرهای کلاسیک است. در فرانسه کرنی، راسین و مولیر هستند، در آلمان گوته و در روسیّه پوشکین... ولی هرچه زمان جلو می‌آید، شیب دیده می‌شود، نظیر شیبی که در ایران بعد از حافظ وجود دارد.

دنیای جدید اقتضاهای دیگری دارد. شعر در واقع، حضور خودش را کم می‌کند و بر حضور آثار دیگر و هنرهای دیگر می‌افزاید. کم‌کم نثر جای شعر می‌گیرد. به طوری که قرن نوزدهم اروپا، قرن نثر است و آثار بزرگ در این زمینه به وجود می‌آید و این روند در قرن بیستم هم ادامه پیدا می‌کند. مقصودم این است که این حالت فرود آمدن و شیب گرفتن که در شعر فارسی هست، در جاهای دیگر هم به چشم می‌خورد.

شعر به طرف نثر حرکت می‌کند. البتّه در ایران گذشته نثر هیچ وقت نتوانسته جای شعر را بگیرد، ولی اکنون نثر گسترش پیدا کرده. در عین حال، ما شاهد تنزّل شعری هستیم. این مسئله، مسأله ظرفیّت روزگار است و اقتضای زمانه، به طوری که دورانی که ما الآن در آن هستیم، معطوف به ندای شعر نیست. ملّت‌ها و استعداد و زبان‌ها، دیگر از طریق شعرخودشان را ابراز نمی‌کنند.

زبان هنر و زبان تصویر به صورت سینما و تئاتر و امثال‌آن وارد میدان شده است و مقداری از بنیه‌ای که صرف شعر می‌شد، صرف این‌مسائل می‌گردد. به این جهت، شعر در دوران ما چندان خود را در جایگاه مناسبی نمی‌بیند. البتّه شعر هست، ولی مانند گذشته پاسخ‌دهنده به نیاز عاطفی خواننده نیست.

عکس‌ها سخن می‌گویند / ۱۵

عکس: رئوف محسنی/مهر

اجابت

خدایا! نمی‌دانم کجاهستی و به حرف کدامین بنده‌ات گوش می‌کنی. فقط می‌دانم جایی نیست که نباشی. می‌دانم که خواست هیچ بنده‌ای از تو پوشیده و پنهان نیست. گوش‌های تو تیزتر و شنواتر از آن است که سخنان من به آن نرسد. خدایا! دستانم را به رویم می‌گیرم تا غیر از تو، از آنچه می‌گویم، چیزی نشنوند و ندانند. خوش ندارم بدانند که غم و اندوهم چیست و حاجتم چه! هرچه باشند، مخلوقند و تو خالقی! در را پشت سر می‌بندم و به سمتی می‌ایستم که می‌گویند سوی توست. راه توست و قبله‌ات. ولی می‌دانم که تو در یک سوی نیستی. تو در همه سوی‌ها هستی! بگذار کمی راحت‌تر حرف بزنم. من دنبال یک راه هستم. راهی از من به سوی تو، از زمین به آسمان. در جستجوی یک راه باریک هستم که قلبم از آن عبور کند و به تو برسد. در جستجوی خطی هستم که مرا به تو پیوند زند، آنگونه که موج را به دریا پیوند می‌زند و صخره را به کوه و قطره را به اقیانوس. خدایا! من در طلب خط و خطوطی هستم که مرا به تو متصل کند و آن را حس کنم. حس کنم که تو هستی و خدای منی و می‌دانی آنچه را که دوست دارم و می‌خواهم. ای خدای بزرگ! من آنقدرها درک و سواد ندارم که حرف‌های عرفانی بزنم. فهم و درکم آنقدرها بالا نیست که بتوانم مثل بنده‌های مخصوصت حرف دلم را بزنم! تنها چیزی که من از تو می‌خواهم این است که با راهی و آهی و خطی و نقشی به آستان تو راه داشته باشم. این دعایم را اجابت کن!

آیینه

گزیده‌ای از خاطرات مرحوم عبدالله مستوفی (۱۳۲۹-۱۲۵۵ش)

از مجالس مذهبی به دموکراسی



بچه‌محل ما...

سابقاً در یکی دو مورد از عروسی میرزاحسین‌خان معتمدالملک، پسر یحیی‌خان مشیرالدوله، با قمرالسلطنه دختر مظفرالدین میرزا ولیعهد، به مناسبت اشاره‌ای کرده‌ام. این عروسی که در پاییز ۱۳۰۶ اتفاق افتاد، خیلی مفصل بود. پیرمردها می‌گفتند بعد از عروسی امیر دوست محمدخان، پسر دوست‌علی‌خان معیرالممالک، با عصمت‌الدوله دختر ناصرالدین‌شاه، عروسی به‌این تفصیل اتفاق نیفتاده است. می‌گفتند معیرالممالک میوه‌های باغ خود از قبیل آلبالو و گیلاس و گوجه را داده بود نقل گرفته و چون فیل خانه شاهی هم در اداره او بوده است عروس را با فیل به خانه داماد آورده بودند. اما عروسی معتمدالملک، ماه آبان و میوه قابل نقل گرفتن به درخت‌های باغ بهارستان (مجلس امروز) نبود ولی در عوض مدت یک هفته، تمام طبقات به این عروسی دعوت داشتند.

هر روز مشیرالدوله صبح به مجالس جوان‌ها که رفقای داماد بودند، می‌آمد و چند کیسه قران‌های نوی هم همراه خود می‌آورد و بین مهمان‌ها تقسیم می‌کرد تا برای قمار تفریحی که احیاناً در این مجالس اتفاق می‌افتد، مایه دست داشته باشند.

شب عروسی، خیابان دراندرون شاهی و خیابان ناصرخسرو و گوشه میدان سپه و خیابان برق امروز و بازارچه سرچشمه تا نزدیک هفت‌دختران که خانه مشیرالدوله و منزل داماد بود تمام راه‌ها را چراغان کرده و در بازارچه سرچشمه، به طاق‌های بازار چهلچراغ و به دیوارها جارهای دیوارکوب بلور هم نصب کرده بودند. آنچه موزیکالچی و نقاره‌چی در شهر بود، جلوی عروس افتاد و عروس را در کالسکه‌ای که هشت اسب آن را می‌کشید نشانده و چندین ده کالسکه دنبال این موکب بود و گاو و گوسفند زیادی جلوی عروس قربانی کردند.

در این شب یکی از داش‌های محله سنگلج (محله معیرالممالک) بر حسب تصادف به سرچشمه، محله مشیرالدوله، آمده بود. یکی از داش‌های سرچشمه به او رسیده، گفته بود: «داش! این بچه‌محله ما خوب داره پاشا تو کفش بچه محله خدابیامرز شما می‌کنه!» داش سنگلج جواب می‌گوید: «کیو میگی؟» و با اشاره به سمت خانه مشیرالدوله «این کچل پنطی؟ سگ کی باشه! هفت ... می‌چاد. بچه‌محله ما، خدابیامرز، فیلو به ... واداشت.» می‌دانیم که در اصطلاح داشی فیل قوه فوق‌العاده‌ای است که مثل افلاطون اصغر، هیچ قدرتی حریف آن نیست و با این منطق قوی، داش سرچشمه‌ای ناگزیر غلاف رفت.

یک مشت حرف حسابی

این بود وضع عزاداری و این بود اخلاق مردمانی که وجهۀ عمومی این عزاداری را اداره می‌کردند. آیا این مردم بی‌سواد و عامیان بحت بسیط که اسم خود را هم نمی‌توانستند بخوانند، این اخلاق نیک و این نکته‌سنجی‌ها و لطیفه‌گویی‌ها و حریت فکر و اراده را از کجا آموخته بودند؟

مسلماً پای همین منبرها و در همین اجتماعات، زیرا روضه بهانه و اصل مقصود انتشار تربیت و معلومات اسلامی در تودۀ مردم بود. گذشته از منبر واعظها که نصف بیشتر اوقات روضه را اشغال می‌کرد، همان روضه‌خوان‌ها و ذاکرین هم مطالبی برای مردم می‌گفتند که مایۀ پرورش افکار و اخلاق آنها بوده و «فَمَن یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَیْراً یَرَهُ وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرّاً یَرَهُ» (زلزال/۷) را در مغز آنها فرو می‌برند و توده را عملاً تربیت و از همه بالاتر ایمان را در قلب آنها جایگزین و محکم می‌کرد.

جمع شدن عارف و عامی و اعیان و اشراف و متوسط و فقیر در یک مجلس و زیر یک چادر و برای یک مقصود، باعث خبردار شدن طبقۀ توانا از حال ناتوان و بالنتیجه تراوش اعمال خیر از این طبقه و عمومیت دادن فرهنگ در طبقات پایین بود. در فاصلۀ دو روضه‌خوان که قلیان و چای به مردم می‌دادند، هرکس با همسایۀ خود در اطراف بیانات روضه‌خوان و واعظ مذاکراتی می‌کرد و اگر مشکلی داشت، از عالمتر از خود که در آن مجلس زیاد و اکثر نزدیک به او بودند، سؤالاتی کرده و مشکل خود را حل می‌کرد و حول و حوش هم از این سؤال و جواب استفاده خود را می‌کردند. به واسطۀ همین مجالس بود که معارف اسلامی در عارف و عامی مردمان این کشور، عمومیت داشت و همه بیش و کم سعی می‌کردند، خود را متخلق به اخلاق اسلامی کرده، در فرهنگ و اخلاق و مذهب عامی بحث بسیط نباشند.

در همین مجالس بود که روح دمکراسی اسلامی، مورد بروز و ظهور پیدا می‌کرد. فلان مرد کاسب که طمطراق و غاشیه و اسب و نوکر فلان اعیان محل را دیده بود، در این مجالس می‌دید که پسر همین اعیان که صاحب مجلس است، با کمال ادب و با تبسمی که دلیل رضایت او از این عمل است، فنجان چای را دست گرفته، دو زانوی ادب بر زمین می‌گذارد و به او تقدیم می‌دارد. همین عمل ساده حس تعالی و برادری و برابری و یکرنگی را در قلب طرفین جای گیر می‌کرد.

باز در همین مجالس بود که طبقات پایین‌تر با اعیان و اشراف، زانو به زانو، نشسته و از آنها ادب اجتماعی را که در هر جامعه در طبقات بالاتر زیادتر است، می‌آموختند. خیلی از مردم بودند که تا سن‌های جلوتر، جزء طبقات پایین‌تر بوده و درسی هم نخوانده بودند و با وجود این به مقامات عالیه می‌رسیدند. اینها ادب اجتماعی ناگزیر شغل خود را از کجا آموخته بودند؟ مسلماً از همین مجالس، والا بر فرض دارا بودن هوش کافی، همان آداب‌ندانی آنها سبب می‌شد که در بدو امر داغ باطله خورده و از چهارچوب طبقۀ خود نتوانند بیرون بیایند.

این بود که در جامعه، مردمان خوب باایمان، باادب در همه صنف و همه طبقه زیاد بودند و شخص به مزدورهای کاری و پیشه‌ورهای محکم‌کار و کاسب‌های باانصاف و تجار با دیانت و نوکرهای دلسوز و فقرای صبور شکور، از یک طرف و از طرف دیگر به مالداران باسخاوت و صاحب‌کارهای بافتوت و کارفرمایان بامروت و آقایان باگذشت و رحم و شفقت در جامعه زیاد برمی‌خورد. همه با هم مهربان بودند، همه ادب اجتماعی داشتند و همه با ایمان بار آمده بودند، در صورتی که دولت وظیفه‌دار تربیت جامعه است ابداً کاری در این مشروع انجام نمی‌داد و دیناری در راه فرهنگ و آموزش جامعه خرج نمی‌کرد.

مردم، خود آموزگار یکدیگر و خود حافظ اساس مسلمانی بودند. زیرا اصل‌های مسلم دیانت و ایمان، از قبیل راستی و درستی و اتفاق عمل و حفظ‌الغیب برادر دینی و پاک‌چشمی و گذشت و حقگویی و کمک به درماندگان را هرکس آموخته و زیرچاق داشت و هرجا مخالفتی می‌دید، نصیحت کردن مرتکب را جزء لوازم دین خود می‌دانست و همین اخلاق، حریت فکر و عمل را در تمام طبقات ایجاد می‌کرد. اگر کسی می‌خواست به آدم بی‌زبان ناتوانی تعدی کند، سایرین مانع او می‌شدند. پس، باز از حیث اخلاق هم خود، خود را اداره می‌کردند و تا این مجالس رویۀ خود را از دست نداده بود، در به همین پاشنه می‌گشت.

> **عامیان که اسم خود را هم نمی‌توانستند بخوانند، این اخلاق نیک و لطیفه‌گویی‌ها و حریت فکر را از کجا آموخته بودند؟**

ولی چنان‌که در سابق هم اشاره شد، از وقتی که طبقۀ توانا مجالس عزاداری را وسیلۀ تظاهر و نمایش تجمل قرار داده و مستمعین هم برای وقت‌گذرانی به این مجالس رفتند و روضه‌خوان‌ها هم جنبه‌های اخلاقی منبرهای خود را ترک گفته، بیشتر به ظاهرسازی پرداختند، روح و معنی هم جای خود را به لفاظی سپرد و روضه‌های طرز ملاآقای دربندی رواج گرفت و خواب و خیال جزء حقایق گشت. روضه‌خوان‌ها به نقل اخبار ضعیف پرداخته، سهل است، در همان روایات هم تعبیرات زادۀ فکر خود را مداخله دادند و به عنوان «زبان حال» دروغ‌های ناروا به خانوادۀ پیغمبر بستند و برای سکه کردن منبر خود و درآوردن جیغ زنها، تا توانستند رطب و یابس به هم بافتند. این وضع از اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه شروع و روز به روز قوت گرفته، در زمان مظفرالدین شاه به اوج کمال رسید و ایمان را در مردم سست کرد. پاره‌ای از متدین‌ها که این رویه را مخالف روح عزاداری دانستند، بنای نقادی را گذاشتند. نقادی این دسته برای اصلاح بود ولی جمعی که تا این وقت جرئت ژکیدن بر ضد روضه‌خوانی نداشتند، از این نقادی به جرئت آمده، درصدد متزلزل کردن اساس آن برآمدند. در این ضمن‌ها مشروطه هم وارد معرکه شد.

یک قسمت از پیشرفت مشروطه در ایران مرهون زحمات روحانیون و علما بود. بعد از کودتای محمدعلی شاه هم اگر زحمات و فداکاری این طبقه در کار نمی‌آمد، استبداد صغیر به آن سهولت به مشروطۀ کبیر برنمی‌گشت. ولی مشروطه‌چی‌ها، بعد از عزل محمدعلی‌شاه، چون خرشان از پل گذشته بود، نمی‌خواستند زیر بار روحانیون بروند. دشمنی انسان به چیزی که از آن اطلاع ندارد امری طبیعی است. آقایان هم که از معارف اسلامی بی‌خبر بودند، دشمنی روحانیون را با هرچه با دیانت سروکار داشت وجهۀ همت خود قرار داده و تا توانستند، مردم را به بی‌دیانتی سوق کردند. اکثریت مردم که همیشه تابع رؤسا هستند، همین که وضع را این طور دیدند، بعضی ظاهراً و برخی ظاهر و باطن، باد به بوق بی‌دیانتی کردند. کار به جایی رسید که یکی از حزب‌های سیاسی آن دوره، به تقلید انقلابیون عهد انقلاب کبیر فرانسه، جدایی مذهب را از سیاست جزء مرام خود کرد. در صورتی که بین پاپ که با داشتن حکومت جسمانی در رم نشسته و به وسیلۀ مذهب در سیاست داخلی و خارجی فرانسه مداخله می‌کرد، با روحانیین مذهب شیعه فرق بسیار است. بلی! اگر مذهب اهالی ایران تسنن و اعتقاد به خلیفه جزء مذهب بود، این تجزیه خیلی پسندیده بود. زیرا سیاست دولت را از مداخلۀ خلفه که در استانبول نشسته و هر تجزیه‌ای را منافی استقلال خود می‌دانست، محفوظ می‌داشت. ولی مذهب شیعه که بعد از واقعۀ سقیفۀ بنی‌ساعده، خود را از تسنن جدا کرده و به خلفای صدر اسلام و بانیان این جدایی نفرین می‌کند و تبرای از آنها جزء مذهب اوست، چه حاجتی به تجزیۀ مذهب از سیاست دارد؟ بهانۀ ایجاد این رویه هم، همان آزادی مذهب و اصل مسلم دموکراسی بود که آقایان مشروطه‌چی‌ها بین آزادی اختیار مذهب، با لاقیدی در عملیات مذهب اختیار شده، نمی‌خواستند فرق بگذارند. حتی در این اواخر نهی از معروف و امر به منکر را در تحت اسم آزادی مذهب، به خود اجازه می‌دادند. مردمان متنسک نزد آنها منفور و هرکس بیشتر اظهار بی‌دینی می‌کرد، نزد آنها محبوب‌تر بود و هرکس را که به لوازم مذهب قیام می‌کرد، فاناتیک می‌خواندند.

آقای علی اکبر دهخدا می‌گوید: در بدو مشروطیت روزی با سیدی اردبیلی (بنده از تصریح به اسم او خودداری می‌کنم) که از وجوه مشروطه‌چی‌ها بود، نزد استاد حسین خیاط که در بازار کنار خندق نزدیک سه‌راه مسجد شاه دکان داشت و او هم از مشروطه‌چی‌ها بود، رفتم. سید و استاد خیاط یاوه‌گویی به دین و مذهب را شروع کرده، آنچه از کفر و الحاد در انبان فکر خود داشتند، بیرون ریختند. پس از ساعتی برخاستیم، نزدیک مسجدی رسیدیم. سید به من گفت: «دو دقیقه تأمل کنید تا من بیایم.» من ایستادم، دو دقیقه، ده و پانزده و بیست دقیقه شد، از سید اثری ظاهر نگردید. به خیال این که مبادا حادثه‌ای برای او رخ داده باشد داخل مسجد شدم. ابتدا به جاهایی که احتمال می‌دادم، رفتم نیافتمش، ناگزیر به جایی که هیچ احتمال نمی‌دادم، یعنی در داخلۀ مسجد هم سری زدم. دیدم سید در حال رکوع است. ذکر رکوع را به قدری تکرار کرد که هیچ پیش‌نمازی ولو در رکعت اول نماز، آن‌قدر طول و تفصیل نمی‌داد. من همین که وضع را این طور دیدم، خود را پشت ستون پنهان کردم. آقا سجود رفت و آن‌قدر سجود را به درازا کشید که من تاب نیاورده یکسره به منزل آمدم. سید سه ربع بعد از من به منزل رسید، از او سبب تأخیر را سؤال کردم. در جواب من واقعه‌ای را اختراع کرده و من تا زنده بود، چیزی به روی او نیاوردم. در آن دوره از این قماش مسلمان‌های واقعی ترس و زیاد بودند که عملیات مذهبی خود را از سایرین پنهان کرده و از ترس مشروطه‌چی‌ها در مجالس و محافل، خود را به بی‌دین جلوه می‌دادند.

این ترویج بی‌دینی به مدارس هم رسید. دیگر کسی کاری به نماز خواندن بچه‌ها نداشت. حتی درس شرعیات را بچه‌ها یاد نمی‌گرفتند و آخوندی که متصدی این قسمت از آموزگاری بود، بیهوده عمر خود و بچه‌ها را تلف می‌کرد. زیرا رؤسای مدرسه بازپرسی از این قسمت نکرده، آخوند بدبخت هم نمره‌های دیمی به بچه‌ها می‌داد. این بچه‌ها که مردان امروزه هستند، همه شاهد صدق این گفته می‌باشند که هزار یک آنها از تعلیمات شرعی ناقص مدرسه‌ای که جزء درس رسمی آنها بوده است، چیزی نمی‌دانند تا چه رسد که به تکمیل آن پرداخته باشند.

این رویۀ مشروطه‌چی‌ها که با مشروطه طبعاً روی کار آمده بودند، مردم را به دو قسمت کرد و متدینین واقعی را از مشروطه و تجددگریزان نمود. متدینین، مشروطه‌چی‌ها را هر قدر هم در خفا نماز با خضوع می‌خواندند، بی‌دین، و مشروطه‌چی‌ها متدینین را میکروب می‌خواندند. حالا چقدر ضدیت بین این دو طبقه، به پیشرفت‌های سیاسی این کشور خسارت وارد آورد، بماند.

بزرگترین کاری که صورت داد، ایمان واقعی را از مردم سلب کرده، مردم عوام هم که خود را جزء دستۀ متدین می‌دانستند، روح ایمان را به واسطۀ نداشتن مجالس و محافل مذهبی که در دورۀ مشروطه، خیلی کم و در بیست سال دیکتاتوری بالمرّه موقوف شد، از دست داده و همه مادی صرف شده‌اند و هیچ یک ادب اجتماعی ندارند.

امروز از کشیدن آب حوض تا ساختن بناهای عظیم و از خرید پنج سیر سبزی از دوره‌گرد تا معاملات بزرگ صد و دویست هزار تومانی و از تعمیر لولۀ آفتابۀ آهنی تا زرگری و جواهرسازی و از عملگی روزمزدی تا ریاست وزرا هیچ کاری را با مزدمایه نمی‌توان انجام داد. هیچ کاری پیدا نمی‌شود که بدون دسیسه و تقلب سرهم‌بندی تمام شود. یک نوکر دلسوز، یک آقای باگذشت، یک مستخدم وظیفه‌دان، یک دولت حق‌شناس، یک کارگر قائم‌کار، یک کارفرمای ایرادنگیر، یک کاسب باانصاف، یک تاجر بادیانت و یک مصرف‌کنندۀ بامروت در هیچ جای این کشور یافت نمی‌شود. همه به فکر ربودن کلاه یکدیگرند، این وضع جز بی‌ایمانی مردم که هیچ‌کس در بند مشروع بودن وسیله نبوده و به هر طریقی، ولو از راه سرقت و اختلاس ماده تحصیل شود، آن را مباح و مال خود می‌داند، سبب دیگری ندارد.

مقصود من از این ایمان اعتقاد به دیانت اسلام و مذهب حق جعفری نیست بلکه مقصودم ایمانی است که پلیس باطن در مردم ایجاد کند تا شخص در حال تنهایی در صندوقخانۀ زیرزمین خانۀ خود هم آن پلیس را حاضر و ناظر ببیند و از هر کار مخالف عفت و اخلاق و منافی بزرگواری و جوانمردی دوری جسته و به نیکوکاری و نیک‌رفتاری و راستی و درستی رغبت کند و به قول ویکتور هوگو در قبر هم چشم به قابیل نظر داشته باشد.

> **همه با هم مهربان بودند، همه ادب اجتماعی داشتند و با ایمان بار آمده بودند، در صورتی که دولت و دیناری در راه فرهنگ خرج نمی‌کرد**

این جور ایمان ولو به شیطان باشد، برای هر جامعه‌ای ناگزیر است. مشروطه‌چی‌های ما با اینکه می‌توانستند مجالس روضه را اصلاح کرده به نفع جامعه آن را دایر نگاه دارند، از راه جهالت ریشۀ آن را کندند و مردم را بی‌دین و ایمان و مادی صرف کردند و کار را به آنجا رساندند که عارف و عامی همه گرفتار بی‌ایمانی شده‌اند. واتقوا فتنة لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصة. (انفال/۲۵)

دیکتاتور بعد از پانزده شانزده سال کجروی، وقتی که به وسیلۀ مجالس پرورش افکار خود خواست ایمانی در مردم ایجاد کند، خدا و شاه و میهن را برای این کار موضوع قرار داد. ولی در اینجا هم به وسیلۀ سخنرانان و کارکنان پرورش افکار، شاه را بر خدا مقدم داشت این هم البته چیزی نبود که مردم زیر بار آن بروند. رئیس انجمن پرورش افکار، عبث عربی دیمی به هم می‌بافت و کودتای ۳ حوت را از عبادت ثقلین بزرگتر وانمود می‌کرد، مردم به خدایی که از شاه قلدر عقب‌تر باشد معتقد نشده، به این بیانات ولو از دهن نمازخوان متنسکی هم بود می‌خندیدند.

ضرر را از هرجا جلوگیری کنی سراسر نفع است. سی‌وپنج سال این رویۀ کج را تعقیب کردیم روزبه‌روز به وضع بدتری دچار شدیم. اگر هوس است بس است، حالا بعد از این تجربۀ تلخ بیاییم برای این مردم ایمان و عقیده‌ای دست و پا کنیم ولی از چه راه؟ خواهش می‌کنم مدارس و تعلیمات اجباری و کلاس اکابر را به رخ زرد من نکشید زیرا آنچه در شش سالۀ متوسط و حتی سه سالۀ لیسانس و دو سالۀ دکترا در مدارس ما گفته و خوانده شود، به قدر حرفهای یک دهۀ روضۀ اواخر عهد مظفرالدین شاه هم حاوی مطالب ایمانی و اخلاقی نیست سبب آن هم معلوم است. امروز در مدارس، آن‌قدر سمن هست که کسی به فکر یاسمن نمی‌تواند باشد. برنامه مادیات به قدری زیاد است که وقتی برای گفتن و شنیدن معنویات باقی نیست. گذشته از این، تمام افراد کشور را نمی‌توان دکتر و لیسانسه و باشلیه بار آورد که از راه دانش از بدی بپرهیزند و به خوبی گرایند. برای توده هم راهی باید فکر کرد. برای توده باید مجالس پرورش افکار وطنی یعنی همان روضه‌خوانی را منتها با اصلاحاتی به راه انداخت. تودۀ ایرانی به خاندان رسالت اخلاص دارد و از این راه بهتر می‌توان ایمان را که هنوز بارقۀ آن در سویدای دل او مخفی است، تحریک نموده و از آنها مردمانی با ایمان و عقیده ساخت، حتی معتقدم که اگر ایجاد ایمان در مردم، مستلزم سینه‌زنی و روضه‌خوانی و دسته و شبیه‌گردانی اواخر عهده مظفرالدین شاه و راه انداختن تعزیه‌خوانی زمان ناصرالدین شاه هم باشد، بکنیم و پای علامت، سینه هم بزنیم، سهل است، اگر این کار به رقاص‌بازی سنگ‌زن‌های کاشان هم حاجت پیدا کرد، مچ آنها را هم با همان لهجۀ کذایی بنازیم.

من از این هم بالاتر می‌روم، اگر تازه کردن ایمان توده به تیغ‌زنی شاخسینی‌ها هم محتاج شد، جهنم! قحطش که نیست! از عمواغلی‌های ارونق و انزاب و ممقان و اسکو و سراب و اردبیل و خلخال وارد می‌کنیم. زیرا وضع امروزه، زندگی نیست بلکه جان کندن است و هرچه زودتر باید به اصلاح آن پرداخت. اگر راهی نزدیکتر از این به مقصود دارید، بسم‌الله پیشنهاد کنید تا همگی دنبال آن برویم. من بعد از شصت هفتاد سال تنسک مسلمانی، به‌قدر سهم خود شرط می‌کنم، اگر ایمان به شیطان را هم بپسندید، بی‌چون و چرا دنبال فراهم کردن لوازم آن (البته برای توده نه برای خود) بروم. ولی از جوانها هم توقع دارم اگر پیشنهاد مرا پسندیدند، بی‌غرغر و نق‌نق کمر همت به تدارک لوازم آن ببندند تا آنچه یک دسته می‌ریسد دستۀ دیگر پنبه نکند.

وضع تازه

از شب اول ربیع‌الاول اوضاع بالمرّه عوض می‌شد، لباسهای سیاه را می‌کندند و الوان‌ترین لباسی که با سن و مقام هر کسی برازندگی داشت به تن می‌کردند، ریشهایی که در این دو ماهه به واسطۀ عزاداری از رنگ محرم و بالطبیعه دو سه رنگ شده بود، یکرنگ و پرطاوسی می‌شد، زنها سرانگشتها و مردها ناخنهای خود را با حنا رنگ، و خانمهای شیک حنای نگاری به پاها بسته، با نقش و نگار، کف پاهای خود را زینت می‌نمودند.

از اول ماه، در سر هر گذر و معبر دکانهای خاصی برای فروش اسباب آتش‌بازی از قبیل باروت و ترقه و فشفشه و موشک (تیرتخش) و قلم زرچه و کاسۀ آفتاب مهتاب و خمپارۀ کاغذی که گلهای زرد و سرخ و بنفش در هوا منتشر می‌کرد و کوزه‌های گل‌افشان دایر می‌گردید. در خانه‌ها برای شب نهم مشغول تدارک می‌شدند و از چوب و کاغذ و کدو یا کوزه هیکلی ترتیب می‌دادند. با چوب استخوان‌بندی، و از کاغذ لباس و از کدو و یا کوزه، کله برای هیکل ساخته با ترقه تمام جلوی لباس آن را تزئین می‌کردند. این خمیرۀ کاغذ و مقوا دماغ و دهن و چشم و ابرو برروی کدو نمودار کرده و با پنبه یا پشم سفید، ریش برای هیکل ترتیب می‌دادند و بر سر آن عمامه از پارچه‌ای که در آن کاه چپانده بودند، می‌گذاشتند. همین که از ساختن هیکل فراغت حاصل می‌گشت، انواع آتش‌بازی تهیه دیده و با این تدارک منتظر رسیدن شب نهم ماه می‌شدند.

متصدی ساختن هیکل، پسربچه‌های رسیدۀ خانه بودند که با کمک نوکر این کارها را انجام می‌دادند. بعضی‌ها که خیلی اعیان‌منش بودند، به قورخانۀ دولتی سفارش می‌دادند و هیکل ساخته و پرداخته، با آتش‌بازی لازم، می‌آوردند. موقع این هیکل‌سوزانی البته شب نهم و دهم و یازدهم ماه بود ولی اگر کسی دیرتر دست به کار تدارک شده بود، تأخیر تا شب هفدهم هم مانعی نداشت. شبی که برای هیکل‌سوزی تعیین می‌شد، اعضای خانواده و قوم و خویش‌ها و دوستان و آشنایان خانه جمع می‌شدند، شیرینی و بخصوص آجیلی که خوردن آن مستلزم شکستن و سروصدا راه انداختن باشد، فراوان و به همه حضار می‌دادند. بعضی از مؤمنات نذری آجیل داشتند که در این ایام، نذر خود را ادا می‌کردند. اگر از حضار کسی اهل ساز بود، بی‌ریا و بی‌خجالت با کارابزار خود مشغول سرگرم کردن حضار می‌شد. بر فرض اینکه همه سیاه‌دست بودند کسی که دایره و تنبکی بزند و تصنیفی بخواند، مسلماً در بین حضار یافت شده و به همان قناعت می‌کردند. اگر خانه خیلی اعیانی بود، دستۀ مطربی هم، برای سرگرم کردن حاضرین قبلاً خبر کرده بودند. در موقع هیکل‌سوزی همه برای تماشا جمع می‌شدند و نیم‌دایره‌ای در جلوی هیکل و بند و بساطش تشکیل می‌دادند. کسانی که می‌خواستند در این جشن خیلی کلاسیک باشند، قبل از آتش‌زدن هیکل با نظم یا نثر چیزهایی از مطاعن صاحب هیکل می‌گفتند. در این گفته‌ها جنبۀ فکاهی و خنده‌آور بیشتر رعایت شده و مضمون‌های بدیع که موجب خندۀ دسته‌جمعی می‌شد، زیاد ایراد می‌کردند. بالاخره هیکل را آتش می‌زدند و دنبالۀ هیکل‌سوزی که با ترق و تورق زیاد صورت می‌گرفت، موشکها به هوا رفته خمپاره‌های کاغذی ستاره‌های سرخ و زرد و آبی و بنفش خود را در فضا ظاهر می‌ساخت و ده بیست دقیقه تا نیم‌ساعتی حضار را مشغول می‌داشت. بعد مجدداً به اتاق رفته دنبالۀ نوازندگی و بذله‌گویی و خنده را می‌گرفتند. اگر خانه اعیانی بود به حضار شام هم می‌دادند. خلاصه ترق و تورق و این آتش‌بازی بیش و کم در خانه‌های شهر برپا ولی شب نهم و دهم و یازدهم تقریباً در تمام خانه‌های شهر این بساط پهن و صدای ساز و آواز و هره خنده در تمام خانه‌ها بلند بود. در شب نهم زنها همه خود را تزئین کرده، اکثر لباس سرخ و زرد می‌پوشیدند. حتی پیرزنها هم برای درک ثواب، سرخ و سیاه و سفیدی به صورت چین‌خورده خود می‌افزودند.

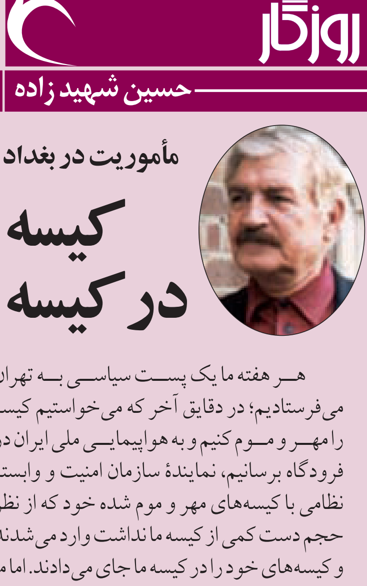
خانۀ ما هم این عید را می‌گرفتند. هیکل‌سازی به کمک مصطفی قلی‌خان دایی و یکی از نوکرها انجام می‌شد و در شب هیکل‌سوزی، تمام تشریفات به عمل می‌آمد. پدرم با اینکه از هر کار غیرجدی گریزان بود، در این کار مخالفتی نمی‌کرد و به سکوت ورگذار می‌نمود. نوکرها هم در بیرونی، به طرز خود عید می‌گرفتند، به کربلایی باقر، قهوه‌چی پدرم، مرد شصت هفتاد ساله که کوزۀ پر از آب را بر پیشانی گذاشته و در این شب می‌رقصید، سابقاً اشاره کرده‌ام. در مدرسه‌های آخوندی شهر هم، طلاب عید می‌گرفتند. منتها آنها دیگر دایره و تنبک نداشتند و اهل ذوق آنها با ایراد مضحکه‌های علمی، رفقا را می‌خنداندند.

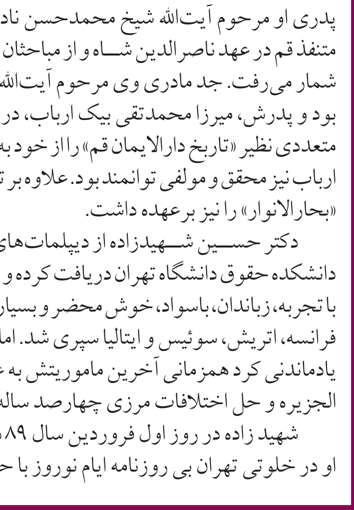
روزگار

حسین شهید زاده ـ ۴

مأموریت در بغداد

کیسه در کیسه





دکتر حسین شهیدزاده

«در سر پل ذهاب چند عدد کبک را که مدیرکل سیاسی وزارت خارجه عراق در سال‌های پیش به من هدیه کرده بود و در این سفر با خود آورده بودم، در دامن طبیعت آزاد کردم و آن را به حساب غنیمتی گذاشتم که از سرزمین عراق آورده بودم...»

دکتر حسین شهیدزاده روز عاشورای سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر مقدس قم متولد شد. جد پدری او مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسن نادی معروف به «چهار مردانی» بود که از روحانیون متنفذ قم در عهد ناصرالدین شاه و از مباحثان و هم‌درسی‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی به شمار می‌رفت. جد مادری وی مرحوم آیت‌الله العظمی حاج میرزا محمد قمی معروف به ارباب بود و پدرش، میرزا محمدتقی بیک ارباب، در زمره نویسندگان و ادیبان عهد ناصری بود که‌آثار متعددی نظیر «تاریخ دارالایمان قم» را از خود به یادگار گذاشت. مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب نیز محقق و مولفی توانمند بود. علاوه بر تالیف آثاری مانند «اربعین حسینیه»، تصحیح کتاب «بحارالانوار» را نیز برعهده داشت.

دکتر حسین شهیدزاده از دیپلمات‌های زبده نسل پیشین ایران بود. او لیسانس خود را از دانشکده حقوق دانشگاه تهران دریافت کرده و از دانشگاه پاریس دکترای حقوق گرفته بود. مردی با تجربه، زباندان، باسواد، خوش محضر و بسیار برازنده. زندگی حرفه‌ای‌اش در ماموریت‌هایی در فرانسه، اتریش، سوئیس و ایتالیا سپری شد. اما آنچه او را خارج از دایره دوستان و همکارانش به یادماندنی کرد همزمانی آخرین ماموریتش به عنوان سفیر ایران در عراق بود که با امضای قرارداد الجزیره و حل اختلافات مرزی چهارصد ساله ایران و عراق همزمان شد.

شهید زاده در روز اول فروردین سال ۸۹ در ۸۵ سالگی در تهران درگذشت و مراسم یادبود او در خلوتی تهران بی روزنامه ایام نوروز با حضور خویشان و دوستانش برگزار شد.

هر هفته ما یک پست سیاسی به تهران می‌فرستادیم؛ در دقایق آخر که می‌خواستیم کیسه را مهر و موم کنیم و به هواپیمایی ملی ایران در فرودگاه برسانیم، نمایندۀ سازمان امنیت و وابسته نظامی با کیسه‌های مهر و موم شده خود که از نظر حجم دست کمی از کیسه ما نداشت وارد می‌شدند و کیسه‌های خود را در کیسه ما جای می‌دادند. اما ما نمی‌دانستیم در آن کیسه‌ها چیست و از چه مطالبی این قدر کاغذ و نوشته تهیه شده است. البته بعدها، یعنی موقعی که این کیسه‌ها به تهران می‌رسید و بازتابش به بغداد برمی‌گشت، ما می‌فهمیدیم چه مطالب نغزی در آنها عنوان شده؛ مطالبی که گاهی اوقات دهان آدم با خواندن آنها از حیرت باز می‌ماند و گاهی از هر داستان خنده‌آوری فکاهی‌تر بود. و از همه بدتر آنکه شرح و تفصیل و یا انکار و تکذیب آن اظهارات به گردن سفارت می‌افتاد.

گفتنی و شنیدنی در این باره به قدری زیاد است که به راستی می‌توان کتابی به ضخامت و جذابیت زینت‌المجالس دربارۀ آنها نگاشت و به دست خلق خدا داد تا بخوانند و عبرت بگیرند. برای اینکه معیاری از کیفیت کار و بینش سیاسی همکاران اطلاعاتی خود به دست خوانندۀ این یادداشتها بدهم، یادآور می‌شوم که یک بار از وزارت خارجه گزارش محرمانه‌ای برای ما رسید که در آن نوشته بودند: از قرار اطلاع رسیده از منبعی موثق، فلان شخصیت مهم عراقی چند روز پیش به دست مخالفان به قتل رسیده و جسد او چند روز است در پشت دیوارهای فلان پادگان افتاده و کسی به آن نزدیک نمی‌شود. جریان را تحقیق و گزارش فرمایید. امضای مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه.

> **به راستی می‌توان کتابی به ضخامت و جذابیت زینت‌المجالس دربارۀ آنها نگاشت و به دست خلق خدا داد تا بخوانند و عبرت بگیرند**

حالا بیاییم این گزارش را بررسی کنیم و ببینیم چند جنبۀ فکاهی در آن وجود دارد. اولاً از فحوای کلام خوب معلوم است که این منبع موثق همان مأمور سازمان اطلاعات و امنیت خودمان در بغداد بوده که گزارشش را در کیسه و کیسه‌اش را در کیسۀ ما چپانیده، یعنی در واقع خود ما این خبر را به تهران فرستاده بودیم. در تهران کیسه را باز کرده و گزارش را خوانده بودند و به عرض مقامات بالا و احیاناً به شرف عرض ملوکانه رسانیده و دستور گرفته بودند که در این باره تحقیق بیشتر بشود. این کارها خودش لااقل هفت هشت روزی به طول انجامیده بود تا اینکه نامۀ صادره به وزارت امور خارجه واصل شده بود (البته فرض بر این است که در تمام این مدت جسد در پشت پادگان فلان باقی بوده و هیچ یک از مقامات عراقی و سفارتخانه‌های مقیم بغداد یا خبرگزاریهای معتبر از وجود آن اطلاع پیدا نکرده بودند). پس از رسیدن نامه به وزارت خارجه و ثبت در دفتر محرمانه و ارجاع به ادارۀ مربوطه و ملاحظۀ مقامات بالا، دستور به ادارۀ سیاسی مربوطه داده شده بود که بنا به خواستۀ ساواک نامه‌ای به بغداد نوشته شود تا دربارۀ صحت و سقم این خبر تحقیق نمایند. نوشتن پیش‌نویس و پاراف رئیس اداره و ارسال به ادارۀ ماشین‌نویسی و باز هم پاراف و بازگشت به اداره و سپس ارسال برای مدیر کل سیاسی و رفتن به دفتر وزارتی برای فرستادن به بغداد هم هیچ نباشد هفت هشت روزی وقت گرفته بود تا اینکه نوبت به ارسال کوریۀ سیاسی به بغداد رسیده و آن هم پس از لااقل دو سه روز به دست ما رسیده بود. حالا ما می‌بایست تحقیق کنیم که قضیه حقیقت داشته یا نه و اینکه سرانجام چه بر سر جسد آمده است. بهترین مامور تحقیق ما در این باره همان همکار امنیتی، یعنی همان کسی بود که گزارش به تهران فرستاده بود. پیش از آنکه به سر وقت او برویم، بد نیست کمی به عقب برگردیم و به سراغ آن همکار وزارت خارجه که نامه را با طمطراق امضا کرده و به بغداد فرستاده بود برویم و از او بپرسیم: برادر! روزی که می‌خواستی نامه را امضا کنی، پیش خود نگفتی اگر چنین مطلبی حقیقت داشت، از همان ساعت اول مثل توپ در دنیا می‌ترکید و کوس خبرش را بر سر بازارها زده بودند؟ فکر نکردی با امضای این نامه مدرک بی‌توجهی و بی‌علاقگی سمبل کاری خود را امضا کرده‌ای؟ بهتر نبود نامه را همان‌جا پاره می‌کردی و در سطل آشغال می‌ریختی و یا اگر جرات این کار را نداشتی لااقل به همان سازمان امنیت جواب می‌دادی که این خبر نیازی به تحقیق ندارد و اگر صحت داشت من و شما زودتر از رسیدن نامه از بغداد از آن باخبر می‌شدیم؟ اما چه کسی دربند این حرفها بود؟ منطقی که بر همه جا حکمفرما بود این بود که «به ما چه، خودشان می‌دانند.» که نمی‌دانم این خودشان چه کسانی بوده‌اند و هستند! آیا غیر از ما کس دیگری در میان هست؟ چند روز بعد که به تهران رفتم، سراغ همین جناب مدیرکل که از دوستان خودم بود رفتم و فکاهی بودن مطلب را با او در میان گذاشتم. می‌دانید جواب مرا چه داد؟ گفت: «حقیقتش این است که من نامه را نخوانده امضا کردم.» برگردیم بر سر مطلب، همکار امنیتی سفارت را خواستم و بدون اینکه دربارۀ اصل موضوع، یعنی فرستادن گزارش به وسیله خود او به تهران تردیدی به خود راه دهم، از او پرسیدم. این خبر را از کجا کسب کرده است. با کمال سادگی پاسخ داد خبری بود، اما بعداً معلوم شد دورغ بوده است. از او پرسیدم: «آیا دروغ بودن آن را هم به تهران اطلاع دادی؟» پاسخی داد که بیش از همۀ حرفها جالب بود و آن این بود که گفت: «هنوز فرصت نکرده‌ام. انشاالله با پست آینده اقدام خواهم کرد.»

فرصت را مناسب دانستم و از او پرسیدم: «بالاخره تکلیف جسد چه شد؟» نظایر این حکایت‌ها زیاد بود و به گفتۀ نویسندۀ کلیله و دمنه این مثل بدان آوردم تا خوانندۀ احتمالی این یادداشتها بداند کیفیت کار و همکار در سفارت بغداد از چه قرار بود.

هزاران سال انسان

گفتگو با دکتر اسلامی ندوشن

بعداز حافظ/۱

بقیه از صفحه اول

اسلامی ندوشن

*** این حرف شما آیا در مورد جامی هم صادق است؟**

جامی شاعر مهمّی است، ولی بیشتر حرف‌های مولوی و نظامی و دیگران را تکرار می‌کند.

*** ما بعد از آن شاهد رو آمدن سبک هندی هستیم.**

سبک هندی کوشش دارد که تغییری در مسیر شعری ایران ایجاد کند و تازگی‌هایی به وجود بیاورد. چون شاعران آن عهد می‌دیدند که مردم از مکرّرگویی خسته شده‌اند. آزمایش‌هایی در زمینه شعر می‌کنند و جریان قدری عوض می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که چندان مورد قبول طبع ایرانی قرار نمی‌گیرد. کششی که لازمه شعر است تا بتواند ذهن ایرانی را به طرف خود بکشد، در سبک هندی نبوده است.

*** مشکل سبک هندی چه بود؟**

پیچیدگی خاصّی که در آن است. این سبک هندی یا اصفهانی قدری از پیچیدگی اندیشه هندی در خود دارد، و به همین جهت آن را به این اسم نامیده‌اند. این سبک به مزاج فارسی‌دان‌های هند بیشتر سازگار آمد و نیز بیشتر در افغانستان‌پسند افتاد. آنها بیشتر از ایرانی‌ها به آن رغبت دارند. در هر حال این سبک در ایران بیشتر به صورت تفنّن نگریسته شده است. البتّه در سبک هندی تک‌بیت‌های خوب و ظریفی دیده می‌شود، ولی در مجموع عناصر لازم برای قبول خاطر ایرانی را در خود نداشته است.

*** اگر ما از بیرون از ایران نگاه کنیم، ترکیب شعر فارسی تا حافظ و بعد از حافظ قدری معمّاگونه به نظر می‌رسد. ادبیّات فارسی از اوجی به نام فردوسی شروع می‌شود، به مولانا منتقل می‌شود و بعد به سعدی و حافظ می‌رسد. همه این چهار شاعر قلّه‌اند و هیچکدام کم از دیگری ندارد. یک جریان پربنیه و نیرومند تکرار می‌شود و رو به صعود می‌گذارد و در حافظ به زیبایی ممکن می‌رسد، هرچند که بگوییم مضمون نو نیست. بعد یک دفعه داستان شعر افت می‌کند. از نگاه بیرونی این کار شبیه معمّاست و حتماً باید دلیلی در کار باشد.**

درجه زایندگی زمان این اتّفاق را پیش می‌آورد.

*** آیا یک دفعه؟**

بله. هر چه می‌بایست گفته شود، در آن چند تن گفته می‌شود و آنگاه نوعی احساس خستگی در استعدادهای ایرانی دیده می‌شود و مکرّرگویی پیش می‌آید. البتّه این جریان در کشورهای دیگر هم نمود دارد. شعر در سراسر دنیا رو به تنزل نهاده.

*** مقصودتان از این حرف چیست؟**

ببینید! شعر دوران خودش را دارد. باید با دوران خودش سازگار باشد. هرچه‌زمان جلو می‌آید، از بُرد شعر کاسته می‌شود و به بُردهای دیگر اضافه می‌گردد. در اروپا، قرن هفدهم و هجدهم اوج شعرهای کلاسیک است. در فرانسه کرنی، راسین و مولیر هستند، در آلمان گوته و در روسیّه پوشکین... ولی هرچه زمان جلو می‌آید، شیب دیده می‌شود، نظیر شیبی که در ایران بعد از حافظ وجود دارد.

دنیای جدید اقتضاهای دیگری دارد. شعر در واقع، حضور خودش را کم می‌کند و بر حضور آثار دیگر و هنرهای دیگر می‌افزاید. کم‌کم نثر جای شعر می‌گیرد. به طوری که قرن نوزدهم اروپا، قرن نثر است و آثار بزرگ در این زمینه به وجود می‌آید و این روند در قرن بیستم هم ادامه پیدا می‌کند. مقصودم این است که این حالت فرود آمدن و شیب گرفتن که در شعر فارسی هست، در جاهای دیگر هم به چشم می‌خورد.

شعر به طرف نثر حرکت می‌کند. البتّه در ایران گذشته نثر هیچ وقت نتوانسته جای شعر را بگیرد، ولی اکنون نثر گسترش پیدا کرده. در عین حال، ما شاهد تنزّل شعری هستیم. این مسئله، مسأله ظرفیّت روزگار است و اقتضای زمانه، به طوری که دورانی که ما الآن در آن هستیم، معطوف به ندای شعر نیست. ملت‌ها و استعداد و زبان‌ها، دیگر از طریق شعرخودشان را ابراز نمی‌کنند.

زبان هنر و زبان تصویر به صورت سینما و تئاتر و امثال‌آن وارد میدان شده است و مقداری از بنیه‌ای که صرف شعر می‌شد، صرف این مسائل می‌گردد. به این جهت، شعر در دوران ما چندان خود را در جایگاه مناسبی نمی‌بیند. البتّه شعر هست، ولی مانند گذشته پاسخ‌دهنده به نیاز عاطفی خواننده نیست.

عکس ها سخن می گویند/ ۱۵

اجابت

عکس: رئوف محسنی/ مهر

خدایا! نمی‌دانم کجاهستی و به حرف کدامین بنده‌ات گوش می‌کنی. فقط می‌دانم جایی نیست که نباشی. می‌دانم که خواست هیچ بنده‌ای از تو پوشیده و پنهان نیست. گوش‌های تو تیزتر و شنواتر از آن است که سخنان من به آن نرسد. خدایا! دستانم را به رویم می‌گیرم تا غیر از تو، از آنچه می‌گویم، چیزی نشنوند و ندانند. خوش ندارم بدانند که غم و اندوهم چیست و حاجتم چه! هرچه باشند، مخلوقند و تو خالقی! در را پشت سر می‌بندم و به سمتی می‌ایستم که می‌گویند سوی توست. راه توست و قبله‌ات. ولی می‌دانم که تو در یک سوی نیستی. تو در همه سوی‌ها هستی! بگذار کمی راحت‌تر حرف بزنم. من دنبال یک راه هستم. راهی از من به سوی تو، از زمین به آسمان. در جستجوی یک راه باریک هستم که قلبم از آن عبور کند و به تو برسد. در جستجوی خطی هستم که مرا به تو پیوند زند، آنگونه که موج را به دریا پیوند می‌زند و صخره را به کوه و قطره را به اقیانوس. خدایا! من در طلب خط و خطوطی هستم که مرا به تو متصل کند و آن را حس کنم. حس کنم که تو هستی و خدای منی و می‌دانی آنچه را که دوست دارم و می‌خواهم. ای خدای بزرگ! من آنقدرها درک و سواد ندارم که حرف‌های عرفانی بزنم. فهم و درکم آنقدرها بالا نیست که بتوانم مثل بنده‌های مخصوصت حرف دلم را بزنم! تنها چیزی که من از تو می‌خواهم این است که با راهی و آهی و خطی و نقشی به آستان تو راه داشته باشم. این دعایم را اجابت کن!

نمای نزدیک

۲ ـ ایرج آدیگوزلی

نوشتن با خود کاریک؛ خاطرات علی‌اکبر رفوگران

ملاقات با تاج

علی اکبر رفوگران

پدر من نامش علی بود. در بازار به او می گفتند حاجی میرزاعلی تحریریان. ۸۴ سال عمر کرد. یک فردِ مذهبی بدون تعصب بود. دستگاه‌های موسیقی را خوب می‌شناخت و از صدای بسیار خوبی برخوردار بود. خیرخواهی و بی‌ریائی و مردم‌دوستی و گذشت او در بازار و بینِ اقوام زبانزد بود.

همواره چهره‌اش دَر مقابل دیدگانِ من و یادش در دلم زنده است، او حتی در رویاهای شبانه‌ام حضور دارد. می گویند خواب عکس‌العمل و مرور امیال و خواسته‌های خودآگاه و ناخودآگاه آدمی است. هرچه هست برای من پدیده‌ای دلپذیر است. سعی می کنم یادبودهایی را تحریر نمایم که در آن پدر نیز نقشی داشته باشد که شما عزیزان با خواندن آنها برای هر دوی ما طلبِ مغفرت بنمائید.

یک بار که پدر با دوستانش در شیراز بود همراهش بودم. بر مزارِ حافظ تفألی زد و غزلی را در دستگاهِ شور به آوای بلند نغمه‌پردازی کرد. به ناگهان از یک قسمتِ دیگر باغ آوای خوشِ دیگری برخاست. مدتی با هم سؤال و جواب کردند یعنی به اصطلاح: یک دهن پدر می خواند و یک دهن آن مردِ خوش‌صدا. پس از پایان آواز، آن مرد به اتفاقِ همراهانش نزدیک ما آمدند. معلوم شد تاج اصفهانی از خوانندگانِ مشهور آن زمان است. از پدر سؤال کرد که چه کسی است و کجا تعلیم دیده، و پدر جواب داد که: کاسب است و استادی نداشته و خودآموز است. «تاج» بسیار تعجب کرد.

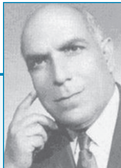
پدر که سوادِ قدیمی داشت و قرآن و مثنوی مولانا را خوانده بود و خوب می‌شناخت و خوب می‌خواند، می گفت:

> **پدرم دستگاه‌های موسیقی را خوب می‌شناخت و از صدای بسیار خوبی برخوردار بود: خیرخواه و بی‌ریا**

به درس خواندن خیلی علاقه داشته ولی بعد از فوتِ پدرش عمویش یک شب به خانه آنها آمده و از او که مشغولِ حاضر کردن دروس مدرسه‌اش بوده می‌پرسد که چه می‌خوانی؟ و او پاسخ می‌دهد که جبر حاضر می‌کند. عمو پرخاش کرده می‌گوید غلط کرده‌ای که می‌خواهی جبری بشوی! حق نداری از فردا مدرسه بروی. و چنین می‌شود که او می‌رود بازار و نزدیک هفتاد سال در گوشه‌ای از بازار به نام دالان امین‌الملک ـ همان بازاری که پدرش و عمویش بودند و دو برادرش نیز کاسبی می‌کردند ـ به کاسبی می‌پردازد. او هرگز رنجی را که از ترکِ تحصیل کشید فراموش نکرد، آنچنان که من نیز چنین بودم.

جَدِّ من با برادر کوچکترش از اصفهان به تهران می‌آیند و در بازار امین‌الملک که بین بازار بزرگ و بازار کفاش‌ها واقع است به اتفاق تاجر اصفهانی دیگری به نام قیصریه به صورت جمع‌المال به کار تجارت می‌پردازند. جدِ من فوت می‌کند. برادرش که عموی پدر من می‌شده با قیصریه اختلاف پیدا می‌کند. کار دعوا به دادگستری کشیده می‌شود. این دعوا نزدیک به سی سال دنباله پیدا می‌کند. عموی پدر من در این فاصله می‌میرد، پسر قیصریه به نام حاجی میرزا علی قیصریه تاجر مهمی می‌شود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ زمانی که ایران در اشغال متفقین بود طرف‌های دعوی که در آن هنگام تعداد زیادی از ورثه دو طرف بودند به عموی بزرگ من حاجی آقارضا عطار وکالت می‌دهند که با حکمیت به دعوا خاتمه بدهد. عمو حاجی آقارضا اموال باقی‌مانده را تقسیم می‌کند. به ورثه قیصریه سبزه میدان را به اضافهٔ املاک دیگر می‌دهد.

جلال‌الدین تاج اصفهانی



تاج اصفهانی

خداوند پسری به شیخ اسماعیل واعظ اصفهانی که به تاج الواعظین معروف بودند فرزندی عطا کرد که نامش را جلال گذاشت.شیخ اسماعیل پدر جلال علاوه بر منبر گرم و گیرایی که داشت از حنجره یی داودی و صدای دلنشین نیز برخوردار بود و طبق مرسوم زمان بر اثر حشر و نشر با مردم اهل ذوق زمانش با گوشه‌ها و ردیف‌های آوازی ایران نیز آشنایی پیدا کرده بود.جلال فرزند شیخ اسماعیل هم،صدا و حنجره را از پدرش به ارث برده بود و این موضوع را اهل خانواده همه می‌دانستند ولی جلال به احترام پدر هرگز جلوی او دهان باز نکرده بود و پدر از صدای خوش فرزندش خبری نداشت. عاقبت زمان مدرسه رفتن جلال رسید. پدر او را به مدرسه ((علیه)) سپرد.این مدرسه در بازارچه رحیم خان در نزدیک مسجد رحیم خان واقع بود و با منزلشان فاصله‌ای نداشت.در مدرسه به خاطر صوت خوشی که جلال داشت مکبری و موذنی و قرائت قرآن را به او واگذار کرده بودند.

تاج اصفهانی در سال ۱۲۸۲در اصفهان متولد شد. پدرش شیخ اسماعیل معروف به تاج‌الواعظین بود که تا حدی با دستگاه‌های موسیقی ایران آشنایی داشت. تاج در ده سالگی نزد پدر و استادانی چون سید عبدالرحیم اصفهانی، نایب اسدالله، میرزا حسین ساعت ساز (خضوعی)، میرزا حسین عندلیب و حبیب شاطر حاجی به دانش اندوزی پرداخت. وی به اشعار سعدی علاقه زیادی داشت و گزیده‌هایی از اشعار سعدی و دیگر شاعران را حفظ بود و در هنگام اجرای آواز به مناسبت زمان و محیط از آن اشعار استفاده می کرد.

او از همان سال ۱۳۱۹ همکاری با رادیو را آغاز کرد و از ۱۳۲۸ به همکاری با رادیو اصفهان پرداخت. تاج ضمن خوانندگی، سرپرست نوازندگان رادیو اصفهان گردید. وی در رادیو اصفهان به اجرای برنامه‌هایی با تار اکبرخان نوروزی و برنامه آموزش گوشه‌های دستگاه‌های موسیقی ایرانی پرداخت.[نیازمند منبع] او چندی بنا به ارشاد قطب السادات، نزد شیخ خزعل راه یافت و پس از فروپاشی دستگاه شیخ، به رشت، تهران و اصفهان سفر نمود و در اصفهان ساکن گردید. از ماندگارترین آثارش می توان به آتش دل اشاره کرد.

از جمله شاگردان او محمدرضا شجریان، علی‌اصغر شاهزیدی، سید رضا طباطبایی کربکندی، علیرضا افتخاری، مرتضی شریف، ناصر یزدخواستی, رضا قرنیان اصفهانی و حمیدرضا نوربخش و معین را می توان نام برد.

تاج اصفهانی در ۱۳آذر ماه ۱۳۶۰ بدرود حیات گفت. آرامگاه او در تخت فولاد قرار دارد.

یاد

محمدعلی فروغی



کمال‌الملک/۲
آنگونه که من دیدم

و نویسندهٔ روزنامه در آنوقت میرزا علیمحمدخان دایی (خال) میرزا ابوتراب‌خان بود که بعدها مجیرالدوله لقب گرفت و در شرح‌حالی که در روزنامه از او نگاشته، سن او را هنگام وفات بیست و هشت ساله نوشته و اگر این درست باشد چون کمال‌الملک به تصدیق خودش یک سال از برادرش کوچکتر بود باید در حدود سال ۱۲۸۰ متولد شده باشد. در اینصورت چون وفاتش در ۱۲۵۹ واقع شد سنش نزدیک به هشتاد سال قمری بوده است، ولیکن در زمستان ۱۳۵۳ قمری که در نیشابور به ملاقاتش رفتم گفت نزدیک نود سال دارم ولی مکرر گفته که من سالی به دنیا آمده‌ام که ناصرالدین‌شاه در تابستان در سلطانیه اردو زد و می‌دانم که ناصرالدین‌شاه دو سفر به سلطانیه رفته، یکی در ۱۲۶۹ و دوم در ۱۲۷۵.

پس در صورتی که نشانی کمال‌الملک از ولادتش درست باشد اگر سفر اول بوده سنش هنگام وفات نود سال بوده است نه آن زمان که به من میگفت. و اگر در سفر دوم بوده از هشتاد و چهار سال قمری بیشتر عمر نکرده است و در هر حال خود او در باب سنش به اشتباه بوده و آنچه در روزنامهٔ شرف در باب سن میرزا ابوتراب‌خان نوشته شده نیز صحیح نیست، زیرا که اگر آن درست باشد چون کمال‌الملک چندین سال قبل از آن، نقاشباشی و پیشخدمت‌شاه شده بود مستعد است که در آن سن کم این امتیازات به او نسبت داده شده باشد و اگر هم در کودکی به کسب آن زمانها امتیازات و مناصب بزرگ می دادند کمال‌الملک که فقط از جهت هنرمندی مورد توجه شده، از آن جمله نبوده.

از این گذشته من به یاد دارم که کمال‌الملک از حاجی میرزا حسینخان سپهسالار سخن می‌گفت که او را در عمارت گلستان دیده بود و او در ۱۲۹۹ در مشهد وفات کرده است و اگر روزنامهٔ شرف را مأخذ بگیریم می‌بایست کمال‌الملک وقتیکه به خدمت شاه راه یافته منتها هفده سال داشته باشد و این محال است.

و همان اوقاتی را که من به یاد دارم و در حدود سی سال داشت کسانیکه می‌شنیدند که او نقاشباشی و پیشخدمت شاه است تعجب می‌کردند که به این جوانی به این مقام رسیده است. پس کمترین سنی که بتوان برای او قبول کرد هشتاد و چهار سال قمری است و یقیناً از نودسال هم بیشتر عمر نکرده است.



پس از فوت میرزا ابوتراب‌خان آمیزشِ پدرم با نقاشباشی بیشتر شد، چنانکه غالباً شبها یا روزهای تعطیل با هم بودند و به اتفاق دوستان دیگر وقت می‌گذرانیدند.

در سال ۱۳۰۸ قمری پدرم به جرم قانون‌خواهی پیش ناصرالدین‌شاه مقصر شد و تقریباً چهل روز در خانهٔ مرحوم امین السلطان متحصن بود و ما پریشان‌حال بودیم. در آن ایام که بعضی از دوستان از نزدیک شدن به ما احتیاط می‌کردند نقاشباشی بی‌ملاحظه به خانهٔ ما می‌آمد و مهربانی می‌کرد و از این جهت دوستی فیمابین محکمتر شد و پس از آن موقعی که پدرم از نوازشهای او و سپاسگزاری می‌کرد به یاد دارم که او اظهار شرمندگی کرد و گفت: من مرید شیخ سعدی‌ام که فرموده است: جوانی پاکباز و پاکرو بود... و این قطعه را تماماً از حفظ خواند تا انجا که چنین کردند یاران مهربانی....

کسانی که با کمال‌الملک نشست و برخاست کرده، دیده‌اند که چه اندازه خوش‌معاشرت و خوش‌صحبت بود و چه مضامین شیرین می‌گفت: و چه تشبیه‌های دلنشین می‌نمود. قصه‌های بامزه که یا می‌ساخت یا واقع بود به نحو دلپسند حکایت می‌کرد و همه متضمن نکته‌سنجی در احوال مردم و حکم تئاترهای اروپایی داشت، حتی تقلید اشخاص را درمی‌آورد. موسیقی هم می‌دانست و غالباً به آواز مترنم می‌شد و گاهی در آواز تقلید از حاجی حکیم آوازه‌خوان ناصرالدین‌شاه‌می‌کرد که به شیوهٔ مخصوص بود و در ضمن خواندن حرکات و اشاراتی داشته است.

> **کمال الملک قبول کرد که پیش او مشق کنم و چند فقره سرمشق مدادی برای من ساخت**

مختصر مصاحبت او بسیار بهجت‌زا بود، حتی سالهای آخر عمرش تا چه رسد به زمان جوانی که دل و دماغ داشت. شعردان و شعرشناس هم بود از فردوسی و سعدی و حافظ شعر بسیار می‌دانست و وقتی در زمانهای قدیم به یاد دارم که از لیلی و مجنون مکتبی با شور و ذوقی تمام داستان پوست پوشیدن مجنون را از برمی‌خواند ولیکن در پیری ارادتش به حافظ بیشتر بود و خودم از او شنیدم که می‌گفت از این پس سر و کار من از نقاشها با رامبران و از شعرا با حافظ خواهد بود.

پدرم در ضمن تربیت من میل داشت از نقاشی هم بی‌بهره نباشم، پس کمال الملک قبول کرد که پیش او مشق کنم و چند فقره سرمشق مدادی برای من ساخت که هنوز دارم و پس از آنکه قدری پیش رفتم یک صفحه نقاشی آب و رنگ که صورت باغبانی را ساخته بود و بسیار چیز نفیسی بود به من بخشید و بعدها وقتیکه مدرسهٔ نقاشی دایر شده بود آنرا از من گرفت که وادارد شاگردها از روی آن مشق کنند و پس بدهد.

در مدرسه آن صفحه را دزدیدند و کمال‌الملک از این بابت از من اظهار خجلت کرد و گفت عوض آنرا به شما خواهم داد، اما میسر نشد و من هم نخواستم پرمزاحمتش فراهم کنم، بعدها کارهای سوزن‌دوزی که از روی آن ساخته بودند نزد بعضی از خانمها دیدم.

در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه کمال‌الملک میل کرد زبان فرانسه بیاموزد، عصرها که از کار موظف فراغت می‌یافت به منزل ما می‌آمد و درس می‌خواند و چون من خود مشغول تحصیل بودم و اوقات فراغتم کافی نبود به کسان دیگر از جمله اوانس‌خان مساعدالسلطنه نیز رجوع می‌کرد، چنانچه بعد از دو سه سال یک اندازه به زبان فرانسه آشنا شده بود. روزی حکایت کرد که امروز شاه به نقاشخانه آمد و به کارهای من رسیدگی کرد، پهلوی دست من کتاب فرانسه دید پرسید چیست گفتم فرانسه می‌خوانم تعجب کرد و به همراهان گفت ببینید نقاشباشی چه همتی دارد، با آنکه احتیاجی به فرانسه‌دانی ندارد در این سن درس می‌خواند و این جز از غیرتمندی چیزی نیست.

ناصرالدین‌شاه درسالهای آخر سلطنت خرجش افزون و خزانه‌اش تهی شده از اینرو خدمتگزاران را در عوض مال بیشتر به امتیازات و القاب راضی می‌کرد، از جمله وقتی خواست دربارهٔ نقاشباشی التفاتی بکند یک گل کمر مرصع به او عطا کرد. در همان اوقات عید و سلام پیش آمد نقاش باشی گل کمر را بسته به حضور شاه رفت. شاه متوجه شد و اشاره به گل کمر کرد بنابر اینکه اصحاب ناصرالدین‌شاه همیشه می‌خواستند او را مسرور کنند نقاش باشی عرض کرد قربان بدبختی را چه دیده‌اید پیش از اینها که من زیر لباس جز چیزهای زشت کثیف نداشتم، خیاط چون سرداری برای من می‌دوخت چنان تنگ بود که هرچه آن را می‌کشیدم که کثافات زیر را بپوشاند به هم نمی‌آمد حالا که به من گل کمر مرحمت فرموده‌اید و می‌خواهم به همه کس بنمایم، سرداری را چنان فراخ دوخته است که هرچه می‌خواهم دامنم پس برود باز روی هم می‌آید و گل کمر را پنهان می‌کند. شاه مبلغی خندید و این نمونه ایست از صحبت‌هایی که درباریان در حضور شاه می‌کردند، ولی اگر همه از این قبیل بود خوب بود و غالباً به ذکر قبایح می‌گذشت.

وقتی ناصرالدین شاه برای مشغولیات هوس کرد خود نقاشی کند و پرده‌ئی از آب و درخت سبزه کشید و آن پرده باید اکنون در عمارات سلطنتی باشد. آن اوقات شبی کمال‌الملک حکایت کرد که امروز شاه مشغول نقاشی بود و دماغ داشت و با من مزاح و ضمناً ملاطفت هم می‌کرد، از جمله گفت حالا دیگر من خود نقاشم و به تو اعتنایی ندارم. من گفتم چه فرمایشی است من به موجب فرمان همایونی نقاشباشیم و همه نقاش‌های زیردست من‌اند حالا که شما هم نقاش شده‌اید از اتباع من محسوب می‌شوید چگونه می‌توانید به من بی‌اعتنائی بکنید.

از قصه‌ها که گمان می‌کنم هیچکس نداند این است که شبی کمال‌الملک برای پدرم حکایت کرد که امروز من در حضور شاه تنها بودم و شاه صحبت از نقاشی می‌کرد. ضمناً از تقاضاهای رجال دولت از جهت مناصب و امتیازات و نشان و غیرها عصبانی بود. قلم آهنی و کاغذ گرفت و با مرکب جوهر صورت مردی را ساخت که جبهٔ مرصع و نشان و حمایل و تمثال عصای مرصع و هر قسم امتیازی گرفته، چنان‌که تمام بدنش از امتیازات پر بود و باز امتیاز خواسته و شمشیر مرصعی گرفته و چون دیگر جایی در بدنش باقی نمانده شمشیر را به خود فرو برده است و آن تصویر را کمال‌الملک همراه داشت و به ما نشان داد.

تاریخ

۳ ـ منصوره اتحادیه

نجم‌السلطنه و فرزندانش

نامه‌ای به برادر



نجم‌السلطنه

مصدق السلطنه با ضیاءالسلطنه دختر امام جمعه ـ که مادرش نوه دختری ناصرالدین شاه بود ـ ازدواج کرد. ضیاءالسلطنه زنی سازگار، مهربان، وفادار و استوار بود که در کنار تمامی گرفتاری‌های بعدی همسر ایستادگی و مقاومت کرد.

دختر سوم نجم‌السلطنه، آمنه دفترالملوک که به او دفتری می گفتند و همان‌طور که قبلاً اشاره شد از طفولیت نامزد فیروزمیرزا نصرت‌الدوله پسر ارشد فرمانفرما بود. از زمان بچگی صحبت عقد آنان در میان بود و نجم‌السلطنه در نامه‌هایی که به کرمان در ۱۳۱۱ق، به فرمانفرما می‌نویسد به این مسئله اشاره دارد. به همین سبب فرمانفرما در آن سال خواهرزادهٔ خود را به عقد پسرش درآورد و مجلس عقد آنها را قبل از اینکه رهسپار مأموریت کرمان گردد در تبریز برپا کرد. میرزاآقای مجتهد عقد را جاری نمود.

نصرت‌الدوله و دفترالملوک درآن هنگام صغیر بودند و چنانچه در آن دوران مرسوم بود، زن و شوهر خردسال زندگی خود را در منزل پدرشان ادامه می‌دادند، تا به سن ازدواج برسند و بتوانند با هم کانون خانوادگی را پی‌ریزی کنند. بدون شک بچه‌ها به هم انس و الفت داشتند، چنانچه زمانی که فرمانفرما در تبعید بود و عزت‌السلطنه و بچه‌ها پس از چندی روانهٔ عراق شدند، دفتری خیلی گریه کرده بود و وقتی دفتری خبردار می‌شود نصرت‌الدوله را به فرنگ خواهند فرستاد بازهم بسیار گریه کرده بود. چنانچه نجم‌السلطنه در نامه‌ای به فرمانفرما نوشت: «نمی دانم چه کاغذ[ی] برای دفتری نوشته است که ننه آقای پیره‌زن می گفت خانم دفتری خیلی گریه می کند. دلم به احوال این‌ها سوخت که از حالا باید غصه بخورند به خیال، گفتم یقین نوشته می‌روم فرنگستان برای این است غصه و گریه».

قبلاً اشاره شده که فرمانفرما وقتی در عراق بود تصمیم گرفت پسران ارشد خود را برای تحصیل روانهٔ فرنگ کند و ظاهراً نجم السلطنه نپسندیده بود، ولی بعداز مدتی نصرت الدوله به کرمانشاه نزد پدر باز می گردد و مسئلهٔ عروسی او در ۱۳۲۲ از سر گرفته می‌شود. نامهٔ یکی از پیشکاران فرمانفرما در این‌باره موجود است که جالب توجه می‌باشد و نشان می‌دهد که این ازدواج بر چه اساسی از سر گرفته شد و با این که والدین عروس و داماد خواهر و برادر بودند و بین آنها الفت و صمیمیت بسیاری وجود داشت، ولی مسائل مالی مربوط به ازدواج فرزندان جای خودش را داشت.

قربان حضور مبارکت شوم.در مسئلهٔ آمدن نواب والا نصرت الدوله شرحی مرقوم فرموده بودید، این بنده در نوکری همه قسم حاضرم، اما حضرت علیه نجم السلطنه دامت شوکتها فرمایشی می‌فرمایند درست و به قاعده. عقدی به مبارکی شده. هیچ حرفی درآن عقد نیست و لیکن صورت اشیایی مرقوم فرموده‌اند به مهر مبارک نو به مُهر مرحوم حاجی میزاد جواد آقا طاب ثراه باید قباله نوشته شود آن اسباب را مرحمت بفرمایید، یا ملکی و آبی در طهران مرحمت شود آن قباله را یا مقرر فرمایید یک نفر از آقایان آنجا وکیل شود و معتبر کند. ولی خود حضرت والا باید قباله را مزین و معتبر بفرمایید، اگر ملک هم مرحمت می‌شود باید به میزان و معادل آن اسباب باشد، یا در همان کرمانشاهان بفرمایید آقایان آنجا قباله را معتبر کرده بفرستند، نواب نصرت الدوله هم در اینجا امضا کند یا وکالت‌نامه از آنجا بفرستید آقایان طهران عمل را صحیح کنند، هر کس از آقایان طهران که حضرت والا معلوم می‌فرمایید و وکالت‌نامه در آنجا مرقوم داشته و بفرستید و صورت اسباب هم مرقوم نمایید که در اینجا عمل ختم شود و قباله را بنویسند در سه دانگ قیصرآباد را هم در قباله قید کنند و از بابت اسباب هم هرچه رأی مبارک تعلق گرفته زودتر مرقوم فرمایید که این عمل بیش از این تعویق نماند.

کتاب

محمد صادقی



«رفته بودم به سفری چهار روزه، برای تحقیقات میدانی، اما به سبب بیماری چهار روز تحقیقات میدانی تبدیل شد به تحقیقات درونی در بستر!در درونم با هم وطنانم بحث‌های زیادی کردم و پس از چهار روز به این نتیجه رسیدم، که ما خیلی کمتر از آنی که می‌دانیم، با یکدیگر بیگانه هستیم. واقعا تلون بیداد می‌کند. من بچه دهه ۳۰ قرن بیستم هستم. ما از نیمه قرن بیستم شروع کرده‌ایم به شناخت خودمان... در حالی که با یکدیگر بیگانه‌تر از پیش بوده ایم، قرن بیستم تمام شده است. حالا چند سالی هست که برای فاصله گرفتن از یکدیگر مسابقه گذاشته‌ایم. و در این میان شعارزدگی به بیماریمان دامن زده است...»

نگاهی به کتاب

ناتنی‌ها

نوشته: پرویز رجبی

کتاب «ناتنی‌ها» از تازه‌ترین کتاب‌های دکتر پرویز رجبی است که پس از انتشار «دیوارنوشت‌ها» و «کاشان» راهی بازار کتاب ایران شده است. ناتنی‌ها به عبارتی ایران شناسی اجتماعی است، و نوشته‌هایی انتقادیِ ایران شناس برجسته کشورمان را دربردارد... پرویز رجبی دَر سال ۱۳۱۸ و در یکی از روستاهای اطراف قوچان به دنیا آمده، پس از دریافت دیپلم (در مشهد) به استخدام اداره فرهنگ درآمده و مدتی را نیز در استخدام بانک در تهران سپری می‌کند. سپس راهی آلمان می‌شود و در سال ۱۳٤۹ در حالی به کشور باز می‌گردد که دکترای خود را از دانشگاه گوتینگن گرفته بوده است. از کتاب‌های او می‌توان به؛ کریم خان زند و زمانه او، معماری ایران در عصر پهلوی، جشن‌های ایرانی، تاریخ خط میخی فارسی باستان، تخت جمشید بارگاه تاریخ، هزاره‌های گمشده، ترازوی هزار کفه، سفرنامه اونور آب، سده‌های گمشده و... و از ترجمه‌های اش به کتاب‌هایی همچون؛ کویرهای ایران نوشته سون هدین، مارکوپولو در ایران اثر آلفونس گابریل، شهریاری ایلام اثر والتر هینتس، سفرنامه نیبور نوشته کارستن نیبور، ماه عسل ایرانی اثر ویلهم لیتن، از زبان داریوش نوشته‌هاید ماری کخ، یافته‌های نو اثر والتر هینتس و...اشاره کرد. در ادامه این نوشتار بخش هایی از کتاب تازه دکتر رجبی با نام ناتنی ها می آید:

ارتباط برق با دانش!

حدود چهارده سال در آلمان زیستم و دو چیز را هرگز تجربه نکردم:هرگز ندیدم که برق برود،هرگز ندیدیم که دانشمندان وقت خودشان را با لشکرانگیزی علیه یکدیگر تلف کنند.

نقد یا قُر

دیروز دوست نازنینی در پای تلفن گفت که من خیلی قُر می‌زنم. البته به شوخی!درست است. من خیلی انتقاد می‌کنم. پس از پنجاه سال قُرزدن! دیگر واقعیت تلخ زندگی ما، کمرنگ بودن مرز میان قُر و نقد است. از همین روی است که نه حنای قرزدن‌هایمان رنگ دارد و نه نقدهایمان. و هنوز به تعریف جامعی در این دو زمینه تعیین کننده دست نیافته ایم. بگذریم از این که ما در تعریف «تعریف» هم خیلی مساله داریم!

به گمانم اصلاح‌های «ابروی بالای چشم»، «گاو نه من شیر»، «دوستی خاله خرسه»، «نه سیخ بسوزد نه کباب»، «تریش قبا»، «نازک‌تر از گل»، «زرورق»، «ملاحظه» و ده‌ها اصطلاح از این دست، نشان می‌دهند که ما چقدر می‌توانیم در گفت و شنود با یکدیگر حیران باشم.

همین است که ما هیچ وقت با نقد میانه خوبی نداشته‌ایم و پنداشته‌ایم که مدعی می‌خواهد از بیخ کند ریشه ما. و کوچک‌ترین نقد را با براندازی یکی می‌دانیم...و می‌خواهیم، در عین گرفتاری و ناله‌های زار، بلبلی باشیم که برگ گلی خوشرنگ در منقار دارد!...همین است که بیشتر وقت شریف ما صرف این می‌شود که چه بگوییم که «طرف» نرنجد!...

همین است که هنوز برای کودکانه‌ترین درماندگی‌هایمان راه حل نیافته ایم. و به هر حرکتی جامه‌ای می‌پوشانیم که «چرکتاب» باشد.و همین است که گاهی می‌زنیم «توخال»!... و یا مشت را چنان گره می‌کنیم که «طرف» ببرد!... یا کاری می‌کنیم که «طرف» زمین گیر شود و از جایش برنخیزد و پیش زن و بچه اش نرود!...امان از این شمشیری که گاهی از رو بسته می‌شود و یا اغلب به ریا در زیر قبا سنگینی می‌کند...و همین است که ما از بام تا شام در هر حال «بردارگذار» هستیم و نبرد... و «رستم دستانمان» آرزوست... آن هم برای زدن یک حرف فلسفی...و همین است که همه جانبازی‌های همه نیاکانمان را فدای به یک موی آرش کمانگیر می‌کنیم... و آن یکی کاوه!...ما هنوز سرگردانان گردنه حیرانیم!...این هم از نقد امشبم.و لابد که به تعبیری: قُر!

انگشت سبابه!

تعداد کشورهایی که در جهان برای تک تک دوره‌های روزگاران گذشته خود، تا اعماق تاریکی‌های تاریخ، حرفی برای گفتن دارند، کمتر از انگشتان یک دست است و در این میان ایران انگشت سبابه است!ایران دفتری است با هزاران ورق و هر ورقش معرفت روزگار. دفتری که هربار که به دستش بگیری، هزاردستانی می‌نشیند روی شانه ات برای حدیث هزار داستان! و دفتر را که ببندی، می‌بینی که هنوز دل نکنده‌ای از وجاهت چشم انداز.در این دفتر هیچ چشم اندازی خالی نیس از روایت و حکایتی. طبیعت به هنر ایرانی فخر می‌فروشد و هنر ایرانی بر طبیعت کرشمه و ناز! و آبادی را با بیابان الفتی است مهرانگیز، از قدیم.

توفان‌های روزگاران بسیار روفته است از یادگارهای هنرمندان این سرزمین. اما هرگز توان آن را نداشته است که حجت را تمام کند در برکندن ریشه ما. ازیراست که به هر گوشه‌ای نظری به تصادف که بیاندازی، هنرمندی می‌پرد به میانه میدان، با آستینی پر. اگر چه گاهی با وصله‌ای و پینه‌ای ناشی ازِ گذر زمان.از هیچ کجایی از ایران نمی‌توانی بی خوردن «تلنگری» بر دلت بگذری. هم طبیعت هوایت را دارد و هم هزاران هنرمند گمنامی که هنرشان گمنامی را تحقیر می‌کند. یادگارها را در شهرها کمالی دیگر است و در بیرون از شهرها جلالی دیگر. اما زیبایی هم جلال دارد و هم کمال.

ما با هنر خود به زیبایی چنان وجاهتی بخشیده‌ایم که در هر هوایی جلوه‌ای دیگر می‌فروشد و هوایی می‌کند هر بیننده را، تا دل نتواند کندن از سرزمین پیشه وران مهرآفرین.

ایرانی در سرزمین خشک و بیابانی خود هرگز تسلیم خشکی و بیابان نشده است و همواره خشکی و بیایان بوده است که مقهور پردیس‌ها و گلدسته‌های ما شده است و ما توانسته‌ایم هم بر خشکی چیره شویم و هم با پردیس‌ها و گلدسته‌هایمان شهره آفاق باشیم.ایران در میان کشورهایی که از نظر عظمت طبیعت و هنر و فرهنگ حرفی بسیار برای گفتن دارند، به اندازه پنج انگشت یک دست نیستند، انگشت سبابه است! این سبابه به تک تک ایرانی ها هم اشاره دارد. این انگشت را، تا دیر نشده است، جدی بگیریم و ناتنی نیانگاریم.فرصت، با هر روزی که سپری می‌شود، تنگ‌تر می‌شود.

سوء استفاده رئیس اقامت!

خاطره تلخی دارم از سوء استفاده رئیس اداره اقامت شهری که در آلمان مقیمش بودم. او به خوبی پی برده بود که ما ایرانیان با یکدیگر ناتنی هستیم!این خاطره حتما برای خوانندگانم هم تلخ خواهد بود. اما می‌خواهیم در این جا یک جامعه شناسی خودمانی داشته باشیم. من در آلمان در شهری زندگی می‌کردم با ملیت‌های گوناگون. باید بگویم که ایرانی‌ها از همه ملیت‌ها محبوب‌تر بودند و با سوادتر. روزی به رئیس اداره اقامت، که درباره پناهنده‌ها بحث داشتیم، گفتم: «آقای گرابوفسکی، وقتی که شما به پناهنده‌ای کمک می‌کنید، از کجا می‌فهمید که طرف مستحق است یا نه»؟

گرابوفسکی گفت: «ما در این شهر با حدود پنجاه ملیت سر و کار داریم. در میان تمام این ملیت‌ها جاسوسانی حقوق بگیر داریم. از خودشان». گفتم: «میان ایرانی‌ها هم جاسوس دارید»؟ گفت: «نه! چون ایرانی‌ها وقتی که این جا پیش ما می‌آیند، خودشان همیشه چند نفر را لو می‌دهند. مفت و مجانی»! با تاسف فکر کردم به «باباکرمی» که ایرانی‌ها یکی از شب‌های پیش، پس از خوردن نان و نمک، با هم رقصیده بودند. آی کلک! آی بدجنس! آی حقه باز!..

مردم دیگرجاهای جهان معمولا از کلک برای رساندن مسافران از کرانه رودخانه و یا دریاچه‌ای کوچک به دیگر کرانه آن استفاده می‌کنند. یا برای گردش و یا برای رساندن بر سر کار و بازگرداندن به آغوش خانه و خانواده.ما هنگامی که به نشاط می‌آییم کودکانمان را «شیطون»، «حقه باز»، «بدجنس» و «کلک» می‌نامیم! بچه‌هایمان هنوز زبان بازنکرده به این اصطلاح‌ها خومی گیرند و اگر بخواهیم به راستی سوار کلکشان بکنیم، می‌توانند ناخودآگاه واهمه داشته باشند!این هم فن آوری دیگری است از تلاش ما برای آفریدن ناتنی ها! کتاب فروش‌ها هم می‌توانند خاطره‌های شیرینی داشته باشند. کتاب فروشی تعریف می‌کرد، یک روز که بازهم بازار کسادی داشتم و با همکارم درباره پرورش شترمرغ صحبت می‌کردیم، مردی وارد شد و سفارش سه متر کتاب داد. با تعجب پرسیدم، منظورش چیست؟ با خونسردی گفت، همسرش تلفن زده است و سفارش خرید سه متر کتاب را برای قفسه‌های خالی دکور چوبی سالن پذیرایی داده است. و بعد این مشتری نازنین یک چک پول پانصدهزار تومنی گذاشت روی پیشخوان و گفت که دو ساعت دیگر برای تسویه حساب می‌آید و آدرس می‌دهد تا کتاب‌ها را برای همسرش بفرستیم!کتاب فروش می گفت، در حالی که با نشاطی پنهان چک را از روی پیشخوان برمی داشتم، گفتم:

حاجی نکنه مهمون دارین؟مشتری هم در حالی که دکان را با شتاب محسوسی ترک می‌کرد، گفت:ای همچین. همسرم دوره داره و عصری نوبت ماس!

توانا بود هر که دانا بود...

این روزها رویکرد چشمگیر به فردوسی و شاهنامه او و ما ایرانیان مرا سخت به یاد نخستین باری انداخته است که با نام فردوسی آشنا شدم.

در کلاس اول دبستان و ماه‌های آغاز کلاس دوم در گوشه تابلو مدرسه‌ام که بزرگ‌تر از قدم بود می‌خواندم: «توانا بود هرکه دانا بود»، که نه معنای آن را می‌دانستم و نه کنجکاویم چندان بود که از کسی چیزی بپرسم. اما در همان کلاس دوم کم کم متوجه شدم که این نوشته در گوشه کتاب درسیم و در روی جلد برخی از دفترهایم نیز آمده است.

پس از گذشت چند ماه دیگر، گویا نزدیکی‌های ثلث سوم کلاس دوم بود که هم به معنی این نوشته پی برده بودم و هم دانسته بودم که هزار سال پیش شاعری به نام فردوسی آن را سروده است. و شعرهای بسیاری دیگر را.

پیداست که دیگر دانش آموزان هم سن من هم چند ماه زودتر یا دیرتر از من با نام فردوسی آشنا شده بودند... این آشنایی خیلی آسان انجام گرفته بود. و امروز این باور را دارم که در هیچ کجایی از گیتی، کودکان هفت هشت ساله شاعری هزار ساله را از میهن خود نمی‌شناسند و نیم بیتی از سروده‌های او را ازبر ندارند.

و امروز افسوس می‌خورم که چرا این نیم بیت از تابلوهای آموزشگاه‌ها و روی جلد کتاب‌ها تبعید شده است.

یتیمی از غرب

مونرو نام دختر استثنایی و یتیم است که در ۹ سالگی به یک یتیم‌خانه سپرده شد به اجبار در سن ۱٦ سالگی ازدواج کرد. در سالهای جوانی به عنوان یک کارگر در کارخانه اسلحه‌سازی کار می‌کرد که یک عکاس وی را همانجا دید و کشف کرد. او به علت زیبایی خیره کننده‌ای که داشت به سرعت به یکی از چهره‌های مشهور و محبوب تبدیل شد و به اوج قله‌ها رسید.

مونرو در روز ۱۱ ژوئن سال ۱۹۲٦ در لس‌آنجلس به دنیا آمد. در ۹ سالگی به یتیم‌خانه سپرده شد و دو سال در آنجا بود، سپس در ۱٦ سالگی دوباره مجبور شده به یتیم خانه بازگردد. برای نجات از یتیم‌خانه در ۱٦ سالگی با گریس مک‌کی که کارگر کارخانه بود، ازدواج کرد. پس از اینکه مدتی مدل عکاسی و نقاشی بود، بعد از چند بازی در نقش‌های کوچک به خاطر زیبایی، استعداد طنزآمیز و توانایی بازیگری‌اش، توانست به یکی از مشهورترین ستارگان سینما، نماد زیبایی قرن بیستم تبدیل شود. مونرو پیش از ورود به سینما، مدل عکاسی و سپس مدل نقاشی به نام ارل مورن شد. او در سال ۱۹٤٦ اولین قرارداد بازیگری را با کمپانی فاکس قرن بیستم بست و نام مریلین مونرو را در این زمان برای خود برگزید.در سال ۱۹۵۵ با آرتور میلر نمایشنامه‌نویس معروف ازدواج کرد. مریلین مونرو جوان در سال‌های آخر زندگی با شکست‌هایی مواجه شد و به افسردگی شدید دچار شد، در سال ۱۹٦۱ از آرتور میلر جدا شد و یک سال بعد درگذشت.زندگی او روی پرده، یک زندگی رویایی بود که سینما ساخته بود، اما در دنیای واقعی مشکلات و تفاوتهایی داشت که مردم از مرلین مونروی انتظار نداشتند.

هنر

۴

حمید مجتهدی

با خاطرات علی اکبر صنعتی

چهرهٔ خیالی پدر و مادرها



مرحوم صنعتی

«همان سال، چند روزی مانده به رسیدن سال نو، به فکر افتادم برای قدردانی از محبت‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ ولی‌نعمت خودم ـ مرحوم حاجی ـ به عنوان هدیه نوروزی، یک نقاشی زیبا برای او بکشم. همه ساله اول روز نوروز، با بچه‌های یتیم‌خانه می‌رفتیم خدمت مرحوم حاجی؛ سال نو را تبریک می گفتیم. او هم به هر کدام از ما یک قران عیدی می‌داد. ظهر هم نهار در خدمتش می‌ماندیم و بعد به یتیم‌خانه برمی گشتیم.

من، اما نمی‌خواستم در عید نوروزی که داشت نزدیک می‌شد، مثل سایر بچه‌ها دست خالی خدمت مرحوم حاجی بروم. خیال و غرور کودکانه من، مرا واداشت که به عنوان یک نقاش، یک نقش زیبا و آراسته بکشم و به مرحوم حاجی هدیه کنم.

هفته آخر اسفندماه نشستم به کشیدن نقاشی دو دست که شاخه‌های گل سرخ را در میان داشتند. خیلی روی ظرافت انگشتان و لطافت گلها و گلبرگ‌ها کار کردم. به گونه‌ای که در باور آنروزم احساس می‌کردم، هیچ تفاوتی با دسته گلی تازه چیده شده از گلستان پرگل ندارد.

سرانجام روز اول نوروز فرا رسید و با بچه‌های یتیم‌خانه خدمت مرحوم حاجی رسیدیم. نقاشی را با شوق تقدیم حاجی کردم. خیلی برایش اعجاب‌برانگیز بود. مرا بسیار مورد تحسین و تشویق قرار داد. بعد به نشانه قدرشناسی، به جای یک قران، یک تومان به من عیدی داد. درست ده برابر عیدی سایر بچه‌ها. گفت سیدعلی‌اکبر این یک تومان عیدی تو نیست؛ دستمزد نقاشی تو است. مرحوم حاجی با این کرامت و بخشش، نخستین تابلوی نقاشی مرا خرید. او اولین مشتری دوستدار ذوق و هنر من گردید.

> **یکی پدرش را در یک توفان داغ ریگزار کویر از دست داده بود؛ دیگری مادرش را، آل جگرخوار کشته بود، و از این قبیل حکایات**

یک تومان را در جیب گذاشتم و با غرور بسیار رفتم پیش بی‌بی، یکجا آنرا به بی‌بی پیشکش کردم. حال، بی‌بی چقدر خوشحال شد، بماند.

تابستان آمده بود. مدرسه را هم تمام کرده بودم. برای خودم احساس شخصیت و غرور می‌کردم. می‌دیدم همه مرا به عنوان سیدعلی‌اکبر نقاش می‌شناسند. دیگر کشیدن منظره، کوه و دشت، گل و پرنده راضی‌ام نمی‌کرد. می‌خواستم با نقاشی، دردِ نهانِ دل خودم و یارانم را آشکار کنم. نقاشی به من آسودگی می‌بخشید، آرَامم مَی کَرد.

دیگر بعد از گذشت شش سال، من و سایر بچه‌ها از عالم کودکی فاصله گرفته بودیم. باهم درد دل می‌کردیم. هرکسی قصه زندگی خودش را ـ شبها تا قبل از خواب ـ تعریف می‌کرد. قصه‌هایی که اغلب خیالی بود و ساختگی، یکی پدرش را در یک توفان داغ ریگزار کویر از دست داده بود؛ دیگری مادرش را، آل جگرخوار کشته بود، و از این قبیل حکایات.

نقاشی‌های من در آخرین تابستان ماندگاری‌ام در یتیم‌خانه در خدمت به نقش درآوردن قصه زندگی برادران یتیمم درآمد. افسوس که هیچکدام از این نقاشی‌ها در دسترس نیست؛ تا حتی خودم بدانم تا چه حد موفق بوده‌ام. اما همینقدر می‌دانم، وقتی چهره خیالی پدر یا مادر هریک از بچه‌های یتیم‌خانه را می‌کشیدم، اغلب به گریه می‌افتادند. انگاری بعد از سالها با پدر یا مادرشان را ملاقات کرده‌باشند. چهره خیالی نقاشی شده را می‌بوسیدند، حتی زیر متکایشان می‌گذاشتند و شب با خیال آسوده به خواب می‌رفتند.

این احساس، گاه آنقدر صادق بود، که بعضی از بچه‌ها ـ صبح که از خواب بلند می‌شدند ـ با خوشحالی و شَعف بسیار سراغم می‌آمدند که سیدعلی‌اکبر! دیشب پدرمان به خوابمان آمده بود. درست مثل همانی بود که تو کشیده بودی.

راستی که نیروی اعجاب‌برانگیز و والای هنر را ببینید، که حتی به منِ نقاش تعلیم ندیده و خام، چنان نیروی بخشیده بود که می‌توانستم با هر چِرخش دستانم، غم غریب یتیمی را آرام‌آرام از دلهای غمگین و افسرده یارانم جارو کنم.

زبانزد

منیره طباطبایی

«ب»

با این ریش می‌روی تجریش؟

- *بـا آن زبان خوشـت یا پـول فراوانـت یا راه نزدیکت؟
- *با آن که بدی کرد نکویی می‌کن.
- *با آن‌که خداوند رحیم است و کریم/ گندم ندهد بار چو جو می‌کاری.
- *با آن که خصومت نتوان کرد بساز.
- *با آن که در صلح زند جنگ مجوی.
- *با آن همه هوش و بوشت پاشنه نداردکوشت.
- *با ادب باش تا بزرگ شوی.
- *با ادب را ادب سپاه بس است.
- *بی‌ادب با هزارکس تنهاست.
- *با اگر و مگر کار درست نمی‌شود.
- *با اهل زمانه صحبت از دور نکوست.
- *با اهل هنر جهان به کین است.
- *با ایشالاّ و ماشالاّ کار درست نمی‌شود.
- *با این ریش می‌روی تجریش؟
- *با این شکستگی ارزد به صدهزار درست.
- *با این همه خرپیاده رفتن غلط است.
- *با این همه مستی زتو هشیارتریم.
- *با باد شمالی شمالی است، با بادجنوبی جنوبی!
- *بابام چارده شتر داشت، نی‌می‌زد و اسفناج می‌کاشت!
- *بابام سیرش را کوبیده!
- *بابای من مرد، حالا خواه از تب گرم خواه از تب سرد!
- *با بخت جدل نمی‌توان کرد.
- *بـا بدان بدباش با نیکان نکو/جای گل گل باش جای خار خار.
- *با بداندیش هم نکویی کن.
- *دهن سگ به لقمه دوخته به.
- *با بدان سرمکن که بدگردی.
- *با بدان کم‌نشین که درمانی/خوپذیر است نفس انسانی.
- *با بدان کم‌نشین که صبحت بد/ گرچه پاکی تو را پلیدکند.
- *با بد بجز بدی نکند چرخ نیلگون.
- *بـا بزرگ و کوچک مـزاح نباید کرد که بزرگ کینه‌ور گردد و کوچک دلیر شود.
- *با بلای آسمانی پنجه کردن مشکل است.
- *با پای راه بروی کفش پاره می‌شود با سرکلاه.
- *باپری در شیشه‌کردن دیو را انصاف نیست.
- *با پول روی سبیل شاه نقاره می‌زنند!
- *با تن‌ها باش و تنها باش.
- *با توباشـم درست شـش دانگم/بی‌تو باشم از آسیابانگم.
- *با توکّل زانوی اشتر ببند.
- *با چرخ ستیزه چون توان کرد.
- *بـا چنین خوردن و چنان آروغ/کی بری رخت خویش بر عّیوق .
- *با حرف خر از آسمان جو نمی‌بارد.
- *با حمله شمال چه تاب آورد چراغ؟
- *با خبرباش که سر می‌شکند دیوارش.
- *با خدا باش ، خدا با تو است.
- *با خداباش و پادشاهی کن.
- *با خدا دادگان ستیزه خطاست.
- *با خدا دادگان ستیزه مکن.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲شهریور ۱۳۵۰، (برابر با ۲ رجب ۱۳۹۱، ۲۴ اوت ۱۹۷۱) نقل شده است

رفتار مأموران پلیس کنترل میشود

مأموران مخفی در خیابان‌های تهران پلیس راهنمائی و رانندگان اتومبیل‌ها را کنترل میکنند. این مأموران به پلیس و رانندگان نمراتی میدهند که بعد مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

امروز همچنین اعلام شد که افسران و افراد پلیس در کلاس‌های فشرده تعلیمات لازم را برای چگونگی راهنمائی توریست‌ها و اشخاصی که هنگام برگزاری جشنها به ایران خواهند آمد می بینند.

یک مقام پلیس تهران امروز به اطلاعات گفت برای ارزیابی کار مأموران پلیس راهنمائی مأموران مخفی در خیابان‌های تهران کار آنان را زیر نظر خواهند گرفت و به آنها نمراتی خواهند داد. مأمورانی که بهترین نمرات را بگیرند از طرف شهربانی تشویق خواهند شد.

ملاک ارزیابی کار پلیس راهنمائی در این موارد چگونگی انجام وظیفه و طرز برخورد با رانندگان است.

مأموران مخفی همچنین طرز برخورد رانندگان را با پلیس زیر نظر خواهند گرفت و گزارش‌های لازم را در مورد آنان تهیه خواهند کرد.

از فردا همچنین پسترهای تبلیغاتی پلیس تهران برای بهبود امر رانندگی در تهران منتشر میشود، در این پسترها پلیس از مردم خواسته است که مقررات را هرچه بهتر رعایت کنند.

۱۱ گوسفند در تور ماهیگیری!

صیادی که تور ماهیگیری خود را برای صید در رودخانه کرخه انداخته بود، به جای ماهی، «گوسفند» صید کرد!

بنا به گزارش خبرنگار ما در بستان: این اتفاق هنگامی روی داد که گوسفندان شخصی به نام «عبد کعبی» از رودخانه کرخه عبور می کردند که ناگهان یازده رأس از آنها میان تور ماهیگیری که برای صید به رودخانه انداخته شده بود گیر کردند. تلاش برای نجات گوسفندان به جایی نرسید و هر یازده رأس در آب خفه شدند.

در حادثه دیگری که در نزدیکی آذرشهر روی داد ۱۲ رأس گوسفند دیگر تلف شدند.

خبرنگار ما از تبریز گزارش داد: کامیون شماره ۱۹۱۶۳ که از عجب‌شیر به تبریز گوسفند حمل می کرد، در نزدیکی آذرشهر به علت روبرو شدن با یک موتورسیکلت سوار و انحراف واژگون گردید و در نتیجه ۱۲ رأس از گوسفندان از بین رفتند. در این حادثه به کامیون نیز خساراتی وارد شد.

همکاریهای جهانگردی ایران و یوگسلاوی

صبح امروز آقای سیروس فرزانه معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان جلب سیاحان به اتفاق آقای مهدی بهره‌مند معاون سازمان بنا بدعوت وزیر جهانگردی یوگسلاوی به آن کشور عزیمت کرد.

سرپرست سازمان جلب سیاحان در مدت اقامت خود در یوگسلاوی ضمن بازدید از مراکز توریستی آن کشور مذاکراتی بمنظور توسعه همکاریهای جهانگردی میان دو کشور با وزیر جهانگردی و سایر مقامات ذیربط آن کشور بعمل خواهد آورد.

رئوس مطالبی که در این مذاکرات مورد توجه قرار خواهد گرفت بررسی امکان اهداء بورسهای تحصیلی در زمینه جهانگردی، مبادله اطلاعات، نشریات، کارشناسان جهانگردی و گروههای جهانگردان و هنرمندان خواهد بود.

ترتیب مسافرت مدیران آژانسهای مسافرتی، خبرنگاران و نویسندگان دو کشور برای تبلیغ و توسعه جهانگردی بین ایران و یوگسلاوی و همچنین مبادله تجربیاتی که در زمینه‌های مختلف جهانگردی بدست آمده است از جمله مطالبی است که مورد گفتگو قرار خواهد گرفت.

اجتماع معروفترین فیزیک‌دانان لیزر در اصفهان

یک سمپوزیوم بین‌المللی درباره پایه و کاربرد فیزیک «لیزرها» با شرکت بیش از ۷۰ تن از معروفترین فیزیکدان‌های لیزر جهان از هفتم تا چهاردهم شهریور ماه جاری در اصفهان تشکیل خواهد شد.

این سمپوزیوم زیر نظر دانشگاه صنعتی آریامهر و با همکاری دانشگاه‌های ام ـ آی ـ تی آمریکا و اصفهان، در دانشگاه اصفهان برگزار میشود. بانی و رهبر این سمپوزیوم پروفسور علی جوان استاد دانشگاه ام‌ـآی‌ـتی میباشد که مبتکر و مخترع لیزر گازها است.

امروز اعلام شد: بیش از ۷۰ تن از فیزیکدانهای مشهور جهان که همگی متخصص در رشته «کوانتوم الکترونیک» و رشته‌های هم‌بسته به آن هستند از ۱۷ کشور جهان برای شرکت در این سمپوزیوم به ایران می آیند.

شهرداری اراضی بلاتکلیف را تصرف میکند

مدیرکل سازمان ممیزی و درآمد نوسازی امروز با خبرنگاران مصاحبه کرد. وی اعلام داشت که شهرداری تکلیف آن قسمت از اراضی تهران را که نه ساختمان اساسی دارد و نه باغ شهری است بموجب مقررات قانون نوسازی مشخص خواهد کرد.

باستناد ماده ۱۱ قانون نوسازی اگر تا مدت یکسال مالکان این قبیل اراضی به شهرداری مراجعه نکرده و قیمت املاک خود را به شهرداری اعلام نکنند، شهرداریها این قبیل املاک را تصرف خواهند کرد.

اقدام شهرداری در این مورد یک اقدام قانونی است و املاک بلاتکلیف بموجب مقررات آئیننامه معاملات شهرداری و براساس قیمت منطقه‌ای فروخته شده و پس از برداشت مطالبات شهرداری مانده بحساب سپرده در بانک ودیعه گذارده خواهد شد.

اگر مالکان این اراضی در مدت ده سال برای وصول مطالبات خود به بانک مراجعه نکنند تمام قیمت ملک بسود شهرداری برداشت خواهد شد.

مدیرکل سازمان ممیزی گفت: افرادی که عوارض خود را محاسبه کرده نو به بانک پرداخته اند در صورت اضافه پرداخت مانده پول بایشان مسترد خواهد شد. در حال حاضر واحد ممیزی از طریق نشر در جراید و الصاق در نواحی شهرداری و ارسال بوسیله پست نتیجه ممیزی را به اطلاع مودیان رسانده و برای آن عده نیز که از پرداخت عوارض معاف میباشند اظهارنامه فرستاده شده است.

قاب زندگی



ماهیگیر اندونزیایی به دنبال روزی خود از دل دریا / منبع: National geography

امروز با سعدی

هرکسی را هوسی در سرو کاری در پیش
منِ بیکار، گرفتار هوای دل خویش
هرگز اندیشه نکردم که تو با من باشی
چون به دست آمدی ای لقمهٔ از حوصله بیش
این تویی با من و غوغای رقیبان از پس
وین منم با تو گرفته ره صحرا در پیش
همچنان داغ جدایی جگرم می‌سوزد
مگرم دست چو مرهم بنهی بر دل ریش
باور از بخت ندارم که تو مهمان منی
خیمهٔ پادشه آنگاه فضای درویش
زخم شمشیر غمت را ننهم مرهم کس
تشت زرینم و پیوند نگیرم به سریش
عاشقان را نتوان گفت که بازآی از مهر
کافران را نتوان گفت که برگرد از کیش
منم امروز و تو و مطرب و ساقی و حسود
خویشتن گو به درِ حجره بیاویز چو خیش
من خود از کیدِ عدو باک ندارم، لیکن
کژدم از خبث طبیعت بزند سنگ به نیش
تو به آرام دل خویش رسیدی، سعدی
می‌خور و غم مخور از شنعت بیگانه و خویش
ای که گفتی به هوا دل منه و مهر مبند
من چنینم، تو برو، مصلحت خویش اندیش

داستان کوتاه

راز جنگجوی پیر

جنگجوی بزرگ و قدرتمندی در زمان‌های قدیم زندگی می کرد که علیرغم پیر شدنش می توانست همچنان به خوبی بجنگد و تمامی مدعیان را شکست دهد. شهرت او حتی به سرزمین‌های دور هم رسیده بود و تعداد زیادی از علاقه‌مندان به هنرهای رزمی برای آموزش نزد این جنگجوی پیر می آمدند. روزی خبر رسید که جنگجوی بی نامی به روستای محل اقامت استاد آمده و می خواهد با او دست و پنجه نرم کند. گفته شد که این جوان جنگجو دارای قدرت خارق‌العاده‌ای است و می تواند بلافاصله نقطه ضعف رقیب را تشخیص و با بی رحمی و سرعت برق‌آسا حریف را شکست دهد. بسیاری از شاگردان با شنیدن این خبر نگران شدند و به استاد پیشنهاد دادند که این مبارزه را قبول نکند، اما استاد می خواست که مبارزه کند. روز موعود فرا رسید. جنگجوی جوان به محض ورود به میدان اقدام به فحش دادن به استاد کرد و زباله و خاک به سوی او انداخت. او تمامی ناسزاهای دنیا را نثار استاد کرد. ساعت‌ها گذشت و جنگجوی جوان همچنان فحش می داد، اما استاد با آرامش و متانت فقط نگاه می کرد. جنگجوی جوان که خسته شده بود، شکست را پذیرفت و با احساس شرمندگی میدان را ترک کرد. هنرجویان دور استاد حلقه زدند و از او پرسیدند که چگونه حریف را شکست داد؟ استاد این جمله را گفت و رفت: «اگر کسی هدیه‌ای به شما داد، پیش از اینکه آن را قبول کنید سعی کنید متوجه شوید که این هدیه به چه کسی تعلق دارد. فحش‌ها هم هدیه‌هایی بودند که او می خواست به من تقدیم کند اما چون متعلق به من نبودند از قبول کردن آن‌ها سرباز زدم.»

مترجم: آرش میری خانی
منبع: ummah.com

امروز در تاریخ

شهر قزوین قتلگاه خاندان صفوی!

۲۴ آگوست ۱۵۷۷ میلادی، شاه اسماعیل دوم از سلسله صفوی که نوشته‌اند مردی سفاک بود و شهر قزوین را به قتلگاه خاندان صفوی و رجال وقت تبدیل کرده بود، ناگهان درگذشت. در توطئه‌های وقت، یک شاهزاده خانم صفوی به نام پریخان خانم دست داشت. اسماعیل دوم قبل از شاه شدن در زندان بود دو سال سلطنت کرد. وی جانشین شاه طهماسب شد که ۴۳ سال سلطنت کرده بود. شاه طهماسب بود که پایتخت را به شهر قزوین منتقل کرد.

کاخ سلطنتی قزوین (پایتخت وقت ایران) در سالهای ۱۵۷۶ و ۱۵۷۷ به صورت لانه توطئه‌های مرگبار «پریخان خانم» در آمده بود که طبق برخی روایات، پدرش شاه طهماسب را هم در ۱۵۷۶ مسموم کرده بود. همین پریخان خانم که زنی جاه‌طلب بود فقط یک روز به حیدر میرزا برادر خود که برجای پدر نشسته بود امکان سلطنت داد و درنخستین شب سلطنت او را مسموم کرد تا شاه بعدی، فرد مورد نظر او باشد.

پس از مرگ ناگهانی و مشکوک شاه اسماعیل دوم مقامات دولت و فرماندهان واحدهای قزلباش برادرش محمد را که قبلا به دستور شاه اسماعیل دوم کور شده بود به سلطنت رساندند تا کسی مانع سوءاستفاده ایشان از قدرت نشود. کار خودمختاری قزلباش به جایی رسیده بود که زن شاه (مادر شاه عباس) را که مانع ادامه فساد اداری می‌شد کشتند و جسدش را در بیابانهای قزوین قطعه ـ قطعه کردند و به همین سبب، شاه عباس که در هرات بود با لشکر خراسان به قزوین آمد و بر ضد پدر کودتا کرد و سپس دست به اصلاحات اداری و نظامی زد و با ایجاد یک ارتش ملی برای ایران، قزلباش را که یک قشون متعلق به چند ایل و طایفه بود مرخص کرد. شاه عباس بعدا پایتخت را از قزوین که در آنجا مادرش را کشته بودند به اصفهان انتقال داد.

یک روز پیش از تعرض به ایران

دوم شهریور ۱۳۲۰، یک روز پیش از تعرض نظامی انگلستان و شوروی به ایران که طراح آن انگلیسی‌ها بودند، تهران هنوز در بی خبری و ابهام بود؛ فقط ریدرز بولارد سفیر انگلستان در تهران و آندره اسمیرنوف سفیر شوروی (که به تازگی به این سمت منصوب شده بود) و چند نفری از رجال سیاسی و مقامات نظامی که با انگلستان مربوط بودند یا این که در طول چند هفته پیش از آن تطمیع شده بودند از نقشه تعرّض خبرداشتند. اسمیرنوف حتی شایعه تعرض نظامی را رسماً تکذیب کرده بود.

در این روز (دوم شهریور) واحدهای نظامی شوروی پشت خطوط مرزی ایران در شمال، و نیروهای انگلیسی در عراق (در مجاورت مرزهای غربی ایران) مستقر و آماده دریافت دستور حمله بودند. نگرانی چرچیل نخست وزیر وقت انگلستان از این بود که اگر برنامه همکاری مقامات «تطمیع شده» ایران طبق نقشه عملی نشود از چند هزار نظامی عمدتا هندی در حمله به ایران کاری ساخته نخواهد بود و در این صورت آلمانی‌ها همه تلاش خود را بکار خواهند برد تا با گرفتن قفقاز به کمک ایران برسند.



یک دسته از ژنرالهای ایران در زمان تجاوز نظامی، که وطن انتظار جانبازی از آنان داشت!

در آن روز نیروهای آلمان با پیشروی در خاک شوروی به اواسط اوکراین رسیده بودند. آلمان به نقشه انگلستان و شوروی مبنی بر حمله به ایران پی برده بود، ولی این دولت هم نمی خواست با انتقال این خبر از مجاری رسمی به تهران، مقامات ایران را دچار ترس و شتابزدگی کند. آلمانی ها که شناخت کمتری از روانشناسی و شرح احوال رجال وقت ایران داشتند باور نمی کردند که چند مقام نظامی بدون نظر شاه، ارتش ایران را مرخص کنند و وجدان را زیر پا نهند و وطن را بی دفاع رها سازند!



و دسته‌ای دیگر از ژنرالها، که پس از اشغال نظامی وطن هم مقام و منزلت را از دست ندادند!

دکتر نوشیروان کیهانی زاده www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است وامروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون های حل جدول سودو کو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۹۸۳

۳				۹	۱	۷		
	۹		۷		۳	۱	۴	
۷	۸							۶
		۳	۲	۴				۹
۶	۲			۷		۵		
		۸	۱	۵	۶		۳	
	۱					۹		۴
۵			۸			۲	۱	
۴	۶				۲			

حل جدول شماره ۹۸۲

۵	۶	۷	۹	۳	۸	۲	۱	۴
۴	۳	۸	۱	۵	۲	۶	۹	۷
۹	۱	۲	۶	۷	۴	۸	۳	۵
۶	۹	۱	۳	۴	۵	۷	۸	۲
۷	۴	۳	۲	۸	۱	۹	۵	۶
۸	۲	۵	۷	۹	۶	۳	۴	۱
۳	۷	۶	۴	۱	۹	۵	۲	۸
۱	۸	۹	۵	۲	۷	۴	۶	۳
۲	۵	۴	۸	۶	۳	۱	۷	۹

دشوار ۳۰۶

۲		۵	۶	۷			۱	
	۹		۸			۳		۷
۷		۲	۳		۸	۵		
	۴		۵					۳
۳				۱	۴		۷	
			۲		۶			
۴							۳	
	۷				۳			۸

حل جدول شماره ۳۰۵

۲	۱	۷	۴	۹	۶	۵	۸	۳
۶	۳	۴	۸	۵	۷	۱	۲	۹
۸	۹	۵	۳	۲	۱	۶	۴	۷
۵	۲	۳	۹	۱	۴	۷	۶	۸
۱	۴	۸	۷	۶	۲	۳	۹	۵
۷	۶	۹	۵	۸	۳	۲	۱	۴
۹	۷	۲	۶	۳	۸	۴	۵	۱
۳	۸	۱	۲	۴	۵	۹	۷	۶
۴	۵	۶	۱	۷	۹	۸	۳	۲